

و است تا هر چه از خیر و شر بر سر فرزند آید و بچش نکند یا مضرتی و گزند یا بوی برزند و در جوار او در
 و شتر را ملک است و وجه که او گفت چون مومنی خوابی بیند یا ویزا خواب بیند واجبست دانستن
 این استیک بهره شادی برگیرد و از خواب بدختر کند یعنی بدعا و عبادت و صدقات مشغول شود و اگر
 الله الله علیه که بد که مرتبه این علم و علمهای دیگر چنانست که هر که علمی طلب کند از اصلش نکرد و قیاس تغییر
 برین آن معلوم نکند مگر این علم از اصل نکرد و از احوال مردم بهیات و صفت و قدر و دیانت و همت و ارادت
 با اختلاف وقتها همیکرو و زیرا که وقتی تغییرش با اصل باید کرد و وقتی بصددگاه از بهر مردمان باشد و گاه از بهر مردمان
 احلام یعنی خوابهای شوریده و بدانکه هر علمی که علمی دارد مستغنی باشد از علم دیگر الا معتبر باشد که تغییر
 هر کتاب و صطفی علیه السلام و امثال اشعار عرب و عجم و نواد و اشتقاق لغت و الفاظ متداوله یعنی که از یک
 و لطیف و ادیب باشد و شمایل و احوال مردم نیکشناسد بقیاس و علم اصول نیک اندویدیم
 خواهد تا او را بکرم خویش راه نماید و بر زبانش صلاح و صواب را ند و انجیر با حق سبحانه و تعالی کسی
 حرام خوردن و از سخنهای نابکار و دور باشد و از معاصی احتراز نماید تا در سبک الکلماء
 بنشیند این شد پس بر خردمندان واجب باشد دانستن علم تعبیر و شناختن قوانین
 مگر آن قوم را که حق جل و علا در شان ایشان گفت اولئک
 اعلم بالصواب فصل اول در شناختن مزاج خوابها
 خواب از بخارهای تر متحدث
 گشته و مفضل شود و در خوابها



بودی و در چه اندیشه خفتی تا بیان تعبیر کند یا کسی که بخواب در میان برف و باران و بچ و سرما گرفتار است چون بیدار
 شود جامه خواب از وی دور شده باشد آن سرما بخواب دیدن سبب برینگی باشد و بی جاگی او بود و خواب
 را اصلی نباشد و اگر بخواب بیدار که اندر کار بود یا آفتاب و حرارتی در خود بیند چون بیدار شود جامه بسیار بر خود
 پیچیده باشد و آن گرمی یافتن سبب جامه بسیار بود که بر خود پیچیده باشد و اگر کسی بیدار که از طبع می نالد و در روی
 در اندام وی افتاده بود و بر آن بخود میداشت و همان در و دار و آنچه در خواب بیند که بول میکرد چون بیدار شود بیدار
 که در جامه خواب بول انداخته بود و یا بول بروی غالب شده باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد فصل ششم
 در دانستن تفاوت میان خوابها و تفضیل خواب هر کسی این سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از
 دو حال بیرون نیست یا مومن است یا کافر این اصل را چهارده نوع است نوع اول خواب پادشاهان
 دوم خواب قاضیان سوم خواب مفتیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب ازادگان ششم خواب بندگان
 هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان و دهم خواب فاسقان یازدهم خواب ثوالمکه
 دوازدهم خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نابالغ و ازین جمله خواب
 پادشاهان راست تر و درست تر است و گفته اند که خواب پادشاهان را بر دیگران چندان فضیلت است
 که پادشاهان را بر رعیت جایز و سبانه و لقا جل و علا پادشاهان را بر گزیده و سرور می داده و خلق فرموده اند
 وی بجا آوردن قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر من
 و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود من اطاع الامیر فقد اطاع به الله و وسوکه پس هر چه
 خوابیکه پادشاه عادل مصلح بیدار آن خواب معز و پادشاه را نزدیک بود و خواب پادشاه نزدیک تر
 او درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب دیگران زیرا که عدل و انصاف و نظر
 و کارهای خاص و عام بستان و کشاون با مورخلایق همه از قاضیان بود و خواب فقها را فضیلت است
 بر خواب عوام چه ایشان دانا اند باصول فقه و حده و مسلمانی و فرائض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان
 بتوان دانست و خواب ازادان را فضیلت است بر خواب بندگان از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا
 و نسب داده است ایشان را بر بندگان و خواب علماء افضل از برای آنست که حق سبحانه و تعالی ایشان را بر
 و توفیق داده است تا خلق را بر راه راست آرند و بجزایات و طاعات رغبت نمایند و خواب بنده خداوند
 را منفعت دهد که بنده را از آن نصیب باشد و خواب مردان را بر زنان فضیلت است از برای آنکه باری
 سبحانه و تعالی ایشان را بر گزیده بر زنان و بچند چیز زحمان داده تفضیل نهاده و قوله تعالی الرجال قوامون
 علی النساء و پیغمبران را علیه السلام فرستاده همه مردان بودند و جای دیگر فرمود قوئل و امی اتان من

و گفت که خواب دیدم که بانگ نمازی گفتم گفت ترا بد زدی متهم کنند شاگردان گفتند که این دو خواب می
داشت که بانگ نمازی گفتند چگونه تعبیر این مخالفت کند گفت از سیاهی صلاح دیدم گفتم که چنانچه می
و آذین فی الناس بالبحر یا نؤک رجلا و در آن دیگر سیاهی اهل فساد دیدم مخالفت در تعبیر گفتم که ترا بد زدی
قوله تعالی فَاَذِّنْ مُؤَذِّنٌ آيَاتِهَا الْعِزَّةَ لَكَ لَسَارِقُونَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید که وقتی باش
بیند و تاویل آن هم در آن روز باشد و خوابی اندر شب بیند و تاویل آن کیسان باشد و خوابی در شب بیند و تاویل آن
نشش ماه باشد و وقتی باشد که خوابی بیند که بیست سال درست شود و باشد که تا چهل سال بکشد چنانچه
المؤمنین حسین رضی الله عنه و آن چنان بود که رسول صلی الله علیه و سلم خواب دید که سکی خون و می
بعد از چهل سال در سبی آن خواب پدید آمد که او را شهید کردند جابر مغربی رحمه الله علیه گوید که تاویل خواب
از خواب روز باشد و خوابی که اول شب بیند درست نباشد اکثر اکثر اندیشه و اشتغال خوابی که در نیم شب بیند
از قسم صفات و احلام بود پس درست تر خواب سحرگاه بود زیرا که خواب سحرگاه فرشته مقرب از لوح محفوظ
بنماید ازین سبب تاویلش درست و راست بود آن سیرین رحمه الله علیه گوید خوابیکه در اول شب بیند تاویلش
بر پنج سال پدید شود و اگر میان شب بیند تاویلش بر پنجاه پدید شود و اگر در سحرگاه بیند تاویلش تا ده روز
شود علی الجمله هر چند که شب بر روز نزدیکتر بود خواب درست تر و دورتر بود تاویل آن فضل هشتم در دینستن
زجر تا بر سحر راست آید و انبیا علیه السلام گوید هر که خوابد که تعبیر خواب کند ناچار است از آنکه علم زجر کو فال را
استادان قدیم را بود نیک بدانند چنانکه اگر کسی از وی تعبیر خواب پرسد باید که معبر نام سائل پرسد اگر نامش نیک
باشد دلیل بر نیک کند چنانکه محمد و احمد و حسین و فضل و سبیل و بشیر و حبیب و محبوب و آنچه بدین مانند دیگران
و دلالت بر خیر و فرج بود بر آنکس که رسیده اگر نام بخلاف این بود دلیل کند بر شر و اندوه که بر و رسد و چون سائل از
تعبیر خواب پرسد معبر در آن زمان پیش اسپ یا ستر یا خربند بداند که خوابش پسندیده و نیک باشد و نیز برین
خواب سحر کند خاصه که اسپ و ستر یا زین و لکام ببیند قوله تعالی وَالْجَحْلُ وَالْإِغْثَالُ وَالْجَمْرُ لَوْ كُنْتُمْ
بِزِينَةٍ و اگر سائل از وی تعبیر خواب پرسد و از زمان کلاغ ستر یا بانگ کند دلیل بر خیر و نیک کند و اگر کلاغ دو بار
بانگ کند دلیل بر بدی بود که بوی برسد جابر مغربی رحمه الله علیه گوید شخصی خوابی می پرسید از عبد الله بن عباس
رضی الله عنه در آنحال کلاغی بپاید و بر دیوار خانه نشست و دو بانگ کرد و عبد الله بن عباس گفت دلیل که
ستورسد هم در آنشب دزدی بخانه وی رفت و سوراخی کرد و هر چه داشت ببرد عبد الله گفت که من با یاران کنم
که اگر کسی تعبیر خواب پرسد و کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر مصرت و زیان بود و اگر چهار بانگ کند دلیل بر خیر
و نیکوئی و اگر پنجاه بار بانگ کند و اگر شش بار بانگ کند نیک باشد این سیرین رحمه الله علیه گوید که بانگ کلاغ

طاق باشد دلیل بر خیر باشد و چون جنت باشد دلیل بر تباهی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مردی بخندد
 به نیت آنکه خوابی به بیند و از انتخاب احوال نیک و بد باز داند اگر در خواب گویند باریه یا کاو یا اسپ و مانند
 این باشد که گوشت و می چیزی خورد و دلیل بر تباهی کار او باشد اگر بیند در بسته از بر او کشادند و باطحا می شیرین
 یافت و خورد و دلیل بر نیکی کند **فصل پنجم** در خوابی که فراموش کرده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید چون کسی
 بر خوابی دیده باشد و فراموش کند و معبر خواهد که خواب او بداند طریق آنست که نامش برسد و حرفهای نامش
 ستار و بحساب بخندد نه از وی بیدار و نگاه کند که چند مانده است مثلاً اگر نه مانده باشد شهر را بخوابید تا او
 بشناسد و کند قوله تعالی وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ شَجَاعَةٌ دَهْطٌ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَكَفَّضُوا
 وَكَرِهْتُمَا مَازَه باشد سفر یا تیر و چرخ دیده باشد قوله تعالی تَمَّانِي حَجَّ فَإِنْ أَمَمْتُ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ
 و اگر هفت مانده باشد و دان یاسکان دیده باشد قوله تعالی يَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَتَأْمِنُهُمْ كَلْبُهُمْ
 و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب ستور باشد دلیل کند که فرشتگان و اهل صلاح را بخواب دیده باشد تا اویش
 تمامی بشغال می باشد و اگر خداوند خواب مضرب بود دلیل کند که دیوان و اهل فساد بخواب دیده باشد دلیل بر تباهی حال
 او کند قوله تعالی خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَلٍ تَرَوْهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ و اگر پنج مانده باشد بیان
 و سلاجه بخواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان و ستارگان بخواب دیده باشد فی رَجْعَةِ آيَاتٍ سَوَاءٌ
 لِلنَّاسِ قُلُوبُهَا و اگر سه مانده باشد دلیل که با کسی کاری گفته باشد مایکون مَحْنٌ مَجْهُوٍ تَلْشَاهُ إِلَّا هُوَ
 و دیگر گفت تَلْشَاهُ آيَاتٍ إِلَّا الْاَکْرَدُ و مانده باشد یا کین لیل که در دین و دنیا منفعت کند ثانی اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا
 فِي الْغَارِ اِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ نَاوِلِش آنست که آنچه میترسد اینم کرد و این سیرین رحمة الله علیه گوید چون
 کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده بود و معبر خواهد که خواب بداند خداوند خواب را گوید دست بر عضوی نه از اعضا
 خویش اگر بر سر بند کوه در خواب دیده باشد و اگر چشم نه چشمه آب شور دیده باشد و اگر بر بینی بند دهن کوه دیده باشد
 و اگر بر چسار بندم غار دیده باشد و اگر بر دامن نه چشمه آب خوش دیده باشد و اگر بر گردش بند شکم و مخاکا دیده
 باشد و اگر بر ریش بند کیا بهادر خواب دیده باشد و اگر بر شکم بند رود خانه در خواب دیده باشد و اگر بر عورت بند
 خرابات در خواب دیده باشد و اگر بر دوش بند کوشک و منظر دیده باشد و اگر بر بازو بند درخت میوه دیده باشد
 و اگر بر گشتان بند شاخهای خور و درخت دیده باشد و اگر بر مقعد بند مبله دیده باشد و اگر از نو بند کربوه دیده باشد
 و اگر بر ساق بند درخت بی بر دیده باشد و آنیال علیه السلام گوید که چون کسی خواب ببیند و فراموش کند از چهار چیز بود
 باشد یکی از بسیاری گناه دوم از گرد و مختلف سوم از ضعف نیت چهارم از خلاف طبع که چون از حال بگرد و لاجرم خواب
 فراموش کند **فصل ششم** در گذاردن خواب بقول جابران کرمانی رحمة الله علیه گوید اهل علم و حکمت چنانند که نمیدانند که

کسی خواب پیش جابل گوید یا تعبیر آن از جابل پرسد و اینکه گویند اگر کسی خوابی دیده از نادانی پرسید و او تعبیر کرده و آنچه
 معبر گفته باشد واقع شود و این محالست زیرا که نمائنده خواب فرشته است و هرگز خطا ناندیشد و آنچه که بدین باشد حق
 بقول نادان باطل گردد و میان عالم و جابل فرق بسیار است **قوله تعالى قل هل يستوی الذین یعلمون**
والذین لا یعلمون و رسول صلی الله و سلم فرمود که استوی العالم و الجاهل و چون نمودار خواب
 است که از لوح محفوظ گفته باشد و اگر بید که خبر خواهد رسید یا شر و هر که که عالم و جابل خواهند که آنرا بگردانند و آنچه رسد
 بود برسد که قضای معلوق بود که بدعا و صدقه دفع شود چون ملک ریان خواب بدید چنانکه حق تعالی فرمود **قل**
اصفحات احلام و ما نحن بآویل الاحلام بعالمین قوم خویش را بخاند و این خواب پرسید و گفت
 تعالی یا ایها المداء افوتی فی رؤیای ان کنتم للزور یا تعبیرون یعنی ای بزرگواران فتوی که
 مرادین خواب قدم او گفتند یا تعبیر این خواب بنیدانیم پس یوسف علیه السلام تعبیر کرد و حدیث هفت ساله قضا بگفت
 بدین عجب دانستیم که هر چند جابلان تعبیر خواب کنند حق باطل نکرده و فصل یازدهم در معرفت خوابها از حال باوقات
 واصناف و مهلات این سیرین رحمه الله علیه که بد خواب باوقات کرد و چنانکه اگر کسی شب خواب ببیند که بر سیلی
 نشسته است دلیل که بزرگی کند و شغلی که او را باشد اندر آن منفعت اندک بود و اگر این خواب بروز ببیند دلیل که بزرگی
 طلاق دهد و اگر شب ببیند که مرغ سگ را بگرفت دلیل که او را با مردی ابله کار افتد و اگر بروز ببیند بیاورد و خوش صواب
 رضی الله عنه که بد که خواب از اصل نکرده و بقدر دین و صنعت و حرفت و کسب کردن چنانکه تاویل همان خواب بر یکدیگر
 عذاب بود **قوله تعالى غلت ایدیهم و لغوا بما قالوا** چون این خواب مردی صالح ببیند دلیل که دست از کفایت
 و کارهای ناسزا بردارد چنانکه محمد بن عبدالغفری روایت کند با سناد درست از عبدالرحمن سلمی که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
 میان ابو بکر صدیق و سلمان پارسی رضی الله عنهما برادری کرده و او و سلمان خوابی دیدم ابو بکر گفت و سبب کار
 از وی دور شد و ابو بکر رضی الله عنه گفت که دست از سر تو کوتاه شد تا بقیامت سلمان رضی الله عنه ازین خواب بد
 عالم را صلی الله علیه و سلم خبر داد و تاویل همان فرمود که ابو بکر رضی الله عنه گفته بود و ابو سلمه رضی الله عنه روایت کرد
 از عطاء بن خباب که محمد بن سیرین رحمه الله علیه که بد که تاویل خواب کسیکه بر منبر و چنین کرد که اگر از اهل صلاح است خبر
 و بزرگی یابد و اگر از اهل فساد است برداشش کنند و در حدیث آمده است که احمد بن سعد روایت کرد از ابو عبید
 که زنی از محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم پرسید خواب دیدم که ستون سقف خانه من بر من شکسته بود و گفت که شوهرت از سفر
 باز آید بار دیگر همین خواب دید پیش ابو بکر رضی الله عنه رفت و از او پرسید گفت شوهرت بمیرد و خواب بر روی کی بود
 اما تا ویلش از اختلاف وقت بگشت و ابو حاتم روایت کند از اصمعی که اشعری پرسید که خواب دیدم که گندم بجو
 فرو ختمی گفت شتر بقرآن بدل کنی و گندم جواز اصل بگردانید از کشتن حال مرد و اگر کسی همین خواب ببیند باشد که صاحب

اسمعی حدیث کرد که مانی رحمه الله علیه گوید هر خواب که در فصل بهار بیند امیدوار باشد و نیکو اما در حکم تاویش
 تا خیر بود و خوابیکه در فصل تابستان بیند حکم تاویش زود تر و قوی تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیند
 تاویش درست نیاید و بر درستی این سخن دلیل آنست که مدی از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید که خواب
 که شنیده از زوجهی بمن داده اند ابو بکر گفت بختا و چوب بر تو زنند در آن هفته بختا و چوب بروی بزود پس همین سال بکر
 خواب دید همان بختا و بکر از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید گفت بختا و هزار درم بتو دهند گفت یا امیر المؤمنین
 سال همین خواب دیدم تاویل آن بختا و چوب بود اما سال بختا و هزار درم مرگفتی از فضل این خیر کن گفت پارسا اصل
 یاران دیده بودی در آنوقت در خمان همه خشک می شدند و بکر میر بخت تاویل آن آن بود و اما سال بهار است و
 در خمان روی باقبال دارند تاویش اینست آنکه در بختا و هزار درم یافت و آنیال علیه السلام کردید که چون کسی در اقبال خواب
 ببیند یعنی از باد و تاخیر و حکم تاویش بر اقبال و نیکوئی باشد و بعد از زوال تا شبگاه دلیل بر شرف و فساد بود و تعبیر آن
 خواب بروی زبرد و برف و باران و بوقت آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید جای مغرب رحمه الله علیه گوید راست
 ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب بر آمدن بیند یا استوار آفتاب خواب نیکو و درست و راست باشد و تاویل آن
 و شکفتن درختان و رسیدن پیو یا خوابهای عظیم نیکو بود و تاویل آن درست آید و خوابیکه در زمستان بیند حکم تاویش
 ضعیف باشد که در زمستان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است **فصل دوازدهم**
 در معرفت شرایط آواب با اهل خواب و آنیال علیه السلام گوید جبر باید که دانا و پارسا باشد و ساکت و عظیم و از خصیان
 دور باشد و بوقت آنکه از وی تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سایل با حقیقت تمام بشنود و بداند که سایل با او
 یا رعیت کمتر است یا ماهر عالمست یا جاهل از او است یا بنده غریب است یا شهری تو آنکه است یا در ویش مرد
 یا زن فارغ دست یا مشغول در تابستان دیده است آن خواب یا در زمستان چون اینها جمله بدانند هر یکی را باقیاب
 عقل چنانکه استادان این علم گفته اند تاویل کند و از خود نکو بدین سیرن رحمه الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم نام چنان
 بود با اینهمه فضل خوابهای که تعبیر آن ندانستی کفایتی و ابو حاتم روایت میکند از اسمعی از ابو المقدم که ابن سیرن از کسی تاویل
 که پرسیدندی یک خواب کفایتی و باقی را تعبیر کفایتی پس معبر باید که اول سخن بیند خواب نیکو بشنود و آنرا تعبیر نیک
 تاویل کند و اگر سخن درست باشد معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تاویل کند آنکه تعبیر کند و اگر سخنی در میان سخن باشد
 آن سخنی را از وی جدا بکنند و بر اصل تاویل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ سبکی که نماند از صفات و احلام است و تاویل
 آن بکشد و اگر تاویل آن پیوسته بروی از آن معنی پرسد از سایل که تنگ و دست یا خوشدل و آنچه از او بشنود بنا بر تعبیر
 خواب بر آن نهند و اگر نتواند گفتن و معبر آن خواب نتواند دانستن بنام تعبیر کند یا بطبیع عبارت و گفتار و روشنی و نیکوئی
 و دروغ و راست و اگر تاویل خوابش بر چیزی بد بود نکوید و بروی پوشیده دارد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اصل خواب است

چیز است یکی جنس دوم صفت سوم طبع و جنس چنان درختان و مرغان بود اینهمه در او میل روان باشد و صفت است
 که معبر بدانند که درخت کدام است و این مرغ از چه جنس است و از چه صفت است و اگر درخت کردگان اقباس بدانند
 که مردی عجمی است زیرا که در عرب درخت کردگان نباشد و اگر مرغ طاوس باشد عجمی بود و اگر شتر مرغ باشد مردی عربی
 بود و طبع آنست که بدانند طبع آن درخت از چه نوع است پس تاویل بر نوع آن درخت کنند اگر درخت کردگان بود مردی توکم
 بود و لیکن بد معالیه و بخیل و شنیع بود زیرا که چون کردگان بجنبانی بانگ کنند و تانگش می نغزش بیرون نیاید و اگر درخت
 خرما باشد کاری اعتبار کند که آسان باشد کثرت طریقه اصلها ثابت و فروغها فی السماء و شجره طریقه
 درخت خرما بود و اگر مرغی باشد که همی پرد باند که این مرد سفر کند پس طبع مرغ نیز نباید دانستن که اگر کلاغ باشد مردی
 بد عهد بود و نیز سینه و خواب باید که مردی راست و بادایانت باشد و هیچ سخن در آنچه دیده باشد زیادت و نقصان
 کند زیرا که همه خواب را زبان آورد و اگر کسی خوابی ببیند و از آن بترسد باید که سته بار آیت الکرسی بخواند و باد بر خوشی تن دهد
 و بگوید اَعُوذُ بِرَبِّ مُوسَىٰ وَآلِ هَارُونَ الَّذِي وَمِنْ شَرِّ الرَّؤُوسِ الَّتِي رَأَيْتُهَا مِنْ مَنَاهِجِي اَنْ تَقْصُرَنِي
 فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَمَعِيشَتِي عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَكَلَّ إِلَهَ عَيْتِكَ پس از آن دو رکعت
 نماز بخواند و صدقه دهد شران بگرد و مغربی رحمه الله علیه گوید ابلیس علیه اللغه در همه خوابها اعتراض کند و همه چیز را
 مانند مکر بخدای عزوجل و فرشتگان و پیغمبران و آسمان و آفتاب و ماه تاب و ستارگان خورد و بداند شبها مانند
 نتواند کردن و اگر در اوقات آن بودی که خود را مانند اینچیز یا نمودی میان خلائق فتنه بگفتی که گاهی خود را بصورت
 پیغمبران نمودی و گفتی که من از تو خوشنودم هر چه خواهی میکنم با دیگر میبکفی که من آفریدگار توام گمانان ترا عفو کردم
 و ترا آمرزیدم و چیز گفتی که بندگان خدا بتعالی عزوجل المکره کردی جعفر صادق رضی الله عنه گوید هرگاه که ابلیس علیه
 اللغه قصد کند که خود را بصورت مصطفی علیه السلام نماید از آسمان آتشی فرو آید و آنرا بسوزاند و صعبترین کار را بر ابلیس
 علیه اللغه آن باشد که دل مومن روشن بود حق تعالی عزوجل را بداند و خوابهای او راست باشد فضل سیزدهم
 در آداب نگاه داشتن بپایل و معبر کرمانی رحمه الله علیه گوید که داشتن معبر آن بود که آستنی و هوشیاری سر بایه خود را
 بوقت سوال تا خواب نیکو بشنود و در یاد و بر دین و مذمب و اعتقاد او واقف گردد تا بداند که سخن او راست است
 که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود اَصْدَقُكُمْ رُؤْيَا اَصْدَقُكُمْ حَدِيثًا هَرَكَةَ رَأْسُكَ رَأْسُكَ خَرَابُ
 او راست تر گوید و جعفر صادق رضی الله عنه گوید واجبست بر مرد عاقل که با طهارت خند و بهنگام خفتن خدای
 تعالی را یاد کند و این دعا وقت خفتن بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ نَفْسَیْ الْبَیَّکَ وَوَجْهَکَ وَجْهَیْ
 الْبَیَّکَ وَفَوْضَکَ الْبَیَّکَ وَکَلَامَکَ ظَهَرَ بَیْ الْبَیَّکَ لَا مَلْجَا مِنْکَ اِلَّا اِلَیْکَ تَبَارَکَ وَتَبَّ
 وَتَعَالَتْ اَنْتَ الْغَنَیُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ اَسْتَغْفِرُکَ وَتَوْبٌ لِّیْکَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا الرَّؤُوسُ صَادِقَةٌ

و

باب بیست و نهم فی غیبه فاسد فی خیر مجرب و افعیه غیر واضحه و چون بجهت بر دست راست بجهت
 و چون بیدار شود و همچنین حق سبحانه و تعالی را یاد کند اگر خواب نیک دیده باشد شکر کند و صدقه دهد و اگر خواب خورده
 دیده باشد عوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید و قل هو الله احد تمام بخواند و با بر سوی دست چپ خویش و بد و گوید
 یا رب تو دانی و من ندانم که اگر خیر است خیر این خواب بمن رسان و اگر شر است شر این خواب از من و از جمله مسلمانان
 دور و از یا حنیف دعوت المصطفین یا الله العالمین و یا ارحم الراحمین و بوقت خفتن و برخواستن
 و ابتداء کار یک گزین دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم الذی لا یصور مع اسمیه شیئی فی الارض
 و لا فی السماء و هو السميع العلیم و اما چون از نماز فارغ شود و در خویش از قرآن و دعوات بخواند آنگاه خیر
 و نزدیک معبر رود باید که وقتی نیک باشد و چون خواب گوید زیادت و نقصان نکوید این سیرین رحمه الله علیه گوید شرط
 معبر آنست که چون خواب شنود با طهارت باشد و اگر کسی دشمن یا باشد از بهر دشمنی خلاف نکوید و شر شخصی که بداند با دیگران
 نکوید مغربی رحمه الله علیه گوید هر که خوابی بنید باید که زیادت و نقصان نکوید و از روغ احتراز کند که در خبر است که خواب
 راست و حقیقی می باشد از حق سبحانه و تعالی و هر که وحی کم و بیش کند دروغ برخی سبحانه و تعالی بسته باشد و خواب فانی
 است میان خدا و تعالی و بنده و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بر من که رسولم دروغ میگوید بر نسبت فساد میکند و اگر
 تباهی بر خود میدید پس هر که خواب دروغ اقرار میکند بقول رسول الله صلی الله علیه و سلم عامی میشود و این دلیل است
 بر نظم و بزرگی خواب و شرط ادب نگا داشتن بر معبر و سایل و جهت فصل چهارم و نهم در معرفت آنکه تعبیر چند
 نوع باشد این سیرین رحمه الله علیه گوید معبر باید که غنچین نام و مقدار و مرتبت و مذهب و سیرت و عقل و فهم سایل عالم
 کند و وقت دیدن خواب که در روز و دیدن یا در شب معلوم کند و نگاه کند که سایل در وقت سوال چه حرکت میکند و خواب
 بر چه نسق میگردد و فصل نام پاری و روز ماه تازی بداند آنگاه آنچه بصواب نزدیکتر باشد تاویل کند و انیال را که چون
 کسی از معبر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای پیغمبران بود از راه رخر فال لیل کند برخیر و بشارت و خورمی
 و اگر نام وی نامی بد باشد دلیل بر شر و فساد کند و انیال علیه السلام گوید خواب در اول روز گشایش نیکو بود که تعلق با فساد
 در اول روز و مشقه تعلق بجاه و دار و نیکو باشد و در اول روز گشایش نیکو بود که تعلق بجاه و دار و نیکو باشد و در اول روز گشایش نیکو بود که تعلق بجاه و دار و نیکو باشد
 تعلق بجاه و دار و قوم هر دو صاحب السر طاکت شدن هم نشاید پرسیدن و در روز خورشید مشترک باشد اول روز خواب
 و لیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز آینه زهره را بود و لیل بر طرب و نشاط و خوشی و عیش و جمیعت خاطر باشد
 مخفی رحمه الله علیه گوید معبر باید که او را تجربه بسیار می باشد و اگر کم از آن خواب چنانکه طلیب را تجربه به بیمار و محالبت او
 حکایت امیر المؤمنین محمدی شبی بخواب دید که روی او سیاه گشته بود چون بیدار شد ترسید و معبر از جمیع کرده خواب
 بگفت در تاویل معبران در ماند و تاویل آن ندانسته ابراهیم کرمانی رحمه الله علیه که استاد معبران بود حاضر آورد و در خواب

خلیفه بشنید گفت ترا و خری آمد معبران گفتند ترا و لیل برین چیت گفت **وَإِذْ ابْتِئَازَ أَحَدُهُمْ بِالْأُخْرَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ**
مُسْوَدًّا و او کلاهش را بر سر او نهاد و او را دید که او را و خری آمده هزار درم و یکبار بر سر هم کرمانی
 نهند حکایت مروی بخواب دید که او را خسی کرد و ندانست که چه کرد و پرسید که روی گفتند این مرد و و بمیرد و دیگری
 گفت از فرزندان جدا کرد و دیگری گفت حده او نقصان کند و دیگری گفت نسل او بریده شود و دیگری گفت زن او طلاق
 دهد پس روزگاری بر نیامد که زن را طلاق داد و فرزندان بر گرفت و غم سفر کرد و در دیار لشتی نشست با دو مخالف
 بر خاست و لشتی غرق شد و در میان دریا ماهی ذکر و خصیتین او بخورد و مال فرزندان او جمله هلاک شدند و بعضی خواب
 چنان آمد که معبران گفته بودند که لای رحمة الله علیه گوید باید که معبر در کوستانها تعقیب خواب کند و سایل در وقت سؤل رست
 گوید که در زندان یوسف علیه السلام گفت **قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ كُنتُمْ تَنَاجَوْنَ** هر دو فال که پرسیدند راست آمد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از چهار کرده خواب پرسیدن روانا شد یکی از بیدستان دوم از زمان سوعم از جابان
 چهارم از دشمنان **فضل** تا نزد هم در دانستن سایل که تعبیر آن مقلوب باشد بدانکه بسیار سایل بود که از سایل پرسید
 که تعبیر آن مقلوب بود چنانکه با بعضی از آن درین فضل بیان کنیم تا بر معلم پوشیده نماند این سیرین رحمة الله علیه گوید که طالع
 در خواب دیدن کارزار باشد و بیداری و کر لیتن در خواب شنادی بود و بیداری و حجامت کردن در خواب قباله کردن
 بود و در و دندان محوی دیدن خود را و لیل کند که در گوش کنند و در خواب خود را و کور و بدن و لیل کند که در دندان کنند
 و بیداری و در خواب خانه خراب شدن و ختران دادن بود و ختران زادن در خواب گشت کردن بود و قوله **تَنَاجَوْنَ** که خوف است که فایده
حَتَّىٰ تَكُونَ أَلْفًا ششم نیک در خواب که پاسبان تنیدن بود و کر پاسبان تنیدن در خواب نیک کردن بود و انجیر خوردن بسیار
 خوردن بود و وسیل بجای آمدن دشمنی بود و بیداری و آمدن هم چیز که نواز نیک باشد که نماند باشد و هر چه که
 در خواب کهن آن بد باشد نواز نیک باشد چنانکه موزه نواز کسی بی سلاح پوشد بد بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با
 سلاح موزه کهن پوشیده بود در خواب و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب خلاصی خرید بد باشد و اگر میفرود
 انیک باشد و اگر کینه میخیزد نیک باشد و اگر میفرودخت بد باشد ازین قسم معکوسات بسیار است اگر حمله را یا کنیم
 کتاب را از کرد و لیکن شرح هر یکی در موضع خویش بگوئیم انشاء الله تعالی **فضل** شانزدهم در دیدن خدا و تعالی
 و خوششان و پیغمبران علیهم السلام میگوید مصنف این کتاب رحمة الله علیه که استاد این ضعیف بود تا و لیل دیدن
 خداوند تبارک و تعالی و خوششان و پیغمبران در اول کتاب یاد کرده اند بنا برین مقدمه مانیر صواب چنان دیدیم
 که در اول کتاب یاد کنیم تا لیل بنا خوا بهای دیگر بر نسق حروف مجسم بترتیب چنانکه در دیباچه ذکر کردیم باز نمایم تا استخراج
 آن بر خواننده آموزنده آسان کرد و تا و لیل دیدن خداوند تبارک و تعالی و انبیاء علیهم السلام که دیدن بر بنده مؤمن که خدا
 تعالی عزوجل با در خواب بیند چون و چگونه در اخبار آمده است دلیل کند که او را دیدار خویش روزی کرد و داند و

و حاجت های او روا کند و اگر چنان بود که ایستاده بود و خدای عزوجل او را میدید دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد
و مغفرت مخصوص گردد و اگر گناهکار بود توبه کند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی با وی سخن
و دلیل کند که آنکس نزدیک حق سبحانه و تعالی گرامی گردد و قوله تعالی وَ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ الْكُبْرَىٰ ۚ وَلَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ الْفَعْلِ الْكَبِيرِ كُنَّا لَنَكْفِيَنَّ عَنْكَ بَاقِي الْآيَاتِ وَلَنَجْزِيَنَّكَ أَجْرًا عَظِيمًا ۚ وَ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ الْفَعْلِ الْكَبِيرِ كُنَّا لَنَكْفِيَنَّ عَنْكَ بَاقِي الْآيَاتِ وَلَنَجْزِيَنَّكَ أَجْرًا عَظِيمًا ۚ
و دلیل که او را درین غلی یا خطائی باشد قوله تعالی وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ۚ وَ اِذْ يَرْفَعُ رَفِيعًا ۚ وَ اِذْ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ وَ اِذْ يُخَوِّلُ الظُّلُمَاتِ النُّورَ ۚ وَ اِذْ يُخْرِجُ النُّورَ مِنَ الظُّلُمَاتِ ۚ وَ اِذْ يُنَزِّلُ الْمَطَرَ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ
در دنیا با وی کار و اگر بیند که خداوند عزوجل او را پند میدهد دلیل کند که رضای خدای عزوجل در آن نبوده و قوله تعالی
يَعْلَمُ الْكِرَامَاتَ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ
که او را بیم گردد دلیل کند بر غضب خدای عزوجل اگر بیند که خداوند تبارک و تعالی ایستاده بود و سر در پیش افکنده دلیل
که غم و اندوه رسد قوله تعالی وَلَوْ تَرَىٰ اِذِ الْمُرْسَلُونَ فَاكُوفًا مُّسْتَمِرِّينَ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ
که اگر بیند که خدایتعالی او را چیزی داد و دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بروی نگارد و اگر بیند که بنظر لطف در وی بدید
و دلیل کند که بهشت و لقای خود او را روزی کند و اگر بیند که او را از مستمع دنیا چیزی داد و دلیل که بیماری سخت کند و از آن
اجر و ثواب یا بد بعضی از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت گردد اگر خدای عزوجل پند اگر کسی او را که بد که این خدا
عزوجل است دلیل که او را بیائشاهی حاجت افتد و اگر بیند که خدای عزوجل برین فرو داد یا در وضعی دلیل کند که اهل
آمنو وضع مظلوم باشند و حق تعالی اهل آمنو ضعیفانست و دهد و اگر در آمنو وضع خطا و تنگی بود بفرایمی مسبل گردد و اگر
اهل آمنو وضع گناهکار و عاصی باشند حق سبحانه و تعالی ایشان را توبه دهد و اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در خانه فرود
می آید بلطف دستی بر سر وی مالید یا او را خلعت پوشانید یا بر کمرش دست بگذارد یا بر پایشانید این همه کرم حق سبحانه و تعالی
ماور دنیا برنج و بیماری بکشد و اگر خدایتعالی را بر مثال نوری بیند چنانکه وصف آن نتواند کرد و آنرا دلیل چشم
و اندوه کند و اگر بیند که خدایتعالی او را نامی دیگر نداد دلیل که شرف و بزرگی کند و اگر بیند که بر وی خشم گرفت
دلیل که زهد و پارسائی یابد و اگر بیند که خدایتعالی او را نزد یک خود خواند دلیل که اجلس نزدیک رسیده باشد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خدا را عزوجل در شهری یاد و بی بیند دلیل کند که آمنو وضع آنرا که مصلح اند و عز
شرف و مرتبت یابند و دست ظلم از آمنو وضع دور شود و قوله تعالی اَللّٰهُ يَخْتَلِفُ فِيْكُمْ بَيْنَكُمْ فَيَمْلِكُ لَكُمْ فَيَمْلِكُ فَيَمْلِكُ
تَخْتَلِفُونَ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ
آتش بر رعیت ظلم کند یا عام آتش بر دین باشد و اگر انبیا و اولاد دلیل کند که دست و پای وی بر
و در آتش فتنه و بلا افتد و قتل واقع گردد و قوله تعالی وَ هُوَ الْفَاحِشُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً
حَتّٰى اِذَا جَاءَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ وَ اِذْ يَنْزِلُ الْوَيْلُ ۚ

اگر کسی خدای عزوجل را بیچون و بیچگون در خواب بیند از ترس و بیم این گردد و اگر کافر باشد مسلمان شود و اگر ستمگر
 بود در آخرت دیدار حق تعالی بیند قوله تعالی **لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ** مفسران تعبیر در لغات حق
 سبحانه و تعالی گفته اند که اگر او را بصورتی بیند که مثل آیه صورت ندیده باشد دلیل کند بر فضل و کرم خداوند تعالی و اگر
 بر صورت مردی بیند دلیل کند که آن مرد قاهر و نامدار گردد و اگر خداوند تبارک و تعالی را در نماز و تسبیح بیند دلیل کند
 بر رحمت و آمرزش آنکس که دیده باشد و اگر خدای تعالی را غازیان در غرغری بیند دلیل کند که آن غازیان را نصرت باشد
 و اگر خدای تعالی را بر سر تربت مردگان بیند دلیل کند که آن مردگان را بیاورد و اگر ببیند که خدای عزوجل را در شام
 میدارد دلیل کند که آنکس کافر گردد و اگر ببیند که خدای تعالی بر تختی نشسته بود و یا خفته این همه صفات نامشروع است
 و دلیل کند که بیننده این خواب بدین و عاصمی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تاویل دیدن خدای تعالی بر
 وجه بود و اول عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نوز و هدایت و قوت در دین چهارم تظفر بر ایل ظلم و جبر
 ایمنی از بلا و عفو و مغفرت و عذاب آخرت ششم دران دیار آبادی و عدل پادشاه و مقسم غر و شرف و بلندی و در دنیا و
 آخرت چون بر حمت نظر کند و اگر نعوذ بآئند منها بنظر قهرنگاه کند بر خلاف آن باشد و اگر قاضی بیند که خداوند تعالی
 عزوجل را در شام بود دلیل کند که از شرع تجاوز کند و او مظلوم ندیده و اگر پادشاه بود دلیل بر سبیل کند و اگر عالم بود
 در دین و اعتقاد و خلل بود فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هرگز بنظر قهر بیند رحمت و عذاب بود و رحمت
 یا آنست که گوئیم خدای عزوجل موجود است دیدن او را از راه عقل باشد پس باید که خواب دیدن خدای تعالی عزوجل
 منکر نباشد ابو حاتم از محمد بن سیرین شنید که گفت از خوابها هیچ درست تر از آن نباشد که حق تعالی غایب را بخواب
 بیچون و بیچگونه رویه الملائکه تاویل دیدن فرشتگان دلیل کند بر پادشاه کامکار با دین و پادشاهت و با عالمی پر
 کار و بزرگترین ملائکه چهارانند جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیه السلام این سیرین رحمه الله علیه گوید
 که اگر کسی جبرائیل علیه السلام را در خواب بیند خوش طبع و گشاده روی دلیل کند بر دشمن ظفر یابد و برادر برسد و اگر جبرائیل
 این بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر میکائیل این بیند که او را جبرائیل مرده و او را و عهد و نیکو یا از کاری باز و پشت و دولت
 و عزت و جمعیت یابد و اگر عیسی که جبرائیل را چیرگی داد دلیل کند که از پادشاه قدر یابد بعضی از معبران گفته اند که اگر جبرائیل
 بوی خیزی داد و دلیل بر ترس و بیم عظیم بود که بوی رسد و اگر در خواب بیند که مردم بدو گویند که تو جبرائیل و دلیل کند که خدا
 فصیح گردد و مراد بیاورد و با امانت و دیانت مشهور گردد و اگر کسی میکائیل علیه السلام در خواب بیند چنانکه صورت
 اوست دلیل کند بر خیر و بشارت بدو رسد زیرا که جبرائیل آرنده عذاب و میکائیل آرنده بشارت و خیر و نعمت است
 این سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر در خواب بیند که میکائیل را عطا داد و دلیل خیر و بزرگی یابد و اگر جبرائیل
 که گویند تو میکائیل دلیل کند از وی خیر و بشارت بدو رسد و پیش مردم قدر و منزلت یابد و دیدن اسرافیل را

در خواب دیدن خدای تعالی

[illegible]

و اگر اهل آن موضع در غم و اندوه و سختی و ملامت باشند بشارت باشد بود بخیر و صلاح و آبادانی بخار وین و دنیا و اگر ببیند که پیغمبر از
 از جای نقل میگردد و بر اهل آن موضع دعای بد میگردد و دلیل آن خدا تعالی باری عظیم بر اهل آن موضع فرستد که توبه کنند و نه
 خدا تعالی بشارت کرمانی رحمه الله علیه که دید هر بنده مؤمن که پیغامبری را در جای خود تازه روی و شادمان ببیند دلیل
 عز و جاه و نصرت یا بد و اگر از چیزی خشنکین بود دلیل به بد حالی و رنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزی شنود دلیل
 از علم آن پیغامبران بهره یا بد و شادمان شود و اگر ببیند که پیغامبری را بکشت دلیل که خیر است کرده باشد بقوله تعالی فَمِنْهُمْ
 نَفْسٌ مِمَّنْ مَبْنِيَّا قَتَلَهُمْ وَ كَفَرْتُمْ بِهِمْ بَابُ اللَّهِ وَقَتْلَهُمْ الْأَنْبِيَاءَ بِنِعْيُ حَقِّ جَعْفَرٍ صَادِقٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 گوید که اگر آدم علیه السلام را بخواب ببیند بزرگی و ولایت یا بد قوله تعالی وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ثُمَّ اجْتَبَاهُ
 رَبُّهُ فَتَبَّ عَلَيْهِ وَ هَدَى و اگر بخواب ببیند که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل که علم آموزد و علم آید
 الْأَسْمَاءُ كُلَّهَا و اگر ببیند که آدم دست او گرفت بزرگی و مملکت یا بد و اگر بخواب ببیند که آدم اطاعت نمود دلیل
 که همی و بد بخت شود و حوا علیه السلام را بخواب ببیند دلیل که دولت و اقبال یا بد و عیش و خوشی و نعمت فراوان و غیر
 و از کرد و نوح علیه السلام را بخواب ببیند عرش دراز کرد و وسیع کن از دشمن رنج و سختی ببیند و عاقبت برادر رسد
 ادریس علیه السلام را بخواب ببیند کارش نیکو شود و عاقبت محمود کرد و بهود علیه السلام را بخواب ببیند دشمنان
 بروی افوس کنند و عاقبت برایشان ظفر یا بد لوط علیه السلام را بخواب ببیند کارش بصلاح باز آید و مراد وی ببیند
 صالح علیه السلام را بخواب ببیند از جای بجای تحویل کند و در خیر بروی کشاده شود و ابراهیم علیه السلام را بخواب
 ببیند حج اسلام بگذارد و بعضی از معبران گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز گویند که بدخوی کند با مادر و پدر
 علیه السلام را بخواب ببیند بشارت فتح و غنیمت یا بد بقوله تعالی وَ كَثِيرٌ نَّاهٍ بِأَسْحَى نَبِيَّائِمَنِ الصَّالِحِينَ ه
 یعقوب علیه السلام را بخواب ببیند از قبل فرزندان غم و اندوه خورد و عاقبت از غم فرج یا بد یعقوب علیه السلام
 را بخواب ببیند خوششان بروی بهتان نهند و عاقبت بزرگی یا بد شعیب علیه السلام را بخواب ببیند خصم بروی علیه کند و بعد از آن
 بروی ظفر یا بد موسی علیه السلام را بخواب ببیند مستلا کرد و با اهل و عیال و بعد از آن حالش نیکو کرد و در دشمن ظفر یا بد بقوله عز وجل وَ هَبْنَا
 لَهُ مِنْ دُونِ ذَلِكَ إِخَاهَ هَرُونَ نَبِيًّا وَ بعضی معبران گویند که موسی را بخواب دیدن دلیل که پادشاه دین و مملکت شود و او و عمار را بخواب
 حق تعالی او را بزرگ و پادشاهی و نعمت و مال و جاهش زیادت کرد و اندر که ما علیه السلام را بخواب ببیند حق تعالی
 او را توفیق دهد و طاعتی بجای علیه السلام را بخواب ببیند حق تعالی او را توفیق دهد و در خیر خضر علیه السلام را بخواب
 ببیند سفری دراز کند یا اینی و زرق و عمر دراز پوشش علیه السلام را بخواب ببیند از غنا فرج یا بد و در تاریکی روشنائی
 آید انشاء الله تعالی ایوب علیه السلام را بخواب ببیند کارهای مرده بروی زنده کرد و توفیق طاعت و خیرات یا بد
 حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم را بخواب ببیند از غنا فرج یا بد و اگر و اندر باشد و پیش گذارد و شود و اگر

بنده و زندان بود زمانی یا بدو اگر ترس باشد ایمنی یا بدو اگر در خطا و تنگی بود و فراخی یا بدو بعضی گفته اند که هر کس که تا کرب و
 درویش شود و ابوهریره رضی الله عنه گفت از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیده ام هر که مراد خواب دید حق دیده باشد
 که من دانی فقد رآی الحق فان الشیطان لا یتمثل لجا بدستی و رستی که شیطان بصورتی متشابه نشود اگر
 کسی مراد خواب بیند غم و اندوه بوی ترسند عجب دارد که تاویل دیدار من برسد و سختی حضرت بیشتر باشد اما اگر محمد را ترس روی
 خواب بیند دلیل پسینی وین و آشکارا شدن بدعت و رآن و یار بود و اگر رسول الله صلی الله علیه و سلم مراد خواب بیند که در
 جای با کت میگرد و دلیل که اگر آن و یار خواب بود ابا دان کرد و اگر او را بد که چیزی میخورد و دلیل که صدقه و زکوة باید داد
 او اگر روی در جانی بیند که در آنجا هیچ بلا و محنت نبود اهل آن موضع را نعمت زیاده کرد و خاصه که اگر او را در مسجد بیند و اگر او را در
 یا بیار بیند وین او ضعیف بود که بانی رحمه الله علیه گوید که اگر محمد مصطفی راضی الله علیه و سلم در شهری یا جایی بیند دلیل که
 در آن موضع نعمت فراخ شود و مردم را جمیعت پیدا و اهل آن موضع بر دشمنان مغرور باشد و اگر بیند که اندامی را زاندامانی رسول
 صلی الله علیه و سلم کم بود دلیل که مردم آنجا در راه شریعت است باشند زیرا که نقصان اندام وی نقصانین او باشد
 و اگر بیند که مصطفی صلی الله علیه و سلم از میوای تر یا خشک بوی داد و او را درین و بارسانی مرثیت حاصل شود این سیرین
 رحمة الله گوید که اگر کسی رسول الله صلی الله علیه و سلم ناقص بیند نقصان آن بیند و با آنکه زنده و زنده رسول الله صلی الله علیه و سلم
 را مردم نکست خواب بیند و مردم نکست زنده و بنده بود و بخیر یا که بوی جواد رسید و مردم پیدا و مراد فرماید از مصیبت
 کردن تا نهضت بیشتر کرد و زیرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم بشیر و نذیر بود بشیر ثومان و نذیر کافران و اگر او را در
 بیند بد باشد عید بن عباس رضی الله عنه گوید که اگر کسی جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم خواب بیند و از یاری مصیبت
 بسیار بود و اگر بد که این جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم میرفت دلیل بر مراد بدعت باشد اگر بیند که او را زیارت میکرد
 دلیل که مانع نعمت و ولایت یا بدو اگر بیند که رسول الله صلی الله علیه و سلم بر وی اخوس میکرد و دلیل که کار و شود و قوله تعالی
 قل ایا الله وایاته ورسوله كنتم تستهزئون لا تستهزئون و قد كنتم بعد انما یكفر جفرا و قد ضل الله
 عنه گوید که زیارت پیغمبران در خواب برده و جد بود یکی رحمت دوم نعمت سوم عزت چهارم بزرگی پنجم دولت ششم
 طهر هفتم سعادت هشتم جمعیت نهم فوت و هم خیر و جهانی و نیکوئی مردم آن موضع که آنجا بیند تاویل و روست
 را شدن اول بر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه در خواب
 بیند دلیل شادی و کرامت بود که بانی رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه زنده در شهری بیند دلیل که مردم
 اند یا و آن شهر زکوة و صدقه بسیار دهند چون او را کشته زخمی و خوش طبع بیند و اگر ترس روی بیند و خوش طبع بیند
 این بود المؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المؤمنین عمر خطاب رضی الله عنه
 در خواب بیند دلیل که واد و با انصاف بود و اگر او را در شهری کشته زخمی و خوش طبع بیند دلیل که در آن شهر عدل

باب الف

جانصاف بود و اگر او در شهری کشته روی و خوش طبع بیند دلیل که در آن شهر عدل و انصاف پیدا آید امیر المؤمنین
 عثمان بن عفان رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المؤمنین عثمان بن عفان رضی الله عنه در خواب
 بیند دلیل که در غزو بدر و پر سرکاری اختیار کند و اگر او در شهری خوش طبع و کشته روی بیند دلیل که مردمان آن شهر
 بقرآن و علم آموختن رغبت نمایند امیر المؤمنین علی مرتضی رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المؤمنین
 علی مرتضی رضی الله عنه بخواب بیند خندان و خوش طبع دلیل که گرامت و شجاعت و سروری یابد و اگر در شهری بیند آن شهر عدل
 و انصاف موصوف گردد و لیکن گاه گاه میان ایشان خصوصیت بود تا ویل صحابه رضوان الله علیهم جمیع ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید که اگر کسی صحابه را بخواب بیند دلیل که در راه دین و اسلام یکانه نباشد و در میان مسلمانان جهاد حق
 القول گردد و بدیانت موصوف گردد و لقوله علیه السلام اصحابی کالجوهر یا یاکم ایتنا یسّم ایتنا یسّم ترجمه کنست
 علیه و سلم یاران من ستارگانند هر که اقتدای آنها کند راه یابد امیر المؤمنین حسن و حسین رضی الله عنهما را بخواب بیند
 خیر و راحت برسد و عاقبت درجه شهادت یا بد جعفر طیار رضی الله عنه را اگر بخواب بیند دلیل که حج و غزوات او هرگز
 و انس بن مالک رضی الله عنهما اگر بخواب بیند دلیل که بسنتها راغب بود و علم و شریعت دوست دارد و سلمان
 فارسی را رضی الله عنه بخواب بیند دلیل که حق جل و علا او را علم و قرآن روزی گرداند و عاقبتش محمود گردد و عبد الله
 بن عباس بن مسعود رضی الله عنهما را بخواب بیند دلیل که بکار دین مجتهد باشد بلال حبشی رضی الله عنه را بخواب بیند
 دلیل که مبروف گردد و ثواب مؤذنان یابد و براه سنت و جماعت و روفی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله
 علیه و سلم دلیل بر خیر و منفعت دنیا و آخرت وی باشد و اگر کسی را از علما و حکما و زما و بخواب بیند دلیل که بر کارها
 خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما و ارثان مصطفی صلی الله علیه و سلم و راه نمایان مسلمانان اگر
 بیند که در شهری و یا در محلی کرده علما و حکما جمع آمده بودند دلیل که مردم آن شهر را نصرت باشد بر جا بلان بگفتن و کردن
 امر و نهی منکر تا تمخیز در باب رویت حق جل و علا و فرشتگان و پیغامبران و صحابه تابعین بعد ازین تعبیه چیزهای دیگر که بیند
 بر حروف بحجم بیان کنیم چون الله تعالی حرف الف من کتاب کامل التجهیر آبادانی ابن سیرین گوید
 اگر بیند که جایگاه خراب را آبادان می کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین نماید دلیل که بر صلاح دین و خرد و ثواب
 آخرت که دریا حاصل گردد و اگر بیند که زمینی خراب از خود آبادان می کرد چون سر او دکان و مانند این دلیل که خبر و خایده
 اینجهان یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان هفتاد و خراب شد دلیل که اهل آنجا بیکاه را بلا و مصیبت رسد جابر مغربی گوید که
 اگر کسی خوشی بخواب در جایگاهی آبادان مقیم بیند دلیل که خیر و منفعت یابد بقدر آبادانی که ویده بود و اگر بخلاف بیند
 دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی بخواب بر چهار وجه بود اول بر صلاح کارها
 اینجهانی و دوم خیر و منفعت ستم بر داد و کامرانی چهارم بر کشایش کارهای بسته آب بدانکه زندگانی همه چیزها

باب الف

باب الف

تَوَاتُرًا كَلَامًا مِّنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ إِنَّ فِيهِ لَآيَاتٍ لِّمَن يَّرْزُقُ
 دلیل کند بر قوه ایمان و اعتقاد پاک وی و اگر بیند که از آب صاف خوشگوار و بسیار بخورد دلیل کند که عمرش دراز و سعادت
 وی خوش بود و اگر بیند که آب تیره یا شور و بی خور و تاویل بخلاف این بود و اگر بیند که از دریا آب صاف خوش همی خورد دلیل
 کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت یابد و اگر بیند که جمله آب دریا را بخورد دلیل کند که پادشاهی همه جهان را بکیر و تصرف
 گویند که بقدر آن از آب دریا خورده بخوریزد بزرگی و مال و نعمت حاصل کرد و چون آب روشن و صافی بود اما اگر تیره بود
 آنچه بد و درسد یا رنج و سختی و بیم و ترس بود که مانی گوید که اگر بیند که آب گرم همی خورد دلیل بود که بیماری و رنج کشنده اگر بیند
 که بروی آب گرم همی ریختند چنانکه او را خیر نباشد دلیل کند که بیمار گردد یا غمی سخت بد و درسد و اگر بیند که در آب سیف و دلیل
 کند که در رنج و غم گرفتار گردد و اگر بیند که آب بجام یابد و داشت دلیل کند که بر مال و زندگانی فرشته گردد و اگر بیند که در کاشه
 آبگینه بزین خویش داد و کاشه آبگینه را نسبت بچهره زنان کرده اند و آب که در کاشه آبگینه بود فرزند طفل بود که در شکم مادر
 باشد اگر بیند کاشه آبگینه را نسبت و آب بر بخت دلیل کند که بخت او میرود و فرزندش بماند و اگر بیند که آب بر بخت و کاشه
 ماند دلیل کند که فرزندش میرود و زن او بماند و اگر بیند که بی بها آب ببرد همی داد و دلیل کند که در دنیا و آخرت خیر او ببرد و هم
 و جایگاه خراب را آبادانی کند و اگر بیند که در خانه که اندر آن آب ریخته بود داخل شد دلیل کند که عکسین و متفکر گردد و اگر
 بیند که آب صافی بیاله مانند سکی خورد دلیل کند که زندگانی بعیش و عشرت گذرانند اما کاری کند که بلا و فتنه بد و درسد که مال
 جمع را اندک اندک ببرد و آن بخشد و بخیاری خرج کند جا بر مغربی گوید که آنها که بوقت زیاده شود دلیل کند که در آنسال فراخی
 و نعمت بود و اگر آنها را بسیار دید که بزین خورد دلیل کند که مردمان عامه را سلامت و حاجت بود و قوله تعالی وَ قِيلَ
 يَا آدَمُ اسْكُنْ أَهْلَ الْجَنَّةِ وَ كُلْ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا هَٰذَا الشَّجَرَ وَ لَا تَكُنَّا مِنْ الْغَافِقِينَ وَ غَضَّ الْمَاءُ وَ كَرِهَ الْمَاءُ وَ كَرِهَ الْمَاءُ وَ كَرِهَ الْمَاءُ
 نعمت و فراخی بود در آن دیار قوله تعالی إِنَّا سَبَّحْنَا الْمَاءَ صَبَّغًا وَ كَرِهَ الْمَاءُ وَ كَرِهَ الْمَاءُ وَ كَرِهَ الْمَاءُ وَ كَرِهَ الْمَاءُ وَ كَرِهَ الْمَاءُ
 و حیث یابد و اگر بیند که در خانه وی آب تیره ایستاده باشد تا ویش بخلاف این بود و انیال گوید که آب داود باغ و کشت
 از حیاه و رود و دلیل کند بر مال و رستگاری از غم و اندوه و آب داود مردمان را دلیل کند بر دین و دیانت و کردارهای
 نیک و پسندیده بود و اگر بیند که آب اندر همی رفت و اندران وقت تن او قوی بود دلیل کند که بشغل صعب مشغول گردد
 از قبل رئیس و قول و اندران مقبول بود خاصه کاری اندران کار ظاهر گردد و اگر بیند که آب صافی رفت و تن او پوشیده بود
 دلیل بر قوت دین بود و توکل کردن بر ایزد تعالی و استقامت کاری و اگر بیند که آب بیاض همی برد دلیل کند که زن خواهد
 یا کنیز گردد و اگر بیند که آب پاک بروی ریخت دلیل کند که از آن کس خیر و منفعت بد و درسد و اگر بیند که آب تیره بروی ریخت
 تا ویش بخلاف این بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب فرو رفتن بچوب متعجبان برنج وجه تعبیر کنند اقول یقین
 و بیم قوت سیم کار دشوار چهارم ندیجیم عمل از جبهه رئیس شهر بدانکه تاویل باران در حرف بی بیان کنیم و تاویل آب

بایست

چنان

خزین

حاجت

سکینه

سحر

دلیل کند که زن جاوید و پیر حاصل کرد و آئین حرام خاوی و بی و یا نت بود و اگر بیند که در آب خانه بول و غایط می کرد
 دلیل کند که مال خویش را بهرینه کند و اگر بیند که در آبخانه بیفتاد یا در چاه آبخانه افتاد دلیل کند که در جمع مال غریق بود و اگر بیند
 که کسی در چاه آبخانه خود افتد دلیل کند که مال کسی بجنب لبانند اگر بیند که چون بیفتاد دست و پای او بشکست دلیل
 کند که برای سخت بد و در سند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آبخانه در خواب برنج و جبه بود اقل مال حرام و دویم
 عیش دنیا سیم خزین چهارم شروع در حرام پنجم زن خادمه و حرام خوار ابدستان ابن سیرین گوید که ابدستان در حرام
 خزین و در صاحب تدبیر بود که خرج و دخل در دست او بود اگر بیند که پادشاهی ابدستان بوی داد دلیل کند که خزان
 و مدبر پادشاه بود و اگر او کسی و بهر هم بر این قیاس بود که زمانی گوید که ابدستان در خواب خادم بود بقول خدا می غوط
 قوله تعالى يَطْوِي عَلَيْهِمْ وَلَدَانِ مُحَمَّدٌ وَنَ مَا كُوَ آبَ وَاَبَا وَتَقِي وَاَكْرِ بِنْدَ اَبْدِ بِنْدَانِ اَبْشَكْسَ بِنْدَانِ
 شد دلیل کند که زن از وی جدا کرد و یا میبرد و اگر بیند که از آب دستان آب می خورد و دلیل کند که ویرا فرزند
 حاصل کرد و خاصه که آب را صافی بیند و خوش طعم حضرت صادق علیه السلام گوید که دیدن ابدستان در خواب
 و جبه بود اقل خادم و دویم خزین سیم مدبر کار چهارم فرزند پنجم روزی اندک از جانی که امید ندارد
 ابن سیرین گوید که اگر بیند که شکم او بزرگ شده بود چون آب است دلیل کند که او را مال و نعمت
 و هر چند که شکم بزرگ تر بیند مال دنیا بیشتر بود که بی گوید که فرزند
 نعمت و مال حاصل کرد و اگر بیند که خواب در دست خود بود و مالش را از دست داد
 که خورون آبکامه در خواب دلیل که بر بخت و بیماری تن کند اگر بیند که آبکامه می خورد و دلیل کند که بقدر آن ویرا
 بیماری بود که زمانی گوید که اگر بیند که آبکامه بر بخت یا از وی هیچ نخورد و دلیل کند که از غم و اندوه فوج یا بد و اگر بیمار
 بود شفا یا بد حضرت صادق علیه السلام فرماید که خورون آبکامه را بر بخت و جبه گفته اند اقل بیماری و دویم غم و سخت
 چهارم حاجت پنجم ناسازگاری با اهل و عیال آبکینه و انیال گوید که آبکینه در خواب زن بود و اگر بیند که در
 آبکینه آب می خورد و دلیل کند که زن خواهد و مال یا بد اگر بیند که آبکینه کسی شراب داد و دلیل کند که از هر کسی زن خواهد
 ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که آبکینه سفید داشت و نامش برانجا نوشته بود و دلیل کند که دولت دینی و دنیایی خواهد
 و حاجت او را و اگر دو اگر بیند که بران آبکینه نام پادشاه نوشته بود و دلیل کند که بر اجلس نزدیک بود و اگر بیند که
 پادشاه باشد و اگر نباشد دلیل کند که هر قدر و اندازه آن خیر و خرمی یا بد جابر مغربی گوید که اگر بیند که آبکینه داشت بیفتاد
 و بشکست دلیل کند که زن دارد و طلاق دهد و اگر زن ندارد و زنی از خویشان وی رحلت کند و بداند که آبکینه که
 بنا و مل غیره خداوند کار بود و بعضی از معبران گفته اند که آبکینه که کسی بود که کارهای زنانه گذارد و پیوسته او را
 باز نماند محالط بود و آبکینه ابن سیرین گوید که ابله در خواب زبان مال بود و اگر بیند که بر تن او آب بود که بقدر آن

خواسته مال و را حاصل کرد و کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او آبله بود و دلیل بود که بقدر آن مال حرام حاصل شود حضرت
 مشاوق علیه السلام فرماید که آبله بر تن و بدن برنج و جد بود و آل زیادتی مال و و نیم زن و خادم سیم پسرش آید چنان
 حاجت روا شدن پنجم از ترس و بیم این کرد و چون آبله سفید آید و سبب این پیرین گوید که دیدن آبنوس در خواب
 مردی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما تا آنکه و بخیل بود و از وی چیزی بکس نرسد کرمانی گوید که آبنوس در خواب
 زنی بود و برین صنعت که یاد کرده شد حضرت صادق میفرماید که آبنوس در خواب کسی باشد هم برین صنعت
 که گفته کردید آتش و انیال گوید اگر کسی آتش بپزد و در خواب ببیند دلیل که پادشاهی نزدیکش گردد و کار ریشه او
 کشاده گردد و اگر بیند که کسی ویران آتش بکشد و آتش بر آب سوخت دلیل که پادشاه بروی ستم کند لیکن زود خلاص
 یابد و بشارت نیکوئی یابد چنانکه ایزد تعالی در کلام مجید فرموده قلنا یا فاقی کوئی بگو و آبله و سلاک ما علی
 این آیهیم و اگر بیند که آتش در آتش دلیلی کند که روی بگرایست سفری کند و اگر آتش را بافت و موز و سوز ببیند
 دلیل کند که از علت تب بیمار گردد و اگر بیند که آتش اندام وی را بسوخت و دلیل کند که بقدر آتش خشکی و پراخت
 رسد و اگر کسی ببیند که آتش در خانه وی افتاد و همه اندام او را بسوخت و زبانه بی زور و از سهیم و ترس در دل نیاید
 دلیل کند که از محنت و مصیبت که بدو رسد سبب بیماری و ضعف بود و چون همراه و طاعون و آبله و سرخه و آبله
 ماند و اگر بیند که از آن آتش فرار گرفت دلیل کند بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بیند که آتش را در دلو
 و دلیل کند که مال حرام وی را برنج و دیگر حاصل کرد و با جنک و خصومت و اگر بیند که از آتش گرمی و پیش بوی میرسد
 و دلیل کند که کسی وی را زود و رنجبت کند کرمانی گوید اگر بیند که شعله آتش بر دامن می انداخت و دلیل کند که در میان مردم
 عداوت و دشمنی افکند و اگر از کرمانی ببیند که آتش در دکان و کالای او افتاد و دلیل کند که کالای که دارد برباد و ویران
 بدزمی یا زردی و درم فروشد و بر کسی شفقت نبرد و اگر بیند که آتش در خانه کسی افتاد و دلیل کند که آنکس در جنگ و شهنه
 و جو سلطان افتد و اگر بیند که آتش جامه او را بسوخت و دلیل کند که با خویشان جنک و خصومت کند و از سبب
 اندوختن کرد و اگر کسی آتش عظیم در زمینی ببیند دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنگ افتد و اگر چیزی سوخته ببیند دلیل
 کند که آنجست زنان و پیران با کسی خصومت کند و اگر بیند در شهری یا در محله یا در سرای آتش افتاد و چنانکه هر چه بود همه را بسوخت
 آن آتش زبانه میزد و از سهکین می داد و دلیل کند که در آن موضع جنگ و کارزار بود و یا بیماری صعب افتد و اگر بیند که
 برخی چیزها را بسوخت و برخی را نکرد و از سهکین نداشت دلیل بود بر جنگ و کارزار در آن موضع و اگر زبانه و فروخت
 نداشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را باد و دود ببیند دلیل کند بر ترس و بیم اندر کار و اگر بیند که آتش از آسمان
 بیفتد و شهری یا محله یا سرای بسوخت دلیل کند که آن بلا و فتنه که گفته شد بر آن موضع شهر بود و اگر بیند که از سهکین نداشت
 و زبانه بی زور و جانی افتاد و لیکن که زبانه نیک و دلیل بود که در میان اهل آن موضع گفتگوی و خصومت افتد و زبانه و اگر بیند

بسیار

بسیار

بسیار

باز

که از زیر زمین آتشی سبکون برآمد و سومی آسمان شد و دلیل بود که آموخت و دوستان با حق تعالی حرب کنند بدروغ و بهتان گفتند
 بعد و قوه آن آتش که دیده بود اگر بنید آتشی از جانی بجائی همی رفت و آن آتش هیچ کردند و بلکه دلیل بود که در آن منفعت
 یابد و اگر در ویش بود تو اگر کرد و اسمعیل اشعث که دید که اگر کسی بنید که از آسمان مانند باران آتش میبارد و دلیل بر بلا و خون بخشن
 بود و اجبت پادشاهان و آموخت و اگر بنید که آتشی از آسمان بیاید و چیزی نای خورونی که از آن او بود و سوخت و دلیل کند که عطا
 وی نزد حق تعالی پذیرفته کرد و قوله تعالی یقریان یا کله النار و اگر بنید که از آسمان آتش همی آمد و کسی را سوخت هم عطا
 حق تعالی باشد قوله تعالی عذاب النار الی کتم فیها نکلن خون و باشد که از پادشاه ویرایم بود و اگر بنید که بر سر آتشی بزرگ
 گرم میشد دلیل کند که پادشاهی بزرگ نزدیک کرد و اگر بنید که بر آتشی چیزی همی بخت که شغل دنیا و دنیاوی تمام کرد و اگر بنید
 که آتشی از آسمان فرو داد و نبات زمین را سوخت و دلیل بود که در آن دیار لغو باشد مرکب مغافات بسیار بود و اگر بنید که آتشی
 قبه یا مناره سوخت دلیل کند که پادشاه آموخت و پاک کرد و بعضی از معبران گویند که اگر کسی بنید که آتشی از زمین برآمد و فروغ
 میداد و دلیل کند که در آموخت که بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید اگر بنید پاری آتشی میخورد و دلیل کند که مال بیجان خورد
 قوله تعالی الذین یا کلون أموال البتاعی ظلمنا انما یا کلون فی بطونهم فادوا و سصلون سعیرا
 و اگر بنید که از دمان وی آتش بیرون می آید و دلیل کند که سخن دروغ و بهتان گوید و اگر بنید که بر جانی آتشی میزند و دلیل کند که از
 بر جانی میبانی کند میان رعیت و مردمان پادشاه و اگر بنید که در پهلوی او آتشی فروخته بود و او را زیان نداشت و دلیل کند که بدو
 خیر و نیکی رسد قوله تعالی انکو انیم النار الی تؤزون و اگر بنید که بنیم آتش عظیم سوخت و دلیل بر جنگ و فتنه کند و در آن یا
 قوله تعالی کلمنا او قد و نارا للحرب و اگر بنید که آتش در مردم میزد و دلیل نصرت بود و او را بر دشمنان و اگر بنید که آتش وی را
 سوخت و آن آتش نور نداشت و دلیل کند که از علت سرسام بهاری کشد و اگر بنید که آتش را نور بود و دلیل بود که کسی را از آتشی
 و فرزندان وی فرزدی آید که مردمان بروی ثنا گویند و مال و بزرگی یابد بعد از آن آتش و اگر در زنگاه آتش بنید و دلیل کند
 بر بیمارهای صعب چون آید و طاعون و سرسام و مرکب مغافات لغو باشد و اگر آن آتش را باد و دود بنید و دلیل کند که از باد
 او را ترسیم بود و اگر آتش را در بازار بنید و دلیل کند بر بدی اهل بازار و انگه اهل بازار در تجارته انصاف ندهند و بر خرید و در بازار
 گویند و اگر در وی آتشی افتاده بنید و دلیل کند که در مردم انجا مصدوره بود و از پادشاه و از او بر رعیت ظلم رسد و اگر در زانچه پول
 آتش بنید و دلیل بر بدی بود و اگر آتش در جامه کسی افتاده بنید و دلیل کند که انگس را مصیبت و ترس و بیم بود و اگر خولشتن بر آتش
 ایستاده بنید و دلیل که او را بر آتش فروختن این سیرین گوید که آتش او خشن بچواب پادشاه را قوت بود و آتش سید
 فروغ قوت بود و خواسته آتش باد و پادشاه ستمگر و غم و اندوه و زیان بود و اگر بنید که آتش بر فروخت تا گرم کرد و کسی
 و دیگر بدان گرم شود و دلیل کند که چیزی طلب کند که از آن منفعت یابد و اگر بنید که بیفاید آتشی بر فروخت و دلیل کند که بی سببی
 جنگ و خصومت کند و اگر بنید که آتشی بر فروخت تا چیزی بریان کند و دلیل کند که کاری پیش گیرد و بسبب غیبت مردمان

تشنه

برای

تا طلب حال کسی کند و اگر بیند که از آن بریان بخورد و دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد با غم و اندوه و اگر بیند که بریزد
 آتش می افروخت و در دیکت کوشش بود و یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسازد که از آن کار که با نوبی خانه را منفعت رسد
 و اگر بیند که در آن دیکت هیچ طعام نبود و دلیل کند که از آن کار و اندوه بود و اگر بیند که آتش برافروخت حلاوت و دلیل کند
 که او را سخی نیکو کند و اگر بیند که آتش برافروخت از برای روشنائی دلیل کند که کاری را بخت و برمان روشن کرد و اگر کسی که
 بیند در جایگاهی آتش برافروخت تا ابل آن جایگاه را بسوزاند دلیل بود که ابل آن موضع را غیبت کند بر کسی که او را بیند
 در تنور یا در آتش دان همی افروخت بی آنکه طعام برزد و دلیل کند که با موی از خیشان و یا ابل میت او را جنک و خصومت
 افتد و اگر بیند که خواست تا آتش برافروزد و از بهر منفعت خویش و آن آتش بر نمی افروخت و روشنائی نمیداد و دلیل کند که از
 علم خویش هر خوراری یا بدو اگر این کس پادشاه بود و غوغا و دود و دلتش افزون کرد و اگر بیند که آن آتش که افروخت بر
 دلیل کند که بلاک کرد و جابر گوید اگر بیند که در میان آتش می افروخت که مردمان از نور آن آتش راه می یافتند و هر کس که
 و مقام خویش می یافتند دلیل کند که مردم از علم و حکمت او بهره یابند و راه راست گیرند و اگر بیند که آن آتش فرو میرود و نور او
 زایل میگردد و دلیل کند که او الش متغیر باشد که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که آن آتش در میان افروخت نیز از راست
 همی درخشد دلیل کند که علم او مردمان را راه ضلالت برود و اگر بیند که آتش در موضعی برافروخت تا آنکه منظر بسوزد و آتش
 آنرا سوخت و آن باز در کان بود دلیل که خرید و فروخت بفقاق کند و مالش حرام بود و اگر بیند که از خانه همسایه آتش
 همی برزد و دلیل کند که مالی حرام بدو رسد و روشنائی آتش این سیرین گوید اگر کسی در خواب روشنائی آتش بیند چنانکه
 بدان روشنائی راه توان رفت دلیل کند که زاهدی یا بده اگر روشنائی آتش را ایستاده بیند و دلیل کند که سبب دولت
 او چنانجا بود و اگر کفر و خسته دلیل کند که در آن دیار رویت سلطان پدید آید و اگر در خانه خود او خرد و بد چنانکه از نور آن خانه
 روشن بود و دلیل کند که کارش بالا گیرد و دود و دلتش زیاده کرد و اگر بیند که آن خرد را کشت و دلیل کند که در خاندان او
 خصومت و دواوری بود آتش پرستیدن و انبیا گوید اگر بیند که آتش را می پرستند و سجد میگرد و دلیل که پاوتش که
 سجد کند و بخت او مشغول کرد و چنانکه او را نشکند اگر بیند که تنور یا آتش یا چراغ را سجد میگرد و دلیل که بخت او
 مشغول کرد و اگر بیند که آتش را بوسه می داد و می پرستید و دلیل کند که صاحب خبر پادشاه کرد و اگر بیند که در میان
 آتش مرا خفته همی کرد و دلیل که پادشاه بطوع و رغبت بازگامی کند و لیکن عاقبت کارش بر خطر بود و خاصه که از آتش بر تن
 او کردند رسد و اگر آتش بر تن او بهم کردند رسد و دلیل کند بر همه رسالت سلامت نفس و صحبت با روزگار و از پادشاه او
 و اگر بیند که در میان آتش رفت دلیل کند که بقدر آن از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که آتش از روی یا از جامه میزد دست او
 روشنائی میداد چنانکه خلق از نور او تخیل و تامل بود و دلیل بود که بر دشمن ظفر یا بدو و جهانی حاصل کرد و قوله تعالی و اخیل
 یذلک فی جمیع کسح بصرک من عین من عین و این حجره حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل شعث

در

در

باب الحاض
مختار

گوید که اگر کسی در خواب ببیند که آتش میسپرد و دلیل کند که باز داری و عوایی کند و آن آتش که میسپرد اگر شکل انگریز بود که
 غرض از این صحن کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند شراره آتش این سیرین گوید که شراره آتش در خواب بخوبی
 باشد که بوی رسیده اگر بقیاس شراره آتش در وی می افتاد و دلیل کند که در محنت و بلائی سخت گرفتار کرد و گمانی گوید
 اگر ببیند که در شهری یا کوچه شراره آتش می افتاد و دلیل کند چنانکه و فتنه در آن موضع پیدا آید و اگر ببیند که شراره آتش
 سخت بزرگ بودند دلیل بود که عذاب خدای عزوجل بدو رسد یا بدامن موضع رسد قوله تعالی ان الله لا یغفل عن شیء
 کما لقضی کا نه جمعا لک صفی و اگر ببیند که شراره آتش در میان مردمان افتد و دلیل کند که مردمان آن موضع با یکدیگر
 جنگ و خصومت افتد و آتش انداختن و بازی کردن با آتش سخت گشت گفتن بود و چای مرغزی گوید اگر ببیند که باره آتش
 در دست داشت دلیل کند که بکار پادشاه مشغول کرد و اگر ببیند که با آن آتش دود بود و دلیل کند که در آن کار ادا
 بیم و ترس بود و اگر ببیند که آن آتش در دست می فرو مرد و دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و اگر
 که از آن آتش پاره مردم راهی داد و دلیل کند که از کار واری مردمان را بچ و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر ببیند
 که چیزی از غنای وی بر وی می بخت و میزد و دلیل کند که سخنها می خوش شد و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش
 در خواب بر بیت و پنج وجه بود اول فتنه بود و دوم کارزار استیم فساد چهارم مرگ بخت پنجم خصومت ششم سخنها
 هفتم منع از کام و مراد هشتم خشم پادشاه نهم عقوبت دهم نفاق یازدهم پیری و دوازدهم علم و حکمت سیزدهم
 راه پیری چهاردهم مصیبت پانزدهم ترس سیزدهم شانه دهم سوختن هفتم خدمت پادشاه هیجدهم طاعون نوزدهم
 سیام بیست و یکم کثایش کار با بیست و دوم فضیلت بیست و سوم مال حرام بیست و چهارم روزه
 بیست و پنجم منفعت آتش و آن این سیرین گوید که آتش و آن نجواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتش در
 آتشین بود و دلیل کند که آن از خویشان اهل آن خانه بود و اگر آتش و آن چوبین بود و دلیل کند که آن از خویشان
 اهل آن خانه بود و از اهل نفاق بود و اگر آتش و آن از کل بود و دلیل بود که آن زن اهل بدین گشتان باشد و از مشرکان نیز
 بود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش در نجواب برود و وجه بود اول زن خادمه دوم کین آتش زن ابن
 سیرین گوید که آتش زن و سنگ آتش و آن این مرد و انبار باشد که از ایشان کیوی و دلیل بود و دوم سخت دل بود و این مرد و
 بر شرف و کارهای بزرگ را آورد و گمانی گوید اگر ببیند که از آتش زن آتش بیرون می آورد و از او شمع یا چراغ برافروخت اگر ببیند
 پادشاه بود و دلیل کند که رحمت از عدل و انصاف او آسایش یابد و اگر ببیند خواب عالم بود و دلیل که مردم از علم و دانش او
 یابند و اگر بازرگان بود و دلیل کند که با مردمان خیر و جود و احسان کند و اگر درویش بود و دلیل کند که مردمان از سیرت و کرداری
 شگفت یابند حضرت صادق میفرماید که اگر ببیند که از آتش زن بیرون آورد و دلیل کند که مال حرام از بهت پادشاه حاصل کند یا
 او مشغول کرد و از شوق مال بدست آورد و اگر ببیند که از آتش زن نتوانست فروختن و دلیل کند که مال طلب کند و بیاید

مختار
مختار

مختار

پادشاه یا از بزرگی و در اغم و اند و رسد که مانی گوید اگر بیند که پستانه خانه بروی صیقا و وزیران گرفتار گردید و دلیل کند که او بهیم
 ملاک بود و قوله تعالی **عَلَيْكُمْ السُّفْهُنُ** و حق قیام و اگر بیند که پستانه خانه او بر نگه می خورن و نقش بود و دلیل کند که
 او را ایشان دنیا مشغول کرد و سیاب و انیال کوید اگر بیند که در آسیاب غله برد و آردی کرد و دلیل کند که از خداوند آسیاب
 خیر و منفعت رسد اگر بیند که سنگ آسیاب شکست و از کار بیفتد و دلیل که خداوند آسیاب هلاک کرد و اگر بیند که سنگ آسیاب
 بشکافت تا غللی در وی پدید آید و دلیل که در معیشت خداوند آسیاب سستی و غللی پدید آید اگر بیند که سنگ آسیاب را کسی بزد
 و دلیل که خداوند آسیاب را منفعت او مضرت شود این سیرین گوید که در آن آسیاب بجا بخت و خصومت بود اگر کسی در
 در آسیاب بیند و دلیل کند که او را با کسی بخت و خصومت افتد اما اگر او اندک آسیاب لک و بود و آسان تر بود و اگر در آسیاب غله نداشت و اگر
 که آسیاب چگونه میگرد و دلیل که بفرشود و اگر بیند که سنگ آسیاب نس یا از بزرگی یا از آهین بود این جمله دلیل بر بخت و کارزار بود و اگر
 بیند که سنگ آسیاب آنگونه بود و دلیل کند که خصومتش با زمان بود و اگر بیند که آسیاب سنگ یا آهن بجای غله آرد میگرد و دلیل
 کند که او را با کسی بخت و خصومت سخت افتد و لیکن بیند که آسیاب را بدست میگرد و دلیل کند که او را انبازی سخت دل بود
 و بواسطه او کارش نظام نباشد حضرت صادق فرماید که آسیاب در خواب دیدن و آتش برین وجه بود اول پادشاه و دوم رئیس
 ستمگر و اگر کسی مردم و دلیر جلد بچشم خواند لاری پادشاه و دیدن جایگاه آسیاب جای ریس بزرگ بود و اگر بیند که آسیاب را خراب کرد
 که اندران چیزی که با آسیاب مشغولست خراب کرد و آسیابان در خواب کسی بود که روزی اهل خانه بسبب آن بود که میکرد و چیزی
 بدست می آورد و تا ازل آن خانه بدان تعیش کنند این سیرین گوید که دیدن آسیابان در خواب بنا و ایل مردی بود که مردم را دوست
 او روزی بود و چون آسیابان جوان بود بنا و ایل نیکو باشد و اگر بیند که آسیاب بخرسید و دید یا با بشر و آرد
 نیکو فرمود و دلیل بود که آسیابان را دولت و اقبال بود و اگر بوقت کردیدن آسیابان با نکت سنگ آسیاب میشد و دلیل کند که
 کار وی خیر بود و آشتی کردن این سیرین گوید اگر بیند که کسی آشتی کرد و دلیل که عرش و از کرد و و اگر بیند که در آشتی کسی را
 بفساد وین خواند و دلیل که او را بصلاح خیر و راه دین خواند اگر بیند که چشم کسی را بصلاح دین میخواند و دلیل که وی را بفساد راه شر
 خواند حضرت صادق میفرماید که آشتی کردن در خواب و دلیل کند بر سه وجه اول بر درازی عمر و دوم بر قوه ستم بر ستم و ثلث
 پسندیده آغوش گرفتن که مانی گوید اگر کسی بیند که معروفی در آغوش گرفت و دلیل کند که اگر آنکس مستور بود و مصلح از وی خیر
 دین یا بد و اگر بیند که کودکی را در آغوش گرفت و دلیل بود که خواستگار و محب فرزند بود و اگر بیند که شیر بر آغوش گرفت و دلیل بود
 که با دشمن صلح کند آفتاب و انیال گوید که آفتاب در خواب پادشاه بود یا خلیفه بزرگوار اگر بیند که آفتاب را از آسمان
 فرو گرفت یا بر ملک خویش گرفت و دلیل که پادشاهی و بزرگی یا بد یا دوست و مقرب پادشاه کرد و و اگر بیند که خود آفتاب
 و دلیل کند که پادشاه کرد و بر خنده و روشنائی آفتاب اگر از ابل آن نباشد بر خنده و همت و اصل خویش بزرگی و شجاعت یا بد
 و اگر بیند که با آفتاب بخت بود و دلیل که پادشاه با او بخت و خصومت کند و اگر بیند که جایگاه آفتاب با جایگاه ماهیتم

در خواب
 اگر بیند که
 در خواب
 اگر بیند که

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

تسلیم کند و بعضی از متجران گفته اند که آفتاب خادم تو می بود که آن قوم بطاعت او گرد آیند و از محبت پرستند و اگر بیند که آفتاب
 داشت ای کسی بدو او دلیل کند که ویرا خادمه یا کنیز تو کی حاصل کرد و بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که آفتاب شکست دلیل که خادمه یا
 کنیزت بیمار کرد و یا میرود و اگر بیند که آفتاب به او ضایع کرد و دلیل که خادمه یا کنیزت او بگریزد و یا از او جدا گردد حضرت صادق علیه السلام فرمود
 که آفتاب در خواب بر نهاده بود اقل زن دویم خادم سیم کنیزت چهارم تو ام پنجم زن ششم عمر دراز میقتم مال و نعمت به ششم خیره
 ششم راحت زجهت زمان الحج بدانکه الحج با بتاری رخورد گویند اگر کسی در خواب بیند که الحج ایمنی خورد و دلیل که او را حج و بیماری رسد بقدر آن
 گرانی که دید اگر بیند که الحج داشت یا لباس داد یا از آن خانه بیرون ریخت و از او نخورد و دلیل که از حج و بیماری اینم کرد و عملی الحله خوردن
 الحج در خواب در هیچ خیره و منفعت نباشد آما س این سیرین که دیدن آما س در خواب مال بود اگر بیند که برتن او آما س پیدا شده
 بود و دلیل کند که بقدر آن او را مال حاصل کرد و خاصه چون که در آن آما س بریم بیند که بسیار بود گرانی گوید اگر بیند که برتن او آما س بود
 چنانکه او را پنج نماید و دلیل که بقدر آن مال خلل یابد و اگر آما س چنان نباشد که بدو پنج نماید و دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق علیه السلام فرمود
 که دیدن آما س برتن پنج وجه بود اقل مالش زیاده کرد و دویم زنی با منفعت خواهد سیم سوار و چهارم حاجتش را کرد و پنجم
 اینم کرد و از عینا و اگر برتن خود را آما س بیند و دلیل که این پنج چیز که یاد کردیم او را حاصل کرد و آما س و اشیا که بدید که کسی
 بیند که با آما س موی از تن بستر و دلیل که اگر مال دارد و بقدر آن موی که بسترده بود او را مال حاصل کرد و اگر عینین بود از غنم
 یابد و اگر دام دارد و دوش که دارد کرد و این سیرین که دید آما س کردن در خواب توانگر را زبانی مال بود و در ویش را کند و زن دوم
 و کافران نشان مسلمان باشد حضرت صادق علیه السلام فرمود که اگر آما س در خواب بر تنده و وجه بود اقل خبر بدو و دویم سخنمانی زبانی نشان
 سیم کارهای دشوار و عمارت کردن با آما س در تایل بدو و آما س این سیرین که دید که آما س معمول بخواب و دیدن خادم بود و اگر
 به معمول بود چیزی از متاع دنیا بدو رسد بقدر آما س و اگر بیند کسی بیند که آما س بوی داد و دلیل که از متاع دنیا بقدر آن آما س چیزی بدو رسد
 گوید که هر آما س که کسی خواب بیند که آن سبب صلاح دارد و از منسوب به شاه بود چنانکه خدای عزوجل در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالى
 الْحَدِيدَ يَدْفَعُهُ بَاسٌ مُنْدَلِقٌ مِّنَ السَّمَاءِ وَكَانَ الْمُنَاقِحُ و اگر بیند که آما س از سنگ بیرون می آورد و دلیل کند که او را سختی پیش
 قوله تعالى قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا أَوْ خَالِقًا مِّمَّا يَخْلُقُ فَيُخَذُّهُ صُحُفٌ مَّغْرُبَةٌ كَوَيْلٌ لَّكُم مِّنْهُنَّ عَذَابٌ أَلِيمٌ و اگر کسی بخواب بیند که آما س
 میگرد و از ایل نگار بود و دلیل که او را با کسی خصومت افتد و اگر آما س بود و دلیل که بدو خیره و منفعت و بعضی از متجران گفته اند که آما س
 بتاویل پاوشه بزرگ بود و اگر این سیرین که دید که آما س بخواب چون معروف بود و دلیل پاوشه بود و اگر معروف بتاویل
 نیک و بد آنچه دیده بود با آما س با نگر و و اگر بیند که آما س می باس می که اخت و دلیل کند که این کس مرد و از غیبت کند و شقی
 و حضرت صادق علیه السلام فرمود که اگر آما س بخواب بیند که از وزن بود آن هم منفعت و قوه و ولایت و توانائی و نظریاتین بر دشمن بود آما س و دلیل
 گوید اگر بیند که آما س از گرفت و دلیل که کنیزت خبری او را حاصل کرد و اگر بیند که کلوی آما س بدو دلیل که دشمنی او ختم را برگیرد و اگر بیند که آما س
 ظهور بدو دلیل که با کنیزکی بخلاف شریعت مجامعت کند و اگر بیند که پوست آما س را بخت و دلیل که با زنی غریب زمانا کند

باز

سج

سج

سج

سج

در خواب

سج

و اگر بیند که پوست آهورا همی خورد و دلیل که او را از زن می خوب روی حاصل کرد و اگر بیند که پوست آهورا بکوشد یا سیر او را
 عاید شد دلیل که او را از زن مال رسد و اگر بیند که آهورا بکشت دلیل که از قبل زن اند و مکن کرد و این سیرین که بد اگر بیند که بی انگ
 کرد آهورا و بکشد دلیل که نیز کی یا زنی را و پیشتر کی نبرد و اگر بیند که آهورا وقت شکار بکشد دلیل که غنیمت یابد و اگر بیند که آهورا
 در خانه آهورا و دلیل که از بخت زن غم و اندوه بد و رسد و اگر بیند که آهورا سنگ یا به تیر زد و دلیل که سختی نامزد او بد زنی را بجا خبری
 که بد اگر بیند چه آهورا گرفت یا کسی بد و او دلیل که در از آن نیز کی فرزند آید حضرت صادق فرماید که دیدگاه بود در خواب بر چهارم
 بود و اول زن دویم کنیز یک سیم فرزند چهارم منفعت از زنان آواز این سیرین که بد که آواز مرد و در خواب چون بلند بود و دلیل
 کند که در میان مردم بزرگی یا بد اگر کسی بیند که آوازش بلند شد بود و دلیل که بر قدر بلند می آواز نام و بکشد بلند کرد و اگر بیند که
 آوازش ضعیف گشته بود و دلیل که باکت و نامش ضعیف کرد و چنانکه کس یا داد و کند گمانی که بد بلند می آواز مردان را و دلیل که در
 بلند می نام کند آواز بلند می آواز مردان در خواب نیکو نباشد و بخلاف آواز مردان بود بسیاری آویختن و انیال که بد اگر کسی
 بیند که پادشاه فرمود تا او را بیا و بزرگ دلیل که از پادشاه جنت و جاه و بزرگی یا بد لیکن و دلیل که در پیش خلل افتد و اگر بیند
 که شکام آویختن مردمان نظر دوری میگردند و دلیل که بر عدد آفتوم مهری و فرمان روائی یا بد اگر بیند که در بی هیچ و در پناه
 و دلیل که بر آفتوم مهری و فرمان رو کرد و اگر بیند که پیری مجبول و پیر بیا و بخت و مردمان بنظر آه او همی بودند و دلیل که بر خلق
 همان فرمان رو کرد و چون بیند که خویشان بنظر آه او همی بودند و اگر بیند که خویشان بیا و بخت و بچس روی بنظر آه او
 بلکه خود آویخته همی دید و دلیل که خواهد بر خویشان خود مهری کند و لیکن کسی مطلع او نکند و جابر مغربی که بد چون و پیر او
 بود و در لیسان برید و بیضا و دلیل که از بزرگی و جاه و حرمت پیخته آینه ابن سیرین که بد که آینه در خواب جاه و ولایت
 بود و اگر بیند که آینه داشت یا کسی آینه بوی داد و دلیل که بد بزرگی آینه جاه و منزلت و ولایت و لغت یابد و اگر
 بیند که آینه کسی داد و دلیل که مال و متاع خویش پیش کسی نهد و اگر بیند که در آینه سپین نگاه میکرد و دلیل که از حرمت و جاه و
 گرامت بیند زیرا که آینه سپین را مکر و بیند و او اندک گمانی که بد که اگر مردی در آینه آینه همی نگذرد و دلیل که اگر زن
 بی حائل بود پس آورد که بهیچ چیز مانند پدید بود و اگر زن بیند که در آینه سپین گرامت و آستان بود و دلیل که دختر می آورد که هم
 چنین مانند او بود و اگر زن آستان نباشد و دلیل که شوهر او اطلاق دهد و زن و بیکر بخوابد و آستان شوهری دیگر کند و اگر پس بیند
 که در آینه نظر میکرد و دلیل که او را برادری آید و اگر دختر می نگاه کند و بر او خواهری آید و اگر پادشاه یا عالمی نگاه کند معزول
 گردد و ولایت سازد و دوست او برود و کسی دیگر بجای او نشیند جابر مغربی که بد که روی نیکو در خواب آینه دید چون معروض
 بود و پادشاه بود و اگر معروض نباشد تاویل نیکست و بد هر چه دیده باشد آینه باز کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که
 دیدن آینه بختش و چه بود اول زن دویم پس سیم جاه و فرمان چهارم یار و دوست است پنجم آینه باز نشستم کارش
 و بیکم او که بد اگر مردی غریب آینه در خواب بیند و دلیل که زن خواهد و بزرگی یا بد و اگر دختر بیند و دلیل که شوهر خواهد و بر شوهر عزیز

باید
باید

و اگر می بود و اگر بیند که مروی مجهول آئین بد و د و د و موی نگر نیست دلیل که بدیدن و وستی غایب شادمان کرد و
اگر بدیدن در خواب و انیال کوید که اگر بخواب دیدن برشش نوع بود اول بر سفید و سیاه و زرد و سرخ و ابر بارنده و نابارنده
و بهر یک از اینها خصوص است و اگر کسی خوشی نشین را در زیر ابر سفید بارنده و دید دلیل که خدای عزوجل بر او علم و حکمت ارزانی داد
و مردمان از علم و حکمت او منفعت رسد و اگر بیند که در زیر ابر زرد بود و دلیل که بهار کرد و بعضی از مستقران گفته اند که زنی خوابید
و از وی پنج هخم و اندوه کشد اگر بیند که در زیر ابر سرخ بود و دلیل که بر محنت و بلا گرفتار کرد و زیر ابر که خدای عزوجل بهر موی که خدا
فرستاد و سخت بر سرش برقرار آن ظاهر شدی و اگر بیند که بر فراز ابر سر راست با سینه و دلیل که بقدر آن فرمان روانی باید و اگر
بیند که ابر بر سر موی میگذشت دلیل که او را با کسی نیکو جا و نیکو عهد صحبت افتد و مراوش از وی حاصل کرد و ابر بر سر موی
اگر بیند که ابر را در خواب می راند دلیل که او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر این خواب را پادشاه بیند دلیل که در ولایتش
رسولان و صاحب خیران فرستد و اگر بیند که ابر از زیر او گرفت و بر زمین آورد و دلیل که کارش نیکو کرد و در بزرگی باید و علم حکمت
و اگر بیند که ابر بر سر موی سایه می کرد و دلیل که در آنسال خیر و نعمت بسیار باید و قوله تعالی وَحَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغُلَامَ وَالْغُلَامَ
عَلَيْهِمُ الْمَقْصُودُ وَالتَّكْوِي كَلَامُ الْكَرْبِ بیند که از ابر جاسه در وقت بود و در پوشید دلیل که چندین علم حاصل کند که کس را
نبود و اگر بیند که ابر بر سر موی جهان را پوشید و هیچ باران نبود و دلیل که بدو گرفتاری کوید که اگر بیند که ابر را جمع کرد و یا بر او شست یا بخورد
و دلیل که در میان حکیمان ممتاز شود و در او نش چکانه کرد و جابر مغربی کوید اگر بیند که ابر را میخورد و دلیل که در محبت است و از
حکمت بود و اگر بیند که ابر سیاه بر فراز موضع جامی گسترده بود و دلیل بر خشم و خدا جتحتی بود و آندای پس هر که اندران ابر زدنک تر بیند و خدا
حق تعالی نزدیک بود و اگر ابر باران بپید و دلیل بر رحمت و خیرات کند اگر بیند که از ابر باران می خورد و دلیل که بقدر آن ویرانست و نیکوئی رسید
با ابر باران و در سخت بود و دلیل که بر ترس از وعای مادر و پدر یا از وعای مسلمانان و اگر مادر و پدر برق بیند این جملهها شتر و قوتیر بود و اگر
صاعقه را عذاب صعب تر بود و اگر بیند که در خانه وی و جایگاه نشستن ابر گسترده شده است و دلیل که در نزد او این است
حکمت بود و در او نش نیز حاصل کرد و بر قدر تنگی و تاریکی حضرت صادق ع فرماید که ابر بخواب دیدن بر نه و جد بود و اول حکمت
و دوم ریاست سیم پادشاهی چهارم رحمت پنجم بر پیغمبر گاری ششم عذاب هفتم قضا هشتم بلا نهم فتنه اسمعیل شصت
کوید که ابر سیاه بخواب دلیل هم و ترس و سختی بود و ابر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه بود و اما آن ابر که از کلاه
دریا آرد که بتازی آنرا سفید خوانند دیدن وی در خواب غنیمت بود بر قدر آنچه دیده بود و ابر و پا این سیرین کوید ابر و پا
دیدن بخواب دین بود و اگر بیند که ابر و دایش تمام بود و هیچ نقصان در آن نبود و دلیل که در نیت وی تمام و کمال بود و اگر بیند
که ابر و دایش فرو ریخت تا دیشش بخلاف این بود که مانی کوید اگر بیند که ابر و دایش تمام بود و هیچ نقصان در آن نبود و دلیل که در نیت وی تمام و کمال بود و اگر بیند
چیزی کند که از این چیزی را بد نامی و فساد دین حاصل کرد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که قصد چیزی کند که دیرانیک نامی صلاح
دین حاصل آید و اگر بیند که ابر و دایش سفید گشته بود و دلیل که علم و آهستگی وی زیاده کرد و لیکن بالش را نقصان بود جابر مغربی کوید

باید
باید

اگر کسی بر وی غیبت را بخت و بدو یک و دیگر کند و بدلیل کند که در مال و جاه وی نقصان افتد و بعضی گفته اند که دلیل
 بر نقصان زینت دین وی کند اگر پیشیم بداند که تاویل بر پیشیم چنان تاویل قریب بود و در حرف قاف گفته میشود و خواهد شد بل پیش
 و انیال کو بدید که دیدن ابلیس بچانه دلیل بر دشمنی بود بدین و دروغ زن و فریبیده و بیشتر و نوسید زنی و هر دو را همه بدی است و
 و شر و فساد اگر بیند که با ابلیس در جنگ و نبرد بود و او را قهر کرد و دلیل که ویرانچیز و صلاح میل بود و اگر بیند که ابلیس بر وی غلبه کرد و دلیل
 که بر او شر و فساد و ایل بود و اگر بیند که ابلیس با وی سخن می گفت و دلیل کند که او را ز راه بر داند و او را از طاعت باز دارد و اگر بیند که ابلیس
 او را نصیحت میکرد و وی را خوش می آمد و دلیل که او را هم مال و هم بدن حضرت رسد و اگر بیند که ابلیس دست او گرفت و بجائی میبرد
 و او گفت که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم دلیل که بجایه بزرگ مبتلا کرد و بعد از آن بخصیص کسی از آن گناه دارد
 و اگر بیند که ابلیس بر کمر او نعل نهاد و دلیل که ابل دین و صلاح را نشاوی رسد و اگر بیند که ابلیس ضعیف و ورمانده بود و دلیل که
 و مردمان مصحح را قوت بود که گمانی که بدید که بیند که ابلیس را مطیع شد و دلیل که بهوای نفس مبتلا کرد و اگر بیند که ابلیس چیزی را در
 او و اگر آنچه نیک بود و دلیل که مال حرام یا بد و اگر آنچه بد بود و دلیل بر فساد و دین کند و اگر بیند که ابلیس شاد و محترم بود و دلیل که کار
 مردمان بفساد و قوی کرد و اگر بیند که ابلیس را خواست که بشیر زند و بطلان کند و بکجایت دلیل کند که ولایتی بدست آورد و دلیل
 و انصاف کند و اگر بیند که ابلیس را بخت و دلیل که نفس خود را قهر کند و راه صلاح و رزق از زیر این سیرین گوید و اگر بیند که بر زمین
 داشت و دلیل که بر قدر آن ویرانچیزی از ستاع دنیا حاصل کرد که در زیر آلتها بود چون کاسه و طبع و مانند این و و اندک است
 و دلیل که بقدر آن ویرانچیز و چاکر بود که گمانی که بدید که بیند که از زیر می گذاخت و دلیل بود که در زمان مردم افتد بعدی حضرت صفا
 فرماید که دیدن از زیر در خواب بسته وجه بود و اقل منفعت و ویم خدمتکار ستم ستاع خانه ارش ابن سیرین گوید که بیند که بازش
 یا چیزی دیگر بازش می پیچد و او را سود و منفعت بود چاکر گوید که بیند که رسن یا جامه شین بود و دلیل که در سفر بقدر آن مال حرام
 است ابن سیرین گوید که اگر در خواب بیند که بازه درختی را گشاید که از صحبت مردی که تعلق بر آن درخت دارد و مفارقت میدهد و او را بسیار
 و تاویل هر درختی در حرف و ال میان کنیم و اگر بیند که فرزند یا برادر یا خواهر خویش را با تبه بد و پاره بهرید و دلیل که مانند آن در آفرین
 دیگر باید یا برادر یا خواهر گمانی که بدید که بیند که از ه فرا گرفت یا بخرید یا کسی بد و او دلیل که اگر سپردار و ویرا سپر سیس و دیگر
 و اگر دختر دارد و وی را دختری دیگر آید و اگر فرزند ندارد و چاکر پای داد و دلیل که چهار پائی مثل آن ویرا حاصل کرد و حضرت صادق فرماید که
 در خواب دیدن برسته وجه بود و اقل فرزند و ویم خواهر یا برادر ستم انباز این را ابن سیرین گوید که ایزار در خواب زن بود و اگر بیند
 که ایزار در میان بست دلیل که زن خواهد یا کنیزی خورد و اگر بیند که ایزار وی ضایع شد و دلیل که از زن جدا کرد و اگر بیند که ایزار
 برید و دلیل نقصان و عیب زن بود و اگر بیند که ایزار وی با تش سوخت و دلیل آفت و بیماری زن بود و چاکر مغربی گوید که اگر بیند که ایزار
 پیشین یا پنبه بود و دلیل که زن او ستیزه و دین دارد و اگر بیند که ایزار رسن و چکر داشت تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که ایزار
 قرین یا بر پیشین داشت و دلیل که ویرانی معاشره یا متکبر بود و پیغمبری و انیال که گوید که بیند که او پیغمبری شد از جمله پیغمبران خلق

بیاورد
 عیب

زیبایی

عیب

زینت

زیبایی

عیب

مجدداً میزند و راه تو خید می نمود و دلیل که تحت محبت و بلا گرفتار گردد و بعد از آن بر دشمنان ظفر بیاورد اگر بیند که از او مصدق
 این دلیل که تحت محبت و بلا می وی در دنیا کمتر از آن بود و اگر بیند که او نخستین و ثوابگر کرد و بدینست دنیا بروی فراخ گردد و با وین او
 تنه کرد و زمانی که او را بیند که نام وی تغییر شد چنانکه او را بنام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی
 و مثل این و دلیل بود که او را بنده خرید و نیکی یا دسازند و اگر بخلاف این بیند مردمان و برادرش و بدی یا کینه و اگر بیند که او با دشمنان با
 یاقینی شد و دلیل که در شغل خویش عدل انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این بیند دلیل شر و بدی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که
 صلاح نفسا و سهیل شد و دلیل که بر جنبش و او با بری وی و اگر بخلاف این بیند دلیل بود بر سعد و اقبال و دین و دنیا می وی از او
 این سیرین گوید از او را بخواب دیدن دشمن بزرگ و اندر دشمنی قوی بود و اگر بیند که از او با بی داشت دلیل که با بزرگان
 اگر بیند که با از او با جنگ و نبرد میگرد و برادرش شد و دلیل که بر دشمن او را جنگ و خصومت افتد و سر انجام دشمن را که کند اگر بیند
 که از او با رجعت و کشت و می بخورد و دلیل که بر دشمن ظفر بیاورد و مال بستاند و هزینه کند جابر مغربی گوید اگر بیند که از او با رجعت
 و دلیل که بر دشمن بود که دشمن و برادرش که از او با نشسته بود و از او با مطیع و فرمان بر او بود و دلیل که دشمن
 بزرگ و بر او مطیع و فرمان بر او کرد و کارهای او نظام کرد و اسپندان کرمانی گوید اگر اسپندان بیند دلیل غم بود اگر بیند که
 بی خود و دلیل که بقدر آن ویرا غم و اندوه رسد اگر بیند که کسی اسپندان بود و دلیل که غمی از آنکس بر دل می حاصل کرد و اگر بیند که
 اسپندان او بخشی را و غمی از وی بر دل او حاصل کرد و اسماعیل اشعث گوید اگر بیند که اسپندان و شست لکن بخورد یا بکشد او
 یا از خانه بیرون نکند و دلیل که او را غم و اندوه کمتر بود اسپدانیال گوید که اسب تازی را بخواب دیدن دلیل بزرگی
 و عز و جاه بود اگر بیند که بر اسب تازی نشسته بود و آن اسب مطیع و فرمان او بود و دلیل که عز و بزرگی و دولت یا بد بر قدر
 نیکو و وقت اسب اگر بیند که اسب را فر گرفت و نه تازی بود یا کسی بد و او بروی نشست دلیل که شرف و بزرگی یا بد
 لیکن کمتر از آن که در اسب تازی گفتم و اگر بیند که از آن اسب چیزی کم بود یا زین یا بند زین یا کلام و دلیل که بر قدر آن نقصان
 و بزرگی او بود و اگر بیند که اسب ویرا و نوبانوه و دراز بود و دلیل که بر قدر آن وی را خادمان باشند و چاکران و اگر بیند که نوب
 اسب او بریده بود و دلیل که ویرا خادمان و چاکران نباشند اگر بیند چیزی از اندام اسب او ناقص بود و دلیل که بقدر آن از عز و شرف
 او نقصان بود و اگر بیند که با اسب جنگ و نبرد می کرد و اسب غالب بود و فرمان بروی نبود و دلیل که مصیبت و کناه که محبت
 این سیرین گوید اگر کسی بیند که بر اسب برهنه نشسته و دلیل که مصیبت و مصیبت و کناه او بیشتر بود اگر آن اسب از کسی دیگر بود و اگر
 خداوند اسب را بود و اگر بیند که اسب برهنه بود لیکن مطیع او شد و دلیل بزرگی و شرف او بود و اگر بیند که بر اسب نشسته بود و آن
 اسب بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود و دلیل آنکه گفتیم از کناه بیشتر و صعب تر کند و اگر بیند برهنه نشسته بود و آن اسب در
 می پرید یا بیند که آن اسب را بر او بود چون مرغ می پرید و دلیل که بر شرف و بزرگی بود و درین و دنیا باشد که خداوند شرف کند
 کرمانی گوید اگر بیند که بر اسب ایستاده بود و دلیل که کاری کند که بروی کوبی و برسد و اگر بیند که بر اسب ایستاده بود و دلیل که

سجده

سجده

سجده

سجده

کند که بر مال و همتی حاصل کرد و اگر بید که بر اسب کیت نشسته بود دلیل که از پادشاه فوت و بزرگی یابد و اگر بید که بر اسب
 اشخربود دلیل که بر صلاح دین و حرمت او از پادشاه و اگر بید که بر اسب زرد بود دلیل که از یک بیماری یابد و بر اسب ستمین
 دلیل بود و اگر بید که بر اسب سحر بود دلیل که بر خیر و صلاح و اگر بید که بر اسب پلیس بود دلیل که زن خواهد و اگر بید که از اسب فرو آمد
 دلیل که از شرف و بزرگی است و اگر بید که از اسب بر میند فرو آمد دلیل که از گناه و حصیت باز آید و اگر بید که بر اسب نشسته بود و اسب
 تمام پوشیده بود دلیل که شرف و بزرگی یابد چنانکه کس را از آن مانع نباشد و دشمن را و خطر نیابد و اگر بید که اسب ای تاخت تا
 جنگ کند دلیل که از وی گناهی در وجود آید یا ترس و همتی بدورسد بر قدر تا حق اسب و اگر بید که بر اسب نشسته بود
 و اسب او را در مسجد برود دلیل که هیچ خیر اندر این نبود مگر بید که اسب او را از آنجا بیرون آورد و اگر بید که اسب او را در آنجا
 همی کرد دلیل که مال دولت یابد و اگر بید که اسب با وی سخن گفت دلیل بود که کاری کند که مردان را از آن شکفتند
 و اگر بید که اسب بیکانه در سرای وی در آید یا در کوچه وی دلیل که مردی شریف نام دارد و سرای او در کوچه وی در آید
 و قیمت اسب در آنجا مقام سازد و اگر بید که اسی از کوچه و بیرون رفت دلیل که مردی شریف نام دارد و در کوچه
 او غایب کرد و یا بمیرد چنانکه بید که اسب ما دیان فرا گرفت یا کسی بدو داد و بروی نشست دلیل که زن
 خواهد و بروی مبارک بود و اگر بید که آن ما دیان بگونه سیاه بود دلیل که آن زن شریف نام دارد نباشد و اگر بید که آن
 ما دیان ابلق بود دلیل که زن را مادر و پدر از یک نسل نباشند و اگر ما دیان جرمه باشد دلیل که آن زن خوب
 روی و با جمال بود و اگر آن ما دیان سبز رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پر پیروز کار باشد و اگر اشقر بود دلیل که آن زن
 غریز و خداوند جا بود و اگر کیت بود دلیل که آن زن معاش و طرب دوست بود و اگر بید که آن ما دیان کره داشت
 دلیل که زن را فرزندی بود چنانکه اگر کره او نر بود دلیل که آن زن را پسر بود و اگر ماده بود دلیل که زن نر بود و دختر بود
 و اگر بید که گوشت اسب همی خورد دلیل که پادشاه او را خاستار کرد و بخویشتن نزدیگ کند و اگر بید که در پس کسی
 با اسب نشسته بود دلیل که آن مرد که در پس وی نشسته بود تابع او کرد و اگر بید که اسبان بسیار پیر من سراسر یا کوچه او بود
 دلیل که در آن موضع باران بارد یا سیلاب روان کرد و اسمعیل اشعث گوید که بید که بر اسب رهوار نشسته بود دلیل که
 توانگر با صلاح بر بنی بنجا دهد و اگر اهل آن نباشند زیرا که با چنین زنی مصاحبت افتد و از او منفعت و نیکی یابد و اگر بید که گوش
 اسب او بریده بود دلیل که پیغام محنت از وی بریده کرد و اگر بید که اسب بر آید و زود برخواست دلیل که در
 بعضی از شغل وی خلل افتد و دیگر بار صلاح باز آید و اگر بید که اسی خریه بی دم و بران نشسته دلیل که زنی بی حسن از بنی
 بخواند و اگر بید که با اسب بهوایر شد و بعد از آن از هوا فرو آمد دلیل که بر دست پادشاه ملاک کرد و اگر بید که اسب
 ویرا لک زد و یا بگریز دلیل که عیالش بنهانه مشغول کرد و اگر بید که کسی سب میرا بدزد یا پیچ بود که عیالش ملاک کرد و اگر بید
 که اسب وی کم شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بید که اسب خویش را بفروخت دلیل که خود جا و کم رود و عیال از وی جدا

بالکلیه

مختار

مستغنی

مطالع

مختار

مختار

دویم زندگانی در از سیم ظفر و ششم چپا بر جهان و از این پنجم مرد حق بود و استراوده و حوت و بزرگی یابد و اگر بیند که بر آب
 و یا فتنه مراد بود و استخوان این سیرین گوید که استخوان در خواب مالی بود که مردم بدان حقیقت بازاری یابد و بر اسب سهندین
 و ران استخوان گوشت بود و دلیل کند بر قدر آن گوشت خیر و مال یابد و اگر بیند که فی گوشت بود و دلیل کند که اسب نشسته بود و سوار
 که او کسی استخوان و او دلیل که از او بد آنکس خبر رسد که مالی گوید اگر بیند که استخوان کسی را شکسته بود می گوید که اسب با همی تاخت تا
 که ماکون یابد و کردار نیک کند و بعضی از معبران گفته اند که کار مینوایی از او بنوا کرد و حضرت صادق علیه السلام می گوید که بر اسب نشسته بود
 بهفت وجه بود و اول تل و مال و دویم خدیشان سیم فرزندان چهارم قیم خانه پنجم مال ششم برادران هفتم برادران و اسب نشسته بود
 بد آنکه استغفار کردن است غفر الله له بود و معنی آن ترش خواستن از خدای عز و جل این سیرین گوید اگر بیند که در خواب است و اسب نشسته
 که ایند تعالی بر او مال و فرزندان را فی دار و چنانکه در کلام مجید فرموده است قوله تعالی و استغفر لک انک کان عظام الذین
 استغفروا علیکم و قد را و او میگوید که با موال و بخت حضرت صادق علیه السلام می گوید که استغفار کردن در خواب بر چهار وجه بود و اول
 مال و دویم فرزندان سیم آن ترش از حق تعالی چهارم توبه کردن از گناهان اسطلاب که مالی گوید اسطلاب در خواب بتاویل اصحاب سلطان
 بود و بهتر بزرگ اگر بیند که اسطلاب و پشت یا اگر کسی حجریه یا کسی بد و او دلیل که از صاحب سلطان کرد و دو بهتر قومی کرد و اگر بیند
 که اسطلاب و ضایع کردید یا شکست دلیل کند که جاه و منزلت نفسان یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که در اسطلاب باقی بماند
 میگرد دلیل که بشغل سلطان یا بشغل امیران وی مشغول کرد و از ایشان خیر و منفعت بیند و بعضی از معبران گفته اند که اسطلاب
 در خواب مردی بود که ویرانه ثباتی نباشد و بر کار پاینده نبود اسفاناج این سیرین گوید ویدن اسفاناج در خواب غم و اندوه
 بود و خوردن و بی دلیل بر ضررت و نقصان مال بود اما اگر بیند که گوشت بچینه بود و روغن و از او همی خورد و دلیل بر خیر و منفعت
 کند بر قدر آنچه خورده بود استر این سیرین گوید اگر کسی خود را بر شتری مجهول بیند که شتاب همی رفت و دلیل کند که سفر
 و اگر بیند که بر شتری جولان همی کرد و دلیل که غمگین و متغیر کرد و اگر بیند که بر شتری نشسته بود و راه مکرده میراند و ندانست
 که راه راست کجاست دلیل که در راه و خویش فروماند و هیچ تدبیر آن نتواند ساخت و اگر بیند که ماده شتری یافت دلیل کند که
 خواهد و اگر شتر با جبه بود آن زن که خواهد با فرزند بود و اگر بیند که شتر از پس او همی و وید دلیل که غمگین کرد و اگر بیند که شتر از وی رو برد
 و طبع او نشد دلیل که اندوکیدن کرد و و نهال گوید اگر بیند که بر شتر مست خشم آلود نشسته بود و دلیل که مردی بزرگ غلبه کند و اگر بیند
 که با شتر جنک و نبرد میگرد و دلیل که با مردی عجمی که با او دشمن بود در راه با وی خصومت افتد و اگر بیند که شتر آن را همی چرا
 و دانست که از ملک او بود دلیل کند که ویرا و لایقی بود و مردم آن ولایت فرمان روا کرد و اگر بیند که شتر را همی و و شد دلیل که
 از او شاه مال یابد بر قدر آن شتر که و و شد بود و اگر بیند که بجای سیرارستان شتر خون آمد دلیل که آن مال که بدور سد حرام بود و اگر بیند
 ویرا لکند و یا کسی بدو بخشد یا از کسی او بخرد دلیل که زن خواهد یا یک زن که ماده شتری که از او بود و بویخت یا و زبرد و دلیل که از زن
 که اسب و می که بیان ایشان خصومت افتد و اگر بیند که ماده شتر او بد و دلیل که شتر او بد و دلیل که شتر او بد و دلیل که شتر او بد و دلیل که شتر او بد

باب

شش

در بیان

فصل

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

بسیار طبعه زنند اگر بیند که در چشم وی بجای اشک که در خاک جمع شده بود دلیل که بقدر آن مالی حلال بی رنج بدو رسد و اگر بیند که
 بروی او فرو آید دلیل که مال خویش را بهرینه کند حضرت صادق علیه السلام فرمود که در خواب دیدن اشک که از چشم آید بر سر و وجه بر او اولی است
 و خرمی و دویم غم و اندوه سیم نعمت بود ایشان این سیرین گوید دیدن ایشان بخواب لیل بر غم و اندوه کند و خوردن او و لیل
 بهاری اصلح بدانکه اصلح بقای بی دفع سر بدو این سیرین گوید اگر کسی اصلح سر بخواب بیند که بر سر او موسی رسته بود دلیل که او را مالی که
 حاصل کرد و اگر بیند که او اصلح شد دلیل که از غم و اندوه رسته گردد اما اگر زنی بیند که اصلح شد دلیل که روزی که در آنش او نقصان
 پذیرد که مالی که اوید که اصلح دیدن بخواب باز در کان را فایده بود و پیشه کارا کسب و صنعت و پادشاه را فکر و زمان و نقصان
 بود و آخر و ششم این سیرین گوید که فرو شده آن بهر بود که در وی غفران نباشد چون اندک بیند سخن خوب لطیف و خوش بود
 و چون بسیار بیند مالی بود که برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که اندک فرو شده کسی با و داد و بخورد دلیل که از آنکس سخن لطیف
 نشنود چنانکه موافق طبع بود و اگر بیند که فرو شده بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی حاصل کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود
 که خوردن و فرو شده بخواب بر سر و وجه بر او اولی سخن لطیف و دویم مال ستم مراد یافتنی که در دل بود و افسرد که مالی که دید که خوردن ضرر
 و خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که چیزی افسرد و همی خورد و دلیل که بقدر آن ویرانم و اندوه رسد اگر بیند که افسرد کسی بدو داد و
 وی بخورد و دلیل کند که با کسی او را جنگ و خصومت افتد و اگر از وی هیچ نخورد و ندید وی نرسد جابر مغربی گوید که خوردن ضرر
 و خواب لیل کند که او را جنگ و خصومت افتد و علی الجملی هیچ خورد خوردن افسرد نباشد افسون این سیرین گوید که افسون
 و خواب غریبترین مردم بود مگر آن افسون که بنامهای خدای عزوجل و بآیات قرآن بود و چون افسون کرد و خواب بیند که از آن
 با کسی دیگر بیدار شد و راحت پیدا شد دلیل که از غم و راحه کام دل رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر غم و اندوه که مالی که اوید که
 کردن بخواب کار باطل بود چون بوقت افسون ذکر خدای عزوجل را گوید و اگر افسون بقرآن و نامهای حق تعالی کند دلیل که نکلی
 کند بجن و درستی و از آن در آخر صلاح و وجهانی رسد افسون این سیرین گوید که دیدن افسون بخواب لیل کند بر غم و اندوه خوردن
 وی دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند اله دیدن و انیال گوید که اله و خواب پادشاه قوی با مصیبت و تنگ بود چنانکه همه که از او
 رسد اگر بیند که اله را گرفت یا کسی بدو داد و آن اله فرمان بر او مطیع او بود و دلیل که در نزد پادشاه خاص و مقرر کرد و اگر بیند
 که اله او را برگرفت و بهر چه او بدلیل که بفرمان پادشاه سفری کند و در آن بزرگی و نامواری یا بدین سیرین گوید اگر بیند
 که اله که بچه فرو آید و دلیل که پادشاه در آن که بچه فرو آید اگر بیند که مردم آنکه چه اله را بکشند آن از مملکت محروم کرد و یا
 شود و اگر بیند که اله او را برگرفت و دلیل کند که پادشاه شود و اگر بیند که اله از زبان چیزی بدو آید و بدو داد و دلیل کند که بچه
 آنچه از پادشاه عطا یا بدو اگر بیند که اله از دست او برید رستم یا چیزی دیگر دوست او با و دلیل که پادشاه بهر و چشم
 کیر و او را از خود دور کرد و اندوختی از مال او بستاند که مالی که اوید که بید که از اله شکار همی گرفت دلیل که مال و خزانه پادشاه
 در تصرف او قرار گیرد اگر بیند که اله برید بمقتضای بچه کمال نزد دلیل که او را از پادشاه نجات و بلا رسد و مالش بستاند و اگر بیند که

چنگ و برده‌ی کرد دلیل که او را پادشاه جنگ و خصومت بود و اگر بیند که اله بخرد یا پراور کند دلیل کند که بقدر آن از پادشاه اله
 یابد و اگر بیند که اله بر سر روی وی نشسته بود دلیل کند که ویرا پسری آید و پادشاه کرد و حضرت صادق ع فرماید که اله در خواب و در وجه
 بود اول پادشاه ظالم و شکر و خوشنود و در وجه عالم بی دیانت و حیلنی بود و بعضی گفته اند اگر کسی بیند که اله داشت دلیل که عمر او دراز بود
 الوی سرخ این سیرین دید اگر خواب الوی سرخ و سیاه را وقت خود بیند دلیل بر مال و خواسته بود و الوی زرد دلیل بر بیماری کند
 اگر بیند که الوی زرد و سیاه که بطعم شیرین بود و فراغت یا کسی بدو داد و بخورد دلیل کند که بقدر آن مال خواسته سیاه را که بیند که الوی
 زرد خورد و وقت آن نبود دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت و خصومت و اگر بطعم ترش بود بهتر بود این سیرین گوید اما معنی که در آن
 که در پیش قومی امامی کرد و امام نبود دلیل کند که در آن قوم مستر گردد و جمله تابع او شوند چنانکه ماموم تابع امام باشد و اگر بیند که چاقی
 ابنوه در نماز بود و ویرا گفته اند که مارا امامی کن و پادشاه فرمود و با که امامی کن و او در پیش رفت و امامت کرد دلیل کند که در آن
 سیر و فرمان روا کرد و با ایشان عدل و راستی کند بقدر راستی قبله و تمام کردن نماز بر کعبه و سجود و اگر بیند که از نماز چیزی نقصان
 کرد دلیل کند که برایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود این سیرین گوید اگر بیند که امامی میکند و لیکن نشسته بود
 دلیل که بیمار کرد و اگر بر پهلوی نشسته بود و در نماز چیزی بخواند دلیل کند که زود میرود و آن قوم بروی نماز نکند و اگر امام بر نجاب دید
 دلیل که شرف و منزلت یا بدر قدرت و شرف و منزلت امام و اگر بیند که امام را ولایت نبی داد یا با امام در خانه رفت یا امام او را چیزی
 بخشید یا با امام طعام خورد و دلیل که بر قدر آن غم و اندوه بدورسد جای بر مغربی گوید اگر بیند که با امام بر جهاد بود دلیل کند که با دولت
 و ولایت با وی شریک بود یا در مسجدی یا در دهی یا در شهری اسمعیل شخت گوید هر چه کرد و امام در خویشتن زیارت کند و در ولایت
 و بزرگی او زیاد کرد و همه چه در آن نقصان بیند در مال و نعمت و نقصان کرد و حضرت صادق ع فرماید که امامی که در خواب
 بر شش وجه بود اول زمان روانی و دوم پادشاهی بعدل و انصاف ستم علم چهارم قصد کردن بکار خیر پنجم منفعت ششم این از سیرین
 و اگر بیند که امامی زن آن کرد و دلیل کند بر گرو و ضعیفان دالی کرد و اگر بیند که امامی از آسمان فرو آمد و قومی را امامت کرد و دلیل کند
 که رحمت بود بر اهل زمین و اگر بیند که بر مرده نماز میکرد و دلیل که از پادشاه فرمان روانی یا بداهه و این سیرین گوید که خوردن امر و
 بوقت خود چون سیرین بود و دلیل که مال حلال یابد و اگر بگونه زرد و بپاری بود اگر بیند که امر و میخورد و زرد بود و دلیل کند که
 کرد و که نه بشکام بود و اگر امر و بگونه سبز بود یا سرخ چون بطعم شیرین بود مال بود و اگر ترش بود ناخوش بود و اندوه بود که مانی گوید
 امر و سبز و شیرین بوقت خود دید یا فتنه مراد بود و اگر بیند که امر و را بهی خورد و دلیل بر منفعت بود و حضرت صادق ع فرماید که خوردن
 امر و در خواب بر پنج وجه بود اول مال حلال و دوم تو اگر سیم زن چهارم یافتن مراد پنجم منفعت و اگر بیند که پادشاه امر و میخورد
 دلیل کند که از مردمی بزرگوار منفعت یا بقدر آن که خورد و بود انار و انیال گوید که اصل نار نجاب مال بود لیکن بقدر جهت مردم عام
 که بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بود و اگر بیند که انار از دخت برید و بخورد دلیل کند که نزد بی باج مال منفعت یا در این سیرین
 گوید که انار شیرین نجاب بیند مال صحیح کرده بود و بعضی از معبران گفته اند که یک انار شیرین خوردن نجاب هزار درم بود که سیاه و

در خواب
 اگر بیند که
 اگر بیند که

سیرین

سیرین

بایست

ترش غم و اندوه بود و ناداری که انداختش یا شیرین بود و تغییرش این اما شیرین بود و جالبی که کسی بیند که اما شیرین بود و خوشی
خود و دلیل کند که هزار درم بیاورد یا اینکه کسش بخواهد و نیاز بود که بیاورد و باشد که آنچه دیگر گفتیم درم بیاورد پس مستحب است که بعد از وقت
سروم تاویل کند و اگر بیند که اما برستان پس خود دلیل که بعد و هر و اندوه را چوبی بر بندد و هر چه چیز از ترش خوردن در وقت و هر وقت
بهر بود و حکم اما شیرین میانه بود که مانی که دیگر کسی بیند که اما شیرین بود و خود میخورد و اگر باز در کان بود و قماش و مساع و اور و اوج کرد و در
و اگر ساف و دلیل که سفرش مبارک بود و با سود و منفعت بود اگر بیند که و انهامی اما دریافت یا کسی بدو داد و دلیل که وقت آن ویرانگی
رسد اگر وقت بود و اگر وقت والا اما شیرین با پوست و پیچ آن میخورد و دلیل که از هر چه چیز خورداری یا بدو حضرت صفت دق که نماند که خوردن
اما شیرین و خواب بر سه وجه بود اول حال جمع کرده بود و دوم نل پار ساسیم شکر آردان و لیکن اما ترش غم بود و اسمعیل ششت که
اگر با و شاه بیند که ناری داشت و ولایت یا شهر یا بد و رئیس را بری بود و باز در کا نژاده هزار درم و یا باز در هزار درم و مردم در پیش
و درم یا یک درم بود و آنچه این سیرین که بد که خوردن و آنچه خواب اگر و نقش بود و اگر سیوقت بد بود و اگر بیند که آنچه چیزی خود و دیگر جمع
میگرد و یا کسی بدو بخشد و دلیل بود که غم و اندوه بد و رسد و باشد که کاری کند که از آن شپانی خورد که مانی که بد که آنچه نژاد و خواب دین
و خوردن و دلیل بسیار که بد و آنچه سیاه دلیل بر غم و اندوه و آنچه بر خوردن بود و چون بطعم شیرین بود و مانی نژاد و آنچه این سیرین
گوید اگر بیند که آنچه این بی خواند و دلیل بود که از حق مایل و رفیق که رو و خورداری شود و این سیرین که بد که اگر بیند که کتاب آنچه این بی خواند و دلیل که بد
کسانی از ملت عیسی باشد چیز اند که بد و رسد و اگر از بر میخواند و دلیل که از حق مایل که دو و وسند از ترسایان شود و انداختن هر و مردم این
گوید اگر کسی بیند که کسی را بداخت و دلیل که بر خصم خیره کرد و اگر بیند که کسی او را بداخت و دلیل که خصم بر وی خیره کرد و اگر بیند که کسی
سنگ انداخت و دلیل که کسی سخت بد کسی گوید و بعضی از متجران گفته اند که دلیل آنکه او را بر نایا بکنای میترسم که اندوه اگر کسی بیند که سنگ
انداخت هم سخن درشت بود که بکسی گوید و متجران گویند اگر کسی بیند که سنگ یا با دام یا قند بیند اخت اگر اگر کسی معروف بود و دلیل که نژاد و بد
عطا یا بد و اگر مجهول بود و بدان مقدار که بکسی انداخت صفت و عطا یا بد و اگر کسی بیند ازین خورد و نیما که گفتیم سوی چهار پان از اول دلیل
که مال خویش بر جانان بر نهد انداختها این سیرین گوید که انداختهای قوم را اگر بیند که از خون شد و دلیل که نژاد خویشان و اهل بیت او
زیاده کردند و او در موضع خویش مقیم بود و اگر بیند که انداختهای او بریده شد یا از تن او سفید و دلیل که سفر و او و خویشان او بر نهد
کردند و اگر بیند که انداخت خویش بر سر بریده و اگر بیند که میکرد و دلیل که اهل بیت و خویشان خود را در شهر یا بر انداخته که مانی که بد که کسی بیند
که باره گوشت از انداختش بر برید و دلیل که آنکس از هر منفعت رسد و اگر بیند که انداختی وی جدا شد و دلیل که کسی از مال او چیزی
بستاد و نژاد و اگر بیند که گوشت از انداخت خویش بر سر بریده و پیش مرغی می کند و دلیل که از مال او چیزی بکسی بخشد یا بر سر مانی که بد که بیند که
از تن وی با و سخن گفت و دلیل بود که میان خلق رسد و گوید تعالی قاتلوا انفسکم الذین انطلق کل یلیغی اگر بیند که انداختی از انداخت
خویش بر ای می رفت و دلیل که کاری کند که بران اعتنا و او را و اگر بیند که انداختی از تن وی جدا شد و دلیل که کسی از خویشان او و بر سر
و اگر بیند که انداختش از زده بود و دلیل که بیمار کرد و اگر بیند که مرغی از انداخت وی باره گوشت بر بود و دلیل که مال او چیزی بر نژاد و اگر

خوب

خوب

خوب

خوب

بجانب

صحب

نکته

چند که گشت از اندام خویش می برید و پیش مرغ می افکند دلیل کند که انزال خویش چیزی می کشد جابر مغربی گوید که اندامی از اندام حرامی
 بجا گشت دلیل کند که بر است نبوده ام فضل گوید که رسول خدا عرض کرد م یارسول الله خوابی سنگر دیده ام فرمود چه دیده عرض
 کردم جواب دیدم که باز از اندام تو بریده و بر کنار نهاده و رسول خدا فرمود که غایبه را پس که بد کنی از تو بزرگتر است و بعد از آن از غایبه
 حسین بوجود آمد و در کنار او بزرگتر شد و او را می پروردید انگبین کرمانی گوید که انگبین در خواب غیبت بود از مالک و یکی بود از کاروان
 زیرا که در وی شغای در دما است و شش روزی بسیار بود چنانکه حقیقتی در کلام مجید خویش فرموده است **لَا تَقَالِي فِيهِ شَغَاءً**
لَنَا پس حضرت صافق فرماید که خوردن انگبین در خواب برسته وجه بود اول روزی حلال در قیوم مغفیت است چنانکه م دل یافتن در خواب
 روزی بود که بی منت به درسد قوله تعالی **وَإِنَّا لَنَاصِرُونَ لَكَ** و انگشتان این سیرین که بیخ گشت دست راست
 و تاویل پنج نماز بود و پنج انگشتان دست چپ فرزندان برادر بود و بعضی از متبرکان گفته اند که انگشت حسین دلیل نماز بار و انگشت سحر نماز
 و دلیل بر نماز پیشین کند و انگشت میان و دلیل بر نماز و بگو انگشت خضر دلیل بر نماز خفین و صلاح نماز
 بود و اگر بید که انگشت دست راست نداشت دلیل که فرزندان برادرش پیرو و بعضی گویند فرزندان برادرش هم صحبت رسد کرمانی گوید
 اگر بید که انگشتان را در هم گشته داشت دلیل که سگ دست کرد و اگر بید که انگشتان را با هم جمع کرد دلیل که کار برادران و فرزند
 را نصیحت آورد و اگر بید که انگشتان را جدا داشت در هم بسته بود دلیل کند که کار با مروی بسته کرد و هم بر اهل بیت او جابر مغربی گوید
 که اگر بید که انگشت همین او بریده است دلیل که توهن مالش بود و اگر بید که انگشت سجد او بریده است دلیل که در فریضه نماز تقصیر کند
 و اگر بید که انگشت میان او بریده است دلیل که در شهری با دشمنی یا بزرگی پیرو و اگر بید که انگشت بعد از میان او بریده است
 دلیل کند که برادر مال زبان افتد و اگر بید که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزندان او و همیر و اسمعیل اشتیاق انگشتان
 پای در خواب دیدن دلیل بود زینت آرایش و اگر انگشتان پای در شست قوی میزد دلیل کند که کار که خدای او ساخته کرد و اگر انگشتان میان پای راست را
 بگیند که انگشت پای او را آفتی رسید چنانکه رفتن توانست دلیل کند که ویرانی سخت رسد بسبب رفتن مال اگر انگشتان و سوسن پای
 گسردید دلیل کند که کار وی بازگردد شود حضرت صافق فرماید که دیدن انگشتان در خواب برشش وجه بود اول فرزند و دوم برادر و سوم
 ستم خادمان چهارم باران پنجم قوه ششم پنج نماز و اگر بید که انگشتان وی ببقیا و یا بریده شد دلیل کند که از انگشتان که گفتیم او را
 مفارقت افتد و اگر بید که انگشت اول انگشت دلیل کند که یکی از اهل بیت او پیرو و خلع اصفهانی گوید اگر بید که از انگشت همین
 او شیر می آمد یا از انگشت سنا بر او خون می آمد دلیل که آنکس با او در زن خویش خسا کند و اگر بید که از انگشت او آواز برآید دلیل کند
 که در میان خویشان با او گفتگو رود انگشتی و انبال گوید که چون میزد نقش و صفت انگشتی دلیل که از خداوندش بد و خیر می رسد
 و اگر بید که انگشتی کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند دلیل که از آنچه لایق او باشد بر خوی بسیار یعنی اگر لایق با دشمنی باشد
 با دشمنی بسیار و اگر تو اگر بود مال یا بد بقدر و بقیت انگشت اگر بید که در مسجدی یا در نماز یا در خوا کسی انگشتی بوی داد و اگر آنکس
 زاهد و عابد بود و اگر بازرگان بود و نصیب و نفع تجارت بود و جمله هم بر این قیاس بود و اگر بید که انگشتی سلطان بوی داد

نکته

بسیار

دلیل کند که از ملک سلطان بوسی دهد با دلیل که از ملک سلطان بدی بدورسد یا بخویشان وی این چنین که اگر کسی
که انگشتی او ضایع شد یا زود بود دلیل بود که در کارهای او آفت و دشواری بدیدار کرد و اگر بگوید که انگشتی او شکست و بگوید
باشد دلیل که بزرگی او و جاه او بشود و آبرو و پیشش بر جای بود و اگر بگوید که انگشت نگیان او شکست دلیل کند که آبرو و پیشش
بشود و جاه او بر جای ماند و اگر بگوید که انگشتی خود را بکسی بخشید دلیل که از آنچه دارد و از مال و ملک برخی از آن برخیزد و اگر بگوید
که انگشتی خویش را بفرزند و بهایست دلیل کند که از آنچه دارد و جمله بفرزند و بهیمنه کند و اگر بگوید که آنچه دارد و برخی از آن
بفرزند کردی که اگر بگوید که صناع انگشتی او نالیندیده است دلیل کند که از نالی که دارد و چیزی نشود و پادشاه
بر وی چشم کرد و اگر بگوید که انگشتی او از نیم بود دلیل کند که آنچه دارد و پسندیده و حلال بود و اگر انگشتی از در بیند دلیل که
وارد و از مال مرده و حرام حاصل کند و اگر انگشتی از آسن بیند آنچه دارد و اندک خیر بود و اگر بگوید که انگشتی از بیضش یا از
سپید روی بود دلیل بود بر آنچه در آسن بختیم اگر بگوید که انگشتی از زیور بود و بر بود و حقیر تر از آن جمله بود که گفتیم چاره مخفی بود
اگر بگوید که در انگشت وی انگشتی آسن بود دلیل کند که قوت و توانائی باید و اگر بگوید که از پنج یا از مس بود دلیل کند که از
مردمان بی حاصل منفعت باید و اگر بگوید که بلور است دلیل کند که از مردم عامر چیزی بدورسد و اگر بگوید که از نیم است از
و اگر بگوید که انگشتی خویش نزد کسی با بمانت نهاد یا وی را بخشید و انگس هم انگشت بدور کرد و دلیل کند که
چیزی بدور کرد و اگر بگوید که انگشتی بدو داد و اگر بگوید که انگشتی بدو داد و اگر بگوید که انگشتی بدو داد و اگر بگوید که انگشتی بدو داد
که زنی بنگاه بخواد و اجانش کند و اگر بگوید که انگشتی بدو داد و اگر بگوید که انگشتی بدو داد و اگر بگوید که انگشتی بدو داد
جدا افتد و اگر بگوید که انگشتی او و دو کین داشت یا کسی بدو داد که آن هر دو کین موافق یکدیگر اند و دلیل که خدای تعالی
غلام زاده بود و اگر بگوید که از آن دو کین یکی بنیتا و دلیل کند که از دو کینه یکی را زده کند و اگر بگوید که نامه نوشته بود و پادشاه
خویش مهر کرد و دلیل کند که چیزی پنهان بدورسد و اگر بگوید که نامه کشاده را مهر کرد و دلیل کند که چیزی آشکار بدورسد و خیر
صداقت عمو یا پد که انگشتی سپین در خواب بر چهار وجه بود اول ملک و دوم زن ستم فرزندان چهارم مال و انگشتی از زن
نیک بود و اگر زنی بیند که انگشتی با کین از او ضایع شد دلیل کند که حشمت و جاه او بشود و یا فرزندش میرد یا مالش تلف شود و اگر
بهر سحر دل کرده اگر زن به پیشش میرد یا فرزندش انکور و انیال نکند که خوردن انکور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و پیش
ترسیم بود و بخیران گفته اند بعد و هر و نه انکور که خورده بود زخم خوب یا از زبانه بر او زنده خوردن انکور سفید بوقت خود غم
و خیر دنیا بود و پیش از آنکه امیدوار و بغیر وقت دلیل کند که از دامن خدای تعالی خیر چیزی بیرون آید و دلیلش بر صرف مال
و اگر انکور سیخ بیند بین دلیل کند این چنین که اگر بگوید که انکور سفید بوقت خود خوردن دلیل بر مالی بدست آید و هر انکوری که بدست
خود خوردن دلیل بر منفعت اندک بود و هر انکوری که بدست او سخت بود دلیل بر مال حرام بود و هر انکوری که بدست آید و هر انکوری که بدست
روشن بود دلیل بر مال حلال کند و هر انکوری که آب او تیره بود دلیل بر مال حرام بود و هر انکوری که بدست آید و هر انکوری که بدست
کند و هر انکوری که بدست آید و هر انکوری که بدست آید و هر انکوری که بدست آید و هر انکوری که بدست آید و هر انکوری که بدست آید

سینه

کرد و جابر که کسی بیند که انکور بر مصر چوین همی نشود و دلیل که خدمت یا دوشاه شکر کند و اگر بیند که آن محضر از پشت و کل بود و دلیل که
خدمت یا دوشاه با دینت کند و اگر محضر از پشت بخت یا از یک و شکر آنکست بود و دلیل که خدمت یا دوشاه با سبست و با سبست کند و اگر بیند
که انکور و پشت همی نشود و دلیل که خدمت زنی بزرگ کند و اگر بیند که انکور و کاشمی نشود و دلیل که خدمت شخصی خنثی کند و اگر بیند که انکور همی نشود و دلیل که
آن در دنیا همی جمع کرد و دلیل که از بخت خود مال بسیار بسبب پادشاه حاصل کند و اگر بیند که انکور و محضر و با این عیال همی نشود و دلیل که او را عیال و در آخر
پادشاه منفعت رسد و اگر بیند و خواهر بر خیزد خدمت پادشاه نباشد و دلیل که کاری از بسبب مردی حاصل کند و در حضر محقق شود و اگر بیند که انکور سینه
بوقت خود و بوقت بر تبه و به بود و اول فرزند نیک است و دوم علم فرزند ستم مال حلال و فرزند نیک و خواب ستم آنقدرت که نیک بر تبه و به بود و اول مال نیک و در
دوم علم و اخلاقی نیک است و اما این قولها کما فی غیر لیقات الناس و فی غیر یخصه و انما و ان بن سیرین که بود اگر کسی بخواب بیند
که بروی و افتاد و دلیل تشویش او بود و خاصه و جنگ و خصومت و اگر بیند که از جای پای بریزد افتاد و چنانکه از کوبی یا از با می یا از
دیواری دلیل کند که از زنی مردی بود تمام بهر نشود و مردش حاصل کرد و اگر کسی بیند که از جای پای بریزد افتاد و دلیل بود که سیدی دارد و بر نیاورد و ماسک
و اگر بیند که از کوه بریزد افتاد و دلیل که حالش بد کرد و و بعد از افتادن بر تن او ریخ رسد و اگر بیند که زخم سخت بوی رسد و خون از آن جگر خورده اند و دلیل که بعد
از زخم و یا زبانی رسد و اگر بیند که پایش بلغزد و میفتاد و دلیل که رنج و آلی بد و رسد و اگر بیند که میفتاد و در سینه بد و رسد
و دلیل کند که سبب آسان بود و اگر بیند که آستانه خانه او مار و کرم و کزندگان میفتاد و دلیل کند که او را از پادشاه یا از کسی بزرگ
علم و اند و رسد و اگر بیند که با م خانه یا دیوار بر افتاد و دلیل کند که مال بسیار بد و رسد از آنجا که امید ندارد و بدان سبب ستم
و شادان کرد و کارش کشا و شود و الله اعلم بالصواب **حرف الباء من کتاب کامل التبعیر** با و ا هم این
گوید که با و ا در خواب دیدن نعت و روزی بود که بنحسب موت بدست آید اگر بیند که با و ا هم فرا گرفت و دلیل بود که بعد
آن ویرانعت و روزی بود و دشوار بدست آید و معجزان گویند که تاویل با و ا در خواب علم بود و شفا از رنج و چون مغز او
بیند بهتر بود که مانی گوید اگر بیند که با و ا هم با پوست و پشت یا کسی بوی داد و دلیل که از مر و بخیل چیزی یا بد بختی اگر بیند که از مغز او
نخ روغن سیرین آورد و دلیل کند که از مردی بخیل ویرانعت آن روغن منفعت رسد جابر مغربی گوید که دیدن با و ا هم در خواب مال
و نعت بود اما اگر با و ا هم با پوست بیند و دلیل کند که از مال قدری برنج و سختی بدست آورد و چون با و ا هم با پوست بیند و دلیل که
مال با سانی بدست آورد و حضر محقق و حق فرماید که دیدن با و ا هم در خواب بر و وجه بود و اول مال نهانی حاصل کرد و دوم
از بیماری شفا یابد **با و ا** این معجزان گویند که و از ده چیز است که بیند خواب را و دلیل بر پادشاهی بود و اول آنکه بیند که چشم
او را ام کرد و دوم آنکه بیند که علم شریعت و دین و ستم آنکه گوشش میخسرد و پیش خود بیند یعنی نظر قامت و نماز بود و چهارم آنکه بر منبر
و خطبه کرد و پنجم آنکه جامه رسول پوشید و ششم آنکه انگشتری بیند که در انگشت دارد و هفتم آنکه بیند که او قناب یا ماهتاب کرد و
هشتم آنکه بیند که تن او در و خانه شده است نهم آنکه بیند که چشم او دیوار شهر کشته است و دهم آنکه بیند که چشم او محراب مسجد جامع
شده است یا زدهم آنکه پادشاه مرده او را انگشتری دهد و از دهم آنکه بیند که چشم او مانند گوی شده است این و از دهم

سینه

سینه

در خواب دیدن دلیل بود بر یافتن سلطنت و پادشاهی دانیال گوید اگر بیند که پادشاه او را جامه داد و کلاه داد و دلیل که بر مردمان
 خویش رئیس و ولی کرد و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه بود پاکیزه و دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح کار و درازی عمر و اگر بیند که بر
 پادشاه کلاه چرکن و دریده بود دلیل کند بر بدی حال پادشاه و اگر بیند که بر سر پادشاه و ستاری بود چنانکه در روزگار رسول بر سر حق
 بود دلیل بود که پادشاه عدل و انصافی برسد و اگر بیند که پادشاه را با و گرفت و بضربان او شد دلیل که مملکت جهان بجز و بران
 قرار گیرد و اگر بیند که پادشاه کردید دلیل که بیند خواب تو انگر کرد و اگر بیند که پادشاه در کوچه یا در سرای او در آید چنانکه در زمان
 او بزاری و انکار بود دلیل کند که اهل ان موضع را غم و اندوه رسد از سبب پادشاه قوله تعالی اِنَّ الْمُلُوكَ اِذَا خُلُوْا مِنْ
 اَقْلَامٍ وَّهَا وَجَعَلُوا اَعْرَاجَ اَهْلِيْهَا اَذْكَةً وَاَكْرِهَةً وَاَمَّا مَنْ دَانَ اوْ اُنْجَا خِيَرَتِيْ مِنْكَ فَبَدِيْلٌ يُّوَدُّكَ هِيَ مَهْرَتٌ وَزِيَانٌ هَسَلٌ
 اَنْ مَوْضِعُ نَزْدِكَ رَانِيْ كُوَيْدِ اَكْرِهَةً وَاَكْرِهَةً بَرْدٌ وَّوَفْشٌ يُّكْرَهُ وَبُرُوقٌ يُّكْرَهُ سَيِّئَةٌ وَّجَنَازَةٌ وَاَبْرَدٌ شَتَّى دَلِيْلٌ
 كه بعضی اسرای او خراب کرد و باشد که متفرد و در بخور کرد و اگر پادشاه بخوابد که کعبه سرائی او بود یا سرائی او کعبه بود دلیل
 بود که هر مملکت از او زوال نباشد و از دشمن ایمن بود و اگر بیند که کسی سلام میکرد و یا کسی سلام بد و کرد دلیل اینی بود از غم و اندوه
 و خلوه و در چنانکه محتالی فرموده سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَاذْخُلُوْهَا خَالِدِيْنَ وَاَكْرِهَةً پادشاه بیند که رس و دست و دست
 یا دست و در رس زده بود دلیل بود که برادر است و در بر جاده عدل و انصاف قامت نماید قوله تعالی وَاَخْتَصِمُوا لِحَبْلِ اللّٰهِ
 جَمِيْعًا جَابِرٌ خَيْرٌ لِّكُوَيْدِ اَكْرِهَةً وَاَكْرِهَةً وَاَكْرِهَةً بَرْدٌ وَّوَفْشٌ يُّكْرَهُ وَبُرُوقٌ يُّكْرَهُ سَيِّئَةٌ وَّجَنَازَةٌ وَاَبْرَدٌ شَتَّى دَلِيْلٌ
 بیند و سرائی یا در کوچه که منسوب با بود دلیل کند بر زیادتی و بزرگی پادشاه و ولایت و عزت و جاده وی و خدم و خشم و مال و خزاین
 او و اگر بیند که در پادشاه نقصانی بود تا ویش بخلاف این بود که رانی گوید اگر بیند که پادشاه بروی خفته بود دلیل که پادشاهی بروی
 و اگر پادشاه بیند که بر زمین فرو شد دلیل که از روی پادشاه او را حرمت و منزلت بسیار خفرا و خضر صفت فراید اگر کسی پادشاه را
 روی و خرم بیند دلیل بود که کار او گشاده کرد و اگر کسی وزیر پادشاه را بخوابد دلیل کند که کاری کند که زود فصلی با آید و اگر حاجب یا دربار
 که از شعله فرو مانده و بجاقت بر او رسد و اگر بیند دلیل که او را کسی ولایت رسد و اگر طایمان پادشاه را بیند دلیل که شغل او و مصالح او
 و نه چنان پادشاه را بیند دلیل که کار او گشاده کرد و اگر وزیر پادشاه را بیند دلیل کند که کسی او را ولایت کند و خیریک از دست او رفته بود
 به ست او باز آید و اگر چاکران و کینش دلیل کند که کسی او را ولایت کند که از شغل و دن عاجز کرد و اگر پادشاه را بیند دلیل بود
 که کار بسته او گشاده کرد و اگر صفت زن پادشاه را بیند دلیل که کسی او را وعده دهد و بدو رخ و اگر زن دانیان پادشاه را بیند دلیل بود که
 غمگین و مستمند کرد و اگر حلال پادشاه را بیند دلیل کند که مراد او زود حاصل کرد و اگر ویر پادشاه را بیند دلیل کند که آنچه میجوید بسیار
 و اگر سلاح پادشاه را بیند دلیل کند که از زنی منفعت یابد و اگر رکاب پادشاه را بیند دلیل کند که سخنی دروغ بگوید و اصل شود و اگر
 و اگر پادشاه را بیند که او را غم و اندوه رسد و اگر جامه دار پادشاه را بیند دلیل که کار او نیکو کرد و اگر و اوت دار پادشاه را بیند دلیل
 که او را از زنان چیزی حاصل کرد و اگر افساندار پادشاه را بیند دلیل که خرم کرد و مال حاصل کند و معجیل اشعث گوید اگر بیند که پادشاه

خداوند
بزرگوار

و

و

و

و

بشتری در آید و پادشاه شهر غلبه کرد و دلیل کند که کار آتش فتنان و آفت پذیر بود و اگر بید که پادشاه و شهر او یعنی خانه اوجخت
و دلیل کند که پادشاه را بدان حاجت افتد و شغل و عیش فرماید یا تپله این سیرین گوید که پاتیل در خواب دیدن که بانوی خانه بود
و اگر بید که پاتیل نو بخرد یا کسی بدو داد دلیل کند که بانوی خانه را آفت رسد که مانی گوید اگر بید که در پاتیل چیزی بود از خود
و دلیل بود که او را از که بانوی خانه خیر و منفعت رسد و اگر بید که در پاتیل چیزی ناخوش بود و از طعامها و دلیل بود که او را از که بانوی خانه
ضرر رسد این سیرین گوید که چون پاتیل در خواب چیزی زیاده نبود با و این سیرین گوید اگر کسی بید که با دستت بی حست دلیل بود که
مردم آذینار بهیم و ترس بود و اگر بید که با و چنان سخت بود که در خانه ای کند و خرابی می کرد و دلیل کند که اهل اندی را با و مصیبت
از طاعت طاعون و سرجه و مانند این که مانی گوید که با و موم در خواب لیل بر بیماری می رسد و کند با و معتدل سر و دیدن در خواب لیل
بیماری می شود و بدوران و یار و با و معتدل و دیدن دلیل بر تن درستی بود و مردم آذینار و موجب نیکو فی و کسب اندی را کند و اگر بید
که با و او را از جانی بجای میسر و دلیل کند که سفری دور کند و در آن سفر جاه و بزرگی یابد بقدر آنکه او را با و زمین برده باشد و اگر بید که با و
با کرد و تاریکی بود و دلیل کند بر ترس بیم و اندیشه آفتهم جابر مغربی گوید اگر بید که او را با و می سخت بودی آسمانها بر و دلیل که اهل آذینار
بود و اگر بید که او را با و آسمان زمین بود و دلیل بود که بیمار کرد و در عاقبت شفا یا بدختر علقه و قوت می دهد و در خواب بر نهیم
بود و اقل اشارت و تویم فرمان روانی سیم مال چهارم مرکب خیم عذاب ششم کشتن هفتم بیماری هشتم شفا نهم راحه و اگر بید که با و
نشسته بود و دلیل بود که بزرگی و فرمان روانی یا بد اسمعیل اشعث گوید اگر بید که با و مغرب نرم حست و دلیل که مردم آذینار را با و لغت
از یاد کرد و اگر بید که با و شمال نرم حست و دلیل کند بر شفا و راحت آذینار و اگر بخلاف این بود و دلیل خیر نباشد و اگر بید که او را با و
همی شنید و دلیل که خبر پادشاه بزرگ دران و بار کسره کرد و اگر بید که با و مردم آذینار را بر گرفت و بهر بود و دلیل بود که آن مردان شهر
و بزرگی یابد با و در با کرد و این سیرین گوید که اگر کسی بید که در میان مجمع مردان با و در چنانکه مردمان او را از آنرا شنیدند
و دلیل که خفی زشت گوید که مردم بروی افسوس کنند و بسبب آن در میان مردمان رسوا کرد و اگر بید که با و نرم را کرد و او را از آنرا شنیدند
تا ویش بخلاف این بود و اگر این خواب مردی بید و بید و دلیل که او را خرمی رسد که مانی گوید اگر بید که با و دی را کرد و او را از آنرا شنیدند
تا خوشی داشت و دلیل کند که کاری کند که مردم بر او تشنگ کنند و او را ملاست کنند و بی او گویند و اگر بید که او را از دست و بوی ناخوش
داشت و دلیل کند که آن کاری بنیاید و جدا کرد و خیرش دران بود و اگر بید که بر قصد با و ی را کرد و مردمان بر او بخندند و او شرم
میداشت و دلیل بود که از کاری بی مثل میشت او ساخته کرد و حضرت علقه و قوت می دهد با و در آن کردن در خواب بر چهار وجه بود و اقل سخن
زشت و دوم تشنگ سیم کاری ملاست چهارم رسوائی اگر بید که با و راحه را کرد و دلیل بود که آنکس بدین وجه مذنب بود با و در
نوعی است از ترس این سیرین گوید اگر بید که با و در کتب می خورد و دلیل بود که حاجت او را کرد و در او بیاید زیرا که رسول خدا فرمود
الحديث ما اظلمت وما اظلمت و ما اظلمت یعنی بوی خوش و چه خوش بوی تو حضرت علقه و قوت می دهد با و در آن با و در
در خواب نه وجه بود و اقل حاجت روانی و تویم کام یافتن سیم و در غایب دیدن با و در سیم بدانکه با و سیم مهره دوک بود که مانی

خداوند
بدرخشان
سیرت

باران

که رسید زنی که با درسیه بیافت یا کسی بدو او دلیل بود که او را خاوندی یا کینه‌ی حاصل کرد و اگر رسید زنی که با درسیه از و کت او بیفتا و دلیل
که مهر او را نشوهر بریده کرد و با درخشان این سیرت کوید که با درخشان خوردن در خواب اگر بوقت بود و اگر بیوقت بود و اگر نیت بود و اگر نیت نبود
بر غم و اندوه بود و بگذرد اگر خورده بود و دلیل تر و خشک و کیسان بود که مانی کوید که با درخشان بسیار داشت لیکن جمله را به بخشید
یا بفرخت یا از منزل خود بیرون انداخت و از آن بخورد و دلیل بود که از غم و اندوه رسته کرد و با درخشان این سیرت کوید که با درخشان بسیار
داشت یا سبک داشت دلیل که بگذرد و جنس آن بار ویران منفعت رسد و اگر بید که بر پشت بار که آن داشت و دلیل که گناه و معاصی بسیار
کند قوله تعالی لَیْسَ لَکُمْ کَافَکُم مَّا کَانَ لَکُم مِّنَ الدِّینِ کَرَامَیْ کُوید که با درخشان بسیار داشت و داشت که از
لک داشت و دلیل بگذرد و جنس بار ویران منفعت رسد یا مضرت و بدی و اگر بید که آن بار لک داشت بود و خیر و شر آن بخداوند و خدا
بار کرد و باران و انبیا که کوید که باران در خواب رحمت و برکت بود و از خدا یتماکی برین مکان چون باران عام بود و همه جا برسد و دلیل
وَهُوَ الَّذِی یُنْزِلُ الْغَیْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَطَرُوا وَیُخْرِجُ مِنْهُ نَبَاتًا ویشتر و شسته و خواب دیدن باران بوقتیش نیکوتر بود و بوقتی که باران
باران خاوند بهتر باشد اما اگر آن باران خاص بود چنانکه بسیار آن کوید که آن باران سخت بسیار بود و بخوابی و بکند و بیدار و بختیش و دلیل
بر پنج و بیماری برای بر این موضع و سختی که با ایشان رسد و اگر بید که باران آهسته می بار و دلیل که بخیر و منفعت است این موضع و اگر بید که آهسته
سال لای دل ماه باران بار و دلیل که در آن سال یا در آن ماه فراخی و نعمت زیاده و بید کرد و اگر بید که باران تیره و سخت بود که بسیار دلیل که
بر بیماری که در آن بزرگ کرد و این سیرت کوید که باران سخت نه بوقت خویش بسیار و دلیل بود که در آن و یا در آن سیرت و بار رسد
و اگر بید که آب باران مسج میگرد و دلیل که از ترس و بیم این کرد و اگر بید که باران بر سر و می بسیار و دلیل بود که بسفر و دو و با سود
و منفعت باز آید و اگر بید که باران بر سر مردمان چون طوفان بسیار و دلیل بود که در آن و یا در آن مرکز معاجات نشود بافتد بدیای و اگر
بید که از هر طره باران آواز می آید و دلیل که آواز بخواه او زیاوه کرد و اگر بید که آب باران مسج می گرد و دلیل بود که از ترس و بیم
این کرد و اگر بید که باران عظیم می بار و چنانکه جو به از آن روان بود و زبانی بد و زرسید و دلیل که باو شاه تعصب کند و شتر و
از خود باز دارد و اگر بید که از آن جو به نتوانست گذشت و دلیل که شتر باو شاه از خود دفع سازد و اگر بید که آب از هوا می آید کرد و
با باران و دلیل که عذاب جتنی و بیماری در آن موضع بدیای که مانی کوید که با درخشان بجای باران انگبین می بار و دلیل که نعمت است
و در آن و یا بسیار باشد و هر چه که بید که از آسمان می بار و تا ویش از بعضی آنچه بود و اگر بید که آب باران می خورد و آب آن صافی و دل
بود و دلیل که بگذرد آن خیر و راحت بد و رسد و اگر بید که آب باران تیره و ناخوش بود و دلیل که بگذرد آن پنج و بیماری که شتر حضرت صاف
فرماید که دیدن باران در خواب بر دوازده وجه بود و اول رحمت و تقیم برکت استیم فریاد و خشن چهارم پنج و بیماری استیم کارزار استیم
خون برنختن ششم فتنه ششم فتنه و هم امان یافتن یازدهم کفر و دوازدهم دروغ بارانی این سیرت کوید که اگر کسی بید که برش او بارانی را
داد و نیت باو شاه بود و دلیل بود که نام نیک است او و درج و شای او و پیش مردمان فاش کرد و اگر بارانی او از جهت جامه برود و دلیل
است که او را خاوند وین و دنیا حاصل کرد که مانی کوید که با درخشان بارانی او از ششم بود و یا از گشتان یا از بنیه و بگونه برود و دلیل برینکونی

بازوی

بود اما بارانی نزد دلیل بر پنج و چهاری بود و اگر بارانی نبود بود دلیل بر گناه و محبت بود و اگر بارانی را سفید بیند دلیل بود بر خیر و منفعت
 که از جانی بد و برسد با روی این سیرین کوی که روی شهر و قلعه دود و دلیل بر پادشاه کند یا بر والی و معبران گویند که بازوی شهر و دلیل بر پادشاه
 بود بازوی ده دلیل بر خداوند که کند اگر بیند که بازوی شهر قوی و بلند بود دلیل بر قوه و نیکی حال پادشاه و اگر بیند که بازوی شهر
 بیفتا و و خراب شد اگر همه بنیاد دلیل بر پادشاه کند و اگر برخی از آن بیفتا و دلیل بر پادشاه والی بود و اگر بیند که بازوی را نو کردند
 دلیل بود که پادشاه نو را شهر مشتمل کرد و اگر بعضی از بازوی شهر را نو کرده بیند دلیل کند که والی نو را آنجا مشتمل کرد و اگر کسی که بازوی را نو کرد
 شهر و آنچه نزدیک و دروازه شهر بود و آرایش عیش و امینی بود و آنچه در پس آن شهر بوده باشد و هر یک و بد و زیاده و نقصان که در بازوی
 بیند دلیل بر این پنج کوه بود که این سیرین کوی که بازوی بیند که بازوی بگرفت یا کسی بوی داد و آنجا بر طبع او بود یعنی بر دست و پستی
 دلیل کند بر بزرگی قدر وافر و فی جاده و منزلت او و اگر بیند بازوی سفید بر دست او نشست دلیل که پادشاه و خد و منزلت یا بر
 و اگر بیند که بازوی دست و بیفتا و در بود دلیل بود که از منزلت بد و روشی و چهار کی افتد که فانی گوید که بیند که بازوی سفید بیفتا اگر از
 مردمان پادشاه بود دلیل که از پادشاه و ولایت و صرته یا بد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که بازوی کسی بوی بخشد
 دلیل که او را فرزندی آید صاحب حسن و جاده و اگر بیند که بازوی برام او نشست دلیل که او را پادشاه نو صحبت افتد و از او خیر و منفعت
 یا بد و اگر بیند که بازوی بخت و در خانه شد یا در زیر دامن زنی پنهان کرد و دلیل که از زن را پسری خوب روی بد یا بد و اگر بیند که بازوی
 پای انباز از شکله زمین یا همین بود دلیل که از زن را دختر می آید یا بر مغرانی گوید اگر کسی بیند که بازوی بیافت و او را بخت دلیل که اگر
 اینکس از مردم پادشاه بود مغرول کرد و او را عمل و اگر مردم پادشاه نبود او را برخی و غمی رسد از بخت اهل بیت و اگر بیند که بازوی دست
 او بر پیر و باز نیاید و اگر انباز پادشاه دیده بود دلیل که مملکت از دست او برود و اگر باز نیاید بر دست او نشست و اویش
 آنکه مملکت و قدرت یا بر حضرت صادق معتمد که چون بیند که بازوی طبع او بود و اویش بر پنج وجه بود و اویش و تویم شادی
 سیم شاد و چهارم فرمان روالی پنجم یافتن مرد و مال بقدر و قیمت باز و دهن و زرم خاصه چون باز سفید و طبع او بود
 و چون باز طبع نباشد و اویش بر چهار وجه بود و اویش پادشاه ستمگر تویم حاکمی که میل کند ستم ختیه ناین چهارم فرزند که فرمان پدر و مادر
 نبود بازوی این سیرین کوی که بازوی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست متحد یا انباز اگر بیند که بازوی قوی بود دلیل بود که بازوی
 از ایشان منفعت و وقت رسد و اگر خلاف این بیند دلیل که او را هیچ فایده و وقت از ایشان نباشد و اگر بیند که بازوی او افتاد یا اگر کسی
 بازوی او را برید دلیل کند که برادر یا دوست یا انباز او از دنیا رحلت کند یا از وی مفارقت جویند حضرت محمد و قیوم فایده دیدن بازوی
 در خواب برش وجه بود و اویش برادر و تویم فرزند سیم انباز چهارم و دست پنجم سیرین ششم حسابه باز و بند که مال او را بد و ناسخ
 زمین اگر بیند که در بازو و پشت دلیل کند که از برادران یا انکس دیگر او را غم و کراست رسد و اگر بازو بند سیرین در خنجران گویند اگر بیند
 خود را یا دختر خود را بر خور باشد و اگر این خواب زمینی بیند دلیل که او را مال و نعمت و آرایش بود و اگر بیند که وقت خویش دیده بود
 داشت دلیل بود که او را از برادر و وقت و یاری بود و اگر بیند که بازو بند شکست یا ضایع شد یا عیش بخاورد یا ناسخ و بالا و غیره

بازوی

بازوی

بازوی

نوع

بریت

نیت

نوع

کند که آنچه بدیدید و ما جیش بود و بعضی از معتبران که بیند اگر بیداری بر بالایی رخت دلیل که آنچه میجوید و در خواب
 و اگر بیند که بر زرد بان بالا میشت دلیل بود که درین شرف منزلت یابد خاصه که زرد بان او از کل بود و اگر بیند که زرد بان از کل و سنگ
 دلیل بود که درین و غلغل باشد که فانی گوید که از زرد بان بر بالا رفتن از کل و سنگ دلیل که شرف و بزرگی یابد و در اینجا و اگر بیند که از
 خام و کل بود دلیل بود که قدر و منزلت یابد و در اینجا و اگر بیند که بر آسمان بالا رفت و باز نیاید دلیل بود که اصل و نزدیک باشد
 و اگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد دلیل بود که سخت ببار کرد و در سر انجام شفا یا بجز صحت و قوت نماید که دیدن بر بالا شدن برینج
 وجه بود و اول روانی حاجت و قوت هم زن خواستن ستم قرب و بزرگی چهارم مراد بافتن ستم بالا رفتن کمالان ابن سیرین گوید که بالا
 دیدن در خواب زن بود و اگر بیند که پالان داشت یا کسی به بهانجید دلیل که زن خواهد یا اینکه جز و اگر بیند که پالان بر پشت
 داشت دلیل که مطیع و فرمان بردار زن گردد و بروی ستولی گردد و اگر بیند که پالان از وی ضایع شد دلیل بود که زن از وی جدا
 گردد یا طلاقش دهد یا بر سفری گوید اگر بیند که پالان پاکیزه نداشت دلیل بود که زن مسرور سازد یا بخار دهد و او خیر و منفعت یابد و اگر
 که پالان درشت و چرکن داشت دلیل بود که زنی خواهد سلیزه روی و ناسازگار و از وی حضرت بیند یا نشیند پس سیرین گوید که کالیش
 در خواب خادم بود و بیند خواب را اگر بیند که بالشی نو فر گرفت و آن بالشی سبز بود یا کسی بوی داد و دلیل که او را خادم یا خدمتکار
 مصحح یا رسپید کرد و اگر بیند که بالشی او کس و چرکن و زرد و سیاه بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که بالشی او بدرید
 یا سخت یا زده می ضایع شد دلیل بود که خدمتکاران وی ضایع کرد یا بگریزد یا رنج و غلای بد و رسد و بسبب آن از وی جدا
 گردد و کرامتی گوید اگر بیند که کسی از خانه او بالشی بدید و دلیل بود که کسی از بی زن او میگردد که او را بفرید یا از بی کینت وی ستم
 گویند که دیدن بالشی در خانه دلیل بود که کسی از آنجا نه میبرد و اگر روی بیند که بالشی بسیار یافت دلیل بود که بعد از آن بالشیها او را
 خانه و انکسیران حاصل کرد و اگر بیند که آتش و رافت او بالشی و سخت دلیل بود که خادمان و کسیران او بر روی بگریزد حضرت صحت و قوت نماید که
 بالشی در خواب بر سر و جوار و اول خادم و دوم کینت ستم ریاست چهارم دین نیکوچم برینجاری و عدل با هم و اگر بیند که با هم خانه مهمل بود دلیل بود که
 خواب بر قدر برینجی با هم با قدر و وقت اگر بیند که با هم بخانه معروف بود و دلیل که شرف بزرگی یابد و کالیش بر نظام گردد و جابری گوید که اگر بیند که با هم
 پادشاه بود و دلیل بود که بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که از با هم بیفنا و از جاه و منزلت بخت و اورا ندو رسد با ناک و شهن
 جانوران محمد بن سیرین گوید که با ناک و شهن جانوران و مردم خواب لیل بود بر غم و مصیبت در آن موضع و اگر بیند که او را با ناک
 میکرد و از جانی دور اگر جواب داد و دلیل بود که زود بمیرد و اگر بیند که جواب نمیدهد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که او را کسیران
 دلیل بود که شادمان گردد و اگر بیند که او ناله می شنید دلیل بود که چیز ناخوش بشود و اگر بیند که با ناک ناری می شنید دلیل بود که
 حاجت او را کرد و در دشمن طغریابد و اگر با ناک و شنام شنود که اهری بوی رسد و زود زایل گردد و کرامتی گوید که اگر بیند که اسپین
 میگرد و دلیل بود که او را بشاری رسد و بعضی از معتبران گویند که البته مری بوی رسد از بهر آنکه بهایم دروغ نمید و اگر بیند که خ
 با ناک میگرد و از دشمنی و جانی فریاد و شاعت شنود و قوله تعالی ان انکروا لا تحسوا انت لک صوف آنچه گوید اگر بیند که شهاب ناک
 است که او

دلیل که بجز رود یا به تجارت دوران و یا سود و منفعت یا بدو اگر بیند که گوشتی با نامت میگرد و دلیل که از بزرگی و یا بر خیر و منفعت
و اگر بیند که از بزرگ عالمه با نامت دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بیند که آهو با نامت میگرد و دلیل بود که او را کنیزکی حاصل کرد و اگر بیند
که شیر با نامت میگرد و دلیل بود که بهیم و ترس یا بد از یا و شاه و اگر بیند که پلنگ با نامت میگرد و دلیل بود که او را جنگ و خصوصیت افتد و اگر بیند
که یوز با نامت میگرد و دلیل که کسی بر وی خشم گیرد و بر وی کینه و اگر بیند که گرگ با نامت میگرد و بر دشمن ظاهر یا بد و اگر بیند که شغال با نامت میگرد و دلیل
بر غم و اندیشه که از سبب دشمنان و اگر بیند که روباهی با نامت میگرد و دلیل بود که مردی در غوغ زن با وی کرد و حمله کند و اگر بیند که گربه با نامت میگرد و دلیل بود
که او را از روی بیم بود و اگر بیند که شتر مرغ با نامت میگرد و دلیل کند که خادم و لایه سپارد و اگر بیند که کرس با نامت میگرد و دلیل بود که از خبر مردی بزرگ گین
گرد و اگر از آنکه با نامت میگرد و دلیل که خبر پا و شاه نشود و اگر بیند که کبوتر با نامت میگرد و دلیل بود که خبر سر میکان پا و شاه نشود و اگر بیند که خروس با نامت
میگرد و دلیل بود که خبر مردی جوهر و دشمن و اگر بیند که کلازه با نامت میگرد و دلیل بود که خبر مردی پوشیده نشود و اگر بیند که چغیل با نامت میگرد و دلیل که
اندوه و مصیبت نشود و اگر بیند که بوم با نامت میگرد و دلیل همین بود و اگر بیند که فاخته با نامت میگرد و دلیل که خبر دروغ نشود و اگر بیند که تدر و با نامت
میگرد و دلیل که خبر نانی با جمال نشود و اگر بیند که طاووس با نامت میگرد و دلیل که خبر پا و شاه عجب نشود و اگر بیند که کلنگ با نامت میگرد و دلیل که خبر
درویش نشود و اگر بیند که لکک با نامت میگرد و دلیل که خبر مردی و بهتانی نشود و از آن خرم کرد و اگر بیند که کبک با نامت میگرد و دلیل که خبر
زنی نیکو نشود و اگر بیند که کبان با نامت میگرد و دلیل کند که خبر نانی مستور نشود و اگر بیند که بانگ کاغ میشتند و دلیل که خبر مردی را
خواه نشود و اگر بیند که کجنگ با نامت میگرد و خبر خوش نشود و اگر بیند که بلبل با نامت میگرد و خبر مطرب یا ناوخری نشود و اگر بیند
که سار با نامت میگرد و دلیل همین بود و اگر بیند که مرغ آبی با نامت میگرد و دلیل که غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که بط با نامت میگرد و خبر مصیبت
از اهل و نشود و اگر با نامت بچکان مرغ نشود و نام مصیبت رسد حضرت صادق (ع) فرماید که با نامت همه مرغان و خواست نشینان نیکو بود مگر مرغی که او را فغان
که با نامت و اندوه و مصیبت بود و با نامت ترس و بیم بود و از دشمنان با نامت از بزرگی و دلیل بر ترس و بیم بود و با نامت وزع و دلیل کند که در وضعی فرو آید
جا بر خیزی که بد اگر بیند که از آسمان یا از زمین یا از هوا با نامت سخن میگوید میگوید که با نامت همه مرغان و خواست نشینان نیکو بود مگر مرغی که او را فغان
خیر و شر بود و حکایت آورده اند که مردی پیش ابن سیرین آمد و گفت که بخواب دیدم که در آینه جنبیده با من سخن میگفت ابن سیرین
گفت که ترا اجل نزدیک آمده است قوله تعالی **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْنَا أَهْلًا حَرُّ جَنَّا لَهُمْ دَافِعٌ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا** **لَهُمْ أَنْ النَّاسُ**
و چون کیفیت بر آمد آن مرد از دنیا رحلت کرد و با نامت نماز ابن سیرین کوید که هر بنده که مصلح و نومن و مستور چون بیند که در جایگاه
معروف با نامت نماز نشود و یا با نامت نماز و بد دلیل کند که حج بیت الله بگذارد و قوله تعالی **وَإِذَا رَأَى النَّاسُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكَّلْ عَلَيْنَا**
و اگر با نامت نماز در جایگاه بیجهول بود مگر و بی و ناپسندیده بدو رسد و اگر این خواب را مردی فاسق بیند دلیل که او را بد مردی
و اگر بیند با نامت نماز از مسجد یا از مناره و بد دلیل بود که مرد نماز نخواند و اگر بیند که در بستر خفته با نامت نماز میزد و دلیل بود که
زن خود الفت دارد و اگر بیند که با نامت نماز در خانه خود میزد و دلیل بود که مغس و درویش کرد و کوید کسی از ابن سیرین
دکتر بیند که با نامت در چاه یا در سرداب میزد و دلیل بود که آنکس زینتی یا منافق بود و اگر بیند که با نامت نماز کرد و چه میزد و دلیل بود که

نمونه که بی گوید اگر مردی بیند که باز خود با یکت غامض و دلیل بود که از دنیا رحمت کند برود و اگر بیند که در کلمه های پاکت نماز و
و نفقه می را و دلیل بود که بر دامن ستم و بنیاد کند و اگر بیند که کوکی با یکت غامض و دلیل بود که بدو مادر و دروغ گوید و اگر بیند که با یکت
نماز در گریه سید و دلیل بدجلال او بود و دین و دنیا و اگر بیند که با یکت نماز در قافله یادر لشکر کا میا و تا ویش بدو و اگر بیند که
مجموعی در زندان با یکت غامض و او قاضی کرد و از زندان را با بیاید و اگر بیند که با یکت نماز بلمو و بازی میا و دلیل که هلاک کرد
و اگر بیند که بر سر کوبی با یکت غامض و دلیل بود که پادشاه سخن راست گوید و از بجز ایتعالی خواند و اگر بیند که در مناره با یکت نماز
سید و دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی بید و اگر بیند که در کج خانه با یکت نماز و دلیل که در کا حق خیانت کند و اگر بیند که در سرفرا
با یکت نماز و دلیل بود که بسفر زد و شود و در آن سفر پنج و خاکش و دیر بماند و اگر بیند که در میان کوبی با یکت نماز کرد و دلیل بود که در
میان قوی شکر گرفتار آید و با خیانت کنند و اگر بیند که بر کسی یا بر تختی نشسته بود یا ایستاده و بلمو و با یکت نماز میکرد و دلیل بود
که عقل را از او ایل کرد و اگر بیند که دیگری با یکت نماز کرد و او بشنید و دلیل بود که بکار عبادت و طاعت کامل بود و کسی او را بخیر
خواند و اگر بیند که با یکت قاضی شود و دلیل بود که در کارهای حق توفیق یابد و در حقیقت و فرماید که با یکت نماز و خواب و دوازده
خواب بود و دلچسب و دهم سخن ستم فرمان روائی چهارم بزرگی چشم ریاست ششم سفر بقتل مریدین هفتم مفلسی نهم خجسته
و دهم جاسوسی یازدهم منافقی و بدینی دوازدهم بریدن دست پانزدهم بپیرین کویک یکپاره پانزدهم در خواب دیدن نهم خوش
و لطیف بود و پانزدهم بود که بفرزند و عیال یا بداید دوستی دهد و اگر پانزدهم بسیار بیند نعمت و روزی حلال بود بقدر آنکه دیده و
بیند که میره زنی بخوار یا پانزدهم بخشید و دلیل بود که مال و نعمت دنیا بپاید و بقدر آن کارش نظام گیرد و اگر بیند که پانزدهم بسیار
داشت و جمله را به بخشید یا از وی ضایع شد دلیل است که اگر نعمت دارد و جمله را نفقه کند یا از وی ضایع کرد و پامی بدلیل
گوید اگر کسی بیند که یکپای او بریده بود یا شکسته دلیل بود که نیمه مال از وی ضایع کرد و اگر مرد و پایی بریده یا شکسته بدلیل
بود که جمله مالش برد و یا خود بمیرد و مخیران گویند که اگر کسی هر دو پای خود را بریده یا شکسته دلیل بود که بسفر شود و اگر بیند
که پای او آهین یا مسین بود دلیل که عمرش دراز بود و مالش باقی مانده و اگر بیند که پایش یکپایه بود که عمرش زود سفری کرد
و مالش نازد زیرا که آهکینه را بقوه نبوده و اگر بیند که پایش شل یا مبتلا شده بود دلیل بود که برستی و ضعف حال او باقی ماند
زخمه شتر بپیرین گوید که اگر صالحی بیند که پایش شل شده بود دلیل بود که بر زیادتی وین او و الله تعالی و کلا علی الاصحیح
بیند که پاهای او برین بسته بود و دلیل بود که اگر کسی منفعتی بوی رسد و اگر بیند که پایش نو و پوجوب راه هیرفت و دلیل بود که عمار
بر کسی کند و از آنکس و فانی بدو اگر کسی عامل داشته بیند که هر دو پای او بریده بود و دلیل بود که از عمل محروم کرد و مالش تلف
نمود و اگر بیند که پای او آهین بود دلیل بود که مالش زایل کرد و اگر بیند که پایش مسین بود و کعبش زترین بیند دلیل کند که
بیند که پای او در دمنده بود و دلیل که او را زیانی رسد و اگر بیند که پای او دستونی بسته بود یا تیغ ویل بسته بود زیرا که درخت چون
بود و دستون چون مرده و اگر بیند که پای او در واهی گرفتار شده بود یا در واهی فرو رفته بود و دلیل بود که در هر جلیتی گرفتار

بقدر آنکه پانی وی در آن سخت شده بود اگر بینه که پانی در پایگاه می یابد و کوری بفرزند دلیل بود که از کار وین و دنیا باز ماندگی
 سختی بدو گوید که از آن برخوردار شود و اگر بینه که پانی بر ستوری می جنبانید دلیل بود بر غایت طلب انکار که میجوید که مانی گوید که هر دو
 پای تبار و مال دارد و پدر باشد و هر ضعیفی و نقصانی که در پابینه چون دلیل بر پدر و مادر کند و اگر بینه که پانی بسیار داشت دلیل که سبب
 شود و اگر در ویش بود تو انگر کرد و دیدن پیش پای خود دلیل زینت هر دو و حصول مال و طاعت که کرده بود و جابر مغربی گوید که
 اگر بینه که پانی چون پای شتر یا پای گاو بود دلیل بود که قوه و مالش زیادت کرد و اگر بینه که پانی او چون پای اسب بود یا چرخ
 دلیل بود که قوت و جاه و افزون کرد و اگر پای خود چون پای درندگان یا دوکان میند چیزی حرم حاصل کند و اگر پای خود را
 چنگال مرغان میند دلیل بر قوه و کسب معیشت او و در دشمن ظفر یا بر حضرت صادق فرماید که دیدن پای در خواب برهمنه هر دو
 اقبال عیش و ویم عمر ستم سخی کردن چهارم طلب مال پنجم قوه ششم سفر بفرم زدن و پای کو فتن در خواب غم و مصیبت بود و پای
 او رنج این سیرین گوید که اگر مردی در خواب ببیند که پای او رنج در پای او داشت دلیل بود که او را رنج بود و اگر بینه که سیرین بود
 رنج و سختی او کمتر بود که مانی گوید که پای او رنج زانرا نشوی بود و زانرا نیک بود و پیراهنی زانرا ناکانک بود و در واز اهرام
 و اگر بینه که او رنج از پای سیرین کرد یا زوی ضایع شد دلیل بود که آنکس از وی رنج زد که در ویند نماید و این سیرین گوید که اگر
 بند بر پای خود نماید و بینه دلیل بود که ترسان و حراسان کرد و اگر بینه که بر پای او دو بند نماید بود و او مسجد بود و دلیل بود که
 او را درین ثبات بود و یا در نماز یا در غزای یا در کار یک در آن صلاح وین بود که مانی گوید که بینه در خواب ببیند که در پای او پیش بند بود
 و او را غم سفر افتاد و دلیل بود که در آن سفر دیر بماند و در آنجا مقیم گردد و هر چند که بر پای بند قوی تر و محکم تر میند دلیل که تا مقیم
 در آنجا بیشتر بود و اگر بند فراق بود بهتر باشد که تنگ بود و اگر بینه که بندش از منس بود همین دلیل کند و اگر بندش از آهن بود دلیل بود
 بر آنچه ناکه سختی یاد کرده شد و اگر بینه که بندش از منس بود مقیم شدن از هر دین بود و اگر بینه که او چون چوب بود مقیم شدن
 از هر شاد وین بود و جابر مغربی گوید که اگر سیر یا بینه که بر پای او بند بود دلیل بود که از آن رحمت خلاصی یابد و اگر پادشاه ببیند که پیر
 او بند بود دلیل که پادشاهی بروی پایدار بود و حضرت صادق فرماید دیدن پای بند در خواب بر سر نه وجه بود و اقل ثبات در دین بود
 زن خواستن ستم ز سفر باز آمدن و علی الحمله هر که در خواب ببیند که در پای او بند بود اگر در نیکی بود نیکی و روی پایدار بود و اگر در بدی
 بود همچین پانی تا به این سیرین گوید که پای تاب در خواب چون نماید بینه مال بود و چون پانی یا پیچیده بینه سفر بود و اگر بینه
 که پای تاب بر پای پیچیده است چنانکه مسافران است که بیابان کرده اند و بای هیچ رفیق و توشه نبود و دلیل بود که زود از
 دنیا رحلت کند و اگر بینه که پای تاب خویش بر خست یا کسی بخشد دلیل بود که مال و ضایع کرد و حضرت صادق فرماید که پانی
 در خواب بر سر نه وجه بود و اقل مال و خوشه بود و ویم سفر ستم مرگ بود کسی که بر پای پیچیده و تننا غم بیابان کرده یا پیچیده
 این سیرین گوید که اگر کسی در خواب ببیند که پاچه گو سفید می خورد و دلیل بود که چیزی و نفسی بدو رسد بقدر آنکه خورده بود و اگر بینه
 که پاچه کاه می خورد و دلیل بود که در آنسال او را فراخی و نعمت بود و برانرا زده خوردن او را بر مغربی گوید که خوردن پاچه در خواب

پای در خواب

بینه

پای در خواب

پای در خواب

و غلام میکرو دلیل نفسا و بایل کرد و مال حرام یا بد پرستخوان سیرین کوید اگر کسی بیند که پرستوداشت یا کسی بوی داد و دلیل بود
که اگر کسی که از او جدا شده بود و مو است که در دو مقام او قرار گیرد و اگر بیند که پرستودار بکشت یا از دست بیفتند دلیل بود که
که پرست است و از جهانی جوید و در شود که مانی کوید که دیدن پرستودار خواب مردی توانگر با خبر بوده اگر پرستوده ماد و میندنی
با خبر بود و اگر بیند که پرستودار می پرید دلیل بود که از مردی توانگر جدا کرده اگر بیند که پرستودار دست و پا در دلیل بود که مار او
بمیرد و در پنج و اندوه بیند جای مغزی کوید اگر بیند که پرستونی را فرار گرفت دلیل که انغمرا فرج یا بد و از ترس بیم این کرد و در وقت
این سیرین کوید که برف بخواب دیدن غم و اندوه و عذاب بود که اندکی دیده بود و اگر در زمستان برف بیند یا بجا بکای کسی که پیوسته در آن
برف بود دلیل بود که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد جای مغزی کوید که دیدن برف بخواب لشکر نیرستی بود و خاصه که باری برف نیست
صدا و شوق فرماید که دیدن برف بخواب برشش وجه بود و اول روزی و تویم زندگانی ستم مال بسیار و از نانی ز غذا چارم لشکر بسیار
چشم بیاری ششم غم و اندوه و اگر بیند که بتابستان برف جمع میکرو دلیل که مال حلال جمع میکرو دلیل که کینه که بغیرش خوش گذرانده
و منفعت بسیار ماید که مانی کوید که برف بخواب دیدن در سه و سپر دلیل بر خیره نیکی کند و در گرم سیر دلیل بر غم و اندوه و قضا و بیازاری
و اگر بیند که برف بوقت خود میخورد و بهتر از آن بود که بیوقت بود برق این سیرین کوید که برق در خواب خزان و بار پادشاه بود و
از معتبران گفته اند که برق وعده کردن پادشاه بود و بدی مرد و طالع را بطبع وی اگر بیند که برق لایه هوا یا از بار فرار گفته دلیل که کار
کند که در آن شکلی و خیزان بود و اگر بیند که برق می درخشد دلیل که در آن سال لغت فراخ بود و خاصه که باری با آهسته بود و خیر صاف
فرماید که برق در خواب بر پنج وجه بود و اول خزان و بار پادشاه و تویم و عده بد شتم عتاب چهارم رحمت پنجم راه راست بر کشود
این سیرین کوید که بگشودن در خواب ستواری و محکم کاری بود و اگر بیند که بر پهی یا بر گشتوان نشسته بود دلیل بود که کاری محکم و ستوار
کرد و بر دشمن ظفر یا بد و خشم واقع کند جای مغزی کوید اگر بیند که اسب وی یا بر گشتوان در میان نرم میرود دلیل بود که کار بر خورده
و دولت مساعد و کرد و اگر بیند که بر گشتوان از اسب و در افتاد یا مضایق دید دلیل بود که نام او یابد و در دست خصمان مغلوب گردد
بر پنج این سیرین کوید که بر پنج دیدن بخواب مانی بود که بر پنج حاصل کرد و بقدر آنکه دیده بود که مانی کوید اگر بیند که بر پنج بخت می خورد و دلیل بود که
حاجت او را کرد و خیر و نیکی بد و رسد و اگر بیند که بر پنج با کوشش بخت می خورد و بهتر و نیکی تر بود و بر پنج با شیره خوردن بغایت نیکی بود و
بیند که بر پنج با دوش بخت می خورد و دلیل بر غم و اندوه کند و خیر و نیکی دیدن بخواب بر سه وجه بود و اول دل و تویم حاکم
سیم خیر و منفعت که بد و رسد بر نده این سیرین کوید اگر بیند که بر نده داشت و از دست او پرید و دیگر بار دست او دلیل بود که
او را کرد و اگر بیند که برید دلیل بود که بعضی از مال او در دیر نیان و اگر بیند که بر نیان در خواب چون تاویل یا دوشخ آن در حرف
وال بیان کرده شود بر نده این سیرین کوید که بر نده در خواب اگر نرود و اگر ما و بود و فرزند بود و اگر بیند که بر نده فرار گرفت یا کسی بدو
و او دلیل بود که او را فرزندی آید و آن فرزند بروی او و اگر بیند که بر نده را بکشت دلیل بود که فرزند او بمیرد و اگر بیند که کشت بر نده
را بخورد و او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد که مانی کوید که دیدن بر نده در خواب خیر و منفعت بود و نیکی و مال حلال هم هست بقدر بر نده

در خواب دیدن

نیم

تج

سج

تج

نیم

و کوه
میر

وگوچکی او و اگر بید که بره داشت او را مال و قیمت رسد بقدر آن و اگر بید که بزه یا بزرگاله را بکشت و از آن بخور و نه از بزرگ کشت
 دلیل بود که او را صیقلی رسد بسبب فرزندان حضرت صادق علیه السلام که دیدن بزه و خواب بر چهار وجه بود اول فرزندان و دوم مال احوال
 ستم معیشت چهارم غم و اندوه بر سر منگی محمد بن سیرین که دید اگر کسی در خواب خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند
 دلیل بود که حج طلب کند و اگر بید که خواب روی مستور مصالح بود گنا پیش غفور کرد و اگر خداوند خواب مصالح بنا شده دلیلش بد بود که مالی کو
 اگر کسی خود را برهنه بیند و طلب و نیاز بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بید که ازاری بر میان بسته بود دلیل بود که در طاعت و عبادت حمت کند
 چنانچه سفری که دید بر منگی در خواب لیل صحت و رسوائی بود اما اگر حرکت را پوشیده بیند هر مصالح را نیک بود و فاسق را بد بود حضرت صادق
 فرماید که بر منگی در خواب هر مصالح را خیر و نیکی بود و مرد مسفرد را بدی و رسوائی و چهره ستی پروانه ابن سیرین که دید که پروانه در خواب بدید
 مردی ضعیف و نادان بود که خود را بنا وانی و بلاک اندازد که مالی کوید اگر بید که پروانه از پس پشت او ببرد و انگس او را گرفت دلیل
 که کینگی و دشمنی دراز کند از وی پسری آید اگر بید که پروانه را بکشت یا در دست او ملاک شد دلیل که فرزندش هلاک کرد
 پروت در خواب دیدن دلیل بر بیعت مرد کند اگر بید که کسی بروت و را بمقتضی بسیار هست تا دل نیک بود و او را هفت رسد
 و اگر بید که بروت او در وقت پیرستن از تن برید یا بستر دلیل نقصان میست مرد بود که مالی کوید اگر بید که بروت و دراز شده بود دلیل
 که او را قوتی بود و اگر بید که کسی بروت او را بر کند دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بید که بروتش سفید گردیده بود دلیل که از کار ناکر و بی
 باز ایستد و اگر بید که او را بروت بود و اگر دراز بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر اندک بود دلیل بر غم و اندوه و مراد کند بروج و انبال که بر
 که دیدن حمل و اسد و قوس شکر پادشاه بود و دیدن ثور و سنبله و جدی پسر پادشاه و دیدن خوز و میزان و دلو قاضی و ساجت
 پادشاه بود و دیدن سرطان و عقرب حوت و یار صاحب شتر و شتراب و پادشاه بود ابن سیرین که دید اگر کسی سهل را بخواب بیند با مر
 محتشم و اکاری افتد و حاجت او را کند و اگر ثور را بیند با مردی جان نادران او را کاری افتد و حاجت او را کرد و اگر خوز را بیند او را با مردی
 با زبان و انا کاری افتد و حاجتش بر آرد و اگر سرطان را بیند او را با مردی بی اهل کاری افتد حاجتش بر آرد و اگر دوزخکی و جابه یا بد و اگر سنبله را بیند او را
 با مردی کشاورز و بیوفا کاری افتد و مراوش بر نیاید و اگر میز را بیند او را با مردی قاضی کاری افتد و هر و عده که در ده خاکند و اگر عقرب را بیند او را با مردی
 مسفد با کاری افتد و او را رحمت رسد و عقلمن کرد و اگر قوس را بیند او را با مردی سالار و متر کاری افتد و حاجت او را کرد و اگر دلو
 او را دوست دارد و اگر حوت را بیند او را با مردی غریب ساده دل و نیکوای حرم بان کم سخن کاری افتد و حاجت او را کرد و اگر دوزخکی
 بداند بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی گفته اند محبت است و عامر و ابی در انکار که بد او بر هر که بدید رسول خدا
 می بری در خواب و دولت و بزرگی بود و دوست و دوست او نهادن و با او سخن گفتن دلیل خرمی بود و محمد بن سیرین که
 که دیدن که خوشی و شادمان و خوب روی بود دلیل که عز و دولت یابد و اگر او را ششت و نمک پیر بیند دلیل بر غم و اندوه
 که او را بری خوش با مرده بیند کار و شوریده کرد و اگر با بری جنگ میکرد دلیل که کار او آشفته کرد و اگر با کسی که بران بعضی ستم
 در خواب و دیدار دوست و محبت و دولت بود و آنچه کافر باشند و دیدار ایشان و دیدار دشمن و او با و اندوه بود و انبال که دید اگر کسی در خواب

اینجا از کتاب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

خوابگاه

و تویم بزرگی و رفت ستم مرتبت چهارم مان خیم عمر در از ششم تا بقدر بزرگی بدانکه چون نبط فروش چون بهایستانه خلا
این بود بستر این سیرت که یک بستر در خوابین بود و نیک و بدان تعلق زن وار و اگر بید که بستی خرید یا بستر را بدل کرد یا از
بستر بستر دیگر دلیل بود که زن دیگر خواهد زن نخستین را طلاق دهد و اگر بید که بستر از حال خود متغیر کرد و دلیل بود که زن او را طلاق
بجای دیگر کرد و اگر بید که بستی بستر دیگر شد بهتر از آن یا کمتر از آن دلیل کند که زنی بخواد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بید که بستر
تویشتر بفرزند بخت یا و زوشت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او غایب گردد و یا از ایشان یکی ببرد و کافی گوید اگر کسی خود بر بستر
مجمول بید دلیل که بقدر قیمت آن او را زبانی رسد و اگر بید که بستی بر تختی مجولی کشته بود و بر وی نشسته بود و دلیل بود که بزرگی
و فقرت یا بد و دشمنان را قهر کند جابر مغربی گوید که بستر در خواب و تن آسائی بود و قوله تعالی مشککین علی فرش
بطائینا امر است و بوی و اگر بید که بستر از خانه بیرون انداخت و بعد از آن بخانه آورد و دلیل بود که میان او و زن طلاق حتمی
فتد و اگر خوشن را به بستر چهار بزرگی افتاده بید دلیل کند که بشماره هر بستی زنی بخواد یا اینکه خرد و اگر بستر در او افتاد
بید یا در خاک که از آنجا بیرون و انت است و دلیل بود که زنش رنجور گردد و از آن رنج خلاصی نیابد و اگر خوش را بر بستر نرم
کسته و بید که خفته بود و دلیل بود که آنسال بروی مبارک کرد و اگر بید که بستر از پیشم کته بود و دلیل بود که زن توانگر خواهد و اگر
که بستر او ریخته بود یا سوخته بود و دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و عیالش را دین و دیانت و شرم نباشد و اگر بید که بستر او از پیش
بود و بستر که پائین بدل کرد و دلیل بود که زن فاسق را دوست بدارد و زن مسوره بخاد و اگر بید که بستر او بر سر و پا خرد و دلیل بود که
بود که میان آن او و کسی ناسر معاطی اتفاق افتد و بفساد و زنا
طلاق دهد و زنی که بر خوابگاه یا بستی خرد و زنی که بید که بستر از پیشم کته بود و دلیل بود که زن توانگر خواهد و اگر
بهر دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد و یا از کثرت بید که بستر از پیشم کته بود و دلیل بود که زن توانگر خواهد و اگر
بلان رسد و حاجت شفا یابد و اگر بید که از جانی بجائی پرواز نمیکرد و دلیل کند که سفر نزدیک کند حضرت باوق فرماید که بستر بخواب بر هیچ
و چه بود اول سفر و تویم سیم بزرگی چهارم تغیر حال خیم بیماری و مرک لغو با قند بر بیان محمد بن سیرین گوید که بریان در خواب فداوند
سخن بود و در فراخی طلب روزی و گوشت چخته بنا و بل بهتر از گوشت خام بود که زنی گوید اگر کسی بید که بریان از گوشت گوشت خورد
و دلیل کند که بقدر آن مال پنج و سخت بدست آورد و اگر بید که بریان از گوشت کا و خورد و دلیل بود که از ترس و بیم این کرد و اگر بید که بستر
بریان همی خورد و دلیل بود که او را مالی اندک حاصل کرد و بعضی از متبران گفته اند که خوردن بزر چخته در خواب دلیل آمدن بیری کند جابر مغربی
گوید اگر بید که بر بیان میخورد و دلیل بود که او از متری منفعت رسد و اگر بید که مرغ بریان میخورد و دلیل بود که مالی از جهت زنی ببرد
بدست آورد و اگر بید که با همی بریان کرد و میخورد و دلیل بود که بفرشته و بطلب علم یا بصحت مردی بزرگ پیوندد و اگر خداوند خوابگاه
بود و اگر بید که بر بیان بر پنج و خیم و اندوه بود و دشمن و با همی بریان کرد و چون تازه بود و بهتر از شور بود و با همی بزرگ بهتر از خورد بود
و دیدن بریان فروش در خواب مردی بود که بسبب وی دیگر از فراخ روزی کرد و نیز از بغاری جامه فروش بود و ویدش مردی بود
عظیم خطر آن بزرگ بهای جامه درم و دینار بود که به بند و ستاند و تاویل درم و دینار مگر و هاندیشه بود و در آن هیچ خیر نباشد لکن

بجای

بجای

بسم

تبیح

تبیح

تبیح

رسد و اگر میند که پشت باد درشت و با قوه بود و دلیل بود که او را فرزند می بیند و اما و عاشق بود و اگر میند که چیزی بر پشت گرفت و دلیل
 که بقدر آن کرانی و غم و اندوه بودی رسد و اگر میند که مرده بر پشت گرفت و دلیل بود که ثبوت کسان مرده بودی بود و اگر میند که پشت او
 بر پشت و دلیل بود که حال او بد کرد و جابر مغربی گوید که پشت دشمن بخواب دیدن ایمنی بود و از شر دشمن و دیدن پشت زن دلیل گشتن
 و نیاید و اسب حیل اشفت که پشت بخواب دیدن برادر بود و اگر میند که پشت او بشکست و دلیل که برادرش میسر و اگر میند که پشت
 او در و همبیکر و دلیل بود که میرا از برادر یا از دختر غم و اندوه رسد و اگر میند که بسبب غلظی پشت او را داغ کرد و دلیل بود که بر صلاح دیدن
 و دنیا می آید و اگر میند که پشت بدیوار باز داد و دلیل بود که بسفر شود و مال حاصل کند حضرت صادق فرمود که پشت بخواب دیدن
 بر و دوازده وجه بود اول قوه و عزم بر اوری ستم یا رچهارم پادشاه پنجم وزیر ششم حجت مفتی پیر ششم برادر نهم پسر و نهم مال را نگه
 یاری داد و آن دو از و هم جدید یعنی پدر پدر و معتبران گفته اند که دیدن پشت کافران ایمان بود و فاسقان را توبه و جاد و اسلام و سنا قرا
 انحصار پشت این سیرین گوید که اگر که دید و پشت زمین نامون نشسته بود یا بر پشت کوهی دلیل بود که مردی بزرگوار که شرف و منزلت
 یابد که شرف و منزلت وی بقدر فراخی آن زمین بود که پیرین کوه است و اگر میند که بر سر آن پشت ایستاد و بود دلیل که بزرگ مردی بزرگ
 شود و از وی مال و حرمت یابد و اگر میند که آن پشت ملک در موضع او بود و دلیل بود که مردی بزرگوار که شرف و نعمت و مال است
 و بجای او میقیم کرد و اگر میند که بعضی از آن پشت ملک است و دلیل بود که بقدر آن نعمت و بزرگی یابد و اگر میند که از آن بزرگوار
 یا کسی او را بزرگوار داشت و دلیل بود که بسبب مردی بزرگوار بچهره است کرد و حضرت بید و اگر میند که بر آن پشت بد شکاری و وجهت بالا
 همی رفت و دلیل بود که غم و اندوه بد و رسد حضرت صادق فرمود که پشت دیدن بخواب بر چهار وجه بود اول بلند و عزم مال ستم
 قوه چهارم تنومندی پشت این سیرین گوید که پشت در خواب دیدن از همه وجهی مال حلال و روزی بود و پیشی که باقیه نباشد بهتر بود
 و نیکو بود و اگر میند که پشت داشت یا کسی بد و او یا بخیر یا بد موضع خویش بود و دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل کرد و قوله تعالی
 احصی فیها ما و کبارها و اشجارها انا کانا و منها عالی چنین کرانی گوید که پشت از خویش و ورهیی انداخت و دلیل بود که
 مال خود را تلف کند و اگر میند که پشت بی سوخت و دلیل بود که مال خود را بخرید کند و اگر میند که بر تن وی جامه نشین بود و دلیل بود که مال
 از زمان مال حاصل کرد و اگر میند که جامه نشین یا پیشه بخرد یا بستی از پشت داشت و دلیل که زنی توانگر بخوابد جابر مغربی گوید
 که پشت از خواب مال بود از قبل پادشاه و معتبران گویند که میراث بود پشت این سیرین گوید که پشت مردی ضعیف و خوار و ناک
 بود و کاری اندک و حقیر کند و اگر میند که با پشت چنان بیکر و دلیل بود که با مردی ضعیف خصوصیت کند و اگر میند که پشت بکلوی او فرو شد
 و دلیل بود که با مردی حقیر بکاری حقیر شغل کرد و او را و اندک چیزی بد و رسد و اگر میند که پشت بسیار بر تن او جمع شد و او را مسکین بود
 و دلیل بود که در زبان مردم عوام افتد و از ایشان بوی حضرت رسد و باشد که او را زبان رسد زیرا که پشت خون مرد را که و اگر میند که پشت بر
 گوش او برینی او فرو شد و او را برنج و کزندیست و دلیل بود که از مردم ضعیف بد و زود رسد کرانی گوید که اگر میند که پشت بسیار بجا او افتد و دلیل
 که او را غم و اندوه رسد و اگر میند که پشت کان غلبه کرد و در خانه او جمع شدند و دلیل بود که بر پشت ضعیف افتد و اگر میند که پشت برینی او شده و برینی

تجربه

سب

سب

سب

سب

گفتند از او خنده که او گفت که پیش من سیرین بودم مردی بیاد و گفت بخواب دیدم که از عینده آب میخورد و آن عینده را دور بود و آن
 آب سیرین خوش میخورد و دراز یکی آب شور و تلخ این سیرین گفت تو زنی داری و خواهر زنی و برادر یکی و سیداری تو بد کن و از خدا بیگانه
 بر سر هر دو گفت چنین هست که تو گفتی تو بد کردم و بخواب باز کردیم بلغم و بدن این سیرین که بد که بلغم در خواب مالی بود که بود صلاح
 اعمال با نفقه کند کسی بخواب بدید که بلغم بجای گاهی هر که انداخت تا و این بخلاف این بود اگر بدید که بلغم سفید از کلو بر انداخت بجای
 پاکیزه و دلیل کند که مال بود و صلاح نفقه کند که مالی که بدید که بلغم بجای گاهی هر که انداخت تا و این بخلاف این بود اگر بدید که بلغم سفید از کلو بر انداخت بجای
 بفرستد و دلیل برغم و اندوه کند و اگر بدید که بلغم خون آلود بود دلیل بود که از مال می چیزی نفقه کند که بدید که بلغم سفید از کلو بر انداخت بجای
 نزد داشت دلیل بود که مال بر یکجا نماند نفقه کند و اگر بدید که بلغم در مسجدها گشت دلیل بود که مال نه بود و صلاح بر یکجا نماند نفقه کند
 برکت این سیرین که بدید که در خواب دیدن برکت درخت بر درخت خلق و خوی به بیننده خواب بود و خاصه به پنجم و سی و اگر بدید
 که برکت سیرین از درخت پاره فرار کرد یا کسی با و داد و دلیل بیننده خواب را خلق و خوی خوش بود و نیکو که مالی که بود اگر
 بیند که از درخت برکت تازه فرار کرد دلیل بود که او را بقدر آن درج حاصل کرد و جای بر مغزنی که بدید که برکت درختان میوه
 شیرین و دلیل بر خلاق نیکو بود و برکت درختان میوه ترش و دلیل بر خلق بد بود و برکت درختان نیکه مار شیار و ند دلیل بر درم و در
 بود و تجربان گویند که برکت درختان نیکه میوه دارند و دلیل بر درم و دینار کند پلنگ است این سیرین که بدید که پلنگ در خواب
 و شمنی خوی و توانا بود و اگر بدید که با پلنگ جنگ میکرد و دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر و غلبه بود و پلنگ
 پلنگ بروی غالب کرد و دشمن بروی غالب کرد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب کرد و اگر بدید که گو
 پلنگ سببی خورد و دلیل بود که در جنگ و خصومت افتد لیکن مظهر گردد و شرف و بزرگی بدید که مالی که بدید که پلنگ
 نشست و دلیل بود که بر خور و جاه و سی و دشمن را قهر کند و اگر بدید که با پلنگ جنگ میکرد و هیچکدام بر یکدیگر خطر نیافتند
 و دلیل بود که از پادشاه ترسی عظیم بد و رسد یا بیماری صاحب یابد و بعد از آن شفا یابد و اگر بدید که شیر پلنگ را سببی خورد
 و دلیل بود که از دشمن ترسی بد و رسد و سر انجام امین کرد و اگر بدید که پوست پلنگ یا استخوان یا میوه او را فرار کرد
 یا کسی بد و داد و دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن چیزی بیاید و اگر بدید که پلنگ را بگشت و دلیل بود که از اسلام روی بگرداند و در راه
 هیچ چیز نباشد حضرت صادق فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی و قویم مال یا فتن از دشمن شتم
 ترس از پادشاه بلور بدید که بلور در خواب بی بی اصل بود و اگر بدید که بلور داشت یا کسی بد و داد و دلیل بود که زنی بی اصل
 بزنی بخوابد و اگر بدید که بلور داشت یا صاحب شد و دلیل بود که زنی را طلاق دهد یا از او غایب کرد و اگر بدید که بلور بسیار داشت
 و دلیل بود که او را بسبب زنان مال حاصل کرد و جای بر مغزنی که بدید که بلور در خفت و دلیل بود که دلالی زنان بی اصل
 و اگر بدید که بعضی از آن بلور که میفرود خست بعضی سوراخ داشت و بعضی سوراخ داشت و دلیل بود که دلالی و خزان و دشمن و زنان
 میوه بی اصل کند بلوط این سیرین که بدید که دیدن بلوط در خواب روزی حلال بود و بقدر آنکه خورد و بدید که اگر بدید که در خانه و

انسان

که پیش محمد بن سیرین بودم که مردی سیاه و گفت که بجا بیدم که در آستین خنجران و ششم و یکم بر سر من می آوردم و می کشتم و ششم و یکم
می کشتم و از زور چاه می انداختم تا ویش چکونه بود این سیرین گفت خانه کجای داری گفت فلان محله و فلان کوچه پس سیرین گفت که بگفت
بنشین تا باز آیم پس برخاست و نزد پادشاه وقت رفت و او را آگاه کرد که حال جنسیت و در اندازی مردم هست هر ماهان
پادشاه را در خانه آورد و در آنجا جست و جو کرد و دیدند که فریب بر پنجاه مرد گشته و در آنجا انداخته بدانشند که آن مرد ایشان را
بجمله در آنجا میبرد و وانشانرا میگرداند و ایشانرا میکشند و و خانه می انداخته و پادشاه وقت بفرمود تا او را بکشند و مردم از تغییر این گفت
ما ندیدیم خبر خشک و خواب کوک خورد بود و تا ویش از خشک و بد آن بعد کوک خورد بود و پسند و او را این سیرین که بید که اگر مردی
بیند که کسی مصحح را پسندید او که در آن چند را صلاح دین و دستکاری آخرت بود و دلیل بود بر بشاری که در آن چند دین و دنیا می آورد
مخلاف پسند دلیل بر فساد و تنبای دین و دنیا می بود و جابر مغربی که بید که پسند و او را این سیرین که بید که اگر مردی
پسند و فریب مغرب بود که بشانت در حد حجاب بجز آن که بد و خواهر رسیده تا شکر آن بجای آورد و پسند و او را این سیرین که بید که اگر مردی
پسند و بنده آن و بر جسم بود که او را خبر رسیده از تنبای و فساد کار او را توبه بایزد که در آن و بخدا باز نشن تا او را از مشرف و نگاه دارد و از
عذاب تحاریر که در پسند و او را این سیرین که بید که اگر کسی بیند که بنده آستین در پای داشت دلیل بود که دین او بخل بود و او و دعوی است
کنند بر غوغ و مردی بخل بود و از او چیزی بکسی نرسد و بعضی از معجزان گویند که چون مردی مصحح بر دست خود بندد و دلیل بود که از کار پاک
بد و ناساز باز ماند و از دست بدارد و اگر پسند و او را این سیرین که بید که اگر کسی بیند که بنده آستین در پای داشت دلیل بود که دین او بخل بود و او و دعوی است
و دلیل که انانی در کردن او بود و او امانت نمیکند و اگر پسند و او را این سیرین که بید که اگر کسی بیند که بنده آستین در پای داشت دلیل بود که دین او بخل بود و او و دعوی است
سلامت باز آید و اگر بیند که بنده کوشش از بیم بود دلیل بود که او را بسبب آن بخت و بخت بود و اگر بیند که بنده آستین در پای داشت دلیل بود که دین او بخل بود و او و دعوی است
مال بود و اگر بیند که بنده آستین در پای بود دلیل بود که او را بسبب آن بخت و بخت بود و اگر بیند که بنده آستین در پای داشت دلیل بود که دین او بخل بود و او و دعوی است
خاصه که بنده بر دست بود و اگر بیند که بنده آستین در پای بود دلیل بود که او را بسبب آن بخت و بخت بود و اگر بیند که بنده آستین در پای داشت دلیل بود که دین او بخل بود و او و دعوی است
با مردی منافق صحبت افتد و اگر پای خود را بر سر بسته بندد دلیل بود که اگر کسی بومی شخصه رسد و انیال آید که اگر امیری بیند که بر پای خود بندد
آستین داشت دلیل که از دلایش نین بفرشود و در آن سفر بماند و اگر بیند که بر سر او پایش بندد بنده بود و دلیل بود که ولایت یا بد و اگر بیند که
بند بر پای داشت دلیل بود که او را چهار پسر باید و اگر بیند که بنده آستین در پای بود و او را بنده آستین در پای بود و او را بنده آستین در پای بود و او را بنده آستین در پای بود
در بنده و بر بخر بود دلیل بود که او را از ترس یا ن شخصه رسد و بعضی از معجزان گویند که کار وی آسان کرد و اگر بیند که بنده آستین در پای بود و او را بنده آستین در پای بود
و دلیل بود که زنی بکاخ خواهد یا زنی عاشق کرد و اگر بیند که بنده آستین در پای بود و او را بنده آستین در پای بود و او را بنده آستین در پای بود و او را بنده آستین در پای بود
و در کند جابر مغربی که بید که بنده و در خواب ثابتین بود و بقول جناب پیغمبر که فرمود **وَلَا تُحِبُّوا النَّفْسَ فِي النَّفْسِ وَلَا النَّفْسَ فِي النَّفْسِ**
ثَبَاتٌ فِي الدِّينِ یعنی دوستی با کسی که بنده و در خواب و غفل را دوست نداشتیم زیرا که بنده پای بندید و در دین حضرت تعلق فرمایند و این
بند و خواب بر چهار وجه بود اول لغو و تم لفاظی بچهارم از معصیت دست برداشتن و بعضی از معجزان گویند که غل رست

سیرین

بنده

بنده

تجربیه
تجربه
تجربه

تجربیه دیدن پادشاه ظالم را که تا دوستی بود از ظلم سنده این پیرین گوید که هر که سنده با بالغ با نجاب بیند که بالغ شده است دلیل بود که
 از او کرد و اگر کسی بیند که بنده خود را آزاد کرد و دلیل بود که زود از دنیا برود و اگر سنده را بیند که خواجه را بفروخت دلیل بود که شکم
 و مستند کرد و اگر بیند که بنده را بفروخت دلیل بود که شادمان کرد و بنفشه محمد بن سیرین گوید که بنفشه در خواب دیدن بوقت
 خود دلیل بود که از زنی یا کتیر کی چیری بدور سدا یا در فرزندی آید و اگر ویرا زوخت خویش جدا بیند دلیل بود که غم و اندوه خورد و اگر زنی
 اگر زنی بیند که بنفشه از زوخت بخند و بشوهر خویش داد و دلیل بود که شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که کسی و شسته بنفشه بدو داد و دلیل بود که میان
 ایشان عداقت افتد چای مغربی گوید که درخت بنفشه در خواب کتیر کی بود بدخوی و ناسازگار بنیاد و تهاون این پیرین گوید که اگر کسی
 که بنیاد و نو نما و فایده دینی وی بیند از خاص و عام بقدر آنکه دیده بود و اگر بیند که بنیادی نهادی نمود و در جانی مجبور و ندانند که او را
 کست دلیل کند که صنایع بدور کار دین و دنیا و اگر بیند که بنیاد را بر زمین و چلک خود نهاد و دلیل بود که فایده روزی حلال یا بدو
 گوید اگر بیند که بنیاد و از خشت بخت و کج نهاد و دلیل بود که مال و از حرام حاصل کرد و اگر بیند که بنیادی از خشت خام بر نهاده و دلیل
 که همه او بلند بود و کار دین و اگر بیند که بنیاد و دیوار از خشت بخت نهاد و بر آورد و دلیل بود که در اعلی و کارهای دنیا مغرور بود و اگر بیند
 خواب بنا کرد و در دوزخستان و دلیل بود که بنفشه یا بد و اگر بیند که بنیاد و از خشت بخت بر آورد و دلیل بود که بنفشه یا بد و اگر بیند که بنیاد و از خشت
 و اگر بیند که بنیاد و از خشت خام و کل بر آورد و دلیل بود که بنفشه از مردم عام یا بد و اگر بیند که بنیاد و از خشت بخت بر آورد و دلیل بود که بنفشه یا بد و اگر بیند که بنیاد و از خشت
 که جماعتی از مردمان را در بنا خود کرد و اگر بیند که قلعه بنا کرد و دلیل بود که از شر دشمنان این کرد و اگر بیند که کوشکی بنا کرد و دلیل بود که بنا
 و بنیاد شتون کرد و اگر بیند که سرانی بنا کرد و در وی بنفشه دلیل بود که نفعا و خیر با بیند و اگر بیند که مسجد یا بنا کرد و دلیل بود که
 جمعی را بکار صلاح جمع آورد و اگر بیند که بنای مناره نهاد و دلیل بود که نام او بخیرات بنفشه کرد و اگر بیند که طرازی بنا کرد و دلیل بود که
 خواهد و اگر بنا کرد و دلیل بود که در غم و رنج افتد و اگر بیند که باغی بنا کرد و دلیل بود که زنی تو اگر پارسیا بخاورد و اگر بیند که کورستانی را بنا کرد
 و دلیل بود که بکار آخرت شوق کرد و اگر بیند که قبه بنا کرد و دلیل بود که قدرت و منزلت جوید و اگر بیند که بر بنیادی که بنده تمام کند و دلیل بود
 که کار دنیا و دین او تمام کرد و اگر بیند که آن بنا تمام نکرد و کارش نام تمام چنانچه پیر محمد بن سیرین گوید که بنفشه در خواب از خشت بود و مال ندانند که او را
 کرد و بیند که خواب و پیر تر مال بسیار بود که در جبر بدست آید جابر مغربی گوید که پیر تر مال و نعمت بود که باستانی سیاه و پیر خشتک سفری بود و با
 منفعت اگر کسی بنجاب بیند که نان با پیرین بخورد و دلیل بود که در سفری او را مالی اندک با غم و اندوه حاصل کرد و بعضی از پیرین
 گویند که علتی بدور رسد لکن از آن زود خلاص گردد و به بدانکه استادان این فن در تامل به در خواب دیدن خلافت بعضی گویند که
 صبری بزرگ یابد و از آن خیر و منفعت بیند و شمای نیکو و بعضی گویند که فرزند بود و بعضی گویند که بیماری بود و آنکه حکم بیماری
 چنین گوید که آن چنان بگونه زود است دلیل بر بیماری کند و آنکه گوید که سفری دراز بود و باینچ تن بدان معنی که گفت جبرئیل علیه السلام
 وقت بیرون آمدن از بنفشه بدوی داد حکم بر سفر دراز با غم و اندوه و رنج زیرا که سفر او از بنفشه بدینا بود و با چنین غم و اندوه
 که بوی رسد و آنکه حکم فرزند کرده اند بدان معنی که گفتند که چون آدم علیه السلام بدینا آمد از خوردن آن میوه زیاده داشت و جبر

مغایب

بجای

تجربه

چند

روزی چندین فرزندان در وجود آمدند و آنکه گفتند از غم تریز که خیر و منفعت بیند یا تنهای نیکو بداند چنان گفتند که در دست
آن چشیل ۱۴ بود و ستانده او آدم نما و از بوی خوش تنهای نیکو بود و چنان دانستند که هر خدایی که ستانان تعبیر آن کرده اند از آن گفته
ابرار پسیم که بود که در خواب بیاری بود و خواه بوقت و خواه بیوقت و هر چند که بگویند زود تر بود و بیماری صعب تر بود و حضرت صادق
فرمود که دیدن بد خواب چون بوقت خود بود بگویند سیر بود و بتاویل فرزند بود و چون نه در وقت خود بیند که بگویند زود بود و بیماری بود و چنان
بر سرین گوید که بهار و وقت بهار باو شده بود و اگر در خواب بیند که فصل بهار بود و هوا ناما معتدل چنانکه از گرمی و سردی مرده و ناما
مضطرب و ریج رسیدی دلیل بود که اهل اندبار را از پاوشاه ریج و مضرت رسد و بیند اگر بیند که هوا معتدل بود و چنان خرم شده
از کار مشکوفا و مرد و ریج و مضرت نبود دلیل که مردم اندبار را از پاوشاه خیر و منفعت رسد و اگر بهار را بوقت خود باعتدال بیند
دلیل که جاه و عز و رفعت بود و مردم عامه را از پاوشاه قوت و نصرت بود و دلیل و انصاف پاوشاه بود و تاویل فصل بهار
چنین بود و بهشت این سرین گوید که بهشت بخواب دیدن دلیل خرمی و مژده بود از خدا تعالی قوله تعالی اَدْخُلُوْهَا بِسَلَامٍ اَمْنًا
و اگر بیند که از میوه های بهشت فراغت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل بود که آنقدر که میوه بهشت خورده بود علم و دانش آموز و سیرت
وین بدانند لیکن بود و نذر و اگر بیند که با حوران بهشت بهی بود دلیل بود که ترغ بر وی آسان کرد و اگر بیند که در بهشت مقیم شود لیکن بود
نگذاشتند دلیل بود که در دنیا میکش فساد و عصیان بود و اگر بیند که در بهشت بر وی اوبه کرده و دلیل بود که مادر و پدر از وی
ناخوش شود باشد و اگر بیند که به نزد یک بهشت شده باز گردید دلیل بود که بیمار کرد و بحال مرگ لیکن از آن شفایابد و اگر بیند که
فرشگان دست پر گرفته اند که در بهشت بر ندان صبر و در زیر درخت طوبی نشست دلیل بود که مراد و وجهانی یابد قوله تعالی
طُوبَى لِّهٖمْ وَحَسَنَ مَّاۤیَ و اگر بیند که وی را از خوردن شراب و شیر منع میکرد و دلیل بود بر تنهایی و بر وی قوله تعالی
وَمَنْ تَقِمْ لَیْسَ بِاللّٰهِ فَعَلَ حَقَّۙمُ اللّٰهِ عَلَیْهِ الْجَنَّةُ و اگر بیند که از میوه های بهشت کسی بد و داد و دلیل بود که آنکس را از علم و
بهره بود و اگر بیند که در بهشت آتش انداخت دلیل بود که از باغ کسی بحرام چیزی خورد و اگر بیند که از حوض کوثر آب خورد و دلیل بود که
دشمن ظفر یابد و اگر بیند که گوشه های بهشت را یکی بوی داد و دلیل بود که دلارامی یا کینگی بر نی بخوابد جا بر معزنی گوید اگر بیند که
در برابر و خرم و شادمان بود دلیل که از کسی خرم و شادمان کرد و نعمت یابد قوله تعالی سَلَامٌ عَلَیْكُمْ فَادْخُلُوْهَا خَالِدًا
و اگر بیند که بر جایگاه بنشیند بود که صورت بهشت و بهشت داد و پنداشت که بهشت است دلیل بود که با پادشاه عادل پیوندد
یا با نواکری یا با عالمی بزرگوار و اگر بیند که سوی بهشت میرفت دلیل بود که براه حق پیوسته بود و حضرت صادق ۱۴ فرمود که دیدن
بهشت در خواب بر نه وجه بود اول علم و دویم زهد و سیم منت چهارم شادی پنجم بشارت ششم امانی هفتم خیر و برکت هشتم نعمت نهم
سعادت و اگر بخواب بیند که در بهشت بود دلیل بر اوقات و وجهانی بود و بدست خیرات بسیار رو و اما چون مصدق بیند دلیل بود که بتا
یابد بائی بسلا کرد و چنانکه ثواب اهل بهشت بیابد و عالم کرد و مردمان از علم و منفعت یابند چنانکه این سرین گوید که پهلوی خود
زن بود و اگر بیند که پهلوی چپ او آس کرده بود و دلیل بود که زن و کینرک او هر دو آبستن شوند و اگر بیند که پهلوی او سرخ شده بود

باز

و پاره کشت خون آلود از پهلوی او بقیفا و دلیل بود که زن او بچه بهیچکام سفیکند و اگر بیند که هر دو دست بر پهلوی او نهاده بود دلیل بود که پاره
 غمی سخت رسد که مانی کوید اگر کسی بخواب بیند که استخوان پهلوی او شکسته بود دلیل بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه بدور رسد و اگر
 که پوست پهلوی چپ وی جدا شد و بقیفا و دلیل بود که مان عیالش هر دو تلف کردند و اگر بیند که هر دو پهلوی او زده شده بود دلیل
 عیالش رنجور گردد و اگر بیند که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن که هری یا لوثی سفیا و دلیل بود که او از فرزند یا عالم آید پارسا و اگر
 بیند که هر دو پهلوی او فزایم آمد دلیل بود که بر او غم و اندوه رسد و اگر بیند که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود که بر دوستی و دین
 و قوه عیال او و اگر بیند که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود تا ویش بخلاف این بود که گفتیم جابر مغربی گوید که پهلوی و خواب دلیل بر زن
 بود زیرا که زنان از پهلوی مردان آفریده شده اند پس هر چه بیشتر که در پهلوی او میل آن بر زنان باز گردد و اگر بیند که او را پهلوی
 بسیار بود و دلیل

بختیار

جبه بود و اول زن دویم و خستیم کنیزک چهارم خادم پنجم پیر زنی که در خانه بود و بختیار
 این سیرین گوید که **دوم** و مال صلال که از زن بدور رسد و اگر بیند که بختیار را گرفت یا کسی بدو داد و دلیل بود که بختیار
 از زن مال بخورد و **چشم** بیند که بختیار را بگشت و از کشت وی بخورد و دلیل بود که بختیار از مال زن بخورد و مانی کوید که بختیار
 و بدین در خواب **چشم** و در بزرگی و اگر بیند که بختیار را گرفت و بخانه آورد و دلیل بود که از خوشنشان خود زنی خواهد و از مال و منفعت
 حاصل کند بویا این سیرین گوید که کسی دور یا کند دلیل کند بر مردی که سفیه و جنس بود و نیز دلیل بود بر آنکه زن خود را بدی حاصل و ضعیف
 حال و از مردم ملاست یا بد و اگر بیند که بختیار بیافت و سپری شد دلیل بود که شغل خویش را تمام کند و اگر بیند که بختیار از بختیار
 دلیل کند که بختیار خود مشغول گردد و جابر مغربی گوید که اگر بیند که بختیار داشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که او از زنی منفعت
 گوید که بختیار بختیار صادق فرماید که بختیار را خواب بر سر و جبه بود و اول منفعت دویم خستیم زن پنجم بختیار خود و بختیار
 بوزینه این سیرین گوید که بوزینه در خواب دلیل بر دشمنی فریبده ملعون بود و اگر بیند که بوزنه نشسته بود و آن بوزنه مطیع او بود و دلیل
 که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند و اگر بیند که بوزنه بر دوش میگرد و بروی خیره شد دلیل بود که بیمار گردد و از آن شفا نیابد یا عیبی بر تن
 پیدا آید که اذان خلاصی نیابد که مانی کوید که اگر بیند که بوزنه را بگشت دلیل بود که دشمن را قهر کند و اگر بیند که کدشت او بخورد و دلیل بود که
 در بختی و عیبی گرفتار آید و اگر بیند که کسی بوزنه بوی بخشد دلیل بود که کسی دشمنی او ظاهر کند جابر گوید که کسی بیند که بوزنه را بگشت
 دلیل بود که بیمار گردد و زود و شفا یابد و اگر بیند که بوزنه بر سر نشسته بود و دلیل بود که جودی با زن او فساد کند و بوزنه مانه زنی منفعت
 جاود بود و اگر بیند که بوزنه بخانه درآمد و دلیل بود که در آن خانه زنی او را جاود کند و اگر بیند که بوزنه با وی سخن گفت و دلیل بود که زن
 با وی در آن زبانی کند و اگر بیند که بوزنه او را بگزد و دلیل بود که بیمار گردد و یا از عیال خود و شفا و بشنود و اگر بیند که بوزنه بوی چربی داد یا بخورد و دلیل بود
 که مال خویش را بر آن بیت هزینه کند و پوست و انبالا گوید که پوست تن مردم در خواب آرایش که خدای مردم بدو بر سیرین گوید که اگر
 که پوست مردم سرد مال و برکت بود اگر کسی پوست تن خود را بر زوجه همته بیند و افتاده و دلیل بود که ستر و راز وی بکشد و مرد و مالی تلف

بختیار

بختیار

بختیار

کرد و اگر پوست تن خود را بگوید یا سپاه بینه و دلیل بود که غم و اندوهی بوی رسد و اگر بید که پوست پایش روشن بود و دلیل بود که کار
خاسته کرد و اگر مانی گوید که پوست جمله چهار پایان خواب دیدن مال بود و پوست شتر میراث بود و از مردی بزرگ و پوست که سفید
صاحب را نوری بود و اگر پوست درخت بینه خداوندش روزه دار بود و اگر بید که پوست اسلخ باز کرد و دلیل که اگر انگش
بدان منسوب بود مانی بستاند و اگر بید که سرانی بنا کرد و از بهر پوست باز کرد و دلیل بود که اگر انگش قصاب بود و در سری او و بوزنند
و اگر محکم بود و بر کوه کان ستم کند جابر خرمی گوید اگر بید که پوست کوی باز بید و دلیل بود که انگش خدای کنن و جیرهای تپاه
شده را اصلاح باز آورد و از جنت پادشاه میبانی کند چون امیران و بزرگان لشکر پادشاه خلاف کنند در کارهای بسیار پوین
این سیرین گوید اگر کسی در خواب بید که پوستین پوشیده بوده و وقت زمستان بود و دلیل بود که چیزی بوی رسد که وجه نیست
او بود و اگر در وقت تابستان بود و پوستین پوشیده بوده و وقت زمستان بود و دلیل بود که چیزی بوی رسد که وجه نیست
دلیل بود که زنی توانگر خواهد و از آمال یابد و اگر بید که پوستین مسود پوشیده داشت و دلیل بود که زنی نخواهد که توانگر و مالدار
بود و اگر بید که پوستین رو به از نو پوشیده داشت و دلیل بود که زنی خواهد و توانگر و پارسا لیکن فریفته و حیل کرد و اگر بید که پوستین
خرگوش پوشیده داشت و دلیل که زنی ناکار بد فعل بخواد و از رحمت بید و اگر بید که پوستین خجاف پوشیده داشت و دلیل بود
که زنی ناسازگار بر زنی بخواد و اگر بید که پوستین کره پوشیده بود و دلیل بود که زنی بد خو بزی بخواد و در ذوقی امانت بود و اگر
بید که پوستین و شش پوشیده بود و دلیل بود که زنی اهل دین و از بزی کند و اگر بید که پوستین جوش پوشیده داشت و دلیل بود
و شطیبه زنی بخواد و اگر بید که پوستین وی دریده یا سوخته یا ضایع شده بود و دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود و اگر
طوبی هم برین گوید اگر کسی بید که کسی را بوسه داد و دلیل بود که انگش را دوست و خوشکار بود و اگر انگش هم بد بود و دلیل
از جانی که طمع دارد و خیر و منفعت بید و اگر بید که معیونی او را بوسه میداد و دلیل است که از انگش خیر و منفعت بید که مانی گوید
اگر بید که مرد را بشهرت بوسه میداد و دلیل بود که از بهر مرده خیر کند یا از بهر خجای خیر یا از بهر مرده و اگر بید که مرده ویرا بوسه میداد
و دلیل بود که طالب و خوشکار وی بود و اگر بخلاف این بید و دلیل بود که مراد و مقصود دنیا بد حضرت حق فرماید که بوسه دادن
خواب و دلیلش بر چهار وجه بود اول خیر و منفعت و دوم حاجت روائی ستم بر دشمن و ظفر باختن چهارم سخن شنیدن بوق
این سیرین گوید اگر کسی خواب بید که بوق میزد و بوق زدن را نمیدانست دلیل بود که مرده را از سر خود آگاه کند و اگر بید که بوق میزد
و دلیل بود که در میان مهران دروغ گوید و اندر دروغ را بسو کند راست کند و بعاقت ظلم هر که دروغ که آن دروغ بود جابر خرمی گوید که بوق
زدن بنا بر میل مردان در مصیبت بود و زنا را رسوائی و ظاهر شدن را از ایشان حضرت حق فرماید که بوق زدن در خواب بر چهار
وجه بود اول خبر دروغ و دوم سخن بکر و ستم ظاهر شدن را از چهارم مصیبت بود و دلیل ستم حق این سیرین گوید که بوق در خواب
پادشاه بود یا مردی بزرگ که مردمان بطلب او بر او برسد که مانی گوید که بوق در خواب تا ویش آن بود که نیگوید باشد اگر بید که از این
گذشت دلیل بود که از پادشاه و از اشراف و از او رسد و از او منفعت بید و اگر بید که بنیادی بریل مینهاد و عمارت میکرد و دلیل بود که در

خواب

بید

بید

بید

و پادشاهی باید و مال بسیار و اورا جمع کرد و قوله تعالی **وَأَلْقَانَا فِي الْغُلْفَةِ** حضرت عیسی علیه السلام را در خواب چهار روز بود و آتش دوزی بود که همه مردمان را بکار آید و حاجت همه کس را کند و قوی باد شاه ششم نیکوئی و کامرانی یافتن چهارم مال بسیار حاصل کرد اگر بیند که پل سفید و خراب شد دلیل بود بر تنهایی حال پادشاه و نقصان ملک و بوجوم خواب دیدن مردی در دماغا که سفید بود و اگر بیند که با بوم جنگ میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصومت افتد و دیگر همه حال دیدن بوم نیکو باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که بومی داشت یا کسی بد و او دلیل بود که مردی دوز را قهر کند و اگر بیند که گوشت بوم میخورد دلیل بود که بقدر آن گوشت مال از مرد دوز بخورد و اگر بیند که بچه بوم داشت دلیل بود که غلام کوچکی از دوز یا شاکری از دوز را حاصل کرد و بوم سیاهی خوش این سیرین که بومای خوش و ناخوش شنای نیکست و صبح و دهم و سخن ناخواب بود اگر بیند که بومی خوش شنید دلیل بود که او را نگوشت کند و اگر در خواب بومی خوش بسیار شنود دلیل بود بر هر که زیر که مرد را از بومی خوش و حسد طنا که نزد کرمانی گوید اگر کسی بیند که او را خوشبوی کردند و دلیل بود که او را نسیایش کند و شاکویند و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که او را پیش مردم عیب بخوبی بکشند و نام او بر زشتی منتشر کرد و پی این سیرین گوید که پی در خواب جمع کننده حال کار او بود و اگر خواب بیند که پی بر اندام او خشک شد یا بکشت دلیل بود که دوزی که جمع کننده کار او حال او بد و از او غایب گردد و یا از دنیا رحلت کند اگر بیند که چهار بر تن او خشک شد و دلیل بود که از دوزستان صفارقت جوید کرمانی گوید که پیهایی تن دلیل بر خولیشان و اهل بیت بود اگر بیند که پیهایی او و زشت و قوی بود و دلیل بود که خولیشان و اهل بیت و بد حال و ضعیف گردد پیهایی بان و انیال گوید که پیهایی بان و خواب است روزی بود بقدر بزرگی که آن اگر بیند و پیهایی بان تنها بود دلیل کند که اگر سبب خیش مال فراوان حاصل کند اگر بیند که باکره ای در پیهایی بان بکشت دلیل بود که مال و نعمت بسیار از سفر حاصل کند و روزی بروی کشاده کرد و این سیرین گوید اگر کسی بیند که از پیهایی بان بیرون آمد دلیل بود که غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که در پیهایی بان شد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن پیهایی بان در خواب بر چهار وجه بود اول روزی و قسمت و دوم حیرت و سرکشگی و سیم عنا و ریخ چهارم بیم و خطر و هلاک و از وی زد و بیرون آید پیهایی بان که گوید که پیهایی بان در خواب دیدن مال حرام بود و سخن ناخوش و زشت و اگر بیند خواب صلیح و مستور بود و بجهت خود را از خوردن آن دفع گشته و اگر بیند خواب صلیح نباشد دلیل کند که مال حرام جمع کند و پیوسته در وی سخنان زشت گویند چنانچه چون پیهایی بان بود و اگر پیهایی بان زخم خورد و دلیل بود که سر انجام از حرام خوردن تو بکند و بجا آید باز کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که پیهایی بان در خواب خوردن بر سه وجه بود اول مال حرام و دوم غیبت و سخن زشت و سیم پیهایی بان در کار با پیهایی بان محبت سیرین گوید که پیهایی بان در خواب کینه کند که با وی عشت و طرب کند اگر بیند که از پیهایی بان یا حلاب میخورد و دلیل بود که با کینه و کجالت با او و از وی فرزند معصوم بیاورد و اگر بیند که آن حلاب یا آن آب از پیهایی بان بخت دلیل بود که فرزند وی بمیرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که پیهایی بان که پیهایی بان در خواب بر دو وجه بود اول کینه و دوم خادم پیراهن و انیال گوید که پیراهن سفید در خواب دیدن مرد بود و بعضی از سیرین گویند که پیراهن زن بود و دلیل حال و کار او بود و در کسب حیثیت اگر بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده بود و دلیل بود بر

توبه

بیم

توبه و عفو

بیم

بیم

بیم

بیم

بیم

فصل

کارونیکوئی احوال و اگر بیند که پاره از پیر این او دیده بود تا ویش میانه بود و رنگی و بدی و اگر بیند که پیر این وی کن و چکن بود
و لیل بود که در پیشی و پیر این ریج و غم بد و رسد و هر چند پیر این را گفته تر و دریده تر بیند بلا و مصیبت و پیش میانه بود که خداوند
خواب ملاک کرد و اگر کسی بیند که پادشاه او را پیر این خود او و پوشید دلیل بود که پادشاهی از وی ستاندگرمانی کوید اگر کسی بیند
که پیر این نو پوشیده بود دلیل بود که نگاه پیر این بود و باطن بد و اگر بیند که پیر این و شلوارش جمله چکن بود و کسی لیل بود که اگر نو
بود و ویش کرد و در غم و اندوه گرفتار کرد و جابر مغربی کوید اگر کسی بیند که پیر این نو و فراخ پوشیده داشت و لیل بود که عیش
فراخ کرد و اگر بیند که پیر این تنگ بود و لیل بود که عیش بروی تنگ کرد و اگر بیند که پیر این او دیده بود و لیل بود که رازش
کرد و اگر بیند که پیر این بی کریان بود و بی آستین و یکد زربود و پوشیده و لیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیر این
در انداخت و لیل که کاش بد کرد و در او ش بر آید و اگر بیند که کریان پیر این از سوی پس مرده بود و لیل بود که او بدروغ
نشد و الله تعالی و ان کان قمیصه قلین دیر فکک قات و اگر بیند که پیر این کمی داد و انگس پیر این را بدی فرو مالید
لیل بود که بفرمود و از جایگاهی او را بشارت رسد و الله تعالی اذ هبوا قمیصی هذا افا کفوه علی و حیدر آیت
پیر این و اگر بیند که پیر این خون آلود و در ویش لیل بود که روزگار در غم و اندوه ماند و اگر بیند که پیر این دریده پوشیده بود و لیل
بود که کارش کند کرد و در رازش آشکارا شود و حضرت صاحب عزم نماید که دیدن پیر این در خواب چون نو و فراخ بود و لیلش شش صبح بود
اول دیدن مردم و دویم ستر شیم عیش خوش چهارم ریاست پنجم رازش و غری ششم بشارت هفتم بیت المعمور خانه است
در آسمان چهارم برابر کعبه و آن چه گاه فرشتگان بود و این سیرین کوید اگر کسی بیند که در بیت المعمور شد و لیل بود که در میان مردم
یا بعلم ظاهر کرد و در ویش کند و از شر دشمنان امن کرد و اگر بیت المعمور را بر زمین بیند دلیل بود که پادشاه عالم عادل بود و ستره کرد
و اگر بیند که در بیت المعمور خانه ساخت یا نجفت و لیل بود که اجل وی نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیر این بیت المعمور طاعت
بهر و لیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر سیرین المعمور را بر و اسجدی دید و در وی نماز کرد و لیل بود که همه حاجات او را کرد
گرمانی کوید اگر کسی بیند که از زمین تا بیت المعمور راه کشاده بود و لیل بود که مردان در آن سال حج و عمره بسیار کنند و اگر بیند که
بیت المعمور آراسته است و فرشتگان بروی طواف میگردند و لیل بود که علماء اهل دین بنظام شوند و عو جابه یابند پیر این
سیرین کوید که پیر این در خواب لیل بر مال و زمین زمان و کثیر کند بر قدر و قیمت پیر این که دیده بود گرمانی کوید اگر بیند که پیر این
آراسته بود و جابر پوشیده بود و لیل بود که بقدر آن او را مال حلال حاصل کرد و اگر بیند که پیر این او ضایع کرد و لیل بود که او را
غم و اندوه رسد و اگر مردی بیند که پیر این زمان داشت و لیل بود که غمگین کرد و پیر و زه این سیرین کوید که پیر و زه در خواب
ظفر و توه حال روانی بود و اگر بیند که پیر و زه از وی ضایع کرد و لیل بود که مرادش بر نیاید جابر مغربی کوید اگر بیند که پیر و زه
بجز واداشت و لیل بود که بقدر آن او را مال حاصل کرد و در شرف و برتری یا در حضرت صادق عزم نماید که دیدن پیر و زه در خواب
بر چهار وجه بود اول ظفر و نصرت و دویم حاجت روانی ستم توه چهارم ولایت پیر شدن این سیرین کوید اگر کسی بخواب بیند

بیت المعمور

پیر این

پیر و زه

کیم کردید

که پیر کرد و محاسن و سفید شد دلیل که غرور شریف یا بد و اگر پیری محمول بر ایند که خرم و شادمان بود و دلیل که از دوستی مراد می آید و از
غم رسته کرد و اگر پیری سرخ و فربه باشد که خرم و شادمان بود و دلیل بود که از او چیزی بد درسد و اگر او ترش روی و غمگین باشد دلش
بجلا فاش این بود و جابر مغربی گوید اگر پیری را بیند که جوان شد دلیل بود که در غرور بزرگی او نقصان باشد و در دنیا سفر و کرد و اگر جوانی
یا کودکی بیند که پیر شده دلیل بود که غرور بزرگی یا بد و بکار آخرت شغل کرد و پیسی ابن سیرین گوید که پیسی در خواب مال و توانگری بود
و اگر بیند که تن او پیس کرد و دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل کرد و بعضی از معبران گویند که پیسی در خواب میراث
حضرت صادق علیه السلام را بدید که پیسی در خواب بر چهار وجه بود اول مال و دوم میراث ششم منفعت چهارم بدید آمدن کار مشکلی جابر مغربی
گوید اگر بیند که با مردی پیس او را صحبت بود اگر آن مرد مصلح و مستور بود دلیل بود که او منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفسد
و خبیث دلیل بود که او را از حرام منفعتی رسد پیشانی ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجده با پا
تلاست و بعضی گویند که پیشانی دلیل بر فرزندی بود که از اهل بیت و توانگر کرد و اگر بیند که بر پیشانی او نشانی بود و دلیل که خدا
در پاک و پیری پرکاری مشهور کرد و اگر بیند که کسی زخمی پیشانی او زد و خون روان شد دلیل بود که قدر و جاهش زیاد کرد و اگر بیند
که پیشانی او کوچک کرد یا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که پیشانی او از حال خود بکشت دلیل بود که زبانی پوی رسد و اگر بیند که بر پیشانی
او مورسته است دلیل بود که دام دار کرد و اگر بیند که آنوی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن ویش از بهت عیال بود و اگر بیند که پیشانی
او آماست و پشت دلیل بود که مالش زیاده کرد و اگر بیند که از پیشانی او مار یا کژدم یا چیزی دیگر بیرون آید دلیل بود که بقدر آن او را
الم و کزندی از دشمنان رسد جابر گوید اگر کسی بیند که بر پیشانی یک چشم داشت دلیل بود که کار که خدای او پندار کرد و اگر بیند که
پیشانی چشمهای بسیار داشت بهین دلیل کند که او را در مصالح خود پنداری تمام بود و اگر بیند که بر پیشانی وی خطی سبز نوشته بود
که او را فرزندی آید عالم و پیری کار و اگر بیند که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است دلیل بود که عاقبت را محمود کند و مرگش برتر است
و بود و اگر بیند که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محروم و نماند و اول بخلاف این بود و حضرت جعفر صادق علیه السلام
گویند پیشانی در خواب بر شش وجه بود اول جاه و قدر و دوم غرور بزرگی ششم فرزندی که چهارم سعادت پنجم ریاست ششم جود و نیکی
پیشانی گرفتار ابن سیرین گوید اگر بیند که در کارش پیشانی گرفت یا بر کسی از کارهای دین مثل عبادت یا حج و غزوات یا چیزی دیگر دلیل بود
که در آخرت رستگاری یا بد و او را نزد خدا تعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار دنیا پیشانی گرفت دلیل بود که غرور و قبول الی با حضرت
صادق علیه السلام فرمود که پیشانی گرفتن در خواب در کارهای خیر و صلاح و دلیل بر خیر و صلاح و وجهانی بود و اگر بیند که پیشانی گرفت در کار شر و با
و دلیل کند بر فساد و وجهانی پیشانی ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب دیدن اگر بیند که پیشانی خود را با گرد و به پیشانی از آن بهتر شغل
و دلیل بود که کارش بهتر کرد و در کسب و کار روی نیکی بدید آید و اگر بیند که پیشانی که ناگون همی کرد اگر آن پیشانی شکم بود دلیل
بر خیر و نیکی کار کند و اگر بد بود دلیل کند بر شر و بدی و اگر بیند که بعضی از پیشانیها بد بود و بعضی نیکت بر کلام قوی تر بود حکم بر آن
ابن سیرین گوید که پیشانی درختان و در خواب زنی بود بیابانی اگر بیند که در پیشانی او آن پیشانی سبز بود و درختان میوه دار در آن بود و

جابر

پیری

پیشانی

پیشانی

پیشانی

پیشانی

در وقت آن فارسیه آن پیشه می خورد و دلیل بود که زنی خواب که اسل او بیابانی بود یا کتیر کی خرد که در میان او را پرورده باشند و آن
 زن او را خبر و منفعت رسد و اگر آن پیشه را خالی از اینها و دلیل بر شرف و حضرت کند و اگر بیند که در آن پیشه بجای درختان خار بود و از آنجا
 او را کند رسد و دلیل کند که او را غم و اندوه بخت زمان رسد و حضرت با و می گوید که دیدن پیشه در خواب بر چهار وجه بود و اول زن بیابانی
 و دوم کتیر کتیر ششم منفعت چهارم غم و اندوه بود و هیچ این سیرین گوید اگر بخند که مصحف بفرودخت و دلیل بود که
 درین او را و حقیر بود و خار و اگر بیند که سنده خویش را بفرودخت و دلیل بود که کار بروی تنک آید و شکر کرد و اگر بیند که زن خوشتر
 بفرودخت و دلیل بود که حرمت و عزیزی او را از دست نام کرد و در آخر این زن که بفرودخت او را زنی دیگر بود و دلیل بود که کارش صلاح
 باز آید که مانی گوید هر چند که درین عزیز بود و در وقت آن خواب در کار بود و در زمین آن نیکو بود و در میان در خواب دیدن مروی که
 خطر بسیار بود و اگر بیند که بیگانی تیر زدن یا کسی بوی بخشد و دلیل بود بر درستی کار که بد و درسد جا بر مغربی گوید که دیدن بیگان
 خور بود و در سختی که بیند خواب با خصم گوید خاصه که بیگان از نواد و روشن بود و اگر شکسته باز کار گرفته بیند تا ویش بخلاف این بود
 سیخمر بدانکه تا ویش بخلاف این بود و در سختی که بیند خواب با خصم گوید خاصه که بیگان از نواد و روشن بود و اگر شکسته باز کار گرفته بیند تا ویش بخلاف این بود
 که او را بیکری بود و دلیل کند که زن خواب و اگر بیند که بیکر از کسی بیجا بود و دلیل بود که کتیر خرد و اگر بیند که بیکری داشت و از وی
 صنایع شد یا از دست او برفت و شکست و دلیل بود که زن از اطلاق دهد یا زدن از دنیا رحلت کند و اگر چهره بیکر خود را بصورت
 دیگر بیند و دلیل بود که احوالش بد و در هم بران بیات که آن چیز رسیده بود که مانی گوید اگر بیکر خوشتر بصورتی زشت بدل کرد و بیند
 و دلیل که حال او متغیر کرد و اگر بیند که بحال و صورت خود کرد و دلیل بود که بحال خود و بسوی خدا باز کرد و اگر بیکر خوشتر باشد که
 دلیل بود که همه روی از وی بگردانند و بر وی جفا کنند جا بر مغربی گوید اگر کسی بیند که بیکر آدمی با بیکر حیوانی بدل می کرد و دلیل
 که آنکس بد مذیب و دروغ گو بود یا در صفات خدایتعالی چیزی گوید و اگر بیند که بیکر کسی بخور و دیگر که نه از جنس او بود و بخت و دلیل
 که بیند را کار صعب چه بد آید و در آن متحیر ماند و صورت در خواب دیدن مروی بود که بر خدا بیعتی دروغ گوید پس این سیرین بود
 که معتبران گویند که فرق نیست هیچ وجه میان خواب شب و خواب روز الا در این اگر کسی در خواب بیند که بر پیل نشسته است و دلیل بود که
 زنی خواب را نکارد و اگر این خواب را بر روز بیند و دلیل بود که زن را اطلاق دهد یا کتیر خرد و اگر بیند که بیکر از کسی بیجا بود و دلیل کند که با بیکر
 بر دست او کشته کرد و یا حصار می محکم را بختاید و اگر بیند که بیکری بر سر وی نهاد و او را بخت و دلیل بود که بهمان نزدیکی که در حال
 بد کرد و اگر بیند که بر سر پیل نشسته بود و آن پیل دیگری داشت و دلیل بود که از خدمت پادشاه خویش بخدمت پادشاه دیگر شود و کوفی
 گوید اگر بیند که بر پیل نشسته بود و آن پیل صلاح داشت و نیک طبع او بود و دلیل کند که پادشاه عجم کرد و یا پادشاه عجم را خد کند و اگر بیند
 که نیکو شست پیل می خورد و دلیل بود که بقدر آنکه شست از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بیند که از امتحان پیل یازد و پست و چیزی بخورد
 داشت همین پیل کند بر مال و نعمت که از پادشاه بد و رسد و اگر بیند که بیکر کام زخم بروی نشسته و دلیل بود که دشمنی بزرگ را بر
 کند و بر انقول قتل و سحاب القیل را و دلیل با و رده اند و اگر بیند که از پیل نشسته و دلیل بود که در مایه نجاتی بخشد و اگر بیند که پیل میان

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

بخت بیفتاد و بر وی دل بود که پادشاه اندام یار بهیر و جبار بر خربی گوید اگر مید که از بهر تاشا بر پیل نشسته بود و قادر بود و دلیل بود که بخت
 بخت خود بخوابد و از آن بر وی قادر کرد و در آن بختا نشین بیند و دلیل بود که بر زن قادر کرد و اگر مید که بیلی صلاح پوشیده بود و در
 شهر شهر و یکی میرفت دلیل بود که بر ملک آمد یا راز پادشاه به پادشاهی دیگر افتاد و او را ملک کند حضرت صادق علیه السلام فرمود که در این
 پیل در خواب بر شش وجه بود اول پادشاه عجب و قویم مرو غلام ستم مرو مکار چهارم مرد با قوت و بهیبت پنجم مرد و ششم ستم کاری چون
 خواره پیل کوش کبابی است که بر یک بزرگ پهن دارد و آنرا شکوفه زرد است و در آن در خواب زنی بود و خاومه و بی اصل و نسب
 اگر کسی خواب ببیند که پیل کوش داشت یا کسی بومی داد و دلیل بود که او را چنین زنی صحبت افتد و از او غصه بیند پس بگوید این سیر که
 که پیل در خواب مانند طبیب بود و مانند فقیر زیرا که طبیب بیمار را نوازش می دهد و مانند راه وین نوازش می دهد اگر کسی که پیل در خواب دید و از او نوازش
 و راحت رسد بدین سبب پیل خیر و سعادت کند چنانچه اگر کسی ببیند که پیل در خواب دید و دلیل بود که آنرا کسی خیر و منفعت بر کس رسد
 و نمانش به نیکو در آن و یار نشسته کرد و پیل این سیر که پیل در خواب خاومی بود که کار با کند که نانی بود که پیل در خواب خاومی بود
 که کار با نفاق کند بعضی گویند که پیل در خواب کاری بود که از بخت و عطا حاصل کرد و اگر کسی ببیند که پیل در خواب دید و دلیل بود که
 تمام کرد و اگر بدان کار نکند و دلیل بود که آن کار بریده کرد و بهاری این سیر که پیل در خواب دید و دلیل بود که در آن
 بقضا بود و گفتار و با مردم بنفاق بود و بعضی گویند که در آن سال بهیر و اگر مید که از بهاری تن در دست شده بود و در خانه نباشد
 سخن بخت و دلیل کند که بهاری بروی در آن کرد و در خطر بوده باشد که بهیر و اما اگر مید که با مردمان محالست میگرد و سخن بخت دلیل
 کند که در آن بهاری شفا یا بدر نانی گوید اگر مید که از بهاری وی برهنه بود و دلیل بود که در بهیر و مسیران گفته اند که بهاری در خواب پیل
 بر فشق و فجر کند و غم داند و در قبل سلطان و از قبل خیال بدید و بخت چنانچه مغربی گوید که بهاری پیل که ناکون در خواب پیل بود و در خواب
 خرمی و مسند حضرت صادق علیه السلام فرمود که اگر کسی ببیند که بیمار بود و از غلت خویش باز نماند و پیل بود که از غم این کرد و اگر از بهاری نماند
 و رضی و شاکر بود و پیلش بخت بود و اگر مید که بهار و برهنه بود و دلیل که ایش بر نماند که به باشد و نه تعالی گفت چنانچه در آن
 خاومی حکما گفت که آن ستر که بهاری پیل که بهاری در خواب نظام کار بود و انصاف و راستی بود و با مردمان خاصه چون بهارینه
 در خواب میبخت بود اگر مید که بهارینه بست یا کسی به و داد و دلیل بود که راستی و انصاف کند و معامله و او و و ستم بخت کند و اگر مید که بهارینه
 او بخت است یا بخت و دلیل بود که خداوندش را بیم مرگ بود و اگر مید که از بهارینه خیری می پیو و اگر پیل علم بود و دلیل که قاضی کرد و اگر از پیل
 علم باشد دلیل از بهار و در وی بقاضی محتاج کرد و در بقوان که بهارینه در خواب بروی بود و ستم بخت که و او مردمان و در بهاری نماند
 گوید که بهاری در خواب چنانچه بهار و منزلت بیند و بود و هر زاده و نقصان که در وی بیند دلیل قدر و جاه بر بیند و بود اگر مید که بهاری او کو
 شده بود و دلیل بود بر نقصان قدر و منزلت آن اگر مید که بهاری آن افتاده بود و دلیل کند که از بهار و منزلت بخت و اگر مید که سوار خیری او
 فرخ شده بود و دلیل بود که معیشت بهی و فرخ کرد و اگر شک شده بود و دلیل که معیشت بروی تنگ کرد و این سیر که گوید که بهارینه
 از بهاری او بیرون آمده بود و دلیل بود که از بهاری منفعت یابد و اگر مید که جانوری از بهاری وی بیرون آمد چون کرم و کس و مانند این و دلیل

که او را فرزند می آید و اگر بگوید که در بیتی او سوختن بود و معمار در بیتی او کرده بود و دلیل بود که هر دو از آن تداضع کنند یا باری بزرگ صحت
و از او مال و نعمت یابد و اگر بگوید که سر بیتی او بسته بود و چنانکه هم زون نتوانست دلیل بود که کار بر وی بسته گردد و اگر بگوید که سخن در بیتی
میگوید دلیل بود که دولتش نایل گردد و اگر بگوید که پوست سر بیتی او رفته بود و دلیل بود که او را زبانی افتد جابر گوید اگر کسی در خواب ببیند که از بیتی
او خون می آید و مستحضر او بدید که خواب دیدیم که از بیتی من خون می آید و دلیل که مال بسیار یابد اگر گوید که دیدم خون از بیتی من میسند دلیل که
مالش برود یا بدید که چون سال سخن گوید مستحضر لفظ او تغییر کند و حدیث او را بفال نگاه دارد و اگر کسی ببیند که هر دو سوختن بیتی او یکی شد
بود دلیل بود که باز نماند هیچ کرد و اگر بگوید که سر بیتی او بریده بود و دلیل که فرزند خویش را خسته کند و بعضی گویند که در جاه و منزلت
او نقصان شود جابر گوید اگر کسی ببیند که چیزی بکار بست در بیتی او شد دلیل بر خشم و نکی بود اگر بگوید که خون از بیتی او بیرون آمد چنانکه
چشمه تن او خون آلود کرد و دلیل بود که مایه حرام بوی رسد و اگر بگوید که خون سبز و اندک از بیتی او بیرون آمد و دلیل بود که او را فرزند شکم
ماور بینه بقول جبران درویش کرد و اگر بگوید که خون آلود و نکشت دلیل بود که فرزند یا زن از خانه بیرون آید
یا با ایشان کند رسد و اگر بگوید که بیتی او بر زمین افتاد و دلیل بود که او را دختری رسد و اگر بگوید که او بیتی خود را همی شست دلیل بود که
مردی زن او را بفرستد و اگر بگوید که از بیتی وی مرغی بیرون آمد و دلیل بود که چهار پای او را و بچه آورد و بقول بعضی از متعبران خون
آوردن از بیتی مال بود که از پادشاه آید یا ربوی رسد استغیاب شغف گوید اگر بگوید که بیتی وی بر مثال خط می بزرگ شده بود یا کم
از آن دلیل بود که بقدر آن بر غر و جاه وی بفرزاید و از آن خویشان بفرزاید کرد و اگر بگوید که در بیتی او بوی خوش رفت دلیل بود که
او را فرزند می مصلح بود و اگر بگوید که در بیتی او کاف خوش رفت تا ویش بخلاف این بود جاحظ گوید اگر بگوید که بیتی نذر دلیل بود
که کسی از خویشان وی میبرد و اگر بگوید که او را در بیتی او دلیل بود که فرمیان او و عیال خلافت و اگر بگوید که کسی بوی خوش فر
بیتی او داشت دلیل بود که از آن کسی منفعتی رسد و اگر بگوید که خواب زن بود و دلیل بود که او را پیری مصلح آید و اگر بگوید که شخصی
بوی ناخوش در زیر بیتی او داشت دلیل بود که از آن کسی خشمی فرو خور و حضرت صادق فرماید که دیدن بیتی در خواب بر سر و وجه بود و انواع
و تویم مال سیم بزرگی چهارم فرزند پنجم عیش خوش پیچ خوردن باین سیرین گوید اگر کسی خواب ببیند که پیچ خورد و دلیل بود که خیر و نعمت
و فراخی یابد و اگر بگوید که پیچ کو سفند داشت و میخورد و دلیل بود که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بگوید که پیچ جانوری بخورد که گوشت او حلال
دلیل بود که مال حلال یابد حضرت صادق فرماید که دیدن پیچ در خواب بر سر و وجه بود و اول نعمت و فراخی و تویم مال و منفعت سیم کشیدن
کاری بسته بهیوشی اگر مانی گوید اگر کسی ببیند که بهیوش کرد و چنانکه عقل از وی لگزد و دلیل بود که او را کاری پیش آید که در آن کشته
و شجره روئین سر بجام کارش نیل کرد و حضرت صادق فرماید که بهیوشی در خواب بر دو وجه بود و اول شواری کار و دوم شجره و سرگی
و فرمودند که و بیچارگی حرف التماس کتاب کامل التفسیر به تات و اون ابن سیرین گوید اگر کسی ببیند که رس یا تات
سید او یا همان دلیل بود که بفرشو و خوش بقدر داری و کوتاهی بس یا لیسان بود که دراز بود و سفر دراز کند و اگر کوتا بود و سفر کوتا
چیز و نقصن لیسان تات پیدا و دلیل بود که از بهر مصلحتی کاری کند یا از بهر راحت نفس را بهجت کند حضرت صادق فرماید که تات

سخت

پیچ خوردن

بهیوشی

رسیدن

تاریخ
تاج
میر

پس در میان برتبه و جود او اول سفر و تحویل دویم بر ریاضت نفس ستم کشایش کار می فرمود بستر تاجستان این سیرین کوید که به تاج
 بخواب و بدین پادشاه سخت بود و اگر گرامی سخت بود و چنانکه مردم را از آن زبان بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه خیر صلاح
 او تاجستان را بوقت خویش بخواب و بدین بهتر بود که گمانی گوید اگر کسی تاجستان را بخواب میزد بوقت و چنانکه جهان خرم بود و درختان پر بار
 دلیل بود که غرور و دلش زیاده کرد و کادش بر او رسد و مردم غام پادشاه را بخواب و بدین از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر
 تاجستان را نه بوقت خویش بیدار و پیش تنگنا فایز بود و تاج محمد بن سیرین کوید که تاج در خواب بدین پادشاهان را بکشد و دلالت
 بود و نه از شوهر و مردم عامه را بنگونی حال اگر بیدار بر سر تاج داشت از در مرصع دلیل بود که قدری بلند و مترقی عظیم باید گفت
 در چنین راه شریعت ضعیف بود و اگر این خواب را زنی بیدار دلیل بود که شوهری کند صاحب شست و جاه و شغل و نیکی را
 گوید اگر بیدار پادشاه بر مردی تاج میزد و دلیل بود که او را از پادشاه بزرگی و کام روانی بود و اگر بیدار پادشاه تاج بوی داد و دلیل بود
 و او بر سر نهاد و دلیل بود که زنی توانگر و خوب روی بخوابد و از او کام دل و داد یابد و اگر بیدار تاج از سر او بیفتد و او بشکست
 دلیل بود که زن را طلاق دهد و اگر کسی بیدار تاج از سر وی برگرفته شد دلیل بود که زن از وی جدا گردد و اگر بیدار
 تاج از سر وی بیفتد و بشکست دلیل بود که زن او بمیرد یا کسی از اهل بیت او بمیرد و از دنیا رحلت کند حضرت عیسی علیه السلام فرمود
 اگر زنی بیدار تاج بر سر دارد و شوهر ندارد و دلیل بود که شوهر کند و اگر شوهر دارد و دلیل بود که بر زنان مترک و دو اگر زنی
 بیدار تاج از سر او برگرفته شد دلیل بود که شوهر از زنی خواهد یا شوهر او را طلاق دهد و اگر بیدار تاج مرصع بود بر سر پادشاه
 بود و جاه و حرمت حاصل کند و او را حرمت بپذیرد تا راج این سیرین کوید که اگر بیدار تاج لغت کسی را بابت راج برود و دلیل بود
 که آنکس را غم و اندوه و زیان رسد بقدرا که اندوی برده بود حضرت عیسی علیه السلام فرمود که تاج کرون و دلیل بود بر چهار وجه اول
 شنب و دویم زیان ستم غم و اندوه چهارم از زانی نسیج که غنیمت باید و تاج به یکی این سیرین کوید که تاریکی در خواب شنب و
 بود و راه دین اگر بیدار تاریکی فکر گرفت یا کسی بدو داد و دلیل بود که بر قدر آن ضلالت و گمراهی یابد اگر بیدار تاریکی
 بود و آن تاریکی بر روشنی مبدل گردید و دلیل بود که تو بکند و راه دین ببرد و گناه کرد که گمانی گوید اگر بیدار تاریکی بود
 و آن تاریکی باز بر روشنی شد و دیگر بارتباری شد دلیل بود که این منافق بود و قوله تعالی و از ذلک اعظم حکم فاعلم و اول
 جابر کوید که تاریکی بخواب غم و اندوه بود و اگر بیدار تاریکی تاریکی کرد و دلیل بود که مردم آن دیار غم و اندوه رسد و کار
 ایشان بسته گردد و اگر بیدار تاریکی بر او روشن بود و تاریکی ابر ناگاه بدیدار و دلیل بود که در آن دیار مرگه مفاجات ظاهر گردد و بستر
 صاف و قی فرماید که تاریکی در خواب بر پنج وجه بود اول کفر و دویم تحقیر ستم فرو بستن کار چهارم بدعت پنجم و ضلالت انسان
 است تحصیل اشعث گوید اگر بخواب بیدار تاریکی بر روشنی آمد و دلیل بود که از درویشی به توانگری افتد و از غم فرج یابد و کار
 بروی کشاوه کرد و از راه ضلالت و ور بود تا زیاده و انیال گوید اگر کسی بیدار تاریکی بجز ما کرده و داشت دلیل بود که تاریکی
 نه بر مراد و نظام او بود و اگر بیدار تاریکی از جحر خطه نکرده بود و دلیل بر شرف بزرگی بود بقدرا که آن تاریکی و بعضی گوید که تاریکی

تاریخ
تاج
میر

تاریخ
تاج
میر

و خواب و دلیل بر مال نکند و در بقره رینده خواب که سینه که و مال تا زیاده او کیست دلیل بود که مال و نیز کی از وی جدا کرد
 ابن سیرین گوید اگر کسی بیدار کسی را تا زیاده نبزد دلیل بود که بجاری مشغول کرد و از آنکس و کسب غایده بدو نرسد اگر بیدار
 که تا زیاده نازد و دست بیدار خفت دلیل بود که انکاری که در دست دارد بیدار شود اگر بیدار که چنانچه او را تا زیاده نبزد و خون از تن وی
 روان نشد دلیل بود که سخنی ناخوش شنود و اگر بیدار که خون از وی نرفت دلیل بود که بر تا زیاده در می یا بدگرانی گوید اگر
 بیدار که و با تا زیاده نبزد دلیل بود که از آنکس مال حرام یا بد اگر بیدار که زخم تا زیاده نبزد و خون از او روان نشد دلیل بود که مال یا بد اگر بیدار
 که زخم تا زیاده نبزد و دلیل بود که سخنی ناخوش شنود و اگر بیدار که از او تا زیاده نبزد و نداشت که کسی زود دلیل بود که
 تا که مال یا بد جابر گوید اگر کسی خواب بیدار که در دست تا زیاده نیکو داشت یا علقه ابریشمین دلیل کند که او را خرنده می آید اگر
 بیدار که تا زیاده نازد و دلیل بود بقره حال وی و اگر بیدار که تا زیاده او چرم یا زوال بود دلیل بود که خیر و منفعت بدو رسد
 و اگر بیدار که تا زیاده در دست او شکست دلیل کند که فرزندش بمیرد و از کار خود معزول گردد و اگر بیدار که بر آب نشسته بود و بخانه
 میرود دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بروی منت نهد و اگر بیدار که بر پشت کسی تا زیاده نبزد و از آنجا خون برآید دلیل بود
 که آنکس مال حرام یا بد یا زنده او را متمم کند بجای وی و اگر بر پشت خود زخم تا زیاده نبیند و نداشت که چه کس زود دلیل بود که
 ویای او تمام گردد اگر بیدار که بر کسی تا زیاده نبزد و چنانکه باره باره کردید دلیل کند که باطل تفرق کرد و نه و اگر کسی را بی انداز تا زیاده
 زود دلیل بود که ویران و غم و اندوه رسد اسمعیل شعث گوید اگر کسی بیدار که در خانه خود بدست خود تا زیاده نماند بود دلیل بود که در
 کرد و دلیل بود که زبان او بر خشم دراز کرد و اگر بیدار که دراز بود و کوتاه گشت دلیل بود که دشمن بروی غلبه کند حضرت عیسی
 فرماید که تا زیاده در خواب بر خیزد و هر دو اقل شعث و ویم جدل کردن ستم و دشمن شدن کاری شکل چهارم سفر و مغارت نیم بر
 و مال تا و ابن سیرین گوید که تا و در خواب خند و شکار خانه بود که آنچه بر که خدای خانه بود جمله بر عیال خود و دیگران نفقه کند اگر
 تا و نداشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که خد شکاری مصحح او را حاصل کرد و یا از وی جدا کرد و جابر مغزنی گوید اگر بیدار که در تا و
 چیزی بچیند دلیل کند که کار خد شکار او نیکو کرد و اگر بیدار که تا و چیز میخورد و دلیل بود که از آن خد شکار خیر و منفعت بدو رسد
 بعد از خوردن و اگر بیدار که آن خود دانی ترش و ناخوش بود دلیل بود بر غم و اندوه و می تب ابن سیرین گوید اگر کسی خواب
 که او را تب پیوسته بود چنانکه نامایش را نمیکرد و دلیل کند که پیوسته بفساد و کثافت مشغول بود و تب با دیگر و تا عقوقت بخت
 گرانی گوید اگر کسی بیدار که تبش دراز بود و دلیل کند که تشن و دست و عرش دراز بود و اگر بیدار که ویران شد و دلش بخلاب
 این بود تب ابن سیرین گوید که تب در خواب خد شکاری بود که بجا که کاری کند و اگر او را کاری فرماید بجا که آنرا گشته کرد
 تا و یک کارش فرماید جابر گوید که تب در خواب بر وی رسیده بود و اگر یاری خواب از مرد منافق بود و در میان مردم جنگ است
 محنت و اگر بیدار که تبی داشت یا کسی بدو داد و دلیل کند که او را با مردی بدان صفت و دوستی افتد اگر بیدار که تب او شکست یا بخت
 کرد و دلیل کند که آن مرد را اجل فرارسد تبیره بغار می بل بود ویدن آن و خواب خبر کرده و سخن و روغ بود و کاری پیدا

تشریح

تشریح

تشریح

تشریح

تشریح

تشریح

تشریح

و بر پیش و این جمله دلیل بر زنده ماندن کندن این سرین کوید که بیند که با تیر و پای کوید و رقص کند و دلیل بود که بر غم و اندوه و
 او که بیند که او تیره و مفروض بود که سخن باطل بود که کار ی ناصواب کند که بدان شهر کرد و بعضی معتقدان کوید که تیره و
 آواز خویش بود لکن باطل بود که مانی کوید اگر کسی بیند که تیره و میزد و دلیل کند که کاری باطل کند باشد که در آن هیچ معلوم نشد و با
 مردمان هر و عده که در جمله دروغ باشد حضرت صادق علیه السلام میگوید که تیره و زدن در خواب کاری بود که بنادانی کرده شود و عاقبت آن کار
 اظهار کرد که باطلست و تیره و زدن در خواب مردی بود که دروغ شنید و آراسته کوید بظواهر و در باطل مرد و از اغیبت کند و بخوان
 از شدت کوید که محتاج این سرین کوید اگر کسی بیند که محتاج بگوشت تیره یا با گوشت کوفته و ماست شیرین میخورد و دلیل کند که بقدر آن
 از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر بیند که با گوشت کا و یا با گوشت خرگوش کشتک و ماست ترش میخورد و دلیل بود که منفعت
 اندک از مردم منفعت و در بد و رسد جا بر کوید که محتاج با گوشت خرگوش یا چیزی ترش دلیل بر غم و اندوه بود و تحت محمد بن سرین
 اگر کسی بیند که بر تخت نشسته بود و بر آن تخت چیزی کسره و نه بود دلیل کند که بسفر شود و اگر بیند که بر تخت خفته بود و بر آن چیزی کسره
 بود و دلیل بود که بزرگی یا بد و بقدر و قیمت تحت دشمنان را فتنه کند تا ازین غافل بود و اگر این کس از باطل فساد بود و دلیل بود که برادرانشند
 خاصه که خود را بر تخت خفته بیند و اگر بیند که تحت شکست و اوبیضا و دلیل کند که از راه و بزرگی میفتد و حالش بد کرد و حضرت صادق
 فرماید که درین تخت در خواب بر سفت و وجه بود و اول خر و جاده دویم سیم مرتبه چهارم بلندی پنجم ولایت ششم قدر و جاه و مقتضای
 شدن کار با تخم کاشتن این سرین کوید اگر کسی بخواب بیند که تخم کاشت و باز جمع کرد و دلیل بود که شرف و بزرگی یا بد و اگر بیند که از
 انجا که کاشته بود میخورد و دلش ازین نیکوتر بود و اگر بیند که از آنجا کشته بود چیزی حاصل نگردد و یا ندانست که باران چیست و نیز آن
 و بسیار آنرا ندانست دلیل بر غم و اندوه کند که مانی کوید اگر بیند که تخم کاشت و دلیل کند که او را خیر و نیکویی رسد و اگر بیند که چیزی
 دلیل بود که او را مال جمع کرد و اگر بیند که کا و رس همی کاشت دلیل بر مال اندک کند و اگر بیند که حدس و باقی و لو بیاید مانند آن پیشکش
 و دلیل بر غم و اندوه کند و انبیا کوید اگر در زمین خویش تخم کاشت دلیل کند که زنی خواهد کهارش ساخته کرد و اگر زمین کشته خویش را
 ناکشته بیند دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که بجای بجهول تخم همی کشت و بر آید دلیل بود که غرا کند و غراب روی آسان کرد و
 و خیر کند و اگر بیند که در زمین خویش کشت میکرد دلیل بود که او را مال و لغت حاصل کرد و اگر بیند که جایا کند یا درخت در زمین کشت
 دلیل که جاه و خوار و یاوه کرد و بقدر آنکه کشته بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی و دویم فساد
 سیم مال حرام چهارم نفع در بازگانی تخم این سرین کوید اگر بیند که او را تخم بود دلیل بود که او را مال بی خود و فساد کند یا که ازین
 گناه تو بکند تا از عقوبت حق تعالی نجات یابد و اتفاق معتبران آنست که در خواب تخم دیدن در آن خیر نباشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که تخم در خواب
 بر چهار وجه بود اول مال با دویم فساد سیم مال حرام چهارم متابعت هوای نفس کند تخم نماز مانی کوید که تخم در خواب دیدن آنچه
 ترش و ناخوش بود جمله دلیل بر غم و اندیشه کند خاصه خوردن بد و صفت بود و آنچه بطعم شیرین خوش بود خوردن آن در خواب
 منفعت اندک بود و جای بر سفری کوید که تخم در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد که آن تخم که پوسیده یا گرم خورده بود مذکور است

١٠٠

5

بود و او مشتق از نصرت است و اگر ترسانی نبیند که مسلمان شد و دلیل بود که مسلمان گرد و نایب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که کسی نبیند که نصرت
 نصرت داشت دلیل بود که دوستدار و همواجرا او بود و اشتقاقش درین اسلام ضعیف بود و ترسیدن این سیرین که بدید که
 ترسیدن در خواب یعنی بود و هر که در خواب ببیند که می ترسد از کسی و مانند که ترس و از گیس و دلیل بود که هر دو یکی از ان ترسانند و یکی
 رسد حضرت صادق علیه السلام فرمود که ترسیدن در خواب نصرت بود چنانکه رسول خدا فرموده النصرة بالترعب یعنی نصرت یافتن ترسانند و اگر
 ببیند که از روی یا از جانوری می ترسد دلیل بود که از گسانی که با و منسوب اند و برامضرت رسد ترسیدها ابن سیرین گوید که ترسیدها
 خوردن در خواب هم و اندیشه و غم بود خاصه میوه ای ترش و اگر ببیند کسی چیزی ترش بودی و او دلیل کند که از او بوی بیخ و غم و اندوه
 رسد و اگر ببیند که او چیزی ترش بکسی و او دلیل بود که بسبب او غم و اندوه بوی رسد فی الجمله در خوردنی ترش هیچ چیز نباشد مگر ترش
 ابن سیرین گوید که ترش دیدن در خواب غم و اندوه بود و اگر ببیند که ترش بودی خورد و دلیل بود که دام و مار کرد و بسبب آن غم کن کرد و
 که ترش بطعم ترش و بدیدار تره جابر گوید که دیدن ترش در خواب مال اندک بود و خوردن او غم و اندوه بود و ترش و انبال گوید که ترش
 اگر چه بگونه زرد است اما بوی خوش دارد و بطعم بدیدار پاکیزه بود و گویند که از میوه ای بهشت است و دیدن او خواب نیک است اما مال
 گوید که اگر کسی یک ترنج یا دو یا سه در خواب ببیند تا ویش فرزند بود و اگر بسیار ببیند مال و نعمت حلال یابد و ترنج بنزدیدن در خواب
 بهتر از ترنج زرد بود و گمانی گوید که ترنج در خواب هر دی بود تو فکر و به جمال و بهرمان نزد یک چنانکه بهم که سر او دوست دارند و اگر
 که ترنجی داشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و اگر ترنج در کنار خود دید دلیل بود که او را فرزندی خوبی
 آید و اگر ببیند که ترنج را بخورد و دلیل بود که او را مال خود یا مال بزرگی بهره رسد و اگر ببیند که ترنج را پنهان کرد و پنهان کرد و دلیل بود که ترنج
 هلاک کرد و اگر ببیند که در خانه ترنج بسیار داشت و کسی بخشد دلیل کند که در کسی بنکونی کند و اگر ببیند که ترنج در ستن نهاد و دلیل بود که او
 فرزندی از کنیز آید و اگر ببیند که از آستین بی و بیفتد و دلیل بود که او را فرزندی حاصل کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن ترنج در خواب
 بر چهار وجه بود اول زن نیکو روی و دوم کینک پاک دین ستم دوست تو انکه چهارم فرزند شریف صلیه ترنگین ابن سیرین گوید
 که ترنگین در خواب مال حلال بی منت بود و عله غالی و انزلنا علیک الکتاب و السنن کلا و من حیثات ما رزقنا کم
 و اگر ببیند که ترنگین بسیار داشت یا کسی بدو داد و دلیل کند که روزی بسیار یا بد از آنجا که امید ندارد و کارهای او بنظام شود و حضرت
 صادق علیه السلام فرمود که ترنگین در خواب دید یا خورد ویش بر سه وجه بود اول مال و روزی حلال بی منت غنی و دوم معیشت و کنایه
 کار با ستم کام دل یافتن تره و دوغ ابن سیرین گوید که خوردن تره و دوغ خواب دلیل بر غم و اندوه کند تره ابن سیرین گوید که اگر تره
 آنچه بطعم تلخ و ناخوش بود دلیل بر مضرت کند تره فروشی اگر کسی خواب ببیند که تره فروشی کردی تا ویش نیکو بود و نیز که بدست او
 کاری رود که خلق را بدان احتیاج بود و تره خوردن خواب بیماری مفلسی و غم و اندوه بود و تریاک ابن سیرین گوید که اگر کسی ببیند که تره
 از به بیماری خورد و دلیل بود که از ترنج برده و کار با بروی کشاده کرد و اگر بخلاف این بود و دلیل بر غم و اندوه کند و اندیشه نقصان بود
 تره و چ ابن سیرین گوید که اگر ببیند که زن خواست دلیل بود که شرف و بزرگی یا بد و اگر عجب بود و دلیل بود که زنی تو فکر خواهد کرد و اگر

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

چشم خشم پا و شاه اگر بیند که آواز تند بوقصد با بدین می شنید دلیل بود که در آن دایره و برکت پدید آید و اگر بیند که بادن و در غنچه
بود دلیل بود که مرده نم آید یا از اید و شاه ترس و بیم بود و اگر بیند که بادن از آله می باید دلیل بود که در آن دایره غنچه و غنچه و غنچه و غنچه و غنچه
پدید آید و اگر بیند که تند سخت بفر دلیل بود که بانگ و سبب پادشاه و در آن دایره کسره و کوه و اگر بیند که چشم تند بود و هم برق
چشم و آواز پادشاه بود دلیل که پادشاه تنگ پدید آید تند سیحی این سیرین کوید که تند سیحی که سیاه آن بر زمین افتد چون بخوابد
غم و اندوه بود و خاصه که بگوئیم سیاه بیند و آنچه در دیوار حکاکی شده بیند حضرت عیسی وقت فرا پد که تند سیحی در خواب بر سره و وجه بود و دلیل
غم و اندوه و هم نفسان قدر و جایه و سیم بی افغانی و در کارها تنگی این سیرین کوید اگر بیند که از تنگی بغرضی آمد از جایگاه می و هم
چهار جایگی این می شد دلیل بود که کارهای او بنظم شود و از رنج راحت و آسانی شود و اگر بخلاف این بیند بد بود و جابر کوید اگر
بیند که در جایگاه می تنگ گرفتار شد دلیل کند که در کاری دشوار افتد و خلاصی نیابد و اگر بیند که در کاخ طاعت تنگ بود که عیش و سرور
بر او تنگ کرد و و تنگی همه چیز را در خواب نیکو نباشد تند فور این سیرین کوید که تند در خواب بهتر بود که خدای خانه و بعضی بعضی
نویسد که با نومی خانه بود و اگر بیند که تند در دست داشت دلیل کند بر تن و رستی و نظام کار که خدای خانه و اگر بیند که تند در دست
و خواب شد دلیل کند بر رنج و آفت و بیماری و آفت که خدای و بدی وی و اگر بیند که تند در نان می بخت دلیل کند که برقدار نانها
روزی حلال بیاید و کار بروی نیکو کرد و کرمانی کوید اگر بیند که تند در تنگی آتش است بیروشنی و بر بالای نور شعاع آتش است
و دو و بنو و دلیل بود که بسفر بیت المقدس رود و باج کند که خدای عز و جل شایع الوادی الا آمن فی البقعة المبارکة
یعنی بکه و بیت المقدس و بعضی گفته اند که از آخر و منفعت رسد حضرت صادق فرمود که دیدن تند در خواب بر وجه بود و دلیل
خیر و منفعت بود و خاصه که نوب و دو و هم و با سبب و شود و شفت تو بره این سیرین کوید که تند در خواب خیر و منفعت بود
خاصه که نوب و اگر بیند که نوب و داشت یا کسی بوی داد و دلیل کند که از کسی خیر و منفعت بد و رسد و اگر بیند که نوب و بوی اجناس
گردید تا و پیش بخلاف این بود تو بر گردن این سیرین کوید اگر کسی بیند که نوب و دلیل کند که از به کناه و سعادت ایشان کرد
و کردار نیکو کند که در آن خوشنودی خدای تعالی بود و دوست از دنیا بدارد و و طلب آخرت کند حضرت عیسی وقت فرمود که نوب گردن
در خواب بر چهار وجه بود و اول شپانی از کناه و دویم رضای خداستیم راه آخرت چهارم سعادت تو تیا کرمانی کوید که نوب تیا
خواب و دیدن مال بود اگر کسی بیند که نوب تیا چشم کشید و مقصود از نوب تیا و روشنی چشم بود و دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر کشید
وی بخلاف این بود و دلیل کند که خود را بنفاق بدین اری بر مردم ظاهر کند تا او را استایش کند جابر مغربی کوید اگر کسی بیند که نوب تیا بد
دلیل کند که بقدر آن ویران مال حاصل کرد و اگر بیند که نوب تیا می خورد و دلیل کند که مستند و غمگین کرد و حضرت عیسی وقت فرمود که نوب تیا
در زیر بغل داشت از بهر دفع بوی ناخوش می مالید و دلیل کند که کاری کند که در آن و ارام و شاد و نیکوئی گویند قوت و نوب تیا
در خواب روزی بود و خوردن خوراک غم و اندوه بود این سیرین کوید که نوب تیا برین بهنگام خود خوردن و دلیل کند که بقدر آن اگر کسی
خوش روزی بیدار و اگر خواب بهنگام رسیدن نوب تیا نیکو تر بود و اگر نه بوشتن بود و دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی کوید که نوب تیا

حاج

بود که از متفرخیش دور کرد و اگر بیند که جامه مردان پوشیده داشت دلیل بود که بسبب کاری غلبین و مستند کرد و اگر بیند که
جامه جامی پوشیده بود دلیل بود که امانت گذار شود و نکست نامی کرد و اگر بیند که جامه کوبنی داشت دلیل کند که بخدمت مردی خلط
و درن هشت شغل کرد و اگر بیند که جامه کشیبا فی پوشیده داشت دلیل بود که از کسی مصلح روزی حلال یا و رسد و اگر بیند که جامه تصافی
داشت دلیل بود که بر ازبانی خانه می رسد و اگر بیند که جامه باشکوهی پوشیده داشت دلیل بود که بازن صحبت دارد و نه بر است کانی
گوید اگر بیند جامه نو داشت و او را مضار نکرده بودند نیکو بود و جامه تنگ و درین و جامه جام از جامه کاری کرده بهتر بود و جامه
نزدیفت زن خردمند و کبرک با فربنگ بود و جامه بر و محظوظ خیر و منفعت بود و جامه سنی که مجهول بود و زخم نازبان بود یا غمی خست
که بد و رسد و جامه معین مال و خواسته بود جامه بود که تاویل دیدن جامه بر و کونه است یکت کونه بدین تعلق دارد و یکت کونه دیگر دنیا
و جامه سفید دین است و جامه نوعنامه دنیا اگر کسی بیند که جامه سفید نو پاکیزه داشت هم دنیا و هم دین را نیکو بود و اگر جامه تنگ
بیند هم دین را بد بود و هم دنیا را چون جامه را چرکن و دریده بیند هم فساد دین و هم فساد دنیا بود و جامه سرخ زنا را نیکو بود و در دنیا
و مردان را هم نیکو بود و پیران را از ازار و طلیسان و قبا و دستار ایچله مردان را زخم و اندوه بود و ایچک و خصوصت و جامه زرد و مردان را آبرو
بود و بقول بعضی از معتبران اگر بیند زنی که جامه زرد پوشیده بود دلیل کند که او را شوهری آید و اگر او را و جامه سبز زنان و
هر دوازدهمین بود و اگر بر نده بیند صلاح دین بود و اگر بر مرده بیند دلیل استکاری آخرت بود و جامه سیاه کسی را که پیوسته سیاه پوشیده بود
اما آنکه پیوسته سفید پوشید جامه سیاه و بدین نیکو نباشد و دین و نه دنیا را و جامه سیاه بقول بعضی از معتبران قاضی و پادشاه را
نیکو بود و اقامت رعیت با نعم و اندوه بود و جامه کبود و بهتان و غم و صیبت بود و اگر کسی بیند که جامه ملون داشت یعنی سبز و سرخ و زرد و آبی
که از پادشاه یا والی آفولایت سخی سخت شود که او را خوش نیاید و معمول است که اگر کسی بچوب بیند که جامه داشت از رنگی که
از رنگی دلیل بود که با اهل دین و دنیا بدلت زندگانی کند اگر بیند که از جامه خویش سخی خورد و دلیل کند که از مال خود لطفه بسیار کند و اگر
و اگر بیند که جامه ریزه پوشیده داشت دلیل بود که در سفر بماند یا از بر کاری ویران زندان کشد و اگر بیند که جامه و ضایع
گردید یا از وی بستاند و او بر مینه بماند دلیل بود که قدر و جاهش کم کرد و جو خیر و خوار کرد و اگر بیند که جامه فویش بریدند و
که اندوه کمین کرد و بازن خویش خصوصت کند و اگر بیند که جامه وی بدرید دلیل کند که از انگس شود و اگر بیند که جامه خود را
یا جامه اهل خود را موی کرد و دلیل کند که او را با خویش خود خصوصت افتد یا از دوستی و اگر بیند که جامه او کسی بر بود و بر مینه بماند
کند که از محرم و مترات فیتد و اگر بیند که جامه در نوشته از هم باز کرد و دلیل است که سفر شود و اگر بیند که جامه باز کرده را و راف
دلیل بود که خایش از سفر باز آید و اگر بیند که جامه زنان پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده کرد اما ترسی عظیم بد و رسد و
او را زخم و اندوه رسد و بچرمت کرد و اگر بیند که جامه مردان پوشیده داشت دلیل کند که خیر و نعمت بد و رسد و جامه
در خواب سفر بود و بقدر دانی و کوتاهی جامه در سفر بماند و اگر بیند که جامه را تمام کرد و دلیل بود که از غم باز بر اصفهانی گوید
که بهترین جامه در خواب جامه است که از پنبه بود و روی قزاقا بر شیم نباشد و جامه عثمانی را ز پنبه و ابر شیم بود و جامه

برود و دلیل بر بال هر دم و خفا کند درین و جامه ویسای هریر و ابریشم و انرا بد بود و زنا ز نیک و جامه کن غم و اندوه بود
از قبل پادشاه و اگر کسی بیند که جامه گفته فروشد نیک بود و اگر بیند که جامه کن سخیذ و دلیل بد بود و جامه کن پوشیدن
بد است و جامه کن از تن بیرون کردن نیک است جامه سفری کوید اگر بیند که جامه شسته بود و پوشیده دلیل بود که تا یک دو
و اگر بیند که جامه چرکن و پشت درویش کرد و اگر بیند که جامه رنگین داشت اگر زن بود یا سپاهی بود و اگر نیک بود
و اگر بیند که جامه باشکوه پشت دلیل بود که او را مسکری پدید آید حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن جامه نو در خواب بسیار
وجه بود و اول زن و دوم پادشاه ستم مال چهارم خیر و خفت و هم او کوید اگر کسی بیند که جامه خود را بمقتضی بیرون دلیل
که چیزی بد رسد و اگر بیند که دروان جامه او را بیرون کرد و دلیل بود که عسادی در میان زنان ی افتد جامه خواب
این سیرن کوید که جامه خواب دیدن بتاییدن بود و اگر بیند که جامه خواب غنچه پاکیزه بود و دلیل که عیالش مریض دار بود
و مستور و اگر بیند که جامه خواب او سیاه بود و دلیل بود که از عیالش اندوه و رنج بد رسد و بعضی از خبران کوید که جامه سیاه در خواب
پادشاه را نیکو بود و عیبت را بد بود و اگر جامه خواب را کبود بیند و دلیل بود که او را بسبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر بیند
که جامه خوابش چرکن و وریده بود و دلیل بود که زن او چرکن و پلید و ناسازگار بود و اگر بیند که جامه خوابش خضایی کرد و یا بد زدن
و دلیل بود که زن را طلاق بدیازا و مفارقت کند و اگر بیند که جامه خوابش بسوخت و دلیل کند که عیالش میر و حضرت صادق علیه السلام فرماید
که دیدن جامه خواب برسته وجه بود و اول زنی نیک و دوم راحت و آسائی ستم رنج و اندوه و مصیبت جان محمد بن سیرن
کوید که جان خواب دیدن فرزند بود یا مال یا عیال موافق اگر بیند که جان از تن وی بیرون شد و دلیل بود که فرزند یا عیالش بخیر و یا مالش
تلف کرد یا خود بپلاک کرد و اگر جان خوابش صورت مردی نیکو بیند و دلیل بود که وی را فرزندی نیکو بیاورد و حالش نیکو کرد و یا بخت
پادشاه خوش طبع و جامه زیور و حالش نیکو کرد و اگر جان خود را به صورت مردی زشت بیند تا ویش بخلاف این بود که گفتیم
در خبر آمده است که مردی پیش رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد و مرا و کفار گرفتند
از آن آسمان رفت رسول فرمود که وصیت کن که جان تو بجان خویش رسید پس بهم در آن روز آخر و از دنیا رحلت کرد و کافری کوید اگر کسی
که جان خود را در کف خود دید و دلیل بود که بکار محاطه مشغول کرد و که در آن ویرانیم جان بود و اگر بیند که جان از کف او آسمان شد و دلیل
که زود بمیرد و اگر بیند که رنگ جان او زرد بود که در بیماری صعب میرد و اگر جان را بگونه شمش و یا سفید بیند عاقبتش نیکو بود و اگر غم
یا بد و اگر بیند بگونه سیاه بود و دلیل است که مستوجب عذاب است و اگر بیند که جامه سفری کوید اگر بیند که جامه مروه جان می کند و خویشان او
بر وی نوحه و زاری کرد و دلیل بود که این بیت مروه را غم و اندوه رسد و اگر بیند که خویشان وی آهسته میکشد و دلیل که خویشان او را
از وی شادی و خرمی رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید چون بیند که مروه در خواب جان میکشد و دلیل بود که جانش در عقوبت بود چاه
سیرن کوید که چاه در اصل نایل بود و اگر بیند که در جایگاهی چاه میکشد و دلیل بود که زن فاجر و اگر بیند که بختن چاه کسی او را بد کرد
دلیل کند که میان او و آئین کسی متوسط است و خواهد که بگوید و حید از آن را برنی وی و بد زنی که کشن چاه که وحیده بود و در اصل کشید

سیرن

سیرن

سیرن

سیرن

کفان

در خواب

که فلان چاه برای فلان بکنند یعنی بوی بدی و کبر و خاکی و کجایه در خواب بدان زن بود اگر کسی بپند از چاهی آب بخورد دلیل بود که مانع بجز زوکار از چاهی
که از پشت پنجه برآورده بود و بهم دلیل بر مانع زن کند و اگر بپند که کسی چاه کند و آب بر نیاید دلیل بود که زنی در پیش خاکی و کجایه
و اگر بپند که آب چاه خوردن بطعم خوش بود دلیل بود که مانع زن بکرامت بستاند و اگر بپند که آب چاه گرم همی خورد دلیل بود که
مانع زن چاه یابد و بقول بعضی از معبران بپند که آب چاه خنک و خوش بود دلیل بود که از زن خیر و منفعت بیند
و اگر بپند که آب چاه بسیار بود که زن جوان مرد و سخی بود و اگر بپند که آب چاه اندک بود دلیل بود که زن سفلد و وون بود و اگر
که چاه بکنند و آب زود برآید دلیل بود که زن بپار کرد و مال خود در بیماری بخورد و اگر از چاه آب سیاه برآید دلیل بود که غم
و اندوه بدورسد و اگر بپند که از چاه آب سفید برآید دلیل بود که میراث یابد و اگر بپند که آب چاه بقعر فرو رفت و هیچ غایب دلیل بود
که زن هلاک کرد و مالش تلف شود و اگر بپند که چاه در زیر زمین فرو رفت هم دلیل بود بر هلاک زن کرمانی که یا اگر کسی بپند که
در چاه کرد و آب برآورد و در چاه افتاد و در میان گشت شد دلیل بود که او از زندگی آید تا تمام حکایت و خبر هست که برآید
از خداوند عبادت برسد که خواب دیدم که در چاه که درم تا آب برآرم در میان بد و باره کشت و آن بد و باره را یکی برآورد
و یکی در چاه بماند عبادت گفت که تو از خیال خود غایب بودی و ترا از زندگی آمدشش مایه که بد و باره کنی و از آنکه گفت که مرا
از آن سخن عجب آمد و انیال را گوید اگر کسی بپند که در جای کاهی معروف چاهی میکند دلیل کند که با کسان خود و مرکب و چیل سازد
و بقول بعضی از معبران کند چاه و برآمدن آب حکم نکاه دارد و اگر بپند که چاه از بهر کسی دیگر کند دلیل بود که او متوسل
بود کسی را بکمال کردن جابر که یا اگر بپند که آب از چاه میکشد دلیل بود که مرکب و چیل را جمع کند خاصه که چاه خود کند باشد اگر بپند که
بد و آب همی کشید و در سبب میرخت دلیل بود که مال خود نیکو نکاه دارد و اگر بپند که آن آب را بر کشید و بر زمین ریخت دلیل بود که از
نقشه کند بخیر و اگر در چاه افتاد دلیل کند که در مرکب و چیل افتد و اگر بپند که باغ را آب همی داد و دلیل کند که مالی که حاصل کرده است
زن خواهد یا نیک خرد و اگر بپند که در باغ میوه بود دلیل بود که او از فرزندی آید و بعضی گویند که اگر بپند که باغ را آب همی داد
کند که از زن خود محاسنت کند و اگر بپند که آب بر سر چاه آمد و روان شد دلیل کند که زنی توانگر برنی خواهد و از آن زن او را مال و ثروت
حاصل کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن چاه در خواب برش وجه بود و اول زن تویم که نیک ستم عالم چهارم توانگر می چپ
مر ششم مرکب و چیل بود و چاه بن سیرین گوید که چاه در خواب زن بود و اگر بپند که چاه فراخ و پاکیزه و آسایش
کند که زن او نیکای و نیک سیرت بود و اگر بخلاف بپند دلیل کند که زن او بدخوی و ناسازگار بود و اگر بپند که چاه او بدید یا بخت
دلیل که میان ایشان جدائی افتد حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن چاه در خواب که بپند و در زنستان درش داشت نیکو تر بود و آن چاه
وجه بود و اول زن تویم که نیک ستم شادی چهارم منفعت و چاه بن و چکر غم و اندوه بود جابر گوید اگر بپند که چاه نداشت با کسی
داد و در نیک بن بود دلیل بود که زن پاک دین بخا بد و اگر بپند که چاه سفید نداشت زنی ناپسند و با امانت بود و اگر زو بپند زنی بپار کردن
بود و اگر گوید و زنی متفکر و غمگین بود و اگر سرخ بپند زنی معاشر بود و با او سازگاری کم کند چهره بن سیرین گوید اگر کسی بپند که برآید

در خواب

در خواب

سرو چتر میروند دلیل بود که اگر از اهل آن بود پادشاهی باید و اگر از اهل آن نباشد دلیل که بزرگی باید و اگر بنید که چتر پادشاه در دست داشت
 دلیل که مقرب حضرت پادشاه بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن چتر در خواب بر هفت وجه بود و اول سلطنت و دویم عزت و سیم شرف
 چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم صحبت با بزرگان چراغ کرمانی گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و مستقر آن
 که که با نومی خانه بود و اگر در خواب بنید که در خانه او چراغ پاکیزه روشن بود دلیل که با نومی خانه زنی با صلاح و نیک سیرت بود
 و اگر بنید که چراغ تاریک میسوخت دلیل بود بر پنج که با نومی خانه یارن یا خادم اگر بنید که چراغ فرو مر و دلیل بود که خانه با نومی خانه میسر
 جلد بود که اگر بنید که از آتش نه چراغ بر آتش و دلیل که اگر زن دارد و فرزندش آید و اگر غریب بود زن کند یا اینکه خرد و اگر سفر خانه و اگر
 بسط است باز آید و اگر بنید که در شهر چراغ بسیار است دلیل بود که پادشاه ولایت مملول بود و قاضی منصف و مردم شهر عزت
 و منصف بسیار بود و سبیل اشفت که اگر بنید که چراغ بسیار در دست داشت دلیل بود که او را فرزند آید که عزت و دولت باید و اگر
 بنید در خواب فاسق بود دلیل که بخدا تعالی باز کرد و توبه کند و اگر شرک بود هدایت یابد و اگر مسلمان بود توفیق طاعت یابد و اگر
 و سیر اجابت یابد و اگر بنید که در آتش فضا گویا و اگر بنید که چراغ بر دلیل بود که فرزندش ملاک کرد و اگر
 بود و آتش نقصان پذیرد و اگر بنید که در بر و دست او چراغ روشن بود دلیل که مراد دینی و دنیای او ساخته و اگر بنید که در دست چراغ
 داشت که در وی و سوراخ و دفت بل فروخته بود و دلیل است که او را دو فرزند نیک بود که بیک شکم آید حضرت صادق علیه السلام فرمود که اگر بنید
 چراغ در خواب بر چهارده وجه بود و اول پادشاه و دویم قاضی ستم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سرای هفتم منبر ششم شاد
 هفتم علم و دهم توانگری یازدهم عیش خوش و دوازدهم کنیز کنیز و سیزدهم منفعت چهاردهم آنچه بنید همچنان بود چراغ پایدار و سیزدهم
 که چراغ پایدار در خواب نذر شکار خانه بود و اگر بنید که چراغ پایدار داشت یا کسی با و او دلیل بود که خادمه او خوش طبع و مهربان بود و اگر
 چراغ پایدار نکند گرفته بود دلیل بود که زن خادمه منکر و غریب بود و در پیش منصف بود و اگر بنید که چراغ پایدار چنین بود زن خادمه
 سخطه و دود بود و بر قول و عهد و بنوعی چراغ دان در خواب زن بود و مستقر آن که بنید که نذر شکار خانه بود و قبیل و چراغان کار فرمای بود و کرمانی
 بود که اگر بنید که چراغ ندانیم بود دلیل بود که اصل آن خدمتکار گیر بود و باشد و اگر سفالین بنید اصل آن خدمتکار مسلمان بود و دیر می ماند و اگر بنید
 و اگر بنید که چراغ ندانیم از دست و بیفتاد و شکست دلیل بود که زن یا خدمتکار او میسر و چراغ این سیرین گوید که چراغ در خواب پادشاه بود
 و اگر چراغ خوشی بنید دلیل فرزند می بود که بحد بلوغ و مردی رسد و اگر بنید که چراغ را بگرفت و بدو شکار میکرد دلیل بود که پادشاه
 بر او ستم و پیداکند و اگر بنید که پادشاه چراغ بدو داد و شکار میکرد دلیل بود که از پادشاه حرمت و بزرگی یابد و بر دیگران
 ستم کند و اگر بنید که چراغ شکار میکرد و او را بگرفت دلیل بود که او را فرزند آید یا فرمان اگر بنید که از گوشه آن چراغ چیزی میبرد
 دلیل بود که او را فرزند پنج و بدی بنید کرمانی گوید که چراغ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با هیبت و قوت بود و اگر بنید
 که چراغ در خانه وی یکبار باد و بار بانگ میکرد دلیل بود که او را زبانی رسد و اگر ستم بار بانگ کرد و هیچ زبانش نرسد و بعضی از
 مستقر آن که بنید که چراغ مردی و دزد بود که بشب کار بکند چراغ این سیرین گوید که هر که در خواب بنید که جامه چرک داشت دلیل که

چتر

چتر

چتر

چتر

چتر

چتر

که

چشم
چشم
چشم

منا و کار بود و اگر کسی بیند که جامه او چرک یا چیزی دیگر آلوده بود و دلیل بود بر تنهایی و دین و دنیا می او و اگر بیند که چرک جامه او
بروگان بود و دلیل بر فساد دین و صلاح دنیا بود و اگر مانی گوید که چرک در خواب دیدن بر سرش غم داند و بود و دیدن چرک بر تن
خیر و منفعت نباشد خرج در خواب زنی بود و مختلف حال پر اندکی احوال و موی زاده اگر بیند که خرج داشت یا کسی بد و او دلیل بود
که زنی بد بنصفت که گفتیم بجا بود و اگر بیند که خرج او ضایع و دلیل بود که زنش بیرون و باطلاق و بد جابر مغربی گوید اگر بیند که خرج سفید روشن
بود و دلیل بود که زنی سست و رابا ناست و خوب روی بخوابد اگر بیند که خرج تیره و سیاه بود و تا و پیش بخلاف این بود و چشمت این سرین
اگر کسی بیند که از جانی محبت دلیل بود که از جانی که وارد بحال می شود و اگر چشمت دور بود و دلیل بود که سفری دور کند و اگر بیند که چوبی
یا نیش در دست داشت و بدان از جانی بجائی محبت و دلیل بود بر روی قوی اعتماد کند تا او را مددی دهد و کارهای ناانکار بر او می
آید و اگر بیند که از دیواری فرو جست و بر ستون نشست و دلیل بود که هلاک کرد و اگر بیند که بر بامی جست و خانه در زیر پایش فرو رفت
و مرد و دلیل بود که زن ازا و جدا کرد و با پیش می آید و اگر بیند که از زمین به هوا جست و روی بقبله آورد و بعد از آن فرود آمد و بر حرم وید
یا در مکه یا در مدینه این جمله دلیل حج کردن بود و اگر بیند که از سرانی مجهول سرانی مجهول جست و دلیل بود که هلاک کرد و اگر بیند که انگشت
همی جست و حلق می زد و دلیل بود که کار وی باشد که بود و عیش بر وی تباها کرد و اگر بیند که به هوا جست و مرغی را بگرفت و دلیل کند
که زن خود را بگذارد و زن دیگر خواهد و اگر بیند که بچوبی یا بعضائی از جانی بجائی محبت و دلیل بود که از پنج و اندیشه بر بد و کاشتن نظام
چشم این سرین گوید که چشم بختاب و دیدن مرد بینائی بود که بدان راه بدی یا بد چشم از رقیب بخت بود و چشم شعله افروز بود
و اگر بیند که نا بینا شده است و دلیل بود که از راه بدی گشته بود یا فرزند وی میرد و اگر بیند که چشمش کور شد و دلیل بود که چشمش کور
رفته بود یا کناهی بزرگ کرده بود و میگفت یا یکپای یا یک انگام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کاری از آن می کرمانی که دیگر
بیند که چشم سرمه کشید و دلیل بود که صلاح وین جوید و اگر بیند که از سرمه مقصودش زینت و آرایش است و دلیل بود که خویشش را با ناست
و دین دار بر دامن نماید تا غریر کرد و اگر بیند که کسی سرمه بوی داد تا چشمش کشد و دلیل بود که بقدر آن مال یا بد و اگر بیند که روشنائی
چشم او ضعیف بود و بظاهرو باطن دور روی و منافق بود و اگر بیند که بر تن او چشم بسیار بود و همه چیز را با بکمال سید و دلیل بود
بر زیادتی صلاح وی و دین و بجای آوردن سنت و فرائض شریعت و اگر کسی بیند که کسی چشم او بر کند و دلیل بود که چیزی که چشم او
بدان روشن بود و از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب کرد و چنانکه دیگر باز نه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که چشم از آسن است
یا دلیل بود که پرده او دریده کرد و اگر بیند که هر دو چشم او آما سیده بودند چنانچه چشم باز نمیشد است کرد و دلیل بود که با مردی مخالفت
کند و اگر چشم او ضعیف بود و دلیل بود که او ابطاعت کردن زیانی افتد و اگر هر دو چشم او را کند و بیند و دلیل بود که از دین شریعت
بی بهره گردد و اگر بیند که در میان روی او یک چشم است و دلیل بود که بر زبان او سخن ناست و او در باب دین و اگر بیند که چشمهای او را
است و مردمان بیند که او کور است یا شب کور و دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و دلیل
شد و دلیل بدی و بر کشتن حال بود و قوله تعالی وَ كُنْشَرُّ الْمَرْءِ مَنْ يَوْعَدُ فِي وَفِّقَا و اگر بیند که هر دو چشم او سفید شد و دیگر باره

دلایل بود که بجا کرد و با کسی خدمت کند و اگر بیند که چشم چشم و سیاه گشت چنانکه سفیدی می داشت دلیل بود که مشکبک بود
و اگر بیند که یک چشم او آفت رسیده دلیل بود که فرزندان او آفت رسد و اگر بیند که کسی دست فراز کرد و یک چشم او را بر کند دلیل
که فرزندان او از راه بیرون و اگر بیند که کسی چشم او را بپست یا بدست گرفت دلیل بود که فرزندان او زبانی رسد یا مالش برود یا گستا
کند و اگر بیند که از دیده او خون می رفت دلیل بود که بجهت فرزندی بوی رسد یا نقصان مال و شود و امحیل اشعث گوید اگر
بیند که چشم او گوش گشت و گوش چشم گشت دلیل بود که زنی خواهد که او را و خرمی بود و با هر دو مجامعت کند و اگر بیند که چشم
کف و سفش بود دلیل بود که مال یا بد و اگر بیند که چشم او سفیدی بود دلیل بود که او را غم و اندوه رسد و لهه تعالی و انصاف
حکایت از حزن حکایت چنین گویند که مردی پیش دانیال آمد و گفت بجزاب دیدم که چشم راست من بود
چشم چپ من میداد گفت ای مرد از خدا ترس و تو بد کن و بعد ازین باز من بمسایه خیانت کن تا از عقوبت حق تعالی ایمن گرد
مرو گفت که تو به کردم که بعد ازین زن کنم حضرت صادق ع فرماید که چشم در خواب بر برفت وجه بود اول و روشنائی و دوم وین
بدی ستم اسلام چهارم فرزند پنجم مال ششم علم هفتم زیادتی و درین و مال چشمه ابن سیرین گوید که چشمه آب در خواب بر
بود و جگر نمزد بخندد چون آب خوش طعم و خوش بوی بود و قله تعالی فیها عین جنان قهر و اگر آب شیر و کند و خوش
بود دلیل بود که انجام غم و بیماری و مصیبت بود و اگر بیند که از آن چشمه سرخی کرد دلیل بود که از غم فاجع یا بد و اگر بیند که
چشمه زیاد شد دلیل بود که جاده و عزت و دران و یا در جوامدی زیاد و کرد و اگر بیند که آب چشمه نقصان کرد و تا ویشتر نکند
این بود و اگر بیند که آب چشمه خشک کرد دلیل بود که مهربانی جو نهد و از آن یار رحلت کند که مانی گوید اگر بیند که در خانه او یا
و کان او چشمه آب بدید آمد دلیل بود که او را غم و اندوه و کسیتن بود بر قدر و قوت آن چشمه و اگر آب را تیره و ناخوش
غم و اندوه بود و مصعب تر و اگر بیند که در آن چشمه دست و روی میشت دلیل بود که اگر بیند بود و از آن کرد و اگر شکین بود
او را غم فوج یا بد و اگر بجا بود شفا یا بد و اگر وام دارد و او را ش که آرد و شود و اگر گناه کار بود تو به کند و اگر حج نکرده باشد حج کند
جابر گوید که آب چشمه بجزاب لیل بر عمر صاحب خواب بود با قدر که در چشمه آب بیند خاصه که دست دران آب زند و آب
ایستاده بتاویل ضعیف تر از آب روان بود و بعضی از معتبران گویند که چون آب چشمه ایستاده بود بتاویل لیل بر خیز و صلاح
وین کند و چون روان بود دلیل بر غم و اندوه بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن آب چشمه در خواب بر رخ وجه بود اول و دوم
جوامد و دوم غم و اندوه ستم مصیبت چهارم بیماری پنجم عمر و زندگانی یا فتن چنانکه ابن سیرین گوید که چنانچه در خواب
سخن باطل و دروغ بود و اگر بیند که چنانچه میزد دلیل که سخن باطل و دروغ گوید یا او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که پادشاه و یا
چنانچه داد و دلیل بود که از پادشاه و یا را غم و اندوه رسد و اگر بیند که چنانچه در شب گشت و بیفتد دلیل بود که از دروغ و یا
توبه کند و اگر بیند که چنانچه بر سر میزد و چنانچه ندانند و دلیل بود که اگر صاحب علم بود و روزی از تعلیم کند و از آن علم فایز
برده مان رسد و باشد که از شکونه علم گوید تفسیر و علم حدیث و فقه و اگر انگس جابل بود و شخی پیشه کند که از تشنگی در سبزه

سیح

تیم

تیم

کنند

گفتند و اگر بیند که با چنان خنک و نامی و قفس بود و دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند چقدر در خواب مری بود و با کجاری و
و حرام بود و اگر بیند که کسی چندی که دلیل بود که او را با چنین مری خصوصیت افتد و دیگر همه حال دیدن چقدر در خواب مبارک
شاید که فانی گوید اگر کسی بیند که او را چندی شریف و دلیل بود که در آنجا نوحه و شیون بود و بقدر بانگ چقدر بود
و دلیل که فرزند او شوم و ناخلف بود و اگر بیند که کشت چندی خورد و دلیل بود که از مال مری در و با کجاری و چندی
بخور چقدر این سیرین گوید که چقدر در خواب دلیل غم و اندوه بود اگر کسی بیند که چندی مری خورد و دلیل کند که بقدر آن غم و
خورد و اگر بیند که چقدر از خانه بیرون انداخت دلیل بود که اندک غم و اندوه بود اگر کسی بیند که چقدر در خواب منفعت اندک بود و از چنان زمان چندی
پخته غم از زمان منفعت یا بداند کی چک محمد بن سیرین گوید که اگر بیند که جاکت حرمه بوی داد یا حرمه کرده بیافت دلیل بود که مال
و منفعت یا بداند اگر کسی بیند که کسی بر و چاک یا خطا و قبله میوشت دلیل بود که حجامت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که جاکت حرمه
کرد و داشت هر از و بر گرفت و نیست که در مال و نقصان افتد اگر بیند که جاکت از وی صنایع شد یا سوخت دلیل بود که در وی
صنایع کرد و چکا و ک بفراسی قبره خوانند و تا ویش در خواب فرزند یا غلام بود اگر در خواب بیند که چکا و کت نر گرفت یا کسی که
مرا و نیست که غلامش را فرزندش آید چنانکه اگر چکا و کت نر بود و غلام پسر آید و اگر ما و بود و غلام را دختر آید که فانی گوید که چکا و کت
در خواب مری بود شیرین سخن غریب و کم از و چرب زبانی اگر کسی بیند که چکا و کت ویرا عطا داد یا گرفت دلیل بود که با چنین مری
او را صحبت افتد چکا و کت بن سیرین گوید که اگر در خواب مال پنهان کرده بود اگر بیند که جگر مرموم بود دلیل بود که مال پنهان کرده بیاید
و هرگز کند اگر بیند که بسیار جگر پخته یا پریان کرده او را حاصل کرد یا یا خام و دلیل کند که کج بیاید و جگر کا و و کوفته هم دلیل مال
و لغت بود و بعضی از متعین گویند که جگر خواب دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه رسول فرمود اولادنا اکبدا و فانی گوید
که بیرون آمدن جگر پیداشدن مال پنهان بود که پید کرد و جگر بسیار اگر پخته یا خام بود و دلیل کند بر یافتن کج و بر حلقه خنجر
صادق فرماید که دیدن جگر در خواب برسته وجه بود او آل فرزند و مال و تویم دوست که بجای فرزند و تویم علم و اگر بیند که از خانه
او جگر بیرون میگرداند یا آتش جگر را میسوخت دلیل بود که پادشاه کج و مال و بستاند و اگر انتخاب را عالی بیند دلیل بود که
بجمله فراموش کند حجامت و انیال گوید که حجامت کردن در خواب روا شدن حاجت بود خاصه چون بیند که منی از وی
جدا کرد و اگر کسی بیند که با کسی حلق کرد و دلیل بود که از آنکس نیکی یابد و حاجت او را کرد و اگر بیند که کسی با او حلق کرد و دلیل بود که آن
او را نکند و اگر بیند که با زن خود حجامت کرد و چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند که زنی دیگر خواهد و از وی خیر و منفعت
بیند این سیرین گوید اگر بیند که با زن خود یا زن دیگر از ناسی دیگر حجامت کرد و دلیل که مری مستعد بود و بر طلب کار ناسزا و در آنجا را
مصلحت نباشد و سنت رسول از آنجا نذر و اگر بیند که با ناسی یا ناسی دیگر حجامت کرد و دلیل که مری مستعد بود و بر طلب کار ناسزا و در آنجا را
که شفقت خویشی از وی بریده کرد و اگر زننده بود یا مرده دلیل بر غم و اندوه و بعضی از متعین گویند که اگر زننده بود از وی خیر نیکی
بیند باشد که حج اسلام کند اگر بیند که با زن مرده بود حجامت کرد و دلیل بود که غلبه مستند کرده و اگر بیند که با زن مرده بیکانه

جماعت کرد و دلیل بود که کاری کند که از آن نوسید شده باشد تمامی بنیاد مرده که بیکانه بود اگر میند که با جان مهور مجامعت کرد و در میان
ایشان خصوصیت بود و دلیل بود که محبت با خدا و از او خیر و نیکی میند و اگر آن مرده جان معروف بود و بر وی ظفر یا دیگر میند که جماعت
با مرده می پیر میکرد و دلیل بود که خیر و نیکی از محبت خود میند که مالی که دیگر میند که دختری بد و شیخی بسند دلیل بود که و آشنائی فی خواهر
یا کیترکی بخرد و اگر میند که بحرم پادشاه شد و مجامعت کرد و دلیل بود که بر دشمن ظفر یا دیگر میند که با دوی جماعت کرد و همین دلیل کند و گاهی
برادش بود و بعضی که میند که از پادشاه و ترس و بیم بوی رسد و اگر میند که با مرغی مجامعت کرد و دلیل کند که با کسی که بدان منسوب باشد
ظفر یا دیگر میند که با ترسانی یا جمودی یا کبری مجامعت کرد و دلیل بود که کارهای و نیای او بنظم شود و اگر مرده می پیر که بجای
شهرتش زایل شده بود و در خواب میند که شد و تش غالب کردیده است چنانکه در جوانی بود و دلیل کند که در کار وین نیک راغب بود
و اگر میند که با زنی نامحک جماعت کرد و دلیل کند که طالب و نیاز شود و مال حرام و اگر انتخاب زنی میند همین تاویل دارد و هر چه غریبی
که پدر اگر میند که با بشر جماعت کرد و دلیل بود که از سختی بر بد و بر دشمن ظفر یا دیگر میند که بسیار دشمن بلند کرد و اگر میند که با پادشاه
جماعت کرد و دلیل است که غم و رز زانند و کرد و اگر میند که از پادشاه جماعت کرد و دلیل بود که از او منفعت یابد و اگر میند که با زن حایض مجامعت کرد و دلیل
که گاهی پیش و اگر میند که با زن مجامعت کرد که مرده بود و دلیل که گارش بد کرد یا با خویشان او پیوند و وصلت کند و اگر از زن زنده بود و از
خویشان او منفعت کند و بعضی از محقران میند که با زن حایض مجامعت کردن آسایش کارهای و نیای او بد و حاصل شست که دیگر کسی میند
که با زن او که کینش بود مجامعت کرد و دلیل که از پادشاه خیر و منفعت برسد و اگر میند که با مرده می پیر و حایض جماعت کرد و دلیل است که از او خیری بدید
و اگر میند که با مرده می پیر و حایض جماعت کرد و دلیل بود که از پادشاه حاجت دهد و اگر میند که با مرده می پیر و حایض جماعت کرد و دلیل بود که از او خیری بدید
کند و اگر میند که با زنی دیگر جماعت کرد و دلیل بود که از او نیکی میند و حاجتش بر آورد و خیر و نیکی میند و اگر میند که با زنی که از او خیر و نیکی بدید
جماعت با این برین بود که حجاب خوردن از حلال دین پاک بود و اگر کسی میند که او را حجاب داد و بخورد و دلیل بود که او را بقدر آن مال حاصل کرد
و دلیل است بر دین پاک و احق و درست او و اگر میند که کسی با حجاب داد و دلیل بود که از آنکس خیر و منفعت یابد و اگر میند که حجاب
بخورد و بر زمین ریخت تا ویش بخلاف این چنانکه اگر کسی میند که جنازه میبرد و دلیل بود که خداوندش را بر چندان مردمان
که از پس جنازه بودند ایشان را فرمان روا کرد و لیکن بر ایشان ظلم کند و اگر میند که او بر دو او را بر جنازه نهاد و او را میبرد و مردمان را
جنازه میبرد و دلیل بود که شرف و بزرگی یابد لیکن دین او بفساد بود و با الهیوم که از پس او میرفتند و فرمان روا بود و اگر میند که جنازه
مرده برداشت و میرد و دلیل بود که بخدمت پادشاه پیوندد و از او خیر و نیکی میند و اگر میند که می از پس جنازه او میرفتند و میرد و دلیل
و دلیل که مرده بزرگ را از شهر در سفر میبرد و اگر خدیش را در جنازه میند که آن جنازه بر زمین بمیرفت دلیل کند که بسفر شود و مالی که
اگر میند که جنازه میبرد و دلیل بود که کسی بنود و دلیل بر نقصان عرق و جاه و کاروی کند و اگر میند که مردمان و بر چندان
او بود و تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که بر جنازه کران بود و دلیل که ستم بر مردمان کند و اگر میند که بر جنازه سبک بود و دلیل بود
که بر مردمان سبک بار بود و حالش نیکو کرد و اگر میند که اجنازه میفشا و پاکسان که او را میبرد و از اجنازه میند و خند و دلیل بود که از او خیر و

پیفته و کار او بسته کرد حضرت صادق علیه السلام فرمود که بخانه خواب و بیدار بر سر نهاده بود و اول بزرگی دویم ولایت سیم عز و جاه و مفت
 جنب بودن اگر بیند که جنب بود و دلیل بود که در حرم آشفته و سرگشته شده باشد و بعضی از معجزان گویند که سفر کنند و مراد دنیا بیاید
 و کارش تبا که دو و اگر بیند که خور از جنب است و دلیل بود که مسرا انجام از آنکار رسته کرد و کار بسته کرد و اگر بیند که خور
 حاجی نیست و دلیل بود که کارش بر تمام نکرد یعنی که تمام بر نیاید که مانی کوید اگر کسی در خواب جنب بیند خور او بر سر نهاده و دلیل بود که در
 ذمّه و حاکم کرد و اگر بیند که خور او در کار باشد و دلیل بود که در حرم است و بیرون آمد و جامه پاکیزه در پوشید و دلیل بود که بخانه باز کرد و دوباره جنب
 اگر کسی خور او چون مرغان چنگال دارد و بیند و دلیل کند که او را قوه بود و در کسب معیشت و دشمنان را قهر کند و اگر بیند که چنگال مرغان در دست
 و دلیل بود که بقدر وقت آن مرغ خیر و منفعت بد و در حد حضرت صادق علیه السلام فرمود که چنگال در خواب بر نهاده بود و اول قوه و توانایی و در کار
 و قویم معیشت سیم کسب کردن چنگاله در خواب مردی بود و دیگر دار و عذاب کننده و چنگاله را بفارسی معلاق خوانند اگر بیند چنگاله
 داشت یا کسی بوی داد و دلیل بود که با مردی بدین صفت او را صحبت و دوستی یافتند و اگر بیند که چنگاله اندام او را بخت و دلیل بود
 که او را از مردی بد کرد و از حضرت زبیران رسد و اگر بیند که چنگاله را از ضایع کرد و یا به بخشید و دلیل بود که از صحبت مردی بد کرد و اگر چنگاله
 چنگ زدن ابن سیرین گوید که چنگ زدن در خواب سخن دروغ بود و اگر بیند که چنگ میزد و دلیل سخن باطل و دروغ بود و او را از این
 غم و اندوه و زیان رسد و اگر بیند که پادشاه او را چنگ زد و او دلیل بود که او را از پادشاه عطا و بزرگی رسد و اگر از اهل آن بود از غم و
 فسخ یا بد و اگر بیند که چنگ را شکست یا بیهکند و دلیل بود که از دروغ و باطل بترسد و اگر بیند که کسی چنگ میزد و او را وسیع و مسکون و دلیل
 بود که شغله دروغ و باطل بود و بعضی از معتبران گویند که چنگ زدن در خواب دلیل بر عمر و از بزرگ مانی کوید اگر کسی بیند که چنگ میزد
 دلیل بود که بزنی بزرگ از معتبران پیوسته کرد و او را از او عز و جاه یا به هم مال و به هم سخن روانی و آخر کار ازین را بکام بخشد و اگر بیند با چنگ
 و چنگانه و مانی و در قص هم ایضا و دلیل بود بر غم و مصیبت جابر مغربی گوید اگر کسی در بیماری بیند که چنگ و چنگانه میزد و دلیل بود بر غم
 او چنگ کردن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او چنگ کرد با مردمان یا حیوان و یک چون بر دوازده صبر یا شش و اگر بیند که
 بر دوشمنان غلبه یا به جو و شدن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که او جهود شد و دلیل بود که بر راه دعوت بود و جهودان را یاری دهد و قول الشیخ
 راست دارد ابن سیرین گوید اگر بیند که او جهود شد یا زنا یا شرک یا بت پرستی دلیل بر ضلالت و گمراهی او و بر خدا تعالی هتای و دروغ گوید اگر
 بیند که از ان کیشت و مسلمان شد و دلیل که گاهی بزرگ از او در وجود اوید و سر انجام توبه کند و بسوی حق تعالی باز کرد و اگر بخواب بیند که از ان گدایان
 یا از گدایان قبله نازی یا بد کرد و دلیل بود که سرگشته و متحیر و سرگردان شود و فرمود ما حضرت صادق علیه السلام فرمود که اگر کسی بیند که جهود شد و دلیل بود که صاحب
 خواب را کاری مشکل پیدا کرد و در مخالفت شریعت سنت یا بد کرد زیرا که جهود و مشتق است از هندی و اگر سخنی را بخواب بیند دلیل
 بود که صاحب خواب با کارهای دنیا فریفته گردد و غافل بود از کار آخرت جابر گوید اگر جهودی بخواب بیند که مسلمان شد
 و دلیل بود که زود بمیرد یا مسلمان گردد و جهود مانی کوید اگر بیند که جهود شد یا چنگ یا چنگانه میزد و دلیل بود که چیزی از ان گدایان
 بوی رسد و اگر کسی بیند که جهود داشت یا کسی بوی بخشید و دلیل بود که بقدر آن خیر و نیکی بدو رسد و دلیل بر تن و رستی بود

جنب بودن

چنگال

چنگ زدن

چنگ زدن

جهود

ب.

اگر بیند که جوشن پوشیده داشت و دلیل بود بر حصار زن او از شر دشمنان که بر وی ظفر نیامد و اگر بیند که با جوشن دیگر صلاح داشت
 لیل بود که از آنکه منافق و شرعاً نه این کرد و بعضی از مجتهدان گویند که جوشن در خواب زیادتی دین او بوده هر که جوشن در خواب
 پوشیده در حفظ خدای عزوجل بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که جوشن در خواب برشش و جد بود اول بزرگی دویم پناه و سیم قوه چهارم
 انجمن پنجم زندگانی ششم زندگانی و زیادت در دین و جوشن در خواب دیدن مولش مردم بود چو چکان نه دن ابن سیرین گویند
 اگر بیند که چوکان در دست داشت و کوی میزد و دلیل که آنچه میگوید باید بود و قدر و منزلتش بیاید اما در دین و طاعت است بود
 اگر نمانی گوید اگر چوکان را در خواب درست پا و شاهی دید و دلیل بود که بر دشمنان ظفر یابد و چوکان چون در دست مردم عامه بیند
 و دلیل بود که با مردم جنگ و خصومت کند و سخن زشت شنود از قبل زنان و متعبران تشبیه کرده اند بدان و چوکان از زبان چوکان
 ابن سیرین گویند که چوکان در خواب مردی مسافر یا عیال بود که در عالم می کرد و اگر بیند که چوکانی با همی بافت با کسی و از جنگ
 چشم پوش افند نیز آنکه که باس یافتن تاویل جنگ و جدل بود که نمانی گوید یافتن جمله در خواب در حرف یافتن چیز با بیان کردیم
 اگر بیند که جامه را تمام بافت دلیل کند که اندوخته بکین کرد و چو جامه بپارسی که هر فروش گویند ابن سیرین گویند که اگر بیند که کوهر و مروراید
 میفر و خست و آن کوهر ملک است و بود دلیل بود که خداوند علم و دین بود و با همه کس نیکی و احسان کند و اگر خداوند دین نباشد و دلیل
 که خداوند غلام است که در و بقدر و قیمت که او را مال حاصل کرد حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر مصیغ و مسطور بود و دید که کوهر با میفر و خست
 و دلیل بود که در علم و دین حاصل کرد و جوی آب ابن سیرین گویند که جوی آب در خواب دیدن چون آب خوش طعم بود و پاکیزه
 و دلیل که از گمانی او خوش بود و اگر بیند که از جوی آب صافی میخورد و اینک در سفر بود یا در جایگاهی بیکانه و دلیل بود که در کاری
 مجهول مشغول گردد و عمر خود را از گذارد و بمقدار آن آب که در جوی خورده بود منفعت یابد و اگر آب جوی شور و تلخ و ناخوش بود
 و دلیل بود بر تخیل معیشت و زندگانی او ابن سیرین گویند که جوی در خواب دیدن اصل جوی وکیل بود که مقرب گردد و اگر کسی آب جوی
 روان و صافی بیند و دلیل که مقرب گردد و اگر کسی آب جوی را روان و صاف بیند دلیل بود که کار وی روان گردد و شود و اگر بیند
 که آب جوی تیره بود و دلیل بود که کارش تیره و بی نظام شود و هر جای که آب جوی بیند و لیلش بر وکیل ناجیه بود و هرگز باید و نقصان
 که در جوی بود بوی گل باز کرد و اگر بیند که بر سختی نشسته بود و در زیر آن سخت آب روان بود و دلیل بود که دولت و اقبال روی
 بوی نهد و احوال او جهانی و او نیکو کرد و قوله تعالی تجزئ من تحتها الاقطار لهم فيها ما يشاءون و اگر بیند که در
 جوی آب صافی نشست دلیل بود که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد بود و اش که نارد و اگر در سفر بود
 زود باز آید جابر گویند که جوی در تاویل مردی بود محشم با منفعت اگر بیند که آب جوی بر داشت و دلیل است که بقدر آن از مرد
 محشم مال یابد و جوی خور و زندگانی بود و اقتدا علم با نقواب صرف الحاء من کتاب کامل التعمیر و جبر
 ابن سیرین گویند که جبر و خواب طلب کردن معیشت و یافتن مال بود و اگر بیند که جبر بخیزد یا کسی بوی داد و دلیل بود که معیشت
 بر وی فراخ گردد و مرادش حاصل گردد و اگر بیند که جبر بر بخت ملازوی مضائق و طیش بخلاف این بود که نمانی گویند که جبر

جوشن

چوکان

چوکان

جوی آب

هر که جوی آب را در خواب دیدن و شربت و شکر و عسل و غیره
 در جوی آب دیدن و شربت و شکر و عسل و غیره

بر جائه و بخت دلیل بود که او را زیانی رسد و اگر بگوید او را زیانی نداد و اگر بیند که بجز چیزی نیست از آنچه نوشت از طرف
 یاز نام خدایتعالی بود دلیل بر خیر و صلاح او کند و اگر بخلاف این بود که بیند دلیل بر شر و فساد او کند حسب خوردن این سیرین
 بود که بخت خوردن در خواب اگر بیند که از برای بیماری خورد و بدید که در خوردن او شفا و منفعت یا در دلیل بر خیر و منفعت کار کند و اگر بیند که از خوردن
 او منفعت نبود و تا پیش بخلاف این بود چ که از خوردن این سیرین خنده الله علیه گوید اگر خواب بیند که بخت بخت چنانچه و تعالی چ که از خوردن او منفعت
 و اگر بیماری این خواب بیند شفا یابد و اگر دام دار بیند و هوش گذارد و شود و اگر سفری بیند سلامت یفکام خود برسد
 و اگر بخواب بیند که بخت رفت و حج از وی فوت شد دلیل که عمرش دراز گیرد و دو کارش نظام بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید که
 بخواب بیند که بخت رفت و در حرم سلیمت میرد و دلیل که او را ترس و بیم بود و اگر بیند که حج بروی واجب شد لیکن در رفتن قصد نکند
 دلیل که خیانت کند و اگر بیند که روز غره است دلیل که با کسی صلح کند و اگر بیند که در خانه کعبه نماز میکند و دلیل که از بزرگان
 منفعت یابد و کارش نیکو شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بخت خوردن در خواب بر منفعت وجه بود یکی تزویج کردن و دیگری
 نیکو خریدن سوم زیارت پادشاه و او کردن چهارم نیکو بیستمی نمودن در کار خیر ششم زود ثواب یافتن هفتم صحبت
 علم رسیدن هجده الاسود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حجر اسود دست یابد دلیل که از اهل حجاز زود منفعت رسد و اگر بیند
 که حجر الاسود را بر کند و داشت دلیل که بد مذمب باشد ولی اعتقاد و ناپاکت بود و اگر بیند که حجر الاسود را باز بجای خود نهاد و دلیل که
 باز بر راه صلاح آید و اگر بیند که آب زهرم میخورد دلیل که چیز نیکو از وی کشده باشد باز بوسی رسد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند
 که حجر الاسود را بوسه میداد و بروی روی میمالید دلیل که خیر و صلاح دین وی زیاد شود و با علم پیوندد و حجامت کردن
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حجامت او حجامی بیکانه در جانی بیکانه کرد و دلیل که امانتی در گردن خود کند و اگر بیند که حجامت
 کننده و دست بود و دلیل که امانتی بد و بسیار و دانش و شتمن این شود و از غم فرج یابد اگر جوی این خواب بیند همین دلیل دارد
 و اگر سیری بیند بزرگی یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که پیر را حجامت کرد و دلیل که کارش نیکو شود و اگر بیند که پادشاه را حجامت
 کرد و دلیل که مقرب پادشاه شود و اگر بیند که چون حجامت کرد و خون از وی نیامد و دلیل که زن از وی بنا کام جدا گردد و با او بر ملاطفت
 بود یا بهر دغری رحمه الله علیه گوید که حجامت بخت بیند خواب بود و حجام جوان و شهنشاه و باشد و اگر بیند خواب شد و دست
 و دلیل که مستوفی شود یا بهر پادشاه گردد و اگر عاقل بود و قرض غرق شود جعفر صادق علیه السلام یابد حجامت کردن در خواب بر منفعت
 وجه بود یکی امانت گذاردن دوم شرف و طواعتن سوم ولایت یافتن چهارم غره بزرگی پنجم مرقت ششم سبب نجات
 السلام هفتم آنکه اگر عاقل بود و اعمل معقول کرد و بعضی از معتبران گویند اگر حجام جوان بود و دلیل که محاسبه بخ بود یا بنیاید و چیز
 و کار مردم بدست وی کشاده گردد و حد کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید حد زدن در خواب و دلیل بر فراهم آمدن کارزار
 باشد اگر بیند که او را حد میزنند و دلیل که بقدر آن کار فراهم آورد و اگر بیند که او را کسی حد زد و تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه
 گوید اگر بیند که کسی را از بزرگانهایی حد زد و اگر بیند خواب صلح بود و بشغل و نیا مشغول شود و اگر بیند خواب منفعت بود و دلیل که

خواب بیند

حجر الاسود

حجامت

حد

و اندوه بود و حربه نیزه کوتاه بود و اگر بخواب بیند که حربه داشت و دلیل که او از زندگی آید و اگر زن نذر و مال یابد و اگر بیند که با حربه ای
 تمام داشت و دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که پادشاه حربه بدو داد و دلیل که از پادشاه شفقت یابد و اگر بیند که حربه خود کسی را
 و دلیل که از آنکس بدو چیزی رسد و اگر بیند که حربه بدست او بود و شکست و دلیل که از دشمن نصرت یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 حربه در خواب دیدن برش وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سوم عمر در از چهارم ظفر پنجم ریاست ششم شفقت حرم جای این بود
 اگر بیند که در حرم کعبه بود و دلیل که از آفات دنیا امینی یابد و او را حج روزی شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در حرم پادشاه یا بزرگ
 رفت و دلیل که زبانه شتر این گرد و با باشد که از پادشاه چیزی بومی رسد و بعضی معتبران گویند که او را حاجت با اهل آن حرم و اگر بیند که
 پادشاه او را در حرم خود خواند و آنجا مقیم شد و دلیل که در کار پادشاه شروع کند و کاری کند که او را از آن کار بدنامی حاصل آید و
 بیند که حرم پادشاه ظالم رفت بهین تاویل دارد و حربه و خرو و سیب و حرف و ال میان کنیم حساب ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که حساب میکرد و دلیل که در محنت و عذاب افتد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در حساب
 حساب با وی آسان میکرد و امید است که رشک کاری یابد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که در محنت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 حساب قیامت خواب دیدن برش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سوم سختی و پنج چهارم بد حالی پنجم اندوه ششم
 عمر کوتاه و چهارم اگر بیند که در حصاری شد و دلیل که از شر دشمن این گرد و اگر بیند که از خصما بیرون آمد و دلیل که بر دشمن ظفر یا دیگر مانی
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در حصاری محکم بود و آن حصار از آن او بود و دلیل که از شر دشمن این گرد و اگر بیند که از خصما بیرون آمد و دلیل
 این در آخری رحمه الله علیه گوید اگر خود را در حصار بیند و دلیل که نشت و روزی بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که تنگ باشد
 او و فو و بستی کار باشد و حربه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که حصیر داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن حصیر شفقت یابد و اگر بیند
 که حصیر میافت و دلیل که زنی عاشق شود و اگر بیند که حصیر کم بها بود که میافت و دلیل که آزن بی حاصل و درویش بود و اگر بیند که حصیر
 قیمتی یا پاکیزه بود و دلیل که زنی محترم با اصل بخوابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حصیر میافت و میفرخت و دلیل که او را
 عنی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حصیر در خواب برسته وجه بود یکی زن دوم شفقت سوم خوشکاری که او را
 او را نصت بود و حقه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حقه در خواب و خشم شدن باشد و از جانی بجائی شدن چنانکه
 از عخی آن بهیوش شود و بعضی از معتبران گویند حقه در خواب گاری بود که بر بیند و باز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند
 که او را حقه کردند و از آن پنج وید و دلیل بر بدی احوال و بود و اگر بخلاف این بیند خیر و شفقت یابد حقه ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید حقه در خواب زن باشد یا کینک اگر بیند که حقه نو گرفت یا بخیر یا کسی بوی داد و دلیل که زن خواهد یا کینک خرد و اگر بیند که
 حقه شکست یا ضایع شد و دلیل که زن از وی جدا شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حقه بزرگ نقش است و دلیل که
 زنی توانگر خواهد و از شفقت یابد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که زنی زشت روی و درویش بخوابد حکمت ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر بخواب بیند که علم حکمت میخواند و دلیل که قرآن خوان شود و اگر بیند که کتاب حکمت بخت و دلیل بر تنبایی دین وی بود

خواب
 اگر خواب بیند که حربه داشت و دلیل که او از زندگی آید و اگر زن نذر و مال یابد و اگر بیند که با حربه ای تمام داشت و دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که پادشاه حربه بدو داد و دلیل که از پادشاه شفقت یابد و اگر بیند که حربه خود کسی را و دلیل که از آنکس بدو چیزی رسد و اگر بیند که حربه بدست او بود و شکست و دلیل که از دشمن نصرت یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید حربه در خواب دیدن برش وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سوم عمر در از چهارم ظفر پنجم ریاست ششم شفقت حرم جای این بود اگر بیند که در حرم کعبه بود و دلیل که از آفات دنیا امینی یابد و او را حج روزی شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در حرم پادشاه یا بزرگ رفت و دلیل که زبانه شتر این گرد و با باشد که از پادشاه چیزی بومی رسد و بعضی معتبران گویند که او را حاجت با اهل آن حرم و اگر بیند که پادشاه او را در حرم خود خواند و آنجا مقیم شد و دلیل که در کار پادشاه شروع کند و کاری کند که او را از آن کار بدنامی حاصل آید و بیند که حرم پادشاه ظالم رفت بهین تاویل دارد و حربه و خرو و سیب و حرف و ال میان کنیم حساب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که حساب میکرد و دلیل که در محنت و عذاب افتد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در حساب حساب با وی آسان میکرد و امید است که رشک کاری یابد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که در محنت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید حساب قیامت خواب دیدن برش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سوم سختی و پنج چهارم بد حالی پنجم اندوه ششم عمر کوتاه و چهارم اگر بیند که در حصاری شد و دلیل که از شر دشمن این گرد و اگر بیند که از خصما بیرون آمد و دلیل که بر دشمن ظفر یا دیگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در حصاری محکم بود و آن حصار از آن او بود و دلیل که از شر دشمن این گرد و اگر بیند که از خصما بیرون آمد و دلیل این در آخری رحمه الله علیه گوید اگر خود را در حصار بیند و دلیل که نشت و روزی بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که تنگ باشد او و فو و بستی کار باشد و حربه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که حصیر داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن حصیر شفقت یابد و اگر بیند که حصیر میافت و دلیل که زنی عاشق شود و اگر بیند که حصیر کم بها بود که میافت و دلیل که آزن بی حاصل و درویش بود و اگر بیند که حصیر قیمتی یا پاکیزه بود و دلیل که زنی محترم با اصل بخوابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حصیر میافت و میفرخت و دلیل که او را عنی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حصیر در خواب برسته وجه بود یکی زن دوم شفقت سوم خوشکاری که او را او را نصت بود و حقه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حقه در خواب و خشم شدن باشد و از جانی بجائی شدن چنانکه از عخی آن بهیوش شود و بعضی از معتبران گویند حقه در خواب گاری بود که بر بیند و باز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که او را حقه کردند و از آن پنج وید و دلیل بر بدی احوال و بود و اگر بخلاف این بیند خیر و شفقت یابد حقه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حقه در خواب زن باشد یا کینک اگر بیند که حقه نو گرفت یا بخیر یا کسی بوی داد و دلیل که زن خواهد یا کینک خرد و اگر بیند که حقه شکست یا ضایع شد و دلیل که زن از وی جدا شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حقه بزرگ نقش است و دلیل که زنی توانگر خواهد و از شفقت یابد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که زنی زشت روی و درویش بخوابد حکمت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که علم حکمت میخواند و دلیل که قرآن خوان شود و اگر بیند که کتاب حکمت بخت و دلیل بر تنبایی دین وی بود

داد و در میان خاشاک میقیم شد و دلیل که بقدر آن اورا مال لغت حاصل شود و اگر میند که خاشاک اورا با و بر و یا با تش بسخت دلیل که با و
مال و یا بستاند و اگر میند که خاشاک در زیر دیکت یا زیر تنور میسخت دلیل که مال خود پزنی کند و اگر میند که خاشاک انحصاری آورد و
بخانه میبرد و دلیل که بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر میند که در شهری یا در کوچه یا در خاشاک می آورد و دلیل که مردم آن شهر را بقدر آن
بیشتر و منفعت رسد خاشاک این سیرین رحمة الله علیه که در خاک و در خواب و درین اندک و بسیار ورم بود و اگر میند که در خانه و خاشاک
و دلیل که بقدر آن خاک درم یا بد و بی هیچ نوبی رسد و اگر میند که بر خاک میرفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر می داشت یا خاک
و دلیل بر مال بود که مانی رحمة الله علیه که دیگر میند که خاک را نه میکشید و در بیرون خانه پراکنده میکرد و دلیل که مال خود تلف کند و اگر میند که خاک
می افشاند و دلیل که بقدر آن مالش ضایع شود و معبران گویند که از مال می دست بماند جعفر صادق رضی الله عنه که بد خاک و در خواب و در
یک مال و در منفعت سوم شغل چهارم فایده از قبل یا و شاه پنجم فایده از قبل شش خاک کستر این سیرین رحمة الله علیه که بد خاک کستر و در
مال باطل بود و از قبل سلطان که بر کسی باقی نماند و معبران گویند که علمی حاصل کند که در وی خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله عنه
عنه که بد خاک کستر و در خواب بر نه وجه بود یکی علم ناپذیرفته و دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصوصیت پنجم شتم و شکر و حلیت
هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاریکه در آن خیر نبود و قوله تعالی **مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي آيَاتِنَا كَمَثَلِ الْفَخَّارِ الْمَكْنُونِ الَّذِي كَانَتْ**
عِندَ رَبِّهِ فِي يَوْمٍ عَصِيفٍ خَامَةً قَهْمًا اگر میند که قلمی فرارفت یا کسی بوی داد و دلیل که علم حاصل کند و کارش درست شود
و مرادش بر آید اگر میند که بقلم چیزی می نوشت اگر آن نوشته خیر بود و دلیل بر نیکی کنی کند و اگر شر بود و دلیل بر بنیاد کند و اگر میند که بد
قلم می نوشت و دلیل که غیبی که در سفر دارد و زود باز آید که مانی رحمة الله علیه که بد اگر کسی در دست خود قلم بنشیند پس اگر از اهل علم بود
و دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر میند که بقلم چیزی می نوشت و میخواهد دلیل بر برگ وی بود و قوله تعالی **أَفَرَأَيْتُمُ الْكُفَّارَ يَمُوتُونَ**
وَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ اگر میند که کتاب اهل سنت و جماعت بود و دلیل که عز و جاه و یا بد و اگر میند که قلم در دست وی
بشکست اگر عالم بود و دلیل که مرتشکم شود و کارش بی رونق رود و اگر میند که بقلم شکسته می نوشت و اگر آنچه نوشت از شمار چار و یا
بود یا از شمار پرندگان تا دلیل آن که هر صورت و طبع وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه که بد قلم در خواب بر منفعت و وجه
یک حکمت و دوم فرمان سوم علم چهارم فریبک پنجم و لایق ششم راست شدن چیزها هفتم کام و مراد خانه این سیرین رحمة الله
علیه که بد خانه مراد در خواب زن بود اگر خواب میند که خانه بستونها از جای برداشت و دلیل که زنی خواهد با مروت و کرم بود و اگر میند که
خانه نرشد دلیل که زن نواکز خواهد و نواکز شود و اگر میند که خانه مفرد کچ اندوده بود و ندانست که آن خانه از آن کیست دلیل که صاحب
آن خانه از دنیا برود و اگر میند که در خانه که نمیده بود و در آن خانه خلق کرده بود و آن خانه بخانه نامی دیگر پیوسته و دلیل که از پنج و شش
رسته گردد و اگر بپار بود و شفا بد و اگر میند که در خانه خود شکست دلیل که مال پزنی کند و اگر میند که خانه وی از آن بزرگتر شد که بود و اگر
مال و نعمت بروی فراخ گردد و اگر خلاف این بود و دلیل که مال لغت بروی شاک گردد که مانی رحمة الله علیه که بد اگر میند که خانه
بیشتر دیا و یا خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر میند که خانه وی بی سببی خراب شد و دلیل که مال درش حاصل شود و اگر میند که خانه

خاشاک در زیر دیکت یا زیر تنور میسخت دلیل که مال خود پزنی کند و اگر میند که خاشاک انحصاری آورد و بخانه میبرد و دلیل که بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر میند که در شهری یا در کوچه یا در خاشاک می آورد و دلیل که مردم آن شهر را بقدر آن بیشتر و منفعت رسد خاشاک این سیرین رحمة الله علیه که در خاک و در خواب و درین اندک و بسیار ورم بود و اگر میند که در خانه و خاشاک و دلیل که بقدر آن خاک درم یا بد و بی هیچ نوبی رسد و اگر میند که بر خاک میرفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر می داشت یا خاک و دلیل بر مال بود که مانی رحمة الله علیه که دیگر میند که خاک را نه میکشید و در بیرون خانه پراکنده میکرد و دلیل که مال خود تلف کند و اگر میند که خاک می افشاند و دلیل که بقدر آن مالش ضایع شود و معبران گویند که از مال می دست بماند جعفر صادق رضی الله عنه که بد خاک و در خواب و در یک مال و در منفعت سوم شغل چهارم فایده از قبل یا و شاه پنجم فایده از قبل شش خاک کستر این سیرین رحمة الله علیه که بد خاک کستر و در

خاشاک در زیر دیکت یا زیر تنور میسخت دلیل که مال خود پزنی کند و اگر میند که خاشاک انحصاری آورد و بخانه میبرد و دلیل که بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر میند که در شهری یا در کوچه یا در خاشاک می آورد و دلیل که مردم آن شهر را بقدر آن بیشتر و منفعت رسد خاشاک این سیرین رحمة الله علیه که در خاک و در خواب و درین اندک و بسیار ورم بود و اگر میند که در خانه و خاشاک و دلیل که بقدر آن خاک درم یا بد و بی هیچ نوبی رسد و اگر میند که بر خاک میرفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر می داشت یا خاک و دلیل بر مال بود که مانی رحمة الله علیه که دیگر میند که خاک را نه میکشید و در بیرون خانه پراکنده میکرد و دلیل که مال خود تلف کند و اگر میند که خاک می افشاند و دلیل که بقدر آن مالش ضایع شود و معبران گویند که از مال می دست بماند جعفر صادق رضی الله عنه که بد خاک و در خواب و در یک مال و در منفعت سوم شغل چهارم فایده از قبل یا و شاه پنجم فایده از قبل شش خاک کستر این سیرین رحمة الله علیه که بد خاک کستر و در

خاشاک در زیر دیکت یا زیر تنور میسخت دلیل که مال خود پزنی کند و اگر میند که خاشاک انحصاری آورد و بخانه میبرد و دلیل که بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر میند که در شهری یا در کوچه یا در خاشاک می آورد و دلیل که مردم آن شهر را بقدر آن بیشتر و منفعت رسد خاشاک این سیرین رحمة الله علیه که در خاک و در خواب و درین اندک و بسیار ورم بود و اگر میند که در خانه و خاشاک و دلیل که بقدر آن خاک درم یا بد و بی هیچ نوبی رسد و اگر میند که بر خاک میرفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر می داشت یا خاک و دلیل بر مال بود که مانی رحمة الله علیه که دیگر میند که خاک را نه میکشید و در بیرون خانه پراکنده میکرد و دلیل که مال خود تلف کند و اگر میند که خاک می افشاند و دلیل که بقدر آن مالش ضایع شود و معبران گویند که از مال می دست بماند جعفر صادق رضی الله عنه که بد خاک و در خواب و در یک مال و در منفعت سوم شغل چهارم فایده از قبل یا و شاه پنجم فایده از قبل شش خاک کستر این سیرین رحمة الله علیه که بد خاک کستر و در

آهسته است دلیل که تو نگردد و اگر بیند که در خانه او سیمین بود دلیل که او را توبه باید کرد و قوله تعالی *لن ینکحکم ما کنتم لیس فی حقکم*
 مستحقا من حیثه و اگر تو اگر بدو نعمت وی زیادت شود و اگر بیند که پیر من خانه وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش تباها کرد و در خرابی
 ابن سیرین گوید خرابی در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی از بالا بزر شد نسبت اگر بیند که در خرابی فرو شد دلیل که غمگین گردد
 و اگر بیند که در خرابی غسل کرد دلیل که از غمناخ یا بد کردگانی رحمة الله علیه گوید اگر در سرائی یا در خانه خانهای بسیار دید دلیل که
 انجا غم و اندوه و مصیبت بود و خالیست مطر قد بود دلیل دیدن خالیست و در خواب بر قومی منتری کند اگر بیند که خالیست بسیار
 داشت یا کسی بوی او دلیل که او را با همسر قومی صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که بر خالیست کسی را بزد و منتری
 مقهور کند و اگر بیند که خالیست او ضایع شد دلیل که از همتری جدا افتد که تانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی آهنگری نماند و بیند
 که خالیست بر سر ندان میزد دلیل که میان او و همسر سخن چینی کند و دشمنی کند خایه هر غ و انیال علیه السلام گوید خایه مرغ و در
 کینک بود اگر خواب بیند که ماکیان پیش او خایه کرد جمول بیند و نماند که خایه چیست دلیل که زنی خواهد و روز کاری در از آن
 زن بماند و اگر بیند که خایه مرغ پنجه میخورد دلیل که مال حرام خورد و مرغ و غم بوی رسد و اگر بیند که خایه یا پوست خورد دلیل که
 کفن مردگان ستاند که تانی گوید اگر بیند که خایه همی کرد دلیل که زن بسیار بخواد و بجای حریص بود و اگر بیند که بر خایه نشست
 چنانکه مرغان نشیند دلیل که با زنان نشیند و فایده یابد و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ آن خایه بیرون افکند
 دلیل که کار مرده اوزند و گرد و بعضی کوبند و او را فرزندی آید و مؤمن بود و اگر بیند که خایه بشکست دلیل که دختر زیاد و شیر کی
 بستاند و اگر بیند که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حاصل آیند و خایه بطفرزند در ویش و پچاره بود و خایه
 پنجه شکست دلیل بر خود میبود و خایه آدمی ابن سیرین گوید اگر بیند که خایه او بزرگ شد دلیل که قوت و فرزند و مالش زیادت
 شود و اگر بیند که هر دو خایه او کوچک شدند تا ویش بخلاف این بوده و اگر بیند که خایه او بریده است دلیل که دشمنان او
 ظفر یابند و اگر بیند که خایه خود کسی داد و بخشید دلیل که او را فرزندی حرامزاده بود که نسبت ی از کسی دیگر باشد و اگر بیند
 که خایه اش آسیده بود یا با و بر شده بود دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را از دشمن بیم بود و اگر بیند که خایه اش دراز
 چنانکه بر زمین میخشد دلیل که مال بسیار او حاصل شود و اگر بیند که خایه ای کسی بکشد دلیل که هر دو بازان یک یکرش و میکنند
 و اگر بیند که پوست خایه خود بکشد دلیل که کسی بر فرزندی او ستم کند و اگر بیند که کسی خانه وی سخت گرفت دلیل که خیر من
 فرزند نشود و اگر او را فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمتش کم شود و اگر بیند که خایه از بن برید دلیل که قولش بریده شود و اگر
 بیند که خایه ای وی بر لیسان یا پیرنی دیگر بسته بود دلیل که کار مابروی بسته کرد و مغربی رح گوید خایه مردم در خواب دلیل
 بر باز داشتن شدت دشمن از وی بود و اگر بیند که خایه وی نقصان بود دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بیند که خایه
 وی بیرون کشید دلیل که هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند
 و دوم مال سوم اهلیت چهارم غنیمت بزرگ ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن خایه مرغ آبی بر چاره وجه بود یکی

این سیرین گوید
 اگر بیند که در خرابی
 از بالا بزر شد
 نسبت اگر بیند که
 در خرابی فرو شد
 دلیل که غمگین گردد

خایه مرغ

خایه مردم

مراد بافتن دو دم زن خوشن سوم کثیر که خردن چهارم فرزندان آوردن خیمه کردن ابن سیرین رحمه الله علیه
اگر خواب بیند که خیمه کرد و دلیل که نمکین شود و در عمل مغزول کرد و اگر بیند که کسی را خیمه کرد و دلیل بر غم و اندوه بود و بعضی از
مستقران که بیند تنگ عیشی بود و خفته کردن ابن سیرین رح گوید اگر خواب بیند که خفته کرد و دلیل که سنتی بجای آورد که او
یا که گردان از گناهان و اگر بیند که بهنگام خفته خون از وی روان شد و دلیل که در آن سنت ثابت بگردد و اگر گناهان تو
گردد اگر بیند که چون خفته کرد و نظر خفته داشت و دلیل که غم و اندوه و بر بسیار رسد که آنی که گوید اگر بیند که از خفته کرد و دلیل که از گناهان پاک گردد و اگر
کرده باشد دلیل که راه مسلمانانی و سنت پس پشت انداخته باشد لیکن مالش زیاد است و جعفر صادق عقیقه عینه که خفته
کردن در خواب بر پنج وجه بود یکی سنت بجای آوردن دو دم فرزند سوم نیکو در آن پنج وجهی از زن و فرزند ضرر
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرنه در خواب بیماری بود و بر شیرین عاقبت منفعت بود و چون بوقت خود بیند و خرنه خورد
نیکوتر از بزرگ بود که مانی رحمه الله علیه گوید خرنه در خواب بر دو وجه بود و اگر بیند که خرنه بسیار پیش وی
نهاد و دلیل که مانده می گرفتار کرد و مغربی رح گوید خرنه در خواب چون بوقت خود بیند زنی بود با منفعت بسیار عیش
خوش جعفر صادق رضی الله عنه گوید خرنه در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دو دم زن سوم غلام چهارم منفعت
عیش و شفا همد که چون خرنه بود در خرنه در خواب بر دو وجه بود و اگر بیند که خرنه گرفت و دلیل که با کسی
همت بدخوی صاحب کرد و اندک مایه از وی نفع یابد و اگر بیند که خرنه را بکشت یا دور انداخت و دلیل که از بدخوی دور
همت جدا کرد و اگر بیند که گوشت خرنه میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند که مانی رح گوید اگر بیند که خرنه داشت
و دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشحالی باشد که از وی نیکی باشد خرنه و انیال علیه السلام گوید خرنه در خواب دیدن بخت
و بزرگی بود و نیکی و بدی خرنه بیند خواب باز کرد و اگر بیند که خرنه را کشت و وی شد یا در و نفاق وی آمد و او خرا بگرفت و
و دلیل که در خرنه بروی کشاده شود و از غم رسته گردد و اگر خرنه بسیار بیند دلیل که لغت مال او زیاده کرد و دو بهترین خرنه آنی که بخواب
بیند آنست که مطیع او بود ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بر خرنه سیاه نشسته بود و دلیل که ممتري و بزرگی یابد و اگر بیند که
خر سیاه داشت و دلیل که عروجه اش بپذیرد و اگر بیند که بر خرنه نرنگ داشت و دلیل که عابد و ناهک گردد و اگر بیند که بر خرنه
نرنگ داشت و دلیل که عیش و عشرت بود و اگر بیند که بر خرنه زرد داشت و دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که بر خرنه آهسته داشت و دلیل که خرنه
و اگر بیند که گوشت خرنه میخورد و دلیل که از تجارت مال بدست آورد و اگر بیند که خرنه خود کشت و گوشت او بخورد و دلیل که مال خود بزرگ کند و اگر بیند
نشت و خرنه و دلیل که او بزودی بمیرد و اگر بیند که از خرنه شیش سفید و دلیل که در ویش و تنگ عیش شود و اگر بیند که از
خر که کشت او نبود و دلیل که از کسی حضرت و زیان یابد و اگر بیند که از خرنه فرو آمد و دیگری بر خرنه داشت و دلیل که مال خود را
نفعه کند و اگر بیند که از بهر کاری از خرنه فرو آمد و دلیل که گادی و حاجتی که طلب کند و همی که در کمانی رح گوید اگر بیند که
شیر خرنه خورد و دلیل که بیمار شود و دوشفا یابد و اگر بیند که خرنه خرید و بهای او نداد و دلیل که راحتی یابد بسبب سختی که با آن

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

کریم بود و خراش شک و خواب لیل بر دین پاک و مال حلال باشد و خرمای تازه روشنی چشم مال حلال و فرزند و نیک بود و حکایت
 شخصی پیش ابن سیرین رح آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سراسی سلطان چهل خرمایا فتم گفت فرا ترا بمانجا چهل چوب نبرند و همچنان بود
 و سال دیگر همان مرد پیش ابن سیرین رح آمد و گفت که بخواب دیدم که بر در سراسی سلطان چهل خرمایا فتم گفت چهل هزار درم بیای
 گفت پارسال تعبیر این خواب بگوئد و دیگر بود و سال چو است که بخلاف آنست گفت پارسال خرمایا درخت نبود تا مثل آن چوب بود
 و سال خرمایا درخت است و درختان سبز و تازه اند تعبیر آن چنین باشد بعد از یک هفته آن شخص هزار درم یافت خرمن که خرمن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و لوب و آن مال کند و آن مال کند و آن مال کند و اگر ببیند که گشت
 و در خرمن در آرد و دلیل که مال برنج حاصل کند که آنی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که خرمن غله بخیزد یا کسی بوی داد و دلیل که زنی خواب
 و بعضی گویند که او را با مردی صحبت افتد که مال برنج و لوب حاصل کند خرمن و لب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن در خواب
 مردی باشد که مال سختی و برنج بدست آورده باشد اگر ببیند که خرمن خود و دلیل که مال خود برنج حاصل کرده باشد و بخورد و اگر ببیند
 که خرمن از دست جمع میکرد و دلیل که از مردی بخیل افتد که آن مال حاصل کند و اگر ببیند که خرمن با تش میسخت و دلیل که با تش
 مال و ملک بستاند خروس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که خروس داشت و داشت که ملک او است و دلیل که مردی که
 بنده زاده او بود او را فخر کند و اگر ببیند که خروس را بکشت و دلیل که بر بنده زاده خطر یابد و اگر ببیند که با خروس جنگ میکرد و دلیل که با مردی
 خصومت کند و اگر ببیند که از خروس او اگر ندی رسید و دلیل که از آن غنی او را مضرت رسد و اگر ببیند که خروس بچه یافت و دلیل که غلامی
 کوچک یا پسری از کتک او را حاصل آید و اگر ببیند که با کت خروس می شنید و دلیل که نیک و خیرات گزیند و اگر ببیند که خروس بر دوش است
 و دلیل که او را انسی غم و اندوه رسد و خانی خروس در خواب غلام بود و اگر ببیند که کسی خروس بچه بوی داد و دلیل که غلامی بوی بخشد
 سفری رحمه الله علیه گوید اگر در خواب ببیند که خروسی داشت و دلیل که او را پسری آید یا او را با مردی مؤثر آن صحبت افتد چنانکه در اول
 صلی الله علیه و سلم فرمود **اللَّهُ يَأْتِي مَجْنُونًا وَهُوَ يَكُونُ إِلَى الصَّلَاةِ** یعنی خروس دوست صفت که مرد و زن را میخواند
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر ببیند که بر خروس دست یافت و دلیل که بر مهر زاده دست یابد و بروی غلبه کند و اگر بخوابد
 که تخم خروسی یافت و شکست و دلیل که بر مهری و یا خروسی دست یابد خرید و فروخت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرید
 و فروخت در خواب نیک باشد زیرا که مردم و دنیا را کنند و اگر کالای بکالای معاوضه کند و دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد خیر
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب جبه و دستار و کلاه و آنچه درین ماند جمله مرزا پسندیده باشد و زکات این جاها اگر
 بر یک صورت بود و اگر نبود غم و اندوه بود و زکات سبز بر جاها نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن خرمایا در خواب
 کسی را که شرای خرم بود و بر وجه بود و نیک مال و منفعت و درم خیر و برکت سوم غم و جاه چهارم مرستت با ناله و قیامت
 ریاست و بزرگی که آنی را گوید و پوشتن جانه خرم در خواب لیل بر مال حرام کند معتبران گویند مرزا ابن سیرین رحمه الله علیه و دیدن خرمایا
 و ناله نیک باشد و در خرم و پوشتن کسی باشد که دنیا را بپوشاید و کند خسته کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که ناله و

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

کسی بخت و از خون بیرون آمد و لیل که خسته کند و او را بخوابی رست گوید چنانکه باشد که جواب تواند کرد و اگر بیند که از آن حرکت
 خون نماید و دلیل که او را بخوابی گوید که دروغ باشد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تیغ بر او و نیم کرد و او را دلیل که پیش او خن گوید
 و بر و طعن زند و اگر کسی در خواب خشکی بسیار بر تن خود بیند و دلیل که از پادشاه منفعت یا مدد مغربی رحمة الله علیه گوید خشکی بسیار
 بر تن نقصان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید خشکی در خواب بر سر و وجه بود یکی مال مردم منفعت سوم سخن
 مانوش خشت این میرین رحمة الله علیه گوید خشت در خواب مال جمع و مجموع باشد چنانکه هر خشتی هزار مردم نماید اگر بیند که
 بسیار جمع کرد و دلیل که او را مال بسیار جمع شود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خشت از دیواری بر تپشید و دلیل که مال خداوند
 دیواری بر او اگر بیند که خشت پاره پاره کرد و پراکند و دلیل که مال خود را پراکنده و تلف کند مغربی رحمة الله علیه گوید خشت
 چخته در خواب بد بود زیرا که آتش بوی رسیده است بدان سبب و دلیل بر غم فاند و بد بود چشم که خشت این میرین
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر کسی خشت از بر دنیا گرفت و دلیل که کار دین را خیر و خوار دارد و بد دنیا مغرور شود که آنی رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر بیند که بد را و مادر بروی خشم گرفتند و دلیل که از جانی بلند افتد قوله تعالی وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقُلْ
 هَوَىٰ خُصْمُوتِ ابْنِ مَرْيَمَ رَحْمَةً لِّلّهِ عَلَيْهِ كَيْدٌ اَكْبَرٌ بیند که با کسی خصومت کرد و بره غالب شد و دلیل که سر انجام
 کار غالب گردد و در پیش خشم غلبه نماید اگر بیند که دشمن بر او غالب شد تا و پیش بخلاف این بود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر
 بیند که با والی آید یا خصومت کرد و بر او غالب شد و دلیل که از والی بد و خیر و منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند که از و
 خج بیند و اگر بیند که پیش پادشاه خصومت رفت و دلیل که حاجتش روا گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم بی
 خصومت کرد و دلیل که مردم از وی اندوختن کردند زیرا که از مردم جوید خضی کردن این میرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
 را خضی کرد و دلیل که حاجتش روا گردد و بعضی متعبران گویند که فرزندش بمیرد و الا بطاعت باری سبحانه و تعالی را راغب باشد و
 توانا شود و اگر کسی مجهول خضی بیند و دلیل که آنکس پسندیده و صالح بود و نیز گویند که فرشته باشد که او را بر خیر صلاح خواند
 یا بیایات مژده دهد زیرا که فرشته کار است و نیست اگر بیند که در خشن علم و حکمت نیست آنکس فرشته نباشد و اگر آنکس که در خضی بود
 و مغرور بود آنچه از نیک و بد دید تا و پیش بروی باز کرد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خایه روی بریده شده و پنهان
 و دلیل که بر دشمن ظاهر نماید و بعضی متعبران گویند بریدن خایه در خواب بر پدر و دختران بود یعنی پس از آن او را و خضی نمود زیرا
 که خایکان دختر بود و اگر بیند که خایه خود بر آرد و بکسی داد و دلیل که دختران کسی در مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
 سببی خضی شد و دلیل که او را خواری و زیان رسد و اگر قضییش از تن بریده شد بعد تا و قبل دارد و نامش از میان مردم
 گم شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خضی در خواب بر سر و وجه بود یکی دیدن مردم زاهد دوم فرشته سوم عباد
 خضاب کردن و انبیا علیه السلام گوید خضاب کردن بر پیش پوشیدن کار یا باشد اگر بیند که سهراب از خضی
 کرد و رنگ منگرفت و دلیل که ظاهر مردم نماید و اگر بیند که خضاب کرد و دلیل که کارش نیکو شود اما کارهای او پوشیده بماند

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خضاب چیزی نمیکرد که مردم آنرا میگردند و دلیل که خود را بچیزهای محال کارهای بسیار
و بد و اگر بیند که دست و پایی بخضاب بکار و دلیل که مال از دست رفته و باز آید و اگر بیند که هر دو دست را بخضاب
و دلیل که فرزندان خود را بسیار بد و اگر آیشی که خلاف شرع بود که تا می رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دست خود را بکار کرد و بخضاب
کرد و دلیل که خداوند مکر و حیلت بود در کسب و عمل خویش و اگر بیند که بکاروی هم شده بود و دلیل که او را غریزی بمیرد و یا خود طاعت شود
و اگر این خوابها را نمی بیند شادی و خوشی بیند بمحصل اشغبت علیه الرحمه گوید اگر بیند که دست و پایی خود بخضاب بکار کرد
و دلیل که کاری کند که مردم بروی اخسوس کنند و اگر بیند که سرش را بخضاب کرد و دلیل که تسبیح کند جعفر صادق رضی الله
عنه که بخضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی کارشایسته دوم آرایش حال نیا سوم طلب عز و جاه چهارم معروف شدن
بدروغ خطبه خواندن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر سرش خطبه میخواند و از اهل خطابت بود و دلیل که پس
عز و برتری یابد و اگر از اهل خطابت نبود و دلیل که بسفر رود و در نکس بسیار کند و بیم و خطرش بود و گویند که اگر تو را بگویم و در پیش
و اگر بیند که بی دینی خطبه میخواند و دلیل که مسلمان شود یا میرد و اگر تا می گوید اگر بیند که پادشاهی بر سرش خطبه میخواند اگر پادشاه صلح
بود و دلیل که عدل نماید و اگر مفسد بود و دلیل که تائب گردد و اگر بیند که بی بر سرش خطبه میخواند و مردم را پسندید و دلیل که شهادت
رسو است و در قضیه مشهوره مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در میان خطبه ترویج میخواند و دلیل که با همه کس خیر و همان کند خیر صلاح
و منفعت یا بد خطمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خیلی بوقت خود در خواب دیدن منفعت بود و بیوقت نعم و اندوه بود و خوردن
آن حضرت و نقصان بود و شکرستن بآن و دلیل بر توبه و پاک دینی بود و خشن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خفتن در خواب
را کسی را که پوشیده بود و راحت و سنگاری بود و اگر بیند که بر تختی خفته بود و دلیل که بزرگی یا بدار راه وین بر سرش کاری بخیزد
تیرا که خفتن غفلت بود و راه دین و اگر بیند که در جایگاهی بر سرش خوابیده بود و دلیل بر تجارت و خواری بود و اگر تا می رحمه الله علیه
گوید خواب ترسیده را این بود و مردم را آتش و سوزن و آزار و آشفته و زلزله را خلاصی بود و غریبی گوید اگر بیند که در میان مردگان خفته بود مردم را و او را
و دلیل که در میان مردم شهرت یا بد و گناه و گنجه هم ایضا ظاهر و هم و قودا خلل کردن ابن سیرین گوید چنان که در خواب بگوید که در میان
اهل بیت بود و خلل افتد جارب که مال اهل بیت میرود و اگر بیند که خلل میگرد و دلیل که بقدرا آن که از دندان بیرون می آید
نقصان اهل بیت می باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آنچه خلل از بن دندان بیرون آید و در و کسی و او دلیل که از مال
اهل بیت خویش بناحق بستاند و کسی و بد خلعت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خلعت در خواب چون بپا کرد و خوب بود و دلیل
عزت یافتن و مرتبت ریاست و مملکت باشد و زن و کنیز و حکم تاویل بقدر و قیمت خلعت و پهنه بود و اگر تا می ج
گوید اگر بیند که پادشاه بد خلعت داد و دلیل که آن پادشاه بقدر آن خلعت مال یابد و اگر بیند که عالمی و یا خلعت داد و دلیل
که از آن عالم وی را علم و دانش حاصل کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که خلعتی بد و او از خضاب بود یا
و دلیل که عز و جاه دینی یابد و اگر دینیا یا جاه را بر ایشان بود و دلیل که عز و جاه دنیا یا بد خرقه جامه کهنه و پوشیدن آن غم

بود و اگر مید که جائه خرقان ازین خود بیرون کرد و لیل که غم و اندوه از وی دور شود و همه چیزهای نو بچوب دیدن نیکو باشد که سوره که
که از نو بهتر باشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب سخته فروشی کند بد باشد و اگر جائه نوخ و بفرود نیکو باشد و خرقه
در خواب مردی بود که بدی از خود دور کند حکم حاکم باشد که ازین بیرون می آید اگر مید که ازین بی وی علم می آید و لیل که در آن
شود و از غم و اندوه رسته که در این سیرین رحمه الله علیه گوید حکم در خواب لیل بر فرزند بود اگر مید که حکم بر جائه وی افتاد و لیل
او را پس می آید و اگر مید که حکم ازین بی وی بر زمین افتاد و لیل که او را ختری آید و اگر مید که حکم بر زمین افتاد و لیل که لیل ازین
گردد و فرزند از شکم میندازد و اگر مید که زایش حکم بروی انداخت و لیل که بر زن حسا بد فساد کند و اگر مید که حکم خود و لیل که مانع از آن
خورد و بوی نیک خلیفه ابن سیرین که گوید اگر کسی در خواب خلیفه روی کشا و مید و لیل که خیر دینی و دنیاوی بوی رسد و اگر مید که
او را کاری فرمود و از کار مانی خاص و لیل که غم و بزرگی و مرتبت یابد و اگر مید که خلیفه او را و لایقی داد و اگر از مسلمان بود و لیل
شرف و بزرگی یابد و اگر مید که در سرای خلیفه شد و لیل که از مقربان وی شود و اگر مید که خلیفه از متاع دنیا چیزی بوی داد و لیل
منزلت یابد و میان بزرگان نماید و شود و مانی رحمه الله علیه گوید اگر مید که خلیفه با وی خصومت کرد و از بهر کار یک شیخ تغلق دارد
و لیل که حاجتش را شود و بر دشمن طغریا بد و اگر مید که در سیر بجای خلیفه خفته بود و لیل که خلیفه او را زنی یا کتیری یا مال و اگر مید که بر
اسپ خلیفه شسته بود و لیل که در خلافت با او شریک بود و اگر مید که پیش خلیفه یا پهلوی خلیفه و سیرت و لیل که مقدم در شهادت می وی
باشد و اگر مید که خلیفه با وی ترش روی بود و لیل که در دین وی خلل باشد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر مید که خلیفه شده است و او
از این آن نباشد و لیل که او را بکاری فرستد و اگر مید که خلیفه او را بکاری فرستد و لیل که وی خیر منفعت یابد و جعفر صادق علیه السلام
عنه گوید اگر خلیفه مرده یا زنده بیند و بشا و مان بود و با وی سخن گفت و لیل که مراد وی حاصل شود و غم و دولت یابد و اگر خلیفه
تغلق بیند تا ویش بخلاف این بود و خم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خم در خواب زنی بود که از قبل او فایده بخانه برسد بقدر بزرگی
خم که مانی رحمه الله علیه گوید خم شکی یافتن در خواب گنج بود و خم آب زن بود اما زن تو اگر باشد و اگر مید که در خانه و خم بر آب بود
و از آن آب میخورد و لیل که مال بسیار یابد و در راه خیر خرج کند و خم سر که خواب مردی پر بن کار بود و خم مسکه و روغن و لیل بر نایابی
مال حلال بود و خم آب گامه و لیل بر مردی بیمار بود و خم نفعت و لیل بر مردی غم و مایه و جوان بود و خم در خواب دیدن و لیل سلطان
کند و ریاست صاحب سلطان خمیر کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سرشتن آرد و بنا و لیل درستی دین باشد و سرشتن آرد
کند مانی بود که از تجارت حاصل شده باشد و اگر خمیر بنده بود و اگر خمیر بنده بود و لیل برضا کند و سرشتن آرد که در خواب نفعت
اندک که بوی رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر مید که خمیر فرا گرفت یا بخرد یا کسی بوی داد و اگر خمیر جوین بود و دوستی دین و حلال
بود و اگر خمیر گندم بود بقدر آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خمیر کا و رس بود و لیل که منفعت اندک بود جعفر صادق علیه السلام
خمسه گوید دیدن خمیر و خواب رسته وجه بود یکی زیادتی در دین دوم منفعت سوم مال حلال خمیره در خمیره سکه و طلست
و بعضی گویند خامه بود و بعضی گویند پنجاه بشهر آید و آورد و بعضی گویند زن بود و اگر مید که خمیره آید که خمیره و خامه و طلست

در دین و دنیا که مال و نعمت حاصل کند و ام این سیرین رحمه الله علیه گوید و ام در خواب که در حیلست بود اگر بیند که با کسی
او با هم گرفتار شده تا دلیلش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که با فوری را با هم گرفتار آید که بدان
جا نوزد منسوب بود بگر و حیلست بدست آورد و آنها ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و آنها در خواب اگر بخند یا غم ببیند
دلیل غم و اندوه بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که و آنها بر زمین ریخته بود دلیل که ترخش از آن گرد و
چیز از آنجا که دید و در خانه خود بود یا در جوال که دلیل که آنچیز که آن گرد و اگر بیند که مردگان و آنها بر دم میزدند دلیل
که آن و آنها از آن شوند و با غنی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و با غنی کردن در خواب که در آن شغل و فریاد
بود اگر خواب ببیند که با غنی میگرد دلیل که پیشه و با غنی کند که مانی رحمه الله علیه گوید و با غنی بتاویل و مالی بود و پوست درخت
سیرت باشد مغربی رحمه الله علیه گوید و با غنی در خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بودی باشد و چه ابن سیرین رحمه
الله علیه گوید و در غن در خواب مردی این بود اگر بیند که و در غن داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی این را
صحت افتد و اندوختی و منفعت یا بد بقد آن و در غن و اگر در چه چرکین و گفته بود دلیل که ببیند در حضرت رسد حضرت
صادق صلی الله علیه و آله گوید دیدن و در خواب بر نه و وجه بود یکی مرد این و دوم زن سیوم خادم چهارم قوام دین
صلاح تن ششم عمر در از بخت مال و نعمت هفتم خیر و برکت نهم میراث از رحمت زمان و دیر می ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید اگر خواب ببیند که دیری میگرد دلیل که مال مردگان بحیثیت ستان و کارهای ناکردنی کند و اگر بیند که دیری با دستاورد
دلیل که از قوم پادشاه منفعت یا بد اگر بیند که دیری مردم عام میگرد دلیل که دلهای مردم بر خود و کم کند و انیال علیه السلام
گوید اگر بیند که نوبت شد دلیل که بگر و حیلست روزی از مردم بدست آورد و اگر بر و دانا بود که دیری میگرد دلیل که خیر و منفعت
بسیار یا بد و اگر ببیند خواب عمل را بود و دلیل که مغرول شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که جامع قرآن و حدیث حق
دلیل که خیر و منفعت آنجانی یا بد و اگر بیند که غول و شخری نبشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گرد و اگر بیند که نامه می نبشت
و داد و نیک بود و دلیل که قباله را بنویسد و اگر بیند که آنچه می نبشت خلاف شریعت بود و دلیل که عاقبتش بد بود و سیرین
بجواب دیدن جای اندوه بود و لیکن عاقبت بخیر بود و دلیل منفعت و بزرگی بود و جمال ابن سیرین رحمه الله علیه
و جمال را در جانی محروف دیدن دلیل که در آنجا فتنه افتد و دروغ زمان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد
و خشر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و خشر خواب دیدن خرج و شادی بود و اگر خواب ببیند که او را و ختری آمد یا کسی
بوی داد و یا بخند دلیل که بقدر جمال و خوبی و خشر را مال و خرمی و نعمت حاصل گرد و اگر بیند که و خشر و تا و یا کسی
این بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که و خشر و چرکین و ناقص بود و دلیل بر غم بود و اگر بیند که و خشر و بر گرفته بود
دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که و خشر و کسی داد و دلیل که از وی خرمی بر آنکس رسد و خشر اگر بیند که در زیر خود دود
عود میگرد یا از بویها خوش چیزی داشت دلیل که پیشه یا موز و از آن منفعت یا بد و با مردم عیش خوش گذراند

در دین و دنیا

و اگر خواب ببیند

که با فوری را با هم

گرفتار آید که بدان

جا نوزد منسوب بود

بگر و حیلست بدست

آورد و آنها ابن سیرین

رحمه الله علیه گوید

و آنها در خواب اگر

بخند یا غم ببیند

دلیل غم و اندوه بود

که مانی رحمه الله علیه

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

و اگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دشمن در خواب بر سر و وجه بود یکی کسب و نیست و دوم
و منفعت سوم بنای نیک و دوگان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که دوکان داشت جمله خرشنه یا یکی خرش
یکی گاو یکی گوسفند دلیل که روزی بروی فراخ شود لیکن او را زیان دارد و اگر ببیند که چهار پایی وی دوکان شد
تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دوکان در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن و دوم پادشاه
چهارم سوم زمان سلطه چهارم همسایه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که گوسفند میخورد دلیل که مال مردم بحالت پست
گرمای رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که بصورت دوی شد دلیل که عقل از وی زایل گردد و اگر ببیند که دوکان با وی سخن گفت
دلیل که پادشاهی یابد و اگر ببیند که دوکان از میکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و تراج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید در تراج در
خواب زنی خوب روی بود به مهر که با شوهر ساز کاری نکند اگر ببیند که تراجی گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی بدین
صفت خواهد و اگر ببیند که گشت و تراج بخورد و دلیل که مقدار آن مال زن بستاند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که تراج
بسیار داشت و داشت که ملک دست و دلیل که بقدر آن زنان و کنیزان او را حاصل آیند اگر ببیند که تراج از دست وی
بر برید دلیل که زنا حلاق دهد و راعه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب ببیند که راعه نو و بزرگ و فراخ و بزرگ
بود و دلیل که بقدر آن او را جاده و قوت و شرف در دین بود و اگر ببیند که راعه چرکین و تنگ پوشیده بود تا ویش بخلاف
این بود که زانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که راعه سپید پوشیده بود و دلیل که مال نعمت و بزرگی یابد و اگر در اعطاس بود
بود و دلیل که مضیبت بود و اگر سیاه بود و دلیل غم و اندوه باشد لیکن راعه سیاه قاضی و خطیب را زیان ندارد و اگر ببیند
که راعه از تن وی بیرون کرد و دلیل که از زن جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن راعه در خواب بر هفت
وجه بود یکی فرخ دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاده پنجم منزلت و ولایت ششم کار و بهنم زن و در خواب
زن بود و اگر ببیند که در می بسته از جای معرک یا مجهول در برابرش کشادند و آن در را کشاده شد بر جانب راه بود
و دلیل که مالی که دارد خرج کند و اگر ببیند که در سرائی در برابرش کشاده شد و دلیل که مالی از پادشاه بیا بد بر عیال نفع کند
و اگر ببیند که در سرائی اشکست دلیل مصیبت و بخت عظیم بود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که در سرائی او کشند
بروند و کس نداشت که بجا برود و دلیل بر محنت و مصیبت خداوند خانه بود اگر ببیند که در سرائی او آتش شد و دلیل بر
مصیبت اهل سرائی بود و اگر ببیند که در می کوچک بود و دلیل که آفت بعیال او رسد و اگر ببیند که در سرائی چنان فراخ
بود که هیچ دری بدان فراخی نبود و دلیل که قومی بی فرمان در سرائی او روند بقوت و مصیبت با خصومت اگر ببیند که حلقه
در سرائی او می جنبانید اگر جزایش داد و دلیل که وعای او مستجاب گردد و باشد که کخی بیا بد و اگر ببیند که چون حلقه جنبانید
از او در آتش را بکشاد و دلیل که خدا تعالی البته وعای او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر یابد که زانی رحمه الله علیه گوید
اگر ببیند که در محکم بست و قفل برود و دلیل که زشت میرد یا زنا حلاق دهد و اگر ببیند که در در و در که بر فرمود تا در نو

در خاندان

در خاندان

در خاندان

در خاندان

در خاندان

خاندان و ند دلیل که کثیرتی و و شیر و بخور و اگر بینه که در خانه و بر خلق بود دلیل که زنی بیوه بخا مسخرتی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که
 روان بر در خانه وی میچیدند و با ملک میکردند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند اگر بینه که در آسمان آکاشده شد دلیل که در
 اندیارد و خیرات بگشاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن در در خواب بر سته وجه بود یکی خداوند ستری دوم زن سوخته
 و در وازه این سیرین رحمة الله علیه گوید هر که در وازه شهری خواب بینه دلیل که حاجب و در بان پادشاه بود و در بان در خواب
 دیدن مردی بزرگ بود و در بانی که درون این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بینه که در بانی میگرد و دلیل که حاجتی که دارد زود روا
 و از فردی بزرگ عو جا به یابد اگر بینه که در بانی میگرد و دلیل که حاجت بروی سبب کسی بود و روا شود اما او جا به نیاید مسخرتی
 رحمة الله علیه گوید اگر بینه که در بانی پادشاه میکرد دلیل که مقرب پادشاه گردد و در بر گرفتن شرح بر گرفتن و در حرف گفتن
 و خندان و نایل علیه السلام گوید درختی که پیش مردم غریب است خواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود و اگر درختی بینه که پیش
 مردم خوار بود دلیل بر مردی فرومایه بود و هر درختی که میوه دارد و دلیل که مردی توانگر بود و درختی بی بریل بر مردم دره پیش بود و درختی
 که در دیار عرب بود دلیل بر مردم بیابانی بود و هر درختی که در عجم باشد دلیل بر مردم عجمی باشد و درختی که در باغ بیند دلیل بر مال بود بخدا
 باغ اگر بینه که درختی ازین بکشد دلیل که مرد بر از جا به و نعمت افکند و درخت خرمای خواب بینه دلیل بر مردی شریف
 و عالم بود و اگر بینه که درخت خرمای در خانه داشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود خرمای چون باغ میزد دلیل که تاویل و بخت و خدا بستان
 کرد و درخت انبوس دلیل بر مردی فرومایه شد و در کار خویش و بعضی گویند زن بود یا کینک و درخت آلومردی طبیب بود
 که اندوی نفع بهر کس سد و درخت با و ام زنی خوروی صاحب حال بود و درخت انار مردی توانگر بود و با منفعت و درخت
 پیل دلیل بر مردی شریف و بزرگ کند و درخت بر دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود و درخت تریخ دلیل بر مردی مخالف خود
 رای کند و درخت زیتون دلیل بر مردی جاهل و نسب باشد و درخت خنظل دلیل بر مردی درویش بدین کند و درخت زرد که
 دلیل بر مردی مبارک بود که نفع رساند و درخت سرو دلیل بر مرد عجمی خوش طبع کند و درخت سجد دلیل بر مردی سبک روح
 و محشم باشد و درخت سیب دلیل بر مردی بهارگون باشد و درخت شمامه و دلیل بر مردی تیز و ولت کند که زود و پاک
 شود و درخت شفتالو دلیل بر مردی بزرگوار بود که بشیرم باشد و درخت عمو و دلیل بر مردی نیکروی و خوش زبان باشد
 و درخت ششک دلیل بر مردی توانگر بخیل بود و درخت کل دلیل بر مردی شاد کام باشد و درخت فندق و دلیل بر مردی غریب
 سخت مل بود که لهو دوست دارد و درخت بلوط دلیل بر مردی بیخبر منافق بود و درخت جوز و دلیل بر مردی شریف و جوانمرد
 بود و درخت جوز بهندی دلیل بر مردی عجمی بود که با مردم بخل کند و با عیال سختی کند و اگر بینه که بالای درخت بود دلیل که با مردی
 بزرگ پیوند دارد و منفعت و بزرگی یابد و درخت لیمون و دلیل بر مردی بود که با و کند یا منجم بود و درخت مور و دلیل
 بر مردی کران طبع و ناساز دار بود و درخت نی دلیل بر مردی بدخوی و سخن چین بود و هر درختی که میوه دارد و دلیل که
 میوه او بود و اگر بینه که از درختی میوه دارد میوه میخورد و دلیل که بقدر و قیمت آن میوه مال و نعمت یابد و مقبران گویند دیدن در

در خواب

خانه خود درخت در خواب زن بود و هر درخت که در خانه پادشاه بیند دلیل که خدشکار پادشاه باشد و اگر درختان بیند که ساق نازک
 همچون درخت خیار و خربوزه تا ویش بر مردمان دون بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر گاهی درخت توی بیند دلیل که زکوه مال
 بر او باشد و اگر بخلاف این بود و دست درخت دلیل بر روزی بود که خداوند درخت را بود و شاخ درخت برادران و خویشان فرزند
 بود و اگر بیند که درخت بر کما بسیار داشت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر بیند که بارانی اندک دارد تا ویش بخلاف این بود
 و میوه درخت دلیل بر خداوندش که بر بنده کار و دین دارد و اگر بیند که درخت بر پیچیده و دلیل بر کمند خداوندش بود و مغز بی
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درخت بوی خوش دارد و میوه خوش طعم دلیل بر مردی صالح و پاک دین بود و اگر بیند که درختی میوه خوش
 دارد و خار دارد و دلیل بر مردی مسند بی دیانت باشد و اگر بیند که در سراسر او یا در سراسر دیگران که تاه درخت بود و دلیل بر مصیبت
 بود که در آن سراسر افتد و اگر بیند که در سراسر خود تکی می کشد دلیل که بقدر آن تخم چیزی بوی رسد و اگر بیند که درخت در زمین
 بیگانه می نشاند دلیل که با مردم بیگانه اند و از صحبت افتد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سراسر خود درختی می نشاند دلیل که با
 خود و اگر بیند که بر بالای درختی بلند میشود دلیل که کار وی بزرگ شود و اگر بیند که برکت درختان جمع میگردد و دلیل که بقدر آن
 مردم حاصل کند و اگر بیند که از درختان میوه حاصل میگردد و دلیل که فرزندان و نسل وی زیادت بشود و اگر درختان میوه و آب بسیار
 و دانه ملک اوست و دلیل که او را عمری دراز بود و ظفر و بزرگی یابد و اگر بیند که درخت را میسرید دلیل که بهادر گردد یا از آن کسی
 بهیر و اگر بیند که در وقت نمران در باغ جمول بود و میسید که برکت از درختان می افتد و دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که درخت
 با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و اگر بیند که درخت از جامی بکند و دلیل که بهار شود و باران موضع کند
 کند کسی بهیر و مغز بی رحمة الله علیه گوید اگر درختان بریده یا خشک شده بیند و دلیل که مردمان بدین باشد و هر درختی که نیکو
 بیند و دلیل که دین او نیکوتر باشد و هر چه در درخت نقصان بیند و دلیل بر نقصان وی بود و اگر بیند که در سایه درخت نشسته بود و پای
 بود و دلیل که در سایه مردی رود که بدان درخت منسوب باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درخت در خواب بر وجه بود و یکی
 پادشاه و دوم زن سوم بازرگان چهارم مردم مباد و پنجم عالم ششم مؤمن هفتم کافر هشتم جوان نهم خصومت دهم مال شهنش
 و رو اندامها این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بر خواب بیند که اندامی وی در میگرد و دلیل که مال از دست وی برود و اگر
 بیند که سرش در میگرد و دلیل که گناه بسیار کرده بود و توبه کند و صدقه دهد و قوله تعالى فمن كان منكم مریضا أو بهاء أذی
 من و آتیه ففذلک به من صیام او صدقائه أو نسائه و اگر بیند که پیشانی وی در میگرد و دلیل بر فساد دین
 و غم و اندوه بود و اگر بیند که چشم خود را در میگرد و دلیل که او را کسی ماه نماید بخت و اگر بیند که دوش در میگرد و دلیل که از هر کس خفتنی است
 نشود و اگر بیند که بینی وی در میگرد یا در زبان وی نقصان بود و دلیل که خنکی گوید که بوبال باز گردد و اگر این خواب باز در کافری
 دلیل که در تجارت و روع گوید و اگر زبان خود بریده بیند و دلیل که بر صلاح و پارسائی بود و اگر بیند که کاش در میگرد و دلیل که آسایش
 دلیل که از حق کسی منکر شود و اگر بیند که دوش در میگرد و دلیل که از خویشان اندوه یابد و اگر بیند که گردن او در میگرد و دلیل که

در خواب

در خواب معلوم کرد که آن باشد که مرد جابل و نادر از دانش و فریب است آموزد و بدتر و صبح کارهای مردم باشد و راه اتفاق و شاد و از ایشان زایل گرداند مغربی رحمه الله علیه گوید در دو که معلوم کرد که آن باشد و زویشی این سیرین رحمه الله علیه گوید در ویشی در خواب تبارز تو انگری بود خاصه که در راه دین و صلاح بود و اگر میند که در ویش شده بود دلیل بر صلاح دین بود و اگر میند که تو انگر شده بود و تبارز مخالف این بود که آنی رحمه الله علیه گوید اگر میند که با ویش مسلمان خیر است که دلیل که از غم و رنج رسته گرد و اگر میند که بر در مسکینت و نان میخواست دلیل که خیر و منفعت بد و رسد در پیا این سیرین رحمه الله علیه گوید در پیا در خواب پادشاه بود یا عالمی بزرگ اگر میند که آب دریا روشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که پادشاه پارسا و عادل و دادگر بود و اگر میند که آب دریا خوش طعم نبود دلیل که پادشاه مضطرب و ظالم بود و اگر میند که آب دریا بخور و دلیل که از پادشاه جاه و بزرگی یا بد یا از عالمی بهره مند گرد و اگر میند که آب دریا بر میگرفت و در سبوی میکرد دلیل که بقدر آن از پادشاه او را منفعت رسد و اگر میند که در دریا فرو شد چنانکه تن او بگل آلود گشت دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر میند که تن خود را از گل شست دلیل که غم و اندوه از وی زایل گردد و اگر میند که در آب دریا شنا کرد و دلیل که پادشاه او را محبوس دارد و اگر میند که از دریا با شنا بیرون آمد دلیل که از زندا خلاصی یابد و اگر میند که در دریا غرق شد و برود دلیل که در کار دین غرق شود و اگر میند که از دور دریا دید و نزدیکت رفت دلیل که بد آنچه میدید میداد و برسد و اگر میند که فراز دریا میرفت و پای او تریبی شد دلیل که از آتش و فرخ این کرد و کارهای دنیاوی بروی آید گرد و اگر میند که در دریا بود و بقول کرمانی رحمه الله علیه دلیل که بخدمت پادشاه ردد و طبع و فضل گردد و اگر میند که در میان دریا رفت دلیل که کاروی با خطر باشد و اگر میند که از دریا بیرون آمد دلیل که بیغم شود و اگر میند که از دریا آب خورد و سیر بود و میند خواب بود دلیل که بهره تمام یابد و اگر میند خواب عالم نبود و بخلاف این بود قوله تعالی لَوْ كَانَ الْإِنْسَانُ عَدْلًا لَدَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ لَّيُكْفَرُوا بِهِمْ فَرَأَوْهُمُ كَالْكَلْبِ إِذَا سَأَلَ بِشَاءٍ قَالَ الْآخَرُ إِنَّهُ مُغْنِيكَ عَنْهَا فَاغْلَبَهُ وَكُلَّ الْآخَرُ كَالْحَرَابِ

در خواب معلوم کرد که آن باشد که مرد جابل و نادر از دانش و فریب است آموزد و بدتر و صبح کارهای مردم باشد و راه اتفاق و شاد و از ایشان زایل گرداند مغربی رحمه الله علیه گوید در دو که معلوم کرد که آن باشد و زویشی این سیرین رحمه الله علیه گوید در ویشی در خواب تبارز تو انگری بود خاصه که در راه دین و صلاح بود و اگر میند که در ویش شده بود دلیل بر صلاح دین بود و اگر میند که تو انگر شده بود و تبارز مخالف این بود که آنی رحمه الله علیه گوید اگر میند که با ویش مسلمان خیر است که دلیل که از غم و رنج رسته گرد و اگر میند که بر در مسکینت و نان میخواست دلیل که خیر و منفعت بد و رسد در پیا این سیرین رحمه الله علیه گوید در پیا در خواب پادشاه بود یا عالمی بزرگ اگر میند که آب دریا روشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که پادشاه پارسا و عادل و دادگر بود و اگر میند که آب دریا خوش طعم نبود دلیل که پادشاه مضطرب و ظالم بود و اگر میند که آب دریا بخور و دلیل که از پادشاه جاه و بزرگی یا بد یا از عالمی بهره مند گرد و اگر میند که آب دریا بر میگرفت و در سبوی میکرد دلیل که بقدر آن از پادشاه او را منفعت رسد و اگر میند که در دریا فرو شد چنانکه تن او بگل آلود گشت دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر میند که تن خود را از گل شست دلیل که غم و اندوه از وی زایل گردد و اگر میند که در آب دریا شنا کرد و دلیل که پادشاه او را محبوس دارد و اگر میند که از دریا با شنا بیرون آمد دلیل که از زندا خلاصی یابد و اگر میند که در دریا غرق شد و برود دلیل که در کار دین غرق شود و اگر میند که از دور دریا دید و نزدیکت رفت دلیل که بد آنچه میدید میداد و برسد و اگر میند که فراز دریا میرفت و پای او تریبی شد دلیل که از آتش و فرخ این کرد و کارهای دنیاوی بروی آید گرد و اگر میند که در دریا بود و بقول کرمانی رحمه الله علیه دلیل که بخدمت پادشاه ردد و طبع و فضل گردد و اگر میند که در میان دریا رفت دلیل که کاروی با خطر باشد و اگر میند که از دریا بیرون آمد دلیل که بیغم شود و اگر میند که از دریا آب خورد و سیر بود و میند خواب بود دلیل که بهره تمام یابد و اگر میند خواب عالم نبود و بخلاف این بود قوله تعالی لَوْ كَانَ الْإِنْسَانُ عَدْلًا لَدَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ لَّيُكْفَرُوا بِهِمْ فَرَأَوْهُمُ كَالْكَلْبِ إِذَا سَأَلَ بِشَاءٍ قَالَ الْآخَرُ إِنَّهُ مُغْنِيكَ عَنْهَا فَاغْلَبَهُ وَكُلَّ الْآخَرُ كَالْحَرَابِ

در خواب معلوم کرد که آن باشد که مرد جابل و نادر از دانش و فریب است آموزد و بدتر و صبح کارهای مردم باشد و راه اتفاق و شاد و از ایشان زایل گرداند مغربی رحمه الله علیه گوید در دو که معلوم کرد که آن باشد و زویشی این سیرین رحمه الله علیه گوید در ویشی در خواب تبارز تو انگری بود خاصه که در راه دین و صلاح بود و اگر میند که در ویش شده بود دلیل بر صلاح دین بود و اگر میند که تو انگر شده بود و تبارز مخالف این بود که آنی رحمه الله علیه گوید اگر میند که با ویش مسلمان خیر است که دلیل که از غم و رنج رسته گرد و اگر میند که بر در مسکینت و نان میخواست دلیل که خیر و منفعت بد و رسد در پیا این سیرین رحمه الله علیه گوید در پیا در خواب پادشاه بود یا عالمی بزرگ اگر میند که آب دریا روشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که پادشاه پارسا و عادل و دادگر بود و اگر میند که آب دریا خوش طعم نبود دلیل که پادشاه مضطرب و ظالم بود و اگر میند که آب دریا بخور و دلیل که از پادشاه جاه و بزرگی یا بد یا از عالمی بهره مند گرد و اگر میند که آب دریا بر میگرفت و در سبوی میکرد دلیل که بقدر آن از پادشاه او را منفعت رسد و اگر میند که در دریا فرو شد چنانکه تن او بگل آلود گشت دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر میند که تن خود را از گل شست دلیل که غم و اندوه از وی زایل گردد و اگر میند که در آب دریا شنا کرد و دلیل که پادشاه او را محبوس دارد و اگر میند که از دریا با شنا بیرون آمد دلیل که از زندا خلاصی یابد و اگر میند که در دریا غرق شد و برود دلیل که در کار دین غرق شود و اگر میند که از دور دریا دید و نزدیکت رفت دلیل که بد آنچه میدید میداد و برسد و اگر میند که فراز دریا میرفت و پای او تریبی شد دلیل که از آتش و فرخ این کرد و کارهای دنیاوی بروی آید گرد و اگر میند که در دریا بود و بقول کرمانی رحمه الله علیه دلیل که بخدمت پادشاه ردد و طبع و فضل گردد و اگر میند که در میان دریا رفت دلیل که کاروی با خطر باشد و اگر میند که از دریا بیرون آمد دلیل که بیغم شود و اگر میند که از دریا آب خورد و سیر بود و میند خواب بود دلیل که بهره تمام یابد و اگر میند خواب عالم نبود و بخلاف این بود قوله تعالی لَوْ كَانَ الْإِنْسَانُ عَدْلًا لَدَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ لَّيُكْفَرُوا بِهِمْ فَرَأَوْهُمُ كَالْكَلْبِ إِذَا سَأَلَ بِشَاءٍ قَالَ الْآخَرُ إِنَّهُ مُغْنِيكَ عَنْهَا فَاغْلَبَهُ وَكُلَّ الْآخَرُ كَالْحَرَابِ

مجلس

ت

ت

ت

ت

و اگر بیند که آب دریا تیره بود و اندک سا و میگرفت و دلیل بر پاک وی باشد قوله تعالی و استغفرهم عن الذنوب التي كانوا
حاضرون البحر و اگر بیند که از دریا مایه جان و یا قوت بر آورد و دلیل که بعلم دین آموختن مشغول گرد و یا نازل علم باشد جلوس
از یاد است شود و اگر بیند که از دریا نهنگی را گرفت و بکشت و دلیل که دشمن پادشاه بر دست می هلاک شود و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید و دیدن دریا در خواب بر شش وجه بود یکی پادشاه دوم والی سوم رئیس چهارم مالک پنجم عالم ششم
کارهای بزرگ و شرا این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در بنا کرد و دلیل بر صلاح وی بود و اگر بیند که در خود را
خراب کرد و دلیل بر تباهی و فساد دین وی بود و گمانی رحمه الله علیه گوید در خواب گنج و آجر میگرد و دلیل که صاحب دین
و اگر بیند که از کل خشت میگرد و دلیل که از غافل اهل بهشت بود و اگر در دژ محکم مقیم بود و دلیل بر صلاح دین بود و ثبات راه اگر بیند که در
از دژیرون آمد و یا از دژون میشد و دلیل که در کار دین کامل باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خود را در دژ میشد بقول مغربی و دلیل
صلاح دین بود و اگر بخلاف این میشد دلیل بر تباهی و ضعف در دین وی بود و زوی کردن اگر بیند که مال کسی دزدید
و چیزی خرج کرد و دلیل که او را بکشند و اگر بیند که نیت داشت که بدزد و اما ندید و دلیل که کسی مکر وی رساند و بعضی گویند که بکار
شود و اما شفا یابد و اگر بیند که از خانه وی چیزی بدزدید و دلیل که برخی واقعی بودی رسد که گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بخوابد
که او در دست درد آید و دلیل که حال وی بد شود و در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که دروان بروی راه زود دلیل که غم
و اندوه بیند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر زدی کلاه کسان بر و دلیل که عیش بر خیزد و اند خواب تباه شود و جعفر صادق رضی الله
عنه گوید زدی بخواب بپاری بود و بخیران گویند آنجا که زدی کنند و دلیل و اما دی باشد یا پسری در وجود آید و اگر خد و اند خواب
خامی دارد سلامت باز آید و انیال علیه السلام گوید در خواب دیدن خیانت و حیلت بود و ستاره چه این سیرین رحمه الله علیه
گوید اگر بیند که دستار چه از کتان بر دست داشت و دلیل که او را زدی یا رسا و مصلح خیر و منفعت رسد و اگر بیند که دستار چه
از وی ضایع شد یا بسوخت و دلیل که او را زانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دستار چه در خواب بر سر نه وجه بود یکی منفعت
دوم کینک سوم عطاء اذک و ستاره سحر این سیرین رحمه الله علیه گوید دستار بخت و دیدن دین بود و اگر بیند که دستار چه
یا سبزه بود یا از کتان یا از پنبه بود و دلیل صلاح دین بود و اگر بیند که دستار سفید و پاکیزه داشت و دلیل صلاح دین و دنیا بود و دستار قر
و ابریشم دلیل نیکویی حال این جهان بود و اگر بیند که دستار وی دستار ویک بر سر نه شد و دلیل که بزرگی و منزلتش بیشتر گردد و اگر بیند که
از وی بخت و ضایع شد و دلیل بر نقصان دین و پیرستی او باشد که گمانی رحمه الله علیه گوید اگر دستار خود زود زده بیند و دلیل بر نقصان
قد و جاه او بود و اگر بیند که دستار پیچیده خوب داشت و دلیل با صحابه این و دنیا ساز گاری کند و اگر بیند که دستار طرازد
و دلیل که در میان سفر و مردم مشهور گردد و اگر بیند که دستار و جامه شش جمله سبز بود و دلیل که بشماوت از دنیا برود و مغربی رحمه الله
علیه گوید هر چند که دستار بزرگتر باشد و خرد و جانشین باشد و اگر بیند که دستار خرد و چرکین بود و دلیل بر نقصان عز و جاهش بود و اگر
دستار سرخ بیند و دلیل که بر کسی شتم کند و اگر زود بیند و دلیل که بپار شود و اگر گوید بیند و دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سیاه بیند و دلیل که زبانه

فصل

حضرت بنید که خطیب و قاضی و اگر بر سر دستا بر پیشین بنید دلیل که منصف و دادگر بود و مردم او را عزیز دارند و اگر بنید که دستا
درا پیچیده بود دلیل که از سفر زد و باز آید و دستا بر پیشین دلیل بر فساد دین بود و جعفر صادق صلی الله علیه و آله دیدن و دستا در
بر هفت وجه بود یکی دین دو مرتبه است سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرتبت ششم توانا هفتم سفر و دستا رحامی در حرف می بیند
کنیم انشاء الله تعالی دست است این سیرین رحمة الله علیه گوید دست است در خواب از فکر رستن بود و اگر بنید که دست
داشت دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بنید که سنک است دست شکست دلیل که خداوند دست هلاک یا در محنت است
و اگر بنید که سنک است دست بزدلند دلیل که بیمار شود و اگر بنید که باس دست حنا و غیره خور و سیکر دلیل بر خصومت بود و دست
در انیال علیه السلام گوید دست رست تاویل برادر بود و دست چپ ظاهر بود و اگر بنید که دست راست وی دراز شد دلیل که
کار برادرش یا اینک برادرش را زکوة شد و دستش بازگشته دلیل که برادر و خواهر از وی روی بگردانند و اگر بنید که هر دو دست
کوتاه شد دلیل که نفع از برادر و خواهر بازگردد و اگر بنید که هر دو دستش بریده و افتاده بود دلیل که برادر و خواهر از زندگی اندوی جدا
و اگر بنید که هر دو دست بر سینه نهاده بود دلیل که بخت دوستان خود غم خورد و اگر بنید که میان کمر وی بود و دست میزد دلیل که
در اینجا عوسی کند و اگر بنید که مینما دست میزد و شادی میگرد و دلیل غم و اندوه بود و اگر بنید که قاضی یا سلطان دست رست
بیریدند بقول ابن سیرین رحمة الله علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندش میرد و اگر هر دو دستش بریده و دلیل که از کسب و مراد خود بازماند
و اگر بنید که سبک دست از دست دیگر دست باز میگرد و دلیل که بر کسان خود ظلم و بیاد کند و اگر بنید که دست خود را بکار و میزد دلیل
که با کسی خصومت کند یا وی کسی مشغول بود و قوله تعالی *فقطعت ایدی یحیی* و اگر بنید که کف دستها بر یکدیگر میزد دلیل که خوشی
بجای آرد و اگر بنید که یکی دستش بریده و او را برادر کند دلیل که امیران آن موضع محزون گردند و اگر بنید که مانند چهارپایان بجهان شود
و پای میرفت و بازگردد وی با آسمان داشت دلیل که از زوایا محظوظ و در شواری بر آید و اگر بنید که دست وی مادر از او شکست بود دلیل که
از حد خود ادا و کار خیر فرما ند کرد و قاضی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که دستها بر سوزن نیک کرده بود دلیل که هفتش بر نعمت عالم
بود و اگر بنید که دستش بریده بود و نداشت که دست راست یا دست چپ بود دلیل که او را مصیبتی رسد و اگر بنید که چون دستش
بریده شد و قرآن میخواند دلیل که دستش از مصیبت باز دارد و معتران گویند دست بریده دلیل که عمر و راز کرد و عصبانیت از ترک کردن
بکار خیر مشغول بودن و اگر بنید که دست راست او زهر گشایی بریده و اند دلیل که دروغ گوئی بود و بی دیانت بود و مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بنید که دست خفیش چون چنبره گردن کرده بود دلیل که برادر نیک و ناز و طاعت و حج و غزاکردن و کردار نیک بجای آورد
و اگر بنید که دست رست او بریدند دلیل که سوزن دروغ خورد و اگر بنید که دست از تن وی تخیل کرد بر تن پادشاهی وقت ایران
پادشاه مصلح بود دلیل بر خیرات و صلاح دین بود و اگر آن پادشاه مفسد بود و سیدین دلیل که شر و فسادش در دین بود و اگر بنید که
وی از دست دیگر دراز تر شد دلیل که قوت و جاه و آنچه طلب میکند بیاورد و اگر بنید که بر دو دست میرفت دلیل که کار خود را اعتماد و تکیه
گویند که از خویشان منفعت یابد و اگر بنید که دست و پای سخن گفت با و دلیل که معیشت او نیکو شود و اگر بنید که از بهر دست خود دراز

فصل در بیان دستها

بسته داشت دلیل که جمله قرآن بظاہر بخاند احمد علی ششت رحمة الله علیه گوید اگر میند که دستش چون دست سلطان شده بود و در
برخی و پادشاهی باید و اگر میند که دست راست او زترین شده بود و دلیل که در ولتش نایل گرد و اگر میند که دست خود با نشان
و صابون می شست و دلیل که نماند بشود و اگر میند که جانوری که در تاویل نیکو باشد از دست چپ و بیرون آمد و بدست راست
بدر شد باز دست راست بدر آمد و بدست چپ بیرون شد دلیل که در غم رسته شود و عاقبتش محمود گردد و اگر آن جانور متاویل
باشد دلیل که بر ضعیفی ستم کند و اگر میند که دست وی خشک شد و دلیل بر فساد و محبت کند و اگر میند که دست وی در دست گرفت
یا دست در گردن او زد و آنکس زنده است یا مرده دلیل که عرش دراز بود و اگر میند که بدست مشرکی دستینها میکرد و دلیل که
سنگ بدست وی مسلمان شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست در خواب بر دوازده وجه بود یکی برادر و دوم خواهر
سوم ابناء چهارم دوست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانائی نهم ولایت دهم مال یازدهم محب دوازدهم ضعیف
و سست او بر بختن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دست او بر بختن در خواب دراز تر از شوهر بود و دراز تر از عجم و دانه بود و اگر
دست او بر بختن بنشیند دلیل که اندر پیش کشور بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که سخت او بر بختن بد و او دلیل که
در او فرزندی آید یا بر او بی و اگر این خواب زنی بیند و دلیل که شوهری کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بخواب میند که هر دو
او بر بختن داشت دلیل که او را مال و نعمت بختن حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست او بر بختن در خواب
بختن وجه بود یکی ریاست دوم حکمت سوم مکر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند دست در وی شستن ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید اگر میند که دست در وی بآب صافی بشت دلیل که از غم فروج یابد و اگر بخیار بود شفا یابد و اگر وام وار بود و مالش که زنده بود
اگر میند که دست در وی نداشتند نماز میکند و دلیل که دشمن ضعیف باشد و مالی که در او از دستش برود مغربی رحمه الله
گوید اگر میند که بهر دو دست در وی می شست دلیل که از دوستان خود یاری خواهد و اگر میند که دست در وی می شست
و حادثی بیاید و وضویش باطل نشد دلیل که در کار و کسب خود بیچاره گردد و اگر میند که او را حادث افتاد و دیگر در خواب
ست و نماز اذکار و نماز تمام نکرد و دلیل که عرش با خرسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که کسی دست
روی او را شست و او تامل در آن میکرد و دلیل که مرادش حاصل آید و سینه در خواب مراد از بهتر از زنان باشد ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید اگر میند که سینه از آهین در دست داشت دلیل که او را تو انگری و قوت بود و بر دشمن ظفر یابد خاصه که سینه از پولادی
و سینه زرین یا سیس باشد وایش چون دست او بر بختن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سینه در خواب بر سه
وجه بود یکی قوت و توانائی دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کارهای دنیاوی و ششم اگر بخواب میند که او بر دشمن غلبه کرد
یک که مرادش حاصل آید و اگر دشمن بروی غلبه کرد تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که دشمن او را بخورد و دلیل که در بلا و مصیبت
نفتد و به بید کردن تا بلا دفع شود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی بشکل کار
غم و دانه سوم خسران مال و ششم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب میند که کسی او را دشنام میدهد و دلیل که او را

۱۰۰

一



نیکو بود و آنکس بر دشنام دهنده عطف باید کرد که مافی رحمته الله علیه گوید اگر بیند که کسی در دشنام داد و دلیل که آنکس بر وی چیره و کارگاه
 شود و عاگردن این سیرین رحمه الله علیه گوید و عاگردن در خواب روانی حاجت بود اگر بیند که خور و عاگردن و آمرزش مستحق
 دلیل که خانه و کارش بخیر بود و حاجتش برآید و اگر بیند که مصلحی را عاگردن و دلیل که بظلم و فساد نکارد و امر معروف و نهی
 بیند که حلقه او عسکد و دلیل که نیکخواه خلق بود و حاجتهای وی روا گرد و اگر بیند که وعاء خاص میخواند و دلیل که فرزندش را میخواند
 را که نادانست که خفیا که مافی رحمته الله علیه گوید اگر بیند که در تاریکی و عاصی خواند اگر مصلح و پارسا بود و دلیل که محتاج او را
 بسیار زد و حاجت وی روا گرد و اگر بیند که آن خواب معسب بود او را توبه دهند و اگر کافر بود اسلام آورد و وف زدن این
 سیرین رضی الله عنه گوید زدن در خواب دلیل امر معروف کردن است و اگر بیند که دف سیر و دلیل که تبرک کار صلاح کند
 که مافی رحمته الله علیه گوید اگر خواب بیند که دف زدن است و دلیل که زنی بد کرد و از بخوابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید آواز دف
 در خواب شنیدن نشا ط بود و چون از کنیزکی زنی بشنود بهتر بود و اگر از مردی بشنود دولت و بزرگی یابد و چون از جوانی بشنود
 دلیل ظاهر شدن کار با باشد و لالی کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید و لالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی مصلحت
 کردن و میان مردمان دو راه درست سوم کردار نیک چهارم امر معروف و نهی آوردن و لالی مردی بود که برهنای مردمان
 باشد بخیر و اگر کسی بخواب بیند که ولالی میکرد و دلیل که راه خیر نماید جعفر صادق رضی الله عنه گوید و لالی کردن در خواب بر چهار وجه بود
 که بالا گرفته است اول بدانکه دل پادشاه شهرت است و تن به فرمان او قائم است و دل خزانة عقلست در نهان و آشکار
 این سیرین رحمه الله علیه گوید دل خواب دیدن جمع کردن مالیت که بوی رسد و اگر بیند که دل بیرون آردن وی بود و دلیل
 صلاح و نگوئی بود و قوله تعالی اَفَرَأَيْتُمُ مَّا كَانَتْ اَوَّلُ الْبَيْتِ قَالُوا كَانَتْ اَوَّلُ الْبَيْتِ قَالُوا كَانَتْ اَوَّلُ الْبَيْتِ قَالُوا كَانَتْ اَوَّلُ الْبَيْتِ
 بر وی دشوار شود و اگر بیند که دل او شادمان بود و دلیل که کارهای بر وی کشاده گردد و اگر دل را فرو بسته بیند دلیل که کارگاه او تیره
 گردد و قوله تعالی اَفَرَأَيْتُمُ مَّا كَانَتْ اَوَّلُ الْبَيْتِ قَالُوا كَانَتْ اَوَّلُ الْبَيْتِ قَالُوا كَانَتْ اَوَّلُ الْبَيْتِ قَالُوا كَانَتْ اَوَّلُ الْبَيْتِ
 که دل بهر دو دست گرفته بود و دلیل که کارهای وی برآید که مافی رحمته الله علیه گوید اگر بیند که دلش در دو سیکه و دلیل که مالش زیاده بود
 و اگر بیند که چشمهای وی کشاده بود و دلیل که بکارهای بهر دو جهان راغب و حریص بود و اگر بیند که از وی خون بیرون می آید
 و دلیل که از کار ناگرونی توبه کند و بخداوند باز می آید و اگر بیند که از وی صفرا بیرون آید و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن
 خشکی رسد و دلیل که بنغم شود و اگر بیند که از وی گوی بهر بیرون آمدن گوهر از زمین بخند و دلیل که کافر گردد و اگر بیند که گوهر از زمین بیرون
 و بخورد و دلیل که باز مسلمان گردد و اگر بیند که گوهر از دل برآورد و کرد و او را بد بسته بود و مردار بد بر زمین ریخت و گوهر فرو خورد و دلیل که تبرک
 پنج نماز بگوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دل او پاره پاره شد و دلیل که دل را به وسعهای محال مشغول گرداند و اگر بیند که دل وی
 روشن و متور بود و دلیل بر صلاح دین کند و اگر بیند که دلش تاریک بود و تا وی پیش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدن
 دل در خواب برده و وجه بودی مال دوم ریاست سوم فرزند چهارم شجاعت پنجم چنانچه وی ششم حرمی هفتم توشه ثامن نصرت نهم شهید تهمینان

در خواب
 دیدن

در خواب
 دیدن

در خواب
 دیدن

در خواب
 دیدن

در خواب
 دیدن

احوال خویش و بنیال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که چون سبب خرد و کا و دم و دشت و لیل که مالش زیاده گردد و دزدانی او
 راحت کرد و او را در راه دین است بود و اگر میند که دم او چون دم سبک یا چون دم کرک یا شغال بود و لیل مال حرام یا بد و دم او را
 کنند و اگر که در دست دم سب یا کا و یا خرد و دشت و لیل که بقدر آن مال لغت یا بد و اگر میند که در دست او دم حیوانی بود که گوشت
 و حرام بود و لیل که مال حرام یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بنیال خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بیج دوم باران سحر مال
 چهارم راحت عیش و شل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که دشت و لیل که مالش زیاده شود و بقدر بنیال اگر میند که
 وی بشکافت و خون آمد و لیل که چندی از مال وی تلف شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که از دشت و لیل خون و دیم می آمد و می کشید
 که بقدر آن مال حرام یا بد و اگر میند که دار و بنیال نهاد و چهارم از خون بشت و لیل که از حرام نوبه کند و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و بنیال
 در خواب بدرد مال بود که یکی که میند و یا مال آن بود بر قیاس زیادت و یکی او را که میند که و بنیال خام مجوز و لیل که مال شبهه خور و اگر
 میند که و بنیال میخورد و لیل که دشتش از مال وی مجوز و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که او را چون گوشت و بنیال بود و لیل که او را فرزند
 که خداوند و لیس اقبال بود و روزی فراخ کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بنیال دیدن بدرد و بنیال و ندان و بنیال علیه السلام
 گوید و ندان و خواب دیدن از ندان بود و ندانهای بالا و لیل برزیه بود و ندانهای زیرین و لیل برآینه بود و ندانهای پیشین
 و لیل بر فرزند و برادران و خواهران بود یا پدر و مادر و ندانهای که بر جنب آن باشد و لیل بر غم و غمزدگان بود و ندانهای پسین
 و لیل بر خویشان دور بود و سفیدی و پاکیزگی و ندان و لیل بر قوت و جاه و اهل بیت بود و بعضی معتبران گویند که ندانهای پیشین
 از سوی راست است و لیل بر پدر و خویشان او بود و آنچه از سوی چپ است و لیل بر مادر و خویشان مادر بود و اگر میند که ندانهای پیشین
 می جنبد و لیل برین جماعت که وصف کردیم یکی میار کرد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که ندان پیشین آید و برکت دست یا بد
 کنار یا بر زمین افتاد و بنیال که دشت و لیل که او را فرزند یا بد یا برادر می یا خواهری و اگر میند که ندان می در خاک افتاد
 یا ضایع شد و لیل که از ایشان که گفتیم یکی میرد و اگر میند که ندان و می شکست یا پوسیده شد و لیل از اینها که گفتیم یکی رافتی
 و میند که اگر میند که ندان پیشین او گرفته شد و لیل که او را با چنین کسان خصوصت افتد و اگر میند که از ندان یکی بگذرد و لیل که او را
 او را سختی زشت بگوید و از وی مفارقت جویند و اگر میند که ندان پیشین وی زیاده شد و لیل که از اینها که گفتیم یکی در خرمی و در است
 باشد و اگر میند که جنب و ندان از ندان دیگر برست اگر از زیر بود و لیل که او را و خرمی آید و اگر از بالا بود و لیل که او را پسری آید و اگر
 که ندان پیشین خود بر کند و لیل که او را و خود از اینها که گفتیم بستاند و اگر میند که جمله ندان بیفتد و در حال بدید شد و لیل بر پاک اهل
 خانه ندان او باشد و اگر میند که ندانها برکت دست یا بد کنارش افتاد و لیل که اهل خانه نشیند و اگر میند که همه ندان از او بود
 ازیر بود و اگر میند که خواب اهل صلاح بود و لیل بر خیر و نیکوئی او بود و اگر از اهل شر بود و لیل بر شر و عداوت او بود و اگر میند که ندانهای پیشین
 یا از آن بگذیند بود یا از صفای لیل بر ناک او بود و معتبران گویند که افتاد و ندان گذاردن و احم بود و بعضی گویند و لیل بر جنگ و
 کند کرمانی رحمه الله علیه گوید و ندان بالا که در مقابل چشم است و لیل بر برزیه کند و ندان زیر و لیل بر آینه کند و اگر میند که جمله

هیچ فایده نبود و بلکه کرامانی رحمة الله علیه گوید و بلیز در خانه خادم بود و اگر بیند که دیرتر از آن بود و نیکو بود و دلیل بر تندستی بود و
 خادم خانه بود و اگر بیند که دیرتر از آن است بلیش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دیرتر از خانه را دور از خشت
 و گل بود و دلیل که اگر داخل بود و خادم خانه مسند و بیدین بود و وال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب ببیند و وال را در خواب
 و شفقت بود و نقد و قیمت آن جانور که دوال از پوست می بود یا بد و اگر بیند که دوال یا به باره کرد یا ضایع شد و دلیل که بعد از آن
 حضرت بنی مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوال بسیار داشت و آن دوالها از پوست جانوری بود که گوشت وی حلال است
 و دلیل که مال حلال یا بد و اگر بخلاف این ببیند دلیل که مال حرام یا بد و خوش جامه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب
 که جامه خود مسند و خشت و دلیل که کارش بد او شود و حالش بصلاح آید و اگر جامه خیال خود مسند و خشت همین تاویل دارد و اگر بیند
 که جامه زنی بیکانه مسند و خشت و دلیل که عینی و زبانی بد و رسد و اگر بیند که جامه مردی مسند و خشت و دلیل که خیر و نیکو بیند و اگر بیند که
 سوزن در دست و جامه تمام و خشت و دلیل بر شغلی که پیش گیرد تمام کند و اگر بیند که جامه دوخته در خانه بسیار داشت و دلیل که
 وی فراخ کرد و مال تمام از میراث یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیراهنی از بر خود بد و خشت و تمام کرد و دلیل که با عیال مبارک
 بود و اگر بیند که شلوار بی بد و خشت و نیت آن تمام نکرد و دلیل که زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود و اگر بیند که قبا بی بد و خشت و دلیل
 که بچه می مشغول گردد و اگر بیند که جامه عیال مسند و خشت و دلیل که بگفتگوی عیال در اندازد و اگر دید که از بر جامه رشته عیال
 عیال از جای بجای تحویل کند و اگر بیند که از بر عیال خود جامه بپوشد و خشت و دلیل که غمگین گردد و بهجت کنایه اندوه یا جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید روزی در خواب دیدن کسی بود که کالای پراکنده بدست وی جمع شود و با صلاح آید و دو او بن
 رحمة الله علیه گوید و در خواب با و شاه سمر بود و اگر بیند که از جانب شرق یا مغرب و دوی عظیم بود و دلیل که مردم آن دیار
 از دست او شاه جو و ستم کشند و اگر بیند که دود در عالم بر خاسته بود و آتش بانه میزد و دلیل که غنچه در عالم افتد مغربی رحمة الله علیه
 گوید اگر بیند که در شهری یا در ولایتی بی آنکه آتش بود و دود بود و دلیل که آن موضع را از حق سبحانه و تعالی بپوشد و اگر بیند که از
 خانه یا از دامن وی دود می آمد و دلیل که با و شاه ظالم او را مضرت با مصادره کند و مال وی بزد بستاند و در خواب ابن سیرین
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در و درخ بود و بیرون نیامد و دلیل که عاهی و بد کردار باشد تو به باید کردن و اگر در و درخ را دید و آنرا
 کفرندی بوی نرسید و دلیل که در و درخ غم گرفتار آید و حاجت سلامتی یا بد و اگر بیند که در و درخ میقیم بود و ندانست که کی انجا رفت
 و دلیل که پیوسته در دنیا در پی روزی بود و اگر بیند که طعام و شراب با بل و درخ میخورد و در آتش میپزد و دلیل که در دنیا کار بد
 در آخرت و بال بود و اگر بیند که فرشته از سوی پیشانی او را گرفت و در و درخ انداخت و دلیل که بیند خواب را علامت بد
 باشد کرامانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در و درخ ببیند و دلیل که بر کناه کردن و بلیز بود و اگر بیند که از قوم و جمیع خود و دلیل که بلیز
 و جمل مشغول گردد و اگر بیند که شمشیر بر کشید و در و درخ رفت و دلیل که سخن بخش و سکر گوید و اگر بیند که در و درخ چیزی میخورد و دلیل
 که مال یتیم و با خور و اگر بیند که نزدیک و درخ آتش می افروزد و خشت و دلیل که کاری صاحب او را پیش آید مغربی رحمة الله علیه گوید

از خواب

در خواب

و در خواب

در خواب

اگر خواب بیند که او را کسان بدو رخ میروند و دلیل که عاقبتش بکفر شد قوله تعالى یوم یستحبون فی النوا علی وجوههم
 و قد من سقره اگر بیند که بدو رخ رفت و بیرون آمد دلیل که از کتبی که کرده باشد بپسندد و اگر بیند که او را در دو رخ میروند
 و فریاد غمناک است که دلیل که بر کفر بود قوله تعالی قال احسبوا فیها ولا تحکموا فیها اگر بیند که با نیکو دو رخ میروند
 دلیل که بهیبت و سیاست پادشاه بدو رسد و اگر بیند که نزدیک دو رخ قرار گرفت دلیل که جهان بر وی تنگ شود و جعفر
 رضی الله عنه گوید در دو رخ و خواب بر شش وجه بود یکی خشم حق تعالی دوم مبتلای گناه سوم جور سلطان چهارم هلاکت
 مصیبت و پنج و شش این سیرین رحمه الله علیه گوید و شش در خواب نال و غمت بود و لیکن نه بسیار و اگر
 که دو شش میخورد دلیل که بقدران او مال حاصل گردد و اگر بیند که دو شش میساخت دلیل که کاری کند که از آن خبر
 و منفعت یابد و اگر بیند که دو شش در دمان نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که
 دو شش پسندد و پاکیزه میخورد دلیل که او را فرزندی خوب صورت آید و شش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 و شش در خواب زلفت مرد بود و اگر بیند که دو شش راست و ضعیف شد یا شکسته بود تا ویش بخلاف این بود که
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دو شش وی قوی و درست بود دلیل که امانتی در کون وی بود و مال یا دزدانی که پسند
 ندارد و دو شش یکی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دو شش یکی زنی بکجاست بسته دلیل که مال حرام یا بدو اگر زنی
 نباشد و در خواب بیند که دو شش است دلیل بر ستر و عفت وی بود که زانی رحمه الله علیه گوید اگر مردی بیند که دو شش
 بسته دلیل که در آن سال زن خواهد یافت و دو شش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرد و دوغ در خواب و دوغ در خواب و دوغ در خواب
 و معبران گویند که خوردن دوغ در خواب نال حرام بود زیرا که مسکه از وی بیرون کرده اند و اگر بیند که دوغ بکسی داد و دلیل
 آنکس غمناک گردد و کان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب خواب بیند که دکانی بنا کرد دلیل که زنی خواهد و اگر بیند
 که دکان را خراب کرد دلیل که زنی را طلاق دهد و اگر بیند که دکان بفتاد دلیل که زنیش میبرد و اگر بیند که بیضی خدایند
 دکان و در بر دکان نشست دلیل که بعیال مردم تصرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دکان در خواب
 وجه بود یکی زن دوم عیش سوم عتو و جاه چهارم نکوئی پنجم بلندی ششم چون دکان بود در مرتبت باشد و دوک
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دوک در خواب دلیل بر دختر بود و اگر مردی بیند که دوکی فرا گرفت و در وی و مهره دو
 بود دلیل که دختر بشود و اگر بیند که دوک وی شکست دلیل که دختر یا خواهر میبرد و زانی رحمه الله علیه گوید دوک در خواب
 مردی مسافر بود و اگر زنی بیند که دوکی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مردی مسافر شود و اگر بیند که مهره از دوک
 وی بفتاد دلیل که مهرش از شوهر بریده شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر مردی بیند که دوک میرشت دلیل که اندوگین شود
 و اگر ابن خواب بن بیند دلیل که بنیم کرده نیز گویند که دوک دلال بود و دوک لاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دوک و دوک
 در خواب خزان بود و خانه پر غمت و گاه دان اگر بیند که دوک دلالی میساخت که از ابلان بود و دلیل که خزان از دخترا نداشت

اگر خواب بیند که او را کسان بدو رخ میروند و دلیل که عاقبتش بکفر شد قوله تعالى یوم یستحبون فی النوا علی وجوههم
 و قد من سقره اگر بیند که بدو رخ رفت و بیرون آمد دلیل که از کتبی که کرده باشد بپسندد و اگر بیند که او را در دو رخ میروند
 و فریاد غمناک است که دلیل که بر کفر بود قوله تعالی قال احسبوا فیها ولا تحکموا فیها اگر بیند که با نیکو دو رخ میروند
 دلیل که بهیبت و سیاست پادشاه بدو رسد و اگر بیند که نزدیک دو رخ قرار گرفت دلیل که جهان بر وی تنگ شود و جعفر
 رضی الله عنه گوید در دو رخ و خواب بر شش وجه بود یکی خشم حق تعالی دوم مبتلای گناه سوم جور سلطان چهارم هلاکت
 مصیبت و پنج و شش این سیرین رحمه الله علیه گوید و شش در خواب نال و غمت بود و لیکن نه بسیار و اگر
 که دو شش میخورد دلیل که بقدران او مال حاصل گردد و اگر بیند که دو شش میساخت دلیل که کاری کند که از آن خبر
 و منفعت یابد و اگر بیند که دو شش در دمان نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که
 دو شش پسندد و پاکیزه میخورد دلیل که او را فرزندی خوب صورت آید و شش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 و شش در خواب زلفت مرد بود و اگر بیند که دو شش راست و ضعیف شد یا شکسته بود تا ویش بخلاف این بود که
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دو شش وی قوی و درست بود دلیل که امانتی در کون وی بود و مال یا دزدانی که پسند
 ندارد و دو شش یکی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دو شش یکی زنی بکجاست بسته دلیل که مال حرام یا بدو اگر زنی
 نباشد و در خواب بیند که دو شش است دلیل بر ستر و عفت وی بود که زانی رحمه الله علیه گوید اگر مردی بیند که دو شش
 بسته دلیل که در آن سال زن خواهد یافت و دو شش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرد و دوغ در خواب و دوغ در خواب و دوغ در خواب
 و معبران گویند که خوردن دوغ در خواب نال حرام بود زیرا که مسکه از وی بیرون کرده اند و اگر بیند که دوغ بکسی داد و دلیل
 آنکس غمناک گردد و کان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب خواب بیند که دکانی بنا کرد دلیل که زنی خواهد و اگر بیند
 که دکان را خراب کرد دلیل که زنی را طلاق دهد و اگر بیند که دکان بفتاد دلیل که زنیش میبرد و اگر بیند که بیضی خدایند
 دکان و در بر دکان نشست دلیل که بعیال مردم تصرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دکان در خواب
 وجه بود یکی زن دوم عیش سوم عتو و جاه چهارم نکوئی پنجم بلندی ششم چون دکان بود در مرتبت باشد و دوک
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دوک در خواب دلیل بر دختر بود و اگر مردی بیند که دوکی فرا گرفت و در وی و مهره دو
 بود دلیل که دختر بشود و اگر بیند که دوک وی شکست دلیل که دختر یا خواهر میبرد و زانی رحمه الله علیه گوید دوک در خواب
 مردی مسافر بود و اگر زنی بیند که دوکی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مردی مسافر شود و اگر بیند که مهره از دوک
 وی بفتاد دلیل که مهرش از شوهر بریده شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر مردی بیند که دوک میرشت دلیل که اندوگین شود
 و اگر ابن خواب بن بیند دلیل که بنیم کرده نیز گویند که دوک دلال بود و دوک لاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دوک و دوک
 در خواب خزان بود و خانه پر غمت و گاه دان اگر بیند که دوک دلالی میساخت که از ابلان بود و دلیل که خزان از دخترا نداشت

یا از آن باشد که خزانه خود بسازد اگر بینه که پادشاهی یا بزرگی و پادولابی و او دلیل که از پادشاه یا از خانه خود بسازد
 و اگر بینه که از دولاب بسازد یا جمع میکرد و دلیل که از خزانه دار او منفعت رسد و لو که مانی رحمة الله علیه که بدو خواب میداد
 بود که مالها ناشناخته بیرون آرد و اگر بینه که دل پر آب کرد و باید دل آب بکشد و دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد و اگر
 و اگر بینه که دل پر آب صافی داشت یا کسی بوی و او دلیل که او مالی آسان بدست آید و اگر بینه که بدو آب از جوی بر سر گرفت و دلیل
 که بقدر آن مال باید و آن مال بکر و خیل بدست آرد و اگر بینه که آب از دوز زمین بخت لیل که مال بگیری خرج کند جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید اگر بینه که دوی بزرگ داشت یا کسی بوی و او دلیل که با مردی مالدار دوستی کند و از وی منفعت یابد
 و او است این بزرگ رحمة الله علیه گوید اگر بینه که دواتی داشت یا کسی بوی و او دلیل که با کسی از خویشان خویش خصوصاً
 و اگر بینه که بدو است می نشست دلیل که بدی از وی بکفایت رسد و اگر بینه که دوات شکست یا بدزدید یا ضایع شد دلیل
 که زن بیوه بکر است بخوابد و اگر بینه که بقم سیاهی در دوات میکرد دلیل که او از فرزندی نرینه نشود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
 که دوات زین بود دلیل که متفکر شود و اگر بینه که دوات سپین بود دلیل که زن خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بینه که دوات بزرگ
 بود دلیل که منفعت یابد و اگر دوات سپین بود دلیل که در کار با قوت یابد و اگر دوات سپین بود دلیل که چیزی کمتر بوی
 و ویدن این سپین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که میدوید یا ستور میدوید دلیل که بسفر رود و هر چند و ویدن او بینه
 تر بود و سفرش دور تر بود و اگر بینه که بر اسب یا لانی سوار بود و میدوید دلیل که با عیال بسفر رود و مال یا بد مغربی رحمة
 الله علیه گوید اگر بینه که در دودین کسی سبق گرفت دلیل که بحر مال از وی سبق گیرد و اگر بینه که در دودین ماله
 و آرام گرفت دلیل که دنیا را ترک کند و وقایع کرد و سیاه این سپین گوید و بسیار خواب خیره صلاح این جهانی بود و اگر زنان
 بینه بهتر بود و اگر مردی بینه که قیای و سیاه پریشان پوشیده بود و غرا کرد و دلیل که عروجه یا بدردین و دنیا مغربی رحمة
 علیه گوید اگر زنی بینه که جبهه او با جبهه اطلس سبز پوشیده بود و دلیل که آن زن و نیکار و با و نیت بود و اگر بینه که اطلس سفید پوشیده بود و دلیل که
 او کند و اگر اطلس بود و دلیل که از صیبت رسد و اگر بینه که اطلس سیاه بود و دلیل که اندوگین گردد و سیاه با ف در خواب مردی
 مسافر بود با صلاح دنیا و فساد دین و تاویل پریشان چون تاویل و سیاه بود و یکت این سپین رحمة الله علیه گوید و یکت نو
 و خواب زن بود و معبران گویند که یکت که خدای خانه بود و اگر بخواب بینه که یکت فرا گرفت یا کسی بوی و او و بر آتش نهاد
 و خوردنی می بخت دلیل که بسبب کاری از پادشاه مال و منفعت بدو رسد و اگر بینه که یکت سپین یا یکت سنگین داشت
 دلیل که بقدر همت یکت فائده یابد و اگر یکت سفالین بود و دلیل که کاری کند که بدان کار از ممتز خانه چیزی بوی رسد
 و اگر یکت بر آتش نهاد و در وی هیچ طعام نبود و دلیل که مردی کار می برد که در آن کار او را که است باشد که مانی رحمة الله
 علیه که بدو یکت در خواب که خدای خانه یا کند یا نوبد و اگر بینه که در یکت گوشت و خوردنی بود و دلیل که روزی فی الجمله بوی رسد
 و اگر بینه که یکت وی شکست و دلیل که که خدا و که با نوه هر دو بهیر جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن یکت در خواب

نیکو
نیکو

نیکو

نیکو

نیکو

نیکو

در خواب
بر روی

سجده

سجده

سجده

برنج و چه بود که که خدای خانه و دم که با تو سیدم پیش چهارم خادم تجمیع موقوف بر جای و یکد آن ابن سیرین رحمه الله علیه که یکبار
در خواب بر روی چه بود که که خدای و دم که با تو خواب بیند که و یکدانی ذرا گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که که با تو بی بخانه آورد و در آن
بیند که و یکد آن شکست دلیل که که خدای خانه بصر و مغربی رحمه الله علیه گوید و یکد آن که خدای خانه بود یا مردی قوی حال که که از
نه از نیش و نیار و اینان علیه السلام گوید که اگر بید در دست دینار با داشت که بعد و پیش از چهار بود و دلیل که او را که است رسد یا
شده و که ویرا شود از این سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بید در دست دینار با داشت که بعد و پیش از چهار بود و دلیل که او را که است رسد یا
یا هزار دینار دلیل که علی اختیار کند که او را مال حاصل آید لیکن عدد و بی باید که جهت بود و اگر بیند که دینار کسی داد یا ضایع شد
دلیل که از جهت فرزند او مصیبت رسد و اگر بیند که دینار های بسیار داشت دلیل که برخی بوی رسد و معجزان گویند که دینار را در
خواب اما نماند و گذاردنی قوله تعالی وَفَنَاهُمْ مِنْهُنَّ مَنْ أَنْ تَأْمَنَهُ بَدَّ بِنِسَارٍ لَا يُؤْتِيهِ الْإِنْسَانُ كَرْدَفَ دَسْتِ فَرْخِ دِنَارِ بِنْدِ
دلیل که پنج ناز و نصیبه بجای آرد و اگر بیند که دینار های بسیار داشت و بجای محکم نهاد و دلیل که اما نماند و همان گفته اند و اگر بیند که نیا
قسمت کرد و دلیل که میان مردم امر معروف کند و اما نماند گذارد مغربی رحمه الله علیه گوید که اگر بیند که دینار یافت و دلیل که مردی
قبایل و نسیب از بهرامانی که بد و بسیار ند و بسیار بود که در خواب دینار یا بد و در بیداری هم دینار یا بد و اسمعیل شریف رحمه الله علیه گوید
که دینار در خواب دیدن بدین بود و راه راست مادم که بدان دینار صورت نقش نگزیده باشد و اگر بیند که دینار داشت و یکد رویش
نام خدای عزوجل بود و بر روی دیگر صورت اگر بیند که صاحب خواب سلطان بود و دلیل که مرده شود و اگر کافر بود و مسلمان شود و چه
رضی الله عنه گوید دینار در خواب برنج ناز بود و اگر بیند که بعد و جفت بود دلیل که دینار پاک و علم با منفعت بود و اگر بیند که بعد و جفت
بود و اویش بخلاف این بود و حافظ معبر رحمه الله علیه گوید دینار در خواب زن و فرزند و کنیز بود و دینار بسیار دلیل که بر مالی بود که برنج
و خصوصت بدست آورد و به این سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر خواب بیند که در وی بود و نام آن دینار ندانند دلیل خیر و نیکی بود
و اگر نام آن دینار ندانند دلیل بر بدی باشد و اگر بیند که از دینار بیرون آمد و دلیل بر نیکی باشد و اگر بیند که در وی رفت دلیل بر بدی
باشد مغربی رحمه الله علیه گوید که اگر کسی خواب بیند که از شهری پدیده آید و آن شده که در وی نیست بود و دلیل بر خیر و برکت و غوا
کند و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و آلوده بود و اگر خواب بیند که در وی کشده بود و دلیل بر خیر بود مغربی رحمه الله علیه گوید که اگر خواب
بیند که کسی بهی مجهول بوی داد یا بخبر بد یا عمارت کرد و دلیل که بقدر عمارت و دین خیر و منفعت بیند و اگر بخلاف این بود و دلیل
مضرت یا بد و لیوا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که دیوار حال بیند خواب باشد و اگر بیند که دیوار محکم و نیک بود و دلیل بر نیکی
حال او بود و دینار و اگر بیند که دیوار کهنه بود و خراب میگردید دلیل که مال یا بد و اگر بیند که دیوار نوبه بود و خراب میگردید دلیل بر غم و اندوه
بقدر خرابی دیوار و اگر بیند که دیوار سست و تنگ بود و دلیل که حالش در دنیا ضعیف گردد و اگر بیند که دیوار بر پای بود و دلیل
حالش مستقیم باشد و اگر بیند که دیوار و خفته بود و دلیل بر پرگندگی احوال و زوال عیش و می بود و اگر بیند که دیوار ریخته و دلیل که از نیست
و صنعت بیفتد وافی رحمه الله علیه گوید که اگر بیند که دیوار شتر یا دیوار مسجد جامع بیفتد و دلیل که والی آن شهر بگم شود و اگر بیند که

در خواب

خود و یار از گنج خشت کرد و بتوان جعفر صادق رضی الله عنه دلیل بر پاک دینی بود و اگر از گنج و آجر بود دلیل بر ثباتی حال و بود و در خواب
 و اگر دیوار از گنج سنگ بود دلیل که بدینا فرقیته شود و طالب حجت نباشد و یو این سیرین حقه الله علیه گوید و در خواب خشتی بزرگ
 باشد فرمیده و مکار و اگر بیند که دیوار و او سوسه کرد و دلیل که از کارهای ناصواب تو به باید کردن تا دشمن را بروی ظفر نباشد قوله
 لَعَنَ اِنَّ الْكَافِرِينَ اتَّقُوا اِذَا امْتَحَنَهُمْ طَارِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَكَرَّرَ اَفْزَاذُهُمْ مُبْجُوعُونَ و اگر بیند که باو حسی که
 در او را غلبه کرد و دلیل که دین وی درست باشد و اگر خلاف این بود دلیل از ضعف دین باشد که آنی رحمه الله علیه گوید و اگر دیوار
 خرم بیند دلیل که بهیو او شهرت مشغول گردد و اگر دیوار نمکین بیند دلیل که لعبادت و صلاح دین مشغول گردد و اگر بیند که دیوار به
 از تن وی کشید که عامل بود دلیل که از عمل مغرور گردد و اگر این خواب در حقانی بیند دلیل که او را سقراط رسد مغربی رحمه الله علیه
 اگر بیند که دیوار بی و افزاشد و دلیل که دشمن بروی ظفر با بد و اگر بیند که او بدست دیو میرسد و او را بر دلیل که بر سواد فی مشهور گردد
 و اگر بیند که با دیو صحبت کرد و دلیل که گناهی بزرگ از وی صادر شود و اگر بیند که با دیو گفتگو میکرد و دلیل که با دشمن با صلاح کی شود
 و از پرتو آبی جل و علامه او ایشان بد و قوله اِنَّمَا الْجَنَّةُ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيُخْرِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِبَصَائِرٍ يَّسَّةٍ
 اَلَا يَذَرُ النَّاسَ اَسْمَعِيلُ شَعَثَ رَحْمَةِ اللهِ عَلَيْهِ كَيْدِ الْكَرْبَابِ بَيْنَهُ و اگر بیند که با دیو طعام و شراب میخورد و دلیل که برافس و فساد و در راه طاعت
 و یو کند و اگر خلاف این بیند دلیل به راه خیر و صلاح باشد و قانع راه دین بود و اگر بیند که دیوار بگرفت یا در شکم دیو در رفت و دلیل که
 از راه فساد و در شود و تو به کند و بطاعت مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و در خواب برش و وجه بودی و در
 دشمن و دم فساد و سوم شهرت و صلیت و بهیو ای نفس چهارم از طاعت و در بودن و پنجم از اهل خیر و صلاح دوری و ششم
 چیزهای حرام و دیوانگی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و یو انگلی در خواب مال حرام بود بر بیند خواب بقدر دیوانگی که باکی حقه
 الله علیه گوید اگر بیند که دیوانه بود و دلیل که مجرم افتد و در باخورد و قوله تعالی الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ اَلَا كَمَا
 يَقْوَمُ الَّذِي يَخْطِئُ الْاِسْطِطَانِ مِنَ السَّيِّئِ مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با دیوانه هم صحبت بود و دلیل که با مردی
 را باخورد و فساد صاحب گردد و او را طاعت و بدنامی حاصل گردد و حرف الذل و ذکر و انشای علیه السلام گوید قضیب
 خواب فرزندی مبارک و نام آور باشد و اگر کسی بخواب بیند که او را و قضیب بود و دلیل که او را فرزند بود و هم بزرگی میان مردم
 یا بد و اگر بیند که قضیب می بریده شد و دلیل که فرزندش میرد و اگر بیند که قضیب و خیمه بر و دلیل که فرزندش نباشد و اگر بیند که قضیب
 وی سست شد و دلیل که فرزندش بیمار شود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بزرگی قضیب دلیل بر بسیاری فرزندان و نام آوری بود و اگر
 قضیب بخلاف این بود و اگر بیند که قضیب وی چون قضیبهای دیگر مانند شاخا به پدید آمد و دلیل بر بسیاری فرزندان و فرزند
 از دکان باشد و اگر بیند که از قضیب وی مایه بیرون آمد و دلیل که او را و خسری آید از نیکو آن زن از کنار رهای مشرق باشد و اگر بیند
 که از قضیب وی گربه بیرون آمد و دلیل که او را فرزند می دزد و در این پدید آید و اگر بیند که از قضیب و مرغی بیرون آمد و دلیل که او را
 آسرخ باشد و اگر بیند که از قضیب و موشی بیرون آمد و دلیل که او را و خسری آید یا که در وی خیر نباشد اگر بیند که از قضیب او آب

در خواب

در خواب

فصل

بیرون آمد دلیل که اورا فرزندی آید که اورا دشمن باشد اگر میند که از قضیب که در دم بیرون آمد همین تاویل دارد و اگر میند که از قضیب که در دم
 و موبیرون آمد دلیل که اورا فرزندی آید و درون هست فرومایه و ضعیف ترکیب بود و اگر میند که از قضیب و نان بیرون آمد دلیل که فرزندی
 و عیال در گرسنه و تنگ دست شوند و اگر میند که از قضیب و کج بیرون آمد دلیل که کسی به نانی عیال او را دوست میدارد و اگر میند که از
 قضیب و درم بیرون آمد تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که از قضیب و منی بیرون آمد دلیل که او را بقدر آن مال و خورسته باشد و اگر میند
 که خون بیرون آمد دلیل که با زن حایض جماع کند و اگر میند که از قضیب و آتش بیرون آمد و نیمه طرف شرق رفت و نیمه بطرف مغرب
 و دلیل که اورا فرزندی آید که پادشاهی باشد و مغرب کند و اگر میند که از قضیب و سرکین بیرون آمد دلیل که میشش بلوا طاعت بود و اگر
 میند که قضیب وی برخواست و سخت شد دلیل که بخت و اقبال و قوی کرد و اگر میند که قضیب وی سخت و دراز شد دلیل که او را
 فرزندان بسیار شود و اگر میند که پیر من قضیب وی پراسته بود دلیل که نامش در دنیا رفته و در حرمت و جاهش نیز آید و اگر میند
 که دست خود خایه بیرون کشید و باز بجای خود نهاد دلیل که فرزندش بیرون داد و اورا فرزندی دیگر آید و اگر میند که قضیب خود در دهان
 نهاد و می مکید دلیل که از وی بدگس منفعت رسد و اگر میند که بر قضیبش سوزی رفته بود دلیل که بخت فرزندش امان گردد و مغرب
 رحمة الله علیه گوید اگر میند که قضیب از وی جدا شد دلیل که فرزندش بمیرد یا مالش تلف شود و حرکت قضیب و خواب دلیل بر قوت
 و فراخی بنت کند و اگر میند که قضیب وی بشکافت و خون روان شد دلیل بر زیان مال و مرگ فرزند بود و اگر میند که قضیبش
 آهاس گرفت دلیل که مالش زیاد شود و اگر میند که گری بر قضیب وی زدند دلیل بر تنهایی عیش وی بود و اگر میند که قضیب بر میان
 بسته بود دلیل که گاهی که دارد و نداند و اگر میند که زنی قضیب داشت اگر آن زن آلتین دلیل که پسری آید پس بیرون دهد اگر آلتین بیرون
 آید که از قضیب و بار یک بود همین تاویل دارد و اگر میند که قضیب وی بر می برد بود دلیل که فرزندش بیرون
 آید و در یاد چهری بیرون آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید

فصل

در خواب بر پشت و جبهه بود یکی فرزند و دوم اهل خانه سوم مال چهارم عزیمت بزرگی
 است نیکوئی حال حرف الرابعه راز یانه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راز یانه در خواب
 بر چهره بزرگی نموده بود و خوردنش مضرت باشد و اگر میند که بر سینه که مکنت بود و راز یانه بسیار بود دلیل که در غم و اندوه
 و بنود را سوا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید را سوا در خواب وزو بود و اگر میند که را سوا گرفت یا بگشت دلیل که در زور بسیار
 بروی خلفیاد و اگر میند که گوشت را سوزید یا چیزی را اندامهای وی در دست داشت دلیل که مال فزوده از روز بسیار کرد و اگر
 رحمه الله علیه گوید اگر میند که را سوا را گرفت و بگریه دلیل که بیمار گردد و عاقبت شفایابد و اگر میند که بار سوزنگ میگرد و بروی
 که بر روز خیزه گردد و او را خیزه کند جعفر صادق عنی الله علیه گوید را سوا در خواب دیدن بر سینه بود یکی در دو دم خود را
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ران در خواب قوت خویشان وی باشد و اگر خواب میند که ران او شکست
 نشان جدا شود و برین ضعیف گردد و بغیرت هلاک شود و اگر میند که ران کسی بر یک انگشت ران تاویل باشد

فصل

کرامتی رحمه الله علیه گوید ران راست دلیل بر خوشیانی پدری کند و ران چپ دلیل بر خوشیانی مادری کند اگر بیند که رانی باریک
و لیل که کار خوشیانی ضعیف شود و اگر بیند که ران وی بریده شد دلیل که از خوشیانی جدا می شود و اگر بیند که ران وی شکست
و لیل که از مری ذل و خواری بدور رسد و اگر بیند که گوشت رانهای وی افتاده بود دلیل که مال خوشیانی وی ضایع شود و مری
کوید اگر بیند که رانهایش بر پنهان بسته بود دلیل که از خوشیانی جدا نشود و پیوستگی بینکلی کند و اگر بیند که گوشت ران خود پیوسته
بقدر آن مال خوشیانی بجز در حکایت چنین گویند که مردی پیش ابن سیرین رحمه الله علیه آمد و گفت بجزاب دیدم که ران بر سر
شده بود و بر روی موی بسته بود و کسی گفت که موی ران من بر شش ابن سیرین رحمه الله علیه گفت که تو وامی داری و از خوشیانی
تو کسی وام ترا بگذارد و بعد از آن کسی از خوشیانی آن شخص پیدا آمد و دو سیست و دینار و ام بگذارد و جعفر صادق رضی الله
عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه بود یکی اهل بیت دوم دوستان که برایشان اعتماد باشد سوم مال چهارم خشم
راه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راه خواب دیدن دلیل برین استقامت بود و حسن سستی در راه دین و اگر بیند که در راه
میرفت و لیل که بر راه دین بود و اگر بیند که روی را بر راه درست میری میکند دلیل که قومی را بر راه راست و صلاح دین است
کند و راه نماید و اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر شد دلیل که در راه دین یاد کار دنیا سرگشته و حیران گردد و اگر بیند که در راه
او را از راه ببرند دلیل که بقدر آنچه بر دند غرمت کسی دیگر بگذارد و اگر بیند که در راهی میرفت و مانده نمیشد دلیل که حق خود بشناسد
از کسی ستاند و اگر بیند که کسی او را از راه راست برادج برود دلیل که بمعصیتی مشغول گردد و از راه صواب دور شود و اگر بیند که
بشب تاریک میرفت و راه بر او مشکل بود و گمان آن داشت که راه راست است دلیل که استقامت و راه درست یابد و اگر
راههای بنید و نداند که از کدام راه می باید رفت دلیل که در دین خود متحیر بود و صحبت بامردمان بدوین دارد و اگر بیند که راه
بر روی مشکل شده و نداند که کدام رود و بگوید یا مبر صلی الله علیه و سلم جانب راست است گرفت دلیل که راه حق بر روی
پوشیده گردد و اگر بیند که بقصد از راه راست یکسو میرفت دلیل که بر دشمن مکر و حیلت سازد و اگر بیند که بر راه درست میرفت از بر
خشم کسی بازگشت دلیل که کاری کند که دین را زیان دارد و بحالات مشغول شود بسبب معیشت خویش و اگر بیند که در راه میرفت
و زنی پیش آمد و بسبب آن زن از راه گشت و بیکسو رفت دلیل که خلل در دین او پیدا شود و بدینا فریفته شود و مری رحمه الله علیه
گوید اگر بیند که در راه وی سبزه بود و نباتهای نیکو و دلیل بر نیکوئی و پاک دینی وی بود و اگر بیند که در راهی پوشیده و بیکسو میرفت دلیل
که در دین بدعت آورد و یاد کار خود سرگشته شود و قوله تعالی ان هذا صراطی مستقیم فانتعوه و اگر بیند که کسی را از راه
ببرد و دلیل که برضا و دین وی بود و قتل خواب من دستهای اسمعیل است رحمه الله علیه گوید راه راست و از راه
سکونی نبود و راه که بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماه در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا باشد و اگر بیند
سوم کار نیکو چهارم خیر و یک پنجم آسانی و رحمت را برین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید برین در خواب مردی دیدن آمد تا پیش از
کند اگر بیند که بر این مال وی بسته دلیل که با مردی پیوندد که او را غریبه گرامی کند و از وی فایده یابد اما اگر بیند که از تنصیب او با

خواب

۵

خواب

و اگر بیند که راه زمان نبودی جمع شدند و از وی چیزی نتوانستند بردن دلیل که اگر بیاورند و شفا یابد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که راه زمان از وی چیزی نبزد و دلیل که از بهرین با وی دروغ گوید و اگر بیند که بهر زمان کلاه او را بر دزد دلیل که مصیبتی آلوده گردد
 سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که راهی نبرد و کالائی کسی را بر دزد دلیل که آنکس با وی خشم گیرد و اگر خرد راه زد و کالائی کسی را بر
 دلیل که آنکس بیمار گردد و شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راهی در خواب بر سر نهاده بود یکی جنگ دوم خصومت دوم
 و دروغ گفتن سیدم تابای عیش و بهاری رهبا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رهبا در خواب دیدن آنچه خوش طعم و خوش
 بود دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه خلاف این بود دلیل بر مصرت و رنج و اندوه بود و چنان باب در خواب چنان شیرین بود دلیل که خیر
 و منفعت بود و چون ترش بود تا و طیش بخلاف این بود که باب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رباب در خواب دلیل سخن
 باطل و لهو و دروغ گفتن باشد و اگر جواب بیند که رباب نیز و دلیل که سخن دروغ گوید و کسی را هیچ و ستایش بدروغ کند و اگر
 که در پیش وی رباب نیز و دلیل که سخن باطل رضاء دیگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رباب جنگ و چنان نومی بود
 و آنچه دلیل بر غم مصیبت بود و اگر بیند که رباب شکست یا ضایع شد دلیل که از دروغ تو به کند و اگر بیاورید که رباب نیز و دلیل که
 یا بهیاری بروی سخت شود و رباب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رخسار در خواب روشنائی بود و مشرف مردم باشد و اگر جواب
 بیند که رخساره او شمع بود و پاکیزه دلیل که در میان مردم روشنائی گردد و اگر بیند که رخساره سیاه یا زرد گشته بود تا و طیش نخل
 این بود که مانی رحمة الله علیه گوید رخساره در خواب اگر این مردم و که خدای بود و اگر رخساره چندی بیند دلیل نقصان که خدای بود
 و اگر بخلاف این بود دلیل نیکی که خدای باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخساره در خواب دیدن دلیل بر نیکی و حال شادمانی
 بود و روشنی رخساره دلیل بر غم و اندوه و بهیاری کند رباب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رز در خواب دلیل بر نیکی که رباب نیز و دلیل که
 بیند که زری داشت که درختان سبز و پاکیزه بود و در هنگام وی دلیل که زنی نیکی کار بر زنی کند و از و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که درختان
 رز را هیچ برکت نبود تا و طیش بخلاف این بود و اگر بیند بر گهای رز زرد گشته بود دلیل که بهیاری شود و اگر عکاسات او نبود تا و طیش نخل
 زرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید رز در خواب دیدن بر سر نهاده بود یکی زن که رباب نیز و دلیل که رباب نیز و دلیل که
 و اگر زرد رخسار بیند دلیل بر بدی حال خداوند زرد بود رباب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت است و خداوند
 برخواست دلیل که حقتعالی جل و ازیار عدل کسرت و اگر پادشاه آن دیار ظالم باشد دلیل که بلائی و آفتی بدیشان فرستد و اگر
 مظلوم باشد دلیل که ایشان را بر ظالمان نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش خداست و استاده اند دلیل که خشم خداست و ایشان
 سست که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت بر خاست و دلیل که مظلوم بر ظالم دست یابد و اگر در غم و محنت باشد دلیل که عذاب
 مذکرهاست از عذاب امتهای قیامت پیداست چنانچه اقباب از مغرب برآمد یا با جوج یا بحال علیه السلام سیاه شد و ایشان
 اهل بازر و اگر بیند که شمار گاه رفت نشان غفلت باشد قوله تعالی اقرب للثاس حسا به
 و اگر بیند که با وی شمار کردند دلیل که او را زیدانی رسد قوله تعالی تحاسبنا حسا باشد

بود و لیل که او را ندیده بود و رسید که ابی بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که رکاب از زمین جدا شود و لیل بر فرزند یا غلام
 بود و اگر رکاب باین بود و لیل فرزند می بود که در هیچ خیانت نباشد که آنی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که رکاب و زمین بود و لیل که از زمین
 خویش بر زمین و شکسته آورد و اگر ببیند که رکاب همین بود و لیل که فرزند مال دنیا و نفیقه شود و اگر ببیند که رکاب همین بود و یا بر زمین
 فرزند و بنیست بود و اگر رکاب همین بود و لیل که بقدر روشنی و پاکی او را قوت و کار دنیا بود و اگر رکاب و چوبین بود و لیل
 فرزند و بداری و فرزند و مایه بود و رکاب در خواب نیکو بود و زیرا که او بمشتران نزدیک است و نگهبان این سرزمین رحمه الله علیه
 رنگ سفید خواب و دین در جامه و غیر آن و لیل بر پاکی دین او بود و رنگ سرخ مردان را که است و پنج بود و زنا را نیک بود و رنگ
 زنا را و مردان را نیک باشد و دین و دنیا و رنگ سیاه مصیبت باشد و رنگ کسانیکه پوشند و رنگ بود و زنا را و مردان را نیک باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید رنگ سبز و سفید و لیل بر خیز و برکت کند و دین پاک زیرا که لباس این بهشت است و رو باده
 ابی بن سیرین رحمه الله علیه گوید رو باده در خواب مردی فریبده باشد یا زن یا کینک دروغ زن اگر ببیند که رو باده در بزم بود و
 و لیل که او را با مردی خصوصیت افتد و اگر ببیند که رو باده میجست از پریان و لیل که ترسیده شود و اگر ببیند که با رو باده بازی می کرد
 و لیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف بود که آنی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که رو باده ای سانه سیکر و لیل که با کسی
 حیلت کند و او را بفریبد و اگر ببیند که رو باده ای پیش او چای پلوسی میکرد و لیل که غریبی با او مکر حیلت کند و پوست رو باده مالی شود
 که بحیلت بدست آورد و شیر و رو باده بخواب خوردن و لیل شفا از بیماری بود و شادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و
 بعضی از مشران گویند که شیر و رو باده خوردن و لیل بر بیماری بود یا ترسی که بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید رو باده در خواب
 دیدن زن در غمگد باشد اگر ببیند که رو باده گرفت یا کسی بوی داد و لیل که زنی فریبده و دروغ زن خواهد و اگر ببیند که رو باده
 در خانه وی آمد و قرار گرفت و لیل که زنی خواهد که دوستدار بود که اگر ببیند که رو باده از بکر بخت و لیل که دام دارا و بکر نزد
 رو و ابی بن سیرین رحمه الله علیه گوید رو و بزرگ در خواب مردی بزرگ بود و اگر ببیند که در رو و بزرگ صافی شد و لیل که
 با مردی بزرگ با دیانت پیوند و از وی خیر و منفعت یابد و اگر ببیند که از رو و بیرون آمد و لیل که از بلا و غم رسته گردد
 و اگر ببیند که در رو و بزرگ رفت و آبش تیره بود و لیل که با مردی بزرگ تنگ پیوند و اگر ببیند که در آن رو و غرق شد
 و لیل که تارک از آن دستکاری یابد و انبیا علیهم السلام گوید رو و بزرگ وزیر بود و اگر ببیند که رو و بزرگ خشک شد
 و لیل که وزیر محضول گردد و اگر آب رو و زیادت ببیند و لیل که از وزیر عطا یابد و اگر آب رو و تیره ببیند و لیل که مال
 حرام یابد و اگر آب تلخ بود و لیل که رشوت ستان و اگر آب رو و کنده ببیند و لیل که بیمار گردد و اگر آب رو و سرد
 و خوش بود و لیل که از وزیر نجات یابد و اگر ببیند که در جوی خون بود و میرفت و لیل که در آن دینار غریب پیش
 بسیار شود و اگر ببیند که آب رو و سفید و خوش بود و لیل که مردم عام شنائی وزیر گویند و اگر ببیند که آب رو و زبر سین
 رفت و هیچ نماند و لیل بر حقوبت باشد و آن دینار تو که تعالی قل را یتیم ان اصبح مائو که خود را فانی کند

فصل

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

شاه متعین و اگر میند که آب رود خود ریش است دلیل که از شر پادشاه و وزیر پس گرد و اگر میند که بر آب غوطه بخورد دلیل که از راز و غیر
 گاه بشود و اگر میند که جامه خود را بپوشد دلیل که او را و اهل بیت او را از پادشاه و وزیر پس بود و اگر میند که در در میرفت و جامه آلود
 گشت دلیل که از قبل بازگانی غم خور و اگر در دو حلقه خواب میند بقول که مانی رحمة الله علیه خلیفه بود و روحیون پادشاه خسروان بود
 و روحیون پادشاه میند بود و فرات پادشاه شام بود و بعضی گویند پادشاه روم بود و روحیون پادشاه مصر بود و روحیون پادشاه
 ارمنه بود و آب خوردن و شستن خود را در آن خیر و منفعت بود و بقدر آن آب از آن پادشاه چیزی بوی رسد که خنده باشد و اگر خود را
 در بوی از شر میند دلیل که در وقت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین بود در خواب بر بخت و چه بود یکی حج دوم بندگی سیدم بود
 چهارم تجارت پنجم مال ششم ریاست هفتم ظفر نگاره و بار وادی را اگر میند که در دو بار می شد دلیل که در غنی و اندوهی گرفتار شود
 این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر از دو بار می بیرون آمد دلیل که از غم و اندوه بیرون آید که مانی رحمة الله علیه گوید و در خواب
 اسلام بود و قوله تعالی یواد غیر ذین ذریع عنک بنیان الحشر مغربی رحمة الله علیه گوید و در خواب دلیل که گفتن
 شعر بود و الشعراء یبکینهم الغنائون الکه ترکوا نیکم فی کل وادیهمون روده این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب
 میند که روده فراگرفت و بخورد دلیل که از خویشان خیر و منفعت میند و اگر میند که روده ای از روی اندرون پیداشد دلیل که فرزندی از خویشان
 وی متولد شود و اگر میند که روده کسی می خورد دلیل که بقدر آن مال کسی بخورد که مانی رحمة الله علیه گوید و اگر میند که روده گان و خواب
 مال نماند بود که پدید آمد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که روده از دوش بیرون آمد دلیل که برکن بر فرزندانش بوده و اگر میند که روده
 کسی بیرون آورد و دلیل که بقدر آن مال نماند که کسی را بیا به جعفر صادق رضی الله عنه گوید و در خواب بر بخت و چه بود یکی
 مال حرام دوم سخنهای ناخوش سیدم و ششم چهارم فرزند پنجم زن کانی ششم کار کردن خویش روزی این سیرین رحمة الله علیه گوید
 اگر میند که روزگاری بدین بود و در شنبه بود دلیل که در کار می شروع کند و پندار که در آن کار خیر است و در آن شنبه بود و اگر میند که روز شنبه بود
 آویند بود بخلاف آن بود و اگر میند که شنبه است و روز باشد دلیل که شنبه باشد و اگر میند که روز شنبه بود و دلیل که دوست جهودان باشد
 و اگر میند که خواب میند و دلیل که دوست ترسایان باشد و اگر شنبه را آویند پندار و دلیل که برخواهد اهل نعمت و ثواب باشد جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید بهترین روز را روز آویند بود و در شنبه و در پنجشنبه بعد از آویند و روز هر چند روشن تر و صافی تر باشد
 بهتر بود و در روز شستن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب میند که روزه میند است و شنبه و تلیل و قرآن بخواند و دلیل که از
 گناه و حرام توبه کند اگر میند که روزه داشت و غیبت موم می کرد و یا خوش میگفت و دلیل که اطاعت بر مایکند و راه وین بسیار
 نیست که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که ماه روزه بود دلیل که گانی و تنگی طعام بود و بعضی گویند که دلیل بر درستی دین بود و از
 غم فرج یافتن باشد و گذاردن دام خاصه که چون در ماه رمضان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید روزه داشت و در خواب برده
 و چه بود یکی بزرگی دوم ریاست سیدم تندیستی چهارم مرتبت پنجم تو چشم ظفر هفتم لغت هشتم چرخم نهم غلام بیست و نهم
 بفرمانوشی دلیل بر بیکت مری و روزی حلال بود و چون روزه بقصد کشاید دلیل بر بیکت مری و روزی حلال بود و چون روزه بقصد کشاید

این فروگذار در سوغاتی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بحال نازد آنکه هست دلیل که شرف و منزلت او زیاده
 گردد و اگر روی خور زشت و ناخوش بیند قمرش کم گردد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر گونه روی خود سرخ و پاکیزه بیند دلیل که روستا
 گردد و اگر بیند که گونه روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی بود و قوله تعالی وَاَمَّا الَّذِيْنَ اَنْبَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي سَعَةِ
 الرَّحْمَةِ هُمْ فِيْهَا خَالِدُونَ و اگر بیند که گونه روی او زرد شد دلیل که بیمار گردد و اگر گونه روی او سیاه بود دلیل که در میان خلق سوا
 گردد و اگر بیند که با سیاهی روی جامه سفید پوشیده بود دلیل که او را فقری آید و قوله تعالی وَاِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْاُنْثَىٰ خَلَّ
 وَجْهَهُ مَسْوُودًا و هُوَ كَاطِمٌ و اگر بیند که با سیاهی روی او کرده آوده بود دلیل که شرک بود و اگر بیند که روشن خن آوده بود
 زو اب از رویش می آید و او را بروی جراحت بخود دلیل که زیان مال او بود و اگر بیند که روی او کج شده بود دلیل بر تنبلی حال می
 و اگر بیند که پیش روی او خال بود دلیل که داماد شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر روی خود را بخواب نیکو بیند در آب یا دانه یا کسی
 او را بگوید که روی تو خوب است دلیل که کار وی نیکو شود و اگر زشت بود تا پیش بخلاف این بود و اگر بیند که روی او سرخ بود دلیل که او را
 بکسی مساطره افتد و خشم خورد و اگر روی خود سپید و روشن بیند دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی خود سیاه بیند دلیل غم و اندوه
 و محاطه کفر بود و قوله تعالی وَاَمَّا الَّذِيْنَ اَسْوَدَتْ وُجُوهُهُمْ اَكْثَرُهُمْ لَبَدٌ اِيْمَانِيْكُهُ و اگر بر روی خود جراحتی بیند دلیل
 که بقدر آن غم و اندوه یابد و اگر روی خود خراشیده بیند دلیل که در کار و خدای فی خلای افتد و اگر خور او روی بیند دلیل بر سختی
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن روی در خواب بر بهشت وجه بود یکی شرف و بزرگی دوم خدای و حقارت سیوم نظام
 کار و چهارم دین و دایست پنجم اندوه و در سوانی ششم و هفتم نیکوئی هشتم توفیق طاعت و نهم ریحان اگر بیند که ریحان سبز
 و خوشبوی بود و دلیل بر فرزندان بود و گندن ریحان از زمین دلیل بر سستی و اندوه بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ریحان در جایگاه
 خود بیند دلیل که خداوند خواب کارهای نیکو کند و انبیا علی السلام گوید ریحان بخواب دیدن اگر خوشبوی بود دلیل که خداوند او را
 کارهای نیکو کند و توفیق بکار خیر یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ریحان بخواب بر بهشت وجه بود یکی نان دوم کسب
 سیوم دوست چهارم فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم که دار نیک اگر بیند که در سفر یا باغ او ریحان بود و دلیل بر شیرینی
 کند مغربی رحمه الله علیه گوید ریحان فروش در خواب بوقت خود نیکو بود و در ریحان در خواب فرو برد و اگر بیند که از چشم یا موی سر
 می رشت چنانکه زانان ریحان را ریسند و دلیل که کاری حلال کند و اگر ریحان بچو لاهه بر و نا جامه بافد و دلیل که در تدبیر کاری باشد
 که او را از آن خصوصیت بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زنی مانند موی ریحان از چشم یا موی سر می رشت دلیل که او را بکار
 از سفر یابد و اگر بیند که بوقت رشتن ریحان را گسسته شد و دلیل که غایب در سفر و یا بازدارد که بیند که ریحان بسیار درشت و دلیل که
 دراز بود و بقدر ریحان خیر و منفعت از خویشان یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریحان در خواب بر سرخ وجه بود یکی سفر
 دوم مزد کار سوم عمر و از چهارم منفعت بسیار پنجم حاجت و کسب حلال و یو اس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بر یو اس
 بخواب دیدن اندوه بود و بقدر خوردن آن اگر بیند که بر یو اس بیند اخت و دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که بر یو اس شیرین

مجلس

تحت

بود دلیل که حضرت کثر بود و اقل علم برایش این میرین رحمه الله علیه گوید برایش در خواب آرایش مردم که خدای او باشد و خبر که
که حق سبحانه و تعالی را فرشته است که تسبیح او اینست سبحان من و ذین الرجال بالحق و النساء بالذکر و این یعنی پاکست
آنچه آنیکه بسیار است مردان برایش و زنان را بکینو اگر بیند که برایش او را نشد دلیل که کار که خدای او ساخته کرد و با چون بدر می آید
گذشته باشد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که برایش خود را بناخن بسیار است دلیل که خدای او را بسیار بیند و اگر بیند که برایش خود را
کرد و دلیل که حال خود را بداند و نماید و بیند که برایش خود برین میکشید دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که برایش او بر
بود و دلیل که زبان مال و خواست و عاهد او بود و اگر برایش او سپید گشته بود دلیل که بر داری و اوستکی او زیادت شود و لیکن عکسش
و اگر بیند که برایش بدن او می برید و دلیل که اهل بیت ویران راند و اگر بیند که برایش او از بیماری فرو رنجت و دلیل که او را از مرگ
سفا جات بیم باشد و مان آب برایش برود و اگر بیند که برایش آتشانه کرد و بوز و کلاب بر رنجت و دلیل که شغلی کند که مردم سنگینه
مصرفی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که برایش او را نشد چنانکه بخت ناف بود و دلیل که مال باید و اگر بیند که دست برایش فرا گرفت
و باره برایش بدست او بماند و آزار بدهد و دلیل که مال از دستش برود و اگر بیند که باره برایش و چیزی بنهد و نگاه دارد
و دلیل که مال نگا دارد و اگر بیند که برایش او کو چاک و کوتاه بود و اگر و ام دارد و دلیل که پیش گذارده شود و اگر عکسین بود و دلیل
که میگرد و اگر بیند که برایش او بر زمین افتاده بود و دلیل که میرد و اگر بیند که برایش او کشته شد و دلیل که هر شش بیکبار برود و اگر
بیند که موی سپید از برایش خود بر کند و دلیل که او مخالف است سفت پیغام بر صتی الله علیه و سلم باشد سهیل اشوت رحمه الله
علیه گوید اگر بیند که او را در حرم بر بسم جهر سر تراشید و اگر و ام دارد و دلیل که او ش گذارده شود و از غم خلاصی یابد و اگر بیند که
سر ویش را بیکبار بر سر و دلیل که حرمت و آبروی او برود و اگر بیند که بی سببی اندک اندک برایش اومی افتاد و نقصان
وروی ظاهر شد و دلیل که از پنج و سختی فرج یابد و اگر بیند که برایش وی تمام سفید شد و دلیل که اندکی در حرمتش نقصان شد
و اگر زنی بیند که او را برایش بود و دلیل عکسین شود و کاری کند که ازان رسوا گردد و اگر مردی بیند که او را برایش برآمد و دلیل
که او را بر کفر زن دشمنانند و اگر زن آید محبتش و قومی گردد و اگر کودکی نابالغ خود را برایش بیند و دلیل که بر غم و اندوه افتد
و اگر بیند که برایش کسی گرفت و میکشد و دلیل که آنکس مال او میراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید برایش در خواب
برده وجه بود کمی هیچ دوم غر و جاه سیوم مرتبت چهارم هدیت پنجم دوش ششم نیکی هفتم ترقی و هج هشتم مال نهم فرزند
و هم گزینی شدن قوله تعالی و لقد کفرنا بعبی آدم اما ریش سترن بواب حاجب از او زندانیا را میکشد باشد که یک
این میرین رحمه الله علیه گوید ریکت و خواب دلیل بر صلاح و خیر و منفعت بود و اگر بیند که در میان ریکت نشد و دلیل که از هر
کس بشغلی مشغول گردد و بقدر کم و بیش و اگر بیند که ریکت بخورد یا جمع میکرد و دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت بیند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریکت در خواب بر چهار وجه بود یکی مشغول بودن دوم مال سوم منفعت چهارم رفعت
و یکی باریج ریش این میرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بواب بیند که بر تنی ریشی بود و در آن ریم جمع شده بود و دلیل

سی

تحت

فصل

سیر

سیر

سیر

سیر

سیر

که بقدر آن یم اور مال حاصل شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال او را نقصان شود و اگر بیند که یم از تن وی بیرون آمد و باز
 بجای میشت دلیل بنقصان مالش بود و عاقبت نیک شود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که یم کید میخورد و دلیل که مال
 ویل که مال حرام خوردنی الحرام جمع شدن یم و اندام ویل جمع مال بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از تن وی یم می
 ویل که بقدر آن مال او را نقصان شود و یم در تن اگر جمع شود و دلیل که مال بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که جلد او
 ریش بود و دلیل که غم و اندوه بود یم این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که از تن وی یم
 می آمد و دلیل که مال او نقصان شود و اگر بیند که یم از تن او بیرون می آید و دلیل که مال او نقصان شود و اگر بیند که یم از تن او
 بیرون می آید و باز بجای خود میرفت دلیل که نقصان مال بود و عاقبت نیک شود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یم می
 میخورد و یم و سیر و این و غیره دلیل بر غم و اندوه بود و یونان این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریوند بسیار است
 و دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که از بهر علای ر یوند خورد و از آن تنده سی حاصل شد دلیل که بر صحت و تنده سی
 و خیر و صلاح بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر بخت و بیماری بود و الله اعلم **حرف الزا** زن ابن سیرین رحمة الله علیه
 گوید اگر زنی خواب بیند که او را و ختری بود یا و ختری داشت دلیل که چیزی بوی رسد و از خوشنشان خرم شود و اگر بیند که
 پسری را و او را و نش آتش نبود و دلیل که او را و ختری آید و اگر بیند که و ختری را و دلیل که او را پسری آید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر
 پادشاهی بیند که و ختری بر او دلیل که شوهرش کنجی باید و اگر بیند که پسری بر او دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که و ختری
 بر او دلیل که نکین شود و اگر بیند که پسری بر او دلیل که کارش خوب شود و اگر و ختر و شیر و بیند که و ختری بر او دلیل که تاویل
 آتین دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی خواب بیند که پسری بر او و هم در آن روز با وی سخن گفت دلیل بر خیر
 بیند و او و اگر بیند که و ختری بر او دلیل که فرزندی از نسل وی آید که بهتر قوم گردد و تراغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
 تراغ و خواب مردی فاسق بدین و دروغ زن بود و اگر بیند که تراغی را بگرفت دلیل که با کسی بدین پیوندد که صفت
 او چنین باشد و بکار باطل مشغول گردد و اگر بیند که تراغی را بگشت دلیل که در آنجا و زن و فاسدان و فاسقان
 گرد آید و اگر بیند که تراغی شکار کرد و دلیل که از جانی باطل مال باید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر تراغ خواب بیند که نکیند
 تاویل آن باشد و از غمهای بسیار و خواب دیدن لشکر بود و اگر بیند که تراغی را پیوست و دلیل که با زنی غیب زنا کند و اگر
 بیند که تراغی را بگشت دلیل که این بیت او بر حضرت رسد و اگر بیند که تراغهای بسیار و در هر جامی آمد و میگذشت و دلیل
 در آن دیار لشکر می باید آید بقدر آن را غنما مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که تراغ و تند و هر دو در شکار بود و دلیل
 که با نیک فساد کند و اگر بیند که تراغی مجامعت میکرد و دلیل که مردی در زنا بگردد و اگر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
 زنا که زنا که سیر و هر دو و دیگر زنا که سیر و زنا که سیر و هر دو و دیگر زنا که سیر و زنا که سیر و هر دو و دیگر زنا که سیر و هر دو
 و زنا که سیر و هر دو و دیگر زنا که سیر و زنا که سیر و هر دو و دیگر زنا که سیر و زنا که سیر و هر دو و دیگر زنا که سیر و هر دو

بر چهار وجه بود یکی غم و اندوه دوم بیماری سیوم مصیبت چهارم خصومت بسبب زبان زاله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر بیند که در شهری یا در محلی زاله می بارد دلیل که مردم آن شهر را زبانه و شاه رنج رسد و اگر بیند که باران یا رعد یا برف
 یا زاله بود دلیل که در اینجا خط و تنگی و مضرت بود که کافی رحمه الله علیه گوید زاله با باران بخواب و بدین دلیل بر نیت فراخ
 و ایمنی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زاله در خواب دیدن رنج و جبه بود یکی با دوم خصومت سیوم لشکر چهارم خط و تنگی
 بیماری زانو و زانو بست که در آب می باشد بسیاری آنرا و وجه گویند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زانو و زانو بست و زانو
 دشمن طلع بود و اگر بیند که زانو خون از اندام می کشد دلیل که دشمن بروی چهره گرد و بقدر زانو می خورد و باشد زانو
 وی نقصان شود و اگر بیند زانو در گلو می کشد دلیل که دشمن از درون خانه با وی می جاست کند و اگر بیند که زانو از
 اندام خود جدا گردد و بکشت دلیل که دشمن خطریاید که کافی رحمه الله علیه گوید زانو عیالی باشد که مال و گران خود را اگر بیند
 که زانو بسیاری جمع شدند و خون و بیاض می کشد دلیل که مال وی نقصان شود بقدر آن خون مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند
 که زانو بر اندام وی بود و خون می کشد دلیل که از دشمن او و مضرت رسد از انوائی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 زانو در خواب معیشت بیند خواب بود اگر بیند که زانوی او قوی و بزرگ بود دلیل که کار وی قوی گردد و معیشت وی
 فراخ شود و اگر بیند که زانو بر او میرفت و دلیل که کار او ضعیف گردد و معیشت بر وی تنگ شود و اگر بیند که چشمه زانو
 وی ضعیف یا خشکست بود دلیل که کار وی تباه گردد و اگر بیند که چشمه زانوی او افتاد و دلیل که مایه که دارد از دست او می افتد
 که کافی رحمه الله علیه گوید زانو در خواب کسب معیشت مردم بوده اگر بیند که زانوی وی سخت قوی گشت دلیل که کسب
 و معیشت وی زیادت گردد و اگر بیند که زانوی او ضعیف بود دلیل که کسب معیشت وی ضعیف شود و منقطع گردد
 مغربی رحمه الله علیه گوید زانو در خواب جایگاه رنج و غنا باشد و جای اندوه و هر چه زیادت و نقصان در زانو
 بیند تا ویش چنین بود که یاد کردیم زبانه و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زبانه با خود داشت یا کسی بوی او
 دلیل که با او ب و فریبگ بود و مردمان وح و شنای او میگویند و اگر که از آن زبانه بوی خوش می آمد دلیل که مردمان
 نگوشت می کنند و اگر بیند که از آن زبانه بوی نیاید دلیل که با کسی نیکوئی کند که از او هیچ منت ندارد و اگر بیند که زبانه بوی
 دلیل که فرزندان وی با د و فریبگ باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زبانه در خواب بر چهار وجه بود یکی او ب
 دوم فریبگ سیوم نام نیکو چهارم که دارد پسندیده زبان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زبانش برشته
 و ناقص گشت بی آنکه با کسی خصومت داشت و بوقت حجت زبانش بسته شده تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که
 زبانش در طول و عرض زیادت شده بود دلیل که زبانش بوقت حجت زیادت شود و جسم روان گردد و خطر ندهد
 و اگر بیند که زبان وی دراز شده بچنگ دلیل که سخن گفتن دراز شود که کافی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را در زبان
 بود دلیل که سخن سبانه و تعالی او را علم و دانش روزی کند و اگر بیند که زبان خود بر پخته سخن نگوید دلیل که از گفتن بطل

فصل

تنبه کند و اگر بیند که بر زبانش خطا رفت دلیل که سخن گوید که حق تعالی اجل علا و در آن رهنی نباشد و اگر بیند که کسی زبان در دهان
 وی نهاد و دلیل که او را کسی قوی و جنتی باشد و سخن و اگر بیند که زبان کسی می گوید دلیل که از آنکس علم و دانش حاصل کند و سخن
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبانش گنگ است شده بود و دلیل بر ضا دین و دنیا می وی بود و اگر بیند که زبان در دهانی برید دلیل که
 چیزی بدر ویش دهد و اگر بیند که زبان نمی نبرد دلیل که میسرش کند و زارش آشکارا کند و اگر بیند که زبانش یکم گرفته بود
 دلیل که دام دارد شود و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که زبان می قوی و ستر شد دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر بیند که زبانش
 ریش گشت دلیل که بر کسی بهمانی بندد یا دروغی گوید و اگر بیند که بر زبان می موی بر آید بود دلیل که از سبب گفتارش در آن
 افتد و اگر بیند که زبان وی آساید بود دلیل که بسبب گفتارش مالی حاصل آید استمیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که زبان وی و دوشاخ شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که زبان نداشت دلیل که از بیم شغل او ماند و اگر کسی بیند که
 زبان نداشت و بریده بود چنانکه سخن نداشت گفت دلیل که شغل وی بدست گیل بر آید و اگر بیند که زبانش خشک شده بود
 دلیل که در تامل باشد جعفر صادق رحمة الله علیه گوید وین زبان در خواب شش جبهه بود یکی حکمت دوم ریاست
 ترجمان چهارم حاجت چشم و دلیل ششم یار و سخن گفتن و در زبانها در حرف میلن یا دخیم کرد و بر جبهه این سیرین رحمة الله علیه
 گوید و بر جبهه در خواب وین دلیل بر خیر و عاقبت کند و اگر بیند که بر جبهه بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند
 و اگر بیند که بر جبهه از وی ضایع شد دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رحمة الله علیه گوید وین بر جبهه در خواب
 بر سه وجه بود یکی خردی دوم مال سودم منفعت زبور را بر سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند زبور میخواند دلیل که
 خداوند تبارک و تعالی باز کرد و دیگر خیر رحمت نماید و اگر بیند که زبور را بظا میخواند دلیل که در خیرات بر او نفاذ کند
 مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبور میخواند دلیل که بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر بیند که زبور میخواند دلیل
 کار و کردار را نیکو گرد و در جبهه خال گرفتن بیانک مرغان بود اگر بیند که بیانک مرغان خال میگرفت تا ویش غرور و باطل دنیا باشد
 و در خواب و بیداری از راه تامل نکو میده بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیانک مرغان خال می گرفت دلیل
 که باطل دنیا مایل بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیانک مرغان خال بگیرد و اگر فرود باشد
 دلیل که نیکو بود و اگر بعد از وچ باشد دلیل که بیمار گردد و شفایابد و چشم این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر تن
 داشت و از خون پدید بود دلیل که بر زخم زنده خطر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از زخم او خون روان و اندام او آلود
 شد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که اندامش آلوده بکشت دلیل که زنده دارد اینجا می یابند متی شتم گرداند و اگر بیند که زخم خود
 دتن او خون آلوده گشت بقول کرمانی رحمة الله علیه که در مال وی نقصان افتد جعفر صادق رحمة الله علیه گوید زخم و جراحت
 وین بر سه وجه بود یکی خطر یافتن دوم خیر و منفعت سیوم نقصان مال زبون و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که او را
 تازیانه زد و ندانند چنانکه از زدن پیرا که با او سهرتون بستند و چندان زدند که خون از وی بیرون آمد تا ویش بد باشد

باید

باید

باید

باید

باید

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که او را تازیانه زد و دلیل که مال حرام بر حال او آید خاصه چون ببیند که از اندام
خون آمد و اندام خون آلود گشت و اگر گشتی بر تن وی پیدا شد دلیل که بقدر آن از هر کسی غایده یا بدو بعضی از متعبان گویند که
جامه نو پوشیده کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که تازیانه بر پشت وی زود و خون بیرون آمد و دلیل که انگشتان حرام یا بد
او اگر ببیند که بر پشت خود تازیانه دید و ندانست که او را که زد و دلیل که شغل دین و دنیا می وی نیکو باشد و اگر ببیند که تازیانه بر کسی
چند آنکه تازیانه پاره پاره گشت و دلیل که اهل خاندان وی پراکنده گردند و اگر ببیند که او را کسی تازیانه بپشت زد و دلیل که او را عنی
دسد و اگر کسی از خواب او را تازیانه زد و دلیل که عسکین شود و بسبب مردی بد دین و منافق و اگر ببیند که محاسب او را بده بر و دلیل
که سلطان او را اعل و در و کارش نیکو گردد و اگر ببیند کسی او را بگلج زد و دلیل که از انگس منفعت یابد و اگر ببیند که گلجی بر پشت وی
زود و دلیل که کسی او را خفیت کند و اگر ببیند که طباخچه بر روی وی زد و دلیل که اگر کسی سخنی زشت شنود مغربی رحمه الله علیه
گوید اگر ببیند که مرده او را میزد و دلیل که در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفته باز یابد و اگر ببیند که مرده بود و او را میزد و دلیل
که قوت دین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زدن در خواب بر شش و جد و یکی منفعت و دم مجاهد سوم روشن شدن
کار مشکل چپام سفر خیم شرف و بزرگی ششم مال حرام زدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زدن در خواب دیدن مرد از او دلیل غمنازی
بود و زدن زنی و پسندیدگی باشد و اگر ببیند که زنی یافت یا کسی بوی او و دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود کرمانی رحمه الله علیه
علیه گوید اگر ببیند که زنی یا سیم میگذاخت و دلیل که در زبان مردم افتد و اگر ببیند که زنی میزد و دلیل که او را عنی و اندوهی بر
او اگر ببیند که زنی بخورد و بخانه بر و دلیل که مال او بدهد و اگر ببیند که زنی بخورد و دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند مغربی رحمه الله علیه
از بیند در خواب مرد از او بد بود اگر کسی زنی سیم بچایم یا بد و دلیل که عز و جاه یابد و اگر کان سیم ببیند و دلیل که دختر بزرگی خواهد
او گویند که زنی خواب مردی باشد و دروغ زن و اگر ببیند که پیش زنی نشست و با وی معاشرت میکرد و دلیل که او را بادوغ
کوئی سر و کاری افتد زدن و الو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زدن و الو بوقت خود و چون سیرین بود و هر زدن و الوی که خورد
باشد و دلیل که دیناری حاصل کند و اگر زدن و الو ترش بود و دلیل بیماری و غم بود و بعضی معتبران گویند که زدن و الو خواب دین
بود یا مال کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که استخوان بشکست و تلخ بود و دلیل که اندوهی بوی رسد جعفر صادق رضی الله علیه
گوید زدن و الو بوقت بیماری بود و بوقت و ترش غم و اندوه بود و اگر سیرین باشد منفعت یابد زدن و یحیی ابن سیرین رحمه الله علیه
زنی در خواب دیدن بیماری بود و اندوه و و جاهد زدن شک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زدن شک و خواب غم و
بود و خوردن آن همچنین و اگر ببیند که زدن شک از درخت جمع میکرد و دلیل که او را با مردی نیکوختن افتد زدن پنج ابن سیرین رحمه الله علیه
علیه گوید اگر خواب ببیند که زنی سیم بخورد و دلیل که بیماری و هلاک بود و اگر ببیند که زنی سیم فروخت یا کسی داد و دلیل که از بیماری نجات
گیرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زنی یا دشت لیل که مال بسیار بدست آید و به بیماری بخورد و اگر ببیند که زنی در جای
جمع کرد و دلیل که در سفر یا گرد و زدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زنی پوشیده بود و دلیل که از دشمنان نجات یابد

خون آمد

کار مشکل

کوئی سر و کاری

زنی در خواب

جمع کرد

اینکه زره صنایع شد دلیل که دشمن بروی چیره گردد اگر بیند که کسی ندی بوی داد و او پوشید دلیل که با او شکر کند یا بفر کردن
 دشمن با وی یار گردد و مدد و نصرت وی خواهد و بعضی متحران گویند که زره حصن این است که تانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب
 بیند که زره داشت دلیل که او را و این سیرت او را این بود و از شر دشمنان و اگر بیند که زره با سلاح پوشیده بود دلیل که از شر عامه و دشمن
 مین گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زره در خواب دیدن برش و چه بود یکی آینه از دشمن دوم حصن این سوم تو حیات
 مال چهارم زندگانی ششم نیکی و زره که در خواب دیدی بود که مرد و ما را او بآموزد زعفران ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
 اگر کسی خواب بیند که زعفران داشت دلیل که مردم راجع و شاگرد و اگر بیند که زعفران بر تن و جامه او بود دلیل که بیمار شود
 که تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زعفران ناکوفته بود که بوی داد و دلیل که زنی نو نکو خواهد و اگر بیند که زعفران بخورد و داشت
 و میخورد و دلیل که او را مال و نعمت حاصل گردد و زعفران ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زعفران در خواب و دلیل بر بادشاه آموخت
 کند اگر بیند که زعفران طبع او گشت و دلیل که او را علامتی باشد و بزرگی رسد و اگر این خواب زنی آستین بیند دلیل که بپوشد
 که مقرب پادشاه گردد که تانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که زعفران از دست ببرد اگر زنی آستین بود دلیل که فرزندان او
 یازده و نیا برود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زعفران در خواب بر چهار وجه بود یکی متواضع بودن دوم بزرگاری سیدم فرزند
 چهارم مال زلفت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زعفران در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که زعفران داشت یا کسی بوی داد
 و دلیل که بوی فانی و فانی را آید و اگر بیند که زعفران میخورد و دلیل که غم و اندیشه او را از بهر عیال باشد و اگر بیند که زعفران را بفرودست یا کسی
 یا از خانه بیرون کند دلیل که غم و اندوه و استکباری یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زعفران در جراحت نهاد و در دست
 و دلیل که اگر کسی خیر و راحت بیند و اگر بیند که جامه وی زلفت آلوده گشت و دلیل که از وی کاری آید که او را از آن رشتی و بدست
 حاصل آید زکوة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوة مال میداد و دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیند که زکوة فخر میداد
 و دلیل که نماز و زکوة و تسبیح زیاد کند و دستگیری یابد و اگر و ام دارد و گذارده شود و اگر بیمار بود و شفا یابد و اگر دشمنی دارد و بر وی
 ظفر یابد که تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوة مال میداد و دلیل که مال او حصن و آید و بلا از وی دفع شود و بقول حضرت رسول
 الله علیه و سلم حصنوا أموالکم بالزکوة یعنی حصن سازید خود را بر زکوة مال و اذن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 زکوة مال میداد و دلیل بر فزون شدن مال باشد قوله تعالی وَمَا أُوتِیْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ فَذَلْکُمْ وَجْهٌ لِلَّهِ تَالُوْهُ
 هُمْ الْمُتَصَدِّقُونَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید زکوة و صدقه دادن در خواب برشت و چه بود یکی بشارت دوم خیر و برکت
 سیوم روشن شدن کار مشکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنائی ششم فراغ از غم هفتم زیادتی هشتم ظفر یافتن بر دشمن نهم
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنگار در خواب دیدن مال حرام بود و اگر بیند که زنگار از کسی بسته و دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل
 و اگر بیند که زنگار بر آتش نهاد و آتش نیکی افروخت و دلیل که با پادشاه معاملت کند و از وی خایند یا بد که تانی رحمة الله علیه
 گوید زنگار در خواب و دلیل بر مال و خوشبختی بود و اگر بیند که جامه یا اندامش زنگار شده و دلیل که او را از سلطان حضرت رسد اگر زنگار

خواب

زعفران

عنبت

زیت

زیت

زیت

زیت

که زکام بخورد و دلیل که مال حرام خورد و سرانجام او را از پادشاه غم و اندوه رسد زکام این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر سینه که
 از راحت زکام بود و دلیل که چند روز بیمار شود و هر چند که زکام بیشتر و بسیاری بیشتر بود که کافی رحمة الله علیه گوید اگر سینه که از
 زکام بود و دلیل که بر کسی ششم گیر و دوز و صلح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زکام در خواب برسد و وجه بود یکی مایه ای که
 و دوم ششم گرفتار سیلوم منفعت یافتن زکام سیرین رحمة الله علیه گوید زکام در خواب برسد و بر کوشش هر دو از آن
 و یافتن مال سیلوم و شادی بود و اگر سینه که زکام داشت دلیل که بقدر آن او را مال حاصل آید و اگر سینه که از آن زکام بود و او را
 و بان وی نهاد و دلیل که از کسی سخن خوش شنید و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر سینه که زکام زعفران می خورد و دلیل که بقدر آن مال
 و اگر سینه که باز عفران بخورد و دلیل بسیاری بود زکام سیرین رحمة الله علیه گوید اگر سینه که زمین می جنبید دلیل که مردم آنجا
 را از پادشاه رنج و علامت رسد بقدر جنبیدن زمین و سحران گویند که آفت بر مردم رسد و در آن دیار بیماری افتد و اگر سینه
 که زمین بر گردید و وزیر و بالا شد دلیل که در آنجا رفته و بلا افتد که کافی رحمة الله علیه گوید اگر سینه که زمین آهسته جنبید و یک نیمه
 و دلیل که در آنجا پادشاهی آید و اهل آن دیار را عذاب کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید در آن زکام در خواب برسد و زمین فرو نشاند
 محنت و بلائی عظیم از قبل پادشاه بود و قوله تعالی تحسبنا به و یکبار در آن وضع همه حال زکام در خواب دلیل بر عقوبت و عا
 بود و اهل آنجا زکام و این سیرین رحمة الله علیه گوید زکام در خواب دلیل بر فرزندی و برادر باشد یا مال حلال اگر سینه که زکام داشت
 یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزندی آید یا برادری که از منفعت آید و اگر سینه که زکام می ضایع شد دلیل که فرزندی و برادر یا مال
 تلف شود که کافی رحمة الله علیه گوید زکام در خواب دیدن دلیل بر مذنب و دین پاک بود و هر زیادت و نقصان که زکام بود و دلیل
 آن مذنب پاک و باز کرد و مغربی رحمة الله علیه گوید زکام در خواب دیدن سخن نیکو بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زکام در خواب
 بر پنج وجه بود یکی فرزندی و دوم برادر سیلوم مال حلال چهارم کثیر کج خلق و پنجم غلام نیکو و هر چند که زکام نیکو تر باشد از بی لعل که گفته شد
 زکامستان این سیرین رحمة الله علیه گوید زکامستان در خواب پادشاه بود اگر خواب سینه که زکامستان بود و چنانکه فرمود از آن حضرت سیر
 و دلیل که اهل آنجا را از پادشاه مضرت رسد و اگر سینه که زکامستان بود و هر دو سیر بود و کسی از حضرت سیر رسید و کسی از زانیان منفعت دلیل
 مردم آنجا را از پادشاه خیر و منفعت یابند و زکامستان در خواب بوقت خود دیدن دلیل نصرت و ظفر باشد زمین و انبیا علی السلام گوید
 زمین در خواب آن بود و اگر سینه که زمین داشت فلاح و نیک و بزرگ خاک پاک دلیل که او را زانی باشد و سیر و صلاح چنانکه می آید
 او و فضل و منزلت باشد بقدر بزرگی او زانی زمین اگر سینه که زکامستان بود و زانیان سیر و نبات مجبول بود و آنکه از آن او سیر دلیل که آنس و سیر
 و مسلمان باشد و سیر در خواب اسلام بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر سینه که زکامستان بود و نبات بود و جانی معروف بود و دلیل
 او و فضل و دیانت باشد و اگر زکامستان بنانی نهاد و عمارتی کرد و دلیل که او خصل دین و دنیا باشد و سرانجام ثواب راه آخرت آید
 و اگر سینه که او را در میان صحرا زمینی بود مانند سیاهان و آن زمین را شناخت دلیل که سفری دور کند و اگر سینه که زمین می جنبید و دلیل
 که بقدر خوردن خاک مال با بر و اگر سینه که زمین فرو رفت بی آنکه چاهی یا مغاک در آنجا بود و در آنجا ناپدید شد و دلیل که سیر و زکام

از آن

زنان

بسیار

بسیار

بسیار

زن را مانند چاه و سوراخ می کنند و دلیل که در اندوه و مصیبت افتد یا از قبل آن مالش تلف شود و اگر بیند که در پیش فراخ بود و در پیش
 سخت شد و میرفت در آنجا و دلیل که در آنجا از کار می نیکت بکاری مجهول افتد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زمین با وی
 سخن گفت و بخیر و صلاح او را مروده و او دلیل که در دنیا نیکی بسیار کند و بعد از وفات او را به نیکی یاد کند و اگر بیند که زمین با او
 و بزرگ شد و دلیل بر درازی عمر و فراخی معیشت او کند و اگر بیند که زمین می پیوست و دلیل که بسفر رود و اسماعیل شعث رحمة الله علیه گوید
 اگر بیند که زمین از بهر کشت بیش گفت دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و از قبل آن منفعت یابد و اگر بیند که زمین خویش را آبادان میکند
 و دلیل که کارش آبادان و نیکو گردد و اگر زمین با خراب بیند تا ویش بخلاف این بود و او را با کسی خصومت افتد و اگر خود را در زمین
 بیند و دلیل که او را با کسی بنازی بود یا زنی را بکساح و آرد و اگر بیند که با کسی آید و زمین را غرقه کرد و آن کشته را تا به کرد و دلیل که از
 پادشاهی ملامت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمین را در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن دوم دنیا سیدم مال چهار وجه
 زن آن امری برین رحمة الله علیه گوید زن جوان در خواب دیدن پیر و دنیا و شغل اینجانی و نیز دیدن نان و خواب بقدر خواب
 و جمال و فریبی و لاغری بود و بهترین زن که در خواب بیند زنی باشد معروف باشد و زن فربه و معروف و فراخی روزی بود و زن ترشت
 و لاغر و خط و تنگی بود و زنان شادمان و آهسته مراد اینجانی بود و پیر زن هر کس دلیل بر نامرادی و بد حالی بود که زنی رحمة الله علیه
 گوید اگر زنی بیند که او را قضیب بود همچون مردان دلیل که فرزندی آورد و آن فرزند بر قوم و خاندان بزرگت و سرور گردد و اگر زنی جوان
 بیند که پیر شده بود و دلیل بر خیر و صلاح و پیر و دنیا کند و اگر زنی بیند که قضیب داشت و جماعت کرد و دلیل که هر مست و بزرگی او
 کم شود و اگر بیند که زنی جامه مرده پوشیده بود و اگر آن زن مستور بود و دلیل که خیر و صلاح بود و اگر مفسده بود و دلیل بر شر و فساد بود و مغربی رحمة الله علیه
 علیه گوید هر مستی زن آن در خواب اهل دنیا را زیادتی مال بود و اهل صلاح را علم و زن غریب را تا و ایل برتر از زن آشنا باشد و اگر
 بیند که بر زن وی کسی دست درازی کرد و دلیل که اهل آن زن توانگر شوند و اگر بیند که زنی بی عفت و زردی بکشد و دلیل که پیری
 آورد و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنان در خواب بر شش وجه بود یکی ثنای وی دوم دنیا سیدم مال
 اینجانی چهارم فراخی نعمت پنجم خط ششم توانگری زن ثانی برین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زاری در دست داشت و دلیل که
 در دین ضعیف بود و اگر بیند که زن از بر میان بسته بود و اگر بیند مستور نبود و دلیل که کار نشود و اگر بیند مستور بود و اخصاف و خصم
 و اگر بیند که زن از بر پیر و ناز داشت دلیل که از کار بد بخواهد و بخداستگار گردد و راه صلاح خفیا کند و زن پیر برین رحمة الله علیه
 گوید زن پیر در خواب مردی و دین و مفسده بود و اگر بیند که زن پیر او را بگریزد و دلیل که از مردی دین او را بگریزد و اگر بیند که زن پیر بسیار
 جمعه شد و دلیل که میان مردم و دین گرفتار گردد و خاصه چون زن پیر او را بگریزد که زنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زن پیر او را بگریزد و دلیل که او را با
 دین و سخن چهرن کار افتد و اگر بیند که زن پیر او را بگریزد و دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که زن پیر او را بگریزد و دلیل که او را با
 بود و دلیل که دین او را بشکری برسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زن پیر در خواب بر شش وجه بود یکی سخن خادوم مرد و دین
 سیدم لشکر چهارم سخن خیم و ششم ششم فرزندان و دلیل که این برین رحمة الله علیه گوید زن پیر و خواب بنان بود و اگر بیند که زن پیر

که بنیسی داشت دلیل که او را خادمی حاصل شود و بعضی گویند که بنیسی مال و نعمت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن بنیسی را
بر پشت و جبهه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیز که چهارم توام وین پنجم صلاح تن ششم عمر و از هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت
نهم بنیسی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بنیسی در خواب دلیل بر غم و اندوه و خوردن آن حضرت و زیان و بعضی معتبران گویند
بنیسی در خواب دلیل بر عیبت و گفتگوئی کند و ویدن خوردن بنیسی در خواب دلیل بی لفتی بود و بنیسی ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید بنیسی در خواب مصیبت و گناه بود اگر بنیسی که زنجیر شکست و بیند دلیل از گناه نوبه کند و بخداستغاثی باز کرد و مغربی حجت
الله علیه گوید اگر بنیسی که زنجیر در گردن داشت دلیل که در مال کسان دست درازی کند و از حرام نیندیشد و اگر بنیسی که زنجیر در پاهای
داشت دلیل که در خانه های مردم مصیبت کند و ویدن زنجیر در خواب مردی عاصی و گندگار بود زنجیر در خواب مهر خانه
بود و خداوند عقل بسیار اگر بنیسی که زنجیر او بزرگ شد دلیل که از بهر اهل خانه غار کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنیسی که کسی از زنجیر
بر زنجیر او میزدند دلیل که مهر خانه آن بادی سخن گوید که از آن زنجیر شود و اگر بنیسی که از زنجیر وی خون بیرون شد دلیل که بتدریج آن
از مهر آن خانه از زیان رسد و بعضی از معتبران گویند که در کسب و کارش نقصان افتد زندان ابن سیرین رحمه الله علیه
اگر بنیسی که در زندان بود و اهل زندان هرگز ندیده بود و دلیل بر هلاک بود و اگر زندان معروف بود و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنیسی که
زندان بر پای داشت دلیل که بر عقلی که وارد ویر بماند و در غم و فکر بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنیسی در خواب دستور بنا شد
از شناسایی و بینی ویر غم و اندوه رسد و اگر بنیسی که مردی یا پائی بند میرفت دلیل که کار بسته او بشاید جعفر صادق رضی الله عنه
عنه گوید زندان در خواب ویدن چون معروف باشد دلیل بر یافتن مراد و عاقبت نیکو بود و قوله تعا قال رقت السجین
التي تمنا یک عونی الیک و چون زندان محمول بود که در کسب و غم و اندوه بود چنانکه مهر یوسف علیه السلام فرمود
السجین لا حیاء و مثل الیک و یخبر به الا صدق قاء و شانه الا عک او یعنی زندان خواب گوید زندان است
و مثل بلاست و آزمایش کردن و دستااست و خرم کردن دشمنانست و اگر بنیسی که در زندان شد و زود بیرون آمد
دلیل که مراد تمام بیا بدین سیرین رحمه الله علیه گوید زندان در خواب گوید زنجیر که ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنجیر در خواب
جنگ و خصومت بود و اگر بنیسی که زنجیر داشت دلیل که با کسی جنگ کند و اگر بنیسی که زنجیر زنجیرین بوسی و او دلیل که با تو فکری
خصومت کند و اگر بنیسی که زنجیر سپین بود یا برنجین دلیل که ویر با کسی عام خصومت افتد زما ابن سیرین رحمه الله علیه
اگر بنیسی که در زنجار گریست و پنداشت که هرگز موی نمید و دلیل که کار بروی بسته شود و اگر بنیسی که بر زنجار وی برنجی بود و با و در می آمد
که بتدریج او را رحمت رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن زنجار در خواب بر زود و جبهه بود یکی زن دوم مال و بهر زیادت
و نقصان که در زنجار بود و او را آن بزندان و مال باز کرد و زنجار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنجار در خواب خوردن مال حرام بود
یا خون باطل ناحق بریزد و اگر بنیسی که از خوردن زنجار می آماس گرفته بود دلیل که مال حرام حاصل کند که مانی رحمه الله علیه
گوید اگر بنیسی که تن وی زنجار آلوده بود و دلیل که در کار که بود سخت حریص بود و بعضی از معتبران گویند که سخنی گوید و بدان اندک

بنیسی

بنیسی

بنیسی

بنیسی

بنیسی

بنیسی

و اگر

بکسی

در خواب

چرا

بکسی

بکسی

بکسی

و اگر ببیند که تن او از زهر گزندی رسیده یا آس داشت و دلیل که بقدر آس او را غم و اندوه رسد و اگر ببیند که زهر خورده و دلیل که از گشتن خشم خورده زهره این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که زهره مردم میخورد و دلیل که خشم خورده و اگر ببیند که زهره چهارپایی میخورد و دلیل که بر خونی دشمنان شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که تن وی زهره مردمان آلوده گشت و دلیل که از زهره مردمان چوبه و اگر ببیند که تن وی زهره چهارپایان آلوده گشت و دلیل که لباس حرام بپوشید و اگر ببیند که تن وی زهره وادان آلوده گشت و دلیل که صحت با کسی دارد که بدخوی و ناسازگار بود و زو بعین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب ببیند که زو بین در دست داشت و چیزی دیگر غیر زو بین با وی نبود و دلیل که از زهره زندی آید و اگر ببیند که بازو بین سلاحهای دیگر داشت و دلیل که از زهره او را خیر و منفعت رسد و بر دشمنان ظفر یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که زو بین از اخت و دلیل که کسی را سخن بد گوید و اگر ببیند که بزو بین کسی را محروم کرد و دلیل که بر کسی بهتان ببرد و بیرون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بزیتون در خواب غم و اندوه بود و اگر ببیند که زیتون داشت یا کسی بوی داد و میخورد و دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورده و اگر باقی رحمة الله علیه گوید روغن زیتون در خواب لیل خیر و رکعت باشد و اگر ببیند که روغن زیتون می پالود و میخورد و دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورده و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که زیتون تلخ نبود و بانان میخورد و دلیل که او را منفعت بختی حاصل شود زیرا باج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زهره باج در خواب چون ترش نباشد و لیل شیرینی دارد و دلیل که خشم و منفعت باشد و چون تلخ ترشی دارد و دلیل غم و اندوه بود و چون در وی زعفران بود دلیل بر بیماری بوده بعضی از مشیر گویند که خوردن زهره باج در خواب لیل بر مصیبت و غم و اندوه بود زیرا باج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیلو در خواب چون گسترده باشد و دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار دنیا کند و هر چند که زیلو دراز باشد بهتر بود و چون زیلو پیچیده باشد دلیل بر نقصان عمر کند و اگر ببیند که زیلوی کوچک نشسته بود و آن زیلو در زیر وی فراخ شد و دلیل که عیش و روزی فراخ شود و اگر زیلو بدست خود پیچید و در کنج خانه نهاد و دلیل که غرور و ولت خود را تها کند و اگر ببیند که زیلو بر پشت نهاد و دلیل که امانت مردم بر گردن وی باشد و اگر ببیند که زیلو پیچیده و کسی دیگر داد و دلیل که عمرش با خیر رسیده باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که زیلوی سبز داشت و پاکیزه بود و دلیل که نعمت بروی فراخ گردد و اگر ببیند که زیلوی کهنه و دریده بود و دلیل که عیش و روزی دشوار شود و اگر ببیند که زیلوی مجهول حکمه بود و دلیل که آنچه دوست دارد از دست او برود و اگر ببیند که زیلوی نو بدو و اندوه در خانه بگسترده و دلیل که دولت شاقبال یابد و عمرش دراز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین زیلو در خواب شورش وجه بود یکی ساختگی کار دوم عمر دراز سیوم روزی فراخ چهارم غرور و ولت پنجم دشواری عیش ششم گناه زهره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زهره در خواب چون بسیار ببیند و دلیل منفعت دین و دنیا می باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زهره در خواب چون اندک ببیند منفعت کمتر بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زهره در خواب چون بر پشت چهارپای نباشد زن بود و اگر ببیند که بر پشت چهارپای بود و دلیل که حکم نیکت و با آن بر راکب باشد

و اگر بیند که نیستی بخیزد یا کسی بوی داد و دلیل که کینش بخیزد یا زنی بخیزد و خداوند مال بسیار نشود و باشد که میراث یابد اگر
 بیند که زمین وی بشکست دلیل که زن میرد یا بیمار شود و اگر بیند که زمین می برود سیم آراسته بود و دلیل که زنش خلیفتن بین
 و مشکیزه بود و اگر بیند که زمین وی سیاه بود و هیچ آرایش نداشت و دلیل که زنش پارسا و دیندار بود و زمین کرد و خواب زن دلالت بود
 و دلالتی کار بود و الله اعلم بالصواب **حرف السین** به سار این سیرین رحمة الله علیه گوید سار مرغی است و اگر خواب
 بیند که ساری داشت و دلیل که مردی مکار باشد که سفر بسیار کند و اگر بیند که ساری گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که مامری سار
 او را هجرت افتد و اگر بیند که گوشت سار بخورد و دلیل که بقدر آنچه خورده بود او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید وین
 سار در خواب مردی کافر بود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بیند که سار بسیار بروی جمع شده و دلیل که میان کافران گرفتار شود
 سار حلو را برین رحمة الله علیه گوید سار در خواب مردی شجاع و دلیر بود اگر خواب بیند که سار طور دشت دلیل که چنین
 مردی او را هجرت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سار در شکست یا ضایع شد و دلیل که چنین مردی او را جدائی افتد
 مغربی رحمة الله علیه گوید سار در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسبب آسان کرد و خاصه که سار در بزرگش بود
 سار حداب برین رحمة الله علیه گوید سار دشت و ست و انبار مستعد بود و اگر بیند که سار دشتش قوی بود و دلیل که او را از انبار
 و دوشان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که سار دوی شکست و دلیل که انبار و دشت از وی جدا شوند مغربی رحمة الله علیه گوید
 اگر بیند که بر سار دشت وی ساری بسیار بود و دلیل که دوشان از وی جدا شوند و غمگین گردند و اگر بیند که ساری از سار جدا شود
 و دلیل که او را شکر گذارده شود و ساق این سیرین رحمة الله علیه گوید ساق در خواب مال معیشتی که مردم را بدین اعتماد بود و معجز
 گویند که ساق مرد را غرور جاه باشد و اگر بیند که ساق وی قوی بود و دلیل که کارش نیکو شود و اگر ساقش ضعیف بود و دلیل که
 حال کارش ضعیف و بی نظام بود که تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ساقش این سیرین یار و یمن بود و دلیل که عمرش دراز شود و دلیل
 باقی باز و اگر بیند که ساق و شکست و دلیل که برین او بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید وین ساق در خواب مرد را نازن بود
 و نازنا نشوی اگر بیند که ساقهای وی بر یکدیگر می پیچید و دلیل هم پاک بود و اگر بر ساق او موسی بسیار بود و دلیل که وادار گردد
 و اگر بیند که موسی از ساق بهتر و دلیل که او را شکر گذارده شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین ساق در خواب بر چهار چوب
 بود و دلیل که دوم معیشت سوم عمر دراز چهارم مردان را نشوی ساق این سیرین رحمة الله علیه گوید ساق در خواب نیکو
 و طیب بود و ساق پادشاه و تادیل هم پادشاه بود و ساق پادشاه و یار مردی بزرگ بود و ساق دشت بی بر و دلیل بر ساق
 کرانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جانی زیر سایه نیسته بود و دلیل که مرگش نزدیک بود و قوله تعالی که تکرالی و تکرال کیف
 مکار لظلم و کوشا و جملک سار کنا جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیر سایه نشستن در خواب بر سرچ و چه بود و چه
 دوم سبب سوم پناه چهارم منفعت پنجم مرکب سایه بان این سیرین رحمة الله علیه گوید سایه بان در خواب پادشاه و پادشاه
 بود و اگر بیند که زیر سایه بان نیسته بود و دلیل که خدمت پادشاه چنین کند و اگر بیند که سایه بان بروی افتاد و او را از نزد پادشاه

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

و دلیل که پادشاه بروی چشم گیر در مغرب رحمة الله علیه گوید اگر میند که سایبان پیشین پاک پس بود و لون آن بنیاد سپید بود و دلیل که
پادشاه عالم کند سپهر این سرین رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب در دست و مشت دلیل که از کسان پادشاه و ارباب بود و اگر میند که
سلاح دیگر بود و دلیل بر روی بود که در وستان و برادر از از شرنگا دارد و اگر میند که سپهر زمین نهاد و دلیل که او را بام روی فاضل صحبت
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سپهر در خواب بر شش وجه بود یکی برادر و دوم یار سیوم قوت چهارم سپهر بنجم همی ششم
و پنجاه بقدر بزرگی سپهر سپهر این سرین رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب دیدن مال شادی بود و اگر میند که سپهر کا و در شاد دلیل که
او را در آن سال چیزی حاصل کرد و اگر میند که سپهر در شاد دلیل که او را از مردی بزرگ مال حاصل آید و اگر میند که سپهر چهار پای شادی
و دلیل که او را از مردی غنیب مال حاصل شود و اگر سپهر در آن داشت دلیل که بقدر آن مال از زیر سپاه جعفر صادق رضی الله عنه گوید
و دیدن سپهر های مجموع در خواب مال بود و سپهر جانور که گشت و حلال بود و مال حلال باشد و آنچه گوشت وی معلوم باشد مال
بود و سپهر این سرین رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب دیدن بود و خاصه که در وقت خویش باشد اگر کسی بخوابد میند که زینتی داشت
و در آن سپهر بسیار بود و دلیل بر صلاح و پاک دینی وی بود و اگر میند که در آن بین گاه محمود بود و در آن گاه دانا باشد و در آن گاه
و دانست که در آن زمین ملک و بیست ایچله دلیل بر دین و دیانت میند که و اگر میند که در آن زمین گاه معروف بود و دلیل بر فرا
نعت و مال وی بود و در مغرب رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب چون بوقت بیدار و دلیل از در و در و در این سرین رحمة الله علیه گوید سپهر
در خواب نیک بود و اگر میند که در سپهر زانمقیم شد و دلیل که در راه دین مقیم شود و اگر میند که مرده در میان سپهر زانمقیم بود و دلیل بر قوت
و ثواب خیرت او بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر سپهر زان پاکیزه و خرم میند و دانند که ملک و بیست دلیل بر دین پاک و در و در و در
او باشد و اگر سپهر زان زرد و پر شده میند و دلیل بخلاف این بود و اگر میند که در میان سپهر زانری بود که ملک دیگران بود و دلیل که
او بامردان پادشاه و دیانت باشد و اگر بخلاف این بیدار و دلیل که صحبت او بامردان مفسد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سپهر
در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی راه اسلام و دوم دین ستم و عتقا و پاک چهارم بر سپهر گاری سبل این سرین رحمة الله علیه گوید اگر
که چشمهای وی سبک داشت چنانکه نمیتوانست دیدن و دلیل که بقدر تاریکی و در دین وی نقصان باشد و اگر چشمهای او سبک بود
و در آن بود و دلیل که در راه بدعت باشد و اگر چشمهای او شعله وار و در سبک و در آن بود و دلیل که فرزندش بیمار بود و اگر میند که سبک چشمهای او بر شد
و دلیل که تو بکنند و بعضی گویند که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غنبت بود و دلیل که سلامت در وطن خود باز رسد
این سرین رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب بر منافق بود که بر دست وی مال ضایع شود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب
کثیر که با خود بود و اگر میند که سبکی نو از گرفت با بخند و دلیل که کثیر که بخند یا خاومی او را حاصل شود و اگر میند که سبک ضایع شد و دلیل که
و دلیل که کثیر که با خود بود و اگر میند که سبکی او را سوا شد و دلیل که کثیر که با خود بود و اگر میند که سبک ضایع شد و دلیل که
و دلیل که کثیر که با خود بود و اگر میند که سبکی او را سوا شد و دلیل که کثیر که با خود بود و اگر میند که سبک ضایع شد و دلیل که
خام چهارم کثیر که با خود بود و اگر میند که سبکی او را سوا شد و دلیل که کثیر که با خود بود و اگر میند که سبک ضایع شد و دلیل که

حکایت
پیکر

پیکر

پیکر

پیکر

بنام سوس مجوز دلیل که در آید یا خط و تکی افتد و اگر بنید که سوس را از خانه بیرون ریخت دلیل بر نیت و فراخی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سوس در خواب بر سر نه و وجه بود یکی نیاز مندی و دوم خط سیدم تنگی میشت سپید اب بن سیرین رحمه الله علیه گوید که خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که سپید اب داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی گفتگو کند و پیوسته عکس باشد و اگر بنید که سپید اب بروی داشت دلیل که بقدر اور امتناع دنیا حاصل شود که تانی رحمه الله علیه گوید سپید روی خد مکار بود و بعضی از تعبیر گویند که خدائی خانه بود و نیک و بد آن مکه خدای خانه باز کرد و سپید مهر دین سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که سپید اب بر سپید دلیل که راز نهان وی ظاهر گردد و اگر بنید که سپید نهانست زدن دلیل که کاری کند که آن کار نداند مغربی رحمه الله علیه گوید سپید مهر در خواب دیدن مرد از اینج و سختی بود و راز را رسوائی و ظاهر شدن راز بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سپید مهر در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی خبر کرده و دوم سخن دروغ سیدم ظاهر شدن راز چهارم رنج و سختی ستارگان و انبیا علیهم السلام گوید ستارگان در خواب لیل بر بزرگان و امیران و آفتاب بر پادشاه و ماه دلیل بر روزی بود اگر حل رنج خواب بنید دلیل که او را بهر دوام قیاس شغل افتد و او را مال نعمت از او حاصل آید و اگر ستارگان خواب بنید دلیل که او را به ممتدی پارسا و مصلح نیک خواه کارمند و اگر رنج رنج خواب بنید تاویل آن بر زمان خو بروی محشم و خادمان پیوند و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر غطار در خواب بنید دلیل که او را با مردم حکیم مشکلی پیوستگی افتد و از وفایده یابد و اگر بنید که بعضی از ستارگان با وی سخن گفتند دلیل که بزرگی و تفریق است این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ستارگان ناسته چون عید و عشیق و سبیل و کلید بعضی از مشرکان می پرسند که اگر یکی از ایشان خواب بنید دلیل که او را به مشرکان محبت افتد و اگر بنید که ستاره روشن زمین افتاد و ناپدید شد دلیل عالمی در اندازد و دنیا بر او توفیق و عطا کرمیت و بالیج هم یکتا و آن اگر بنید که ستارگان میگردند دلیل که فتنه و آشوب در بزرگان افتد و اگر بنید که ستاره بر گرفت دلیل که او را پسری آید و مقرب پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره بنید دلیل که او را فرزندان بسیار شود و که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که ستارگان در آسمان تفرق شدند دلیل که تفرقه در میان پادشاه افتد و اگر بنید که ستارگان سعد بهم جمع شدند دلیل که حالش نیک شود و اگر بنید که ستارگان از خانه وی بر آید و دلیل که فرزندان می مقرب پادشاه گردند و اگر بنید که ستارگان مطیع وی شدند دلیل که پادشاهی یابد و اگر بنید که ستارگان سخن میگفتند دلیل که پادشاه وقت و او که باشد و اگر خلافت این بنید دلیل که پادشاه ظالم و ستمگار بود و اگر بنید که ستارگان با هم جنگ میکردند دلیل که در آید یا جنگ و کارزار باشد و اگر بنید که ستارگان در آسمان خود دنیا و دلیل که مال بسیار حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که از ستارگان یک ستاره و برابر او سخن شده و در وی کافرا و دلیل که در فرزندی عزیز و گرامی آید و اگر بنید ستاره که خداوند طالع اوست و در منزلت خویش است و دلیل که نسلش زیاده شود و اگر بنید که ستاره می پرسند دلیل که خدمت بزرگی یا عالمی کند اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید ستارگان که مردم و ریا بایان بدو می برند و خواب دیدن لیل بر خیر و منفعت کند و ستارگان نیکه مردم آنرا می پرسند و دلیل بر شر و مضرت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود یکی فقرا و دوم علم سیدم مضات چهارم خلفا پنجم ویران ششم و سیران هفتم خزانه دهم و نهم مردان

خواب
تشنه

بجاوه

بجاوه

بجاوه

بجاوه

بجای نهم شکران حکایت آورد و اندر بغداد و مروی خواب دید که ستاره روشن بر زمین افتاد و متعجبان گفتند که عالمی است
در آن هفته امام عظمی از دنیا رحلت کرد و سقون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سقون در خواب خداوند اقبال و دولت بود که
بجای بیند که سقونی داشت و قوی بود و دلیل که از مروی مقبل مالی حاصل کند و اگر بیند که سقون خانه وی بنیفا و یا شکست
و دلیل بر طاک او بود که مالی رحمه الله علیه گوید سقون در خواب سلام بود اگر بیند که سقون خانه بنیفا و یا شکست و دلیل که خداوند
خانه طاک شود و اگر بیند که سقون خانه وی بار یک بود و دلیل بر ضعف من وی وی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سقون
در خواب بر پنج وجه بود یکی خداوند دولت دوم مرگ سقون مرد و خشم چهارم فوت و در کار پانجم ولایت بجاوه و ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید بجاوه در خواب دیدن بخیر بود اگر بیند که در مسجدی بر سر بجاوه نشسته بود و دلیل که بسفر بجاوه رود و قوله
و اتخذوا من مقام ابن ایهیم مصالحی خاصه چون بیند که در مسجدی متکلف شد متعجبی رحمه الله علیه گوید اگر بیند
که بجاوه پیشین یا پنبه داشت و دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد و اگر بیند که بجاوه او بسوخت تا ویش بخلاف این بود
و اگر بیند که بجاوه وی پیشین بود و دلیل که طاعت وی ریائی بود مسجد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بار بی بجاوه
و تعالی را سجده کرد و دلیل که بر روی بزرگ ظفر باید و اگر بیند که غیر خدا تعالی را سجده کرد و دلیل که مرادی که دارد بر دنیا و غیر
صداق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بهتر از سجده کرد و دلیل که او را از سلطان رحمت رسد قوله تعالی فَعَبَدُوا قُلُوبَهُمْ قُلُوبُهُمْ
اللَّهُ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ سخن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که تر از دست داشت و چشم سنجید
و دلیل که میان مردم داری کند و اگر بیند که رست می سنجید دلیل که حکم رستی کند قوله تعالی وَ زَلَّابُ الْقَطَا السَّيْفِ
اگر بیند که رست سنجید اگر از ابل علم بود و دلیل که قاضی گردد و اگر عالم نبود و دلیل که بقاضی محتاج گردد و جعفر صادق رضی الله عنه
گوید رست سخن در خواب بر چهار وجه بود یکی حکم رست دوم نیکوئی سیوم محتاج شدن باوری چهارم حاکم شدن و اگر
کج سنجید تا ویش بخلاف این بود سخن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سخن گفتن در خواب شنیدن بنا و ل بر زبانها نماند
بود و اگر بیند و اگر بیند که بر زبان عربی سخن گفت و دلیل که از متران عروجه یا بد و اخبار یا حضرت رسول صلی الله علیه و سلم
استماع کند و اگر بر زبان پارسی سخن گفت یا شنید دلیل که با متران او صحبت کند و از ایشان نیکی یابد و اگر بر زبان عربی سخن
گفت یا شنید دلیل که میراث یابد و اگر بر زبان هندی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی مصل و ن همت ویرا کاری آید
و اگر بر زبان ترکی سخن گفت یا شنید دلیل که او را با باقیین صحبت افتد و اگر بر زبان خوارزمی سخن گفت یا شنید دلیل که بجز
کرد و هشود و اگر بر زبان سغدی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی انصاف او را شغلی افتد و اگر بر زبان یونانی سخن
گفت یا شنید دلیل که بمحققیات مشغول گردد و اگر بر زبان رومی سخن گفت یا شنید دلیل که او را از صحبت نادانی غم و اندوه
رسد که مالی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که به زبانها سخن گفت یا شنید دلیل که در همه کارها مشر و کند و او را از ان مشقت
بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بر زبان که در خواب سخن گوید و شنید و اگر خواب خیر و صلاح بود تا ویش آن خیر و صلاح

باشد و اگر سر و قشا و گوید نایل آن بدان موجب باشد و اگر بیند که براندازی از اندامهای خویش سخن گفت دلیل که بر خوشتن گو
 راست و به قول تعالی **يَوْمَ كَيُفَكِّكُم عَنْ بُيُوتِكُمْ وَابْوَاكُم عَنْ بُيُوتِكُمْ وَابْوَاكُم عَنْ بُيُوتِكُمْ وَابْوَاكُم عَنْ بُيُوتِكُمْ** ه
 و براندازی که بدان سخن گوید دلیل بر ستم و بیداد باشد سراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سراب و خواب خصوصت و داور
 بود و اگر بیند که سراب داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی خصوصت کند و اگر بیند که سراب بخورد و بهین نایل دارد و مغربی رحمه الله علیه
 اگر بیند که سراب زده شده بود و بخورد و دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که سراب کسی داد یا از خانه بیرون آنخند دلیل که از جنات خصوصت خاص
 و در دیدن سراب خواب هیچ منفعت نباشد سر و انیال علیه السلام گوید سر خواب دیدن معتبر قوم بود و اگر بیند که سر برید و دلیل
 که معتبر بود و دست دارد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سر خرم تیغ شمشیر از تن جدا گردد اگر دام دارد باشد دلیل که ویش گذارد
 شود و از غم فرج یابد و اگر آن خواب بنده بیند دلیل که آزاد گردد و اگر بخور بیند شفا یابد و اگر متیری بیند ولایت یابد و اگر از آن بیند دلیل که
 خواهد تا آنکه باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی سرانی بریده بسیار بیند دلیل که متهمان آنجا بسیار جفت شوند و اگر بیند که از آن سر است
 یا پوست یا مغز یا پوست دلیل که از آن متهمان مال یابد و اگر بیند که پوست سر یا میخورد و دلیل که از متهمان ویشان باج حاصل کند و اگر بیند
 که پوست سر را مرد میخورد و دلیل که متیری با وی عتاب کند و اگر بیند که سر مردی مرد و سر میخورد و دلیل که سر میانه خود را بخورد و اگر بیند که سر خود
 یا بی ویش میخورد و دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر مردی محمول میخورد و دلیل که سر میانه کسی بخورد و اگر بیند که سر مردی میخورد و دلیل که بقدر آن مال پادشاه
 بخورد و اگر بیند که مردی سر می یا سر پیش آورد و دلیل که سر و ناکه و گرد و از ایشان خیر و نیکی بیند و اگر خواب سر زنی بیند دلیل که از زن
 تو اگر راحت یابد و اگر بیند که سر کو سبندی میخورد و دلیل که عرش را از گرد و مال حلال یابد و اگر بیند که سر کاه میخورد و دلیل که انزال مال
 لغت یابد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب خمر بزرگ بیند دلیل که جاه و مرتبت یابد و اگر بیند که او را و سر و دلیل که کارش قوی
 و اگر سر خود بر سر بیند و دلیل که از تشنگی دارد و بیفتد و نمکین شود و اگر بر سر خود جراحی بیند که از آن خون می آید و دلیل که با کسی دوستی
 و اگر بیند که سر وی مغز بیرون آمد و بر زمین افتاد و دلیل که سر را از دست وی برد و اگر بیند که مغز باز جای خود نماند و دلیل که مایه باز پدید
 آورد و اگر بیند که سر وی چرب بود و دلیل که کار با بی خیر کند و اگر بیند که سر بریده در دست داشت دلیل که مال بسیار یابد و در ولایتی معتبر
 و فرمان را گرد و اگر بیند که سر وی سخن نگوید گفت دلیل که نیکو کار باشد و در کار ما انصاف نگاہ دارد و اگر سخن بد گفت تا ویش سخن از این
 و اگر سر خود را بد و نیم بیند چنانکه یک نیمه در دست راست و پشت و یک نیمه در دست چپ و پشت و دلیل که مادر و پدر وی بمیرند و اگر بیند
 سر خود در دست خود داشت دلیل که از متیری خیر و منفعت یابد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سر وی چون سپر شد و دلیل که ولایت یابد
 و اگر بیند که سر وی چون سر شتر شد و دلیل که بفساد و حرم گراید و اگر بیند که سر وی چون سر پش شد و دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که
 وی چون سر خر شد و دلیل که از جنات خود کامکاری یابد و اگر بیند که سر وی چون سر گاو شد و دلیل که بهتر و خلق خود را گرد و اگر بیند که سر
 چون سر گوسفند شد و دلیل که جل بر وی غالب گردد و اگر سر خود چون سر شیر بیند و دلیل که فرمان روائی یابد و دشمنان او بترسند و اگر سر خود
 چون سر گاو بیند و دلیل که دل بخاری یابد و اگر بیند که سر خود شکسته شد و دلیل که بفرمانده نماند و اگر بیند که سر وی گاو بیند که

فصل
در بیان

دلیل بر پاک دی بود و اگر میند که سر او زمین یا سین شد دلیل که مال یا بد و اگر میند که سر او زمین یا سین بود دلیل که خدمت سرتی سخط
کند و اگر میند که سر او چین بود دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر میند که سر او سفالین بود دلیل که خدمت سرتی لاف زن
کند و اگر میند که سر او چین سر مرغان شد دلیل که مضر و دواگر میند که سر خود بریده داشت دلیل که او را بر داند کند و اگر میند که سر
اتق جدا کند و باز بر جای نهد و درست شد دلیل که عاقبت در جهنم باشد یا بد و اگر میند که سر او داشت و زشت است پس بود دلیل
که او را پسری آید و اگر زنی خود را سر تراشیده بیند دلیل که شوهرش بمیرد و اگر میند که سر بریان میخورد و دلیل که مال یا بد و اگر میند که سر بر
مخزن یا کنی بوی داد و از آن بخورد و دلیل که از متهری فایده یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بریان تبا وین میسی یا متهری کردن
باشد و اگر میند که سر خام میخورد و دلیل که متهر بر اغیبت کند و سر خفته بهتر از خام بود و قضا معتبر تحت الله علیه گوید سر مردم بخواب
بود یا متهر یا پس و اگر سر خود را بریده بیند دلیل که از پدر و مادر بریده شود و اگر سر خود را بدست خود بیند دلیل که با ایشان پیوند دارد
سر خود را باز برگردان خود بست و دلیل که از کسی بصاحت بستاند یا وام کند و اگر میند که سر می بریده و پیش داشت و قفس میگذرد
و دلیل که متهر اندازد را غم داند و مصیبت سد و اگر سر پادشاه بر دوش خود بیند دلیل که ده هزار درم یا بد جعفر صادق رضی الله عنه
سر مردم خواب دیدن بر دانه وجه بود یکی رئیس و دم متهر سوم پدر چهارم مادر پنجم امام ششم مؤذن هفتم عالم هشتم ده هزار درم
نهم پسر دهم غلام یازدهم زن دوازدهم نو انگری اگر خواب بیند که سر بزرگ کرد و جامه پاک پوشیده بود دلیل که او را با متهر است
افتد و اگر جامه چرکین بود که پوشید و دلیل که از متهری غم داند و یا بد و اگر میند که سر را در تنور نهاد و دلیل که از متهر است و خام کارش
بسر آب تا ویش سخن باطل باشد و علی که در منفعت نبود این سرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که در زمین سر را میقیمت شد دلیل
که بعلم باطل و سخنی که در خیر نباشد مشغول گردد و اگر میند که از زمین سر آب میخورد و دلیل که از علم باطل ان هیچ کند سر او و این
سرین رحمة الله علیه گوید اگر خود را در سر پرده بیند و داند که ملک او بود و دلیل که بزرگی و منزلت یا بد و یا شده که متهر لشکر شود یا اگر
که در سر پرده پادشاه میقیمت شد دلیل که از پادشاه حرمت و جاه یا بد و اگر میند که سر پرده پادشاه میفتد و دلیل که زوال ملک است و یا
و اگر میند که سر پرده پادشاه بسوخت و دلیل که پادشاه بمیرد و اگر میند که پادشاه او را از سر پرده بیرون آورد و دلیل که پادشاه بی
و ملک بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین سر پرده و خواب بر پنج وجه بود یکی سلطنت و دم ریاست سیوم ولایت
چهارم دولت پنجم سرنگی سسر انیال علیه السلام گوید اگر کسی خواب بیند که در سرای بیگانه نشاند و هیچ نشاخت و در آنجا مر و کان دید
دلیل که آن سرای آخرت است و صاحب خواب را وقت اجلش باشد و اگر میند که در آنجا شد و بیرون آمد و دلیل که بر جای او بود و بسکین
شفا یا بد و اگر میند که سر او معروف شد و بنیادش از گلی بود و دلیل که روزی حلال یا بد و اگر میند که بنیادش از گلی و آجر و آجر بود و دلیل که مال
حرام یا بد و اگر میند که آن سرای بزرگ و فراخ بود و دلیل که روزی بزرگ و فراخ گردد و اگر سرای کوچک بود و تا ویش بخلاف این بود و این سرین
رحمة الله علیه گوید اگر میند که سر او خود میزند و دلیل که راه صلاح بر خود ببندد و عبادت نکند و اگر میند که سر او میزند و دلیل که در
خیرات بروی کشاده شود و اگر میند که سر او نو یا کهنه بود و دلیل که بر تندرستی و عمر دوازده و پدر کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که سر او نو

فصل
در بیان

خواب کرده در شد و دانست که ملک نیست دلیل که روزی بروی فراخ گردد و خود و جاه یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین سرای
 و خواب بر بهشت و به بودی که مردان و زن را شوی و دم تو اگر می سپوم یعنی چهارم پیش پنجم مال ششم ولایت هفتم امانت و غم
 سرب این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که سرب داشت دلیل که از متاع دنیا چیزی درون و را حاصل شود و اگر ببیند که سرب
 سبک داشت دلیل که به بدی و زبان مردم افتد سرخی اجامه بداند که در جائه مردان سرخی که است بود و برنج و اندیشه و زانرا آنچه در
 و اگر روی ببیند که به جامه نوی سرخ بود دلیل که فتنه و خون ریختن را دوست دارد و بر مردم ستم کند بعد سرخی جامه سر خجسته
 و خواب دیدن دلیل بر ناپاکی مال بود و اگر ببیند که بر تنی سر خجسته بیرون آمد دلیل که مالی برنج و سختی بدست آورد و اگر ببیند که سر خجسته
 از تن او ناپدید شد تا ویش بخلا فطین باشد سر خجسته این سیرین رحمه الله علیه گوید سرخیدن و خواب برنج بود یکی سرفه نزد مردم
 سرفه خشک سوم سرفه بلغم چهارم سرفه که خون بر آید پنجم سرفه که صفرا بر آید و اگر خواب ببیند که بجا سرخیدن بلغم بر آید و دلیل
 پیش کسی شکایت کند از نانی که بوی رسیده یا بسبب نالی که از وی ضایع شود و اگر ببیند که سرفه خشک داشت دلیل که شکایت
 وی از حال و بهیوده بود و اگر ببیند که سرفه نزد داشت دلیل که شکایت وی از خلیشان بود و اگر ببیند که سرفه خون داشت دلیل
 شکایت وی از فرزندان بود و اگر ببیند که سرفه صفرا داشت دلیل که مردی بود که از بهر شکایت کند و اگر ببیند که متری می سرفه
 و دلیل که غمخوارین بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که در سرفه می آمد و دلیل بر ناتوانی باشد و اگر ببیند که سرفه و دگر بوی او ماند
 و دلیل که وقت مرگش باشد اگر ببیند که در سرفه سیران پیدا شد چنانکه بلغم می انداخت و دلیل که از غم و محنت فرج یابد جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید اگر خواب ببیند که می سرفه و دلیل که از پادشاه بوی آفت رسد سر که این سیرین رحمه الله علیه گوید سر که در خواب
 مال حلال بود و بارکت و خور و نش تناول هم نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه و السلام فرمود و خیر لا ادرم الخ
 و بعضی خبر آن گفته اند که سر که ترش در خواب غم و اندوه بود و سر که فروش در خواب مردی قصود طلب بود سر که این سیرین
 رحمه الله علیه گوید سر که این سب و کاه و خواب نال و لغت بود و اگر ببیند که سر که این بسیار جمع آورد و دلیل که از مال و نعمت حاصل شود
 و اگر ببیند که سر که این مردم بود و دلیل بر مال حرام بود و اگر ببیند که در آب خانه سر که این می انداخت دلیل که مکر و بی بوی رسد و نقصان
 مالی بود و اگر ببیند که در ستر پیدی بگرد و دلیل که از مال خود بعضی بپایان دهد و اگر ببیند که سر که این نکند و آن سر که این را بجان بپوشد
 و دلیل که مال در زمین پنهان کند کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که سر که این مردم میخورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر ببیند که بجا بگای
 مجهول سر که این بخت و دلیل که مال خود بجای خرج کند و اگر ببیند که تن خود را بر سر که این بپاید و دلیل که در گناه افتد و اگر ببیند که استخوان
 پیدا شد دلیل که مال با اسراف خرج کند و انیال علیه السلام گوید سر که این مردم مال حرام بود و سر که این چهار پایان مال حلال بود
 و سر که این دوان مالی باشد که بظلم بدست آید مغربی رحمه الله علیه گوید بر پیدی که از مردم جدا شود و دلیل بر ناپاکی باشد و اگر ببیند
 میان پیدی سیرفت و غرق شد دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر ببیند که پای بر پیدی نهاد و بپشت او جامه و یا
 آلوده گشت دلیل که از خاک مصرفت ببیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر که این در خواب بر چهار وجه بود یکی آن مردم دوم گشایش

سیدم نفقه کردن با عیال چنانچه زوال غم سرگسگن گروان یعنی جعل باشد مردی بود که مال جمع کند این سیرین رحمة الله علیه گوید
که بینه که جعل گرفت لیل که از بصری حرم خوار صحبت یافت و اگر بینه که جعل اچشت لیل که مردی حرام خوار بکشد و اگر بینه که بخور لیل
که مال حرام خوار بخور و سر ما بن سیرین رحمة الله علیه گوید سر ما و خواب پنج و مضرت بود اگر بینه که سر ما بیاقت لیل که بقدر سر ما و
و تنگستی او را بود و اگر بینه که سر ما را مضرت رسانید لیل که از خوشیشان را مضرت رساند سر ما بن سیرین رحمة الله علیه گوید سر ما و
مال بود و اگر بینه که سر ما در چشم کشید و لیل که صلاح دین بود و اگر بینه که سر ما کسی بوی داد و لیل که بقدر آن مال یا بد که تانی رحمة الله علیه
سر ما در خواب مال جاه بود و مردوزن را و بعضی ستران گویند که سر ما در خواب افتن راه حق و صواب بود و جعفر صادق رضی الله
عنه گوید سر ما فروش در خواب مردی بود که در صلاح دین بود و نیز که چشم دین بود و سر ما در خوشانی باشد سر ما و ان این
سیرین رحمة الله علیه گوید سر ما و ان در خواب زنی بود که پیوسته با خدا تعالی باشد و مرد و زن را برادر و بن خواند اگر بینه که سر ما و ان
وی بشکست لیل که زن وی ببرد و مغربی رحمة الله علیه گوید سر ما و ان در خواب زن دین دار بود و اگر بینه که سر ما و ان بی بی
شد لیل که از صحبت فی جلد انشود و اگر بینه که سر ما و انی بخرد و لیل که کنکرت و بنده بخرد و سر ما و انی رحمة الله علیه گوید سر ما و ان
عم و اندوه بود و اگر بینه که سر ما داشت یا کسی بوی داد و لیل که غمگین و متفکر شود و اگر بینه که سر ما میخورد و لیل که بپاشد و اگر بینه
که سر ما کسی داد یا بفرخت و لیل که از غم رسته گرد و سر ما و ان سیرین رحمة الله علیه گوید سر ما و در خواب لیل برهنه یا بطل و صیبت
بود و اگر بینه که سر ما و انای دیگر چون دفع چنگ و نای میزد و لیل که اندوه و مصیبت بیشتر بود و اگر بینه که سر ما و ان
لیل که سخن باطل شنود و کوفانی رحمة الله علیه گوید چون بخواب بینه که سر ما و می گفت اگر در بازار بود و لیل که تو اگر از اسوانی باشد
و دره بشنا از غم تو و ستران گویند سر ما و گفتن در خواب یا شنیدن بر شش و جد بود و یکی کلام باطل و دوم غم و اندوه و سیدم مصیبت
چهارم رسوائی پنج چنگ ششم علم و حکمت سر ما و ان سیرین رحمة الله علیه گوید سر ما و ان خواب دیدن همه نیک باشد اگر
ازان بد باشد از بزرگی خیر و منفعت بینه و اگر سر ما و ان کا واده بینه و لیل که در انکسار او منفعت بسیار بود و اگر بزرگ ستر باشد
حسن بیشتر باشد و اگر بینه که سر ما در هوا معلق و محیته بود و لیل که بر و دم آید یا ز خیر و منفعت رسد کوفانی رحمة الله علیه گوید اگر
بخواب بینه که بر سر خود و سر ما و ان دشت و لیل که از بزرگی فوت یابد و اگر بر سر خود و سر ما و انی بسیار بینه و لیل که بر غم و اندوه
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که بر سر ما و ان دشت و لیل که صلاح در کارش باز یابد و عمر و خورمی بگذارد و اگر بینه که بر سر
بدان سر ما و میزد و لیل که بر و دم رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر ما و انی چهار پایان و شتی و لیل بر خیر و منفعت
بود و سر ما و ان چهار پایان ششمی و لیل بر خلاف این بود و سر ما و ان سیرین رحمة الله علیه گوید سر ما و ان در خواب لیل بر غم و اندوه
بود و خوردن آن مضرت نقصان باشد و اگر بینه که بر سر ما و انی می چسباند و لیل که کاری کند که باز به صلاح آورد و سر ما و ان
این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سر ما و ان دشت یا کسی بوی داد و لیل که بقدر آن ویرا راحت رسد و اگر بینه که سر ما و ان
لیل که بسبب اعمال کاری کند که محکم و استوار باشد و سر ما و ان سیرین رحمة الله علیه گوید سر ما و ان در خواب دیدن یکی از نشان

بود و بعضی گویند که سرین راست دلیل بر پیر کند و سرین چپ دلیل بر خوش کنده اگر بیند که سرین وی محکم و قوی بود دلیل که
 فرزندش نیک حال بود و اگر سرین ضعیف و کوچک بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که سرین وی شکست دلیل که
 فرزندش میر و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین سرین در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم قوت سوم باغ چهارم یکم از
 خوش نشان سطل این سرین رحمه الله علیه گوید سطل در خواب دلیل بر خدشگار بود و اگر بیند که سطلی نو بخیرید دلیل که کثیرت بخور و اگر
 بیند که سطلی شواخ شد دلیل که عیبی بر کینک ظاهر شود و سقتر این سرین رحمه الله علیه گوید سقتر در خواب غم داند و ده بود و
 خوردن آن خسروست و بعضی گویند که خوردن آن نقصان مال باشد و دیدن سقتر در خواب خیر نباشد سفر کردن این
 سرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سفر کرد و داشت که آتفاق بر سر از اینست که بود دلیل که حالش نیکو شود و الا بخلاف این
 بود و اگر بیند که سفر کرد و نداشت که بجا رفت دلیل که انعیال خود و رکود و یا از آن سرای نقل کند و اگر بیند که بود و
 قوی میرفت یا گریه بود و او می آمد و دلیل که مدتی حال و کار بروی متغیر گردد و باز به حال خویش آید مغربی رحمه
 علیه گوید اگر بیند که با بزرگ و ساز تمام بسر رفت دلیل که کارش نیک شود و اگر بخلاف این بیند کارش بد شود و سفره
 این سرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سفره نو پاکیزه داشت یا بخیرید دلیل که کثیرت زشت روی بود و اگر بیند که
 بران و نعت بود دلیل که از آن کثیرت منفعت یا بدگرفتی رحمه الله علیه گوید سفره بخواب سفری با منفعت بسیار بود
 و اگر سفره کوچک و تهی باشد دلیل که منفعت کمتر بود و اگر بیند که سفره او بسوخت یا ضایع شد دلیل که کثیرت نیک
 یا مالش تلف شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سفره در خواب بر چهار وجه بود یکی کینک دوم خدمت کار
 سوم سفر چهارم کسب معیشت سفوف خوردن آن در خواب غم داند و این سرین رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که سفوف خورد و از خوردن آن خیر و منفعت یافت دلیل بر خیر بود سقا این سرین رحمه الله علیه گوید سقا
 می بود که بروست و ی خیرات بود و خاصه که اگر بیند که بر مردمان آب بی طبع میداد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که سقانی میگرد و بی طبع دلیل که بکار حضرت راعب باشد و اگر بیند که مشک پر آب کرد و کسی نداد و دلیل که مال
 جمع کند و الا راحت از آن نیا بد و اگر بیند که آب بخانه کسان میرد و دلیل که بخت کسان مان جمع کند و او را از آن
 منع نباشد سقنقور ماهی است که در میان ریگ میباید این سرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که
 داشت و دلیل که او را کارهای نیک حاصل شود و بکام دل برسد اما درین ضعیف بود و معتبران گویند که ماهی
 در خواب کرده باشد سقنقور یا این سرین رحمه الله علیه گوید سقنقور یا در خواب دلیل بر غم داند و نقصان مال بود
 و اگر بیند که از بهر علتی خورد و از آن شفا یافت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که از خوردن سقنقور یا مضرت یافت
 دلیل بر نقصان مال بود سگ این سرین رحمه الله علیه گوید سگ در خواب دشمنی خود مایه بود و همراهان با
 و سگ سیاه دشمنی از غیب بود و سگ سفید دشمنی از بچم باشد و اگر بیند که سگی او را بکشد دلیل که از دشمن گزند یابد

بسیار

و اگر بیند که جامه او باب و حسن سنگ اندوده شد و لیل که از دشمن بسج خسته گردد و اگر بیند که سنگ جامه او بدرید و لیل که در مال نقصان
آید و اگر بیند که گوشت سنگ سیخ و لیل که دشمنی را دفع کند و اگر بیند که مان سنگ او و لیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بیند که
با وی نزوی که و لیل که دشمنی بوی طبع کند و اگر بیند که سب بروی بکیر و لیل که بر دشمنی فرومایه عطا کند و اگر بیند که شیر سنگ سیخ و
ویل که ترسی بوی رسد و اگر بیند که سنگ از وی میگریخت و لیل که دشمنی بر حذر باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهه کی در
خانه وی آمد و لیل که زنی دون محبت و فرومایه بر نی کند استعجیل شعث رحمة الله علیه گوید سنگ شکاری دشمن ظاهر باشد اگر بیند
که بسگ شکاری شکار میکرد و لیل که او را از دشمن که دعوی داشت کند خیری بدو رسد و اگر بیند که گوشت سنگ شکاری سیخ و لیل
که مبرات یابد و اگر بیند که سنگ شکاری از وی دور گشت و لیل که از دشمن بامنفعت جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
سنگ در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن و دم پا و شاه طامع سوم و دشمن چهارم و دشمن از سگها این سیرین رحمة الله علیه
گوید سگها اگر بگوشه گشت که سپند و حواش بگویند بود و لیل بر عیش خوش و غرور و جا بود و اگر بگوشه گشت که بخت بود و لیل بر این
بود و اگر بگوشه گشت که غنچه بود و لیل بر عیش خوش و بزرگی و فرمان روائی بود و سگها در این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سگ
نوبه و داند و لیل که سختی طیف شد و و اگر بیند که سگ در شکست یا ضایع شد و لیل که سخن باطل شنود و بعضی از سیرین گویند
که سگ در خواب کنیز بود و اگر بیند که سگ در نوبه بود و لیل که کنیز نو می خرد و اگر بیند که سگ در شکست و لیل که کنیز آید و پاک شود و جعفر
صادق رضی الله عنه گوید که سگ در خواب بر نه وجه بود یکی زن و دم خام و سیم کنیز چهارم و دم وین پنجم صلاح تر ششم و این ششم
سخن خوش نیم میراث از جهت زنان سگها این سیرین رحمة الله علیه گوید سگها در خواب چون شیرین بود و لیل بر مال و روزی حال
که آسان بدست آید و اگر ترش بود و لیل بر غم و اندوه بود و مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیماری بیند که سگها در خورد و اگر شیرین بود و لیل که شفا
یابد و اگر ترش بود و لیل که بیماری او دراز گردد و صلاح این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاح پوشیده و در میان غلغله بگانه بود
و لیل که عوام زبان بروی در آید و لیکن که روی بوی رسد و اگر بیند که روی آشفته بود و لیل که دشمن ظاهر باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر
باید و حکان بیند و لیل که بزرگی یابد و اگر بیند که از ان التماسی که بدان جنگ کنند چیزی شکست یا ضایع شد و لیل که نقصان بزرگی بود
و اگر بیند که کسی جنگ بر میگرد و لیل که در جنگ حضور یافت و اگر بیند که کسی او را بود و لیل که آنکس را مضرت رساند و مانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کسی او را زخمی برزد و نداند که آنکس که بود و لیل که او را مضرت رسد و اگر بیند که در آن زخم بریم جمع شد و لیل که بعد از آن جان
شود و اگر بیند که بدان زخم که زد و گوشت و استخوان برید و لیل که آنکس را زخم نماند و اگر بیند که در حرب است کسی برید و لیل که او را سختی
سخت گوید و در میان ایشان جدائی افتد و اگر بیند که سیرین برید و لیل که مالش نماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین سلاح و در خواب
وجه بود یکی وقت و دم بزرگی سیم و دم دولت چهارم و لایست پنجم و ریاست ششم حصن و صلاح گرد و خواب پا و شاه بزرگ دادگر بود
سلام کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و لیل که آن دوست از وی شادی بیند و اگر
بیند که دشمنی بروی سلام کرد و لیل که دشمن دوست وی شود و اگر بیند که کسی مجهول بروی سلام کرد که او را ندید بود و لیل که غریبی

سبک

سبک

سبک

سبک

سبک

با وی دوستی و آشنائی گیرد و اگر بید که پیری بروی سلام کرد که او را ندیده بود و دلیل که از عذاب جحش تعالی این گرد و اگر بید که پیری آشنائی
 بروی سلام کرد و دلیل که زنی خواب بروی خواهد کرد مانی رحمة الله علیه گوید اگر بید که دوستی بروی سلام کرد و جواب سلام او باز ندان و دلیل که میان
 ایشان جدائی افتد سفر آبی رحمة الله علیه گوید اگر بید که زنی جوان بروی سلام کرد و دلیل که اقبال دنیا یابد و اگر بید که در نماز بود و سلام
 بجانب چپ داد و دلیل که کارش شورید و گرد و جعفر صفاق رضی الله عنه گوید سلام در خواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی و دوم شادی
 سیوم اقبال چهارم منفعت مال سلطان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که سلطان در سراسی یا در مسجدی یا در شهری یا در
 شد دلیل که بجای مصیبتی بدان مقام رسد قوله تعالی ان الملوك اذا دخلوا اقربوتهم فسئلوا عما كانوا يعملون و اگر بید که در جنگ سلطان
 علیه کرد و دلیل آنکه حاجتیکه دارد روا شود و مقصود برسد و اگر بید که سلطان دست رهنش برید و دلیل که سگندش و بید و اگر بید که
 سلطان از تحت بغی یا تحت لشکست یا اسب او را لکزد و یا شمشیر وی بشکست یا کادی سرونی بروی زد و او را مجروح گردانید
 اینها دلیل بر زوال ملک می بود و اگر سلطان داد و اگر بید و دلیل بر شرف بزرگی وی بود بقدر آنکه عدل کند و اگر بید که سلطان بساط
 بزرگ بگستر و دلیل که ملک دنیا او را شود و عمرش دراز گردد و سفری رحمة الله علیه گوید اگر سلطان کاخ خویش بنیکو بید و دلیل که عمر و جانش
 زیادت گردد و اگر سلطان مرده را کشته و روی و خرم بید و با وی سخن گفت و دلیل که کار او نیکو شود و دشمنای مرده او را زند و گرد
 سهار و رخ کیا بیت که او را کجای خوانند و بدین وی خواب زنی بود که در وی خیر نباشد و اگر مردا و زن مرده و رخ بید و دلیل که
 بود که از زنی بوی رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر سهار و رخ بزرگ بود و دلیل که او را پیری آید و اگر کوچک بود او را دختری آید
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سحاق در خواب دیدن دلیل بر جنگ و خصومت بود و اگر بید که سحاق خورد و دلیل که کسی بنیکو کند و در خوردن
 سحاق هیچ خیر نبود و سمانه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب پیری غلام بود و اگر خواب بید که سمانه بگرفت یا کسی بوی
 دلیل که غلامش را فرزند می آید و اگر بید که سمانه در دست وی پرید فرزند و غلامش میرد که مانی رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب
 مال روزی حلال بود قوله تعالی و اقولنا علیکم المنق و المستوفی و اگر بید که گوشت سمانه سیجور و دلیل که روزی حلال باشد
 جعفر صفاق رضی الله عنه گوید سمانه در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام و دوم روزی حلال سیوم منفعت چهارم خیر و مال
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی کا و ظالم در این بود و اگر بید که با سمور بر و میگرد و دلیل که با مردی بدین صفت خصومت
 کند و قوت او را بود که غالب آید و اگر بید که گوشت سمور بخورد و دلیل که مال مردی ظالم بخورد که مانی رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی
 غریب توان بود که گوشت و پوست و موی وی در خواب مال و خوسته بود و اگر بید که سمور بجفت و گوشت او بر زمین افتاد
 و دلیل که مال مردی غریب تلف کند سمانه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که سنان بر تن خصم زد و او را بکشد و دلیل که خصم
 بجفت غلبه کند و بروی غلبه یابد و اگر بید که سنان وی بشکست یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید
 اگر بید که سنان پولاد درفشند و داشت اگر از اهل آن باشد و دلیل که ولایت یابد و اگر از اهل آن نباشد از بزرگی منفعت پیشه اگر
 بید که سنانش زنگنه بود و دلیل که نفوذ کند و جعفر صفاق رضی الله عنه گوید ویدن سنان در خواب بر شش وجه بود یکی

دوم ولایت سوم مرد از چهارم طهر پنجم ریاست ششم منفعت بقدر قیمت سنگ بنابرین رحمة الله علیه گوید سنگ در خواب نهد
 بود اگر بید که سببی و اگر گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزند ی آید و اگر بید که سببی داشت و از صنایع شد دلیل که فرزندش غایت
 یابید و گمانی و رحمة الله علیه گوید سنگ در خواب مال بود و اگر بید که سببی و اگر گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
 و اگر بید که بر پای او سنگ بود و دلیل که عمرش بخوشی و خرمی گذرد و اگر بید که سنگ بیفتاد تا و پیش بخلاف این بود سنگ بنابرین
 رحمة الله علیه گوید اگر خواب بید که سنگ بنابرین داشت دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند و اگر بید که سنگ بنابرین داشت و پیش
 بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که سنگ بنابرین تازه میخورد و دلیل که مال حلال بدست آید و یا فرزند ی آید و یا پیش که در آن زیاده
 گردد و اگر بید که سنگ بنابرین پیش میخورد و دلیل نقصان مال بود سحاب بنابرین رحمة الله علیه گوید سحاب در خواب مردی غریب
 و تو اگر فدا میزند بود و دوست و موی و سخاواری مال و خوشت بود و گوشتی مال غریبی بود و اگر بید که سحاب بنابرین داشت
 و گوشت او بخورد و بپزند و پوست و پاوه کرد و دلیل که مال مردی غریب تاه کند و یا نقصب بتازد گمانی رحمة الله علیه گوید
 اگر بید که سحاب را خفه کرد و از گردنش خن وان شد و دلیل که دو شیرگی بر سر سجد بنابرین رحمة الله علیه گوید سجد
 در خواب مالی صالح بود که برنج بدست آید و اگر بید که سجد بنابرین یا کسی بوی داد و دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بید که سجد
 میخورد و دلیل که مال را بر خیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سجد در خواب بر سر و وجه و یکی مال برنج دوم مال برنج نیدم
 منفعت از مردوم بدو می سندان بنابرین رحمة الله علیه گوید سندان بنجاب دیدن ریش بزرگ بود و اگر بید که سندان و اگر
 یا کسی بوی داد و دانت که ملک است و دلیل که از ریشی خیر و منفعت یابد که گمانی رحمة الله علیه گوید سندان در خواب دلیل
 با متری صحبت افتاد و از وی راحت یابد و اگر بید که سندان یا کسی داد یا صنایع شد دلیل که از صحبت مردی بزرگ جدا شود جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن سندان در خواب بر سر و وجه بود یکی متری دوم منفعت سیدم تحت چهارم ولایت پنجم اقبال کرد
 سنگها که گمانی رحمة الله علیه گوید در خواب دیدن سنگها بر و وجه بود یکی مال دوم متری و هر سنگی که نرم بود منفعت بیشتر
 و اگر بید که سنگی سپید گرفت و دلیل که با متری خوش خلق او را صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بید که سنگی سیاه گرفت
 و دلیل که با متری از خواب او را صحبت افتد و اگر بید که سنگی سرخ گرفت و دلیل که از متری مفید او را راحتی باشد و اگر بید که بزرگ
 برفت و سنگهای بسیار در دهن که گرفت و بپاورد و بپزد و اگر آن سنگها سپید یا سیاه بود و دلیل بر شفا کندن بنابرین رحمة الله علیه
 علیه گوید دیدن سنگها در خواب سخنی باشد و اگر بید که سنگ از زیر آب جمع میکرد و دلیل که مال بکر و حیلت جمع کند و اگر بید که سنگ
 از کوه میتراشید و دلیل که مال از بزرگی جمع کند و اگر بید که سنگ از نیایان جمع میکرد و دلیل که از سفر مان جمع کند و اگر بید که سنگ
 انداخت و دلیل که بکراست از مال خود بچی چیزی دهد و اگر بید که کسی سنگ بر و انداخت و دلیل که بقدر آن مال یا به مغربی رحمة الله علیه
 اگر بید که کسی سنگ انداخت و دلیل که بروی تمت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنگ در خواب بر چهار و وجه بود یکی
 مال دوم متری سیدم خن در کار و چهارم کسب برنج سنگ خواره مرغیت که سنگ ریزه میخورد و بنابرین رحمة الله علیه

سنگ
سنگ
سنگ

سنگ

سنگ

سنگ

سنگ

اگر بینه که سنگ خاره گرفت و دلیل که در کار دشواری افتد و از آن خیره بیند یا او را با موی ابله کار افتد و اگر بینه که سنگ خاره از دستش ببرد یا در دستش برود دلیل که از کار دشواری به زودی خلاصی یابد و اگر بینه که گوشت سنگ خاره خورد و دلیل که از کسب بر دشواری چیزی بدست آرد و سواری کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سواری میکرد و دلیل که از پادشاه اسب و سلاح و نعمت یابد و اگر بینه که با سواران میگشت و سواران مطیع او بودند و دلیل که برگرودی فرمان روانی یابد و اگر بینه که سواران مجبور از دست او و دنیا چیزی بوی دادند و دلیل که او از کسی غیب منفعت رسد و اگر بینه که سواران معروف چیزی بوی دادند و دلیل که او از آشنائی یا دوستی منفعت رسد و اگر سواران را با جامه که دو و برهپان را چوپا کین بینه تا ویش به خلافت این بود و سوره های ثانی خواندن در خواب سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره الفاتحه بخواند و دلیل که عمرش دراز باشد و وقت کارش با ایمان بود و سوره البقره اگر بخواب بینه که سوره البقره بخواند همین تا ویش دارد و از شتر و ثمنان این سرگرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید میان خلق رست گوی باشد و اگر در ویش باشد تا نگر دو و اگر سوار بود و شفا یابد و اگر غلگین بود و شاد گردد و گو بینه بود و از اگر در سوره ال عمران این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سوره ال عمران بخواند و دلیل که از همه بدیها این سرگرد و پان شود و عاقبت خیر گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بینه که آیه شهادت بخواند و دلیل که بعضی حق تعالی را رضی باشد که باقی رحمة الله علیه گوید اگر او را می دارد و بگذارد و مردم او را عزیز دارند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که آیه قل اللهم ما لك الملك در خواب بخواند و دلیل که بزرگی و عز و جاه یابد و حاجتهای او روا گردد و سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سوره الفاتحه بخواند و دلیل که میراث یابد و خوشیشان و اهل بیت او بسیار شوند که باقی رحمة الله علیه گوید مال نعمت او بسیار شود و سوره المائدة جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بینه که سوره مایه بخواند و دلیل که شرف و بزرگی یابد که باقی رحمة الله علیه گوید بخواندن سوره مایه و دلیل که زیاقتی مال و نعمت بود و بخواندن سوره مایه و در خواب بیل صحبت و سلامتی بود و سوره الانعام این سیرین رحمة الله علیه اگر کسی بخواب بینه که سوره الانعام بخواند و دلیل که سعادت و دنیا و آخرت یابد که باقی رحمة الله علیه گوید چهار پان بسیار حاصل کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با سخاوت و توفیق یابد و سوره الاعراف این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره الاعراف بخواند و دلیل که دینار و زمین بود و عاقبتش محمود گردد که باقی رحمة الله علیه گوید بخواندن سوره اعراف و در خواب بیل که که طور از راست جعفر صادق رضی الله عنه گوید بخواندن سوره اعراف و در خواب بیل که همه از وی خوش شوند و گردن و مانند گاه دارد و سوره الانفال این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره الانفال بخواند و دلیل که بخییر و صلاح بود و سوره التوبة این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره التوبة بخواند و دلیل که از گناه توبه کند که باقی رحمة الله علیه گوید سر انجام کارش بخیر باشد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راه دین گمان بود و سوره یونس این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره یونس بخواند و دلیل که روزی او فراخ گردد و کاش برادش و کوفتی که گوید که کاروان میکند و از وی دفع شود و بر غلبه گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید فقط عبادتش نیک شود و سوره هود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سوره هود بخواند و دلیل که روزی او گشت و از وی دفع شود و کوفتی که گوید کارش نیکو گردد و در کار اقبال یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه دین گمان شود و سوره یوسف این سیرین رحمة الله علیه

اگر بینه که سنگ خاره گرفت و دلیل که در کار دشواری افتد و از آن خیره بیند یا او را با موی ابله کار افتد و اگر بینه که سنگ خاره از دستش ببرد یا در دستش برود دلیل که از کار دشواری به زودی خلاصی یابد و اگر بینه که گوشت سنگ خاره خورد و دلیل که از کسب بر دشواری چیزی بدست آرد و سواری کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سواری میکرد و دلیل که از پادشاه اسب و سلاح و نعمت یابد و اگر بینه که با سواران میگشت و سواران مطیع او بودند و دلیل که برگرودی فرمان روانی یابد و اگر بینه که سواران مجبور از دست او و دنیا چیزی بوی دادند و دلیل که او از کسی غیب منفعت رسد و اگر بینه که سواران معروف چیزی بوی دادند و دلیل که او از آشنائی یا دوستی منفعت رسد و اگر سواران را با جامه که دو و برهپان را چوپا کین بینه تا ویش به خلافت این بود و سوره های ثانی خواندن در خواب سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره الفاتحه بخواند و دلیل که عمرش دراز باشد و وقت کارش با ایمان بود و سوره البقره اگر بخواب بینه که سوره البقره بخواند همین تا ویش دارد و از شتر و ثمنان این سرگرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید میان خلق رست گوی باشد و اگر در ویش باشد تا نگر دو و اگر سوار بود و شفا یابد و اگر غلگین بود و شاد گردد و گو بینه بود و از اگر در سوره ال عمران این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سوره ال عمران بخواند و دلیل که از همه بدیها این سرگرد و پان شود و عاقبت خیر گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بینه که آیه شهادت بخواند و دلیل که بعضی حق تعالی را رضی باشد که باقی رحمة الله علیه گوید اگر او را می دارد و بگذارد و مردم او را عزیز دارند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که آیه قل اللهم ما لك الملك در خواب بخواند و دلیل که بزرگی و عز و جاه یابد و حاجتهای او روا گردد و سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سوره الفاتحه بخواند و دلیل که میراث یابد و خوشیشان و اهل بیت او بسیار شوند که باقی رحمة الله علیه گوید مال نعمت او بسیار شود و سوره المائدة جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بینه که سوره مایه بخواند و دلیل که شرف و بزرگی یابد که باقی رحمة الله علیه گوید بخواندن سوره مایه و دلیل که زیاقتی مال و نعمت بود و بخواندن سوره مایه و در خواب بیل صحبت و سلامتی بود و سوره الانعام این سیرین رحمة الله علیه اگر کسی بخواب بینه که سوره الانعام بخواند و دلیل که سعادت و دنیا و آخرت یابد که باقی رحمة الله علیه گوید چهار پان بسیار حاصل کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با سخاوت و توفیق یابد و سوره الاعراف این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره الاعراف بخواند و دلیل که دینار و زمین بود و عاقبتش محمود گردد که باقی رحمة الله علیه گوید بخواندن سوره اعراف و در خواب بیل که که طور از راست جعفر صادق رضی الله عنه گوید بخواندن سوره اعراف و در خواب بیل که همه از وی خوش شوند و گردن و مانند گاه دارد و سوره الانفال این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره الانفال بخواند و دلیل که بخییر و صلاح بود و سوره التوبة این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره التوبة بخواند و دلیل که از گناه توبه کند که باقی رحمة الله علیه گوید سر انجام کارش بخیر باشد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راه دین گمان بود و سوره یونس این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره یونس بخواند و دلیل که روزی او فراخ گردد و کاش برادش و کوفتی که گوید که کاروان میکند و از وی دفع شود و بر غلبه گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید فقط عبادتش نیک شود و سوره هود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سوره هود بخواند و دلیل که روزی او گشت و از وی دفع شود و کوفتی که گوید کارش نیکو گردد و در کار اقبال یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه دین گمان شود و سوره یوسف این سیرین رحمة الله علیه

و

علیه السلام که سوره یوسف میخواند و دلیل سفر سیاحت کند و مال با برکاتی از حق تعالی که در پیش از حج و عمره بزرگ باید و کاشش مالیک و جنتی باشد
رضی الله عنه گوید در سوره الباقی است سوره الرعد بن سیرین گوید اگر خواب بیند که سوره الرعد میخواند دلیل پیوسته دیوات و در آن اندک
گرد و آفتابی که بیدار بخوابد و طاعت راغب گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلیل عمرش که تا به شمس و آبر بر میسرین رح گوید خواب بیند که
برای سیرین میخواند دلیل که در عالم طاعت و کارهای خیر مشغول باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در وقت نماز اگر می بود و غلبش محمد و در وقت سجده بر سر سجده
گوید اگر خواب بیند که در سجده میخواند دلیل که نزد حق تعالی است و بود که آفتابی رح گوید که هر سیدی که در وقت صلاه سجده کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید حضرت
بابی سبحان و تعالی او را علم روزی گرداند و حاجتش بپذیرد سوره الفتح بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الفتح میخواند
دلیل که روزی صلاحی را بدو و دستار این بن باشد که با فی رحمه الله علیه گوید اگر محنت یافت ایمن گردد و جعفر صادق رضی الله عنه
گوید حق سبحان و تعالی او را علم روزی کند سوره هجی اسیر ایل بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره هجی میخواند
دلیل که نزد حق تعالی قرب یابد و در دنیا جاه و منزلت یابد که آفتابی رحمه الله علیه گوید بر دشمن نظریا بد و بکام دل برسد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که دین و تقوا و شاکست سوره الکاف بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الکاف
میخواند دلیل که از همه بلا ایمن گردد و در راه دین بکانه و مخلص بود که آفتابی رحمه الله علیه گوید عمرش دراز گردد و سعادت عقی
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که چندان عمر سیاحت که برادر سوره هجی رحیم بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند
که سوره هجی میخواند دلیل که وقامت از عذاب در کف باری تعالی باشد که آفتابی رحمه الله علیه گوید راه خیرات گردد و سعادت
پیدا بر صلی الله علیه و سلم بجای آورد سوره طه بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره طه میخواند دلیل که با دشمن
سجی گوید و دشمن را فکند که آفتابی رحمه الله علیه نامش در دیار نجاست منتشر گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راه دین بکانه
و نامدار گردد سوره الانبیاء بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سوره الانبیاء میخواند دلیل که حق تعالی جمیع اعمال او را بر سرت
انبیا بخشید که آفتابی رحمه الله علیه گوید اقبال و دو جهانی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید عالم و دانا شود و از مشقت آسانی
یابد سوره الحج بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الحج میخواند دلیل که مال خود را در راه خدا ایتالی صرف کند
که آفتابی رحمه الله علیه گوید که در راهی پسندیده اختیار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راه دین مجتهد بود
سوره المؤمنون بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره المؤمنون میخواند دلیل که با مؤمنان در بهشت بود
که آفتابی رحمه الله علیه گوید در جات و پیش روی گردد و سیرت پسندیده اختیار کند سوره الفرقان بن سیرین رحمه الله علیه
گوید اگر خواب بیند که سوره الفرقان میخواند دلیل که بر استی حق از باطل جدا شود که آفتابی رحمه الله علیه گوید میان خلق مضاف
ودا گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید از راه باطل براه حق گراید سوره التور بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب
بیند که سوره التور میخواند دلیل که دلش بعلوم و حکمت متور گردد سوره الشعرا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الشعرا
میخواند دلیل که در پناه حق تعالی باشد که آفتابی رحمه الله علیه گوید از گناه پاک شود و در راه دین مجتهد گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید

سوره الباقی
سوره الرعد
سوره الفتح
سوره الکاف
سوره طه
سوره الحج
سوره الانبیاء
سوره الفرقان
سوره التور
سوره الشعرا

باری سبحانه و تعالی او را از فحاش نگاه دار و سوره النحل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النحل میخواند و دلیل بر
 پندگرمانی رحمة الله علیه گوید و دولت بخش مساعده کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مال و نعمت فراوان با سوره القصص
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره القصص میخواند دلیل که مال نعمت یابد و بزرگتر حق تعالی مشغول گردد که مانی رحمة الله علیه
 پیوسته در راه دین و صلاح کوش جعفر صادق رضی الله عنه گوید در مای رحمت بروی کشا و اگر دوسوره العنکبوت ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره العنکبوت میخواند دلیل که باقوت مرک در امان خدا تعالی باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
 و بلا این گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خلق را از صلاحیت و نعمت ان نصیب برد و سوره الروم ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید اگر بخواب بیند که سوره الروم میخواند دلیل که بدست وی شهری از روم کشا و اگر دکر مانی رحمة الله علیه گوید در کار دین و فراوان
 مجتهد گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مردم را از دین و صلاح دی بهره باشد سوره السجده ابن سیرین رحمه الله علیه
 اگر بخواب بیند که سوره السجده میخواند دلیل که در سجده باشد که از دنیا برود که مانی رحمة الله علیه گوید که سوره جود حق تعالی بسیار کند جعفر صادق
 علیه السلام که نیکو یافت کارش محمود باشد سوره الاحزاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الاحزاب
 دلیل که مال او بد و بخت بد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره الاحزاب میخواند دلیل که صد در دنیا یابد و جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید اگر بیند که سوره الاحزاب میخواند مستأجرت باری سبحانه و باد سوره التبا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره
 السبا میخواند دلیل که ناپدید و عابد گردد که مانی رحمة الله علیه گوید پیوسته در عبادت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت صحی گویند
 سوره فاطر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره فاطر میخواند دلیل که عاقبتش محمود گردد که مانی رحمة الله علیه گوید
 پیوسته در طاعت مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در نعمت بروی کشا و اگر دوسوره یس ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره یس میخواند دلیل که عاقبتش بخیر باشد که مانی رحمة الله علیه گوید که عمرش دراز باشد اخذ تعالی صل
 رحمت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دوستی حضرت رسول صلی الله علیه و سلم در دلش مستقیم شود سوره الصافات
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الصافات میخواند دلیل که هدایت دین از باری سبحانه و تعالی توفیق یابد که مانی
 رحمه الله علیه گوید که برادر صلاح و آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که فرزندی صالح آید سوره ص ابن سیرین رحمه الله علیه
 اگر بخواب بیند که سوره ص میخواند دلیل که مالش زیاده گردد و بزرگ شود سوره الرق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند
 سوره الرق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی گناهش عفو کند که مانی رحمة الله علیه گوید خانت کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی
 عنه گوید در دینش قوی گردد سوره مؤمن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره مؤمن میخواند دلیل که محصل
 برود که مانی رحمة الله علیه گوید در شریعت نگاه دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید رحمت و غفران باشد سوره فصلت ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره فصلت میخواند از مقربان حق گردد که مانی رحمة الله علیه گوید پیوسته در صلاح دین گردد و جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید داعی بود بحق و اجابت کند ویرا سوره حم حمق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند

سوره النحل
سوره القصص
سوره العنکبوت
سوره الروم
سوره السجده
سوره الاحزاب
سوره التبا
سوره السبا
سوره فاطر
سوره یس
سوره الصافات
سوره ص
سوره الرق
سوره مؤمن
سوره فصلت
سوره حم

سوره حم عشق میخواند دلیل که در آخرت از عذاب رسته گردد که بانی رحمة الله علیه گوید تا پیش همین باشد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید عیسی در آن روز و سوره الزخرف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الزخرف میخواند دلیل که نماز و طاعت با
کند و پیوسته روزه دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست قول و خوب افعال بود سوره الدخان ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الدخان میخواند دلیل که شب طاعت کند که بانی رحمة الله علیه گوید راست کوشی باشد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید تا آنکه در سوره التشمین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره التشمین میخواند دلیل که توبه کند
و بخواند تعالی بزرگوار و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر سوره کار بد توبه کند سوره الاحقاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب
که سوره الاحقاف میخواند دلیل که فرمان مالد و بد بجا می آورد که بانی رحمة الله علیه گوید با در و بد چنان کند و عجاایب بیا بیند سوره فتح علیه السلام ابن سیرین
علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره فتح علیه السلام میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر میاید که بانی رحمة الله علیه گوید با نافات و بلا امین گردد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در جهان توفیق یابد سوره الفتح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الفتح
میخواند دلیل که در همه باب و رافع و نصرت باشد سوره الحجرات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحجرات
میخواند دلیل که مرد مرا بالقاب بخواند و غیبت نکند که بانی رحمة الله علیه گوید که آثار کس بخواید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با
مردم پیوند سوره الذاریات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بیند که سوره الذاریات میخواند دلیل که لطاعت و عبادت شوی
گرد که بانی رحمة الله علیه گوید که با خلق خدای خود و احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بروی روزی غریغ گردد و سوره
قاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره قاف میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را بکارهای خیر و صلاح توفیق بخشد
که بانی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر کس خود بهره یابد سوره الطه
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الطه میخواند دلیل که بر دشمن ظفر میاید که بانی رحمة الله علیه گوید که حق تعالی عز
او را یاری دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در ملک مجاور شود سوره النجم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره
النجم میخواند دلیل که حق تعالی جلق ملا در رحمت بروی کشاده گرداند که بانی رحمة الله علیه گوید که بر دشمن ظفر میاید جعفر صادق رضی
عنیه گوید که حق سبحانه و تعالی او را پسری صالح دهد سوره القم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره القم میخواند
دلیل که بر دشمن ظفر میاید که بانی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جاد و برو
کار نکند سوره الرحمن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الرحمن میخواند دلیل که از دوزخ و حرام اجتناب
کند که بانی رحمة الله علیه گوید که سیرت نیکو و راه دین گزیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین جهان مال یابد و در جهان
نعمت سوره الواقعة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الواقعة میخواند دلیل که از کشتن توبه کند که بانی
رحمة الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در طاعت سهیقت کند سوره الحی یابد این
رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحید میخواند دلیل که روزی برنج و سخی یابد که بانی رحمة الله علیه گوید که راه آخرت

سوره الزخرف
سوره الدخان
سوره التشمین
سوره الاحقاف
سوره الفتح
سوره الحجرات
سوره الذاریات
سوره القاف
سوره النجم
سوره القم
سوره الرحمن
سوره الواقعة
سوره الحی
سوره الحید

از سید و رضای جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در او دین ستوده کرد و سوره الحجا و له ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحجا و له میخواند دلیل که او را باز آن حضوت افتد که مانی رحمه الله علیه گوید
که در راه دین با خلق تخاصم کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با اهل خود خصومت کند سوره الحشر ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحشر میخواند دلیل که حشر وی با مخلصان باشد که مانی رحمه الله علیه گوید که صحت
او با ویداران و اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن ظفر ناید سوره الممتحنة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سوره الممتحنة میخواند دلیل که از مایش کار برستی کند که مانی رحمه الله علیه گوید که صحت
او با اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بخشدی که قمار نشود که هلاک و دران باشد سوره الصف ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الصف میخواند دلیل که در راه خدای غرور جل غرا کند که مانی رحمه الله علیه گوید که پیوسته در رضای خداست تعالی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که آخر عمر شهادت یابد سوره الحج
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحج میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را توبه روزی کند که مانی رحمه الله علیه گوید که توفیق خیرات یابد سوره المنافقون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره
المنافقون میخواند دلیل که منافق باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از منافق توبه کند سوره التغابن ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التغابن میخواند دلیل که صدقات بسیار دهد که مانی رحمه الله علیه گوید که دستگیری ضعیفان بکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که راست قول و مقیم احوال باشد سوره الطلاق
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الطلاق میخواند دلیل که بازمان گفتگوئی کند که مانی رحمه الله علیه گوید که سیرت حق نگا دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گفتگوی از بهر کار دین کند سوره التیجیم ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التیجیم میخواند دلیل که در خانه خود سخن بنفازد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر بخواب
توبه کند و در باشد سوره الملک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الملک میخواند دلیل که او را خطاب کرد باشد که مانی رحمه الله علیه گوید که
مخو و باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که شرف و بزرگی یابد سوره القلم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سوره القلم میخواند دلیل که صدقه و خیر کردن دوست دارد که مانی رحمه الله علیه گوید که با همه کس حسن کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که خدای عز و جل او را حلم روزی کند سوره الحاقة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره
الحاقة میخواند دلیل که فرضیه های خداست تعالی بگذارد که مانی رحمه الله علیه گوید که سیرت حق گزیند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که بر جا و شرع باشد سوره المعارج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المعارج میخواند دلیل
خیر و نیکی بسیار کند که مانی رحمه الله علیه گوید که بخیرات و حسنات گزاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از ترس بیم گنج
سوره النوح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النوح میخواند دلیل که توبه کند و عقابش بخندد و گوید

این سوره را در خواب بخواند که در راه خداست و توبه کند و صدقات بسیار دهد و دستگیری ضعیفان بکند و شرف و بزرگی یابد و حسنات گزاید و توبه کند و عقابش بخندد و گوید

که مانی

کرمانی رحمه الله علیه گوید که تا ویش همین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از معروف کند سوره الجن ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الجن میخواند دلیل که توبه کند و از آفت جن این باشد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که دیو و پری مضرت او را رساند سوره فزئل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورت فزئل
میخواند دلیل که ناز شب دوست دارد کرمانی رحمه الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد سوره مدثر ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المدثر میخواند دلیل که عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت پاک
و راه راست یابد سوره القیمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره القیمه میخواند دلیل که بشهادت
از دنیا برود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که تائب گردد سوره الانسان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سوره الانسان میخواند دلیل که در ویش از طعام و در و رضای حق تعالی غرور و غلبه یابد کرمانی رحمه الله علیه که سوره
در شک نعت توفیق یابد سوره المرسلات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المرسلات میخواند دلیل که
از دروغ گفتن توبه کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که راه راست جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روزی بروی فراخ گردد
سوره النبا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النبا میخواند دلیل که ترس کار و متوکل بود کرمانی
رحمه الله علیه گوید که کار خیر میکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کارش بزرگ شود سوره النازعات
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النازعات میخواند دلیل که بوقت جان کنن از مرگ نترسد کرمانی
رحمه الله علیه گوید که توبه کند و از عقوبت این گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دلش از مرگ وحشت و خیانت نکند
گرد سوره عبس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره عبس میخواند دلیل که بر مردم روی خوش
کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که روزه بسیار دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات کند سوره التکوین
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التکوین میخواند دلیل که از درد چشم نترسد کرمانی رحمه الله علیه گوید
که سفر بسیار کند از جانب شرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه میترسد این شود سوره الانفطار ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الانفطار میخواند دلیل که از خدا تعالی ترسد کرمانی رحمه الله علیه گوید که سیل
و بی باال دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک ملک عزیز و محترم باشد سوره المطففين ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المطففين میخواند دلیل که کیل و پیانده است دارد کرمانی رحمه الله علیه
گوید که رستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با همه کس منصف بود سوره الانشقاق ابن سیرین رحمه الله
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت نامه اعمالی در دست راست وی
و هند کرمانی رحمه الله علیه گوید که حساب و شمار قیامت به امناء و صدقابر وی آسان گردد و جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که نسلش بسیار گردد سوره البروج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره البروج میخواند دلیل

الله

سوره الجن
سوره الفزئل
سوره المدثر
سوره القیمه
سوره الانسان
سوره المرسلات
سوره النبا
سوره النازعات
سوره عبس
سوره التکوین
سوره الانفطار
سوره المطففين
سوره الانشقاق
سوره البروج

که در دنیا اند و گویین باشند و ثابت کاش محمود و در کانی رحمة الله علیه گوید که در آخرت رفیع اندرجات باشد جعفر صادق رضی الله عنه
و دیگر که از همانج یابد سورة الطارق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الطارق میخواند دلیل که او را فرزند صالحی
آید که کانی رحمة الله علیه گوید او را فرزند می خرد وی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سبب فرزند متبذل و خرم شود سورة الاعلی
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الاعلی میخواند دلیل که تسبیح و تسبیح بسیار خواند و کانی که در دنیا نشین است و خوش خلق
و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کار و شتاب بروی آسان گردد و سورة النجم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب
بیند که سورة النجم میخواند دلیل که از منزل قیامت رسد و توبه کند و از آن ترس این گردد که کانی رحمة الله علیه گوید که در فضای
حق تعالی غرق و جلالت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قدر و محل او بزرگ شود و سورة الفجر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر خواب بیند که سورة الفجر میخواند دلیل که بکارهای نیکو مشغول گردد که کانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام بگذارد و جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که به سبب و شکو و کم شود و سورة البقره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة البقره میخواند دلیل که صفت
و ادب و رواج و واجب باشد و دوست دارد که کانی رحمة الله علیه گوید که با همه کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که
خواب بیند که سورة البقره میخواند دلیل که از آفات و بیایات امن گردد و سورة الشمس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب
که سورة الشمس میخواند دلیل که بر دست او کاری فاسد رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از بلا ناپسین گردد و سورة الليل
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الليل میخواند دلیل که سایه از او منگند و زکوة مال و سورة الضحی ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الضحی میخواند دلیل که چیزی بجا بیاورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریب را
فرزند دارد و سورة الشرح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الشرح میخواند دلیل که دشواری بروی آسان گردد
که کانی رحمة الله علیه گوید که کارهای بسته بروی گشاده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جهانی یابد و سورة التین
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة التین میخواند دلیل که نیکو سیرت و خیر روی و خوب کردار گردد که کانی رحمة الله
علیه گوید که در خیر و نفع است یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از سختی فرج یابد و سورة العلق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب
که سورة العلق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن روزی کند که کانی رحمة الله علیه گوید که عالم و ضعیف گردد و جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که متواضع و نیکو خصال بود و سورة القدر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة القدر میخواند دلیل که از دنیا بیاورد
و زود ثواب شد و یا بد کانی رحمة الله علیه گوید که در آخرت دراز گردد و مراد یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جاه و قدش عالی گردد
سورة الیسمنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الیسمنه میخواند دلیل که با توبه از دنیا برود و کانی رحمة الله علیه گوید که در
راخبر و صلح دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بین تاویل و سورة الزلزله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که
الزلزله میخواند دلیل که او را کسی کاری خیر و عدل و انصاف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قومی از کافران بپایان کند و سورة
الحادیات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الحادیات میخواند دلیل که اهل بیت او او را دوست دارد

سورة الطارق
سورة الاعلی
سورة النجم
سورة الفجر
سورة الشمس
سورة البقره
سورة الليل
سورة الضحی
سورة الشرح
سورة التین
سورة العلق
سورة القدر
سورة الیسمنه
سورة الزلزله
سورة الحادیات

کرمانی رحمه الله علیه گوید که بعضی از او و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خاکستد و منظر گرد و سوره القارعه
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سوره القارعه میخواند و دلیل که در قیامت ترازوی اعمال
وی از گردانیت گران آید کرمانی رحمه الله علیه گوید که در کار خیر که شد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مردی را می دانست
الشیخا شربین رحمه الله علیه گوید که پسند که سوره الشکاشه میخواند و دلیل که زیارت جمعی صالحان کند کرمانی رحمه الله علیه
که او را با قومی در بخ زن صحبت داشت جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دست از دنیا بدارد سوره العصر ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید که اگر بخواب بیند که سوره النصر میخواند و دلیل که در کار با صابر و شکلیا بود کرمانی رحمه الله علیه گوید که او را زنی رسید جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که از تجارت کارش نیک شود سوره الحمزة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که صدقه بدهد
و دلیل که سخن بسیار گوید و پیش مردم و شناس گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که کمال حاصل بود و از عاقبت نیندیشد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که در راه خدا یتیم مال نفقه کند سوره الفیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سوره الفیل
میخواند و دلیل که ظالمیاری و پدر کرمانی رحمه الله علیه گوید که بر دشمن ظفر بیاورد و مرادش حاصل گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
که بر دست و خنجر بر آید و بر دشمن ظفر بیاورد سوره القمیش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سوره القمیش میخواند
و دلیل که از ترس بیم این گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که با کسی صحبت دارد که او را فضاحت کند و راه وین جعفر صادق رضی الله عنه
عنه گوید که با خلق همان کند سوره الماعون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سوره الماعون میخواند و دلیل که
گناه گرد کرمانی رحمه الله علیه گوید که حذر باید کرد از صحبت بد و بی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن ظفر بیاورد سوره الماعون
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سوره الکوثر میخواند و دلیل که مال نعمت یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید که اگر بزرگان عطا
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات بسیار کند سوره الکافرون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که
سوره الکافرون میخواند و دلیل که براه دعوت رود و دنیا مغرور گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که اگر در غم بود فرج یابد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که اجل و فراسیده باشد زیرا که چون این وره نزل شد حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آخر عمر بود سوره
النصر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سوره النصر میخواند و دلیل که در راه خدا یتیم مال نفقه کند و سوره ثبوت
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سوره ثبوت میخواند و دلیل که مکار و فریبنده بود و از عقوبات خدا یتیم مال نفقه کند
کرمانی رحمه الله علیه گوید که او را زنی ببرد و او را باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هر کسی بدی وی کند سوره خلص
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سوره الاخلاص میخواند و دلیل که در راه وین متحد و یگانه گردد و توفیق طاعات
کرمانی رحمه الله علیه گوید که با کثرت دین و نیک هم قرار باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جهانی یابد و عیش و
خوش گردد و سوره الفلق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سوره الفلق میخواند و دلیل که جاد و بر روی کار نهند
کرمانی رحمه الله علیه گوید که از شر دیگر داران این گردد سوره الناس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سوره الناس

سوره القارعه
سوره العصر
سوره النصر
سوره الفیل
سوره القمیش
سوره الماعون
سوره الکافرون
سوره الکوثر
سوره النصر
سوره الفلق
سوره الناس

میخواند و دلیل که او در حتمی از چشم بنگاه دارد و روزی بروی فراخ گردود اگر بیند که کاحول و کافیه ایا بالله العلی العظیم میگفت
و دلیل که مال و خسته یا بد اگر خواب بیند که آتی از آن میخواند تاویل آن حرف قاف بیان کنیم انشاء الله تعالی سوزن این سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوزن و هشت و چیری و دخت دلیل که شعله های بر آگنده بوی جمع شود و جفتش روا شود و کافانی
رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که حماره مید و دخت دلیل که احوال و نیکو گردود و اگر بیند که سوزن او کشته و دلیل که احوالش بد بود و مغرب
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که کسی روزی بوی بخشد و دلیل که کسی مشغول احوال و باشد و اگر بیند که سوزن بسیار و هشت و دلیل که خیر و صلاح
کار او بود و سوسمار این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوسمار ویرانگر بد و دلیل که مضرت یا بد و اگر بیند که سوسمار را بخت
و دلیل که دشمن را فتر کند که مانی رحمة الله علیه گوید که خوردن گوشت سوسمار در خواب دلیل بر منفعت بود که بوی رسد و اگر بیند
که سوسمار در خانه دی بایک کرد و دلیل که از خانه دی آواز شنود بر آید سوسون این سیرین رحمة الله علیه گوید سوسون در خواب
بوقت خود و دیدن دلیل که چیزی بوی رسد و او را فرزندی آید و بی وقت دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر زنی بیند که سوسون
از دخت بکشد و بنده ام و او دلیل که غلامش بگریزد و کافانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی دشته سوسون بود یا دلیل که
میان ایشان گفتگو فی خیر و مغرب رحمة الله علیه گوید که دخت سوسون در خواب بکشد این سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که سوسون خورد و دلیل که کاری نیک بر دست وی بر آید یا مانی گذارد یا خیالی کند و از آنچه میترسیدین گردود اگر بیند
که سوسون بد و رخ خورد و دلیل که چشم خدا تعالی بود و در حتمی فخر تو به کند و در ام عرق نشود و از پادشاه زبان بیند که پادشاه
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوسون است خورد و دلیل که او را تو به بایکد و از کلاه و خطا تا سنگا ر شود و اگر بیند که سوسون بد و رخ
خورد و دلیل که دیش تباه شود و اعتقادش خلل پذیرد و قوله تعالی و یخلفون علی الکذیب و هم یعلمون ه
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوسون است خورد و دلیل که اندوه و مضرت بیند سوراخ این سیرین رحمة الله علیه
علیه گوید اگر خواب بیند که سوراخی بود و در آن سوراخ شد و دلیل که از راه پادشاه آگاه گردود و اگر بیند که در اندام وی سوراخی
بود و از آن جنین میرفت و دلیل که او را زبانی رسد و مغرب رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شکم وی سوراخی بود و دلیل که انجیال
خود نا امین بود و اگر بیند که در سگی سوراخ میکرد و دلیل که در مسلمانان پدیدار بود و اگر بیند که در دختی سوراخ میکرد و مالیش
بجای این بود و معتبران گویند که بقدر آن سوراخ مال او نقصان شود حکایت در خبر است که مروی پیش امیرالمؤمنین
ابوبکر صدیق رضی الله عنه آمد و گفت خواب دیدم که از سوراخی کو چاکت کاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که با
سوراخ رود و نتوانست رفت گفت آن سوراخ دهن است و آن کاو سخن است چون گفت باز بجای خود رزد و سوسون
در حرف میباید که بینم سیلاب این سیرین رحمة الله علیه گوید سیلاب خواب دیدن چون سیرن باشد و دلیل بر فرزند بود و چون
باشد شفت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از بازار کان بود و چون زرد بود سوسون بود و دلیل
بر بیماری رسید بود و اگر بیند که سیلاب سیلاب بد و نیم کرد و دلیل که شرکت با کسی که دار و از وی جدا شود

سوزن

سوسمار

سوسون

سوسون

سوسون

سوسون

سوسون

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

و اگر بیند که سیبی سرخ از درخت باز کرد و خورد و دلیل که او را و خیری آید که آنی رحمة الله علیه گوید سیب در خواب لیل خیر بود و اگر سیب
 ترش بود و دلیل خیر ناخوش باشد و اگر بیند که سیب سبز بود و دلیل که خیر خوش شود و انیال علیه السلام گوید اگر خواب بیند که
 سیب داشت و خورد و دلیل که نفع یابد و سبب همت بیند و خواب باشد و شغل و صفت وی و اگر پادشاه سیب خواب بیند
 و دلیل که مملکت یابد و اگر بازگان بیند و دلیل که تجارت نیک است بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیب در خواب بر همت و جود
 یکی فرزند و دم منفعت سوم بیماری چهارم کینیک پنجم مال ششم فرمان روانی هفتم همت خداوند خواب و خیر غایب و حاضر
 سیمین سیرین ج گوید خوردن سیر در خواب مال حرام بود که آنی ج گوید خوردن سیر در خواب خیر زشت بود که آنی س و م گوید اگر بیند که سیب
 و دلیل که آنجی زشت توبه کند مغربان ج گوید که سیر در خواب ریخ و اگر سیرین باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیر در خواب
 بر ریخ وجه بود یکی مال حرام دوم سخن زشت سیدم غم و اندوه چهارم که سیرین چشم سختی دیدن سیرین ابن سیرین رحمة الله علیه
 اگر کسی خورد و خواب سیرین بیند و دلیل که بی نیاز شود و لیکن در راه دین ضعیف بود و اگر خورد اگر سینه بیند و دلیل که معصیت
 کند که آنی رحمة الله علیه گوید بهترین خواب است که خوردانند گرسنه و نه سیر بیند زیرا که هر دو خلاف طبع اند و آنچه خلاف طبع بود
 از وی مزاج ریخ آید سیرین سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سبزی داشت و دلیل که هاشم بخیر و نیکو منشتر گردد و اگر بیند
 که در زمین و سبزه بود وقت خود و دلیل که خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بیند و دلیل بر حضرت باشد سیکی ابن سیرین رحمة الله علیه
 علیه گوید سیکی در خواب مال حرام بود و اگر بیند که در میان سیکی شد و دلیل که در فتنه افتد و اگر بیند که سیکی میخورد و دلیل که بقدر آن
 مال حرام یابد و اگر بیند که سیکی می بخت و میخورد و دلیل که مال حرام ریخ و سختی بدست آورد و اگر بیند که در خانه سیکی بسیار داشت
 و دلیل که بقدر آن از دهمان منفعت یابد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سیکی می آجخت و میخورد و دلیل که مالی یابد که بعضی حلال
 باشد و بعضی حرام بود و اگر بیند که سیکی می فروخت و دلیل که چیزی حرام فروشد و با دهد و سیکی خوردن خیر نباشد و اولی
 و دلیل بر غل بود و سیکی خر غم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیکی در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم
 تنویر کردن سیدم لغت اینجا می و سیکی فروش در خواب مردی بود که جنگ و فتنه طلب کند سیل ابن سیرین رحمة الله علیه
 سیل و خواب شمنی بزرگ باشد یا پادشاه ظالم بود اگر خواب بیند که سیل از خود دفع کرد و بجائی دیگر افتاد و دلیل که بر شوطن
 با بد و غم و اندوه می کم شود و اگر بیند که از سیل می بخت و دلیل که از دشمن بگریزد که آنی رحمة الله علیه گوید که سیل در خواب در دایره
 سیر غم و اندوه بود و در دایره سیر و دلیل بر منفعت بود مغربان رحمة الله علیه گوید اگر جهان پسین بیند و اندک ایرین سیل از گات
 و دلیل که خوش بماند و ثانی غنای بدان و بار فرستد قوله تعالی فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ و بعضی از متحران گویند که چون خواب
 بیند که سیل جانی خراب میکند و دلیل که مردم آنجا را از پادشاه ترس بر هم حصاره بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیل در خواب
 بر چهار وجه بود یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه شکر سوم لشکر غایب چهارم بلا و فتنه و سختی بسیار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
 اگر خواب بیند که در معدن سیاه درون شد یا از آنجا سیاه برگرفت و دلیل که زشتی در کار افتد و اگر بیند که سیاه بفرود آمد و دلیل

در این

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

در این که خوش و ضعیف باشد و اگر بید که پیشین بسیار بروی جمع شدند و او را میگردانند و دلیل که در زمان مردم افتد یا او را نقصان مال بود
اگر پیشین مردم بخورند و خون بنا بر دل او بدو ششسته این سیرین رحمة الله علیه گوید ششسته جانوری بود که در تابستان در بهانه
پیشین و پوستین افتد و تبا کند و بر سوسن هم خوانند و بدن وی بسیار بود و اگر بید که ششسته جانور بود و دلیل که در مال او
نقصان افتد و اگر بید که ششسته بسیار پیشین تبا کرد و دلیل که از خانه وی دزد چیری بر و اگر بید که ششسته راجست دلیل که در دریا گیر
و مال بسیار بد ششسته این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بید که ششسته داشت یا بخورید و سوراخ کرده بود و دلیل که او را دغری آید
و اگر دغری نداشت که شود و دیدن شب بود و سیاه خیزی نبود مغربی رحمة الله علیه گوید ششسته سید و سبز خواب و دیدن دلیل که بخیر و منفعت
کند و بعضی گفته اند که ششسته زرد و دلیل که بر بیماری بود و ششسته فتن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که بجاری می شست دلیل که از
آنگار پیشانی یا بد و اگر بید که از این پیشان شد و ششسته فتن و دلیل که در آنگار شب گند مغربی رحمة الله علیه گوید و همه کاری شست
و دلیل که در گت بود و در گت دلیل شست فتن بود و ششسته لنگ یا فتن در خواب جنگ و خصومت بود و اگر خواب بید که با ششسته لنگ
بازی میکرد و با گت و ششسته میداشت دلیل که او را خصومت افتد و اگر بید که بازی خاموش بود و مال حرام یا بد ششسته این سیرین
رحمة الله علیه گوید خوردن شرابهای که بطعم شیرین بود چون شراب سیب و شراب نار و شراب ترنج و مانند این شرابها و خوردن
یکی و دین و دم منفعت سوم علم سفید چهارم عمر دراز پنجم پیش خوش ششم ذکر حق تعالی اما شرابها نیکه بوی آن ترش بود چون
شراب یواس و شراب لیمو و شراب ترنج و مانند آن خوردن آن در خواب غم و اندوه بود اما شرابها که تلخ باشند چون
شراب مورد و شراب زوفا خوردن آن در خواب دلیل بر فایده دین و دنیا بود و اما شرابها نیکه بطعم معتدل و خوشبو
بود چون شراب عود و شراب بنفش و شراب گل خوردن آن در خواب دلیل بر خیر و خوشی بود و دستا این گند مغربی
رحمة الله علیه گوید شرابها نیکه از برای دار و خوردن در خواب خیر و صلاح دینی بود و آنچه بخت دارد و بکار ندارد و دلیل بر صلاح و خیر
دنیا و وی گند شرابی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بید که ششسته بخورید و دلیل که کینه بخور و معتبران گویند که شراب
در خواب خادم خانه بود و اگر بید که شرابی وی بشکست یا ضایع شد و دلیل که کینه یا خادم و بعبود و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن شرابی در خواب بر نه و جبه بود یکی زن و دم خادم سیوم کینه چهارم قوام دین پنجم صلاح
دنیا ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم مال از قبل زمان شرم این سیرین رحمة الله علیه گوید شرم از
ایمان باشد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود **اَلْاِيْمَانُ مَغْرَبِي** رحمة الله علیه گوید اگر
بید که در کاری شرم داشت و دلیل که در آنگار خیر و صلاح بود و زیادتای ایمان و شرم و آشن از کار که در آن شرم بود
و دلیل بر نقصان ایمان بود ششستن این سیرین رحمة الله علیه گوید شستن در خواب باب جوی و کار بر و حوض و دریا و
برنجان از غم و اندوه اگر این خواب محسوس بید و دلیل که از زنان خلاصی یابد و اگر و ام وار و امش گذاره شود و اگر
بیار بید شفا یابد و اگر تن خود تمام شست و دلیل که کارش تمام نشود و گرتانی رحمة الله علیه گوید اگر بید که مرد و خود را

خواب

شست لیل که در ایشان او از غم و اندوه خلاصی یابند و اگر میند که بآب شور خود را می شست لیل که برخی بوی رسد و اگر میند که جانم پاک
 بآب چکین بپوشد لیل که بر تپایی کار و فساد وین بود و اگر میند که بآب سرود یا بآب چکین خود را می شست لیل که توبه کند و مغفرت
 شستن بآب سرود بر چهار وجه بود یکی توبه دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چهارم اینی از ترس شستن بآب کرم غم و اندوه
 بود و دوست و روی شستن و خواب بر سه شست وجه بود یکی حصول مراد و دوم شفا از بیماری سوم یا فتن مال چهارم حج و عجم
 ششم یعنی بقیه دین پاک بشود و هفتم زوا شدن حاجت شش این سیرین رحمة الله علیه که پیشش در خواب بنام دی و خرمی بود و اگر میند
 که کسی شش بدو داد و آنکس معروف بود و لیل که از وی خرمی بیند و اگر او شش بمسی داد و لیل که خیر یا ناکس رساند مغفرت
 رحمة الله علیه گوید اگر میند که شش خام یا پخته میخورد و از جان و دگر که گوشتی حلال بود و لیل که بعد از آن مال حاصل کند شش طنج
 بن سیرین رح گوید شش طنج با فتن و خواب بستان و سخن و روع بود و اگر میند که شش طنج باخت و خضر علیه بود و لیل که نه باطل کسی را عذبت
 و بستان بیدار نماید که کید اگر میند که شش طنج باخت و لیل که جنگ سازخت کند و بقران گویند که شش طنج باختن خیر و منفعت بود و شش
 این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که شعر یا غزل چنانچه میاید کسی یا بچوی میخواند و لیل که سخن باطل گوید بقران گویند که شش طنج
 شغال میکشد و متحرک بود و متوالت گرفت لیل که بیمار شود و اگر میند که شغال باوی بازی کرد و لیل که بر نری عاش شود و اگر میند
 که گوشت شغال میخورد و لیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر وام دارد و هوش ندارد شود و موی و پوست و استخوان شغال در خواب با
 شغال او این سیرین رح گوید شغال او در خواب اگر زد و بود و لیل که بیماری بود و اگر گرفت باشد مضرت کند بود و اگر میند شغال او
 در و بنو و کینک باشد و اگر بوقت خود بود و مالی باشد که بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شغال او در خواب هر پنج وجه بود
 کینک دوم سپهر سیدم علت چهارم مال عجم منفعت از قبل مردی غریب اگر میند که استخوان شغال او بشکست و بخورد و طنج بود و لیل
 بر غم و اندوه بود و اگر سیرین بود و لیل که از وی بی اصل بقدر آن مال منفعت یا بدشکار کردن این سیرین رح گوید اگر میند که شغال
 یا کاک و کوبی یا خرد یا مانند این شکا میگرد و گوشت وی میخورد و لیل که بوی بود و اگر میند که شکا بپزند و لیل که غنیمی یا بد
 که مانی رح گوید شکا ریکه بپزد یا بجایه طلبند و لیل که زبان بود و بعضی سخنران گویند که شکا که در خواب چوینده معاش بود و کرم
 این سیرین رح گوید پاره شکر در خواب سخن لطیف بود و یا بوسه که کسی بدو چون فرزند و برادر و دوست اگر شکرا بسیار بود و لیل
 مال و روزی حلال بود و مغفرت رح گوید شکرا بسیار کرد و بود و فروختن آن نیک باشد اما یافتن و خریدن آن بد باشد و شکرا
 رضی الله عنه گوید شکرا در خواب هر پنج وجه بود یکی سخن لطیف دوم بوسه دادن سوم منفعت چهارم فرزندان عجم مال شکر کردن
 این سیرین رح گوید اگر میند که شکر خدا تعالی گذارد و لیل در سیرین و قوت جاه و مال و سعادت و وجهانی بود و قول تعالی
 که شکر است و گویند که شکر است این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که چیزی بشکست و لیل که بقران گویند که شکر از زبان رسد و اگر
 که شکستان و دیگری بود و لیل که مضرت آن بر بینه باز کرد و اگر میند که اندامی از اندامی وی شکست و لیل که غم و مصیبت بخشد

شستن

خواب

شستن

شستن

شستن

شستن

شستن

شستن

شستن

فصل
شصت و نهم

فصل
شصت و دهم

فصل
شصت و یازدهم

فصل
شصت و هجدهم

فصل
شصت و بیستم

فصل
شصت و یکم

اندام تعلق دارد و بود اگر میندازد آلات چون چنگ در باب طنبور و نای چیزی بکشت دلیل بخور می بود شکم در قهیر سیران ستره است
 و انیل علی السلام گوید شکم ظاهر و باطن مال بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید شکم در خواب لیل بر خورشیدان باشد
 اگر میند که شکم وی بزرگ شده دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خوشیانش کند و اگر میند که شکم وی کوچک بود و از پوست و بی چیزی
 نقصان شده دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر میند که هر چه در شکم بود جله بیرون آید و بشت و باز بجای نهد و دلیل که حال و نیکو
 شود و مقصدش حاصل گردد و اگر وی میند که از شکم وی فرزندی بیرون آید و دلیل که از قبل وی کسی پیدا یابد که این بیت را در خواب
 بنفشه میفرزنی رحمة الله علیه گوید اگر کسی شکم خود را تا سینه میند و دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را شکافته میند و دلیل
 او را رسیدنی سده و اگر کسی بر شکم خود موی رسته میند و دلیل که او را از قبل عیال و ام افتد و اگر کسی از شکم خود موی ستره میند و دلیل که
 بیغم گردد و دوش گذارد و اگر کسی میند که سوراخی در شکم داشت و دلیل که عیال مال او بخورد و جحفه صادق رضی الله عنه گوید شکم
 بر چهار وجه بود یکی جامی علم دوم خزانه سیوم نظام عیش چهارم فرزند شکسته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شکسته در خواب از جانوی
 که گوشت او حلال بود و دلیل بر مال حلال بود و اگر میند که شکسته بر سر گین بود و دلیل بر مال حرام بود و اگر میند که شکسته بختیخورد و دلیل
 خیر و منفعت میند شکسته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شکسته در خواب لیل بر خورای و سچاری بود و اگر بخواب میند که او را از خیر
 الهی رسید و دلیل بر همین بود و اگر میند که او را از شکسته رحمت نرسید تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که پادشاه او را از شکسته دلیل
 که او را پادشاه کند میند شکسته و در خمتان شکسته در خمتان تاویل بود شکسته پیش بهتر بود و شکسته در رتاویل کمتر از شکسته و رسید بود
 و گنگار در خواب عروسی نیکو بود و شکسته در خمتان بقدر کوتاهی بلند و درخت سخن لطیف بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که شکسته
 در خمتان بجز دراز کردی که بدان درخت نسبت دارد سخن لطیف شود و از ایشان خیر و منفعت میند و اگر میند که شکسته می بویید دلیل که مرد
 او را مدح و ثنا کند میند شدن ابن سیرین رح که گوید اگر میند که اندامی از انا و شل شده و کج خانه افتاده بود و فرو نشت خود سبب لیل که از
 گاه بامی بدو بد کند و شر و اندر دم باز دارد و اگر میند که خواب سفید بود تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که اندامی از
 اندامهای او خسته بود و دلیل که انا و خشی که بدان اندام نسبت دارد و آفتی رسید شلغم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلغم در خواب غم و اند
 بود و اگر میند که شلغم کسی داد و دلیل که بد آنس پنج رسا بد مغربی رحمة الله علیه گوید شلغم بختیخورد و خواب باز خام بود و اگر تانی رحمة الله علیه گوید
 اگر میند که شلغم از خود دور کرد و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد شلوار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلوار در خواب کثیر کن عجمی بود و اگر
 وون که بخوابد و اگر میند که شلوار بخورد و بپوشید دلیل که کثیر کن عجمی بخورد و اگر زنی میند که شلوار پوشیده بود و دلیل بر نایستیده بود و اگر
 که او را شلوار پوشیده اند و دلیل که او را خدای زیادت شود و اگر میند که شلوار نایافت دلیل که خدای نوباید و اگر میند که شلوار نایافت
 و دلیل که عقوبت ان حق تعالی جوع علیا یا بد قول تعالی سر بیا یلهم من قطن این و لغشی و وجهها انما و اگر میند که شلوار سرخ و پاری را
 و دلیل که زنی با حرمت یابد و اگر میند که شلوار از زرد و دشت و دلیل که بپوشد و اگر میند که شلوار از سبز و دشت و دلیل که مرد و او را طاعت کند و اگر
 شلوار از گین نیکو باشد اگر زنی میند که شلوار نو خرید و دلیل که شوهر کند و اگر میند که شلوار روی گشود و دلیل که کثیر کن خاد گمیزد و اگر میند که شلوار

توضیح
در بیان
اینکه
بعضی
از
این
کلمات
در
این
کتاب
است

در پای دشت لیل که او را از زنی خواری رسد جعفر صادق علیه السلام گوید شلوار و خواب بر سر نه و بوی زن دوم کنیز که سوم خادم
نمی باشد شلوار بپوشد و لیل بر عورت مردم بود اگر بید که شلوار بند سخت و محکم دشت و لیل بر سختی و محکم قضیب کند و اگر شلوار بند کمته و لیل
بر ضعیف قضیب باشد شمار کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که با کسی شمار میکرد و لیل که در محنت افتد مغربی رحمة الله علیه
گوید هر شمار یک آسان تر بود و محنتش کمتر بود و تاویل عدد از این یکی تا صد و هزار در حرفین بیان خواهم کرد و شمشیر و انبال علیه السلام
شمشیر و انبال نام بود زن باشد و بی انبال نام خواسته و فرمانروائی بود و اگر بید که شمشیر در دست دشت و لیل که او را سیری باید کرد
بید که شمشیر از انبال بیرون بود و تاویلش بچنین بود و اگر بید که شمشیر و انبال نام بود و لیل که شمشیر بسلامت بود و لیل که فرزند
بسلامت بود و مادرش بید و اگر بید که شمشیر بر بند در دست دشت و لیل که با کسی زنده و لیل از سخن اندیشیده بود که کسی گوید
و اگر بید که شمشیر کسی زود کارگر نبود و لیل که زبان در حق آنکس کشاده باشد و اگر بید که شمشیر کسی زود کارگر بود و لیل که آنکس که
خود را باشد شمشیر منقطع شود و اگر بید که شمشیر در کون جمایل دشت و لیل که ولایتی در گردن او بود و اگر جمایل شمشیر در انبال بود و لیل
احتمال ولایت ندارد و اگر بید که جمایل شمشیر کوتاه شد و لیل که آن ولایت بد و سپارند و اگر جمایل شمشیر کوتاه بود و لیل که آن ولایت
زودستی می برد و اگر بید که بی آنکه جنگ بود کسی را شمشیر زود و لیل که آنکس مشهور گردد و کوفی رحمة الله علیه گوید اگر بید که بد شمشیر
و بخیه بود و لیل که او را فرزندی آید و اگر فرزند نبود و فرمانروائی باید و اگر بید که کسی را شمشیر با و دشت و لیل که تو اگر گردد و اگر بید که
با انبال هر دو شکست و لیل که فرزند و مادر و پدر و بید و اگر بید که کسی را شمشیر زود و خون از وی روان شود و جامه وی آلوده است
و لیل که او را مال مردم نهد و اگر بید که شمشیر از وی بستاند و لیل بر جمعی که دارد از وی بستاند و اگر بید که شمشیر بر میان است
و لیل که عرش در آن گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که شمشیر بپوشیدن دشت و لیل که کارش قوی گردد و اگر بید که شمشیر از بطور
و لیل که زنی بزرگ خیر یابد و اگر بید که شمشیر از مر و اید و دشت و لیل که از علمای این دین قوت یابد و اگر بید که شمشیر از خوب و دشت و لیل
که کارش ضعیف شود و اگر بید که شمشیر خالین دشت و لیل که از زمان پادشاه قوت یابد و اگر بید که شمشیر شکسته بود و لیل که بی آنکه است
و بید و اگر بید که شمشیر وی دوری بود و لیل که کارش روان گردد و اگر بید که شمشیر لا جورد و لیل که کارش پایدار باشد و اگر بید که
او چون آینه بود و میدرخشید و لیل که از متری نواخت و حرمت یا جعفر صادق علیه السلام گوید دیدن شمشیر در خواب شیخ وجه بود
فرزند دوم ولایت میدوم حجت چهارم منفعت پنجم ظفر یافتن بر دشمن شمشیر کرد و خواب بر وی بود و قوی و ضعیف زبان شمع این سیرین
گوید شمع در خواب دولت و عروجه و فراخی عیش و نعمت بود و اگر خواب بید که شمع افروخته دشت و لیل که دولت و نعمتش زیاد شود و اگر بید
که شمع افروخته در خانه خود نهاده بود و همه خانه از روشن بود و لیل که در آن سال نعمت بروی فرخ گردد و تجارت وی روان شود
و بعضی گویند که او را زنی با جمال ستوده باشد و اگر بید که شمع افروخته او را دادند و لیل که عروجه است یابد و اگر بید که او را شمع
با شمعان سیمین بود و لیل که زنی یا بد که اسلک است باشد و اگر بید که شمعان زرین بود و لیل که زنی از نزدیکان پادشاهان
و اگر شمعان از ازین بود و لیل که زنی از قبیل مشوسط خواهد و اگر بید که شمعان بارس بود و لیل که زنی بی اصل خواهد و اگر بید که شمعان بارس

خداوند

خداوند

خداوند

خداوند

خداوند

خداوند

بود و دلیل که زنی از اصل کبار خدا بود و اگر بینه که شمعان از خصال آن بود دلیل
 زنی از مردمان عامه باشد که زنی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که شمعانی فروخته و بر دست داشت ناگاه بر در نشیرو و اگر بینه که شمعانی
 در دست داشت و کسی بکشت دلیل که آنکس حسد بر او و اگر بینه که روشنی شمع کم شد دلیل که عز و دولت او کم شود و بنیال علیه السلام
 گوید که اگر بینه شمع افروخته در دست داشت دلیل که اگر زن دارد و او را پسری آید و اگر در شتری شمعهای افروخته بسیار بینه دلیل که پاد
 آنجا عادل داد که باشد و قاضی منصف و دانشمند و نایب و خوری در آن شهر بسیار بود و اگر در مسجد شمع بسیار بینه دلیل که مردمان آن موضع
 بطاعت و تقوی مملکت مشغول باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمع در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم غنی سوم
 فرزند چهارم عوسن پنجم فرمان روائی ششم مستری هفتم سرای هشتم شادی نهم تو انگری دهم علم یازدهم عیش و بازی دهم
 سیزدهم زن چهارم دلیل بر بینه شناسا و کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید شناسا و کردن در خواب در آنجا فی طلب
 کردن بحیثیت و تدبیر بود و اگر بینه که در آنجا فی شناسا و کردن غرق شد دلیل که در آنجا غرق شود که زنی رحمة الله علیه گوید اگر
 که در دریا شناسا و کردن و بکنان نتوانست رفت دلیل که پادشاه او را از عمل باز دارد و اگر بینه که شناسا و کردن بر روی آسان بود دلیل
 که کار وی آسان گردد و اگر بینه که شناسا و بر روی دشوار بود دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر گناه ده دینا بینه دلیل که در حبس باشد
 و اگر بینه که آب غلبه کرد و در میان آب بر دلیل که در دست خصمان هلاک شود و اگر بینه که از غرق شدن امان یافت دلیل که از استقامت
 اینجمنای سلامتی یابد و در کار آخرت در آید و اگر بینه که آب و از زمین فرو برد دلیل که او غنی پیش آید و اگر بینه که از زیر زمین
 آمد از غم فرج یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که از دریا شناسا و بر روی آمد و جامه در پوشید دلیل که از دشمنای پادشاه خلاص
 یابد و اگر بخلاف این بینه دلیل که تا ویش باز نماند بود و اگر بینه که از روی بزرگ شناسا و بکنان آمد دلیل که از دشمنی بزرگ رستگار
 و اگر بخلاف این بینه دلیل که در آنجا بماند شکر گف این سیرین رحمة الله علیه گوید شکر گف در خواب غم و اندوه بود و اگر
 بینه که شکر گف داشت دلیل که اندوه یابد و اگر بخلاف این بینه که شکر گف خورد و دلیل که بجا رشت و اگر بخلاف این بینه که شکر گف خورد
 می نگاشت دلیل که بطل و دنیا فریفته شود و اگر بینه که شکر گف چیزی می نشست اگر قرآن یا دعا یا توحید بود دلیل که نیکوئی بود و اگر
 بخلاف این بینه دلیل که مضرت یابد شهادت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که شهادت بر می آورد دلیل که بوقت مرگ شهادت
 فرج یابد و عاقبت کارش محمود بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مصلح بود و بینه که شهادت بر می آورد دلیل که بوقت مرگ شهادت
 یابد و اگر بینه که مضرت بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بینه که خواب شرک بود و دلیل که مسلمان گردد و عاقبت
 شاه بلوط این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که شاه بلوط داشت میخورد و دلیل که غمگین گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
 بینه که شاه بلوط داشت یا بکسی داد و دلیل که بقدر آن از مردی بخیل منفعت یابد شهادت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که
 شهید با موم بود یا و یا غیرت حلال بود و اگر بینه که شهید داشت دلیل که بقدر آن از جانی غیرت حلال یابد
 که زنی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که شهید داشت دلیل که بقدر آن علم و دانش حاصل کند و اگر بینه که از آن شهید مردی

و میخوردند و دلیل که مردم از علم او فایده یابند و اگر خلاف این بیند منفعت نیابد و معتبران گویند که شهید دلیل بر قربان
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب شهید دلیل بر پنج وجه بود یکی آیهات دوم غنیمت سیوم علم چهارم قرآن پنجم روزی فراخ بود
شهرستان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بشهرستان اندر شد دلیل که دین وی متوار بود و عاقبتش محمود گردد و اگر بیند
که در شهرستانی ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شهرستان در خواب
بر سه وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سیوم علم چهارم قوت دین پنجم غنیمت سیوم علم چهارم قوت دین پنجم غنیمت سیوم علم چهارم قوت دین
شهر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در شهری شد دلیل که دینش قوی گردد و اگر کاری در پیش دارد تمام شود و دیگر
برسد و اگر بیند که از شهر بیرون آمد یا در کسی از شهر بیرون کرد دلیل که تا ویش بخلاف این بود اگر کسی خود را بیکند یا بر روی
شهر بیند دلیل بر بطلان او بود و اگر بیند که از شهری بشهری او را گردند دلیل که زنا طلاق و دوزن وی مشوی دیگر بکند و اگر بیند
که در شهری مقیم شد دلیل که زن او از وی جدا شود و اگر بیند که از شهر مسلمانان بشهر کافران بکشد دلیل که از دین رستگاری
باطل گردید و باشد که نیکو کاره بر نی کند و اگر در شهری گرم سیر بر فتنه بیند دلیل بر فتنه و تکی بود و اگر در شهری سرد سیر بیند
فراخی و از آبی نجات بود و اگر بیند که در شهری رفت و آن شهر را در خوش آمد دلیل که عروجه یابد و اگر بیند که از روستا بشهری رفت
دلیل که خیر و منفعت بد رسد و اگر بیند که از شهر بر روستا میرفت دلیل که مرادش بر نیاید و قوله تعالی وَتَنَالُوا الْبِرَّ هَذَا الْقَوْلُ
الظَّالِمِ أَهْلُهَا و اگر در شهری گمشده بود و تا پیش نیکو بود و اگر بیند که زنان در شهری رفتند دلیل که در آن شهر فتنه و غلام
و اگر بیند که زنان در آن استه شهری رفتند دلیل که در آن دیار نجات فراخی بود و اگر بیند که زنان بشهر ورون شدند دلیل که غلام
پادشاه آنجا رود و بر ابل آنجا ظلم و بداد کنند و اگر بیند که روی بسته بشهری ورون شدند دلیل که در آن شهر خبرهای ناخوش
و اگر در خواب در شهری جانب مشرق بیند دلیل که بهتر باشد از جانب غربت غربی رود و اگر در خواب خود را بشهر چندی بیند
دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهری ای ترکستان بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را در شهری ای بلغاریه و سلطان بیند
که بروی خیانت بود و کار با بروی پوشیده گردد و اگر خود را در شهری ای ماوراءالنهر بیند دلیل که عروجه یابد و اینی یابد و اگر خود
را بخوارزم بیند دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را در شهری ای عراق بیند دلیل که دولت کامرانی یابد و اگر خود را در شهری
خراسان بیند کار او با تسائی تمام گردد و اگر خود را در شهر فارس بیند دلیل که صحبت او با مردمان پارسا بود و اگر خود را در
کرمان بیند دلیل که محال نشود و اگر خود را در شهری ای حجاز بیند دلیل که حج کند و اگر خود را در شهر مین بیند دلیل که سلطان
و امینی بود و اگر خود را در شهری ای مصر بیند دلیل که نشادمان و خرم گردد و اگر خود را در شهری ای آذربایجان بیند دلیل که در
کار رنج و بلا کشد و اگر خود را در شهر ارمینیه بیند دلیل که مرادش بر آید و اگر خود را بشهر ای مغرب بیند دلیل که کارش نفع
افتد و اگر خود را در شهری ای فرنگ بیند دلیل که کار دنیا فی او نیک گردد و او دین ضعیف باشد و اگر خود را در شهری ای شیراز
بیند دلیل که کار او نیکو باشد شهرهای مفروودین کرمانی روح کوید اگر خود را در مکه بیند دلیل که عروجه یابد و اگر خود را در

خواب
شهرستان

شهرهای

بیمه بنید دلیل

بیمه بنید دلیل که اورا با تاجا بصحت فتنه و از ایشان منفعت یابد و اگر خود را در شهرین بنید دلیل که از ترس و بیم میسر گردد و اگر خود را
بطایف بنید دلیل که سفر بسیار کند و نیک باشد و اگر خود را به به بصره بنید دلیل که از علما بهره مند گردد و اگر خود را به بهسط بنید
دلیل که دیندار و پارسا شود و اگر خود را به بکوفه بنید دلیل که از عام نیکوئی یابد و اگر خود را به بند بنید دلیل که توانگر شود و بازرگان
و اگر خود را به بند و اگر خود را به بجلوان بنید دلیل که صحبت خوش گذرانند و اگر خود را به صفهان بنید دلیل که اورا با بزرگی صحبت
و اگر خود را به بصل بنید دلیل که برادر رسد و اگر خود را به بشق بنید دلیل که روزی بروی فراخ گردد و اگر خود را به حلب بنید دلیل که از بزرگان
منفعت یابد و اگر خود را به بانطا که بنید دلیل که از منتهی منفعت یابد و اگر خود را به بیت المقدس بنید دلیل که غرق کامرانی یابد
و اگر خود را به خلا بنید دلیل که کارش شوریده شود و اگر خود را به بصره بنید دلیل که منفعت یابد و اگر خود را به دز قید بنید دلیل که کارش
بسته گردد و اگر خود را به تغلیس بنید دلیل که کارش نقصان گیرد و اگر خود را به بکجه بنید دلیل که نعمتش زیادت گردد و اگر خود را به بجز بنید
دلیل که مالش کم شود و اگر خود را به راعه بنید دلیل که امان و رحمت یابد و اگر خود را به تبریز بنید دلیل که از نیکو رسته گردد و اگر خود را به
بنید دلیل که اندوگین نشود و اگر خود را به همدان بنید دلیل که جاه و منفعت یابد و اگر خود را به بفر و بن بنید دلیل که اورا با منتهی منفعت
و اگر خود را در می بنید دلیل که اورا سو کند فتنه و اگر خود را به بکرکان دلیل که او را خصوصت افتد و اگر خود را به بهستان بنید دلیل که
شود و اگر خود را به بطام بنید دلیل که خرمی یابد و اگر خود را به بسا و بنید دلیل که مالش نقصان یابد و اگر خود را به بمر و بنید دلیل که
ساخته بود بجائی نماند و اگر خود را به تمشا پور بنید دلیل که با مروی بزرگ او را صحبت افتد و اگر خود را به بطوس بنید دلیل که خیر و منفعت یابد
خود را به بلج بنید دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را به بمر قند بنید دلیل که در میان مردم نماند و اگر خود را به بغرنی بنید دلیل که از بزرگان
خیر و منفعت یابد و اگر خود را به کاشغر بنید دلیل که اندوگین نشود و اگر خود را به باسکندریه بنید دلیل که کاری در پیش گیرد و از آن پشیمان نشود
و اگر خود را به باندکس بنید دلیل که با وی خیانت کند و اگر خود را به حصاری بنید دلیل که کارش فرو بندد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین
شهر ما در خواب بر چهار وجه بود یکی دین و دوم لشکارا شدن سیوم عیش و شمع حرام ز نیکو چندی باشد شور با بن سیرین
علیه گوید شور با در خواب اگر بگوشت اند و طعم بوی خوش شسته باشد دلیل بر منفعت بود و اگر بخلاف این بود دلیل بر غم فاند و بود
مغری رحمة الله علیه گوید اگر شور با با گوشت باشد و خوب بچته باشد نیکو باشد و اگر بگوشت غلیظ باشد دلیل بر غم فاند و بود شور با سیرین
گوید شور با در خواب دلیل بر غم فاند و کند و خوردنش دلیل بر فقرت کند و نقصان بود و اگر سبک شد شور با بسیار و شست دلیل که در اندوه گرفتار
نشد و شیراز بن سیرین رحمة الله علیه گوید شیراز در خواب غم فاند و بود و هر چه ترش بود دلیل که اندوه صبر باشد و اگر سبک شد شور با شیراز
یا بکسی داد و از آن هیچ نخورد دلیل که خود می بیند که مانی ج گوید خوردن شیراز در خواب سخن بد بود که از آن برنج شیر و انبیا علی علیه السلام
گوید شیراز خواب هر چند که تازه تر و خوبتر و شیرین تر باشد دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود و مالش بخلاف این باشد و اگر
بنید که شیراز می خورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی بنید که شیر در پستان وی جمع شده و دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی
بنید که زنی که شیر وی ریخت دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی بنید که شیر میدهد و عرض می شیر خون می آید و دلیل که

بیمه بنید دلیل

بیمه بنید دلیل

بیمه بنید دلیل

بیمه بنید دلیل

فصل ششم

و از پیش می بیرون شد و لیل که از پادشاه او مرخصت رسید و انشای علیه السلام گوید اگر خواب ببیند که سرش ریخته و لیل که پادشاهی بد
و اگر ببیند که پادشاهی او سرش ریخته و لیل که پادشاهی خود بد و دهد یا ولایتی از آن خود او را پادشاه گرداند و اگر ببیند که بر سرش ریخته
لیل که دولت و مرقت او را زیادت کرد و مغربی رحمة الله علیه گوید پیشتر در خواب پادشاه بود و شیر مادر زن پادشاه بود و اگر
که پیشتر میسر و شیر و لیل که بهیر پادشاه گرد و اگر زنی بر این خواب ببیند و لیل که دایه پسر پادشاه شود و اگر ببیند که شیر را بر پشت گرفته
بود و لیل که دشمن بروی ظفر پادشاه و اگر ببیند که شیر او را بگزید و لیل که از دشمنی مرخصت رسید و انشای علیه السلام گوید اگر ببیند
که شیر او را در بر گرفت و لیل که مغرب پادشاه گرد و اگر مخالف این ببیند و لیل که دشمن پادشاه بود و اگر ببیند که با شیر طعام خورد و لیل که
پادشاه شود و اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله دلیل بر دشمن بود و اگر ببیند که گوشت شیر میخورد و لیل که دشمن را باستان
به دست آورد و اگر مخالف این ببیند تا و لیل که مخالف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر در خواب برسته وجه بود یکی از
و در ممد و لیل سوم دشمن قوی شیر خورشت بن سیرین رحمة الله علیه گوید شیر خورشت در خواب روزی حلال بود و اگر در خواب
ببیند که شیر خورشت جمع میکرد و لیل که از سفر مال حاصل کند و اگر ببیند که شیر خورشت میخورد و لیل که مال بر عیسیا نفقه کند
و عوض باز یابد و اگر ببیند که شیر خورشت داشت و لیل که مال از باز رگانی یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر
در خواب برسته وجه بود یکی از ممد و لیل که دشمن سیدم کام دل یافتن شیشه این سیرین رحمة الله علیه گوید شیشه در خواب
زن باشد و گویند خامی بود که خدمت زنان کند و لیکن ثباتش نباشد و اگر ببیند که شیشه خالی بود که بوی دادند لیل که زنی
در ویش خواهد و اگر ببیند که در آن شیشه روغن بود و مثل روغن گل و بنفش لیل که زنی دیدار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید زن
توانگر باشد و اگر ببیند که از آن روغن چیزی بسرا لید و لیل که از مال زن چیزی بوی رسد و اگر ببیند که از شیشه شرابی میخورد و چون آن
سیدب مشربا نارد و غیره و لیل که بقدر آن مال زن خورد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که شیشه بکینه داشت و سپید و پاکیزه بود
و لیل که زنی خوب روی و پارسا خواهد و اگر ببیند که شیشه شکست و لیل که زن او هلاک شود و اگر ببیند که شیشه خالی شد و لیل که زنی
حلاق دهد و انشای علیه السلام گوید اگر ببیند که شیشه داشت و در وی جلاب یا چیزی شیرین بود و لیل که زنی سازگار
خوش طبع خواهد و اگر جلاب ترش بود تا و لیل که مخالف این بود و اگر ببیند که در شیشه چیزی خوش بود و لیل که زنی سست و در و خوب
خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیشه در خواب برسته وجه بود یکی از ممد و لیل که دشمن سیدم کام دل یافتن شیشه این سیرین رحمة الله علیه گوید شیشه در خواب
دارد نیست که در خور آن هیچ ضرر نباشد **فصل هفتم** در خواب و صابون این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخوابد
که جامه خود را بصابون می شست و لیل که از کارهای بد باز گردد و اگر ببیند که جامه کسی بصابون می شست و لیل که کسی را از کار
بد باز دارد و اگر ببیند که صابون میخورد و لیل که مال حرم خورد و اگر ببیند که صابون بچی داد که بخورد و لیل که مال خود را بخورد و کسی
که زنی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که صابون بسیار داشت و جامه خود را شست و لیل که او را خدمت حاصل گردد و اگر ببیند که خود
خود بصابون شست و لیل که از مردان باز ماند مغربی رحمة الله علیه گوید صابون در خواب خریدن به از هر وقت بود و اگر صابون

فصل هفتم

فصل هفتم

فصل هفتم

فصل هفتم

[illegible]

دلیل که از پادشاه جاه و مال حاصل کند و اگر میند که طاوس با ده بود و از آنکه گشت و دلیل که زنی بختی بزرگ با جمال بخاورد و از مال و فرزندان حاصل کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که طاوس با کبوتر جفت شد دلیل که توانا گشت و انبیا علی السلام گوید که طاوس در خواب زنی مفسده بود و اگر میند که طاوس زربادی سخن گفت دلیل که ولایت یابد و اگر میند که تدر و طاوس با هم بود دلیل که بیگانه با جمعیال و میند که طاوس از خانه وی پیرید دلیل که زنا طلاق دهد و اگر میند که طاوس را بگشت دلیل که از و ختری و و شیرین بستاند و اگر میند که طاوس در دست داشت دلیل که مال و نعمت یابد و اگر میند که بچه طاوس را بگرفت دلیل که او را ختری آید و اگر میند که طاوس زنا دوست وی پیرید دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید طاوس در خواب بر دو وجه بود یکی پادشاه عجم دوم خزانه مال طایف در خواب بروی حریص بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که طایفی میگردان طبع بطعم خوش بود دلیل که خیر و نیکی میند و اگر بخلاف این میند دلیل که مصرت یا بطریق این سیرین رحمة الله علیه گوید طبع در خواب خامی بود که کار مجلس ساز و وقت شادی و هر که در پاره پند شاگرد و اگر میند که طبع بزرگ داشت دلیل که بدین صفت او را خامی حاصل آید و اگر میند که طبع تنگست دلیل که خادم او میرد و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که طبع او کشتن افتاد و بسوخت دلیل که کینزکی و پارسا شورش بیمار شود و بطاعون و سرسام گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین طبع در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه و مجلس دوم کینزک سوم غایب چهارم بدین طبع این سیرین رحمة الله علیه گوید طبع در خواب سخن باطل و دروغ بود و اگر میند که باطل نای و در حق بود دلیل بر غم و مصیبت باشد و اگر میند که طبع مضروب و نند دلیل که سخنی باطل گوید یا چیزی مشهور بدور رسد و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که طبع سیر و دلیل که کاری باطل کند و طبع در خواب بروی بود که دروغ آراسته کند طیب این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که طبعی بیمار را علاج کرد و درست شد دلیل که یکی را از راه ضا در راه صلاح آورد و اگر میند که بیماری بر آنکس صعبتر شد تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که مردم را در واد و نافع آمد دلیل که علم گوید و پند و مردم پند وی پذیرند و بعلم وی کار کنند و اگر در وی وی نافع نبود و بخلاف این بود و طبعی کردن در خواب مردم مصلح را دین و راه راست آخرت بود و مردم مفسد را صلاح حق و کسب حیات بود طعام و انبیا علی السلام گوید هر طعام و شراب که آنرا رسیده باشد تا ویش بدو مگر با پلوده و غیره زیرا که چاهر حلا از انبیا روغن و انگبین باشد و این هر دو در دایم بود این سیرین رحمة الله علیه گوید هر طعام که بخورون و شواء و پیچیده باشد با طایل پنج و اندوه بود و هر چه ترش باشد دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین عیش خوش بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که طعام از رز و سیم است دلیل بر زیان مال باشد و اگر میند که طعامی در خانه داشت و همه بخورد و دلیل که عیش بسر آمده باشد و اگر میند که چندان طعام بخورد که طاقت نداشت که برخیزد دلیل بر مرگ وی بود و اگر میند که مرده طعام میخورد و دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که در ویش را طعام داد و دلیل که از غم و رنج و ترس و بیم رسته گردد و اگر میند که کافرا طعام داد و دلیل که در کار و دشمنان حقیقی او را یاری دهد و طعمه خیره زن بود و اگر میند که کسی را تیره زد و تیره در تن وی و رون شد دلیل که اینک بقدر آن جنم

نسخه

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

و بشنیدن اینکس و ردل دار و مغربی رحمه الله علیه گوید طعنه زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد اگر میندکی را طعنه زد و جای داشت
دلیل که از سخن که در حق وی بگوید و در او حاصل آید و اگر در نکود تا و بلیش بخلاف این بود طلاق این میرین رحمه الله علیه گوید اگر میند
که زن طلاق داد و او را یک زن بود و دلیل که از شرف و بزرگی افتد و اگر او را زنی دیگر بود و بغیر این زن دلیل که از شرف و جاه بعضی
تقصان پذیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که زن را طلاق داد و دلیل که کاری کند که از آن پشیمان شود و طلع کردن در خواب
تو اگر می بود و قوله تعالی و ان یفترقا فیکفر الله کلاهما من سعته طلع این میرین رحمه الله علیه طلع بار خراب بود اگر میند
که یک طلع یاده با شرف گرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر میند که طلع خورد دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر میند که طلع بسیار
داشت و از آن نیز خورد و کسی نمیداد دلیل که پادشاه مالش بستاند و عاقبت خشنود شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید طلع
در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم رحمت سوم منفعت چهارم شدن مال تعصب طلق این میرین رحمه الله علیه گوید
طلق اندک مایه سخنی بود که در کار دایره که جوهر وی از شک است اگر میند که از جانی طلق بسیار جمع میکرد دلیل که او را بکلی حلیت
از سفر مال حاصل گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که طلق مخلون تن بالید و در میان انشرف و اندک نش پیرنج بوی برنج
دلیل که شرف پادشاه از وی دفع شود و اگر میند که طلق مخور و دلیل که مال برنج و سخنی حاصل کند و اگر میند که طلق از وی ضایع
دلیل که مالش تلف شود طنبور این میرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در خانه و منزل خود طنبور میزد دلیل که در آنجا غم و
بود و اگر میند که طنبور وی بشکست دلیل که توبه کند و اگر میند که طنبور میزد دلیل که مرگش نزدیک بود و اگر کسی میند که او را
طنبور می شنید دلیل که بسختی باطل شنیدن رضاد و طوطی این میرین رحمه الله علیه گوید طوطی در خواب فرزند یا غلام بود
کسی بخواب میند که طوطی از دست می آید پدید دلیل که فرزند یا غلام او بسفر رود و اگر میند که طوطی با وی سخن گفت دلیل که سخنی
گوید یا کاری کند که مردم را از آن عجیب آید و طوطی ماده و خنثی و شیر بود و طوطی نر مردی پاک دین بود یا غلامی جلد یا رسا بود
اگر میند که طوطی ماده رنجست دلیل که دو شیرگی و خنثی میرد و اگر میند که طوطی از زبان یا از مقعد او بیرون آید دلیل که او را فرزندی
آید که در شان وی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین طوطی در خواب بر سه وجه بود یکی فرزند و غلام دوم
و خنثی و شیر سوم شکر و پارسا طوق این میرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در گردن او طوق بود از زرب یا از نیم دلیل که
آن ولایت یا بدوردان انصاف نگا دارد و اگر میند که از آهمن بود و دلیل بر بی امانتی و فساد دین بود و اگر مانی رحمه الله علیه گوید
طوق در گردن خود میند دلیل که دعوی بدروغ کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر در گردن خود طوق زرتین میند دلیل که ولایت
یابد و اگر از مس یا از آهمن بود دلیل که با کسی خصومت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین طوق در گردن در خواب شش
وجه بود یکی حج دوم ولایت سیم خصومت چهارم امانت پنجم غلام ششم کنیز و اگر طوق در گردن اسپ خود میند دلیل که
از پادشاه مال و بزرگی یا بطیلسان این میرین رحمه الله علیه گوید بطیلسان در خواب قدر و بزرگی و جاه بود و اگر میند که
نور پاکیزه بود و دلیل که قدرش نیک بود و اگر بخلاف این میند دلیل که قدرش کم شود و اگر میند که طیلسان بدرید یا بوخت دلیل که عجز

در خواب

کلی

کلی

کلی

کلی

کلی

کلی

فراغت

سجده

سجده

عاج

سجده

سجده

سجده

از آن او بمیرد و انبیا علیه السلام گوید و دیدن طلیسان در خواب امانت و وایست و قوتش بود و اگر بیند که طلیسان پاکیزه بود
و دلیل که امانت بگذارد و اگر طلیسان چرکین بود دلیل که امانت در گذارش باند و اگر بیند که طلیسان زرد بود دلیل که او را غمی سخت
افتد مغربی رحمه الله علیه گوید طلیسان سپید در خواب فرزند صالح بود و اگر سرخ بود دلیل که فرزندش معاش و طرب و دوست دارد
و اگر سیاه باشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن طلیسان در خواب برده و وجه بود و کسی
عقد جاه دوم و لایست سوم فرزند چهارم و ولست پنجم بزرگی ششم مال هفتم منفعت هشتم علم نهم دین دهم ششتر حرف اظفار
ظلم کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر و ظلمی رفت دلیل که بر ظلم کند نصرت یابد و اگر بیند که او بر کسی ظلم کرد و دلیل
آنکس بروی ظفر یابد و اگر بیند که پادشاه بروی ظلم کرد و دلیل که پادشاه بروی محتاج شود و اگر بیند که او بر پادشاه ظلم کرد و دلیل
از پادشاه مضرت یابد و تعبیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بزرگی بیند که بر چاره ظلم کرد و دلیل که آن چاره را نفرین کند و اگر خواجه
بیند که بر بنده ظلم کرد و دلیل که از خواجه او را بلا و محنت رسد و ظلمات این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود
و بر و شانی بدل شد و دلیل که راه دین بروی کشاد گردد و اگر کسی که در کوفت و تاریکی است و در شانی آید و باز
در ظلمات رفت دلیل که منافق باشد قوله تعالی وَاذْكُرْ اَظْلَمَ عَلَيْكُمْ قَاهُوًا كَوْنًا شَاءَ اللَّهُ الایه مغربی رحمه الله علیه گوید
ظلمات در خواب غم دانه و دانه بود و اگر بیند که در تاریکی ظلمات ظاهر شد و دلیل که در اندام یا رخم دانه و دانه می صبر یابد و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید ظلمات در خواب بر پنج وجه بود یکی کفر دوم خیر سوم فروستن کار چهارم بدعت پنجم ضلالت اگر تو را اگر بیند
که بدویشی آید دلیل که زیادت شود و اگر درویشی بیند که بتواند گری رفت دلیل که کارش بد بود و حرف العین به حاج
این سیرین رحمه الله علیه گوید حاج در خواب دولت بود و اگر بیند که حاج داشت دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که حاج آید
ضایع شد دلیل که مالش ضایع شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حاج در صندوقی داشت دلیل که یکی از خویشان وی زنی
بزرگت خواهد و اگر بیند که دواتی از حاج داشت دلیل که پادشاه او را کینگی عطا دهد و جاه یابد و اگر بیند که حاج بگشت یا ضایع
شد دلیل که زن پاکیزه او بگردد و هر چند که حاج سپید تر و پاکتر باشد مال بیشتر بود و عاریت کردن این سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر بیند که کسی چیزی بکسی عاریت داد و اگر آن چیز از نوعی بود که دوست دارند و دلیل که ثابت شود و برو و اگر چیزی بود
که دوست ندارند تا مدیش بخلاف این بود عاشق این سیرین رح گوید اگر خواب بیند که عاشق هست و حریف بود و دلیل ضایع
و بد می کند و اگر چیزی حلال بود و خوب بود و دلیل خیر و صلاح باشد و اگر بیند که بر کسی خوب روی عاشق شده بود و اگر در آن
عشق نیت حرام بود و دلیل بر شر و فساد کند و اگر در آن عشق نیت حلال بود و دلیل خیر و صلاح بود و تعبیل اشعث رحمه الله
علیه گوید اگر بیند که از مشغولی کام دل یافت و دلیل بر خیر و منفعت بود عالم اگر بیند که عالم با فقیه شد و در اصل جابل بود
و دلیل که مردم سخن بکنند و در زبان مردم افتد بدی و اگر عالم با فقیه بود و دلیل که علمش زیادت شود و اگر بیند که قاضی یا حکیم
یا خطیب بود یا عالمی زنده یا مرده از موضعی گذشت که در آنجا ترس و بیم بود و دلیل که مردم آن موضع را ترس و بیم این شود و پاد

در حدیث
در حدیث
در حدیث

ایشان عادل گرد و کراتی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم را علم میگفت اگر اهل علم نبود دلیل که از اندام برگزیده و اگر عالم بود
دلیل که غرور جاه باید و اگر بیند که بعلگه گفتن عطا بدست دلیل که او را رشوت دهند جعفر صادق رضی الله عنه گوید عالم در خواب چنان
و چه بود یکی دولت دوم قاضی سوم حکیم چهارم خلیف عبادت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عبادت خدا بیجا
میکرد تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عبادت در مسجد یا در صومعه میکرد دلیل که خیریت یا بیخانی
یابد و اگر بیند که عبادت کرد که مکر و بود تا ویش بخلاف این بود عجز و پیر شدن است در حرف کافیه بیان کنیم
حد فاین سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یکی از مردم یا از دینار یا جامه یا خیر آن بوی دادند و دلیل که خیر و نیکوئی بیند
تو که تعالی من جاء بالحقه قلک عشر امثالها یعنی یک طاعت را ده پادشاه است بنا برین معبران گویند
که اصل و دین یکی است کراتی رحمة الله علیه گوید عددی نیکو بود و دو غم و اندوه و لیکن بر دشمن خیر و گردن ثانی نشانی
اذها فی النار اگر عدد شمار بیند بر باشد و از کاریکه در آن بود بر خور داری نیاید قوله تعالی قال ایها الناس
تکلموا الناس قلک ایاکم و لفظ سه دالت بر فرقت کند زیرا که طاق است و اگر عدد چهار بیند نیکو باشد
چون چیزی دیگر و مضاف نباشد مایکون من نجوى قلک الا هو و ایعظم و اگر عدد پنج باشد نیکو بود
و تیک صاحبنا سخن ناز بر پای دارد و اگر عدد شش بیند نیک باشد خلق السموات و الارض فی سبیل ایاکم و اگر عدد هفت
بیند باشد سبع سموات طباقا چون یا هفت یا هشت باشد بود قوله تک سبع کمال و ثمانین ایاکم و تسع و اگر عدد
نه بیند باشد قلک تسع و طیفی دون و اگر عدد دهم باشد نیکو باشد و مرادین و دنیا و جاهل گرد و قوله تعالی
تک عشره کاملة و اگر عدد یازده بیند دلیل که شغل مای دی بروزگار بر آید و اگر عدد دوازده بیند
نیکو باشد قوله تعالی ان عد الشهور عند الله اثنا عشر شهرا و اگر عدد سیزده بیند باشد
بر کارش بد شود و اگر عدد چهارده بیند نیک باشد و اگر عدد پانزده بیند کار دی پر کند و می بر آید و اگر
عدد شانزده بیند حاجتش دیر بر آید و اگر عدد هفده بیند بد باشد و اگر عدد هجده بیند امیدش بر نیاید و اگر عدد
نوزده بیند او را با مردم کافند قوله تعالی کوا حاة للبشر علیها تسع عشر و اگر عدد بیست بیند نیک
باشد و بر دشمنان نفع یابد قوله تعالی عشر و ن صابر و ن و اگر عدد سی بیند او را کسی داری ضل گرد و قوله تک
و واعدنا موسى ثلثین کتلة و اتممنا لها بعشر و اگر عدد چهل بیند کارش بسته گردد و اگر پنجاه بیند
دلیل بر رخ و سختی بود قوله تعالی الف یسند الی اخصین عا ما فاحذهم الطوفان و اگر شصت
بیند دلیل که او را سو کند گردن افتد و او را ده ماه پیوسته روزه باید داشت یا شصت و در ویش را طعام باید داد و قوله
تعالی شهرین متتابعین من قبل ان یمننا ذلک لیؤمنوا بالله و رسوله و اگر عدد هفتاد
بیند دلیل که بتا خیر بر آید و اگر عدد هشتاد بیند دلیل که او را تمت کنند و چوب بر نهند قوله تعالی فاجلوا و انما یأین

جلد ۱ و اگر عدد نو دیند دلیل که چند رز از رزگان بکلی کند قوله تعالی **تَسْعَ وَتِسْعُونَ نَجْةً وَفِي كُلِّ**
وَاحِدَةٍ و اگر عدد صد دیند دلیل که نصرت و ظفر یابد قوله تعالی **مِائَةً تَعْلَبُوا بِهَا تُقَاتِلُونَ** و اگر سلطان خود را
 دیند که صد سوار با وی بود و دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر کسی دیند که ویرا صد درم دادند و دلیل که همتی بزرگوار
 دهند و او را صد چوب بزنند قوله تعالی **فَاَجْلِلْ وَاَكْلُوا حِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةٍ** و اگر کسی دیند که کسی او را
 صد دانه کندم یا چوب یا چیزی از دهن او داد و دلیل که در آخر و برکت بود و عیش بروی فراخ کرد و قوله تعالی **فِي كُلِّ**
سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ و اگر عدد دویست دیند و دلیل که دشمنان بروی
 ظفر یابد و اگر عدد سیصد دیند و دلیل که بر روزگار مرادش حاصل شود و قوله تعالی **وَلِكُلِّ شَيْءٍ ثَلَاثٌ مِائَةٌ**
سِتِّينَ وَاَنْزَلْنَا دُفُوشًا و اگر عدد چهار صد دیند و دلیل که بر خصمان ظفر یابد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه
 و سلم فرمود که **خَيْرُ مِائَةٍ اَوْ بَعْدَ الْاَلْفِ** یعنی بهترین خواها چهار صد و بهترین لشکر چهار صد هزار و اگر عدد دویست
 دیند و دلیل که کارش برود و عاقبت بر آید و اگر عدد هشتصد دیند و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر عدد دویست دیند و دلیل که دشمن
 بروی ظفر یابد و اگر عدد هزار دیند و دلیل که بزرگی یابد و بر دشمن قدر کند قوله تعالی **وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ اَلْفٌ يَخْلُقُوا**
اَلْفَيْنِ بِاِذْنِ اللّٰهِ و اگر عدد دویست هزار دیند و دلیل که بد باشد و اگر عدد شصت هزار دیند و دلیل که بر دشمنی بود و قوله تعالی
يُكَفِّرُ الْاَلْفَ مِنَ الْمَنَافِكِ مُتَوَلِّينَ و اگر عدد چهار هزار دیند و دلیل که بر قوت و نصرت باشد و اگر عدد پنجاه هزار دیند
 و دلیل که مبارک و فرخنده بود و اگر عدد شصت هزار دیند همین تاویل دارد و اگر عدد هفت هزار دیند و دلیل که کار با وی آسان
 گردد و اگر عدد هشت هزار دیند و دلیل که کارش نظام شود و اگر عدد نه هزار دیند و دلیل که بد باشد و اگر عدد دویست هزار دیند و دلیل
 که نصرت و فیروزی بود و اگر عدد سیست هزار دیند همین تاویل دارد و اگر عدد سی هزار دیند و دلیل که نصرت و ظفر بدست
 یابد و اگر عدد چهل هزار دیند و دلیل که نصرت و ظفر یابد و اگر عدد پنجاه هزار دیند و دلیل که بر پیروزی و عجز فرودمانده شود و قوله تعالی
وَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلَيْكَ اَلْفًا مِّنْ نَّبِيٍّ و اگر عدد شصت هزار دیند و دلیل که خرم و شادمان گردد و اگر عدد هفتاد هزار دیند
 و دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد هشتاد هزار دیند و دلیل که کار با بروی پوشیده گردد و اگر عدد نود هزار دیند و دلیل که
 دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد صد هزار دیند و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و قوله تعالی **وَاَرْسَلْنَا مِائَةً اَلْفٍ اَوْ ثَمَانِيَةَ اَلْفٍ**
 عدس مقبر از او تاویل عدس خلافت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب نیک است زیرا که
 ابراهیم علیه السلام وارد دست داشتی که مانی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب بد است زیرا که چون قوم بنی اسرائیل
 را از من و مسوئی طال گرفت از حق جل و علا عدس و سیر و پیاز خواستند مقربا رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب
 نال بود که از زمان ابو موسی رسد خاصه که کخته بود و اگر خام بود و دلیل بر مضرت و اندوه باشد عزا و ابن سیرین رحمه الله علیه

گوید اگر بیند که عاود و دشمن کافران می انداخت دلیل که کافران سخت را دشمن دارد و اگر بیند که عاود و دشمن
 در شهر مسلمانان می انداخت دلیل که دروین مسلمانان بخانها سوار گوید و باشد که اهل اسلام را و غایبند
 و اگر بیند که عاود می انداخت دلیل که اهل آن موضع را غیبت کند یا دشنام دهد عرش ابن سیرین رحمه الله علیه
 عرش در خواب بسیار بزرگ یا مال خواسته بسیار بود و اگر بیند که عرش آراسته بود و دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت
 افتد و عرش نصرت یابد و اگر عرش را حقیر بیند و دلیل که پیش مردم خوار گردد و اگر خود را بر عرش نشسته بیند و دلیل که
 که او را با مردی بزرگ پیوندد و از وی حرمت و جاه بیند و اگر بیند که از عرش بریزد یا در پیش بخلاف این بود و جعفر
 رضی الله عنه گوید دیدن عرش در خواب بر پنج وجه بود یکی صاحبی بزرگ و دوم رفعت سوم مرتبت چهارم عزت پنجم بزرگو
 عرش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که عرش داشت دلیل که با مردی اصیل او صحبت افتد و درخت
 عرش بتاویل مردی باشد که نیکی کمتر کند عرق کردن اگر کسی خواب بیند که عرق از تن وی روان شد دلیل که بقدر
 عرق ویران یا یافتن خاصه اگر عرق وی بر زمین می پاشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که جانم وی از
 عرق تر شده بود و دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر بیند که عرق خود می خورد مال خود بخورد و اگر بیند که عرق
 سپید بود و بوی خوش داشت دلیل که مالش حلال بود و اگر بخلاف این بیند و دلیل که مالش حرام بود و کافری رحمت
 الله علیه گوید عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت روائی کند و اگر بیند که عرق می خورد و دلیل که حاجتش روا شود
 و اگر چهار بیند که عرق کرد و دلیل که شفا یابد عروسی ابن سیرین گوید اگر کسی خواب بیند که عروسی بخواند و دلیل که او را
 ندید و نامش ندانست دلیل که بمیرد یا کشته شود و اگر بیند که عروسی بخانه آورد و با وی نخت و دلیل که بزرگی یابد و چیزی که
 ملک و نباشد ملک و شود و کافری رحمه الله علیه گوید عروسی که در اینجا نخت و چنانچه نامی باشد دلیل بر مصیبت
 بود و مخربی رحمه الله علیه گوید اگر زنی خواب بیند که عروسی شد و او را بنزد شوهر می بردند و دلیل که عرش با خبر رسید
 باشد و اگر بیند که شوهر او را بست و با وی نیکی کرد و دلیل که خیر و منفعت یابد و عخل دور کردن از کاری بود و اگر بیند که
 پیرا معزول کردند و دلیل که جاری و بیحرمی بیاید و اگر بیند جوانی معزول کردند یا پیش بخلاف این بود و کافری رحمه
 علیه گوید اگر بیند که متبر یا معزول کردند و دلیل بر صلاح دین بود و اگر از کاری کرد و دلیل بر کسب حیثیت کند تا پیش
 نقصان محیطش می باشد و اگر کارش عملی بد بود که او را غل کردند و دلیل که دست از بدی کوتاه کند و راه صلاح گیرد
 عس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با عس می کشد ایشان مردمان مصلح بودند و دلیل که او را خیر و منفعت
 رسد و اگر بخلاف این بیند و دلیل بر شر و مضرت بود و اگر بیند که عس او را گرفتند که نذر ساینده دلیل که از مردم پادشاه
 بوی پنج رسد و اگر بیند که آن عس بوی طالت نرسید و دلیل بر خیر و نیکی کند کافری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عس جامه
 وی بر کند یا بر بندد آن کرد و دلیل که از مردم پادشاه او را زان رسد و بیحرمی بیند و اگر بیند که از عس نجات کسی را

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

بسیار

عقل

عقل

عقل

عقل

عقل

که بنده بار عطره داد و لیل برینگی و قمری بود و اگر بیند که عطره بسیار داد و لیل که مرادش بدشوار می بر آید و اگر بیند که عطره داد و آب بینی
 باز کشن گرفت و لیل که فرزندش آید و اگر بیند که چون عطره داد و بخا یا از بینی باز گرفت و روان شد و لیل که در وی نخی زشت گیند و اگر
 بیند که عطره آید و چند آید و بیرون آید و لیل که از جوهر آن چند و او را فرزند آید که بدان حیوان منسوب باشد که آنانی رحمة الله علیه گوید
 اگر عطره در خواب باستانی داد و لیل که مال آنسانی بدست آید و اگر عطره بدشوار داد و لیل که مال بدشوار بدست آورد و عقل
 این سرین رحمة الله علیه گوید اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل تو ام و دانند که عقل دیت اگر بیند در خواب با
 آن باشد و لیل که او را با فرزند پادشاه صحبت افتد و از و خیر بیند و پادشاه زاده او را دوست دارد که آنانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی
 عقل خود را بدین صورت بیند و لیل که بخت روی بکسی نهد و غر و جاه یابد و تو انگر شود و انیال علیه السلام گوید عقل در خواب بخت
 و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل تو ام و لیل که بخت و دولت یار او شود و مغربی رحمة الله علیه
 عقل و جان در خواب مادر پدر بود و اگر غائب باشند و زنده بودند و لیل که دیدار ایشان باز بیند و اگر مرده باشند و لیل که دعا
 و صدقات از وی بدیشان رسد و در خبر است که مروی پیش حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آمد و گفت پنجاب دیدم که مال آن جان
 من از من جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بخانه من درآمدند و هر سه بنشینیم و بشرب نشو و بشکریم رسول صلی الله علیه
 غرض که عقل قسمت پنجاب است و جان قسمت آن جان کار تو بر او شود و اگر بیند که عقل و جان بیکدیگر و لیل که باطل
 و لایستخانت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید عقل و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت و دوم مادر و
 سیدم فرزند یا پادشاه چهارم مال و نعمت عقیق این سرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که عقیق داشت یا کسی بوی داد و لیل که
 با بزرگی صاحب شود و از و خیر یابد و اگر بیند که عقیق از و ضایع شد وایشن بخلاف این بود و اگر بیند که بخواب عقیق داشت وایشن
 چیز می بخورد و لیل که او را فرزند آید که شرف و بزرگی و جاه یابد و عکالت کند بود و اگر بیند که عکالت برایش نهد و لیل که بقدرت
 در مال او نقصان شود و اگر بیند که عکالت میخاید و لیل که مالی بخصومت و گفتگو یابد و علم در خواب مروی و انانی ایا م یابد و بوی شخصی که مر
 بوی اقتدا کنند و اگر بیند که علم در دست داشت و لیل که ازین نوع مردم که صفت کردیم یا کسی شناسد و از وی راحت یابد و اگر بیند
 که علم از دست می بیند و یا ضایع شد وایشن بخلاف این بود که آنانی رحمة الله علیه گوید دیدن علم در خواب لیل بر بصر بود و اگر بیند
 که علمی بوی دادند یا لشکری بروی جمع شوند جاه و بزرگی یابد خاصه که علم سپید یا سبز باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که علمی سپید بزرگ و درست داشت و لیل که با مروی تو انگر صالح او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که علمی سبز
 داشت و لیل که زاهد و دیندار شود و اگر بیند که علمی سیاه داشت و لیل که قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و لیل
 علم در خواب بر چهار وجه بود یکی مشرودم سفر سیدم جاه چهارم نیکی احوال عمارت این سرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند
 که در جایگاهی خراب عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد و لیل بر صلاح وین و ثواب بجهان بود و اگر بیند که بر زمین خراب
 شده بود و از بهر خراب عمارت یکدیگر و چون مسری و دوکان و مانند این و لیل که فایده اینجهانی یابد و اگر بیند که جای محروم و خراب بود و خراب

شد دلیل که در بلا و مصیبت انداخته مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در جائی معروف و مشهور و معمور مقیم شد دلیل که از ان مقام خیر
صلاح و منفعت بقدر عمارت ان مقام یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح اینجه
دوم خیر و منفعت سوم کامرانی چهارم برکت و گشایش کارهای بسته عمارتی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب
که در عمارتی نشسته بود و عمارتی وی بر سر تریا سپ بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یابد و اگر مید عمارتی بیفتاد و یا از عمارت
بیرون شد تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را در عمارتی نشانزد دلیل که با بزرگی پیوندد
و کارش بالا گیرد و قدر و جاه او زیادت گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارتی در خواب بر هفت وجه بود یکی
بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن با مهتری محمود ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید عمو در خواب مردی درست و راست بود و مستحان گوید که بخندای سخت باشد و اگر بیند که عمو دی بر کسی ز دلیل
که سختی سخت کسی گوید و اگر بیند که عمو آهنگین داشت دلیل که او را از پادشاه قوت و یاری بود و اگر بیند که عمو از دوستی
بسته شد تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمو در خواب بر سه وجه بود یکی مرد درست دوم ستم
سخت و درشت سوم مهتری بزرگ عتاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب داشت و میوز و دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند و اگر بیند که عتاب یکی داد و دلیل که از او بد انگس مال رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب از درخت جمع
میکرد و دلیل که بقدر آن مال جمع حاصل کند عنبسیر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عنبسیر داشت و دلیل که بقدر آن منفعت یابد
بیند که عنبسیر بسیار جمع میکند و با بنیافت دلیل که بقدر همت خویش ولایت یابد و اگر بیند که عنبسیر یکی داد و دلیل که از او بد انگس
رسد و اگر بیند که عنبسیر از وی ضایع شد و دلیل که مال بی نقصان پذیرد و اگر بیند که بر عارض کسی عنبسیر مالید و دلیل که بجای او نیکی کند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عنبسیر در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کامرانی چهارم شناسی نیکو
عقفا نوعی از نوا بود چون چنگ و بر لقا و مانند این ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عقفا میزد و دلیل که به طلق و نوحی مال
رخداد دهد و اگر بیاری بیند که عقفا بشکست یا بیفکند و دلیل که از دروغ و محال توبه کند و اگر بیند که عقفا میزد و دلیل که زود میرد
عقفا بکوت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عقفا بکوت در خواب مردی ضعیف و کمزوری و عاهی بود و بعضی معتبران گویند که جولا
بود و اگر بیند که عقفا بکوت از وی دور شد و دلیل که از مردی جولا هر دور شود عمو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عمو بر
میوخت و دلیل که از خیر و منفعت یابد و عمو در خواب مردی خوب روی و لطیف طبع بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عمو غنا
داشت و یا کسی بوی داد و دلیل که از پادشاهت یابد و هر چند که عمو خوشتر باشد عطا بیشتر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید عمو در
بر چهار وجه بود یکی مردی خوب روی دوم سخن خوش سوم ثناء و آفرین چهارم مال منفعت عمو و سوز ابن سیرین رحمه الله
گوید عمو سوز در خواب کیانک یا فرنگک یا غلام زیرک و دانا بود و اگر عمو سوز سپید روی باشد و دلیل که غلام یا کینک از او
ترس باشد و اگر از مس بود و دلیل که از اهل جود باشد اگر از آس بود از اصل که آن باشد و اگر بیند که عمو سوز بکشت یا صانع باشد

در خواب

عمر

عمر

عمر

عمر

عمر

عمر

عمر

دلیل که غلام بالینیک بکشد عورت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخوابد بینه که عورتش تمام ظاهرش چنانکه مرد و او
مسید بدو دلیل که سر او در میان مردم ظاهر شود و اگر بینه که عورت خود زود باز پوشد دلیل که سر او زود پوشیده گردد و معتبران
گویند که بینه که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید و کسی ندید و دلیل که اگر بپوشد شفا یابد و اگر وام دارد و دلیل که ویش گذارد
شود و اگر ترس دارد و دلیل که این کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی بینه که عورتش برهنه بود و بیدار شد و از آن نشنید
شد و دلیل که از حال بد بحال نیک آید و اگر بینه که قصد عورت خود برهنه کرد و دلیل که کاری کند که از آن مستوجب عقوبت گردد
یا اقی بوی رسد که باعث عبرت خلق گردد و عیید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که عید قربان بود و دلیل که او را بامروزی
کار افتد و اگر بینه که عید رمضان بود و دلیل که او را بامروزی عاید زاهد صحبت افتد و منفعت دینی باشد که کرمانی رحمه الله علیه گوید
اگر کسی بینه که عید بود و مردم از سبیه بیرون آمدند و دلیل که اگر زنا می بود خلاصی یابد و اگر از اهل عز و شرف بود دلیل که شرف او زیاده
گردد و عاشورا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روز عاشورا بخوابد بینه دلیل که کاسگاری یابد و قوله تعالی کملت لکم
دینکم و انتم راضون اگر در خواب سر سال و ماه و روز بیدار شود و روزی بخفت و مبارک بود و دلیل بر خیر و صلاح بود
صرف المغین غار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد و دلیل که در کاری سخت گرفتار شود
و اگر بینه که در غار شد و و بیرون آمد و دلیل که در کاری صعب گرفتار شود و خلاصی یابد و بخفتی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که در غار
و آن غار روشن بود و دلیل که او را برندان کنند و بعضی گویند که در کاری سخت گرفتار شود و اگر بینه که از غار بیرون آمد و دلیل که رنج
شود و شفا یابد و غارت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که مال و نعمتی می غارت کردند و دلیل که غم و مصیبت بود
مصرفی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که لشکر اسلام و یا کفر را گرفت و غارت کرد و دلیل که اهل کفار غم و مصیبت بود و اگر بینه که
لشکر کفار اهل اسلام را غارت کردند و دلیل که غم و آذ و مسلمانان را رسد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غارت در خواب
بر چهار وجه بود یکی جنگ دوم زبان سوم غم و آذ و چهارم نزع از ان خالیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید غایب و در خواب
فرسنگ و نام آورد و اگر بینه که غایب کسی را و دلیل که آنکس از وی اوبه فرسنگ آموزد کرمانی رحمه الله علیه گوید غایب نشان
چ بود و معتبران گویند که غایبالی باشد که از مهر بدو رسد و اگر بینه که غایب یافت و دلیل که از نانی یا از مروی بازگان منفعت یابد
و اگر بینه که کسی چشم وی غایب مالید و دلیل که بجای وی حق گذاری کند و مردم او را دعا گویند و اگر بینه که کسی برنگا گوش وی غایب مالید و دلیل
که او را مستم بدو علوی کنند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غایب در خواب بر پنج وجه بود یکی اوب و فرسنگ دوم شناع
و فرین سوم حج اسلام چهارم مال و خوسته پنجم خیر و منفعت غایب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که غایب از سفر
نزدیک می آید و دلیل که نامه و یا خبر غایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد و دلیل که نامه و خبر نزد خویشان وی برسد و خبر
رحمه الله علیه گوید اگر بینه که غایبش از سفر باز آمد و دلیل که کار بسته بروی کشاده گردد و اگر بینه که غایبش ترسند و
و متفکر بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بینه که غایبش سواره از سفر باز آمد و دلیل که غایبش زود با نعمت و مال باز آید و اگر

بینه که عورتش تمام ظاهرش چنانکه مرد و او

مسید بدو دلیل که سر او در میان مردم ظاهر شود

گویند که بینه که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید

شود و اگر ترس دارد و دلیل که این کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی بینه که عورتش برهنه بود و بیدار شد و از آن نشنید

شد و دلیل که از حال بد بحال نیک آید و اگر بینه که قصد عورت خود برهنه کرد و دلیل که کاری کند که از آن مستوجب عقوبت گردد

یا اقی بوی رسد که باعث عبرت خلق گردد و عیید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که عید قربان بود و دلیل که او را بامروزی

کار افتد و اگر بینه که عید رمضان بود و دلیل که او را بامروزی عاید زاهد صحبت افتد و منفعت دینی باشد که کرمانی رحمه الله علیه گوید

غایب را بیاد و دعا بخور و برهنه بنید و دلیل که در راه غایب را قطع الطریق بزنند و غفلت شده باز آید عبا را برین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند عبا بر چیزیکه ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که عبا بر سر
آسمان زمین می نشاند دلیل که مردم آن موضع از آن کار که دارند بیرون آیند و اگر بیند که بر چیزیکه ملک او بود نشست دلیل
بقدر آن مال حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که روی او بر عبا بود دلیل که او را برخی و عقیقی رسد قوله
وَجُئِیْ یَوْمَئِذٍ عَلَیْهَا عِبَرُهُمْ ثُمَّ هُیْئَ لَهُمُ الْخُزُؤَیْنِ و اگر بیند که بر زمین که ملک اوست عبا بود دلیل که بقدر آن مال
حاصل کند غریب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید غریب در خواب خادمی بود همین اگر کسی خواب بیند که غریب مال داشت
دلیل که او را خادمی حاصل آید و اگر بیند که غریب وی نکند دلیل که خادم وی بگیرد و دیگر فانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که
غریب غریب پاک میکرد دلیل که کاری کند که مردم از آن منفعت باشند و او را مضرت رسد و اگر بیند که آنچه پاک میکرد و از بهر خود
میکرد دلیل که منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید غریب در خواب بر سر نه و چه بود یکی خادم دوم یار سوم کرد
زیرک غرق شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در دریا غرق شد و بر دلیل که پادشاه او را هلاک کند
و اگر بیند که آب او را خرد و بر دو بالا آورد و غرق دلیل که از کار دنیا دست بردارد و صلاح دین و راه آخرت جوید و مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چهار پائی در سرای یا دکانی یا باغی غرق شد دلیل که بکار صعب در ماند و سر انجام رانی باید
جعفر صادق رضی الله عنه گوید غرق شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی مال بسیار دوم اقبال سوم صحبت با مردم بدین
چهارم منفعت غرا کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که در راه خدا یا تعالی غرا میکرد دلیل که کار خیرش
و عیال و نیکو شود و بی نیازی یابد قوله تعالی وَمَنْ يَمْشِ جُزْءًا مِّنْ سَبِيلِ اللَّهِ يَبْخَسْ لَهُ أَجْرًا كَبِيرًا و اگر بیند که
اگر بیند که انرا روی برگرداند و دلیل که از خویشان روی برگرداند قوله تعالی هَلْ عَسَيْتُمْ اَنْ تَكُونُمْ اَنْ تَقْسِدُوا فِی الْاَرْضِ
وَقَطَعُوا اَوْحَادًا مَّكْرًا فانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بغرافت دلیل که دولت نعمت بزرگی یابد قوله تعالی
وَقَضَىٰ اللَّهُ اَلْجَاهِدِیْنَ عَلَی الْقَاعِدِیْنَ اَجْرًا عَظِیْمًا و اگر بیند که مردم از یاد بغیر بیرون شدند دلیل که عواجا
یابد و مردم را ره کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با کافران تنها جنگ میکرد دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و روزی حلال بدو
در عمرش و از کرد و قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِیْنَ قَاتَلُوْا فِیْ سَبِیْلِ اللَّهِ اَمْوَاتًا بَلْ اَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُزَكِّیْنَ
فِرْعَوْنِ بِمَا اَنْتَهُمُ اللَّهُ مِنْ قِصْلِهِمْ جعفر صادق رضی الله عنه گوید غرا کردن در خواب بر شش وجه بود یکی خیر و برکت
دوم سادت رسول صلی الله علیه و سلم ناردن سوم بر دشمن ظفر یافتن چهارم شفا از بیماری پنجم اطاعت پادشاه و ششم شکر
یا خن غسل کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که در محل و یا نمک بر دلیل که غم و اندوه وی که کرد
و اگر بیار بود شفا یابد و اگر دام دارد و دمش گدازد و به شود و از ترس میمن گرد و اگر محبوس باشد خلاصی یابد و اگر بیند که
کم غسل میکرد و آنکه دست و روی او شست دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که دست یا وجه او شست اگر بخود و اگر دلیل

غایب را بیاد

غریب

غریق

غرا کردن

غسل کردن

که در میان

در میان ایشان وقت افتاد و اگر بیدار خنابت بشت و لیل کشش تمام شود مغربی رحمة الله علیه که پیش کردن در خواب

و خنابت لیل بر پاکی از دروغ بود و هر زیادت و نقصان که بشتن از خنابت پدید آید دلیل بر دین و دروغ شود غل

رحمة الله علیه گوید و بدین غل در خواب کفر باشد و پیش بناحت بود اگر بیدار غل در کردن داشت و دلیل که کافر میبود و اگر بیدار غل

کردن بند سبک شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیدار غل در کردن و بند بر پای داشت و دلیل که کافر بود و دعوی مسلمانانی بدین

گند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار غل بر دستها داشت و دلیل بر کفر او کند قوله تعالی و قال لا یلهوون و یذکر الله و یصلوا و یسألون الله

خلعت آیاتهم و یعوون بها قالوا و مقصود از غل بخت است این عبارت ضعیف است معین گویند چون مرد صالح غل در کردن

بیدار و دلیل دست از کارش بردارد و خلاف این برین رحمة الله علیه گوید خلاف در خواب زن بود اگر بیدار غل داشت و بخت

بختشیر و سلامت باند دلیل که فرزندان سلامت از مادر بیرون آید و مادر پاک شود و خلاف کار و بیرون حکم دارد غلام این برین

رحمة الله علیه گوید اگر بیدار غلام شده بود دلیل که بگاری سخت افتد و در آن رجور شود و اگر بیدار غلامی بگویی یا بخرد دلیل که در کار نکستی

بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید غلام در خواب شادی بود و قوله تعالی و کثیر نایضکم حکیم و در حای دیگر خبر شود یا فتنی هذا

غلام و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیدار غلام یا کثیر میفر و خست و دلیل که نکست بود و اگر بیدار غلامی بخرد یا بد باشد و اگر

غلام و کثیر اگر زویم ستانید بود و اگر اجناس ستانید بکشید و این برین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیدار بود

خواب و دلیل که بر خصم غالب شود و اگر بخلاف این بیدار و دلیل که خصم بروی غالب شود و این برین رحمة الله علیه گوید غم در خواب شیخ

و شادی بود و اگر بیدار غلین شده بود دلیل که فرج یابد و بر او برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار غلین شده بود و دلیل که

بقدر آن مال یابد و اگر بیدار غم بسته بود تا و پیش بخلاف این بود غنیمت این برین رحمة الله علیه گوید غنیمت یافتن در خواب

اگر مال کافران بود و دلیل که رزخا گران گردد و اگر بیدار که مسلمانان از دیار کافران غنیمت آوردند و دلیل که در آن دیار که غنیمت یافت

بروند غنیمت شود و رزخا از آن شود و اگر بیدار که کافران از دیار مسلمانان غنیمت آوردند و دلیل که بقدر آن او را منفعت حاصل

خواص این برین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بجنب بیدار که بر یافز و در وقت و مر و آید در آور و دلیل که بقدر آن علم و دان آید

و از مال سلطان راحت یابد و اگر بیدار که بدیاریافت و هیچ نیار و دلیل که اجل آموختن مشغول گردد و دلیل که فایده نیابد و اگر بیدار که

از قهر در یار آور و دلیل که عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یابد و غفور و این برین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بجنب بیدار که

بوقت خود میخورد و دلیل که بقدر آن چیزی برنج و مشقت بدست آورد و دلیل که پادشاه بخرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که خود

میخورد و دلیل که اندوگین شود و اگر بیدار که غوره بفر و خست یا کسی را داند از آن هیچ بخورد و دلیل که اندویش کمتر بود و اگر غوره بگشت

بخته بود بهتر باشد غوک و در غ و حرف و شرح آن گفته شود و حرف الفاء فاخته این برین رحمة الله علیه گوید فاخته

در خواب زنی ناقص دین به مهر بود که با کسی سازگاری نکند و اگر بیدار که فاخته و بشت و دلیل که زنی بدین به میان بخوابد و اگر

بیدار که بچه فاخته گرفت و دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیدار که گشت فاخته میخورد و دلیل که بقدر آن مال نستاند و چ کند کرمانی رحمة

الله علیه

علیه گوید فاخته فرزندى دروغ زن بود و اگر بیند که فاخته بر بام وى بانگ بجا کرد و دلیل که خبر غایت نزد و اگر دوبار بانگ کرد و بهتر بود و اگر سه بار بانگ کرد و نهایت نمیکند بود و اگر بیند که فاخته باز فاخته بر بام وى در آمد و دلیل که نزد و خانه وى در آمد و کالاسى او را
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فاخته در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم فرزند سیدم خادم قال که رفتن ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خال گرفت و خال نیک آمد دلیل که بر دشمن ظفر بیاورد و اگر بیند که خال گیرى میکرد و دلیل که انگشتر حریف
بسیار خورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید قال که رفتن در خواب بر سه وجه بود یکی بر دشمن ظفر نیاختن دوم مرد سوم حاجت
برداشتن اگر خال نیک بود و اگر بد باشد تا ویش بخلاف این بود و خال او ده اگر بر حضرتان بود و نیامی بود و دیدن خال او ده
برنج و خصومت بود بقدر آن آتشى که بروى رسیده باشد اگر بیند که خال او ده در دهان نهاد و دلیل که سخن لطیف گوید و اگر بیند که
خال او ده یکس داد و دلیل که بانگس سخن خوش گوید یا از بهر وى کارى کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید فاخته در خواب بر چهار وجه
بود یکی سخن خوش و دوم مال سوم منفعت چهارم با جنگ کاریکه بر آید بد شوى بود و خام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
بیند که خام بروى بود و دلیل که چو کند و اگر نازش فوت شده باشد قضا کند و اگر امانتى در گرو دار و باز سازد و اگر وام دارد
و دلیل که بگذارد و فخته ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که فخته از جایگاهى زایل شد و دلیل که اهل آند یا بخداوند تبارک و تعالی
باز گردد و ذکر تانى رحمه الله علیه گوید اگر از ده چیزى بیند و دلیل در انداز فخته و بلا افتد یکی تاریکى دوم آتش سوم با دشمن چهارم باد
گرم پنجم سیاهى آفتاب و ششم شیشه ششم غبار هفتم باران هشتم بر کندن درختان نهم ابر سح یا سیاه و دهم جامه سرخ و زرد و یازدهم
فراش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از جایگاهى تنگ بفرشى آید باز سختى آسانى رسیده و دلیل که از غم بیغم شود و از
اندوه فرج یابد مغربى رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خانه بروى فراخ شد و دلیل که روزى بفرخیال از وى فراخ گردد و اگر بیند که خانه بروى
تنگ شد و دلیل که روزى بروى و عیال لا ى تنگ گردد و اگر بیند که خانه بروى تنگ شد و باز فراخ شد و دلیل که راه دین و
شرعت بروى مستقیم شود و فی الجمله فراخ شدن چیزى تنگ دلیل بر کشایش کار با بود و برکت در چیزى فراش ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید فراش در خواب و لاله بود که از بهر کسی زن خواهد فرج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که او را
به چون زمان فرج بود و دلیل که خوار و بیچاره گردد و اگر بیند که کسی با وى مجامعت کرد و دلیل که حاجت از وى روا شود و اگر وى زن
بیند که ایشان را یک فرج است و دلیل که هر دو زن از یک کس باشند که تانى رحمه الله علیه گوید اگر زنى بیند که فرج وى از آتش باز
مس بود و دلیل که از یافتن مهر او نا امید شود و اگر مردى بیند که فرج از وى پس بود و دلیل که از زن چیزى دوست دارد که رضای
حق تعالی در آن نباشد و اگر زنى بیند که فرج وى بریده شد و دلیل که بر دشمن ظفر بیاورد و اگر زنى بیند که از فرجش مایه بیرون آمد و دلیل
او راه ختمی آید و اگر زنى بیند که از فرج او گریه بیرون آمد و دلیل که او را فرزندى دهد یا بدو اگر زنى بیند که از فرج او آتش
بیرون آمد و دلیل که او را دخترى یا بکار آید و اگر زنى بیند که از فرج او مار بیرون آمد و دلیل که او را فرزندى آید که دشمن دارد و اگر بیند
که از فرج وى کرم بیرون آمد و دلیل که او را همین تا ویش دارد و اگر بیند که از فرج وى کرم با وى بیرون آمد و دلیل که او را فرزندى درون

نصف

باز

نصف

نصف

نصف

نصف

نصف

نصف

[illegible]

قباله بنام

و اگر میند که قاضی میر و شفقت بر او نگاه کرد و با وی مطلق و بد را نسخ گفت دلیل که او را نزد اهل علم حرمت و عباد نبود و خوار و فرو داشت
قباله بنام این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر قبالتا فاضله سوی خانه می آمد و دلیل که کار بسته وی کشا و کرد و از خوشیشان دور شود و قباله
کالد بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر قبالتا فاضله سوی خانه می آمد و دلیل که کار بسته وی کشا و کرد و از خوشیشان دور شود و قباله
که قباله داشت و دلیل که خادمی او را حاصل آید و اگر میند که قباله شکست یا بسوخت و دلیل که آنجا دم خانه و هلاک شود و مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر میند که قباله بسیار داشت و دلیل که او را از خادمان خیر و منفعت رسد و اگر میند که نقش و روز یا موزه و روز بود و دلیل که بیشتر
قالی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که قالی بزرگ از بهر وی افکند و بود و دانست که ملک نیست دلیل که بر درازی سحر
و فراخی روزی بود و اگر میند که بزرگ نشسته بود و در جانی بیکانه ندانست که آن جایگاه کیست دلیل که دنیا بروی ستیزه و دو و غیرت
بسیار در مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که بر قالی تنگ و کوچک نشسته بود و دلیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود و مغربی رحمة الله علیه
اگر میند که قالی در چیده بود و بر دوش داشت و دلیل که از جانی بجائی دیگر رود و عمرش اندکی مانده بود و هر چند که قالی بزرگتر و خوشتر
باشد معیشت و روزی بیشتر و بهتر بود و اگر میند که بر قالی کوچک نشسته بود و در زیر وی فراخ شده و دلیل که معیشت و روزی وی فراخ شود
و اگر بخلاف این بسند دلیل که معیشت و روزی بروی دشوار گردد و اگر میند که قالی گسترده بود و بدست خود در نوشت و در کج خانه نهاد
و دلیل که دولت و اقبال غنی و ثبات کند و اگر میند که قالی بر پشت نهاد و میر و دلیل که بزه بسیار کند و انیال علیه السلام گوید اگر میند که قالی
کوچک و سبب بود دلیل که روزی بر وی تنگ شود و او عمرش دراز شود و اگر میند که قالی سبب و پاکیزه داشت و دلیل که روزی بروی فراخ شود
و اگر میند که قالی در خانه کسی افکند و بود دلیل که خداوند آنخانه را دولت و اقبال بود و اگر میند که در خانه محمول قالی افکند و بود دلیل که سفر
کند و مال و نعمت یابد قباله این سیرین رحمة الله علیه گوید قبالی که پاس در خواب پناه و قوت و سفر بود و اگر میند که قبالی که پاس
فراخ پوشیده بود و دلیل که از غنم فراخ یابد و اگر میند که قبالی حریر پوشیده بود و در خواب کرد و بود و اگر که با سلاح پوشیده بود و اما از
سرو می بزرگ شرف و منزلت یابد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند قبال پوشیده و بحر میرفت بر دوش و اگر میند که قبالی
سبب پوشیده بود و دلیل که روشنائی یابد و اگر میند که مصیبت باشد و اگر سیاه بود و غم خانه باشد و اگر ملون بود و کارش نظام گردد
و اگر قبالی که درید و دریده بود و دلیل که در زطلاق و بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که قبالی غنابی داشت اگر اهل آن قبال باشد و دلیل غنم
بواند و بود و اگر میند که قبالی پستین سیاه و سپید پوشیده بود و دلیل که زنی توانگر زنی کند و اگر میند که قبال از پوست روباه بود و دلیل که
از قی با سبب زنی کند و اگر قبال از پوست سمور بود و دلیل که زنی توانگر خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قبال در خواب بر دوش و جلد
سجی پناه و دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست قباله این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخوابد
که قباله و خطا داشت دلیل که بقدر خط و قباله او را حکمت حاصل شود و اگر میند که پادشاه خط و قباله بوی و دلیل که او را آن
گرداند و اگر میند که قاضی قباله بوی را و دلیل که علم شیخ او را حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قباله در خواب بر دوش و جلد
ریاست و دم حکمت سیم منفعت چهارم ولایت پنجم حجت ششم قوت قباله این سیرین رحمة الله علیه گوید قباله در خواب بر دوش و جلد

از وی زایل شود و اگر بیند قضای بود خون حق ریزد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قضای مجببول در خانه وی در آمد یا در کوچه یا در
 در لیل که در آن موضع مرگ مغایرات پیدا شود قصه کفشت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قصه مجببول میخورد لیل
 که از ترس و بیم شکاران این شود قوله تعالی فَاَتَا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ
 الظَّالِمِينَ که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرد را قصه میگفت و لیل بر خیر و صلاح بود اگر نیک میگفت و اگر بد میگفت لیل
 بر خیر و صلاح و کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قصه میگفت و لیل که کارش نیکو شود و مرد او را شایسته و دوستی و غرض
 مردی نیک محض بود و قضیب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قضیب شاخ درخت بود که در خواب بیند اگر کسی بخواب بیند که
 شاخ درخت تازه و باریک بود و بد و داند و آنکس حروف بود و لیل که او را آنکس بقدر آن خیر و منفعت رسد و اگر بیند
 که شاخی باریک و خشک بود و لیل که چیزی بوی نرسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاخ درختی که ترش میوه او بود
 و بد و داند و لیل که آنکس بد و غم و اندوه رسد و اگر درخت شیرین بود و لیل که خیر و منفعت یابد و قضای ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قطایف بشکوه با و دام کسی بوی او و از آن بخورد و لیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر
 بمغفر خورد و و شایب بود و لیل که منفعت اندک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید قطایف در خواب بر جامه و وجه بود
 یکی سخن خوش و دوم مال حلال سوم منفعت چهارم منفعت برج قطران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قطران
 خواب مال حرام بود و اگر بیند که قطران داشت و از آن یکی خورد و لیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که تن یا جامه
 وی بقطران آلوده بود و لیل که لباس حرام پوشد و بعضی گویند بسبب مال در بلا و محنت افتد و اگر بیند که قطران از
 خانه بیرون انداخت و لیل که توبه کند قنما خوردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بر قنای خود موی بیند
 و لیل که وام دارد شود و اگر بیند که موی از قنما پتیده بود و لیل که و همیکه دارد گذشته شود و اگر بیند که بر قنای او سبلی
 کسی زود چنانکه آس کرد و لیل که هم او را و هم کسان او را منفعت بود و اگر بیند که بیگانه بر قنای او سبلی زد و لیل که
 از بیگانه یا بدکر مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی چندان سبلی بر قنای او زد که خون روان شد و لیل که او با کسی و او را
 کند و زیانش رسد و اگر بیند که قنای خود بدید و لیل که عیالش بر وی خیانت کند و اگر بیند که بر قنای خود حجامت کند
 و لیل چیز بخریده باشد قبل از نوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رویش بقفا کشت و لیل که با مردم منافقت کند
 قفص ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قفصی داشت لیل که در جایی گرفتار شود و معتبران گویند که او را با
 از خویشان در زندان کنند و اگر بیند که قفص شکست یا ضایع شد و لیل که از تنگی زندان خلاصی یابد و جعفر صادق رضی
 عنه گوید و دیدن قفص در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم جانی تنگ سوم ساری نخاس قفل ابن سیرین رحمه الله علیه
 علیه گوید قفل در خواب دلیل بر راست شدن کارهای دینی و دنیاوی بود و اگر بیند که قفل زود بشکند و لیل که کارها
 بروی کشنده شود و شاید که هیچ اسلام نگذرد و اگر بیند که قفل نتوانست کشد و لیل که کارش دیر کشنده شود و مغربی رحمه الله

تفسیر
 قضای

تفسیر

تفسیر

تفسیر

تفسیر

تفسیر

تفسیر

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

علیه گوید اگر ببیند که قفلی محکم بر جانی ننهد و دلیل که مال خود را بصلح سپارد و اگر ببیند که قفلش است و ضعیف بود تا بلیش
بجای آنکه بفرصت صادق رضی الله عنه گوید و بدین قفل در خواب بر شش وجه بود یکی ساختن کار و دوم قوت سوم محبت چهارم
منفعت پنجم زن ششم اعتماد بر کسی مصلحت داشتن قلعه و ز بود و حرف و ال ذکرش رفته است قلم معبران در تامل
قلم خلاف کرده اند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلم امر حق است و خدا یغالی را بقلم لوح محفوظ نیاز نیست مغربی نوشته
علیه گوید قلم فرشته است که بفرمان خدا یغالی جمل و علی کار کرد و اگر کسی قلم را بدین صورت که هست ببیند دلیل
که او را با پادشاهی عاقل کار افتد و حقیقتی جل جلاله قلم اید کرده است و القلم و ما یسطرون اگر ببیند که قلم بر دست
گرفت و دلیل که او را فرزندی فاضل عالم آید اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که بران قلم که در دست داشت چنانچه
بشت دلیل که علم آموز و قوله لغالی علم الا انسان ما لکم لیکم جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین قلم در خواب پنج
وجه بود یکی امر مقتضای دوم فرشته سوم توانگری چهارم حقیقت کردار با پنجم قلم خامه گویند و شرح آن در حرف خامه یا در کتب
قلیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلم که با بخت باشد بهتر از آنکه بی آب بخت باشد هر چند که قلم بیخ و شر بود و منفعت آن بهتر
باشد و اگر قلعه از گوشت گاو و فربه باشد و خورد و دلیل که در آن سال از ترس بیمین بود و اگر از گوشت بره یا بز غله خورد و دلیل که مال آن
یا بد مغربی حتمه الله علیه گوید اگر ببیند که قلم از گوشت اسب خورد و دلیل که مال از پادشاه برنج و سختی بدست آورد و اگر از گوشت شتر
خورد و دلیل که مال از مردی بزرگ بدست آورد و اگر قلم از گوشت شتر خورد و دلیل که از بخت زنان بکر مال بدست آورد و اگر خدا
خواب مضطرب بود و دلیل بر غم و اندوه کند و اگر ببیند که قلم از گوشت چهارپای خورد و گوشت وی هر مست دلیل که مال حرام خورد و مضطرب
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلم که کوچک در خواب غلام و کینه بود و قلم بزرگ وی مرید برکننده بود و اگر ببیند که قلم که کوچک بخورد
یا کسی بومی و او دلیل که غلام یا کینه که کوچک بخورد و اگر ببیند که قلم او بشت یا ضایع شد و دلیل که او را از صحبت چنین مردی
مفارقت افتد و اگر ببیند که قلم او سبب بود و دلیل که او را با مردی نیک رای و خرمند صحبت افتد و اگر ببیند که قلم او سبب
بود و دلیل که با مردی قوی دمی و شجاع صحبت افتد و از خیر و منفعت یا بد قلم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که قلم
دلیل که بتجلیل کاری کند که از آنکار پشیمان شود و اگر ببیند که کسی پاره قندروان او ننهد و دلیل که او را بوسه دهد و اگر ببیند که بخورد
قند داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر ببیند که قند میفرودخت و دلیل که او را زیان رسد و خریدن قند بهتر از فروختن آن
قندیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قندیل فروخته توفیق عبادت بود و خاصه که روشن بود و اگر کسی خواب ببیند که در خانه و در
قندیل فروخته آویخته بود و دلیل که زنی صالحه یا پارسا بخوابد و اگر این خواب زنی ببیند طاعت و عبادت بسیار کند و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید قندیل فروخته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خوشن دوم توفیق سوم غرور دولت چهارم کثرت
در کارهای سببه و قندیل نافرخته دیدن منفعت اندک بود و قنوت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب ببیند که قنوت
خواند دلیل که مردم بد و دشمنان او را هلاک کرد و اگر مرد مصلح و پارسا در خواب خواند و دلیل که همه حاجتش روا شود و اگر ببیند

کمال

که صلح بود و از درگاه حق تعالی حاجتهای او برآید و اگر میند که سفید بود و دلیل که از بزرگی کارهای دنیای می برای قفسینه این دنیا
و عتد الله علیه گویند قفسینه در خواب خادومی بود که کلید خانه بد و بسیار بزرگ کسی بخواب میند که قفسینه داشت و در وی آب بود و با
یا چیزی که خوردن آن حلال بود و آن میخورد و دلیل که مال حلال باید و اگر قفسینه چیزی حرام بود و از آن میخورد و دلیل که او را از آن حرام
چیزی حاصل شود و اگر میند که قفسینه شکست یا ضایع شد و دلیل که خادوم او بگریزد و اگر مالکی رحمت الله علیه گویند قفسینه در خواب خادومی
بود که چیزی را بردست وی باشد قیامت این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بخواب میند که قیامت بود و دلیل که حق سبحانه و تعالی
در آندیا برخواست و کرد و اندو اگر اهل آن دنیای ظالم باشند و دلیل که آفتی و بلائی بدیشان رسد و اگر اهل آن دنیای مظلوم باشند و دلیل که حق تعالی
غرض اهل ایشان را نصرت دهد و اگر میند که اهل آن دنیای پش حقیقی حلال عدا ایستاده بود و دلیلی بر چشم و غذا حق تعالی حلال عدا باشد که
رحمت الله علیه گوید اگر میند که قیامت بهر حاست اگر مظلوم باشد و دلیل که بر ظالم دست یابد و از عمر رشته کرد و اگر میند که علامتی هست
چنانکه آفتاب از مغرب برآید یا در حال و یا حوج و یا حوج پیدا شدند باید که توبه کند و بخت تعالی گراید و اگر میند که گور باشد شکاف و مرقع
بیرون آمد و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر میند که او را بر تختند باید که از گناه توبه کند و رضای حق تعالی حاصل و عدا وید و اگر میند که شمشیر
گاه بود و دلیل که در غفلت بود و توبه تعالی اِقْوَابُ لِلنَّاسِ حَسْبُهُمْ غُلَّتْ مَنَافِئُ خُزُونِ اگر میند که با وی شمشیر کرد و دلیل
که او را زان برسد قوله تعالی اِنَّمَا سَنَبْنَاهَا لَهَا جَسَادًا يَدْعُوُ هِيَ بُنَا هَا عَدَا بَا نَكَرًا و اگر میند که در راه بهنجاری
وی سنگی زیاده است و دلیل که سر انجام کار وی نیکو شود قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُخْلَصُونَ
و اگر میند که بی وی بیشتر از نیک بود و دلیل که سر انجام کار وی بد بود قوله تعالی وَمَنْ جُفِيَ مَوَازِينُهُ فَاُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا
اَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا و اگر میند که تر از وی وی سنگین بود و نامه وی بدست راست و پشت و دلیل که وی براه راست
بود قوله تعالی وَاُولَئِكَ لَنَا مَعَهُمُ الْكِتَابُ وَالْمِيزَانُ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ و اگر میند که نامه کار وی او دود و
که بر خوان اگر اهل صلاح بود کاش نیکو شود و اگر اهل فساد بود بر خطر باشد قوله تعالی اِقْوَابُ كَمَا بَاكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْكَفُو
اگر میند که بر صراط است و دلیل که براه راست میرود و اگر میند که بر صراط نتوانست گذشت هم راه راست بود و جعفر صادق علیه السلام
الله عنه گویند قیامت در خواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری دوم فرج از غم سپوم نظر یافتن بر دشمنان چهارم اقبال
و خامت با سعادت و اهل فساد را بخلاف این بود فقیر این سیرین رح گوید اگر کسی بخواب میند که قیامت و دلیل که بقدر آن است
و روزی یا بدیش غری رحمت الله علیه گوید اگر میند که قیامت بسیار داشت و بخانه بر و دلیل که بقدر آن نعمت بخانه بر و اگر میند که قیامت خانه
بیرون افکند و تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که در فک و انش و افتاد و بسوخت و دلیل که پادشاه او را صا و ده کند و اگر میند که
میند که قیامت میخورد و دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی فقیران گویند که او را غم رسد قی کردن این سیرین رح گوید اگر کسی بخواب میند
که قی میگرد و آسان بر می آمد و دلیل که توبه کند و اگر میند که قی نتوانست کردن یا در وقت بر آمدن باز جانی رفت و دلیل که از توبه
باز نگردد و سر انجام عقوبت یابد و بعضی گویند که او را مصیبت و زیان افتد مگر میند که قی میکرد و میخورد و دلیل که از بخت چیزی عیب

بسیار
بسیار
بسیار

از کلاه

کاجی

کار

کلاه

کلاه

انقضه کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که می میرد و طعم او ترش و ناخوش بود و دلیل که بعد از توبه بر سر نگارده و دو اگر بیند که بسیار
تقی کردن چیزی از شکم می برزبان آید و دلیل که بیمار شود اگر بیند که بلغم برآورد و دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که خون بسیار
برآورد و دلیل که مال یابد و اگر بیند که متغیر برآورد و دلیل که از رنج بکین شود و اگر هر چه در شکم بود برآورد و دلیل که پاک شود و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید تقی کردن در خواب ترشش وجه بود یکی توبه دوم پشیمانی سیوم انفسرت چهارم از غم زدن پنجم امانت باز دادن
ششم کارهای بسته گشاده شدن و اگر بیند که تقی کرده و بخورد و دلیل که چیزی که می بخشد و از انگلس باز ستاند و حرف الکاف
کاجی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کاجی بروغن انجد و شکم خود و روغن با و ام خور و دلیل که بعد از آن
خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بروغن و انگبین می خورد و دلیل که بعد از آن راحت یابد و اگر بیند که کاجی بروغن و ما ست می خورد و دلیل که
از کسی بوی اندک منفعتی رسد و اگر بیند که کاجی بخیزی ترش می خورد و دلیل بر غم و اندوه و اندیشه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که کاجی بخیزی شیرین می خورد و دلیل که او را مال باستانی بدست آید و اگر بیند که بخیزی ترش می خورد و دلیل که غم و اندوه بود و بعد ترشی
کار و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کار و فرزند باشد و نیام کار و زدن بود اگر کسی بخواب بیند که کار و دور دست داشت و نت که
از آن ویست و دلیل که او را فرزند آید اگر بیند که با کار و سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که سلاح پوشیده و گاوی و رد دست داشت دلیل که او را از کسی پناه و قوت بود و بعضی گویند که غلام کار و گری آموزد و مغربی رحمة الله علیه
گوید که پدر بیند که کار و از نیام بر کشید دلیل که رنش میسری آورد و اگر بیند که کار و از نیام شکست دلیل که پدر او یا یکی از خویشانش
پدرش میمیرد و اگر بیند که اندام خود را بکار و بخت دلیل که بعد از جنگ اندام او از آن رسد و اگر بیند که بکار و چیزی تراشید دلیل
که از آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که در کار و او رخصه افتاده بود یا زلف گرفت یا عیسی در و ظاهر شد و دلیل که نقصان مال او
جعفر صادق رضی الله عنه گوید پدری کار و در خواب بر بخت وجه بود یکی حجت و دوم فرزند سیوم خضر چهارم پناه پنجم برادر ششم
توانایی محقق و لانت کارزار کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کارزار کردن در خواب علت طاعون بود و اگر کسی
بخواب بیند که کارزار میگرد و دلیل که او را از علت طاعون بچم بود و اگر در کارزار دشمن را قتل کرد و دلیل که از علت طاعون
یابد و اگر در کارزار دشمن بروی چیره گشت دلیل که بعد از طاعون پاک شود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کار
با کسی بشیر جنگ میگرد و یکی از ایشان فرصت یافت و دلیل بر خصومت بود و آنرا خطر بود که فرصت یافته بود و اگر کارزار بر
میگرد و همین تاویل وار و اگر تیر و کمان کارزار میگرد و دلیل که میان ایشان بر زبان گفتندی شود کارزاری ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید که پدر اگر بیند که کارزاری میگرد و اگر تیر و کمان کارزار میگرد و دلیل که توفیق خیرات یابد زیرا که چون جامه ستایل غم و اندیشه بود
و کارزار پاک کننده چرت است پس دلیل بازگشتن بخداوند تعالی بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامه درشتن
و دلیل که توبه بشکند و اگر بیند که جامه دریده را بخت و دلیل که باز توبه کند اگر بیند که او بشتن سپید شد و دلیل که از توبه صلوات
و رستگاری یابد و اگر بیند که جامه می شست و سپید میشد و دلیل که همواره در گناه باشد مغربی رحمة الله علیه گوید کارزار و خواب بروی پا

در خواب

و خواب

و خواب

و خواب

و خواب

که بدست وی خیرات و حسنات هر دو برود و از بهر کفارت گناهان جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر در خواب مردی باشد
که غم و اندوه از دل مردم بر دوازیست سبب جبران گویند چون کسی بخواب بیند که جامه میشوید دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد
و اگر گناهان تو به کند خاتمه که جامه را بسپید شود که رویش اگر در این سرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کار
میکرد دلیل بر حسن او نقصان دین وی بود و اگر بیند که کار دین میکرد دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال جهانی تکلیف بود
و اگر بیند که کارهای دنیا وی آرد سست شد دلیل که بجایش نزدیک باشد و اگر بخلاف این بیند عیش و دراز بود و اگر بیند که بجای
مشغول بود که او را غم و اندوه از ازان منبسط بنمود دلیل که بجای مشغول شود که در آن خیر و منفعت باشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر بیند که با مردی بجاری میشوند و در راه مشیت دلیل که مخالفین بود و قوله تعالی **فَرِحَ الْخَلْفُونَ بِمُعْجِزِهِمْ حَتَّى**
الْوَسْوَءِ الَّذِي كَانَ رَوَانِ بْنِ سِرِينَ رحمت الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که با کاروان در راه بود و اهل آن کاروان مصلح
و پارسا بودند دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود و اگر بیند که مردم کاروان مفسد و بدخوی بودند تا و میشن بخلاف این بود که
بیند که در راه بود و برکت تمام داشت دلیل که او را نعمت حاصل شود و اگر بیند که در کاروان پیاده بود و برکت نداشت تا و میشن بخلاف
این بود که باقی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که با کاروان بخانه می آمد دلیل که کارهای وی کشاده گرد و اگر بخلاف این بیند دلیل که کارهای وی
بسته گردد و کارهای بن سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در جایگاهی معروض کار نیزی میکند دلیل که با کسان خود که
و حدیث ساز و این تاویل وقتی بود که بچندین کار نیز آب پیدا نشود و چون آب پیدا آید و روان گشت حکم کار نیز کنندن میجویند
که باقی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که از کار نیز آب می ستد دلیل که بکر و حیلت مال صحیح کند خاصه که کار نیزی کند باشد منفعت
بقدرا که از برادر وی رسد و اگر بیند که آب از کار نیز بر و پشت و در خم و سخت یاد رسد که دلیل بر مالی باشد که طرح کند و اگر بیند که
کار نیز افتاد دلیل که در بکر و حیلت افتد مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که باغ را از کار نیز آب می آید دلیل که با بن خود جماعت کند و
کار نیز دیدن در خواب مردی بود که کارهای دنیا بکر و حیلت ساز کند کاسه این سرین رحمت الله علیه گوید کاسه چوبین در وی خور
بود و بجز در بقدر آن از سفر روزی حلال یابد و کاسه خالین در خواب روزی بود و کاسه خالی فرو ماندگی و بیچارگی بود و کاسه فی رحمت
علیه گوید کاسه طعام خادی بود و بکر و منفعت که بدست وی خیرات رود و مال بوقت صلاح تمت کند و کاسه زین و سیرین که در وی
خوردنی بود روزی حرام باشد و کاسه سفید روی و قلعی روزی اندک بود که شبستی بود و کاسه آئینه دلیل بر آن کند و کاسه تنی دلیل
مغسبی بود مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که در کاسه خود چیزی خوردنی خوش طعم و شیرین داشت دلیل که نعمتی و مالی یابد و اگر چیزی ترش
و ناخوش بیند دلیل بر غم و اندوه باشد و کاسه بن سیرین رحمت الله علیه گوید کاسه در خواب مال و بزرگی بود و اگر بیند که کاسه سفید و پاکیزه
و دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یابد و اگر بیند که کاسه وی در آب بزیان رفت یا بسوخت دلیل که بقدر آن از بزرگی و مال و نقصان
شود و کاسه فی رحمت الله علیه گوید کاسه در خواب علم و دانش بود اگر خد و نخواست پارسا بود و اگر بیند که کاسه بسیار داشت دلیل که در فضل
علم شهرت یابد و اگر خد و نخواست مفسد و جاهل بود تا و میشن بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کاسه در خواب بر چهار

بود یکی زن دوم بزرگی سوم دولت چهارم مکر و حیلت کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید که فور در خواب لیل بر نفس پاک است
 بود در راه حق اگر بیند که کا فور سیاحت و از آن بوی ناخوش می آید لیل کشیدنی کند با کسی و از آن منت بدارد و اگر بیند که اندکی کا فور یا
 لیل که نشانیش روی بیاورد و اگر کا فور بسیار یافت دلیل که مال و منفعت بسیار یا به جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کا فور در خواب
 بر سخت وجه بود یکی مرد عالم دوم زن سوم دوست چهارم کنیزک خبری بچشم مال بسیار ششم شای و فرین و سخنهای خوب و شتم رکن
 نفس کا فور سبب غم نماند که شکوه او زود بود و از وی بوی کا فور آید و اگر بیند که در زمین او رسته بود دلیل که مدح و ستای او در دنیا
 مجموع مردم باشد و اگر بیند که کا فور سبب غم از جانی بر کند دلیل که از آن موضع شای او منقطع شود و اگر بیند که کا فور سبب غم میجوید دلیل که او را
 غم و اندوه رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کا فور سبب غم در خواب بود و غشش بر چشمه بود یکی شای و فرین دوم نفع از آن سوم غم
 لطیف شنیدن و گفتن کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کا فور شده است دلیل که او را بخت کفر میل باشد اگر بیند
 که گریه شد و آتش بر سرشید دلیل که نجات او از تعالی حاصلی شود و اگر بیند که آتش نوز و شعاع نداشت دلیل که مال حرام جوید و دین خود را مال
 حرام بفروشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کا فور خواب بر سرته وجه بود یکی میل کفر داشتن دوم صحبت با مردم و داشتن و با بچه ها و
 داشت و خواست کردن سوم خدا ن خداوند تبارک و تعالی بروی کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کا فور چنان
 دراز شد که کلهی از درازی او بسته شد دلیل که بدینا حریف بود و در غایت کند که کافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کا فور بالا می آید
 بر سرین لب بود دلیل که کار با بوی بسته گردد و اگر بیند که کا فور دراز شده بود و بر برید و بیدار شد دلیل که ترک حرص و از گدازد و بر
 را غایت نکند کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید که کا فور خواب جمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که کا فور میجوید دلیل که بقدر
 ریح و اندوه بوی رسد و اگر کا فور کسی داده او میجوید دلیل که نکلس از وی رنجور دل کرد و غم و اندوهش کمتر بود جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید که کا فور خورون بر سرته وجه بود یکی غم و اندوه دوم حضرت سیوم خصوصت و گفتگوی کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید
 کا فور خواب مال و نعمت بسیار بود و خاصه که کا فور گندم باشد و اگر بیند که کا فور بسیار داشت و در خانه میخیزد دلیل که مال و نعمت
 بسیار حاصل کند و اگر بیند که کا فور بود آنچه گفته ام که از آن باشد که کافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کا فورانی رفت و اندک مال است
 دلیل که توانگر شود و مراد و جهانی یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آتش در کا فوران افتاد و کا فوران سوخت دلیل که پاد
 و ارم صادر کند و مال و خوشه از وی بستاند و اگر بیند که چهار پانی کا فور میجوید دلیل که بجهد مال خود تلف کند جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید دیدن کا فور خواب بر سرته وجه بود یکی مال حلال دوم کسب محبت سیوم کام دل و شادی کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید
 اگر کسی بخواب بیند که کا فور شیرین بوقت خود میجوید دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کا فور میجوید دلیل که حضرت و زبان بیند
 و اگر بیند که کا فور میجوید دلیل که با کسی گفتگوی کند کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کا فور میجوید دلیل که
 و خوشه یا بد اگر بیند که کا فور بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند و اگر بیند که کا فور بر سر بخت دلیل که او را فقر
 رسد که کافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کا فور بود دلیل که مالی اندک یا بد و خیر و نفع در او اندک باشد کا فور و انیا علی السلام

اگر کسی بخواب بیند که بر کاوش نشسته بود و کاوازان او بود و دلیل که از پادشاه عمل گیرد و نفع بسیار از وی بیاید خاصه چون کاوشگاه
 باشد و اگر کاوش نبرد و بیند دلیل که بیاید بود و اگر بیند که کاوشی نرازد در خانه وی و دلیل که حقیقتی در خیر و روزی بروی کشاید
 لیکن اندویش سپری نگردد و اگر بیند که کاوان نر بسیار داشت دلیل که غلامان بسیار زیر دست وی شوند و او در کار ایشان
 کند و اگر بیند که کاوشی نرازد و بسرو نبرد و از ترسش بیرون برود دلیل که از غلامان او را محضرت رسد و او خود را مغرول گرداند
 و اگر بیند که کاوشی نرازد و بسرو نبرد و ترسش موضع سر بود دلیل که بعد و بر سرونی غلامش کیسای عمل می کند و اگر در اندامی از اندامها
 وی افزون بیند دلیل که عمل او افزون شود و اگر نقصان بیند تا ویش بخلاف این بود که تانی رحمة الله علیه گوید که اگر
 در خواب عمل بود و پوست او میراثش عامل بود و قوم کاوش و خرید و فروخت نیز عامل بود و اگر بیند که دنبال کاوش نر و سر
 و آمد دلیل که مال بسیار یا بد روزی او فرج شود و اگر در کوچه خویش کاوان بسیار بیند دلیل که مکر گردد و در کار او خیر
 و برکت پدید آید و اگر کاوشی نرازد و بسرو نبرد و بیند که اگر بیند خواب صاحب عمل بود و دلیل که مغرول گردد و اگر
 باز کاوان بود دلیل که زیانکند و اگر پادشاه بود از ملک برفتد و اگر بیند که کاوش نر و بسرو نبرد و بیند دلیل که کسی بروی سر
 و بزرگی کند و در غل وی کوشد و مقرر رحمة الله علیه گوید که اگر بیند که کاوان از میان کاوان بکشد و قسمت کرد و کاوان
 عامل بود و دلیل که مردی بزرگ از ان که چه بکشد و اگر بیند که کاوان بکشد و کوشد و بجزد و دلیل که خداوند کاوان را پاک کند
 و مالش بستاند و اگر بیند که کاوشی بکشد که نه کاوان بود و دلیل که مردم محشم در آن موضع میرند و اگر کاوان بسیار نر و ما و محشم
 بیند که در آن موضع آمد و شد میکند و دلیل که مردم آن موضع در آن سال بیماری کشند چون لاغر باشند و اگر کاوش نر باشد ویش فرج
 و از انی بود و اگر بیند که کاوان زمین را بیشکافند و دلیل که او را مالی بی اندازد بدست آید و اسمعیل شعث رحمة الله علیه گوید که اگر
 که با کاوش بکشد و دلیل که او را با معتری جنگ افتد این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب سال بود و اگر ماده کاوش بیند دلیل که در
 آن سال فراخی و غنیست و اگر ماده کاوش لاغر باشد تا ویش بخلاف این بود و گوشت ماده کاوش و فراخی در آن سال بود و پوست وی
 ذخیره باشد و اگر بیند که ماده کاوش سید و شریف و شیر میخورد و دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بنده بیند از او در کار ویش بیند و اگر
 گروهی از او بیند از مردم بی نیاز شود و اگر از خدای بیند عزیز گردد و اگر بیند که ماده کاوان آهسته بود و دلیل که بر امید واری بود و حقا سحر رحمة الله علیه
 گوید که اگر بیند که گوشت کاوش نر بخورد و دلیل که در آن سال زنی تو را گریزی کند و اگر بیند که ماده کاوشی بدو رشید از ان شیر میخورد و دلیل که مال بسیار جمع کند
 از آن چیزی بخورد و اگر بیند که ماده کاوشی با وی سخن گفت دلیل که پیش روی فراخ گردد و اگر بیند که ماده کاوشی پیش روی بسیار بود و اگر بیند که ماده
 از وی بگرداند و دلیل که آن سال وی بد باشد و اگر بیند که ماده کاوشی نشسته بود و بیند دلیل که حال بروی متغیر گردد و اگر بیند که ماده کاوشی بکشد و دلیل که در آن سال
 خصومت کند و اگر بیند که ماده کاوان زمین را بکشد و دلیل که در آن سال ان نعمت بود و اگر بیند که ماده کاوان بر دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند
 ماده کاوان کاوش نر و او را در دلیل که ماده کاوان باید و میخورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بیند ماده کاوش نر و از سبب شستن
 یکی فرمان دومی دوم مال سوم بزرگی چهارم ریاست پنجم نیکی ششم سال نیکی و خوشی که تانی رحمة الله علیه گوید که در شش و شصت

مردی ترا نگریو و با مال بسیار اگر بیند که در شکارگاه و شش گرفت دلیل که بقدر آن مال نعمت یا بد اگر بیند که دوگاه و شش با یکدیگر
 جنگ میکرد و دلیل که دو خان با هم جنگ کند و ماد و گاو و شش بنادیل زن بود و اگر بیند که گوشه ماده گاو و شش میخور و دلیل که آن
 جسته نام مال حاصل کند و اگر بیند که بچه گاو و شش گرفت دلیل که در فرزند می آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گاو و شش
 میخور و دلیل ثبوت و دولت یا بد اگر بیند که گاو و شش ششهای بسیار داشت و دلیل که بهر شاشی او را و و شش و قوی بود و گاو و شش
 این سیرین که گوید که گاو و شش در خواب فروزی یا قدر بود که از بد و هم منفعت رسد خاصه چون طبع بود که گاو و شش که با سیرین
 آن در خواب نیکو بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که شکوفه گاو و شش از دخت بکند و بشود بر او دلیل که او را طلاق دهد و اگر
 بیند که شکوفه گاو و شش کند و بخلام داد و دلیل که غلام بگریزد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر گاو و شش در وقت خویش بر دخت بیند و دلیل که او را
 فرزندی آید و اگر بوقت بیند بد باشد و اگر بپرده بیند فرزندش بیمار شود و اگر فرزند بد و مخمک شود و باشد که او را زبان رسد و فرزند
 از انواع نداشت و بگسای وی درشت باشد این سیرین رحمة الله علیه گوید خورون گاو و زبان در خواب جنگ و خصومت بود و خورد
 و دیدن آن خیر نبود و گوشت بچته این سیرین رحمة الله علیه گوید گوشت بچته در خواب بهتر از گوشت کباب بود و اگر بیند که کباب از گوشت
 گوشت میخور و دلیل که بقدر آن مال بچ و سختی بدست آورد و اگر کباب گوشت گاو بود و دلیل که از ترس و بیمین گردد و اگر کباب
 از گوشت میخور و دلیل که از مردی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که از گوشت چهار پای دشتی کباب میخور و دلیل که او را منفعت خیر
 از بزرگان بیای برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید گوشت کباب و بیدان در خواب دلیل بر منفعت کند که بزرگ این سیرین رحمة الله
 علیه گوید اگر بیند که بر جمع میگرد و دلیل که اندوختن شود خاصه که بهنگام خود بود و اگر بیند که بر میخور و دلیل که غم و اندوهش صعبتر شود
 و در خوردن که هیچ منفعت نبود که بزرگ شدن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر شد و دلیل که خوشگوار دنیا بود
 نه طالب آخرت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر شد و در کشت جای گرفت دلیل که صحبت با اهل بدعت و بدوینان دارد
 و تابع اهل فساد و هرهای نفس باشد و اگر بیند که از گری پشیمان شده و مسلمان شد و دلیل که توبه از گناه کند و بخداستعالی باز گردد
 و کار خیر مشغول شود که کشت این سیرین رحمة الله علیه گوید یکت در خواب زنی خبری بود و یا کثیرت با حال اگر بیند که کبکی یا کثرت
 و دلیل که زن خواهد و اگر بیند که کبکی یا بد و بخشید و دلیل که از بهروی زنی خبری بود و یا کثیرت با حال اگر بیند که کبکی یا کثرت
 خوب بدست آورد و اگر بیند که گوشت کبک میخور و دلیل که او را لباس فو حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلوئی کبکی
 و دلیل که دو شیرین کثیرت بزرگ مغربی رحمة الله علیه گوید کبک ز سر باشد و کبک ماده زن و کثیرت ناموافق و اگر بیند که کبک
 از دست وی برید و دلیل که زنا طلاق دهد و یا کثیرت بزرگ و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کبک در خواب بر چهار وجه بود یکی
 پس و دو وجه دست سوم از چهارم کامر و دل و مراد کبوتر این سیرین رحمة الله علیه گوید که بجز در خواب زن بود یا کبک یا کثرت
 بیند که کبوتر گرفت و دلیل که زن خواهد و او را دخت آید و اگر بیند که کبوتر بسیار گرفت و دلیل که بعد و کبوتر زنان خواهد یا کثیرت بزرگ و اگر بیند
 که گوشت کبوتر میخور و دلیل که از مال زنان خواهد یا بد و اگر بیند که کبوتر بچکان گرفت و دلیل که از زنان منفعت یابد و بعضی متبران گویند

و اگر بیند که کبوتر گرفت و دلیل که از مال زنان خواهد یا بد و اگر بیند که کبوتر بچکان گرفت و دلیل که از زنان منفعت یابد و بعضی متبران گویند

که کبوتر بجهت غم و اندوه و انداختن زنی که بوی سدر کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بید که کبوتر بسیار در خانه او بود و دلیل که او را
 نوزدان بسیار شدند و نیز گرسنگی او را مال بسیار از جهت زنان حاصل شود و مغربی رحمة الله علیه گوید که بکوتر در خواب زنان آنرا بوزن بید
 که کبوتر گرسنگی بجهت بگرفت دلیل که بقدر آن مال بکوت و حلیت حاصل کند و اگر بید که کبوتر از خواب پیش روی آمد و مطیع وی شد دلیل
 از جانی که امید ندارد بدو منفعت رسد و اگر بید که کبوتر بر اطعام او دلیل که زنی را سخن بقیین کند و اگر بید که کبوتر از خواب بسیار جسته
 و دانست که لک است و دلیل بر ریاست و سروری کند و بهترین کبوتر از خواب آن باشد که سفید بود و اگر سفید خام باشد
 و خداوند خواب زن باشد دلیل که شوهری کند یا او را دختر می زاید و کبوتر بازی و خواب کار باطل بود و نیز گویند که کبوتر خانه و خوا
 جایی زمان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کبوتر در خواب بر سر و بر روی زن و دم کینک سوم مال چهارم نامه غائب
 پنجم ریاست و معتبران گویند که کبوتر در خواب هر کبوتری در دم بود که بیابان بختاب خواندن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
 بخواب بید که کتاب تفسیر بخواند دلیل که در راه دین و زهد بگذرد و کارهای بسته بزی کثرت و اگر بید که کتاب غنیه میخواند دلیل
 از کارهای فکرونی باز ایستد و اگر بید که کتاب اخبار میخواند دلیل که نزد پادشاه صاحب داری شود و اگر بید که کتاب اصول میخواند دلیل
 بکاری مشغول شود و منفعت پنج حاصل کند و اگر بید که کتاب توحید میخواند دلیل که بعلیه مشغول شود که در آن فایده دینی باشد
 و اگر بید که کتاب فضائل میخواند و تبلیغ و تبلیغ میخواند دلیل که بر زبان وی سخن خیر و صلاح رود و اگر بید که کتاب قصص میخواند دلیل
 بر سخن اولیا و انبیاء حریص بود و اگر بید که کتاب نجوم میخواند دلیل که صلاح اجتماعی او را حاصل شود و اگر بید که کتاب نجوم و ادب میخواند
 دلیل که بشغل دنیا مشغول گردد و مردم او را شکر و ثنا گویند و اگر بید که کتاب مسائل میخواند دلیل که بصلاح که خدای مشغول گردد و اگر بید
 که کتاب طبایع میخواند دلیل که در طلب چیزها و بشناختن چیزها مشغول گردد و اگر بید که کتاب شعر میخواند اگر غزل و دوح بود دلیل که بکار
 مشغول شود که مردم او را طاعت کنند و اگر گفت و توحید میخواند دلیل که نیک باشد و اگر بید که کتاب تفسیر میخواند دلیل که بجهت نبی
 بر جبری منت نهند و از وی چیزی یابد و اگر بید که کتاب هدایه میخواند دلیل که بعمل مشغول شود که مردم او را امانت دهند و لیکن این
 سود ندارد و اگر بید که کتاب صاحب و تفسیر میخواند دلیل که بضر و دوزخ آن منفعت یابد و اگر بید که کتاب صاحب میخواند دلیل
 چهارده و لیکن بود و اگر بید که کتاب مضاحک و فسانه میخواند دلیل که کاری کند که از آن زشت نباشد اگر بید که کتاب جو و عیب میخواند
 دلیل که عیب مردمان کند و در میان مردمان بدنام گردد و کتمان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کتان در خواب مال حلال بود و بقدر
 آنکه دیده باشد و منفعت کمتر از پنبه باشد چنانکه در حرف جیم یا کو و نیم جامه کتان در خواب مبارک بود و اگر بید که تخم کتان بخورد
 دلیل که مال تمام حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کتان در خواب بر سر و وجه بود یکی مال حلال و دم منفعت سوم
 گفت در خواب ببتگی مرد و جمال وی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که گفت وی درست بود و دلیل بر زیانی مال و جمال
 و اگر گفت شکسته و ضعیف بید تا ویش بخلاف این بود که کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر گفت بر سر و دست و قوی بید امانت گذارد
 ضعیف بید امانت گذارد و اگر گفت قوی بید امانت گذارد و اگر گفت در دست و قوی بید امانت گذارد و اگر گفت در دست و قوی بید امانت گذارد

یک بنده دلیل که امانت بگذارد و بعضی متجران گویند اگر بنده یک رکعت سومی داشت از جانی که خبر ندارد مال یا بد کثیر این سیرین رحمت
 علیه گوید اگر بنده که کثیر داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن فضل از روی پخیل بوی رسد و اگر بنده که کثیر بخورد و دلیل که مال یا
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کثیر در خواب بر سر و جبهه بود یکی فصله مال هر دم دو دم نفع اندک سوم کاری بود که اندک منفعت
 خواب برسد هیچ این سیرین رحمت الله علیه گوید که در خواب جنگ و خصومت بود اگر بنده که در خواب جنگ و خصومت
 و اگر بنده که کسی داد تا و پیش بخلاف این بود که مانی رحمت الله علیه گوید که در خواب سختی باشد و هر بنده که از آنج که دست بنده چیده
 زیرا که همه با تش نخته اند و اگر بنده که میخورد و دلیل که هم ملاک او بود کمال هر که کمال را بخواب بنده دلیل بر صلاح کار گذشتها کند
 و راه نمودن بجای می که در آن گمراه باشند و اگر بنده که کمال میگرد و داری او چشمها نافع بود و دلیل که معلق بر راه صلاح خواند و اگر
 راه نماید و مردم را از وی منفعت حاصل شود مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بنده که کمال میگرد و دلیل که دوستانی که از هم جدا باشند جمع کند
 و میان مردم صلاح دهد و اگر دانه وی می نافع نبود و پیش بخلاف این بود که مانی کرد و این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی
 بخواب بنده که گدائی میگرد و منفعت بسیار رسد و با هر کس زندگانی بملطف کند و اگر مردم او را مسخر
 و اگر بنده که از دو چیز میخواست و کسی او را چیزی نداد و دلیل که کار بروی بسته گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر کسی
 خواب بر چهار وجه بود یکی خیرات دوم منفعت سوم معیشت چهارم عز و جاه که و این سیرین رحمت الله علیه گوید که در وقت خود اگر کسی بخواب
 بنده که در خانه او درخت که بود و دلیل که جاه و رفعتش افزون شود و اگر سیاه بنده شفا یابد و اگر بنده جبینا زد و اگر کافور بنده
 گردد و اگر مسلمان بنده سلامت بطن خود برسد و اگر فاسق بنده توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنده که دینی داشت
 و دلیل که از زنی یا پارسا منفعت یابد و اگر بنده که درخت که و از بن بر کند دلیل که از زنی بزرگ منفعت یابد و اگر بنده که که دینی نخته
 میخورد و دلیل که حاجتش روا گردد و توفیق طاعت یابد مغربی رحمت الله علیه گوید که در خواب بر سر و جبهه بود یکی عز و جاه دوم
 و مال سوم نظام کار را که این سیرین رحمت الله علیه گوید که در خواب مال و خواسته بود اگر کسی بخواب بنده که بر تن وی که پدید آمد و او را اندک
 خارش میگرد و در کریم بود دلیل که مال برنج و سختی حاصل کند مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بنده که داشت و جمله از تن وی فرو
 و ناپدید شد و دلیل که مال محکوم و او تلف شود و بعضی متجران گویند که اگر اندام وی تیره و سیاه بود و دلیل بر تالی که جمع کند از هر
 که با سوز جانور است دیدن وی در خواب مردی بود که در میان خلق و مردم فساد اندازد و این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی
 بنده که که با سوز بگرفت و دلیل که مردی بزرگ بخوابش نزدیک کند و اگر بنده که که با سوز بگرفت و دلیل که آن مفسد از بزرگ بزد
 و اگر بنده که که با سوز بگرفت و دلیل که آن مفسد را حالی تنه شود و اگر بنده که گوشت که با سوز میخورد و دلیل که بقدر آن مال حرام از وی
 مفسد خورد که همه این سیرین رحمت الله علیه گوید که در خواب درو مفسد بود اگر کسی بخواب بنده که که بر معروف بخاند و او را دلیل
 که در دینی معروف بخاند و او را بد و اگر که مجهول بود و دزدی بیگانه بود و اگر بنده که از خانه چیزی میخورد و یا بر و دلیل که در دین
 می چیزی برود و اگر بنده که که را کشت دلیل که در دین کینه مانی رحمت الله علیه گوید اگر بنده که گوشت بخورد و دوست از او بسته

در خواب

اولین که بقدر آن مال دزدی او را حاصل شود و اگر بیند که با گریه جنگ میکند و گریه او را بخارشد و دلیل که بیمار شود و اگر گریه را قهر کند
که از بیماری شفا یابد و اگر گریه او را بگریزد دلیل که بیماری بروی دراز گردد و بعضی از معتبران که بیند که بتاویل خادم بود و انبیا علیهم السلام
گویند کسی نباشد که گریه بخواب بیند بعد از صبح الا شش روز بیمار شود و اگر بنده بخواب بیند که گریه بدو شدید و شیروی بخورد
و دلیل که آزاد گردد و از آن خانه که آزادی یافته باشد زنی را برنی کند و اگر آزادی بیند که شیر گریه بخورد و دلیل که او را با کسی خصوصت
افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گریه در خواب بر مہمت وجه بود یکی در دوم غماز سوم خادم چهارم بیمار
پنجم زنی مشفق ششم حسود و مہتمم جنگ خصوصت که تہ جائزہ کوتاہ باشد که مردم از او قطع خوانند و پوشیدن آن در خواب
قوت و سفر بود و اگر تہ وی سفر بود از مردی پناہ و قوت یا بدین سیرین رحمتہ الله علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند که کر تہ سستی
بود و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بیند که کر تہ زرد پوشیده بود و دلیل بر بیماری بود و اگر بیند که کر تہ کبود پوشیده بود
و دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سرخ بود و دلیل که بعشرت نیامشغول گردد و کرمانی رحمتہ الله علیہ گوید اگر بیند که کر تہ
ابریشمن پوشیده بود و دلیل که از مردی بزرگو ار شرف و بزرگی یابد اما در دین ضعیف بود و اگر خنیک کر تہ بیخست
یا ضایع شد و دلیل که در پناہ و قولش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید پوشیدن کر تہ در خواب بر چہا
وجه بود یکی قوت و دوم پناہ سوم سفر چهارم نظام کار با گریه و این سیرین رحمتہ الله علیہ گوید اگر بیند که کر تہ خنیک
ملک او بود و نشست دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود و اگر بیند که میان آسمان زمین گرد جمع شده بود و دلیل که کار
پوشیده در آن موضع بود که از آن چگونه سیرین آید کرمانی رحمتہ الله علیہ گوید اگر بیند که روی او را کوه بود و دلیل که او را
برنج و عقوبت رسد و اگر بیند که گرد و خاک بر زمین که ملک او بود نشست و دلیل که بقدر آن مال و خوشه است یا جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که در خواب دیدن برستہ وجه بود یکی مال و دوم بلا و فقہ سوم عقوبت و تقالی گردن و انبیا علیهم السلام
گوید گردن در خواب جایگاه امانت و جای دین بود و اگر بیند که گردن آن سبقر شد و دلیل که او را قوت و امانت گذاردن
و صلاح دین و نگاہ شهنش دیانت بود و اگر بیند که گردن او کوتاہ و ضعیف بود و دلیل که در امانت گذاردن عاجز بود
و اگر بیند که ماری در گردن وی حلقہ شده بود و دلیل که زکوٰۃ مال ندہد و قولہ تعالی سیطو قون ما یخلوا بہ یومہ
القیہ اگر بر گردن خود گردانی بیند بی آنکہ چیزی برگردن داشته باشد و دلیل که بیمار شود و اگر باری برگردن خود بیند
و هیچ گردانی پیدا نبود و دلیل بر درستی دین و دوزاری عمر وی بود کرمانی رحمتہ الله علیہ گوید اگر بیند که گردن وی سبقر و قوی
شد و دلیل که امانت نیکو گذارد و کارش قوی گردد و اگر گردن خود را زمیند و دلیل که امانت گردن وی ویرانند
و از گواہی دادن خود باز بماند و اگر گردن خود کوتاہ بیند و دلیل که امانت از گردن خود زود و ور کند و اگر گردن خود بسیار
بیند و دلیل که در امانت خیانت کند و اگر گردن خود شکستہ بیند و دلیل که از برادر خود باز ماند و در دین وی خلل افتد زیرا کہ اما
بزرگتر از دین نیست و اگر گردن خود را کوتاہ بیند و دلیل که در امانت خیانت کند و اگر برگردن خود رموی بیند و دلیل که او را

در خواب

از جهت امانت گذاری و امانی یافتن و اگر سومی از کردن خود بستر و دلیل که و امش گذارده شود و اگر گوشت از کردن برید و پدید
 دلیل که مال کسی با وی بود و ضایع شود و اگر کردن خود را کوه بنید و دلیل که مالی در پیش وی نهاده باشد خیانت کند مغربی رحمة
 الله علیه گوید اگر بیند که گوشت کردن وی بخورد تا و طیش بخلاف این بود اگر بیند که برگردن کسی نشسته بود و دلیل که بر دشمن
 ظفر یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کردن در خواب برنج و جود بود یکی امانت دوم توانائی سوم خیانت چهارم
 و ام تخم پیازی کردن بند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کردن بند از مر و اید سفید داشت و دلیل که سحر بجا
 و تعالی عزوجل او را علم و کلام خود روزی گرداند و هر چند که چه برگردن و تیر بود و علم و دانش او بیشتر بود و کراماتی رحمة الله
 علیه گوید اگر بیند که کردن بند وی از زرد بود یا از سیم وضع بگوید برای گرانمایه دلیل که بعد از آن شرف و بزرگی باید و باشد که
 امانتی در گردن گیرد و اگر کردن بند او دراز شد و دلیل که امانت بگذارد و اگر کوتا بود تا و طیش بخلاف این بود مغربی رحمة الله
 علیه گوید اگر بیند که کردن بند خود بجا هر وضع کرده بود با هر صیغه در کردن داشت دلیل که جاه و ولایت یابد و اگر کردن
 بند وی دراز بود و دلیل که منزلت یابد و اگر کوتا بود تا و طیش بخلاف این بود و اگر بیند که کردن بند های بسیار داشت
 دلیل که در علم بسیار کامل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کردن بند زترین در خواب بر شش وجه بود یکی
 حج دوم ولایت سوم جنگ و خصومت چهارم امانت پنجم معالجت ششم کینه و هفتم او گوید کردن بند زترین حج باشد
 و از آن سیرین کینه کردن کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را کردن زنده سرش از تن جدا شد اگر بیند
 بود و دلیل که از او شود و اگر بسیار بود شفا یابد و اگر و ام و امش گذارده شود و اگر خوف دارد و امین گردد و اگر کار و مصلحت
 شود و اگر بوقت کردن زدن سرش از تن جدا شد تا و طیش بخلاف این بود و اگر آنکس که کردن زدن محروف باشد بخیر ناکه
 گفته شد از کردن زنده بد رسد و اگر کردن زنده کوک و نابالغ بود و دلیل که اگر بسیار بود و بگوید کرامتی رحمة الله علیه گوید اگر آنکس
 کردن او زدن دست است و از او توانگر بود و دلیل که از نیک بختی به بد حالی افتد و مال و تنش نماند و در ویش شود و سحر
 کار با پاک شود علی الحکمه کردن زدن در خواب هر روز و ایشان و خداوندان محبت را نیک باشد و مرگ و انکاران و خداوند
 نعمت را بد باشد کرده و خواب این همان کرده باشد که بیاید و خرج کند اگر بیند که کرده پخته یا بریان کرده بسیار داشت
 و دلیل که بعد از آن مال نهان کرده بیاید و اگر کرده از جاذبه که گوشت و حلال بود و داشت و دلیل که یا فتنه حلال بود و اگر
 از جاذبه که گوشت و حرام باشد و دلیل که مال حرم بود کرامتی رحمة الله علیه گوید کرده یا فتنه در خواب مال نهان کرده
 بعضی متجران گویند که کرده در خواب فرزند بود بسبب آنکه مایه فرزند منی است و از او بدو می آید اسمعیل اشعث رحمة الله
 علیه گوید اگر بیند که کرده اسب داشت و پخته می خورد و دلیل که از روی بزرگوار مال یابد و اگر بیند که کرده گاوداشت و دلیل که
 در آن سال مال بغایت حاصل کند و اگر کرده کوسپند داشت و دلیل که در آن سال مال نعمت حلال یابد و قبل ششم اگر بیند که
 کرده های خام می خورد و دلیل که مال حرام یابد و اگر کرده های بخور و آنچه ختم کرده و درون این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند

در خواب

در خواب

در خواب

نسخه

نسخه

نسخه

نسخه

نسخه

برگردون نشسته بود و گردون نیک نیرفت دلیل که شرف و بزرگی باید و اگر بیند که گردون بی کاوان ایستاده بود و او در گردون
 دلیل که در پنج و هفتی و چهارمی افتد و اگر بیند که پادشاه از گرد و نهامی خود گردونی بدو او دلیل که از پادشاه منزلت و بزرگی باید
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردون در خواب دلیل بر شرف و جبه بود یکی ولایت دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم
 بزرگی پنجم بصیبت ششم فقری هفتم رفعت هشتم آسای دگر کار اگر سنگی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر سنگی در خواب بترازی
 بود و سیری آب بتراشنگی بود و اگر بیند که گرسنه شده بود و چیزی نداشت که بخورد و دلیل که حرص و آرزوی در مال دنیا کمتر باشد
 مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرسنه بود و دلیل که بقدر گرسنگی او مصیبت بود و اگر بیند که گرسنه بود و چیزی خورد و سیر شد
 دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد و بطعم شیرین و خوش بود و دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود دلیل که بر توبه
 ثابت قدم نماند و توبه بشکند و بر مصیبت رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر سنگی در خواب بر چهار وجه بود یکی حضرت دوم
 حرص و آرزو سوم مصیبت و گناه چهارم طمع داشتن بر دم کرسی این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کرسی بخواب علم است
 و از راه فقر و چین و اجب کند که ایزد تبارک و تعالی اجل و علا در کلام قدیم بیان فرموده است و سح که سیه التهمات
 و الا وض این عباس رضی الله عنه گوید وسیع یعنی علم و ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه گوید کرسی عاظم و قدرت خداست تعالی
 و بعضی از متبرکان گویند تاویل کرسی آن بود که کامل و عاقل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهد یا کفر
 کمال دارد و یا پادشاهی عادل و پرمیزگار و اخوانی و از چنانکه در اخبار آمده است دلیل که اهل دین و علما را نیک بود و بیند که از
 از سلطان عادل خیر و نیکی بیند و مالش زیاده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرسی در خواب بر شش وجه بود یکی عدل
 دوم انصاف سوم عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر کسی بیند که بر آسمان کرسی نشسته بود دلیل که کار او
 بالا گیرد و قدر و مرتبت و جاه و بد و بهمه مراد و برسد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرّم شود و عدل و انصاف در میان خلق
 پیدا شود و اگر این کرسی که در گردن بیند از در خواب بیند دلیل که زن باشد و اگر بیند که کرسی بزرگ و پاکیزه باشد و برت
 دلیل که زن خواهد و از آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که بر کرسی بنشیند دلیل که دختری و دوشیزه بخواند و اگر بیند که در زیر
 بروی کرسی بنشیند دلیل که زن وی همیرد و اگر بیند که کرسی وی که چاکت و کند و دلیل که زن وی در ویش و حقیر و در مانده بود
 و اگر بیند که کرسی در پشت آید بر نشست دلیل که از بهر خدمت کردن زنی بخانه آورد و کرفس این سیرین گوید اگر کسی بخوابد
 که کرفس بخارد و بوقت خود بود دلیل که غمگین شود و بعضی از متبرکان گویند که چیزی کرده خورد و اگر بیند که کرفس داشت آن
 آنچه گفتیم که بر جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرفس در خواب بر سه وجه بود یکی غم و اندوه دوم خصومت گفتگوی سوم خورد
 چیزی کرده کرفس مرغی بود بقدر که بوتر و تاویل آن برین کنند اگر کرفس در خواب بیند و غریب بود و دلیل که زن کند و اگر کرفس
 خرد و اگر بیند که از دست وی پیریزد دلیل که زنا طلاق دهد و اگر کرفس دارد و بگریزد و اگر بیند که در آن بخت و گوشت او بخورد و دلیل که
 آن میراث زن یا بد که کس این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کس مکرر مرغان بود و قوی و تیز بین و در آن مرغان بود و اگر بیند که

و فرزند

داشت و لیل که از مردی بزرگ منفعت و بزرگی باید و از پادشاه مال و خواسته حاصل کند و اگر سخنان یا بریان گوشت که کس داشت
 همین تاویل دارد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کس را در گرفت و در هوا بر وزد و یک آسمان رسید و لیل که به شهری رسید
 و از آن سفر مال و نعمت بسیار حاصل کند اما دین وی بفساد و بوسه بلبانگ فرو و بکس آسمان بر رفت و اگر بیند که کس را در
 از هوا بر ببرد و بکشد یا خوار و چنگال کس به غیث و لیل که از شرف و بزرگی برفت و کاش خراب شود و اگر بیند که کس را در آسمان
 بر و بجا مقیم ماند و لیل که به سفر رود و در آن سفر ببرد و اگر مقیم نشد و باز بر زمین آمد از پادشاه بزرگی باید و اگر نه از اهل پادشاه بود
 یا از اهل خویشانش خود بزرگی باید و اگر کس بی چنگال در خواب بدیدن فرشته بود و نیز که فرشته گن حمله العرش بصورت کرک
 و اگر بیند که کس بی بالایی سروی شکار میکرد و لیل که بیند خواب بازگانی کند و اگر بیند که با کس جنگ میکرد و او بر کس
 غالب شد و لیل که به مردی بزرگ خصومت کند و بروی غالب شود و اگر بخلاف این بیند و لیل که دشمنی او را قهر کند و اگر در خواب
 بچرخ کس بیند اگر زن دارد و لیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد و لیل که دشمنی او و شیرازه بزرگ کند و اگر بیند که کس بی
 نشسته بود و لیل که او را برادر کند و آنال علیه السلام گوید اگر بیند که در آن کوچه کس فرو آمد و لیل که پادشاهی بهمان کوچه فرو
 آید و اگر بیند که در آن کوچه کس را بکشند و لیل که پادشاه آید یا بر مغزول گردد یا هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 کس در خواب بر شش وجه بود یکی بزرگی و دوم فرمان روائی سوم ریاست چهارم شاد و ستایش پنجم مرتبت ششم امر و
 کردن کرک این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کس در خواب پادشاه دروغ زن سنگر بود و اگر بیند که با کس جنگ و بهر سبب
 که او را با پادشاه یا کسی دشمنی بود و خصومت کند و اگر بیند که شیر کرک میخورد و لیل که ترس و بیم رسد یا کاری از وی انگیشت
 و اگر بیند که گوشت کرک میخورد و لیل که از پادشاه سنگر بقدر آن مال باید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرک را بکشد و لیل
 که اهل اسلام از وی روی بگردانند و روی هیچ خیر نباشد و بعضی گویند دشمن را قهر کند و اگر بیند که سر کرک بیافت یا کسی بپزد
 و لیل که شرف بزرگی یا به بقدر وی و اگر بیند که کرک در خانه وی درآمد و زیانی انداخت و لیل که او را از پادشاهی محضرت رسید
 و اگر بیند که زیانی نکرد و لیل که پادشاه همچنان او آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرک در بستر و کمین کرد و لیل که پادشاه اقبال
 وی ضا و کس جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرک در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه عالم دوم زن دروغ زن سوم
 مخالف ضعیف حق کرک ده باشد که رایج سیرین رحمة الله علیه گوید که با به در خواب غم و اندوه بود و خوشنشین شاد و خوشی بود و آب گرم نیک
 و آب سخت گرم بد باشد و اگر بیند که در کبابه رفت غسل کرد و خود را پاک داشت و لیل که از بخت و فکر رستگاری باید و اگر بیند که در کبابه رفت
 خود را نشست و لیل غم و اندوه بود که بدل وی رسد بسبب آن که کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کبابه رفت و آب گشت بخورد و لیل که خود را پاک داشت
 دارد و این شود و اگر غلغله بود و پادشاه بود و اگر پادشاه بود و اگر و ام دارد و امش گذاره شود و اگر بیند که تو اگر هست ازین
 چیز که گفتیم خالی ماند نیز در مالش نقصان شود و اگر بیند که آب بخورد و لیل که کارش تمام نگردد و مغربی رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر بیند که بکر یا به رفت و دست و روی و سروتن را بست و بیرون آمد و لیل که از غم بیرون آید و اگر بیند که در کوچه یا

و فرزند

و فرزند

از خواب

از خواب

از خواب

از خواب

از خواب

از خواب

خانه که بایه بود و دلیل که در مقام زنی روی پدید آید و اگر بیند که بکر بایه شد بی آنکه بشنود محتاج بود و دلیل که غمگین و وام وار شود و اگر
بیند که در بکر بایه جامه او و زود بر دو او برین نه باند دلیل که بسبب کاری غمگین و بر او شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر
در خواب بر شش و جبهه بود یکی زن دوم غم و اندوه سوم دین چهارم نا کاری پنجم دوست ششم وام و بکر بایه بان تا و زن
بود و بعضی معتقدان گویند که خدای سرای بود که زانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که بکر بایه بانی میگرد و بود و دلیل که زن چشم خواهد بود
زن مشغول شود و اگر زن بود و دلیل که ششوی بدین صفت کند که مان این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کرمان بسیار
در شکم وی شدند و طعام و در شکم میخورد و دلیل که عیالان دیگر از مال دیگری خواهد و اگر بیند که کرمان در از تنش می افتادند و نیز
بر تن و جامه وی کرمان بسیار بود و دلیل که مان عیال حشمت بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که کرمان از تن خود بر زمین می
افتند و دلیل که عیالان خود را از خود دور کند و تیار نشان نذر و کرمانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که بعضی از اذاعهای
او کرمان خورد و دلیل که عیال از مال وی خوردند و اگر بیند که از کرمان تن ویرا مضرت میرسد و دلیل که او را از عیالان ریخ و مضرت
و اگر بیند که از سوراخ بینی یا از گوش یا از دین و یا از مقعد کرم بیرون می آید دلیل که بقدر آن مالش یا عیالش زیادت شود و اگر بیند
که کرمان از تن وی می افتادند و می مردند و دلیل که عیالان وی بکالت شوند یا از وی جدا گردند و اگر بیند که کرمان بسیار از چوب خانه وی
و غیره بر میریزند و دلیل که بقدر آن مال و خدم و حشم او را حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بین کرمان و خواب
وجه بود یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خواسته که افکندن این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که بر سیمان کوه
و دلیل که از کار یک دور بود و بران میگوید که اگر بیند که بر سیمان باز شود و دلیل که بر آن کار اعتماد نکند و اگر بیند که چیزی محکم است
و که در دلیل که روز کاری و در شغل آنچه بسته باند چنانچه کشون بزودی نتواند اگر آنچه تعلق بدین دارد و یا بیا کرمانی رحمت
علیه گوید بختن کره و خواب دلیل بر بختی کار با کند و هر چند که بخت تر بود و بختی کار او بخت تر بود و اگر بیند که در کشته
نتوانست دلیل که کاری بسته باند که این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که در جانی که راست یا تن خود را بخیر می کند
و دلیل که از کرمان بسیار بر تن خود میترسد که کوه است و اگر بیند که عیال و فرزندان خود کسی که در و دلیل که بروی ستم و سید
کند و اگر بیند که خود را پیش کسی که و نه و دلیل که آنکس مظلوم باشد و باشد که کسی بروی ستم کند که کرمانی رحمت الله علیه گوید اگر
که خود را بگرد و دلیل بر فساد و دین کند کل نفسی یا کسبت و هدینة و اگر بیند که چیزی از متاع دنیا پیش کسی که
و دلیل که با کسی از بهر متاع گفتگو کند و مضرت یا دیگر و به این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که در به داشت و دلیل که غمگین
و متفرق شود و اگر بیند که کوه میخورد و دلیل که با کسی جنگ و خصومت کند و اندوی بوی رسد زیرا که بطعم بخور و ناخوش بود و
بخور و ناخوش باشد در تاویل غم و اندوه بود که بختن این سیرین رحمت الله علیه گوید که بختن و خواب رستگاری بود و
کسی خواب بیند که از دشمن یا از جانوری که زنده میگرد و دلیل که از شر و خوف این گرد و در خصم مظلوم شود زیرا که
علیه السلام در خواب دید که از قرقون علیه السلام میگردید پس از شر فرعون رستگار شد و سر انجام بروی نافرمانی از

گوید اگر بیند که از دشمن پنهان میگریخت چنانکه دشمن او را میدید دلیل که متفرک شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در
 میگریخت دلیل که او را از بزرگی همت رسد قوله تعالی یَوْمَ تَكُونُ الْأَشْجَارُ أَكْثَرُ خَضَّةٍ غَمَامًا وَتُصْعَقُ الْأَشْجَارُ
 که مردمان از زمان میگریختند اگر زمان صلح و پارسا بودند دلیل که بد باشد و اگر مفسد بودند نیک باشد جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید اگر بخفتن در خواب شادی بود چنانکه با نیک مصیبت اندوه بود و اگر خفتن در خواب غم بود و اگر بیدار گشتن بر روی وی
 نشان بود دلیل که بگردار نیک او را طعنه زنند که قاضی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار گشتن در خواب شادی بود و اگر بر سرش از حق سبحانه و تعالی
 اگر در خواب بیدار گشته بر گشت یا در مجلس علم یا در قرائن خواندن و آنچه بدان ماند دلیل که بر کرم باری تعالی باشد که بفضل خود
 بر وی رحمت کند و گنایان وی عفو کند و اگر بیند که میگریست و اشک از چشم وی نمی آید دلیل که ناکردن از کاری گذشته
 حسرت خورد و توبه نکند و اگر از بر مصیبت میگریست که کرده است بی نوحه و زاری دلیل که شادی و خرمی بیند جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید اگر بیند که میگریست و بعد از آن بخندید دلیل که اجلش فرا رسیده باشد قوله تعالی هُوَ أَصْحَابُ الْأَنْجَالِ
 کرمی در خواب در پیشی و بد حالی و فرد بستگی کار ما بود این سیرین رحمه الله علیه گوید کرمی در خواب تپایی بر رخ غم و اندوه
 و کار ما بر روی بسته کرد و در مردوش بر نیاید قوله تعالی حُمِّمْ نَحْمُ نَحْمُ قَهْمُ قَهْمُ کَلِمَاتُ حَقُّونَ کَرَامَاتُ رَحْمَةِ الله علیه گوید کرمی در
 خواب دلیل بر بیداری و بستگی کار ما کند و اگر بیند که گوش وی بشنود دلیل که کار بسته بر وی کشا و ده شود و بعد و کام دل
 و از رحمت تعالی نصیب بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرمی در خواب بر چهار وجه بود یکی در پیشی دوم تپایی بر رخ سوم غم
 و اندوه چهارم بستگی کار ما و نامردی که در خواب بر روی منافق و پیغمبر بود و بعضی از متجربان گویند دیدن که در خواب بر نیاید حلال باشد
 که بی منت خلق بد رسد قوله تعالی وَآتُوا كُنَا حَلِكُمْ الْكَلْبُ وَالشَّوْكَی اگر بیند که از انگبین بسیار و پشت و بخور و کسب نداد و
 که مالی حلال بوی رسد و از آن خیر بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل که از آن مال خیر و راحت بوی رسد اگر از آن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که از انگبین پوشیده بود دلیل که زنی بخوابد و بر دشمنان چیده گردد و اگر از خواب بی بیند دلیل که شوهر
 و از شوهر خیر و نفع بیند جعفر صادق رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از انگبین پوشیده بود دلیل که زنی توافر و پارسا بنی کند و اگر بیند که از
 سبزه پوشیده بود دلیل که از زن مصلح و دیندار بود و اگر بیند که از انگبین سرخ پوشیده بود دلیل که زنی معاش و طرب و دوست بود و اگر
 قرآن سیاه پوشیده بود و بپنجه قاضی یا خطیب بود دلیل که نیک باشد والا بد باشد اگر قرآن نوب و دلیل که از آن خیر و نفع
 بود و اگر قرآن کهنه بود دلیل که از آن پلید و ناجار بود و کثرت این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب شمنی خفیف بود که در میان
 و دوست و دشمن نزد یکسان است اگر کسی بخواب بیند که کثرت او را بگریزد دلیل که دشمن او را سخت گوید و از آن بخور و دل شود و
 بیند که کثرت را بگشت دلیل که بر دشمن ظفر بیاورد و اگر بیند که بعد از گشتن کثرت کثرت زنده شد و با قصد وی کرد و دلیل که بعد از این
 بر دشمن ظفر بیاورد و دیگر باره دشمن قصد او کند و اگر بیند که در دست او کثرت بود و دلیل که او مرد و از آن پارسا بود و اگر بد بود
 مرد و از آن پارسا بود و از دشمن پارسا بود و اگر بیند که کثرت پارسا بود و دلیل که از آن مال دشمن خور و اگر بیند که کثرت مرد

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

و مان نهاد و چون دلیل که دشمن را بخانه دارد و بادی می آید و سخت و خیر کند و اگر بیند که گروم و در درون جامه داشت همین
تاویل دارد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از گروم ترسید و گروم او را بگریزد و دلیل که از دشمن بگریزد و بعضی از متبحران گویند
بازن مجامعت نمواند که کند و اگر بیند که گرومی و بر پیراهن می بود و دلیل که از دشمن باور حضرت رسد و اگر بیند که در شلوار می
گروم بود و دلیل که دشمنی با عیال وی یا با کنیزک وی فساد کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گروم و خواب بر
وجه بود و یکی دشمن دوم حاسد سوم سخن چین گروم خواره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که گروم خواره در خواب است
که در خروستان در میان آب می باشد و دوم بزمین می کشد و چون کسی زخم آن می خورد حال هلاک شود و گمانی رحمه الله علیه
دیدن گروم خواره در خواب دشمنی باشد با خود و عظیم و آرمیده و فروتن و شیرین سخن و در دشمنی صعب بود و اگر بیند که
گروم خواره او را بگریزد و دلیل که از چنین دشمنی که صفت گروم بلاء محنت بدور رسد و اگر بیند که او را از گروم خواره گزندی
نرسید و دلیل که از دشمن آسین گردد و اگر بیند که چیزی مانند گروم خواره بود و از او میترسید و دلیل که از کسی اندیشه دشمنی دارد
و او نه دشمن وی باشد گز از ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که گز در خواب غم و اندیشه بود و اگر کسی خواب بیند که گز است و
و دلیل که اندوه بسیار بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گز شیرین بود و دلیل که غم و اندوه کمتر باشد و اگر گز
گوشت پخته باشد و دلیل بر منفعتی بود که برنج و سختی بدست آید و بعضی متبحران گویند خورن گز در خواب بیماری بود و اگر
گز بر زبان بیند بزم نیک نباشد و بهتر آن بود که گوشت پخته بود و گزیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخوابد
که کسی او را بگریزد و دلیل که مرده بوی آنکس در دل وی زیادت گردد و اگر بیند که کسی او را بچشم و کینه بگریزد و دلیل که بقدر آن از وی زیادت
برسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را خری بگریزد و دلیل که کارش از سخت و خطر بود و اگر بیند که او را بگریزد و دلیل که او را
از سفر زیان برسد و اگر بیند که او را بگریزد و دلیل که در آن سال حضرت بید و گزیدن جمله دوکان در خواب چهارم چه بود
یکی حضرت دوم دشمن بیوم خصومت چهارم جاه و مال گشتی که فتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با کسی گشتی
و آنکس او را بیداخت و دلیل که حال او نیک گردد و بر آنکس غالب شود و اگر بیند که خود بختا و تاملش بخلاف این بود و اگر هر دو
قائم بودند و دلیل که احوال هر دو در خیر و شرمسار باشد اما بظاهر با هم بدگردد و سستی کنند کاسنی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خورن
کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کاسنی بوی دادند و خورد و دلیل که اندوه بگردد و مغربی رحمه الله علیه گوید خورن کاسنی در خواب
و خصومت بود و گشت و زار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید گشت و زار در خواب توکل نماید تا جمل و علما بود و روزی حلال طلب کردن و یکی
و نیز مردی فاضل و نیک محضر باشد و اگر بیند که از بر تخم گشتن زمین کافت و دلیل که خیرات و صدقات کند و استادان این صنعت
گویند اگر بیند که شا و زری میگرد و دلیل بر بیماری بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین کافت و تخم می انداخت و بازش جمع میکرد
و دلیل که بزرگی و جاه و نعمت یابد و اگر بیند که کشته بود و بازش خورد و از آنجا غنیمت ببرد و نیکوتر بود و اگر بیند که از آن شته چیزی حاصل نشد و باز
که بازش چگونه است و دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که کندم می کشد و دلیل که از پادشاه خیر و نیکی بوی رسد و اگر بیند که چو می کشد و دلیل که

در خواب
دیدن کشتی

و بدو اگر بیند که خون روان شد دلیل که وی کشته برود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که ستوری یا چیزی از شرف کشتی
دلیل که بر خصم خود ظفر یابد و کسیکه بران جنس سنوب باشد قتل کند و کشته و چون آلوده دیدن خدا و بنیاد گریه باشد کشتی و آتیا علی
گوید کشتی دیدن در خواب غم و اندیشه بود و از ندان یا کاری کند که از آن رنج و بلا بد و رسد خاصه که از دریا کشتی بیرون نیاید
یا کشتی در دریا فروماند و بدو این سیرین شده الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنشیند که کشتی بود و بسلاست از آنجا بیرون آمد دلیل که از
منجرب بر دوقوله تعالی **فَاجْتَنِبْهُمْ وَ هُمْ لَكَ مُشْتَرِكُونَ** اگر بیند که بدریا کشتی هلاک شد دلیل که بدست قوی هلاک
شود و اگر بیند که کشتی وی بر زمین ماند دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و در سنگاری ویر و دست دهد و اگر بیند که کشتی غرق شد و او بسلا
ماند دلیل که هلاک شود و او بسلاست ماند اگر بیند که کشتی شکست و غرق شد دلیل که مصیبتی عظیم کند که بدو رسد و اگر بیند که کشتی بر جای نماند
کشتی در میان آب میرفت دلیل که او را از پادشاه و بزرگواران قری و دیرتری سپید شود و اگر بیند که در میان دریا کشتیها و کازا میرفت دلیل که بسفر رود
لَا يَجُوزُ الْمُنْشَأُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَاقِ و اگر بیند که کشتیها ایستاده بودند دلیل که در سفر رود و اوین باقی بماند بلکه در سفر مقیم شود و اگر
که در کشتی نشسته بود و بادی خوش می آمد و کشتی را خوش میبرد و دلیل که از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که کشتی استوار بود و از هر چه جانب
کشتی موج می آمد و دلیل که او در سختی پیش آید که بیم هلاک وی باشد و قوله تعالی **وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ** اگر بیند که کشتی از
پیش میرفت و او نتوانست رسیدن دلیل که در کاردی دشوار افتد و عاقبت خلاصی یابد و قوله تعالی **فَاجْتَنِبْهُمْ وَ احْصِ السَّفِينَةَ**
اگر بیند که در پیروی کشتی در دریا رفت دلیل که بسفر رود و او را منفعت بسیار حاصل شود و قوله تعالی **لَكُمْ الْفُلُكُ فِي الْبَحْرِ**
لِيَتَّبِعُوا أَمْرَ فَضْلِهِ اگر بیند که در میان کشتیها چیزی نبود و هیچی می یافتند دلیل که پادشاه و رسولا را بجای نرسد و اگر بیند که
غرق شد و دلیل که آن رسولا را باز دارند و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشتی بدریا غرق نشد و دانست که آن کشتی ملک او بود
و دلیل که او را هلاک نماند و اگر بیند که در کشتی نشسته بود و از پادشاه میرسد و دلیل که مغرب پادشاه شود و بعد بزرگ کشتی او را منفعت رسد
و اگر در کشتی این نشسته بود و دلیل که او را از پادشاه چیم بود و اگر بیند که در دریا کشتیها بجای میماند و دلیل که پیش پادشاه میرسد
شود و اگر بیند که کشتی در قدر و با فرو شد و دلیل که او را از پادشاه قوی عظیم باشد و اگر بیند که کشتی میرفت تا و پیش بخلافین بود دلیل
اشفت رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کشتی کوچک نشسته بود و در دریا میرفت دلیل که او را غم و اندوه زیادت شود و اگر بیند که کشتی در آب
روان بود و دلیل که بسفر رود و زود باز آید و اگر کشتی خود را در خشک آید و دلیل که بجاری در ماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن کشتی در خواب بر پشت وجه بود یکی فرزند دوم پدر سوم زن چهارم مرکب پنجم فرج ششم بینی هفتم چین ششم نوک کشتی
این سیرین رحمة الله علیه گوید کشف سنگ نیت را گویند و کشف آبی در خواب دیدن مروی زاهد عالم باشد و از صحبت او
رسد اگر کسی بخواب بنشیند که کشف داشت یا بخانه او در آمد و دلیل که او را با زاهدی صحبت افتد و اگر بیند که گوشت کشف بخورد دلیل
بعد از آن علم حاصل کند که زانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشتی در سرکنین وانی بیافتد و دلیل که صحبت عالمی رسد و اگر بیند که کشتی در جبال
جالی غریز یافت دلیل که نماند شود و بزرگواران و علما او را محرم است باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کشف در خواب

بجمله صادق رضی الله عنه گوید و بدین گفتار در خواب بد باشد کچھ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کچھ در خواب کار فرمای خانه بزرگ
اگر ببیند که کچھ نزد پاکیزه داشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر کچھ کند و شکسته بود تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه
گوید اگر ببیند که کچھ وی بشکست دلیل که خادم وی بمیرد یا بیمار شود و اگر ضایع شود یا بسوخت نیز خادم بمیرد و کچھ انش از ظاهر
گوید سلاطین و ملوک چون ببیند دلیل که نایب وی باشد و انکس که غیر از بن و ببیند دلیل بر خدنگاری خانه و ابل وی باشد
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که کچھ آتش داشت دلیل که او را خدمتکاری حاصل شود و اگر انظام مکتب باشد یا ضایع
دلیل که خدمتکارش بمیرد و یا بمیرد و کفش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کفش در خواب زن باشد اگر ببیند که کفش نزد
خود پای کرد و دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر ببیند که کفش دیگر دپای کرد و دلیل که زن بیوّه بخوابد و اگر کفش سیاه بود دلیل
که زن بی سلیقه کار بود و اگر کفش سرخ بود دلیل که زن بی حاشه و طرب دوست دارد و اگر کفش زرد بود دلیل بر زنی بیمارگون بود و اگر
کفش سفید بود دلیل که نئی خبر وی خواهد که رانی رحمه الله علیه گوید اگر کفش از پوست گاه بود و دلیل که زن با اصل خواهد و اگر از پوست
گوسفند بود دلیل که زن از اصل عرب بود که بخوابد و اگر ببیند که کفش از پانی وی بنفقا و ضایع شد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر
ببیند و اگر کفش در پای او تنگ بود دلیل که زن او شاد کار بود و نیز گویند که کفش کهنه در خواب دیدن بهتر از کفش نو باشد
صداق رضی الله عنه گوید و بدین گفتار در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیز که چهارم قوت ششم
ششم مال مفقود سفر و کفش در خواب مردی بود که قسمت میراثها کند کف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که چیزی در
کف داشت دلیل که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر ببیند که کفها دست بر جمعی سودند دلیل که آنجا عوی و شادی بود
و اگر ببیند که کفها او خسته باریش بود دلیل که از سفر و تحویل از ماند و اگر ببیند که کفهای وی کشاده و قوی بود دلیل بر سفری است
بود و اگر بخلاف این ببیند دلیل بر نامرادی و تنگدستی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین کف در خواب بر شش وجه بود
یکی دست فراخی دوم مال سوم ریاست چهارم فرزند پنجم دلیری ششم با زین بجرام و در شدن کف در میان ابن سیرین رحمه الله علیه
علیه گوید کف در خواب تنفعت از پادشاه یا از مردی بزرگوار بود و کف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زهر مرده
یا زنده کف یا بخت اگر انکس معروف بود دلیل که از انکس بوی برنج رسد و اگر ببیند که کف مرده معروف کند دلیل که در دنیا طریقی
آن مرده جوید که رانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که کف مرده مسید مدعنان گویند اگر ببیند که صالح و پارسا بود و طالب علم
و سخنانی بادی که گوید دلیل که دنیا روی بوی نهند و مال حرام جمع کند و اگر ببیند که مرد کا زنه کف میکند و از جانی بجای میسر و دلیل
که مالهای حرام بدست وی روان شود و اگر ببیند که مغسود بود دلیل که منافق و غایب باشد و بقضا و مردم گواهی و بدگلاب
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید گلاب در خواب تندرستی بود و اگر ببیند که گلاب بر وی ریخت دلیل که تندرست بود و مردم او
روح و شاد گویند و اگر ببیند که گلاب بهر کس میسود دلیل که نامش در آید یا منتشر گردد و اگر عالم بود دلیل که خلق از علم وی بهره
مند گردند و کلاه مرصفت و آنرا عقق گویند در خواب دیدن وی دلیل بر مردی بی وفا و بدین بود و اگر ببیند که کلاه

بگرفت دلیل که بامردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر بیند که با کلاه نبرد و میکرد و لیس که بامردی بدین صفت
 که گفتیم خصومت کند و اگر بیند که کلاه از دستش بیاید پس دلیل که ترک صحبت آن کند و اگر بیند که کلاه را بکشت و گوشت
 وی بخورد و دلیل که دشمن را قهر کند و بقدر آن مال وی بخورد و کلاغ این سپهرین رحمت الله علیه گوید کلاغ در خواب مردی را سق
 و بدید بود و اگر کسی خواب بیند که کلاغی را بگرفت دلیل که غنیمتی از کسی چلبلی و دروغ حاصل کند و اگر بیند که بر سر شاخ و درخت
 بود و یا نشسته و دلیل بر وبال وی باشد اگر و کلاغ بیند و دلیل بر بخت و شغفت بود و دریدن کلاغ در خواب خیر نبود و کلاه
 داشت آل علیه السلام گوید کلاه در خواب دیدن عروجه جاده بود و بقدر قیمت کلاه اگر بیند که کلاه غازیان بر سر داشت دلیل که بر خصم حیره شود
 این سپهرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کلاه ترکان بر سر داشت دلیل که بخی منفعت یابد و اگر بیند که کلاه منان
 بر سر داشت دلیل که غریختی یابد و الا درین ضعیف باشد و اگر بر سر کلاه پادشاه بیند دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر بیند
 که کلاه عتایی داشت دلیل که شادمان گردد و منفعت یابد و اگر کلاه بروی بر سر داشت دلیل که خیر دینی و دنیا وی حاصل کند
 و اگر کلاه بر سر دستار نهاد بود دلیل که او را کاری افتد که آنکار از مردمان پنهان یابد و داشت و اگر کلاه بر شین داشت
 دلیل که منفعت بیند و اگر بیند که کلاهی از زر بر سر داشت دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مردوارید بیند دلیل که پیش مردم
 عزیز گردد و صحبت با کسی دارد که دین دارد و غازی بود و اگر از آیین بود و دلیل که از پادشاه عروجه و وقت بیند و یا بدو اگر
 از چوب بود و دلیل که خود را از مردمان غازی پندارد و دروغ و محال گوید که مانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که کلاه تابستانی بر سر
 بر سر نهاد و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که از مردمان باز ماند و اگر بر سر کلاه سیاه بیند و در بیداری همان پوشید
 دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سر وی بفتاد و دلیل که از عمل مغرور گردد یا غی سخت بوی رسد و اگر بیند که کلاهی از بر کلاهها
 که صفت کردیم بر سر و پیش نهاد و دلیل که بقدر قیمت کلاه از خیر جاده و ثمرت یابد و اگر بیند که کلاه از سر وی برگرفته بود و دلیل که
 عروجه و غنیمت و اگر نمی بیند که کلاهی دو گوشه بر سر نهاد و دلیل که از ترس یا سستی آید و آن پسر پادشاه شود و اگر بیند که کلاه وزیر بر سر
 نهاد و دلیل که آنکس بدین بود و اما پادشاه یا نریشک بود و مغربی رح گوید اگر بیند که کلاهی پوشیده داشت دلیل که شرف و ثمرت
 زیادت کرد و اگر بیند که کلاه دریده و کهنه بود و دلیل که اندوگین شود و اگر بیند که بیکانه کلاه از سر وی در بود و دلیل که از مردی
 بزرگ دور شود و اگر کلاهی از پوست سمور بود یا از پوست روباه یا مانند این دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردی که کامل درین
 و اگر بیند که کلاهی بر سر داشت که در بیداری هرگز نپوشیده بود و اگر سفید باشد و دلیل بر بیکویی وی کند و اگر بر سر بود و دلیل بر بد او کند
 گویند که ازین نوع کلاه داشته باشد و بیداری و اگر کلاه سرخ بود و دلیل بر بیماری باشد و همچنین است که گوید اگر بیند که کلاهی سرخ
 پوشیده بود و دلیل که بقدر قیمت آن کلاه شرف و بزرگی یابد لیکن در دین و نقصان بود و اگر بیند که کلاهی شنی افتاد بود و دلیل
 که پادشاه او را مصاره کند و جعفر صادق علیه السلام گوید کلاه در خواب دلیل بر شرف و بزرگی کند و دیدن آن در خواب شرف
 بود یکی ولایت و دوم ریاست سوم بزرگی چهارم عروجه جاده پنجم مقدار ششم ثمرت کلاه و دهم خواب کسی بود که خدمت بزرگان کند

کل شدن
بنشین
من

کل شدن این سرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که سروی کل شده بود و دلیل که مال خوشه بسیار یا بد و بعضی از معتبران گویند که غم
نیز و از وی زایل گردد و اگر اوام و دوش گذارده شود و اگر بید که او را با مردی کل صحبت بود و دلیل که با مردی تو اگر دوست
و آشنا شود و اگر بید که سروی کل بود و بعد از آن بوی بر آورد و دلیل که یا وی تلف شود و اوام وارش شود کل این سرین رحمة الله علیه
گوید حکم بر کل در خواب برود و نوع بود یکی آنکه کل درخت بود و یکی آنکه کل درخت شده باشد و کل که از ابقای نبود و دلیل که غم
و اندوه بید خواب بود و اگر کسی گسخت بوقت خویش درخت بید و دلیل که او را فرزندی آید و چون بوقت بید و دلیل که
بسبب فرزند او را مصیبت بود و درخت کل در خواب همتری و سخن روانی بود و درخت کل زرد زنی بود باز رگان حاجت
روا کننده و درخت کل سفید و دلیل بر غر و دولت و جاه بود اگر در سرای خویش درخت کل بید و دلیل که دختر یا بنکاح آورد
و اگر در سرای خود کل صبر بکشد و دلیل که بسبب فرزندش و شود و اگر گله از بر گونه شکفته بید و دلیل که از خوشن و مال
بیت شادمان شود و اگر سرخ درخت کل از زمین کشته بید و دلیل که مردم سرایش کل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید کل در خواب
و درون همت و بد عهد بود که با کسی فاخته و اگر بید که کل کسی داد یا از دوست بگفتند از صحبت چنین مردی و در فتنه و تحیل
رحمة الله علیه گوید کل در خواب نماند بود که از غایبی بد و رسید یا بدن غائب بود و خوف صادق رضی الله عنه گوید در دیدن کل خواب
برشش وجه بود یکی فرزند دوم و دوست سیوم مرد و درون همت چهارم که نیک چشم غلام ششم نماند غائب گشت که این سرین
رحمة الله علیه گوید گشت در خواب کل انگبین و خواب غنیمت و مال حلال بقدر آنکه خورده باشد و اگر بید که گشت که با کل این
داشت و از آن بخور و اگر تو اگر بود و دلیل که مالش زیادت شود و اگر بسیار بود و شفا یا بد و اگر غمگین بود و شادمان گردد و اوام داد
و امش گذارده شود کل خوردن این سرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بید که کل میخورد و دلیل که انیس مر و گان میباید
و اگر بید که کل با خاک میخورد و دلیل که مال خود در عیان نفقه کند و اگر بید که از خاک تربت حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم میخورد و دلیل
که حج گذارد و اگر بید که خانه کل می اندود و دلیل که غمگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید ویدن کل سفید خواب کل حلال بود و کل زرد
بیماری بود و کل سرخ لعل و طرب بود و کل سیاه غم و اندوه و اندیشه بود و کل آبیتره دلیل که غم و اندوه بود و اگر بید که در میان کل
خوف شده بود و دلیل که درختی عظیم افتد که رمانی نیاید و اگر بید که از میان کل بیرون آمد و خود را و جامه خود را پاک بشت و دلیل که از غم
و اندوه رمانی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن کل در خواب در سر و سر صبر بود که در گرم سیر کلیتین این سرین رحمة الله علیه
گوید که بخت در خواب دخی بود که بخوابی از دست پادشاه جدا گرد و بر مردم نفقه کند و اگر بید که کلیتین در دست داشت و دلیل که او را مال و نصیب
و اگر بید که کلیتین دخی صاحب شد و دلیل که او را زبانی برسد که رمانی روح گوید و اگر بید که کلیتین خیزی از میان آتش بیرون آورد و دلیل که بقدر آن از آتش
کل این سرین رحمة الله علیه گوید که کسی خواب بید که کلم داشت و بخورد و دلیل که از زنی منقبت یا بد و چون بی گشت خورد و دلیل که
کشته بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر گشت کلم با هم خفته خورد و دلیل که منقبت بسیار یا بد و اگر خام خورد و منقبت کشته باشد و اگر کلم بیوت
میخورد و دلیل که غم و اندیشه بود و اگر شیرین بود و منقبتش بیشتر باشد گله از این سرین رحمة الله علیه گوید ویدن گله از خواب عروسی

خواب

خواب

خواب

مجلس
مجلس
مجلس

یا کینه بود یا کینه که خوب خاصه که بهنگام خود بر درخت بیند اگر بیند که گنار از درخت میفتاد و دلیل که از دیدار عروس یا کینه یا کینه
ماند کلنگ در خواب مردی غریب بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلنگی گرفت یا کسی بود و دلیل که با مردی
غریب بود و با وی نیکوئی کند و اگر بیند که بد کلنگ یا کوشت او داشت و دلیل که از مردی غریب راحت بیند که آبی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کلنگ را از چرخ اند و دلیل که بر گروهی غریبان و دورویشان مستر گردد و اگر بیند که خاصه کلنگ داشت و دلیل که
شود و کلنگ این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کلوی وی سلامت است و هیچ آلی ندارد و دلیل که امانت و اطمینان
یگذازد و اگر بیند که هیچ واقعی در کلوی وی پیدا آید تا ویش بخلاف این بود و اگر کلوی خود را فراخ بیند و دلیل که روزی بر روی
گردد و اگر تنگ بیند بخلاف این بود و اگر کلوی خود را درست و قوی بیند و دلیل که امانت را از اینک بگذار و سفری رحمة الله علیه
اگر بیند که کلوی او را بریند و دلیل که برنده بر روی ظلم کند یا درین اوطع زند و هر جا نوری که کشتن باور و انباشت چون بیند
کلوی او را بریند و دلیل بر مردی بود که بدان نسبت دارد که بدان مردم را ستم کند و اگر بیند که بهیچ را نکند بریند و دلیل که کار بر روی
گردد و اگر بیند که کلوش را بضر و رست برید و گوشتش بخورد و اگر گوشتش را جانور حلال باشد و دلیل که مال حلال باید و اگر حرام بود
مال حرام باید و اگر بیند که کلوی او می برید و دلیل که بر آنکس پیدا و ستم کند یا در عین اوطع زند و اگر بیند که کلوی کسی را بشویند
کرد و دلیل که از شرف و بزرگی معزول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب دلیل بر خل و مخرج مردم کند اسمعیل
رحمة الله علیه گوید که در خواب دلیل بر تنگ شدن عیش و خواب بود کلیچ این سیرین رحمة الله علیه گوید کلیچ در خواب دلیل
عیش و خوش نعمت و مال کند که بدست آورد و اگر بیند که کلیچ میخورد و دلیل که او را مال نعمت آسان بدست آید و اگر بیند که
چرا و داشت و دلیل که مال نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که کلیچ در دهان نهاد و توانست خوردن و دلیل که مال و نعمت و شمت
و بزرگان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال که با آسان بدست آید و دوم روزی
فراخ سوم نعمت چهارم عیش و خوش کلیچ این سیرین رحمة الله علیه گوید کلیچ در خواب مردی کشایده کار بود و اگر کسی خواب بیند که
تغلی را بکشد باز گردد و در بخش و دلیل که کارهای سیه بر وی کشا و شود و بر دشمن ظفر باید و اگر بیند که در دست کلیچ بسیار
و دلیل که بزرگی و منزلت یا توفیق تعالی که مقالید السموات والارض الا یتة کرانی رحمة الله علیه گوید که در خواب کشتن
و در خبر بود و در شستن شراب یعنی گویند که کلیچ در بختن تر و بوی بود و اگر بیند که کلیچ در بختن در دست داشت و دلیل که در درین
سلطان بود و حاجت کاش نیکو و محمود بود و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که کلیچ این سیرین رحمة الله علیه گوید و دلیل بر قوت و نیکوئی بود و اگر بیند
که کلیچ بر بخین یا مصیبت بدست داشت و دلیل که او را سخن بدوئی بود و اگر بیند که کلیچ چوبین داشت و دلیل که بر نیکوئی کمتر بود و اگر کلیچ
ازین یا سیرین داشت و دلیل که سخن او را با بد و نیکویند که کج یا بد سفری رحمة الله علیه گوید که کلیچ بسیار بود مال بیشتر بود و بیشتر
که کلیچ دعا و استغفار و حاجت خواستن از درگاه باری سبحانه و تعالی بود و اگر بیند که کلیچ بر قفل نهاد و در باز کرد و دلیل که حاجت روا
و کار بسته شود و کشا و شود و اگر بیند که کلیچ در گنبد و ان شکست و دلیل که دعا و نومی حاصل نباشد و اگر بیند که بیک کلیچ و قفل ان شکست

مجلس
مجلس
مجلس

در بارگاه

خجسته

کتاب

کتاب

و در بارگاه و دلیل که زنی خبر وی بخوابد قطعا مستحبه الله علیه گوید اگر کسی دست خود را کلیه بپندد دلیل که نماز گذارد و بود و او را کلیه وی بنیاد
 دلیل که کابل ناز بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلیه در خواب بر پشت وجه بود و یکی کشان کار داد و دم فراغ از غم سوم شفا از بیماری چهارم
 یا فتن بر او چشم تو چشم نشستم گذارون چه مقصود اجابت شستم و انشق علی کلید و آن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کلیه را
 زود بکشد و در حمت نداد و دلیل که کارهای دینی و دنیاوی کشاید کرد و اگر بنید که کلیه و آن بدشواری بکشد تا ویش بخلاف این بود
 و اگر بنید که کلیه و آن توانست شود و در بسته ماند و دلیل که کارهای دینی بسته کرد و از حال نیک بحال بد افتد مغربی رحمة الله علیه
 اگر بنید که کلیه و آن زود باز کرد و اگر غمگین بود و دلیل که زود فرج یابد و اگر بیمار بود و زود شفا یابد و اگر بنید بود و از آواز و بگرد و اگر حاجتی دارد
 روا شود و اگر عاقد استجاب شود و کارهای بنیادم کرد و کلیسا این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کلیه را رفت و در خوابی
 قبله نماز گذارد و دلیل که آنس از نماز تو بکند و درین قوی شود و از هر آنکه کلیسا جای عبادت است که تانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که
 کلیسا بود و دلیل که میل اف بابت پرستان باشد خاصه چون نماز سومی قبله ایشان گذارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بنید که در
 شد اگر بنید که خواب پارسا باشد و دلیل که بود و خاصه که بنید و اینجا مقیم شد کلیه این سیرین رحمة الله علیه گوید کلیه در خواب
 و سرور بود و اگر بنید که خواب مستر بود و دلیل که بزرگی و جاه و پیروزید و بعضی از مجربان گویند قوی ضایع و گرنده بود و از دوست
 و بنید بود که تانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کلیه بیافت و دلیل که زنی توانگر برنی کند و اگر این خواب بی بنید و دلیل که شوهر کند و از
 شیر منفعت بنید و اگر بنید که کلیه که نه نشسته بود و دلیل که زنی خبر وی و پارسا و موافق برنی کند و اگر بنید که کلیه سر بود و دلیل که زنی تنگ
 و بنید بود و اگر بنید که کلیه ملون بود این خبر که گفتیم در زن موجود بود و اگر بنید که کلیه پوشیده بود و دلیل که در دنیا و دهری پارسا
 و از منفعت یابد و اگر کلیه از خود و در افکند و ضایع شد تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدیدن کلیه در خواب
 برنج وجه بود یکی مرد پیش و دم مهر و پارسا سوم زنی توانگر چهارم تیر که چرخ و منفعت حکان و انبال علیه السلام گوید اگر بنید که
 نماز بی تیر کشید و دلیل که بسفر رود و با فایده باز کرد و اگر بنگام کشیدن زه کمان برید و دلیل که سفر شغ نام نشود و یا شاید که در سفر
 رسد و اگر بنید که کسی کمانی بودی داد و دلیل که پسر یا در آرد و اگر بنید که کمانی بشکست و دلیل که از شرف و بزرگی افتد یا چیزی از
 مال او تلف شود و اگر بنید که از کمان تیر می انداخت و دلیل که از بزرگی نامش بدور سد این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که از کمانی تیر می
 انداخت و دلیل که سخن خق و باطل گوید بسبب و کبر فتن تیر و اگر بنید که تیر خود کمانی ساخت و دلیل که او را از پادشاه عجبی شرف و بزرگی حاصل
 یازنی عجبی بخوابد و او پرسی آید و اگر بنید که از کمان تیر توانست انداخت و دلیل که او را از پادشاه یا از از زن فایده نباشد و اگر بنید که کمان از فقر
 یا کسی داد و دلیل که نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند که کمان تیر و زنی عمر بود که تانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کمانی نو
 و پاکیزه داشت و دلیل که زن خوابد و اگر بنید که کمان بچشد و دلیل که زن پادشاه بود و اگر بنید که کمان ضایع شد و دلیل که از زن جدا شود و اگر بنید که کمان
 او سخت بود و در وقت کشیدن بر زم باشد و دلیل که زنی بکج بخوابد و کار او آسان بر آید و اگر سفری کند مبارک باشد و از آن خبر بر او رسد

و در

کتاب

کتاب

کتاب

و اگر بیند که گمان مست بود و سخت شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که گمانی بدست خویش از بهر خود میساخت و دلیل کار راست است
 کرد و اگر بیند که گمان بفر و سخت و اندکهای او درم و دینا ر بسته و دلیل و دنیا را بر دین اختیار کند و اگر بهای گمان خود درم خیزی
 بست و دلیل که مراد وی میساخت و اگر بیند که گمانی عطا بوی دادند و دلیل که نوذر نخواهد بود و شمس ظفر باید اگر بیند که گمان خنیده کشید
 بوی و اندکی آنکه گمان را کشید و دلیل که عمر وی دراز بود و اگر بیند که گمان در گمان آن بنا و دلیل که از دنیا برود و اگر بیند که گمانهای
 بسیار داشت و دلیل که او را دوستان بسیار باشند که بکاه سختی بفرماید و رسد و اگر بیند که گمانی پاکیزه و نیکو داشت و دلیل که در دنیا
 نیکو و خیرات و طاعات و حسنات کند و چرا و آنچه بدین اند بخداوند تعالی نزدیک بود و قوله تعالی فکان قاب قوسین یا اقل
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گمان در خواب بر شش وجه بود یکی سفر دوم فرزند یا نذر سوم تن چهارم قوت پنجم کردار
 ششم مرد در دست در کار و گمان حلاجی این سیرین رحمه الله علیه گوید گمان حلاجی در خواب شاعت زنده بود و اگر بیند
 که گمان حلاجی در دست داشت و دلیل که منافق کند و اگر بیند که گمان حلاجی داشت و دلیل که گمان است که گمان است و دلیل که شنیع
 خواهد گمان آسمان این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که گمان آسمان زد بود و دلیل بر بیماری مردم آنند یا بود که گمانی در دست
 الله علیه گوید اگر بیند که گمان آسمان بیشتر از سرخی بود و دلیل که در اند یا در نعمت فراخ کرد و اگر بیند که سرخی بیشتر از سرخی بود
 تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر آسمان علامت سرخی کرد و عمو شد و دلیل که پادشاه آند یا را فرست و
 کارگاری رسد و اگر عموهای سیاه بیند تا ویش بخلاف این بود گمان کرد و هر چه این سیرین رحمه الله علیه گوید گمان کرد و هر
 در خواب کار پادشاه بود و باغ و دانه و اگر بیند که گمان کرد و هر چه در دست داشت و گمانی انداخت و دلیل که کسی را سنجین است
 گوید و دشنام و بد زبانی که گمان کرد و هر چه در راه دین ناپسندیده بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گمان کرد و هر چه بد مردم آند
 و دلیل که سبب از مردم نمکین شود و اگر بیند که گمان کرد و هر چه وی شکست یا ضایع شد و دلیل که از آن کس بجز بدیگر سبب این
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در میان مری بسته بود و دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و بعضی گویند که او را پشت و
 پناه فرزند بود یا خوشنشان و اگر بیند که گمان بد در وجه او مرصع بود و دلیل که بقدر قیمت آن مال حاصل کند و بدان پشت و پناه
 وی قوی گردد و باشد که فرزند آرد و محشم قایل گردد و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ستم چهار بار بر مریان بسته داشت
 و دلیل که او را مال حشم بسیار باشد و نیز گویند که عیش و فراز باشد اگر بیند که مری بد و دانه و میان است و دلیل که بفرزند و اگر
 که مری شکست و بیفتاد و ضایع شد و دلیل که در مال و بزرگی او نقصان شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مری بخواهد هر شی
 بود و دلیل که بهتر قوی شود و این سبب می توان کرد و اگر بیند که گمانش بر سر آید و دلیل که بخت بد و گمانش که و اگر بیند که
 او را که و شمشیر و دلیل که از بهر پادشاه سفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن که در خواب شش وجه بود یکی ضعف از قوت
 یا برادر یا خوشنشان دوم فرزند سوم بزرگی و پناه چهارم عمر دراز پنجم تضایف دادن و یا عین مراد ششم پاک دین و اگر بیند که مری
 بسته داشت و دلیل که تضایف از نقصان است یا نایم عمر گذشته بود و گمانش در این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که

ولیل که در آن وضع که او بود ضایع شود زیرا که او را معرفت نشناسد و فریب نداند و اگر بیند که عیال یا فرزندان کند و لیل که از آنجا
 اندوگین شود مغربی رحمة الله علیه که دیگر بیند که چیزی از وی کشد اگر آنچیز بنا ویل نیک بود و لیل که بقدر آن غم و اندوه و مشقت
 از وی زایل شود و کارش ختام گردد و اگر آنچیز بنا ویل بد بود غم و مشقت از وی زایل نشود و کارش ختام نشود و کند این سیرین
 گوید اگر کسی خواب بیند که کند یی بیند احت و مرد و دیگر رفت و لیل که با ناز و کند از بندگی یاری خواهد و اگر بیند که کند پیش از
 رسن بود و لیل که از مردی مؤمن یاری خواهد و اگر بیند که کند از مردی کافر یاری خواهد و اگر بیند که کند
 انداخت و در گردن مراد و لیل که از مردی ضعیف یاری خواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دست آمد و افتاد و لیل که از
 مردی مسخره یاری خواهد و اگر بیند که کند انداخت خصم را نتوانست گرفت و لیل که میچسب و یاری بند کند و این سیرین
 گوید کنار و خواب بی بغش بود و از میوه هیچ میوه را خاصیت نکند و گویند که میوه مستر آدم علیه السلام در بهشت کنار بود
 و اگر بیند که کنار بخورد و لیل که بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون بود و پیش از باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کنار در خواب
 مال حلال بود و روزی فراخ باشد و اگر بیند که بخرد و کنار داشت و لیل که مال بسیار یا بد کند و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
 بیند که کنار میگرداند و دانست که آن کنار چه بود و لیل که در کنار و قلعه اندک را می رحمة الله علیه گوید کنار کردن در خواب هم معصیت
 و کنار بود و توبه باید کرد و آنرا عقوبت مستحق تعالی غرور عمل امین شود و کارش بصلاح آید کند این سیرین رح که بد کند در خواب
 بود و اگر کند یی پاکیزه بیند و اندک ملک است و لیل که نمی خور و یی خواهد که کافی رح که بد کند در خواب شرف بزرگی بود و اگر کند
 که در کند یی بزرگ بود و لیل که خیر و منفعت بد و رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن کند در خواب بر چهار وجه بود
 یکی آن دو هم کینک سوم منفعت چهارم غم و جابه کج این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کج بیافت و لیل که بیمار گردد
 یا بکج بدل و رسد و اگر بیند که کج او ضایع شد تا ویش خلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید کج یا فتن در خواب در جایگاه
 خراب بیمار یا ملاک شود و اگر بیند که در جایگاه آبادان یا بد و لیل که بیمار شفا یابد کجی از این سیرین رحمة الله علیه گوید کجی در خواب
 مالی بود که هر روز زیادت باشد و اگر بیند که کجید داشت و میخورد و لیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که کجی کسی داد
 و لیل که بقدر آن از مال خود او منفعت رساند و اگر بیند که کج خود و وطن آن ناخوش بود و لیل که بقدر آن مال حرام یا بد یعنی
 از مجربان گویند که او را غم و اندوه رسد کند یی بر این سیرین رح که بد کند و میر در خواب نیا باشد کند و پیر مسلمان که بجایگاه
 باشد و لیل که مال حلال یا بد کند و پیر که بجایگاه کین باشد و کافر بود و بنا و مال حرام بود و کند و پیر خود و وی و نیکو جامه تایل
 ایحسان و آن جهان باشد و اگر بیند که کند و پیر فربه و مسلمان زنی خواست و دانست که ملک است و دست و لیل که مال حاصل کند
 و اگر بیند که زنی پیر داشت و او را از خانه بیرون کرد و یا طلاق داد و لیل که تبرک دنیا بکوشد و راه آخرت جوید و اگر بیند که با کین
 پیری محامبت کرد و لیل که مراد از ایحسان او را حاصل شود کند و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کنار و میخورد و یا
 و لیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود بقدر خاندن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کند و داشت و لیل که عینک

بینه

بینه که گوشت چرخ میخورد و دلیل که از پادشاه شکار و اسفند رسد و اگر گوشت تذرو میخورد و دلیل که مال مروی غذا خورد و اگر
 بینه که گوشت چند میخورد و دلیل که مال در دیده خورد و اگر بینه که گوشت چکا و ک میخورد و دلیل که چیزی از مال بینه خورد
 و اگر بینه که گوشت خر میخورد و دلیل که مال حرام یا بد و اگر بینه که گوشت خر گوش میخورد و دلیل که از مال زن چیزی اندک سیاه
 و بعضی از معتبران گویند که میراث یا بد و اگر بینه که گوشت خروس میخورد و دلیل که بقدر آن از مروی عجبی منفعت یا بد و اگر بینه
 که گوشت خر چاک میخورد و دلیل که بقدر آن مال حرام خورد و در طاعت سستی کند و اگر بینه که گوشت دراج میخورد و دلیل که مال
 زن بستاند و خرج کند و اگر بینه که گوشت راس میخورد و دلیل که بیمار شود و اگر نه ترس و بیم یا بد و اگر بینه که گوشت زبانه میخورد و دلیل
 که بقدر آن از مال فاسدی بخورد و اگر بینه که گوشت سنگ خار میخورد و دلیل که از مال مروی ابله منفعت یا بد و اگر بینه که گوشت
 سوسمار میخورد و دلیل که از مروی که سفر بسیار کند خیر منفعت یا بد و بعضی گویند خوردن گوشت سوسمار و دلیل بر کسالت و
 اینجانی یا مخرن باشد و اگر بینه که گوشت سگ میخورد و دلیل که بر دشمن ظفر یا بد و اگر بینه که گوشت سنجاب میخورد و دلیل که مال
 مروی غیب خورد و اگر بینه که گوشت سیخ میخورد و دلیل که مال مروی بزرگوار بد و رسد و اگر بینه که گوشت شیر میخورد و دلیل که از
 مال مروی سنگ نفع یا بد و اگر بینه که گوشت بره میخورد و دلیل که با کسی که احمق و مجنون پیوندد و اگر بینه که گوشت شتر میخورد و دلیل که
 تجارت با خویشان خصم است کند و اگر بینه که گوشت طاوس میخورد و دلیل که مال و نعمت یا بد و اگر بینه که گوشت طوطی میخورد و دلیل که علم
 و ویرانست کند و اگر بینه که گوشت فک میخورد و دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و اگر بینه که گوشت قمری میخورد و دلیل که از زنی
 خوب منفعت یا بد و اگر بینه که گوشت ماده کا و میخورد و دلیل که مالی فراوان حاصل کند و کارش نظام گردد و اگر بینه که گوشت کبوتر
 میخورد و دلیل که بقدر آن او را از مال زن یا کثیر نفع رسد و اگر بینه که گوشت کبوتر میخورد و دلیل که از مال زن او را بهره برسد و اگر
 بینه که گوشت که میخورد و دلیل که منفعت یا بد و اگر بینه که گوشت کرک میخورد و دلیل که از پادشاه ظالم مال حرام یا بد و اگر بینه
 که گوشت کشف میخورد و دلیل که از عالمی علم حاصل کند و اگر بینه که گوشت کفتار میخورد و دلیل که پیره زنی بروی جادو کند و اگر بینه
 که گوشت کلازه میخورد و دلیل که مال مروی بیابانی خورد و اگر بینه که گوشت کوزه میخورد و دلیل که مال و منفعت یا بد و اگر بینه
 که گوشت ماکیان میخورد و دلیل که او را مال از کثرت یا از خادم جمع شود و اگر بینه که گوشت شای میخورد و دلیل که چیزی از مال زن خورد
 و اگر بینه که گوشت مرغابی میخورد و دلیل که بزرگی و ولایت یا بد و اگر بینه که گوشت مرده میخورد و دلیل که آن مرده را به بدی یا دکنه و اگر بینه
 که گوشت نهنگ میخورد و دلیل که برنج و بلاد بد و رسد و اگر بینه که گوشت هد میخورد و دلیل که از مروی زیرک و بزرگ منفعت یا بد و اگر بینه
 که گوشت هابی میخورد و دلیل که از پادشاه او را راحت رسد و کارش بلند گردد و اگر بینه که گوشت هزار و شان میخورد و دلیل که از مال
 زن یا فرزند یا غلام او را اسفند رسد و اگر بینه که گوشت واشه میخورد و دلیل که از مال دشمن بخورد و اگر بینه که گوشت یوز میخورد و دلیل که از دشمن
 بخورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گوشت جانوران دیدن بر چهار وجه بود یکی مال و دوم میراث سوم تو انگری چهارم مصیبت و اندوه
 گوشت را بر سیرین و حقه الله علیه گوید که اگر کسی بخوابد بینه که گوشت و سفیقا و یا بریده شد و دلیل که زنا اطلاق و یا دخترش را بیهوش

گوید که در کورستان در خواب دیدن صحبت با جاجان بود که دین و دنیای ایشان بفساد گردید و غم و پشیمانی بود که آنی رحمة الله
 گوید اگر بینه که اهل کورستان را زیارت میکرد و دلیل که اهل زندان را زیارت کند و اگر بینه که در کورستان باران بارید و دلیل که اهل کورستان را
 رحمت از حق سبحانه و تعالی بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر تو اگر بینه که در کورستان میرفت و بر کور با سلام میکرد و دلیل که در کورستان
 و از مردمان کدانی کند زیرا که کورستان جای مفسدان است و اگر بینه که در کورستانی معروف بود و مردگان از کور برخاسته بود
 و دلیل که اهل آن جایگاه را بلا و محنت رسد و اگر بینه که در کورستان گور را باز میکرد و بعضی مرده دید و بعضی زنده و دلیل که در آن
 ولایت محنت و تنگی بدید و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در کورستان در خواب بر سر تخته و جبه بود یکی از زندان دو غم غم سوم
 محنت و بلا گوید در خواب مالی بود که محنت و بلا و ریخ و سختی حاصل گرد و اگر بینه که با کوز بازی میکرد و با کوز در دست داشت
 و دلیل که در جنگ و خصومت بود که آنی رخ گوید که کوز که منتر آن تبا شده باشد و دلیل که مال حرام بد و رسد بقدر کمی و بسیاری اگر
 منتر کوز بطعم خوش بود مال حلال بد و رسد و اگر بینه که کوز میکشت و دلیل که از مردی عجمی مال گیر و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که کوز
 داشت و دلیل که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بینه که کوز تلخ و ناخوش بود و دلیل که از مردی بخیل سخن ناخوش شنود و اگر بینه
 که از منتر کوز روغن بیرون آورد و دلیل که از مردی بخیل او منفعت رسد که از بیهندی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که کسی بینه
 بوی داد و دلیل که سخن قال گیر و منجم شود و اگر بینه که کوز بیهندی میخورد و دلیل که سخن ایشان راست پندارد و بعضی از متبران کوز
 کوز بیهندی در خواب مردی و دین یا کینت بیهندی بود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که کوز بیهندی میخورد و دلیل که سخنان متبران
 پندارد و اعتقاد بران داشته باشد که کوز بویا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کوز بویا در خواب صلاح دین بود و دانستن علم شریع
 بینه که کوز بویا خورد و دلیل که مصلحت راه دین اختیار کند و علم شریعت بیاموزد و که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که کوز بویا بسیار خورد
 و میخورد و مردم میداد و دلیل که در علم و حکمت یگانه نشود و از آن علم او را دیگر از منفعت بود و اگر بینه که کوز بویا بی که داشت از آن
 کسی نداد و دلیل که از آن علم منفعت نهد او را و نه دیگر از آن باشد و بعضی گویند که کوز بویا در خواب بر تعلیم علم بخورد کند کسی
 از بین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که گوی زمین در خواب مالی بود که بکر و حیلت بدست آورد و اگر بینه که بکوی پنهان بود
 که از آنجا او را برون آمدن نبود و دلیل که بکر و حیلت خود را در کاری افکند که از آن بدستواری بر آید و هر چند که گوی و در تر بود کار
 صعبتر بود و اگر بینه که آن گوی مانند سر دایه بود و دلیل که در وازوی چیزی بر در که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که گوی یا چاهی
 و دلیل که از بهر کسی مکر و حیلت سازد و اگر از آن گوی آب بیرون آمد و دلیل که در آن گوی بکر و حیلت چیزی بدست آورد و بدین
 محیثت کند و اگر بینه که گوی از بهر کسی دیگر بود و دلیل که آنچه گفتیم آنکس را باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که در
 گوی افتاده بود و از آن بیرون نتوانست رفت و دلیل که در کاری مستور مانده باشد و از آن خلاصی نیابد و اگر بخلاف این
 و دلیل که در سنگاری باید که کوز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کوز از سپید روه چون یازمس بود و خواب غامد باشد و اگر
 سفالین نبود داشت و دلیل که او را کینت می خاصیت و بقدر خوبی کوزه و اگر بینه که کوز آب خورد و دلیل که با کینت جماع کند

و اگر بیند که کوزه شکست دلیل که نیش میر و مغربی رحمة الله علیه گوید کوزه در خواب مال نعمت باشد و اگر بیند که کوزه در پیش و پشت
 او مال خفته حاصل شود و ادا در آن مال تمت باشد و اگر بیند که کوزه سفید و زمین یا قلمی داشت دلیل مال و نعمت باشد و اگر
 کوزه آینه و آینه و آینه دلیل مال بود اما که خسته و صاف و صافی الله علیه گوید و دیدن کوزه در خواب بر نه و همه بود یکی زن و دوم خادم و سوم
 کنیز که چهارم قوام و پنجم صلاح تن ششم عمر و هفتم مال هشتم خیر و نهم میراث از قبل زمان و کوزه او نیز از راه و خواه
 تا ویش بخواب فی بزرگراه و معتبر بود که ساله این میراث رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کوزه از فراغت یا کسی
 دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که کوزه ساله مده بود دلیل که او را دختر آید و اگر بیند که کوزه ساله بخانه برود و برودست لید دلیل که
 اند و بکین شود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوزه ساله در منزل او در آمد و شد و مسک و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کوزه ساله
 و شتی فرا گرفت دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که بر پشت کوزه ساله سوار بود دلیل که با پادشاه عجمی پیوند و از بزرگی یا پیوسته
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوزه ساله وی برود دلیل که فرزندش میرد و اگر کوزه ساله وی ضایع شد دلیل که فرزند از او می افتد و چنانچه
 و اگر بیند که کوزه ساله داشت و از گوشت می خورد و دلیل که میراث فرزند بخورد و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوزه ساله
 سپید بود دلیل که فرزندش مبارک و مستور و توانگر بود و اگر بیند که کوزه ساله ابلق بود دلیل که میان برود و اگر کوزه ساله وی قوی و قوی
 بود و دلیل که فرزندش سندرست و نیک حال بود و اگر ضعیف و لاغر بود و دلیل خلاف این بود که سپید از این سپید رحمة الله علیه
 علیه گوید که سپید و خواب غنیمت بود و اگر بیند که کوزه سپید چنانچه دلیل که برگردی بزرگی و معتبر می یابد و اگر بیند که کوزه سپید از
 بعضی سپید و بعضی سیاه بودند دلیل که آنکس و بعضی عرب باشد و بعضی عجم و اگر بیند که کوزه سپید بسیار رجسته و دانست که کوزه
 اوست دلیل که او مال بسیار حاصل آید و اگر بیند که کوزه سپیدی برگردن گرفته بود دلیل که مؤنت کسی برگردن گیرد و اگر بیند که کوزه
 کوزه سپید چنانچه سپید و دلیل که بقدر آن او غنیمت باشد و اگر بیند که گوشت بریان کرده و سپید و دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بیند
 که از بهر خوردن کوزه سپید شکست دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال می خورد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نیشی فرا گرفت
 یا کسی بوی داد و دلیل که او را بامردی بزرگ صحبت افتد و از وی بزرگی و مال یابد و اگر بیند که نزه میشتی را کلاه برید و اگر دلیل
 که بر مردی بزرگ ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند اگر بیند که بر نیش نشست و مطیع و فرمان بردار بود و دلیل که بر بزرگ
 بزرگ چیره گردد و اگر بیند که بر نیش بروی غالب بود و دلیل خلاف این بود و اگر بیند که سر و پای نزه میشتی شکست دلیل
 که بر آنکه که صفت کردیم غالب شود و اگر بیند که سر و پای نزه میشتی دراز و قوی بود دلیل که ایند و قوی و توانا شود و اگر
 که نیش بر تن نزه میشتی دراز بود دلیل که بقدر آن مال نعمت زیادت شود و اگر بیند که نیش بر تن بسیار حاصل شد و دانست که
 اوست دلیل که بقدر آن بر مردم فرمان دهد و ایشان را زیر دست خود گرداند و از ایشان مال و نعمت بسیار یابد و بعضی بیند
 که بعد و بر نزه میشتی او را سالی بزرگی و شرف یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید مده میشتی و خواب فی بزرگی و کرم بود چنانکه
 حق سبحانه و تعالی در کلام مجید خود در قصه داود علی نبینا و علیه السلام فرمود و قوله تعالی اِنَّ هَذَا لَاجْنٌ کَبِیرٌ

زیرا که تلخ است و در تایل اند و در کشتن این سرین رحمة الله علیه گوید اگر کند سر بسیار و پشت و لیل که بیماری دراز کشد و عاقبت
 شفا یابد که تالی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که کند سر خور و لیل که در پنج و ملا گرفتار شود و اگر بینه که کند سر بینی و اگر گرفت و عطسه نماید و لیل
 حاجتش بر توار می برد کند هم این سرین رحمة الله علیه گوید کند در خواب مال حلال بود که بر پنج مردم رسد و اگر بینه که کند سر بخور و لیل
 که صالح و دیندار بود و اگر بینه بخور و لیل که غمگین شود و اگر بینه که و آن ناشکم او را کند و شکست شده بود و لیل که عمرش تا خورسیده باشد
 که تالی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که خوشامی کند سر بخور و لیل که در اند یار خطا و تنگی پدید آید و تالی سنجع بهشتی است که خوشتر
 و آخر یک است و اگر بینه که کند سر بکشت و لیل که در اند یار حق سبحانه و تعالی مرغ غله از آن کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کند
 در خواب بر سر و وجه و یکی مغز دل شدن از ولایت دوم نصرت سوم غریبی است معیل شدنش ح گوید اگر بینه که کند سر بریان بخور و لیل که
 هیچ شغفت نیابد و اگر بینه که کند سر بوقت خود میدرد و لیل که مالی بسیار برنج حاصل کند و کند سر فروش در خواب دیدن مردی بود که دین بسیار
 افتخار کند کند تا و انیل علیه السلام گوید کند تا در خواب مردی بود که مردم را بدوستی یابد کند این سرین رحمة الله علیه گوید کند تا در خواب
 مال حرام بود که زنده بخت بود و اگر بینه خواب بر سر و صلیع نباشد و لیل که مال حرام حاصل کند و پیوسته سخنان زشت گوید و در خوردن کثرت
 هیچ شغفت نباشد کند و انگس انگبین بود و اگر بینه که کند وانی فرا گرفت یا کسی بوی داد و لیل که رسولی پیش او آید و او را شاد و مان
 که راست یابد و بعد از چهار روز از قبلان آن مقصود و مراد یابد خاصه که بوقت روز دیده باشد کشت این سرین رحمة الله علیه گوید اگر
 که در کشت نشست و از سوی قبله نماز گذارد و لیل که عاقبت تو بکند و بخد و نفعی باز گردد و بدین قوی گردد و بسبب آنکه کشتن عیالی
 عیادت است و اگر نماز سوزی قبله جهودان گذارد و لیل که بر بوی جهودان دارد و تالی رحمة الله علیه گوید اگر خور و در کشت میزد و لیل که
 مردم بیدین کار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین کشت و کلیسا در خواب مردم مصلح را خیر و نیکوئی بود و مردم مفید را
 شتر و مفا و بود که این سرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که بوقت خود و کند سر بخور و لیل که غم و اندوه بوی رسد و خوردن کثرت
 نفع نبود و اگر بینه که کند و پشت و میخورد و لیل که غم و اندوه کمتر باشد کشت این سرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخوابد
 که کشت شده بود و لیل که در ویش و بد حال گردد و تالی رحمة الله علیه گوید اگر خور و در خواب کشت بینه و لیل که نفع و نقصان و برف
 بود چنانکه خوشی سبحانه و تعالی فرموده توله قلتم بکم عقیق فتم لایح جعون جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشتی در خواب بخت
 و جد بود یکی در ویشی دوم بد حالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان عیش پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم نقصان عین و اگر کشتی
 بینه که زبانانش کشته شده شد و لیل که کار بسته بر وی بکشد بینه که این سرین رحمة الله علیه گوید کند در خواب عیال مردم بود و اگر
 که کند نام از بخور و لیل که بعد از آن عیال از مال و بخورند و اگر بینه که کند بسیار بر چهار پایه بود و لیل که مردم از چهار پایه و فایده
 بینه مغزلی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که کند از خور و در می انداخت و لیل که عیال از خور و در کند و اگر بینه که کند از چهار پای خود میگرفت
 و می انداخت و لیل که هیچکس با فایده نرسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین کند در خواب بر سر و وجه بود یکی عیال دوم نه
 چشم سوم مال و خواسته فراوان و اگر بینه که کند میکشت و لیل که با پنج نای که گفتیم نقصانی بود و کشت این سرین رحمة الله

[illegible]

جدا شوند و بعضی متجان گویند که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که هیچ نشانی نمی تواند و لیس فساد و
 و دیانت او بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گوش در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دویم خیر سوم و دویم چپام
 ز قفس چشم پیر ششم غلام هفتم مال خوشه هشتم ترس و سیم گوشواره این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در هر دو گوش
 گوشواره داشت و لیس که او را پیش آرایش و جمال افزون کرد و اگر بیند که در هر دو گوش مروارید گرانبه او نخته بود و لیس که علم و دانش
 بیاموزد و عالم و دانشمند و اگر بیند که در یک گوش مروارید بود و دیگری نبود و لیس که علم و قرآن بیاموزد و زمانی رحمة الله علیه گوید
 بیند که هر دو گوشواره داشت و لیس که بزرگ جاه باید و اگر مردی زن خود را بیند که دو حلقه در گوش داشت یکی از زر و یکی از سیم
 و لیس که بزرگ طلاق و بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گوشواره در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند با جمال و آرایش
 دوم آموختن علم و قرآن سوم بزرگی چهارم غم و اندوه و سبب طلاق و ادن زن که شوکت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
 بخواب بیند که در گوشش شد و لیس که او را مال خوشه حاصل آید خاصه که گوشش از خشک خام و گل بود و اگر بیند که از کف چشم
 و لیس که مال یا برادر و برادر و نقصان بود و اگر بیند که پادشاه و لیس که از پادشاه مال حاصل کند که زمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که گوشش و خواب شد و لیس که مال او تلف شود و اگر بیند که در گوشش آتش بیفتد و لیس که پادشاه او را مصداق در کتب جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید و دیدن گوشش در خواب بر پشت وجه بود یکی نعمت دوم ولایت سوم مرتب چهارم ریاست پنجم بزرگ کاری
 پادشاهی هفتم راهش هشتم شادی و خرمی نهم بلند و نیکوئی گوشش گوید و این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب
 و اندوه بود و در دیدن گوش و خیر و منفعت بود گوش و انیال علیه السلام گوید که گوش در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که گوش
 شده بود و در کتاب چیزی پیش علم میخواند و لیس که در غم و اندوه گرفتار گردد و زیرا که گوش صلاح از فساد و اندوه و معجزان گفته اند که اگر
 خود را گوش بیند و لیس که کارش ضعیف شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوش بر میان کرد و پیش و زنا و
 و میخورد و لیس که وی چیز بسیار باید و آن گوش با حشام بسیار برسد که زمانی رحمة الله علیه گوید که گوش خبری بتا و گوش
 بود و گوش زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بیند که شیر خوار شده بود و لیس که این مقصود باز ماند و اگر مردی بیند که گوش
 شیر سپید و لیس که بوقت زاد و سلامت بود گوید و انیال علیه السلام گوید اگر خود را بگوئی لب بیند و اندک آن گوش که است
 و لیس که مردی بزرگش و در دنیا خور و گیرد و اگر بیند که گوش را از جای خود بر کند و لیس که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بیند که گوش را
 کرد و لیس که از مردی بزرگ غر و جاه یا بد و اگر بیند که بر بالای گوشه می شود و لیس که بزرگی و جاه یا بد و بعضی از متعبران گویند اگر گوش
 بر بالای گوش همیشه و لیس که غم و اندوه بد و رسد اگر بیند که گوشه بزرگ و لیس که بزرگی و جاه و نقصان شود و اگر بیند که بر سر گوش مقام
 و لیس که از پادشاه حرمت یا بد و مقرب شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر گوش میخورد و یا با نکت نماز میخواند و لیس که
 و نیکو شود و مغربی رحمة الله علیه گوید بالای گوشه که گوشش رفتن در خواب و لیس که مقصود وی که در دنیا بد و اگر بزرگ آید و مالیش بخلاف
 این بود و اگر بیند که بر دهن گوشه بیفتد و لیس که اند و بگین شود و اگر بیند که بر دهن گوشه نماز میگذارد و لیس که کاری کند که مضافت بیند

و اگر میند که در کوه مروی از گستان پادشاه با وی بود و دلیل که از پادشاه حرمت یابد و اگر میند که کوه مجنبد و بعد از آن قرار
 گرفت دلیل که از مروی بزرگ در انجا بر خیزد و شفا یابد و اگر میند که کوه رامیکند و کوه کندن بروی آسان بود و دلیل که بزرگو عطا
 یابد و اگر میند که کوه از خاک بود و دلیل که او را با همتری خنفس طبع باشد و اگر میند که بر کوه قاف نشسته بود و دلیل که اجلش فرارسیده باشد
 و اگر میند که بر کوه طور سینا بود و دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مرادش حاصل آید و اگر میند که بر کوه عرفات بود و دلیل که توبه کند
 و از گناه پشیمان شود و اگر میند که بر کوه کعبان بود و دلیل که با علما و صلحا صحبت و از دواگر میند که بر کوه بی تاریک بود و دلیل که او را
 بیم طاعت باشد و اگر میند که بدره شد و دلیل که اجلش نزدیک آید یا نزد آن گرفتار آید و اگر میند که بر کوه بی روشن بود و دلیل که مال او
 استخسار شد و رحمت الله علیه گوید اگر میند که در کوه بی خراب بود که در و سنگها افتاده بود و بدینواری میرفت و تیری انداخت و دلیل که
 او را از پادشاه بنگریم بود و اگر میند که میان دو کوه میرفت و تیری انداخت و دلیل که میان دو مرد بزرگ توسط کند و اگر میند که در
 سوراخی بود و در آن سوراخ شده و دلیل که از راه پادشاه آگاه شود و اگر میند که از آن سوراخ چیزی بیرون آورد و دلیل که از آن پادشاه عطا
 یابد و حافظه متعبر ح گوید اگر میند که بر کوه بی بالا میرفت و دلیل که بخدمت مروی بزرگ مشغول گردد و اگر میند که از کوه بهما سنگ میگرفت
 و هر یک بجای می انداخت و او بزرگ میگرفت و بر کوه مینما و دلیل که ماطا بقصر جمع کند و اگر میند که از کوه بهما و رکن گرفته بود و دلیل
 که خود را کسی بزرگ بندد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر میند که از کوه بزیرافتا و دلیل که مرادش بر نیاید و اگر میند که بر کوه نزدانی از کوه
 و اگر بزرگ بود و بدان زبان بر سر کوه شد و دلیل که مرادش زد و حاصل شود و اگر میند که زبان از کوه پشت خام بود و دلیل که بهتر باشد
 و اگر از منس بود و بد باشد و اگر از برج بود و مرادش بر نیاید و اگر میند که بر سر کوهی بلند ایستاده بود و دلیل که خاص و مقرب پادشاه گردد و
 مال بسیار یابد و حقیقت صادق رضی الله عنه گوید دیدن کوه در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاهی و دوم دینی سوم ظفر چهارم ملک
 پنجم پیشی یافتن که هر این سیرین رحمت الله علیه گوید دیدن کوه بر پنج باب زن با جمال تو انگر بود و اگر میند که گوهری داشت و دلیل که
 دارد و طلاق دهد و اگر میند که گوهر بسیار داشت و دلیل که مال بسیار حاصل کند که تا بی رحمت الله علیه گوید اگر میند که گوهر میرفت و دلیل
 که بخت زنانش مشغول گردد و دلایل کند و اگر میند که بعضی گوهر را سوراخ داشت و بعضی نه داشت و دلیل که دلالتی دختران و دوشیزه و زنان
 بیوه کند و مغربی رحمت الله علیه گوید که بر سفید در خواب فرزند بود و اگر میند که گوهر سفید داشت و دلیل که او را فرزندی آید و حقیقت صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن کوه در خواب بر هشت وجه بود یکی مال دوم علم سوم فرزند معروف چهارم چیزی گران بجهای پنجم زن با جمال
 ششم سخن سفید هفتم خبر و برکت هشتم کار نیکو کردن و چون خداوند خواب تو را نباشد و دلیل پشیمانی بود و گوهر فروش در خواب
 علم و حکمت بود و گوهر این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که در کوه آید و دلیل که خیر و منفعت بوی رسد و حقیقت
 که در مردم مصلح باشد و اگر بخلاف این میند و دلیل که شر و مضرت بدور رسد و مغربی رحمت الله علیه گوید اگر میند که در کوه خیمه فراموش
 و دلیل که غم و اندوه بوی رسد که کسی خواب میند که کسی بوی رسد و دلیل که اندوه بوی رسد و دلیل که اندوه بوی رسد و دلیل که اندوه بوی رسد
 و دلیل که غم و اندوه صبر بود و اگر میند که کسی و دلیل که غم و اندوه بوی رسد و دلیل که اندوه بوی رسد و دلیل که اندوه بوی رسد

و الله اعلم **حرف اللام** لباس چه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لباس چه در خواب دیدن نیکوئی و ناپسندی وین بود و چنانچه
 که سبز باشد و اگر ببیند که لباس چه سمور یا سحاب و اشته و لیل که پناه مردی با و یا نیت بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند
 که لباس چه سبز و اشته و لیل که او را از مردی دیدار با امانت منفعتی رسد و اگر ببیند که لباس چه سفید بود و لیل که از مردی مصلحت
 تو اگر او را نفعتی رسد و اگر لباس چه سرخ بود و پوشید و لیل که از مردی محاشرت بقدر بهای آن او را منفعت رسد اگر
 لباس چه زرد و اشته و لیل که بپار کرد و اگر لباس چه بنفشه بود و پوشید و لیل که اندوه و مصیبت یابد و اگر لباس چه سیاه پوشید
 اگر قاضی یا خطیب بود و لیل که خیر و نیکی یابد و اگر خلاف این ببیند و لیل که مضرت و بیزاری یابد و همچنین اشعث رحمه الله
 علیه گوید لباس چه دیبا مرد و از نقصان دین بود و زنا تراشاده بود و لباس چه عنابی مرد و از زنا نیک باشد خاصه
 سفید و فراخ بود و لیل بر خیر و نیکی بود و تنگی لباس چه در خواب نقصان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لباس چه که پنهان
 و مرد و از نیک بود و لباس چه در خواب بر چهار وجه بود یکی زمان و دوم امانت داری سوم صلاح کار و چهارم خیر و منفعت
 لباس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که لباس تابستان بزمستان پوشیده بود و لیل که مالش زیادت شود
 و اگر سیم عظیم بود و سید لیکن انجامش نیکو باشد و اگر زنی ببیند که لباس مردان پوشیده بود و لیل که بشویش خیری رسد
 که مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی لباس خود را بدتر از آن ببیند که در بیداری بود و لیل که کارش بد شود و اگر برتر ببیند که
 و اگر بر خود لباس بهتر از آن ببیند و لیل که بهتر شود و اگر بر خود لباس فاسقان ببیند و لیل که گناه بسیار کند و اگر ببیند که لباس
 سلطانین و اشته و لیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر ببیند که لباس علما پوشیده بود و لیل که از علم بهره یابد و اگر
 حدوین و اشته و لیل که از دنیا دست بردارد و اگر ببیند که لباس نوکران و اشته و لیل که بجمع کردن مال چریس بود و اگر ببیند که لباس جودان یا پادشاه
 و اشته و لیل که مالش ایشان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بین لباس در خواب بر هفت وجه بود یکی دین پاک دوم تو اگر نیکو
 و عو جاه و چهارم منفعت پنجم عیش و شرم عمل نیکو و ششم عمل خاوه و هفتم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لباس و خواب
 و دین و لیل بر بر آمدن حاجات بود و لباس نیرین بهتر از لب بالا باشد و بعضی از متعبران گویند لب در خواب خجسته
 و قریبات بود و اگر ببیند که لب بالائی وی از جازایل شد و لیل که مال وی و زوال شود و لب نیرین همین تاویل دارد و اگر
 ببیند که لب بالائی وی برید و لیل که زیر اطلاق و بدایزن او را هلاک کند و اگر بر لب خاوه ببیند و لیل که او را مصیبت
 رسد از جهته مادر پدر و نیز گویند که غماز بود و اگر لبهای خود را در دهنش بیند و لیل که عکس شود و اگر ببیند که لبها خشک
 ووشید و چون که باز نتوانست شود و لیل که کارش بسته گردد و اگر زنی بر لب خود خالی سیاه ببیند و لیل که غوازی یابد
 که دو مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که لب خود را بدندان گرفت و خسته کرد و لیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه
 بیم هلاک بود و اگر ببیند که لبها شش آسید و بود و لیل که مال وی زیادت شود و اگر ببیند که لبها سرخ شده بود و لیل که
 روگرد و اگر ببیند که لبها شش سبز یا سفید بود و لیل که بسبب دوستان غم خورد و اگر ببیند که لبها شش سیست و ضعیف بود

و دلیل حالش بد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لب بالا و دلیل بر پسران بود و لب زیرین دلیل بر دختران بود
 الحاف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید الحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بیند که الحاف نداشت دلیل زن
 خواهد و اگر بیند که الحاف نوبخیرید دلیل که کینه کی و دشمنی و بجزه بخور و اگر بیند که الحاف او ضایع شد و دلیل که زنا اطلاق و در
 و الحاف دریده و چرکین بود دلیل که عیالش سلیطه و ناسازگار بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که الحاف
 نداشت دلیل که زنی ویندارد و توانگر خواهد و اگر بیند که الحاف سفید بود دلیل که زنی توانگر
 و پارسا و زار بود و اگر بیند که الحاف سرخ بود دلیل که زنی حطاب را دوست دارد و اگر الحاف
 زرد بود دلیل که بر زنی بیارگون باشد و اگر الحاف اولون بود دلیل که زنی شش مکاره و فریبده بود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن الحاف در خواب چون نوباشد بر تنه وجه بود یکی زن عالم
 و دوم دختر و دشمنی سوم لرزیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لرزش میلرزد
 و دلیل که در امانت واری ضعیف بود و اگر بیند که سروی میلرزد دلیل که از عاقلش زیان رسد
 و اگر بیند که قفایش میلرزد و دلیل که زنیست و آهستگی ندارد و اگر بیند که دستهای وی میلرزد
 و دلیل که نیکبخت بود و اگر بیند که سینه وی میلرزد و دلیل که سختی است و که اندوگین شود و اگر بیند که شکم وی میلرزد و دلیل که
 از مردی که قوت او بود و پناه او بود و بخی بود و اگر بیند که پایش میلرزد و دلیل که در سفر بخی بود و اگر بیند که اندامش
 میلرزد و دلیل که بسبب مرادی که در پی آن بود و بخی و سختی بیند و انیال علیه السلام گوید لرزیدن اندامها در خواب ترس و بیم بود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم
 حضرت بیماری لرزیدن چشم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که آسمان لرزید و دلیل که در اندیشه
 و ظلم و فساد بسیار شود و اگر بیند که آفتاب و ماه لرزید و دلیل که پادشاه آندیا را رنج و مضرت رسد و اگر بیند که ستارگان
 لرزید و دلیل که آشوب در نزدیکیان پادشاه افتد و اگر بیند که زمین میلرزد و دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بیند که کوه
 و دلیل که پادشاه آندیا را مضرت رسد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عرش میلرزد و دلیل بر فساد و بی و پانتهی ملکا بود
 و اگر بیند که لوح و قلم میلرزد و دلیل بر بد حالی و بیزاری اهل علم بود و اگر بیند که بهفت آسمان لرزید و دلیل که عذاب خشم باری سبحا
 و تعالی بسبب فساد و بر اهل آندیا بود و اگر بیند که ماه و آفتاب بر جهت ستارگان میلرزد و دلیل بر جنگ و خصومت
 پادشاه آندیا و قتل و خونریزی بود و اگر بیند که کوشک یا سرای پادشاه لرزید و دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع رسد و اگر
 بیند که تری لرزید و دلیل بر مصیبت و فساد بود و لشکر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لشکر در جایگاهی بود یا کوره
 و دلیل که اهل آن موضع را کندی رساند و اگر لشکر آهسته بیند و دلیل بر قوت و نصرت آندیا که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود
 که لشکر از آن بود و اگر لشکر اهل آن موضع لرزید و دلیل بر ضعف و عجز آن پادشاه بود و مردم آن شهر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر

لشکر در خواب بر پنج وجه بود یکی پنج و دوم میل سوم با دخت چهارم چنگل و پنجم با دخت لعل این سیرین رحمه الله علیه گوید
 لعل در خواب بی باجان تو آنکه بود و اگر بیند که لعل آشتی فراگرفت یا کسی بوی داد یا بخیزد دلیل که بدین صفت که لغتیم فی بخواب یا کسی که
 پاکیزه و خرد و اگر زارش باشد و خری با جمال لطیف صورت زنده و اگر بیند که لعل بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند لیکن در دین
 کرده بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی آشنا با او لعل بود یا دلیل که بقدر و قیمت آنتری تا آنکه از خویشان خود خواهد و اگر بیند
 که بیکانه او را با لعل داد دلیل که زنی مجهول بدین صفت خواهد و اگر بیند که جوانی با او لعل با و داد دلیل که مال حاصل کند چنانچه
 رضی الله عنه گوید و دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن و دوم کنیز سوم منفعت چهارم مال دنیا و دختران لعوق
 العییدن بود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که طعم آن شیرین و خوشبوی بود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بیند که چون لعوق
 و لعوق مملو از و لعوق خشخاش و آنچه بیان ماند اگر تلخ و ترش بود بوی نامحسوس داشت دلیل بر شر و ضرر باشد مغربی رحمه
 الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و اگر ترش بود تا ویش بخلاف این بود و افحاح الشما
 و مستنویه را گویند این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دستنبویه بخورد و دلیل که بیمار شود و اگر کسی داد آن کن بیمار گردد و اگر بیند که
 افحاح را بوی میگرد دلیل که سخنهای خوش شنود و اگر بیند که افحاح بسیار داشت دلیل که مال و خواسته باید جعفر صادق رضی الله عنه
 افحاح در خواب بر شش وجه بود یکی سخن خوش و دوم مال سوم فرزند چهارم و دست پنجم رفیق ششم غلاف لعل این سیرین رحمه
 علیه گوید لعل در خواب بر وی با حسب و نسب و از او و خاقانیش بود و اگر بیند که لعلی گرفت یا کسی بویاد دلیل که او را
 یا کسی بدین صفت صحبت افتد و اگر بیند که لعلی را بکشت دلیل که دشمنی بزرگ بردست وی ملاک شود و اگر بیند که لعلی با وی
 سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و از محقری او را منفعت رسد و اگر بیند که لعل بر بام و نمی نشست
 و دلیل که مهنری در خانه نوی و را آید و اگر بیند که لعل از دست وی برید دلیل که آن صحبت مردی و بهقان جدا ماند و اگر بیند
 که گوشت لعلی بخورد دلیل که بهقان مال و بهقان خود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لعلی در خواب بر چهار وجه بود یکی
 مردم و بهقان و دوم پادشاه و صنیف سوم با سبب چهارم غریبی و درویشی بود لقمه این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند
 که لقمه شیرینی از طعام کسی در دهان او نهاد دلیل که آنکس سخن خوش بدو گوید و اگر آن لقمه غلیظ و ترش بود تا ویش بخلاف این بود
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لقمه لذیذ و شیرین در دهان وی نهاد و صلیح بود دلیل که مال حلال یا بدو اگر بیند که لقمه پرا
 گرم در دهان وی نهاد دلیل که از سخن کسی در بلا افتد و اگر لقمه در دهان وی آسان شد تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید لقمه در خواب در دهان نهادن بر سه وجه بود یکی بوی خوش دادن و دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت بقدر لقمه
 لقمه این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که وی از غلت لقمه کج شده بود دلیل که نزد مردم حقیر و خوار شود و اگر
 بیند که رویش پاکیزه و نیکو بود دلیل که نزد خلق عزیز و گرامی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقمه در خواب دلیل بر ساقی بود
 که میان مردم سخن نفاق گوید و اگر بیند که لقمه شده بود دلیل بر آشکار شدن علت و نقصان دین بود لکام بن سیرین رحمه

علیه گوید اگر بیند که گام بشکست یا ضایع شد دلیل که شرف و بزرگی او نقصان شود و اگر بیند که گام بر سر داشت چنانچه سپاه
را باشد دلیل که روزه و ازاد و از کانه تو بکند و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر کسی که با بکار و بدست کار تر بود گام در
و دانش رود و مغربی رحمة الله علیه گوید گام در خواب بر سر بنده نیکو بود که پیوسته بفرمان خواجه باشد و بر سر ازاد نیکو نبود و گویند
که بیننده خواب با اوب و فرزندش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین گام در خواب بر سر نه وجه بود یکی شرف و بزرگی
دوم روزه داشتن سوم اوب و فرزندش و گام فروش در خواب بر کارهای ولایت باشد لکن زون این سه چیز
علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که کسی را لک زد و دلیل که از وی یا از خویشانی او از زیان رسد و اگر بیند که کسی را لک زد و دلیل که در
شرف و بزرگی او نقصان پیدا یابد و بعضی از متبحران گویند بفساد و مشغول گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی او را لک زد
و دلیل که بسبب زنی ناز و بگلین شود و اگر بیند که کندی پیری لک زد و دلیل که مالش تلف شود و اگر بیند که شتر او را لک زد و دلیل که از شتر او
محتشم او از زیان رسد و اگر بیند که خری او را لک زد و دلیل که در سفر او از زیان و حضرت رسد و اگر بیند که گاو او را لک زد و دلیل که در شتر او
او از زیان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لک زدن در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم حضرت سوم غم و اندوه چهارم
فساد و خیال لک این سه برین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که لک داشت و دلیل که از کسی فرومایه او را نفع رسد و اگر بیند
که لک را برایش نداد و دو و دو میکرد و دلیل که نامش در آید یا برین ششتر گردد و اگر بیند که لک بخورد و دلیل که غمگین شود و اگر بیند که
در دست و می بود و ملک محکم میکرد و دلیل که در میان دو کس مصالح پیدا کند و بسیار برین رحمة الله علیه گوید که لوبیا در خواب
بوقت خوردن اگر بیوقت نخورد یا غم و دلیل غم و اندوه بود و لوح محفوظ این سه برین رحمة الله علیه گوید که لوح محفوظ باطن و عل عالم
با امانت بود که مال خود را در راه حق تعالی صرف کند که کافی رحمة الله علیه گوید که لوح محفوظ باطن و عل علم و حکمت و قرآن باشد
بیند که لوح محفوظ کوحکمت و حقیر بود و دلیل که حال او بد بود و اگر بیند که بقلع بر لوح محفوظ چیزی می نوشت و دلیل که کاشن نیکو گردد
بیند که بر لوح محفوظ میرفت و دلیل که او را با پا و شباهی بزرگ شغل افتد و در آن فرمان روا گردد و اگر بیند که نام وی بر لوح محفوظ
بود و دلیل که اجلش رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین لوح محفوظ و خواب بر شش وجه بود یکی زیادت دوم پسر سوم
علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم و حکمت و نور پنجم این سه برین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که لوزینه بشکند و دلیل که
سنا و دلیل که از کسی سخنی لطیف شنود و اگر بیند که لوزینه بسیار خورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که لوزینه کسی را بکشد
و یا سخنی خوش گوید یا از بهر و کاری نیکو کند مغربی رحمة الله علیه گوید لوزینه خوردن در خواب دلیل مال نعمت بود و اگر بیند که لوزینه
یا خرید یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال نعمت از حلال باید و خرج کند و اگر بیند که لوزینه کسی داد و دلیل که از وی بزرگ مال
رسد و اگر بیند که لوزینه ضایع شد یا بدزدید و دلیل که آن نقصان مال بود لکن شدن این سه برین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که لک شده بود و دلیل که کار با طلب کند از خیر و شر و دست و ضعیف بود و توانائی ندارد و بعضی از متبحران گویند اگر کسی خواب
لک و حقیر بیند و دلیل که بچشم مردمان خوار و حقیر گردد و کافائی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب و لک بیند و دلیل که رزین و شکسته

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

بود و مقصودش بر نیاید و اگر بیند که خود را بعد از آنکه ساخت دلیل که از کسی بجهت کار معیشت خویش یاری خواهد و اگر بیند که
 لنگ شده بود و بعضا میرفت دلیل که از کسی یاری خواهد که مردم بروی اعتماد کنند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که
 بقصد خود را لنگ ساخت دلیل که بظا هر بر کسی اعتماد کند و اعتقادش حقیقی نبود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی
 خود را بدو پای لنگ بیند چنانکه بدو دست چوب گرفته بود و میرفت دلیل که شغل که خدائی در ویش عاجز بود و در دست بود
 و اگر بیند که از بهر خاری که در پای او رفته بود راست نیتوانست رفت دلیل که از آنرا کس این کرد و اگر بیند که در بر دو
 پای وی خا بر دو آما سیده بود و نمی لنگید دلیل که دشمن بروی حسد بر دو مال و جاه وی زیادت شود و تمحیل اشغیل
 الله علیه گوید اگر لنگ خواب بیند که پای او درست شد چنانکه نمی لنگید دلیل که کارهای بسته بروی کشاده گردد و از امر
 که نویسد باشد بیا بدو کارش نظام گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لنگی در خواب بر پنج وجه بود یکی سستی در کار
 و دوم نادرای سوم در ویش چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش و بیدار خواب خند و شکار خانه که اصلش ترس بوده
 و اگر بیند که در دست لوبیدی نو و بزرگ بود و دلیل که خدمتگارش با امانت بوده باشد و اگر لوبیدی کهنه و چرکین
 و کوچک بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که لوبی بقیقا و بیشکست دلیل که خدمتگارش بمیر و کربانی رحمة الله علیه
 گوید اگر بیند که لوبی را سوراخ شده بود و دلیل که خدمتگارش بهیار شود و اگر بیند که لوبی را آبی صافی بود و دلیل که خدمتگارش
 منفعت رسد و اگر بیند که لوبی پیش پر خور و بی بود و دلیل که بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لوبی خود و دلیل
 از خدمتگارش خیر و منفعت رسد لیمو این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بوقت چون زرد
 بود دلیل بهاری و در و پنج بود و چون سبز بود غم و اندوه کشته باشد و در دیدن و خوردن لیمو خیر و منفعت نبوده
 اعلم بالصواب حرف المیم مار این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواه پنهانی بود و اگر
 بیند که در خانه وی مار بود و دلیل که دشمن خانگی بود و اگر در صحرا بیند دلیل بر دشمن نیگانه بود و اگر بیند که با حنظل
 و غیره میکرد و دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار بروی چیره شد و دلیل که بر دشمن ظفر نیاید و اگر بیند که مار
 او را بگزد و دلیل که از دشمن مضرت یابد و اگر بیند که مار را بکشت و دلیل که دشمن اقرار کند و اگر بیند که گوشت مار خورد
 و دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و خیر و خرمی بیند و اگر بیند که مار بر باد و در و دلیل که از دشمن و او خود بستاند و اگر بیند
 که هر دو نیمه را ذر گرفت و دلیل که مال دشمن فرا گیرد و اگر بیند که مار با وی بلطف سخن گفت دلیل که بر او عجب کاری پدید آید
 که از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بروی به تنه تنی و زشتی سخن گفت دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر ماری مرده بیند
 و دلیل که حق سبحانه و تعالی شر و آفت از وی بگرداند بی آنکه بجای بوی رسد و اگر بیند که مار مطیع او بود و دلیل که جاه و بزرگی
 و اگر بیند که مار از وی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بر ضعف دشمن بود و اگر بیند که ماری سبز بود و دلیل که دشمنی دیندار
 امانت بود و اگر بیند که ماری سیاه و ماران یک بود و دلیل بر لشکری بود و اگر ماری زرد بود و دلیل بر دشمنی بیایرگون باشد و اگر

بود دلیل بر دشمنی حرب و دوستی معاش بود و اگر بیند که با رباها داشت دلیل که دشمن او قوی و دلاور باشد و اگر بیند که با رباها
 در پیش وی جمع شده بودند و کز نادر برساتیدند دلیل که او را دشمن از خویشان خود بود و بسیار باشند و لیکن از ایشان مقصود
 و اگر بیند که ماران سرونها و دندانها داشتند دلیل که دشمن او سینه دار و بدسیرت بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با
 از پیشانی یا از گوش یا از پستان یا از قصب یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار از دانه یا از پستان
 آمد دلیل که سخنی گوید که برادران و یا با او شده است و حیل شبت حمله الله علیه گوید یا از قصب دشمن بود و مار بسیار سبز رنگش لشکری
 باشد و اگر بیند که از مار میگریخت و مار او را ندید دلیل که ریش و خرمی باید و اگر بیند که مار او را بگرفت و گزندگی نکرد و پس که بزرگی یا
 وار دشمن این گروه و خلفه صفهانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماری سبز او را مطیع شد دلیل که بجای باید و اگر بیند که از آستین او
 ماری بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار بیکشت و خوش درخورد دلیل که مال دشمن باید و اگر بیند که بر سر خود و مار
 دلیل که دشمن میزد و اگر بیند که مار از گریبان یا از دندان او بیرون آمد و زمین فرو شد دلیل که هلاک کرد و در خار مار در خواب دشمن ضعیف بود
 صدا و تنی الله علیه گوید و در خواب برده بود یکی نهادنی در دم زندگانی سوم سلامت چهارم پارسای پنجم سپهسالاری ششم شتر
 دولت ششم مرکب پنجم سپه و هم سیلاب مار چوبه اگر بیند که مار چوبه از زمین جمع میکرد و بوقت خود دلیل که بقدران او
 منفعت رسد و اگر بیند که مار چوبه خام میخورد و دلیل بر ضررت و بچ بود و قشیش این سیرین رحمة الله علیه گوید و دیدن مار
 در خواب دلیل بر بخت و مضرت و بیماری بود و دیدن او در خواب خیر نباشد مار و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
 درخت مار و جمع کرد و دلیل که بخت و سختی مال حاصل کند و اگر بپار بیند که بخور مار و داشت دلیل که مال کرده بود و اگر بیند
 که مار و میخورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر مار و زود بود دلیل که بر بیماری بود و اگر سبز و سیاه بود دلیل غم و اندوه بود و جعفر
 رضی الله عنه گوید مار و در خواب بر چهار وجه بود یکی مال کرده و دوم غم و اندوه سوم بیماری چهارم رنج و سختی مار و یون
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مار و یون در خواب در وقت و بیوقت دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن نقصان مال
 هلاکت تن بود و دیدن وی خیر نباشد ماست ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماست شیرین در خواب دلیل خیر و منفعت
 و ترش غم و اندوه بود و انبیا علیه السلام گوید ماست مالی بود که در سفر حمل شود و اگر بیند که ماست بخورد و دلیل که مال از دست
 حاصل کند خاصه که شیرین بود و اگر بیند که از ماست سکه بیرون آورد دلیل که بقدر آن او مال حاصل شود و کوفتی رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر بیند که ماست شیرین میخورد و دلیل که مال حلال بدست آورد و ماست ترش غم و اندوه بود و ماست ابن سیرین رحمة الله علیه
 علیه گوید ماست در خواب اگر خفته بود دلیل که اندک خیر بدو رسد و اگر خام خورد و بگین شود و اگر بیند که ماست در خانه گذاشت
 و بر دم و او دلیل که بنیم کرد و کوفتی رحمة الله علیه گوید ماست در خواب چه خفت و تر و خام یا پخته دلیل غم و اندوه
 باشد ماکیان مرغ خانگی بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید ماکیان در خواب دلیل بر خادوم و کینه بود و اگر بیند که مرغ
 خانگی بخرد یا کسی بپزد و دلیل که کینه بخورد و یا خادومی بزد و اگر مرغی خانگی بسیار و بقیاس داشت دلیل که ریاست و سرور بود

ح

ح

ح

ح

ح

ح

یابد و اگر بیند که گوشت ماکیان خور و دلیل که بقدر آن ماه نعمت از خدا مان یابد و اگر بیند که ماکیان را بکشت دلیل که کیست
بشاند و اگر بیند که بچه ماکیان را بکشت دلیل که فرزند او یا فرزند غلامش یا کینک او تبلائی گرفتار شود و اگر آتی رحمت الله علیه
اگر بیند که خانه ماکیان را یافت دلیل که او را در حشری آید یا مالی از خدا مان حاصل کند مغربی رحمت الله علیه گوید ماکیان در جز
زنی با جمال بود و ماکیان سیاه بهتر از ماکیان ابلق بود و اگر بیند که ماکیان در خانه وی همچون خروس بانگ کرد و دلیل که شش یا خوش
شود و اسمعیل اشعث رحمت الله علیه گوید بچه ماکیان در خواب برسته و جگر بود یکی زن با جمال دوم کینک سوم خادم مامیس این
سیرین رحمت الله علیه گوید مامیس در خواب دلیل بر بیماری کند که ویرانان خیر و صواب حاصل شود اما عیسا ابن سیرین رحمت الله علیه
گوید مامیس در خواب اگر بوقت یا بوقت دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن مامیس با خواب خیر نباشد ماه وانیال علیه السلام گوید
در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت یا او را ملک خود دید و دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد
و اگر بیند که ماه جنگ بر دمیگر و دلیل که با وزیر خصومت کند و اگر بیند که بجایگاه ماه مقیم شد دلیل که او وزیر پادشاه
گردد و اگر بیند که نوز ماه بست و دلیل که وزارت یابد و اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت و نور و شمع داشت نیز تاریک
بنود و دلیل که از غنای فرج یابد و اگر بیند که تیره و تاریک بود و بجای خود نبود و دلیل که وزیر پادشاه بجای محتاج وی گردد و اگر بیند
رحمت الله علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود و خاصه که بدر بود و اگر بیند که ماه بدو نیم شد و دلیل که وزیر یا پادشاه
و اگر بیند که ماه بادی سخن گفت دلیل که مردم از وی تظلم کنند و او خود خواهد بود و اگر بیند که ماه موی سخن گفت دلیل که ولایت یابد
و اگر که دو ماه بایکدگر جنگ میکرد و دلیل که دو پادشاه با هم بجنگ کنند و اگر بیند که از آن دو ماه یکی بغیا و با پاره پاره و نقصان
شد و دلیل که از آن دو پادشاه یکی پادشاهی بیفتد مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کف گرفته بود و دلیل که
زن خود بدو اگر ماه هلال بود و دلیل که زن بر اصل نسب از او کمتر باشد و اگر ماه بایک نیمه شد و دلیل که زن از اصل مولادگان باشد
و اگر ماه بدر بود و دلیل که آن زن باصل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری بدیصفت بخوابد و اگر
که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی تافت و دلیل که از آن خانه زن خواهد و منفعت از ویابد و اگر بیند که چیزی ماه را پسنداند
که پادشاه بر وزیر متغیر شود و اگر بیند که ماه مخف شده بود و دلیل که حال وزیر بد باشد و معزول گردد و اگر ماهی رحمت الله علیه
اگر ماه بدر و منور بیند موضع خویش و نورش مقابل خانه وی تافت و دلیل که اهل آن خانه از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت بینند
و اگر ماه بدر بود و تاریک بیند دلیل که او را بچ و کراست رسد و اگر ماه هلال از مطلع خویش برآمد لیکن نه با قله نورش زیاده
شد یا بدر کشت و دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ماه هلال نه از موضع خود برآمد و دلیل که از وی فرزندی آید یا
کاری صاحب اندک که مردم از آن غم و اندوه باشد و بعضی از متبحران گفته اند که اگر کسی ماه را بخواب بیند و دلیل که پادشاه
و یا بر اسپری آید و اگر نور ماه را بد بیند دلیل که آن پسر را زندگانی و اندوه و اگر ماه را بدر بیند دلیل که عمرش متیان بود و اگر ماه نقصان
بیند و دلیل که بجز دست پادشاه یا وزیر مشغول نشود و اسمعیل اشعث رحمت الله علیه گوید اگر بیند که ماه را بدست گرفت یا بکند روی

باید و اگر بیند که گوشت ماکیان خور و دلیل که بقدر آن ماه نعمت از خدا مان یابد و اگر بیند که ماکیان را بکشت دلیل که کیست
بشاند و اگر بیند که بچه ماکیان را بکشت دلیل که فرزند او یا فرزند غلامش یا کینک او تبلائی گرفتار شود و اگر آتی رحمت الله علیه
اگر بیند که خانه ماکیان را یافت دلیل که او را در حشری آید یا مالی از خدا مان حاصل کند مغربی رحمت الله علیه گوید ماکیان در جز
زنی با جمال بود و ماکیان سیاه بهتر از ماکیان ابلق بود و اگر بیند که ماکیان در خانه وی همچون خروس بانگ کرد و دلیل که شش یا خوش
شود و اسمعیل اشعث رحمت الله علیه گوید بچه ماکیان در خواب برسته و جگر بود یکی زن با جمال دوم کینک سوم خادم مامیس این
سیرین رحمت الله علیه گوید مامیس در خواب دلیل بر بیماری کند که ویرانان خیر و صواب حاصل شود اما عیسا ابن سیرین رحمت الله علیه
گوید مامیس در خواب اگر بوقت یا بوقت دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن مامیس با خواب خیر نباشد ماه وانیال علیه السلام گوید
در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت یا او را ملک خود دید و دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد
و اگر بیند که ماه جنگ بر دمیگر و دلیل که با وزیر خصومت کند و اگر بیند که بجایگاه ماه مقیم شد دلیل که او وزیر پادشاه
گردد و اگر بیند که نوز ماه بست و دلیل که وزارت یابد و اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت و نور و شمع داشت نیز تاریک
بنود و دلیل که از غنای فرج یابد و اگر بیند که تیره و تاریک بود و بجای خود نبود و دلیل که وزیر پادشاه بجای محتاج وی گردد و اگر بیند
رحمت الله علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود و خاصه که بدر بود و اگر بیند که ماه بدو نیم شد و دلیل که وزیر یا پادشاه
و اگر بیند که ماه بادی سخن گفت دلیل که مردم از وی تظلم کنند و او خود خواهد بود و اگر بیند که ماه موی سخن گفت دلیل که ولایت یابد
و اگر که دو ماه بایکدگر جنگ میکرد و دلیل که دو پادشاه با هم بجنگ کنند و اگر بیند که از آن دو ماه یکی بغیا و با پاره پاره و نقصان
شد و دلیل که از آن دو پادشاه یکی پادشاهی بیفتد مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کف گرفته بود و دلیل که
زن خود بدو اگر ماه هلال بود و دلیل که زن بر اصل نسب از او کمتر باشد و اگر ماه بایک نیمه شد و دلیل که زن از اصل مولادگان باشد
و اگر ماه بدر بود و دلیل که آن زن باصل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری بدیصفت بخوابد و اگر
که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی تافت و دلیل که از آن خانه زن خواهد و منفعت از ویابد و اگر بیند که چیزی ماه را پسنداند
که پادشاه بر وزیر متغیر شود و اگر بیند که ماه مخف شده بود و دلیل که حال وزیر بد باشد و معزول گردد و اگر ماهی رحمت الله علیه
اگر ماه بدر و منور بیند موضع خویش و نورش مقابل خانه وی تافت و دلیل که اهل آن خانه از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت بینند
و اگر ماه بدر بود و تاریک بیند دلیل که او را بچ و کراست رسد و اگر ماه هلال از مطلع خویش برآمد لیکن نه با قله نورش زیاده
شد یا بدر کشت و دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ماه هلال نه از موضع خود برآمد و دلیل که از وی فرزندی آید یا
کاری صاحب اندک که مردم از آن غم و اندوه باشد و بعضی از متبحران گفته اند که اگر کسی ماه را بخواب بیند و دلیل که پادشاه
و یا بر اسپری آید و اگر نور ماه را بد بیند دلیل که آن پسر را زندگانی و اندوه و اگر ماه را بدر بیند دلیل که عمرش متیان بود و اگر ماه نقصان
بیند و دلیل که بجز دست پادشاه یا وزیر مشغول نشود و اسمعیل اشعث رحمت الله علیه گوید اگر بیند که ماه را بدست گرفت یا بکند روی

دلیل که فرزند می عالم و دانا اورا آید و اگر این خواب کسی را مقربان پادشاه بیند و دلیل که او پادشاه شود و اگر بیند که ماه و آفتاب و کواکب
 ستارگان فرا گرفت و همسیره و وسیله بود و دلیل که بیند خواب بیاک شود و اگر مصحح بود و در غم و اندوه افتد یا بیند که بکار
 و عاقبت شغاف یا بد جعفر صادق صلی الله علیه و آله دیدن ماه در خواب بر بخت و وجه بود یکی پادشاه و دوم وزیر سوم بدین چهارم
 رئیس پنجم شرف و جاه ششم دوست هفتم کینه و بدین هشتم غلام نهم کار باطل و دهم والی یازدهم عالم معتمد و دوازدهم مستر بزرگ
 سیزدهم پدر چهاردهم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هیجدهم همسر گوازی ماهی و انبیا علی علیه السلام گوید ماهی در خواب
 در و یا گرم سیر بلا سختی بود و در سرد و سیر یا ویش بخلاف این بود چون ماهی تازه و بزرگ بسیار وید و دلیل بر مال غنیمت است
 و اگر ماهی خور و بیند غم و اندوه یا بد و اگر در شکم ماهی مرور یا دید یا یافت دلیل که او را پسری آید این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
 شکست یا شور کسی بود یا دلیل که از پادشاه بزرگی او به حضرت رسد و اگر ماهی شور خور و دلیل که غلام بوی حضرت رسد و بعضی گویند
 که ماهی شور بریان کرده بتاویل سفر و طلب علم یا صحبت مردی باشد و خوردن ماهی خور و خدمت باشد و اگر بیند که چیزی
 از اندام ماهی چون خون و استخوان و آنچه در شکم ماهی باشد بیافت دلیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد و اگر بیند
 که در دریا ماهی گرفت و بزرگ بود و دلیل که از اهل کسی زنی بخواهد که او را مال بسیار باشد معترقی رحمة الله علیه گوید ماهی تازه بزرگ
 کرده بخواب مال و نعمت باشد زیرا که ماهی تازه انجمه طعامی بهشت است و بر خوان بود که از بهر عیسی علیه السلام آسمان
 آورده اند و الله تعالی و کتابنا انزل علینا ما یکفیکم التمسکاء اگر بیند که از دمان ماهی بیرون آید دلیل که خنثی دروغ و کار می
 و اگر ماهی از قصب و بی بیرون آید و دلیل که او را دختری آید و اگر زنی بیند که از دمان وی ماهی بیرون آید دلیل که اندک بخت شود و اگر
 بیند که از دریا ماهی گرفت و دلیل که از مردی بزرگوار مال و نعمت یا بد و اگر بیند که ماهی تازه میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و دلیل
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهی خروشی میکرد و دلیل که او را و کسان او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ماهی از خوض یا از جوی بیرون
 و دلیل که از مردی عامه بکر و حیلت چیزی بستاند و اگر بیند که ماهیان دریا یا آب و سخن در آید و دلیل که راز از پادشاه آشکارا گردد و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن ماهی در خواب بر شش وجه بود یکی وزیر دوم لشکر سوم دختر و شیر چهارم غنیمت پنجم غم و اندوه ششم کینه
 ماهی خواره این سیرین رحمة الله علیه گوید ماهی خواره در خواب نشان بود و اگر بیند که ماهی خواره را گرفت یا کسی بوی داد و دلیل
 زن خواره اگر بیند که ماهی خواره از دست وی ببرد یا ضایع شد و دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که گوشت ماهی خواره میخورد
 و دلیل که بقدر آن مال صرف کند معترقی رحمة الله علیه گوید ماهی خواره بتاویل غم و اندوه باشد و سیر و سوان باشد این سیرین رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر بیند که بهر دی و شب و رنگ بدان میزد و دلیل که کاری مشکل بر وی کشا دهد و خاصه که این ملک باشد و باشد و اگر بیند
 که آسمان روشن پاکیزه را در آنجا بخیر میزد و دلیل که کاری کند که در آن زیان و ضرر بیند و بعضی گفته اند که بهر سخن نرم باشد
 و اگر بیند که میر و او شکست یا ضایع شد و دلیل که کاری طلب کند و بدست وی با صلاح نیاید معترقی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که کسی از آفتاب یا خورشید بهر در و سخن میکرد و دلیل که چیزی از وی بخواهد و می رسد یا شغل خاوش بسبب و یا از خلاصی یا بد

سی

سی

سی

مطهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطهره نو داشت دلیل که از سفر او اخیر منفعت رسد و اگر بیند که مطهره کهنه و دور
 بود وایش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مطهره در خواب برشته و جد بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی مشتمل بر
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که برشته چوبی یا درختی سوراخ میگرد و دلیل که بکار و حیل از وی چیزی بستاند و بعضی از اعتبار گویند
 که مقصودش حاصل شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که برشته اندام کسی را سوراخ میگرد و دلیل که بکار و حیل و یکدیگر را در طلب
 مجلس علم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در مجلس علم نشسته بود و عالم بر کسی قرآن میخواند و تفسیر قرآن و اخبار و تو حید
 میگفت و دلیل که اگر آن جایگاه را عمارت محکم کند که خلاف شریعت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در مجلس علم میگرد و دلیل
 بکار دنیا مشغول شود و از آن پشیمان گردد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که محکم نشود و اگر او را در مجلس علم حالی بدید و پیشکش
 چنانکه عقل از وی برسد و دلیل که او را کاری پیش آید که در آن کار گسترده و بخت شود و اما سر انجام آن نیز بود مجلس شراب ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مجلس شراب بود و شراب بخورد و دلیل که بفساد و حرام مشغول شود و اما رضا و دگر بیند که در مجلس شراب
 و چنانکه چنان بود و دلیل که او را غم و اندوه باشد یا با کسی خصومت کند و حجره عود سوزد و و شمع آن در عرضین گفته اند
 حجره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر حجره در خواب بیند و دلیل برنی پاک دین و عالمه بود و اگر بیند که حجره داشت دلیل که
 زنی عالمه برنی کند و از و خیر و منفعت یا دگر بیند که حجره بشکست یا ضایع شد و دلیل که زنی بمیرد و اگر زن ندارد و از پیشانی
 او یکی بمیرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که حجره چیزی میبوشد اگر آنچیز بوشد و خون یا نامهای فحش یا بیگانه باشد و دلیل
 بر صلاح و منفعت بود و اگر بخلاف این باشد و دلیل بر شر و فساد بود و محراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در محراب نماز
 میکند و دلیل که او را بفرزند صالح بشارت بود چنانکه حق سبحانه و تعالی در قصه هاشم ذکر یا علیه السلام فرمود و هو قاضی بین یصلی
 فی المحراب الی آخره آیت اگر بیند که نماز بوقت خویش گذارد و دلیل که او را فرزند صالح بود و اگر بیند که در محراب نشسته بود و دلیل
 که در نماز کامل بود و زمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که محراب را عمارت میگرد و دلیل که او را فرزند عالم و امام بود و بعضی گویند که مال
 خود را صرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن محراب در خواب برنج و جد بود یکی امام دوم پادشاه سوم قاضی چهارم
 پنجم میانی مردمان بود و محبت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که محبت شده بود و برزیت زمان خود را بسیار است و دلیل
 که بقدر آن او را ترس و بیم افتد و بلا رسد و اگر بیند که جامه زن از تن بیرون کرد و جامه مردان بپوشید و مجال مردان با زن و دلیل
 که ترس و بچاری و بلا از وی زایل گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مجالست با محققان داشت و دلیل که مفسدان ختم
 کنند و اگر بیند که میان ایشان او مقیم شود و دلیل که با نصیحت مفسدان جدا شود و اما ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در
 بخواب و دید و دلیل که معیشت بزدی فراخ شود و اگر بیند که مداوای ضایع شد تا ویش بخلاف این بود که از آن رحمه الله علیه گوید
 اگر بیند که مداوای برجامه وی ریخت و دلیل که او را زانی برسد و اگر بر سر او چیزی ریخت جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن مداوای
 در خواب بر چهار وجه بود یکی همتری دوم شش سوم معیشت چهارم شادی و اگر بیند و برهنه و ناصح باشد اگر بیند که مردمان پدید

دلیل که او را شادی رسد و اگر بسیار بود شفا یا بد و اگر دشمن دارد و اگر کند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرد مرده پیدا و دلیل که در
سینه صلاح دین و رستگاری آخرت بود و بشارت خیر دینی و دنیاوی باشد و اگر بیند که مرد مرده پیدا و بپند و بپند و دلیل که او را
تبارک و تعالی پناه باید گرفت و توبه باید کرد تا او را از شر و فتنه نگاه دارد و خدای آب نشا ط بود چون کسی شهرت بازی
اول آب ندی از قصبه او فرو آید این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن ندی در خواب شادی و خوشی بود و بعد از آنکه دیده باشد
مرحان این سیرین رحمة الله علیه گوید مرحان در خواب فرزند بود اگر سرخ بود فرزند خبروی بود و اگر مرغان با جا هر نامی بسیار رسید
و دلیل که بعد از آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرغان در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند دوم
زینت سوم خال چهارم مال از جهت خادم مرد و معشوق این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مردی معروف را خواب دید که
بختان ببیند با هم نام او و یک کسی که مانند باشد اگر مجهول و جوان بود دلیل که دشمن وی باشد و اگر پیری مجهول ببیند دلیل که سخت
باشد و خیر و بزرگی باشد اگر جوانی ببیند که مویش سپید شده بود دلیل بر دیانت و استقامت دین وی بود و اگر پیری معروف ببیند
مویش سیاه شده بود تا مویش بخلاف آن بود که رانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب پیری را ببیند دلیل بر زیادت دیانت و استقامت دین وی بود
و در دین بود و اگر مردی جوان را ببیند دلیل که از بزرگی سخت و اگر است رسد و اگر مردی ضعیف ببیند که با وی سخن سر و می گفت دلیل
که با مردی بدان صفت و خصومت افتد و مردی ظفر بابد و اگر مردی ببیند که کدک شده بود دلیل که کاری بپوش کند که او را هر چه
علامت کند و اگر مردی ببیند که زن ویرا قصبه بود چنانکه مردان باشد دلیل که او را پیری آید که معتدل است اگر مردی و
که او را فرج بود دلیل بر دل و خواری و بد حالی وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرد و پیر و خواب و ولت و بخت بود
مرد و دیدن مرد جوان مکر و حیلت چیزی بگوید و مرد و اسنک این سیرین رحمة الله علیه گوید مرد و اسنک در خواب باری
و اگر ببیند که مرد اسنک خورد و دلیل که بیمار شود و چنانکه بیم هلاک باشد و اگر ببیند که مرد اسنک بپوشد یا بفروخت دلیل که از بخت
و بیماری ایمن شود و مرد اسنک زده بیماری و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرد و اسنک در خواب بر سه وجه بود یکی
دوم بیماری سوم عقوبت و شکنجه مرد و خواب و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که مرد و مردم بروی میگریند و زاری
میگردند یا ویرا ببیند و در کفن چپیدند یا بر جنازه نهادند و بگور کردند یا بخیل و پهل برضاد او دروین بود که اگر ببیند که او را
برگیند و بیرون آوردند بعد از آن که دغن کرده بودند و اگر ببیند که او را دغن کردند و گورش باز خاک پر کردند مرد و مرد و اسنک
بازگشتند و دلیل که ویش هرگز با صلاح نیاید و بعضی گویند اگر ببیند که مرد و زو و بر جنازه نهادند و حال جنازه اش برداشته و خشت
بسیار از پس جنازه وی بر خشتند دلیل که شرف و بزرگی یا بد و فرمان روا گردد تا با ایشان خلک کند و اگر ببیند که مرد و زو و دغه و دلیل
که گناهی که کرده بود از آن توبه کند و بعضی گویند که عمرش دراز باشد و اگر ببیند که کسی او را گفت که تو هرگز نمیروی دلیل که شهادت
شود و اگر ببیند که مرد و کسی بروی نگر نیست و از پس جنازه او کسی نبوده و دلیل که آنچه از خانه او خراب شده باشد هرگز آباد
نمیشود و اگر در خواب خود را در میان ببیند و او را تصور باشد که ویراست که او مرده است و دلیل که با مردان جا بل سفر

در خواب دیدن مرد مرده

در خواب دیدن مرد مرده

در خواب دیدن مرد مرده

نیکو

کند از سیرت رحمة الله علیه که بدید که خواهد که بداند که حال می نبرد و کمال صلاح چگونه است اگر مردگان صلاح و برادر خانی
 میدادند و با وی سخنان نیکو میگفتند و کشاره روی بودند دلیل که حال وی نزدیک حق سبحانه و تعالی نیکو بود و اگر بیند
 مردگان با وی سخن ناخوش گفتند و روی از وی برگردانیدند دلیل که حال وی نزدیک بار ستمی بد باشد مغرب رحمة الله علیه
 گوید که مصلحت حاجات و خواب دیدن دلیل بر دشت نمون و عذاب کافرو و اگر مصلحت نبود و ضا و دین بود و چنین
 که جان کند خود سخت تر بیند عذاب عقوبت صغیر بود و اگر بیند که بر و کسی در پشت دلیل که تاب کرد و اگر بیند که در پس جنازه وی قوی
 در هوا میرفتند دلیل که بزرگی از ان شهر در سفر میر و کانی رخ گوید اگر بیند که بر و او را بر جنازه ها و در خلق در پس جنازه ها میرفتند دلیل که خشن
 و لایق بزرگی یا بد و اگر مرد جنازه کران بود دلیل که بر مردم قهر و تمکار بود و اگر بیند که بر جنازه سبک بود دلیل که با خلق نیکو می کند و اگر بیند که
 بر داشت وی بر و دلیل که مال حرام یا بد و اگر بیند که زنده بر و او را بر تخت خوابانیدند و آن تخت بر کف نهاده و دلیل
 که بخت پادشاه بود و جانی منفعت و راحت یا بد و اگر بیند که بر و زنده شد دلیل که ان شهر خراب کرد و اگر بیند که
 بار و بر و دلیل که از فرزندان او کسی میر و اگر بیند که فرزندی از ان او بر و دلیل که او اگر شود و نیز گویند که از دشمن این شود
 و اگر بیند که پدر و مادر وی بر و دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی بیند که آتش بود و مرد و مردی میگیرستند
 دلیل که او را پسری آید و تمخیل اشعت رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده بار و دیگر خبر و برکت گیر و بدو بلکه آتش میگیرستند دلیل
 که از این سیت وی بخیر از بی گناه شادی و خوشی بود و اگر بیند که برکت وی زمان و مردان فغان بر داشتند و نوحه میکردند
 که این سیت او را غمی و اندوهی رسد و اگر زنی بیند که مرده او را بشتند و بر جنازه نهاده و دلیل که سخن نیکو گوید و اگر بیند که
 و فن کرد و دلیل که بد باشد مرده زنده شدن که باقی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده زنده شد دلیل که حال وی
 نیکو شود و خاصه که مرده را شاد و کشاره روی بیند و اگر زنده را مرده بیند و دلیل که حال بروی بد باشد خاصه که ترس
 بود و اگر کسی بیند پدر خود را که مرده است زنده و خرم و کشاره روی و با جامه های پاکیزه بیند و دلیل که دولت و اقبال
 و کارش ساخته کرد و اگر نادر را زنده بیند و دلیل که از غم فرج یا بد و اگر زنی بیند که پسری زنده شد و دلیل که غیش از سفر یا بین
 و اگر بیند که مرده بیگانه زنده شد و دلیل که احوال خویشان آن مرده نیکو شود و اگر بیند که زنده مرده و تا ویش بخلاف این بود
 و اگر بیند که مرده را زنده کرد و دلیل که کافر بدست می رسد و مغرب رحمة الله علیه گوید اگر کسی مادر و پدر خود را ترسید
 و غمگین و با جامه های چرکین بیند و دلیل که دولت و اقبال وی نقصان گردد و زیرا که در ستری حق است هر صفت کسی مرده
 و خواب بیند و دلیل بر احوال زنده بود و اگر کسی پدر خود را یا پدر و مادر خود را کشاره روی با جامه های پاکیزه بیند و دلیل که
 بسیار یا بد و اگر بر او خود را بدین صفت که دریم زنده بیند و دلیل که شرف و بزرگی و جاه یا بد و اگر بخلاف این بیند و دلیل
 بخلاف این بود که فانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را و خواب دید و پرسید که تو مرده گفت بد که زنده ام و دلیل که سخن
 مرده نیکو در ان جهان باشد و حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود باشد و تعالی و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

نیکو

بلی

بَلْ أَحْيَاكُمْ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ فَرَحِينَ بِمَا أَنفَعَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَإِنْ يَدْعُوا إِلَىٰ رُءُوسِهِمْ أَنْ يَخضعُوا لَهُمْ قَالُوا تَبْ كَذَلِكَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ رُءُوسِهِمْ وَلَكِنَّ الْأَكْثَرَ مِنَ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِمَا أَنفَعَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالْأَكْثَرُ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ لَا يَعْلَمُونَ
 گوید اگر بیند که مرده حرم و شادمان بخانه خود رفته است دلیل که صدقه و دعا بدو میرسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که
 مرده بخانه خویش در کنار گرفت دلیل که تنده است و سلامت بود و اقبال و دولت یابد و اگر آن مرده از خویشان او
 بود و دعا و صدقه از وی چشم دارد و اگر کسی مرده از اهل بیت خود شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی بشادمانی و
 خرمی بود و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از اهل بیت خود بر وی حجت و
 بلوی صاف میگرداند دلیل یا روی از وی بگردانید دلیل که آن مرده وصیت کرده باشد و وصیت او بجا نیامده باشد و اگر
 بیند که مرده شاد و خندان بر روی آید دلیل که دعا و صدقه بوی رسیده است و اگر بخلاف این بیند دلیل که در حق وی
 قصص کرده باشد و اگر بیند که مرده با وی نیکو گفت دلیل که حال وی نیکو گردد و اگر سخن بگفت یا او را وصیت کرد تا ویش بدو
 و اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت یا او را موعظه کرد و پند داد دلیل بر خیر و صلاح دین و دایست خداوند خواب بود و اگر
 را بهتر و نیکوتر بیند از آنکه در زندگانی بود و جامه پاکیزه داشت دلیل که خاستگارش بخیر و سعادت بود و اگر بخلاف این بیند
 دلیل که مرده از عذاب خدا تعالی ایمن باشد و عاقبت محمود بود و حاطه متبرک گوید اگر بیند که مرده دست در گردن آورد و در کنار
 گرفت دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت دلیل که بیننده را از بر وی صدقه باید داد و او را بدعا
 یا کند و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند دلیل که عاصی و گناهکار بود و اگر مرده بخندید و باز نگوشت دلیل که آن مرده مسلمان بوده
 و اگر مرده سیاه بیند دلیل که کافر مرده باشد و قوله تعالی فَاَمَّا الَّذِي يَبْتَغِي فَتًى وَجْوهَهُمْ أَكْفَرْتُمْ لَعَلَّكُمْ يَكْفُرُونَ
 الْعَذَابُ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ و اگر مرده را در مانده و بیجا بیند دلیل که حال مرده بد باشد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه
 گوید که مرده در نماز بود و دلیل که آن مرده در زندگی استغفار بسیار کرده باشد و متبرک گفتند که مرده را بجای حاجت ثواب است
 دلیل که بیننده خواب طاعت و نماز کامل باشد و اگر مرده را در جائیکه زندگی نماز کردی و نماز نکرده دلیل که پاک و پیر مرده و صلاح
 عاقبت نده بود و مرده چیری را و آن را نیال علیه السلام گوید اگر بیند که مرده ویرانچیزی از متعلق دنیا و دلیل که آنجا
 که امید دارد چیزی بوی رسد و اگر بیند که مرده چیزی از خوردنی و آشامیدنی بود یا در بخور و دلیل که روزی هلالی بدو اگر بخور و آشامید
 بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از جامه خود چیزی بوی داد و در پوشید دلیل که او را از مال و نفس غم نمانده و رسد و اگر جامه پوشید
 و همچنان مرده در پوشید دلیل که از دنیا رحلت کند این سخن رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده دو جامه بسته و بدو او را از جامه
 در پوشید و باز پیرون کرد و بر دم داد و دلیل که او را هیچ زیان نبود بلکه مالش زیادت گزود و اگر بیند که جامه خود بر دم داد و گفت
 که جامه بدو زیاده است یا نگاه دارد دلیل که او را غم نمانده و رسد و اگر بیند که مرده جامه خود را بجا ریت بدو داد و دیگر باره از وی
 طلب میکرد دلیل که آن مرده را که او را بداد و اگر مرده جامه بسته بدو داد و دلیل که خداوند خواب در ویش کرد و اگر جامه نپوشید
 دلیل که عزت و بزرگی یابد و اگر مرده او را جامع کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین ماند و دلیل که توفیق خیرات و طاعات یابد و اگر

مرده چیری را

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

مروده باشد میفرمونت دلیل که انجامه کران کرد و اگر چیزی برده می بخشید و قبول کرد و دلیل که او را حضرت وزیان رسیده و نه با
این تیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را بد حال و نالیده ببیند دلیل که از کردار بد که در دنیا کرده باشد از وی سوال کند و اگر در
را بجا ببیند دلیل که او را از دین و ایمان سوال کند اگر مرده از در سر دنیا ببیند دلیل که از شجره که در دنیا کرده باشد او را سوال
و بعضی گفته اند که تقصیری که در حق مادر و پدر کرده است او را سوال کنند و اگر از در و دندان می نالیده دلیل که از غیبتی که در حق
نزد هم کرده باشد او را سوال کنند و اگر از در چشم دنیا ببیند دلیل که نظر بر عیال مردم در دنیا کرده باشد از آن سوال کنند و اگر در گوش نالیده دلیل که
سبحن شریف باشد و دنیا و از اهلان سوال کنند و اگر از در دست دنیا ببیند دلیل که آنچه در دنیا در حق زمان و برادران کرده باشد او را سوال کنند
و اگر از در و پهل و دنیا ببیند دلیل که آنچه در دنیا در حق زمان کرده بود او را سوال کنند و اگر از در پشت دنیا ببیند آنچه در حق مادر و پدر کرده باشد او را
سوال کنند و اگر از در و صورت دنیا ببیند دلیل که آنچه در دنیا از زنا و فساد کرده باشد او را سوال کنند و اگر از در و سر دنیا ببیند دلیل که آنچه در حق
خویشان از سفر و حضر کرده باشد از وی سوال کنند و اگر از در و ساق و پا ببیند دنیا ببیند آنچه در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند
مجامعت کردن با مرده جعفر صادق رضی الله عنه گوید اصل این خواب آنست که اگر با مرده مجامعت کند
منی از وی بیرون نیاید و جدا نشود تا وی آن خواب بر صواب و درست آید و چون غسل واجب شد تا ویش تا بطل باشد
و اگر ببیند که با مرده مجامعت کرد و دلیل که از جانی که امید ندارد و امیش بر آید و اگر با مرده مجامعت کرد و دلیل که صدقه و نوا
کرد و دلیل که از جانی که امید ندارد و امیش بر آید و اگر با مرده مجامعت کرد و دلیل که صدقه و نوا
بدان مرده برسد و اگر ببیند که با مرده که اهل حرمت بود مجامعت میکرد و دلیل که از آن مرده چیزی بوی رسد و اگر مرده را
بشنود بوی رسد و دلیل که زن خواهد از بهر مرده چیزی کند یا او را بدعا یا کند و اگر با مرده مجامعت کرد و دلیل که از نال
مرده چیزی بوی رسد از پس مرده شدن که ماتی رحمة الله علیه گوید از پس مرده شدن دلیل که اگر صلح و بار پا
بود راه او گرفته و اگر فاسق بود راه و میرت او گیر و اگر نداند که مرده مصلح بود یا مفسد و از پی وی میشد و دلیل که بیا
شود و حاجت شفا یا به مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که مرده و پیر یا بخت جواب داد و مرده را ندید و دلیل که از دنیا
زود برود و اگر ببیند که در پس مرده بسرانی مجهول در شد و دلیل که بمیرد و اگر مرده را گفت که فلان وقت پیش من بیا و فوت
که بیایم و دلیل که در فلان وقت رحلت کند و قتی که مرده مصلح و راست گوئی بوده باشد و اگر ببیند که مرده او را بستی و
خوانده او را منع ننمود اینست که دلیل بر وفات او بود و اگر ببیند که مرده را بستی خود خوانده او را و بر سرای مرده نرفت و دلیل
که بیمار شود و شفا یابد و اگر ببیند که مرده او را به بازار بر و دلیل که کسب و معیشت او نیکو گردد و سبیل اشعت رحمة الله علیه
گوید اگر کسی خود را در میان مردگان ببیند و دلیل که امر معروف نمی کند و از وی نشنوند و اگر ببیند که با مرده دوستی گرفت
دلیل که بسفر رود و در آن سفر دولت و اقبال و شادای و خرمی یابد و اگر ببیند که میان مردگان بود چنانکه خیر و میان
کسی دیگر نماند نبود و دلیل که با گروهی مجامعت کند که دین ایشان نفیسا بود و اگر ببیند که او را بستی و چو ایشان مرده

دلیل

دلیل که در دین او نیز فساد بوده اگر بینه که گویی مردگان طعام خوردند دلیل که در آنند یا طعام کران شود و حافظ مقبره رحمة الله علیه
 گوید اگر کسی بینه که پاره از تن مرده میخورد و دلیل که از زمین کنجی یا بدو اگر بینه که مردگان جمول را بشنید کردن همیز و اگر مصلح
 بود و دلیل که مردم بدست وی توبه کنند و از کردار بد باز آیند و بعضی معتبران گویند که با مرده مباحثه و مناظره کند و بینه را دلیل
 و حجت غلبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بینه که مرده او را دهی بنمود و دلیل که راه شریعت در یابد و اگر بینه که مرده خود را می
 دلیل که خویشان او از غم رسته گردند و اگر بینه که مرده را بر زمین میکشند و دلیل که از کسب حرام خورد و مال بسیار یابد و اگر بینه که مرده
 را بر داشت و دلیل که مال حرام یابد و اگر بینه که مردگان زنده میگردند و دلیل که و باغی کند و اگر بینه که با مرده در یک خانه خفته بود
 دلیل که عرش دراز بود و مرده را حجاج عبا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که مرده جامه سبز پوشیده بود و دلیل که با بینه
 از دنیا رفته باشد و اگر بینه که جامه سپید داشت و دلیل که درجه او نیکو باشد و اگر بینه که جامه سیاه پوشیده بود و دلیل که
 بد باشد و جامه و زخاين سیاه باشد و اگر بینه که جامه سرخ پوشیده بود و دلیل که بد باشد و اگر بینه که جامه زرد یا کبود پوشیده
 بود و دلیل که بینه خواب را غم و مصیبت بود و اگر جامه زنده پوشیده بود و دلیل که بوقت زنده بگلنی سینه را با او چسبیده
 باشد و حق بجانب مرده بود و اگر بخلاف این بینه حق بجانب زنده بود و بعضی از معتبران گویند زنده و خواب چون مرده را
 جامه پوشانند دلیل که اجلش رسیده باشد تا دلیل کفن مرده که زمانی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که مرده معروف
 کفن کند و دلیل که در دنیا طریق آن مرد میجوید اگر عالم بود و عالم و اگر مالدار بود و مال و اگر نجواب بینه که مرده را کفن کنند و دلیل که
 آن مرده در کور زنده بود و حال آن مرده در کور نیک بود و اگر بینه که مرده را کفن کرد و دلیل که از خویشان آن مرده یکی را جامه
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرده در خواب برشته وجه بود یکی مال و دم ظاهر شدن کار مشکل سوم فساد دین و اگر بینه که
 مرده نیکو است و دلیل که عرش دراز بود و لیکن در سرایش خرابی افتد و اگر بینه که مرده زنده شد و دلیل که کار مشکل بروی ظاهر
 گرد و چنانکه اگر مغرول بود و علی بدو اگر پادشاه بود و علم و حکمت زیادست گرد و او امیدیکه دارد و اگر و از شغل برود بود و با
 یابد قوله تعالی فَاَمَّا كُنَّا فَانَّا لَمَّا تَمَّ ثَمَّ بَعَثَ اَلاَیْهِ مَغْرَبِی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که بهترین یا عالمی زنده شد
 بود و دلیل که ذهب یا نیرت زنده شود و اگر نیک باشد یا بد باشد و اگر بینه که مرده او را در آغوش گرفت و دلیل که عرش دراز شود
 و کایش بالا گیرد و اگر بینه که چیزی نبرد و او و دلیل که آنچه غریز گرد و درخ او کران شود و نیز گویند که مرده آمرزیده و شهب بود و اگر بینه
 که مرده از وی طعام میخواست و دلیل که مرده از وی صدقه چشم دار و مرز نکوش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که مرده
 می پوشید و دلیل که او را پسری آید مبارک و مؤمن که از خداوندان علم و فرهنگ باشد و اگر بینه که مرز نکوش از جای خود بر
 و دلیل که پسش بیمار گردد و اگر فرزند ندارد و او را غم و اندوه رسد و اگر بینه که در میانی که ملک وی بود مرز نکوش بسیار رسته بود و دلیل
 که و بر او مصلح بسیار باشد که زمانی رحمه الله علیه گوید درخت مرز نکوش در خواب کسی بود که اهل خانه او را دوست داشت و او را دوست داشت
 که مرز نکوش نیز بود و در زمین او رسته بود و دلیل که کسی را اهل بیت او دوست داشت شود و اگر بینه که مرز نکوش زرد و پشمرده بود و دلیل

محبوب

محبوب

محبوب

نوع اول

نوع دوم

نوع سوم

نوع چهارم

که آنکس مفسد و بد بخت بود مرغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود و دلیل که چشمش در آنکار غلب کند که
عظیم تر باشد و اگر بیند که مرغ آن بسیار در جایگاهی بماند میگرداند دلیل که اهل آن موضع را غم مصیبت رسد و اگر بیند که غایب مرغ
داشت دلیل که او را فرزند می آید که زمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ با وی سخن گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر بیند
که مرغ در دست او برود دلیل که اندوگین شود و اگر بیند که باز بر پشت مرغ ننهد و برود دلیل که بدان مرغ منسوب باشد
او امضرت رسد و اگر بیند که مرغی تازه گوشت از اندام وی برود و دلیل که مال او بزرگتر باشد و اگر بیند که گوشت از اندام خود میبرد
پیش مرغ می افکند دلیل که از مال خویش چیزی بکسی بخشد و اگر بیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش می افکند دلیل که مال او
و بدانکه تاویل هر مرغی دلیل کند بر آنکس که مرغ بد منسوب بود و این مآل بیان کرد و ایم مغربی رحمة الله علیه گوید هر مرغی
نخاس بود که غلام و کینک فروشد اسمعیل اشرف رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ آن مختلف در شهری گرد آمد و دلیل که
شکری بیگانه در آنجا رسد و اگر بیند که مرغ چشمهای وی بر کند دلیل که در زمین او از کسی تباهی رسد و اگر بیند که خون مرغ
میخورد و دلیل که بقدر آن نقصان مالش رسد مرغ آبی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرغابی در تعبیر بهتر از مرغ آن دیگر است
و اگر بیند که مرغ آبی فرا گرفت یا کسی بویاد و دلیل که مال و نعمت و بزرگی یابد و بیکام دل برسد و اگر بیند که مرغ آبی بسیار در چمن
شد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و بر دشمن ظفر یا بد کوفتی رحمة الله علیه گوید مرغ آبی معیشت بود و اگر بیند که مرغ آبی بجز
یا کسی بویاد و دلیل که بقدر آن مال بزرگی یابد و استخوان وی همه مال و نعمت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ آبی
جانی میداشت و دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر بیند که بچه مرغ آبی را گرفت یا کسی بویاد و دلیل که او را فرزند می آید و جعفر
صادق رضی الله عنه گوید ویدن مرغ آبی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال و دم بزرگی سوم ریاست چهارم فرزانگی و زبیر
که مرغ آبی گاهی در هوا و گاهی در زمین و گاهی در آب باشد چنانکه خدا در این سبب است که هر که مرغابی در خواب بیند بر
مرادیکه خواهد بسیار در مردمان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردمان بسیار جامه های بنفشه داشتند و دلیل بر این است که
و پاک دینی وی بود و اگر بیند که مردمان جامه های سیاه و چرکین داشتند تا و پیش خلاف این بود و اگر بیند که جامه های کبود داشتند
دلیل بر مصیبت و اندوه بود و اگر بیند که جامه های نو و فراخ داشتند و دلیل بر عیش و فراخی نعمت بود هر غزال ابن سیرین رحمة الله علیه
افند علیه گوید اگر کسی بزجرب مرغزاری بیند که جوهر نباتهای او نشاء و دلیل بر دین و سلام او بود و اگر بیند که میان مرغزار
بود و آن مرغزار ملک او بود بقدر مرغزار و دلیل بر حقا و دین پاک وی باشد و اگر مرغزار ملک دیگران بود او و نشاء
دلیل بر صحبت و باندگان باشد و اگر بیند که در مرغزاری خوش و خرم میکشند و دلیل که عیش و بر وی فراخ شود و کار او نظام گردد
و مرغزار در خواب مردی بزرگوار بود بقدر بزرگی و نیکی و اگر مرغزار سبز و پاکیزه بیند و اندک ملک است و دلیل که او را
با مردی بزرگ پیونددی بود و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بوقت بهار در میان مرغزاری بود خوش و خرم و گلها و درختان
در وی شکفته بود و جوی آب در وی روان بود و دلیل که مرگ وی باشد و او بود و اگر بوقت بهار مرغزاری بیند باشد

معروف یا مجهول که گل ریاحین از وی سبز شده بود و دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد که آن مرد از خدمت چشم خورشید
مانده بود و اگر مرغاری خوش و خرم بیند از سبزه و گلها و آب روان بیاید و آن مرغار را از بیج بر کند و خواب گرد و دلیل که
پادشاه اندازد را در آن مغاجات رسد مغربی که گوید اگر بیند که در مرغاری درون شد و در آن جایشان دید و دلیل که پادشاه اندازد را
و شکوه بود و اگر در آن مرغار گویند و دید و دلیل که پادشاه اندازد را مال بسیار حاصل شود و اگر در آن مرغار کاوان و خران دید و دلیل که لشکر پادشاه و یوفا
و برایشان عطا و شهادت و اگر بیند که در مرغار گل ریاحین جمع کرد و بخانه برو و دلیل که او را پادشاه خیر و منفعت رسد و دلیل که او را پادشاه خیر و منفعت
مرغار در خواب نباشد بود و اگر بیند که در مرغاری سبزه خرم رفت و در آنجا مقام کرد و دلیل که در آنجا از فی سبزه و خبر وی بر نی کند و اگر بیند که مرغار سبزه
بود تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق علیه السلام گفته که دیدن مرغار در خواب بر نفعت چه بود و یکی دین دوم عتقا و سوم معیشت و نظام
چهارم پادشاه و پنجم بزرگوار و ششم خیر و منفعت و هفتم یافتن مراد و هشتم بر سرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که مرهم در آنجا
خسته و ریش مینهد و دلیل بر خیر و صلاح کار دین او باشد و اگر بیند که مرهم میخورد و دلیل که حرام خورد یا نداده و مضرت بد و رسد
و اگر مردی بیند که مرهم کسی داد و دلیل که فرزندان مرد و خیر و منفعت رسد و مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که مرهم بر انداخته است یا
ریش نهاد و آن مرهم گشت میخورد و دلیل بر نقصان مال می بود و مروارید و انبیا علیه السلام گوید مروارید در خواب فرزند
یا فرزند کنیزت بود این سیرین رحمت الله علیه گوید مروارید در خواب کنیزت خبر وی بود یا زن با جمال اگر بیند که مروارید بسیار
چنانکه در شمار نیاید و دلیل که بقدر مروارید او منفعت رسد و بعضی خبران گویند که چون مروارید پیراکنده بیند دلیل بر سخن حکمت
بود و بعضی گفته اند دلیل بر پسران و دختران بود این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر چنین بیند و دلیل بر زنان و دختران کند و اگر
که مروارید بسیار داشت و دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از دانه وی عقد مروارید بیرون آید و دلیل که از دانه وی کلام
از علم و حکمت و مثل آن بیرون آید و اگر بیند که مروارید میخورد و دلیل که علم و توحید و سخن حکمت را پسوند نماید و آنرا فراموش نکند و اگر
بیند که در منزل یا در راه عقدهای مروارید کسره داشت و دلیل که ویراد علم و حکمت تصنیف و تالیف بسیار بود و مردم از کلام وی
علم و دانش حاصل کنند و اگر بیند که بجای هریم مروارید میخورد و دلیل که علم و حکمت بسیار مردم آموزد که سزای علم و حکمت است
و اگر بیند که مروارید بسیار داشت و او دیندار و پارسا بود و دلیل بر زیادتی دین و دیانت وی کند و اگر ثواب بود مالش را داشت
که کافی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که مروارید داشت و دلیل که او را فرزندی خوبری آید چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرمود
است **كَانَ نَفْسَهُ لَوْ لَوْ هَكَوْن** و اگر مروارید بزرگ بیند چنانکه از حد گذشته بود و دلیل که مال بسیار او را حاصل گردد و اگر بیند
که مروارید را بفر و خست و دلیل که علم و قرآن فراموشش کند و اگر بیند که مروارید در بان اذاحت و فرود برد و دلیل که او را حق تعالی
علم و حکمت روزی کند و اگر بیند که مروارید را بجای مجهول بیند خست و دلیل که در حق کسی کاری کند که آنکس قدر آنکار نداند و اگر
بیند که عقد مروارید در دست بسته داشت و دلیل که ویراد مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که مروارید بسیار داشت
و دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن و حکمت روزی گرداند و اگر بیند که از دانه وی یکت یکت مروارید گرداناید بیرون می آید و دلیل که

سخنهای نیکو گوید و مردم از او بپسندند و اگر بنید که عقد مراد یازد و دست و بیضا و شکست دلیل که بسیار گوید اسمعیل ششم حضرت
علیه که دیگر بنید که مراد بد بسکین دان یا بجای پدید آمدن دلیل که علم و حکمت و پیش مردم نادان گوید و اگر بنید که مراد بد بکشت خجسته
یا بنید شکست دلیل که کاری کند که خلاف شرع بود و اگر بنید که مراد بد در زیر پای وی شکست دلیل که فرزندش میر و اگر بنید
مراد بد از تضییع می بیرون آمد و آن مراد بد سواخ نداشت دلیل که او را و ختری آمد و اگر بنید که عقد نامی مراد بد در گردن
و دلیل که اگر بنید که نه علم چنانکه و اگر در گردن کسی بست دلیل که آنکس را علم و حکمت آموزد و اگر بنید که گوشواره از مراد بد و هر دو
داشت دلیل که آن حفظ کند و اگر بنید که مراد بد بخوار داشت دلیل که بقدر آن مال چنانکه حافظ مغربی رحمه الله علیه گوید
بنید که مراد بد فروشی میکند و دلیل که آنکس را پسا و مصلح بود و از هر علم او را بهره باشد و اگر آنکس را علم نبود و دلیل که او را فروزان
بسیار حاصل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین مراد بد در خواب برشش وجه بود یکی قرآن و دوم حکمت و فرسنگ سوم مال
چهارم زن چشم گزین که با جمال ششم فرزند نیک و مراد بد فروش و در خواب کسی بود که فرزندان و مال بسیار دارد و علم دشمن و در
مزدوران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مزدوران در خانه وی کار میکردند و دلیل که او را با خویشان یا دشمنان دوست
افتد و از ایشان مفارقت جوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در خانه کسان مزدوری میکرد و دلیل که بجاری صاحب
شود و خدا و خانه را کسی خصومت آید و اگر بنید که مزدوران در خانه وی کار میکردند و دلیل که غمگین شود و اسمعیل ششم حضرت
علیه گوید اگر بنید که مزدوران در خانه وی خاک میکشیدند و دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل شود و اگر بنید که بنید
و دلیل که مال و نقصان شود و شرکان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شرکان در خواب نگهداشتن برین باشد اگر کسی بخواب بنید
شرکان وی جنبیدند و دلیل که بیمار شود و اگر بنید که شرکان چشم فرو ریخت و دلیل که در دین وی ضايع بود و کرانی رحمه الله علیه گوید
بنید که شرکان چشم وی بازگذاشت و دلیل که بقدر آن مال و از آن مال بود و اگر بنید که شرکان چشم وی جنبیدند و دلیل که بیمار شود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین شرکان در خواب بر چهار وجه بود یکی نگهداشتن برین دوم دست موافق سوم مال
و روزی چهارم ضربی بقدر فرزندی الجده بر خیزد و شرکه بر شرکان بنید و دلیل برین چهار وجه بود هر قدر ما ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید هر قدر ما چون ترش و ناخوش شود و در آن چربی باشد و دلیل بر خیزد و منفعت کند و چون ترش و ناخوش بود و دلیل
حضرت و غم بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید پس از خجسته جهودان باشد و اگر بنید که مس داشت و دلیل که بقدر آن مال
مال حاصل شود و کرانی رحمه الله علیه گوید و اندر مس این شرکه و آفابه و آنچه بدین مانده و دلیل که خدای بود مغربی رحمه الله
علیه گوید اگر بنید که مس میکشید و صاف پاکیزه گوید و دلیل که کاری شکل بر دست نوی گشاده و گویند که مال حلال است
بست آورد و مستی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مستی در خواب مال حرام بود و در نماز کابلی که در چنانکه در کلام مجید فرمود
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ أَلَا تَعْلَمُونَ سَكَارَىٰ الخ کرانی رحمه الله علیه گوید مستی در خواب چنان
شراب بود و دلیل که اهد مستی ترش و عظیم بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مستی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم

سوم تا توانی و نقصان چهارم ترس و بیم بقدر آن مسجد این سیرین رحمه الله علیه گوید مسجد اکابران بنا و میل مردمی عالم بود که
 مردم نیز و یکت او بسیار آید از بهر صلاح و حقیقتی در کلام قدیم فرموده توله تعالی و مَسْجِدًا جَدِيدًا كُفِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا
 اگر بنید که مسجد بنا کرد و دلیل که از بهر مسلمانان خیر و نیکی کند و آنان او را جود ثواب بپوشا قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بزرگ
 و شریف بدار و مغربی رحمه الله علیه گوید بنای مسجد در خواب نبادن زن خواستن بود و اگر بنید که مسجدی بنا کرد و اگر بنید و تمام کرد
 دلیل که زن حلال خواهد از آن و بنید و پارسای بود و اگر بنید که چراغ مسجد بکشت و دلیل که فرزندانش همیز و اگر بنید که در مسجد صلح
 نشسته بود و پیرامن و پیری رسته بود و دلیل که بر وی کسانها بر نهد که در وی نباشد که آنی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی او را
 مسجد باز داشت و دلیل که آنکس بر وی ستم کند و اگر بنید که در مسجد نماز میکند و در وی شوی قبله بنویسد و یا بیش بر بود
 بنید که در مسجد دست و روی می شست و دلیل که مال خویش در آن مسجد صرف کند و مرادش حاصل شود و اگر بنید که مسجد ویران
 و دلیل که عالمی میرد و سقیل است رحمه الله علیه رحمه الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب خواستش بود و جمع کردن مردمان
 که در ضلالت باشند باز صلاح آمدن و غیبت کردن اعدا چنانکه حق تعالی جل و علا فرمود قال الذین عَقَبُوا عَلَىٰ اٰمِهِمْ
 لَمَنْ تَقَاتَىٰ عَلَيْهِمْ سَبْعًا و اگر بنید که جایگاهی از ملکهای مسجد بکشت و دلیل که درین شرف و بزرگی یا بد و خلق را
 بدعت حق خواهد و اگر بنید که با قومی مسجد میرفت و دلیل که زنی ستیرگی برنی کند و اگر بنید که در مسجد چراغی برافروخت و دلیل که او
 فرزندی صالح آید و اگر بنید که در مسجد که با مسجد مدینه درون شد و دلیل که از همه ترس این کرد و جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید و بدین مسجد در خواب برد و از ده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس چشم امام ششم خطیب
 بر قلم مؤذن هفتم مسجدی بنماید و سیم خیر و برکت باز و هم زن خواستن و دوازدهم بنیک کردن و اگر بنید که مسجد او بنی
 می آید است و دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر بنید که مسجد را عمارت میکرد و دلیل بر درستی دین و ایمان وی بود و
 بنید که در مسجد شد و دلیل که از خوف این شود توله تعالی و مَسْجِدًا جَدِيدًا كُفِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که مسخ موزه میکرد و دلیل که او را فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مسجد
 میکرد و دلیل که مسخر و دو دوران بسیار بدست آورد و کارهای وی بنظام گردد و مسکه این سیرین رحمه الله علیه گوید
 روغن تازه بنا و میل مال و نعمت حلال بود و اگر بنید که مسکه فرا گرفت یا کسی نوبی و او و از آن بخورد و دلیل که بقدر آن مال حلال
 یا بد که آنی رحمه الله علیه گوید مسکه خوردن و در خواب گواهی رست دادن بود و اگر مسکه که سپند در خواب بخورد و دلیل که او
 مال و نعمت حاصل شود و مسکه کا و دلیل که آنسان بزدی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یابد فی الجمله مسکه جانوریکه
 گوشت و حلال بود و دلیل بر مال حلال کند و آنچه گوشت وی حرام باشد و دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید مسکه در خواب و دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم گواهی رست است سوم علم و دانش چهارم مصیبت مسواک
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخوابد بنید که مسواک کرد و دلیل که مال بخیرات خرج کند که در آن هیچ ثواب نباشد مغربی

رحمة الله عليه گوید اگر بیند که مدانهایی پیشین را مسواک کرد و دلیل که با برادران و خواهران خیرات و احسان کند و اگر بیند که همه دندانها را
 مسواک کرد و دلیل که با همه خویشان نیکی کند مشرق و مغرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن مشرق در خواب دلیل بر بزرگواری
 است و بر آمدن آفتاب بر حاجت روانی و فرمان از جهت بادشاهان بود و فرو شدن آفتاب بخلاف این بود و اگر بیند که بجاری
 صلاح بشیرت بود و دلیل بر نعمت کند و اگر جای خود بد بیند دلیل که مراوش بر نیاید و همه حال جای بر آمدن آفتاب بهتر از فرو
 شدن باشد و جای آفتاب بر آمدن دلیل از اقبال بزرگی بود و جای فرو شدن آفتاب دلیل او بار و فرو بردگی بود و مشرک شدن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مشرک بیند که مسلمان شد و دلیل که در مسلمان میسر و اگر بیند که مشرک سوی قبله نماز میگذازد و پیشتر
 تقاضای میگذازد و دلیل که مسلمان شود و نعمت بروی زیادت گردد و چنانچه الله تعالی فرموده قوله تعالی الله فوالسموات
 و الارض مشك نوره كمشكاة الا ان بیند که مشرک در خانه مسلمان آمد همین دلیل که جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 اگر کسی مشرک را بخواب بیند و بیند که خواب مستور باشد دلیل که طالب علم گردد و بر دشمن ظفر باید و اگر مستور نشد و دلیل که با بر
 بد مذنب او وصحت افتد مشک و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که مشک با خود داشت دلیل که با او بد و فریبناک بود و همه
 کس بروی آفرین کند و شا گویند و اگر بیند که بوی مشک از وی می آید یا کافور و دلیل که یقین می یابد و صاف گردد و در راه
 حق در آید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مشک را بسود و دلیل که نیکوئی با کسی کند و اگر بیند که نافه مشک بکافت و از ناف
 مشک بوی ناخوش می آید تا دیش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک در خواب بر شش وجه بود یکی
 زن دوم دوست سوم پیش خوش چهارم کینه پنجم مال بسیار ششم خج نش مشک آب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مشک
 سفر باشد و اگر بیند مشک آب داشت و نوب بود و دلیل که سفر رود و سود بسیار کند و اگر بیند که مشک آب کهنه بود تا دیش بخلاف
 این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک آب در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی مصحف
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مصحف در خواب تباه و علم و حکمت بود و اگر بیند که مصحف بخرد و دلیل که طالب علم بود و دانشمند شود و اگر
 بیند که مصحف را بافتن بر خست و دلیل بر فساد دین او بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مصحف کشاده و بر سر زودید و نماز
 و دلیل که هر چه کند بقدر آن کار کند و و الی الله گردد و اگر بیند که مصحف قرآن با وی سخن گفت اگر خیر گفت دلیل بر خیر کند و اگر شر
 گفت دلیل بر شر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مصحف در خواب دلیل بر پنج بود یکی علم و حکمت دوم میراث سوم
 امانت چهارم روزی حلال پنجم دین و دیانت مصطفی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند
 که مصطفی می خواند دلیل که ویرا گفت گوئی بود کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مصطفی آب
 بمچاید و دلیل که بقدر خاشیدن با کسی شکایت کند و اگر بیند که مصطفی آبش بخرد و دلیل که ویرا از بادشا و پنج رسد
 مطبوع ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطبوعی از بهر بیماری می بخشد و آن مطبوع موافق بود و دلیل که صلاح دید و هیچ
 اگر مطبوع موافق نبود دلیل که صلاح دین از وی بخرد و اگر بیند که مطبوعی بخرد و در وی اثر کرد و دلیل که صلاح و تندرستی و خیر بود

بخلاف این بنید دلیل پنج و زیان باشد مطرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطرب میگرد و چیزی از سر و دریا
میبرد دلیل که بخیر نای حرام گراید چون فساد و طبل آنچه بدین ماند میزد و دلیل که اندوگین شود و مطرب کرون در خواب خیر و منفعت
مستخر خواب گذارد و مردی باشد که چون قاضی و مفتی و و اعطایر که این هر سه قوم خداوند گریه و زاری باشند و تفسیر دلیل ضایع
کند معجون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معجون از هر درد بیماری می ساخت و دلیل که مردم را از و خیر و منفعت باشد و اگر بیند
که معجون از هر بیمه تن بود و دلیل که از هر درد و آن خیر و منفعت رسد معجون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معجون وی قوی و بی
اقت است دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بنید عرش کوتاه بود و جعفر صادق صلی الله علیه و آله میگوید معجون در خواب شش
وجه بود یکی مال حرام دوم شفاعت سوم سخنا می ناخوش چهارم فرزند خیم زندگانی دراز ششم کار کردن و منفعتی که از و حاصل شود
بودن معقول شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از کار می معزول شد یا کسی در امر معزول کرد و دلیل که زندگانی
او در اگر زن دارد و تجارت زیانی کند معصی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن معصی در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری دوم
خداوند سوم کار نای که ازان کار کردن رنج و سختی او را رسد معصی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید معصی در خواب بر سه وجه و آن بود
اگر بیند که معصی میگرد و کوکب را علم می آموخت و دلیل که با مردمان سخن حق گوید یا کسی که بیند که معصی میگرد
و کوکب را علم می آموخت و دلیل که شایسته پادشاهی بنود و در موضع خود او را سخن روا کرد و جعفر صادق صلی الله علیه و آله میگوید معصی
کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرمانروائی دوم عز و جاه سوم بزرگی چهارم حکم کردن معصی و انبیا علیه السلام گوید معصی در خواب
در خواب مای بود که بر و خیره نماند و بود اگر بیند که مار و گزوم مغرور می بخورد و دلیل که بقدر آن مال مردم بخورد و آسایش
رحمة الله علیه گوید مغرور در خواب ثانی فیس بود اگر بیند که مغرور کند و ناخوش خورده بود و دلیل که مال و حرام بود یا زکوٰه داده باشد
جعفر صادق صلی الله علیه و آله میگوید و دیدن جمله مغرور خواب بر سه وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صبر مبتلا شدن
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه نمیتوانست خواندن دلیل که در کار ضعیف و ست بود و مغروری رحمه الله
علیه گوید اگر بیند که کسی را مبتلا کرد که عیش را ناکس تابه کند و مغروری بوی رساند مقراض ناخن گیر بود و در حرف نون بیان بخیر
مصدق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مقعد در خواب و دیدن شغل کسبی بود اگر کسی مقعد خود را در خواب بیند که بیرون آمد دلیل
که کسب و کار وی تباها گردد و اگر بیند که سوراخ مقعد وی بسته شد دلیل که کار و کسب بروی بسته گردد و جعفر صادق صلی الله علیه و آله
و دیدن مقعد بخواب بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت سوم معیشت مقصی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مقعد در خواب زیان
شوی و مردان را زن بود اگر بیند که مقعد از سر وی جدا شد و دلیل که شوهرش طلاق دهد و اگر مقعد سیاه بیند و دلیل که شوهرش فاسق بود
و اگر سرخ بود شوهر وی محاش و طرب و دوست بود و اگر گدازد و دلیل که شوهر وی مصیبت زده بود و اگر زرد بیند و دلیل که شوهرش
بیمار گون بود و جعفر صادق صلی الله علیه و آله میگوید و دیدن مقعد در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کینه سوم خادم چهارم منفعت
از زمان و اگر مقعد که پاسبان یا پیشین بود و دلیل که شوهر وی مصلح و پارسا و دیندار بود و مسلمان شدن ابن سیرین رحمه الله

مخلاف این بنید دلیل پنج و زیان باشد مطرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطرب میگرد و چیزی از سر و دریا میبرد دلیل که بخیر نای حرام گراید چون فساد و طبل آنچه بدین ماند میزد و دلیل که اندوگین شود و مطرب کرون در خواب خیر و منفعت مستخر خواب گذارد و مردی باشد که چون قاضی و مفتی و و اعطایر که این هر سه قوم خداوند گریه و زاری باشند و تفسیر دلیل ضایع کند معجون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معجون از هر درد بیماری می ساخت و دلیل که مردم را از و خیر و منفعت باشد و اگر بیند که معجون از هر بیمه تن بود و دلیل که از هر درد و آن خیر و منفعت رسد معجون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معجون وی قوی و بی اقت است دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بنید عرش کوتاه بود و جعفر صادق صلی الله علیه و آله میگوید معجون در خواب شش وجه بود یکی مال حرام دوم شفاعت سوم سخنا می ناخوش چهارم فرزند خیم زندگانی دراز ششم کار کردن و منفعتی که از و حاصل شود بودن معقول شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از کار می معزول شد یا کسی در امر معزول کرد و دلیل که زندگانی او در اگر زن دارد و تجارت زیانی کند معصی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن معصی در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری دوم خداوند سوم کار نای که ازان کار کردن رنج و سختی او را رسد معصی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید معصی در خواب بر سه وجه و آن بود اگر بیند که معصی میگرد و کوکب را علم می آموخت و دلیل که با مردمان سخن حق گوید یا کسی که بیند که معصی میگرد و کوکب را علم می آموخت و دلیل که شایسته پادشاهی بنود و در موضع خود او را سخن روا کرد و جعفر صادق صلی الله علیه و آله میگوید معصی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرمانروائی دوم عز و جاه سوم بزرگی چهارم حکم کردن معصی و انبیا علیه السلام گوید معصی در خواب در خواب مای بود که بر و خیره نماند و بود اگر بیند که مار و گزوم مغرور می بخورد و دلیل که بقدر آن مال مردم بخورد و آسایش رحمة الله علیه گوید مغرور در خواب ثانی فیس بود اگر بیند که مغرور کند و ناخوش خورده بود و دلیل که مال و حرام بود یا زکوٰه داده باشد جعفر صادق صلی الله علیه و آله میگوید و دیدن جمله مغرور خواب بر سه وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صبر مبتلا شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه نمیتوانست خواندن دلیل که در کار ضعیف و ست بود و مغروری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی را مبتلا کرد که عیش را ناکس تابه کند و مغروری بوی رساند مقراض ناخن گیر بود و در حرف نون بیان بخیر مصدق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مقعد در خواب و دیدن شغل کسبی بود اگر کسی مقعد خود را در خواب بیند که بیرون آمد دلیل که کسب و کار وی تباها گردد و اگر بیند که سوراخ مقعد وی بسته شد دلیل که کار و کسب بروی بسته گردد و جعفر صادق صلی الله علیه و آله و دیدن مقعد بخواب بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت سوم معیشت مقصی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مقعد در خواب زیان شوی و مردان را زن بود اگر بیند که مقعد از سر وی جدا شد و دلیل که شوهرش طلاق دهد و اگر مقعد سیاه بیند و دلیل که شوهرش فاسق بود و اگر سرخ بود شوهر وی محاش و طرب و دوست بود و اگر گدازد و دلیل که شوهر وی مصیبت زده بود و اگر زرد بیند و دلیل که شوهرش بیمار گون بود و جعفر صادق صلی الله علیه و آله میگوید و دیدن مقعد در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کینه سوم خادم چهارم منفعت از زمان و اگر مقعد که پاسبان یا پیشین بود و دلیل که شوهر وی مصلح و پارسا و دیندار بود و مسلمان شدن ابن سیرین رحمه الله

علیه که اگر مسلمان می شود و دیگر باره مسلمان نشود دلیل که از او آفتها ایمن گردد و اگر کافر می بیند که مسلمان شد دلیل که کار
 حق تعالی مسلمان را روزی کند و اگر می بیند که مسلمان می شود دلیل که کارهای وی مستقیم شود و مغربی رحمت الله علیه
 گوید اگر می بیند که مسلمان می شود و اگر کافر شود و خاست کارش بخیر شود و اگر می بیند که کافر می بدست وی مسلمان شد
 دلیل که کسی را از فسق و فساد بازدارد و مسلمان را از توبه و رجوع از توبه برین رحمت الله علیه گوید اگر کسی بخواب می رسد و دلیل بر مردی بزرگ بود
 که بکار را ایستاده باشد و هر چه می بیند و بعضی سخن را گویند که مسافر خواب پادشاه یا امپری بزرگ بود اگر می بیند که مسافر می بزرگ
 قوی داشت دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و اگر می بیند که چیزی می شمارد و دخت دلیل که بنسب مردی بزرگوار کارهای بر
 او بصلاح آید و جمع شود و اگر می بیند که مسافر بنسبت یا ضایع شده تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گویند که
 خواب بر چهار وجه بود یکی مردی بزرگوار و دوم مردیکه با مردان عهد پیوند و ستودن میر یا دلی چهارم کرده و حضرت کار را مکتس
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مکتس در خواب مردم سفله و درویش بود اگر می بیند که کسان مردی جمعیند یا در چشم و دمان وی
 دلیل که از کسی سفله مال حاصل کند اما حضرت یا بدو اگر می بیند که مکتس و کوش می شد دلیل که از کسی سفله سخن برشت شود و کازان
 خاطر گردد و اگر می بیند که با مکتس می شنید دلیل که از مردم غوغا بیند که تا آنی رحمت الله علیه گوید مکتس در خواب مردی حاسد و فرود
 بود اگر می بیند که برین و کسان جمعیند دلیل که با مردم حاسد و دشمنان افتد و اگر خواب می بیند که مکتس بسیار در خانه وی می کشید
 که مردم سخن وی گویند و اگر می بیند که کسان او را می کشند دلیل که مردم دون بر خویشان او حسد برند و اگر می بیند که مکتس می کشد دلیل
 که حاسد از او قهر کند و اگر می بیند که کسان در زیر زمین می کشند دلیل که حاسدان از مال انسان کرده وی بستانند و غرقیت کنند و پیرا
 حضرت رسد مکتس انگبین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مکتس انگبین در خواب مردی فراخ روزی و زنی کسب کنند و پیرا
 و اگر می بیند که مکتس انگبین فرا گرفت یا کسی بود یا دلیل که بقدر مال و غنیمت حاصل کند مغربی رحمت الله علیه گوید اگر می بیند که
 کسان انگبین بروی جمعیند و او را می کشند و دلیل که برنج مال و نعمت حاصل کند و اگر می بیند که کسان انگبین می خورند
 و دلیل که او را بقدر آن زبان و حضرت رسد و اگر می بیند که انگبین از کسان می ستند دلیل که سخنهای باخیر و منفعت
 و از آن خاین بیند مکتس بسیار کث ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خود را در مکتس دلیل که زیارت کعبه
 گویند که در یاب و اگر می بیند که بکه از به تجارت رفته تا از بهر حج و پس که حرص مال دنیا دارد مغربی رحمت الله علیه
 گوید اگر می بیند که در مکتس بسیار و زهد بود و عبادت مشغول بود و دلیل که در منفعت دنیا باشد
 و اگر مکتس را تا دو پر بیند دلیل که مال و نعمت بروی فراخ شود و اگر خواب می بیند تا ویش
 بخلاف این بود و طبع ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که از زهد و خواب لشکر بود و طبع نخته ورم و دنیا بود و اگر می بیند که
 شهری یا در موضعی طبع پیدا و دور از آن حضرت رسانید دلیل که بقدر آن طبع در آنجا لشکر جمع شود و اهل آن موضع را
 بلا و حمت رسد که تا آنی رحمت الله علیه گوید اگر می بیند که طبع بسیار جمع گردد و در طبعی می انداخت دلیل که مال جمع کند و بکار

آن و در اگر بید که بقیاس در در یائی جمع شده و نبات انجا خور و ند و لیل که مال بقیاس در انجا جمع شود و همه
بتا راج بید و لیل که خواب کنند مناوی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بید که مناوی گذشت و کلامش
موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود صلاح و پارسا بود و لیل بر خیر و بشارت کند سفری رحمه الله علیه گوید اگر بید که
مناوی بصلاح انجمنی کرد و لیل که خیر و صلاح یابد و اگر مناوی بخیر و ثنای وی کرد و لیل که مراد انجمنی بیاید و اگر بشیر
و مناوی بود تا ویش بخلاف این بود و مناره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مناره و خواب مروی بود که مرویان را
دین خواند و اگر خواب بید که مناره و بشارت کرد و لیل که کار خیر کند و جماعتی از اهل اسلام جمع دارد و اگر بید که مناره
و خواب کرد و لیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی گویند که مؤذن آن مناره از دنیا برود و کوفی رحمه الله علیه گویند
در خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در کوچه مناره بید و لیل که بزرگی در آن که چه برسد و اگر مناره از آن که
لیل که از منتر سلطان بود و اگر مناره از شست خام بود و لیل که آن بزرگ از رعیت بود و دیندار و متواضع باشد و اگر مناره
از سنگ و اگر بید و لیل که آن مهر پادشاه شکر بود و اگر مناره از چوب بید و لیل که آن منتر سلطان و دین است باشد و اگر
مناره بر در مسجد وید و لیل که آن منتر عالم و فاضل بود و خلق را بخار دای شریعت خواند و اگر بید که مناره مسجد انجا بود
و لیل که از یکی بزرگان دین ملاک شود و میان خلق تشویش و پراکنش افتد و اگر بید که میان شهر مناره بود و لیل که
کند و اگر بید که سران مناره از من باریج بود و لیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر بید که سران از ریا از من بود و لیل که
پادشاه دروغ زن و بیقول و غدار بود و اگر مناره از شست بخت بود و لیل که پادشاه کرد و نکش متکبر بود و اگر خود را منتر
آمده بید و لیل که مقرب پادشاه شود و کارش بنظام شود و اگر بید که بر مناره طعام نهاد بود و لیل که در آنجا
بر چای سفری رحمه الله علیه گوید اگر بید که در مناره بود و با ناک نماز سیگفت و لیل که پادشاه خلق او عده نیک و ده اگر
بید که در مناره مسجد جامع با ناک نماز داده لیل که عمره آرد و اگر بید که مناره بجنبه لیل که پادشاه بیمار گردد و اگر بید که
پادشاه مناره را بنفیکند و لیل که پادشاهی بیاید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی مستاند و جعفر صادق علیه السلام
عنه گوید در مناره در خواب بر چپا روجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار سوم امام چهارم مؤذن منتر پادشاه
رحمه الله علیه گوید منتر در خواب سلطان اهل اسلام بود و خیر و شریکی در منتر بید تا ویش بر سلطان کند و اگر خواب بید که
منتر شد و علم و حکمت و خطبه میخواند اگر از اهل نبی بود و لیل که فرزندش یا کسی از خویشان او عالم شود و اگر بید که منتر
میخواند یا سخن خلاف شریعت میگفت و لیل که در میان اهل اسلام به بدین و بدعت رسوا کرد و بعضی از منتران گویند که
بر و اگر بید که پادشاهی بید که بر منتر بود و آن منتر بقیاس و یا شکست و لیل که از پادشاهی منتر کرد و اگر بید که
الله علیه گوید اگر بید که بر منتر شد و خطبه تمام بخواند و از منتر فرود آمد و لیل که از خطابت منتر فرود آمد و اگر بید که
کلام و حکمت و علم در میان مردم میگفت و لیل که رسوا شود زیرا که نماز علم گفتن و خطبه خواندن در میان مردم رسوا

منه
منه

و نقصان مال می بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مقدار معنی داشت دلیل که بقدر وقت آن مرغ او را بزرگی و نعمت و شرف
رسد و اگر بیند که مقدار داشت و در راه بیقرار کند بسیار بد دلیل که مر و مر از وی کند و رحمت رسد معنی آنی بود که از وی شرف
پیدا آید این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن منی در خواب مالی بود که بسیار بد و از آن نشاد شد و اگر بیند که یک سبوی از آب منی
داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که قضیب می منی بسیار بیرون آمد دلیل که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما بقدر
منی که مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از قضیب می منی آب منی بی رفت دلیل که بقدر آن مال بزرگیانه بدور سد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که منی از وی فرو آمد دلیل که مالی بد چنانکه با ریشالی غرض جل فرمود **اَلَا نَخْلُقُ الْاِنْسَانَ مِنْ نَظْفَةٍ امْشَاجٍ**
يَتَكَلِّمُ الْخَافِضَ صَادِقَ ضَمْنٍ الله عتبه گوید منی در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند و دوم زیادتی مال سوم نقصان مال
چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بیند که منی از وی بیرون آمد معتبر را باید که تعبیر بر زیادتی مال کند و اگر منی منی آمد نقصان مال
بود **مَحْضَر** این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در محض نشسته بود و خداوند خواب سزاوار محض بود و دلیل بر راحت است
و عیش خوش می بود و از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که از محض بیفتاد و تا ویش بخلاف این بود که مالی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که در محض نشسته بود و دلیل که زنی مهربان خواهد یا کثیر کی غمروی خرد و بعضی معتبران گفته اند که محض در خواب کما
و غم و رقت بود کسی را که سزاوار باشد و اگر آنکس سزاوار نباشد زندان جای حبس بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید محض
در خواب دیدن بر پشت وجه بود یکی آسانی و راحت دوم عیش سوم غم چهارم دولت پنجم مرثیه ششم منی هفتم
کثیرن مهربان ششم زن و دیدن مرد در ویش را بر چهار وجه بود یکی زندان دوم جایگاه تنگ سوم غم و اندوه
چهارم بزرگی و محنت **مَحْضَر** این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر گل مهر انگشتین نهاد و دلیل که خداوند انگشتین نفع
و بزرگی یابد و اگر بیند که بر نامه مهر نهاد و دلیل که معاینه چیزی بدورسد و اگر بیند که پادشاه یا بزرگی انگشتین بود یا کثیر
و خزینه را محسوس کن اگر سزاوار بود دلیل که خزینه بوی بسیار اند و اگر سزاوار خزانة پادشاهی نباشد دلیل که از بزرگان یکی
مال خود بد و بسیار دهد اگر بیند که پادشاه مهر خود بد و داد و سپرد و دلیل که از وی بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که پادشاه
بر نامه مهر نهاد چنانکه رسم است دلیل که زود ولایت یابد و حاجت وی روا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید محض
نهادن بر نامه و کلبه و آنچه بدین ماند بر پشت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم قوت دین سوم ریاست چهارم حقیقت
و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بیننده خواب **مَحْضَر** این سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که مهره یافت یا بخنجر یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر و قیمت آن مهره مال بدورسد یا و از خدنگار
حاصل شود و اگر بیند که مهره پاکیزه و سفید بود و دلیل که آن خدنگار مصلح و پارسا بود و اگر مهره سبز بیند و دلیل که خدنگار
سبازک روی بود و اگر زرد بود و دلیل که خدنگار شش بهایگون باشد و اگر سیاه بود و خدنگار شش سخت دل و بد خو باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مهره در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خدنگار سوم کثیرن چهارم مال پنجم

بسیار
منی

محض

محض

محض

و در نیک ششم فرزند هفتم غلام خرد و پسر زیاده و نقصان که در مریه بیند بین بخت خیر که این پسرین رحمة الله علیه
 گوید بهمانی در خواب اجتمع و چندی بود اگر بیند که قومی را بهمانی خانه ایس که کاری کند که آنکارا روزانه مشغول باز و آرد که
 بیند که او را در باغی بهمانی بروند که آن باغ پر از میوه های الوان و آب روان بود و دلیل که بغزار و دو شهید شود و توله تعالی فیک
 قاصد که کثیره و شراب که تانی رحمة الله علیه گوید وین مهمانی در خواب که در اینجا جنگ و خانه و نای و دقت بود
 و دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و اگر ازینها بنود خیر و برکت و غرضی باشد مغربی رحمة الله علیه گوید بهمانی در خواب دلیل
 بر باز آمدن غائب بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که عوسی بی کجاست خواست و مهمانی کرد دلیل که او را غم و اندوه
 صورت چه این پسرین رحمة الله علیه گوید صورت چه این پسرین رحمة الله علیه گوید صورت چه این پسرین رحمة الله علیه گوید صورت چه این پسرین
 وی فرزند و اگر بیند که موران بسیار از سرای او بیرون آمدند دلیل که مردم آن سرای تحمل بجای دیگر کنند و اگر بیند که صورت
 بیگانه در خانه وی شد دلیل که در دختخانه وی رود و اگر بیند که برتن وی موران بسیاران بسیار جمع شدند یا از دانه می
 بیرون آمدند دلیل که زود هلاک شود مغربی رحمة الله علیه گوید صورت چه در خواب دشمنی ضعیف باشد و اگر خانه خود صورت
 بسیار بیند دلیل که شلش بسیار شود و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند دلیل که شلش کم شود و ستمش شلش حقه
 علیه گوید صورت چه در دسرخ دلیل بر مردم ضعیف و سست باشد و موران سیاه بزرگ دلیل بر دزدانی از این است
 و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند و در هوا می پریدند دلیل که خویشان از سر بار آیند جعفر صادق رضی
 عنه گوید وین موران تاویل این است بهینه خواب بود و اگر بیند که موران از خانه او بیرون شدند دلیل که احوال آنجا دشوار شود و صورت
 رحمة الله علیه گوید صورت چه در خواب مردم زاده و خوش طبع و خوب روی و کامل عقل بود چنانکه دوستی را شاید و اگر بیند که صورت
 که او را با چنین مری صحبت افتد و از وی منفعت یا بد که تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درخت مورد و شک
 یا از جانی برکت دلیل که از صحبت چنین مری منفعتی مغایرت کند مغربی رحمة الله علیه گوید صورت چه در خواب مال نعمت
 بسیار بود و بعضی از معتبران گویند که مورد و فرزند صالح بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین مورد و خواب
 بر چهار وجه بود یکی نزدان عاقل و دم فرزند صالح سوم مال بسیار چهارم منفعت اگر زنی بیند که دستبه مورد بسته
 شود هر قادی دلیل که نکاح ایشان پدید آید و موران این پسرین رحمة الله علیه گوید صورت تو اگر از مال او و دینداران را دین
 و برکت صورت بهترین برکت درختا بود و اگر بیند که صورت فرار گرفت یا کسی بود یا دو انگس تو اگر بود دلیل که مالش زیاده
 گردد و اگر بیند که صورت میخورد دلیل که منفعت عینی و دنیاوی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید صورت چه در خواب بر تنه
 بود یکی نزدانی مال و دم زیادتی دین سوم دوزی حلال و عیش خوش و بعضی از معتبران گویند اگر بوقش بیند که صورت میخورد دلیل
 که زنی خوب روی و توانگر مری که در دانه می منفعت یا بد صورت این پسرین رحمة الله علیه گوید صورت در خواب بانی مستان
 دلیل بر خیر و نیکوئی کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندر موزه معتبران خلاف کرده اند این پسرین رحمة الله علیه گوید

بیند که موزه در پانی داشت و سلاح پوشیده بود و دلیل که دشمن از وی متحیر بود و اگر بیند که با موزه سلاح در دست
 دلیل که غم و اندوه بیند خاصه که موزه تنگ باشد و اگر بیند که موزه ادیم در پانی داشت دلیل که زن خواهد اگر بیند
 که موزه ادیم در پانی داشت و باز که بود دلیل که او را غم و اندوه رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه از پوست پیش
 داشت دلیل که بقدر آن مال بدو رسد و اگر بیند که زیر موزه او دریده بود دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که از پای موزه بیرون
 آورد دلیل که شادی و خرمی یابد و اگر زن آن بود خلاصی یابد و اگر بیند که موزه اش بیخست دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند
 که موزه او ضایع شد دلیل بر نقصان مالش بود و سر موزه همین تاویل دارد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه شش
 از خانه بدر افتاده است دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که موزه بمردم بیگانه داده یا بفروخت دلیل که زن او بمیرد و اگر
 بیند که موزه او بدزدیدند دلیل که زن او بمیرد و اگر بیند که موزه او بدزدیدند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند و حضرت صادق
 علیه السلام گفته که موزه در خواب چون نرم بود و پائین آید و دلیل بر بخت و جود یکی زن دوم خادم سوم کنیز که هر یک
 وقت پنجم عیش ششم ظفر یافتن هفتم منفعت یافتن موش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موش در خواب بی بود
 که بظاهر مستوره باشد و بیاطمین فاسقه بود و اگر بیند که موش را گرفت یا کسی بود یا دلیل که زنی بدین صفت که گفته
 خواهد و اگر بیند که موش را در طبله گرفت دلیل که زنی بکر و حیلت خواهد و اگر بیند که موشان بسیار در خانه او جمع شدند
 و جمله کیسان بودند دلیل که بقدر موشان زنان در خانه وی جمع آیند و اگر بیند که موشان مختلف بودند چنانکه بعضی
 سیاه و بعضی سپید و دلیل که اختلاف تاویل آن در شب و روز بود و جزب است از سید عالم صلی الله علیه و سلم که فرمود
 شب و روز و موش اندک عمر و دماغی بر نذر که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از سوراخ بی یا از سوراخ قضیب او
 موش بیرون آید دلیل که او را خجری یا بکار آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه موشان دشتی آمدند دلیل که
 در آنجا زنان ناپاک گرد آیند و تنبیه موشان در خواب سال و کالای زن آن مفسده بود و موش خانگی و دشتی و بیکان با
 اسمعیل شعب رحمة الله علیه گوید که اگر بیند که موش برگرفت دوم داشت دلیل که زنی فصل خواهد و اگر بیند که موشی در
 وی برود دلیل که او را مصیبت رسد و اگر بیند که موش را بسای مالید دلیل که زنی فاسقه خواهد و از خود جدا کند و اگر بیند
 که سنگ بموش انداخت دلیل که کسی را متمم گرداند و اگر بیند که موشی در بستر وی بود دلیل که زنی مفسده و قصد فساد کند
 و اگر بیند که موش میخورد دلیل که مال زنی مفسده بخورد و موش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موش سپید در خواب مال بخت
 بود و موش زرد بیماری و اگر بیند که موش سپید میخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که موش از وی ضایع شد یا بقدر
 دلیل بر نقصان مال او بود مغربی رحمة الله علیه گوید که موش هر زن است که باشد مالی و نعمت بود و اگر بیند که موش سپید
 بود و میخشد بهتر از موشهای دیگر بود و اگر بیند که موشی را بکشد و دلیل که کسی شکایت کند و اگر بیند که موش با تن بیخست
 دلیل که بقدر آن پا و شاه از مال وی بستاند و اگر بیند که از موش شمع میگرد و بنزد موم میآید دلیل که مال خود بخرد و مصالح و خیر

کتاب
الکلیات

فرج کند و بامردم خود و احسان کند موسیائی بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موسیائی میخورد و دلیل بر غم و اندوه بود که
بیند که موسیائی کسی بخشد یا از خانه بیرون اداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بخشد
اندازم موسیائی خورد و صحبت یافت تا پیش بخت این بود موسی و انبیا علیهم السلام که بد موسی در خواب مردان را غم و اندوه
نور از نیت و موسی چهار پایان مال اندک بود و اگر صوفی بیند که موسی سفره و راز شد دلیل که او نیت و صلاح یابد و اگر صوفی
بنمود دلیل که غم و اندوه بود بقدر واری موسی و اگر بیند که قدری از موسی ببرد و بیند اخت دلیل که غم و اندوه از وی زایل شود
بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در وقت حج موسی سر راستد دلیل بر صلاح و برین کفایت گشایان بود و اگر در خواب
ملک بهمانی حرام یعنی رجب و ذی حجه و کوفه و القعدة و محرم بیند دلیل که ویش گذارد و شود و از غم فرج یابد و اگر بیند که موسی نام
بستد دلیل که آنچه گفتیم بیشتر باشد و اگر صاحب خواب بن میری بود و بیند که موسی سر بستد دلیل که شود برش میرود و یا والی کرمانی رحمة
الله علیه گوید اگر پادشاهی موسی خود بیند دلیل بر لشکر بود و اگر رعیت بیند دلیل بر زیادتی غم و اندوه بود و زیادتی موسی ششم
غم و اندوه بود و اگر مردی بیند که موسی سر او آشفته بود دلیل بر زیادتی دین و نقصان او بود و اگر موسی سر خود او خسته بیند دلیل
بر غم و اندوه بسبب مادر و پدر یا جهت جهتری بود و اگر سر خود را صانع بیند بنا بر زیادتی عیش و بشاوی بود و اگر بیند که او را بسا
علو بان دو گیسوی بود دلیل که مهری یا بد و نیکنام گردد و اگر بیند که موسی خود را میکشد دلیل که کسان وی مال تلف کنند و اگر بیند
که موسی خود را شانه میکشد دلیل که بر کارهای خود قادر شود و بر نفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موسی بخت را بستد دلیل که
صلاح دین وی باشد و موسی بخت را بستن دلیل بر یافتن مال و مراد بود و نامزدن موسی بخت دلیل بر زیادتی میر و قوتی بود و اگر
بیند که در سینه وی موسی بود دلیل که دام بر وی جمع شود و موسی بر تن و آلت بود و اگر بیند که موسی از تن خود بستد دلیل بر نقصان
مال وی بود و اگر انگش در ویش و دام دارد بود و آتش گذارد شود و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که انگش بر تن خود بستد
و موسی از تن خود بستد اگر توانگر بود دلیل که در ویش گردد و اگر در ویش بود توانگر گردد و استعدیل اشعت رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که قدری از موسی فرو بخت اگر توانگر بود دلیل بر نقصان مال او باشد و اگر در ویش بود توانگر گردد و اگر دام دارد باشد و آتش گذارد
شود و اگر بخت را بستد دلیل که شفا یابد و اگر بیند که موسی ریهست او بشرق رفت و موسی چپ او بمغرب رفت دلیل که او را دوا پس باشد
که در مشرق و مغرب نام ایشان مشهور گردد و حافظ معتبر رحمة الله علیه گوید اگر عالمی بخواب بیند که موسی او جزد بود دلیل بر عبت
و قلت وی بود و اگر عامل یا خواب بیند دلیل که نعمت و عزت یابد و اگر بیند که موسی میکند دلیل که امانت گذارد و اگر بیند که موسی زانوار
دارد بود دلیل که او زانی را رسد و رازی موسی زانوار نیک باشد و اگر بیند که موسی زانوار خود می سترد دلیل که دین وی نقصان شود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیدن مردن موسی در خواب بر پنج وجه بود یکی حج گذاردن دوم سفر کردن سوم عزت و جاه
چهارم اینی تخم دولت و بار بیتال در کلام می فرمود محققین و مؤسسه و مقصود بنی الح اگر خداوند خواب را موسی ترا
خادت بود و دلیل که نیک و بدان سسل باشد حتی آنچه بن سیرین رحمة الله علیه گوید تا ویل مال حرام بود و اگر کسی بخواب بیند

که می خورد

که غنی خرد و دست شد دلیل که بقدر مستی آن جاده و منزلت یابد و اگر بیند که بی محی بخت و خمر مست شد دلیل که ترس و بیم عظیم بود
 قوله تعالى و تاتي الناس سكاوتی الخ مغربی رحمه الله علیه گوید مستی از می بخت و یا شراب مویز بقدر خرد و نال نعمت کم شود
 و اگر بیند که می بخت داشت و بهمنامی خورد دلیل که با نمر و جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در میان می بخت عرق شد دلیل
 و در خصومت با کس شود و اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که می بخت می خورد و دلیل که مال حلال بگرام مبدل گرداند و اگر بیند
 که می بخت با ب صافی بود دلیل که مال بهیست او که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و نیز گویند که مال از زنان بیستاند و اگر بیند که می
 بخت می خورد و دلیل که چیزی حرام فرو نشاند میخ این سیرین رحمه الله علیه گوید میخ در خواب برادر بود و اگر بیند که میخ در دیو
 زد و دلیل که برادرش در آنجا که میخ زود می خوراک و زیاده را بر باد و بل فردا باشد و اگر بیند که میستی برستی بهیست دلیل که برادر
 بر روی پیوند و اگر بیند که میخ بر پشت زد و دلیل که از پشت او فرزند می آید که پادشاه بود یا شرف و بزرگی تمام برسد یا
 شود که نام و در تمام عالم منتشر گردد و کافانی رحمه الله علیه گوید میخ در خواب بهیست چیزی بزرگی و شرف و بزرگی و دنیا بود و
 بیند که میخی بر در خانه او بود و دلیل که بزرگی و شرف یابد و اگر بیند که میخ از خانه خود بچکند و بیند اخت تا و پیش بخلاف این بود
 و اگر بیند که میخی از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن مرد نوع بود و یکی آنکه زن خواهد بود
 گوید و اگر بیند که میخی بر ستون یا در چوب زد و دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد و اگر بر درخت زد و قرارش در حیات طاعت
 در آن که چه درست بود تا ویل زمان درخت کند برستی یا بکلیح یا ببطا و وحدت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میخ از استخوان
 یا از مس بود تا ویل نیکو باشد و اگر از آهن یا از استخوان بود و دلیل که نیکویی و قوت کند و اگر بیند که در دست وی میخ آید پس
 دلیل که او را فرزند می آید که شایسته پادشاه بود و اگر فرزند ندارد و دلیل که محتالی او را علم و دانش روزی گرداند و اگر اهل علم نباشد
 و دلیل که اهل علم و با دوست دارد و اگر بیند که میخ از زین یا سپین در زمین زد و دلیل که آنکس خود توانگر گردد و جعفر صادق علیه السلام
 رحمه الله علیه گوید ویدین میخ در خواب بر چهار وجه بود یکی برادر و دوم فرزند سوم دوست چهارم زن خواستن میبش این سیرین
 رحمه الله علیه گوید میبش در خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا نیز اندکی ذکر کنیم اگر بیند که بر نش
 میبش نشسته بود و مطیع او بود و دلیل که مردی بزرگ فرمان برادر او شود و اگر ماده میبش در جنگ بود و آن زن میبش بر روی
 چهره گشت دلیل که خصم بر روی غالب گردد و اگر بیند که شاخهای زره میبش بزرگ و قوی گشته و دلیل که آنکس قوی و توانگر شود
 و اگر بیند که زره میبشی فراگرفت یا کسی بویاد و دلیل که از مردی بزرگ مال نعمت یابد و اگر بیند که پوست زره میبش بچند و گشت
 جدا کرد و دلیل که بر شخصی غالب گردد و در مال وی بیستاند و اگر بیند که زره میبش را از کشتن باز نماید و دلیل که از غم برادر کافانی رحمه الله
 علیه گوید اگر بیند که ماده میبش با وی جنگ کند و دلیل که زنی با وی مکر و حیلت کند و اگر بیند که گوشت ماده میبش از خانه وی بخانه کسی
 شد و دلیل که زن وی بخش کسی دیگر مشغول گردد و جعفر صادق علیه السلام میبش بر روی چهره بود و یکی
 امام دوم خلیفه سوم امیر چهارم پیش پنجم مال ششم فرزند میوه این سیرین رحمه الله علیه گوید میوه که ترش و شیرین بود و دلیل

خبر

خبر

خبر

خبر

از این

خیر و منفعت بود و هر سیه که خام و ترش و خوردنش بود و دلیل بر سختی سیه و سرد باشد و اگر سیه و آل و زیتون دلیل
 بر غم و اندوه بود و اگر سینه که از درخت سیه چیده و دلیل که بقدر آن سیه و از روی بزرگوار مال یا بد و اگر سینه که نشسته بود و از درخت
 سیه می چیده و دلیل که آنچیز یا بدخلال و شاید سینه بود و اگر سینه که بی آنکه دست برد رخت کرد و سیه و پیچید و دلیل که بی آنچیز و لب و
 یا حلال حاصل شود و اگر سینه که از درخت لختی سیه و اگر گرفت اگر بوقت باشد باکی نباشد و دلیل بر روی حلال بود و اگر بوقت
 باشد تا ویش بخلاف این بود و انیال علیه السلام گوید هر سیه که در وقت خود خواب بیند و بخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل
 و اگر سیه بوقت خود نباشد دلیل که مالش پاک شده شود و دلیل بر سیه باصل رخت باز کرده و خواه نیک یا بد بود و سیه و آنچه
 از بود و دلیل بر ماری بود و اگر ترنج و هرگز و اگر این بر سر نه و زنا و این بیان ندارد و سیه های ترش غم و اندوه بود و سیه های چون سیه و شیرین
 باشد و دلیل بر ماری حلال بود و سیه های رسیده و ناخوش در خواب دلیل بر مال حرام و اندوه و مصیبت باشد و اگر سینه که سیه استان و سینه که در
 یا رسیده که مانی رحمة الله علیه گوید سیه شیرین در خواب اگر بوقت بیند و دلیل بر غم و اندوه بود و سیه که اگر بوقت خود و دلیل بر ماری کار
 و سینه که در مانی رحمة الله علیه گوید هر سیه که سیه تر و خوشبوی و شیرین بود و بنا و دلیل بر خیر و منفعت بیشتر باشد و سینه که در مانی رحمة الله علیه
 گوید اگر سینه که سیه میفرود رخت اگر سیه که مردم آنرا دوست دارند و دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گرد و اگر سیه ترش
 و ناخوش فروشد و دلیل که غم و اندوه و رنج بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیه فروش در خواب چون سیه خوش
 فروشد و دلیل بر شر و مضرت بود و معتبر باید که نیک و بد چنین فهمند و اندک که در امر چگونه باید گفت و خواهی هر کسی را بدان
 نوع فرق تواند کرد و تاویل آن نهادن تا از اصل خطایافته و الله اعلم **حرف النون** ناهینا این سیرین رحمة الله علیه
 جمله گوید اگر کسی در خواب بیند که ناهینا شده است و دلیل که از دین و اسلام گمراه باشد و اگر سینه که چپ چشم وی که گشت و دلیل
 که نیمه دین وی بشود یا کناهی بزرگ کرده باشد و سینه که اندام از اندامهای وی مصیبت رسد یا شکست کرمانی رحمة الله علیه
 گوید اگر سینه که ناهینا یا دست گرفت و بر و دلیل که گمراه گرد و سخری رحمة الله علیه گوید اگر سینه که ناهینا شد و دلیل که کارهای خوب
 بر دست وی بگذرد و اگر سینه که چپ چشم کسی را که در و دلیل که آنکس را از راه وین برود و اگر سینه که چهارپای را که در و دلیل
 بر کسی بود که بدین چهارپای منسوب باشد و بر آنرا نزد مضرت رسد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناهینا در خواب
 بر بهفت وجه بود یکی در ویشی و دوم بد حال سوم غم و اندوه چهارم نقصان تن پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم تنهایی
 قوله تعالی **لَا تَقْصُصْ رُكُوتَهُمْ عَلَيْهَا إِنَّهُمْ لَكَاظِمُونَ** و اگر در و از رحمت حق تعالی نصیب یا بد قوله تعالی **لَا تَقْصُصْ رُكُوتَهُمْ عَلَيْهَا إِنَّهُمْ لَكَاظِمُونَ**
 شود و از آنچه نومیست گشته باشد اما و اگر در و از رحمت حق تعالی نصیب یا بد قوله تعالی **لَا تَقْصُصْ رُكُوتَهُمْ عَلَيْهَا إِنَّهُمْ لَكَاظِمُونَ**
 بقصر الدنیا و **لَا تَقْصُصْ رُكُوتَهُمْ عَلَيْهَا** این سیرین رحمة الله علیه گوید ناخن در خواب دلیل بر سخاوت و قوم مردم بود و بعضی از معتبران گفته اند
 که خداوند صلاح را ناخن بود اگر سینه که ناخن را بمقراض برید و دلیل که دین وی قوی گرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید
 در خواب موت و توانائی و حاصل کردن مال دنیا بود و اگر سینه که ناخنهای وی بشکست و دلیل که مال تو از حاصل کردن و اگر

بر نیک

بیت

که چنین

خواب

خواب

خواب

خواب

ناطق انگبین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناطق انگبین در خواب بر سر و تبه بود یکی سخن شیرین دوم مال و
 سوم محاشیت ناطق این سیرین رحمة الله علیه گوید ناطق خواب آن بود که کثیر که کثیر و نرسند بی باشد و اگر بیدار
 که ناطق بیفتاد و دلیل که ناطق اطلاق و بدای کثیر کثیر نرسد و اگر بیدار که ناطق بریده است دلیل که عیال بی سیر و و هم
 وی تباہ گردد و اگر بیدار که ناطق بی کو چک نشد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیدار که ناطق و سوار شد و دلیل که در حال
 غلبه پیدا میسر می رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که ناطق یا سینه او بهیچ خطی موی برآمده بود و دلیل که سینه های پنج چیز است
 علیه و سلم راغب گردد و اگر بیدار که ناطق اصل ناطق بی بریده بود و دلیل که از مادر و پدر خود جدا گردد و اگر از ناطق تا شک
 شکافه بود و دلیل که وانا و غلام گردد و لیکن مالش برود و اسمحیل شد رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که ناطق کسی سیر و
 دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناطق در خواب بر سر و تبه بود یکی زن
 خوبروی و دوم کثیر سوم مال و روزی چهارم پسر تحم مادر و پدر با قوس این سیرین رحمة الله علیه گوید ناطق
 در خواب بر روی منافق دروغ زن بود و در هیچ خبر نباشد و اگر بیدار که ناطق تا قوس زد و دلیل که با مردی منافق نشیند
 و به اتفاق سخن دروغ گوید و در صنادید و اگر ناطق تا شکست تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید دیدن ناطق در خواب بر سر و تبه بود یکی دروغ گفتن دوم منافق سوم مهربان کفو در دل داشتن نام
 گروانیدن این سیرین رحمة الله علیه گوید نام گردانیدن خواب اگر نام او از نامها بهتر باشد چنانکه محمد
 و سعد و سعید و صالح و آنچه بدین ماند و دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بدتر از نام و لقب او باشد و دلیل بر
 و مناد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نام نیکو و کنیت نیکو در خواب نشیند چون ابو الحیر و ابو الفضل و ابو
 یا لعلو البرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این بیند چون ابو جبر و ابو لیب عقیبه و شکیب
 ایضا العنم الله دلیل بر شر و مضرت کند چنانکه در اقول کتاب یا کریم نام این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیدار
 که ناطق سر بسته داشت دلیل که چیزی پوشیده بشود و اگر ناطق سر شاده داشت دلیل که چیزی فاش بشود و اگر بیدار
 که ناطق سر بر داشت دلیل که مهربان آن خیر بود که بوی رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که کسی نامه بود
 که روی آن نامه بخواند دلیل که از کسی خیر بوی رسد و اگر آن نامه را عنوان بنویسد و دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیدار که
 نشسته بود و محضر داشت و کسی نکشاد و دلیل که او را شغلی پیش آید که بظاهر نیکو نماید و به باطن غم و اندوه قضا کند و اگر بیدار
 که مهربان نامه بکشاد و بخواند دلیل که عز و جاه او زیادت گردد و اگر بیدار که خواب خواننده بود و دید که نامه را بخواند
 که عز و جاهش زیاده تر گردد و بعضی از مجربان گویند که اجلس نزد یک آده باشد قوله تعالی اقول کتاب کفی
 بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا مفسر می رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که نامه پادشاه بدو داد اگر نکشاد و بخواند
 و دلیل که غم و اندوه بود و اگر بکشاد و بخواند بشارت نشسته بود و دلیل بر شادی و خرمی و منفعت بود و اگر سخنهای

و این

از خوش نشسته بود و دلیل بر عیش ناخوش ترس و تسلیم بود و اگر بیند که نامرغ بر پاقت و بیاد شاهی و او دلیل بر خیر
 بود و تحصیل شست رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامرغ از آسمان بدست او آمد دلیل بر امیدواری بود و کارهای وی
 بدان حاجتی که خواهد و اگر بیند که سخنهای ناخوش نشسته بود دلیل که کارهای او بر نیاید تا بچند و انبیا علیه السلام گوید
 تا نهایی پاکیزه و در خواب عیش باشد و اگر تان پاکیزه نباشد دلیل که عیش ناخوش بود و اگر بیند که تان خرد و بختانه بود دلیل بر خیر
 و منفعت بود و روزی فراخ از مال حلال بود و اگر بیند که تان کسی داد دلیل که راحت و آسایش است و این سیرین رحمة الله علیه
 گوید اگر بیند که دوسه تان یافت دلیل که از غم و اندوه برده و شادی و راحت یابد و اگر بیند که در جانی مجبور تان یافت
 دلیل که نیمه عمر او گذشته بود و اگر بیند که تان بیافت و نتوانست خوردن دلیل که اجلس نزدیک رسیده باشد و اگر بیند
 تا نهایی بسیار داشت و میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که تان کرم میخورد و دلیل که اندوهی تویرسد که تان رحمة
 الله علیه گوید تان کرم خواب دیدن دلیل بر عیش و راحت کند و تان خشک بخلاف این بود و سیوس خوردن دلیل بر قتل و کشتن
 بود و تان کرم و پاکیزه خوردن دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و تان کا و درین دلیل بر تنگی عیش و پریشانی بود و تان
 جوین خوردن دلیل بر بده و وضع بود و تان برنجین دلیل بر تنگی و بستگی کار نکند و تان عدس و تان باقلا دلیل بر غم و اندوه
 کند و مغزنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تان خشک میخورد و دلیل که روزی بروی فرخ گردد و بعضی گفته اند که خوردن تان
 در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بیند که تان کرده بر پیشانی او بچسبید و دلیل که درویش گردد و تحصیل شست رحمة الله علیه گوید تان
 تان برام و مردم بزرگ در نیاست و اگر سلطان یک تان بخواب بچسبید دلیل که ملکش زیادت گردد و اگر بازگان برین دلیل
 که مالش زیادت شود و یک تان از یکدم تا هزاردم باشد بقدر شخص اگر رعیت بدین ضیاع و قارش زیادت شود و اگر مال
 گوید هیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از تان نباشد زیرا که تان در خواب مال حلال بود که هیچ بدست آید و تان بخت و در خواب
 بتاویل کار کردن باشد و طلب معیشت و تعبیل کردن از تان نیزگی حاصل کردن باشد مال جعفر صادق علیه السلام
 تان در خواب بر تیر و چه بود یکی عیش خوش دوم مال حلال سوم ولایت شهری چهارم خیر و برکت و با آنکه تان در خواب
 کسی بود که طلب مال کند و اگر بیند که تان باشد دلیل که بسیار مال بخیل و خصومت جمع کند و بعضی از همین گفته اند که تان
 در تان پادشاه عادل بود تا نخواهد این سیرین رحمة الله علیه گوید تا نخواهد و دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که تا نخواهد کسی
 یا بیند اخذ دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و در دیدن و خوردن تا نخواهد هیچ منفعت نباشد بجز غم و اندوه تا و دان
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که تان ناودان آب از باها فرود می آید دلیل که در مقام جنگ و خصومت و
 خونریزی پدید آید و اگر بیند که باران نمی آید و از ناودانها آب فرود می آید دلیل که مردم آن موضع را از پادشاه مصادق
 و رنج رسند و اگر بیند که باران بود و از ناودانها آب فرود می آید دلیل که از حق تعالی حل علایق اهل موضع عنایت است
 باشد و مغزنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناودان بر بام خود نماد و دلیل که از بزرگی شفاعت یابد و اگر بیند که ناودان خانه او

و این

بنیاد و بخت و دلیل که تا و پیش بخت این بود و اگر بیند که نادان حسین یا امین بود و دلیل که بخت نام باشد و اگر
که از نادان کسی آب فرا گرفت دلیل که بخت آن را کسی منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نادان و خواب برست و جد و جد
پیش شهر و دم و متر سیم و منفعت اندک نامی زدن این حسین رحمه الله علیه گوید نامی زدن و خوار دلیل غم و اندوه و بیست
بود و شنیدن او از نامی دلیل غم و فکر بود و اگر بیند که نامی میر و دلیل غم و اندوه و گرفتار نشود که نامی رحمه الله علیه گوید نامی زدن کسی
که خبر مردم برساند و نامی زدن خبر نباشد نبات این حسین رحمه الله علیه گوید بهر نامی که بودت خود بیند که او را ساق نباشد
و دلیل بر خبر و منفعت کند بهر نامی که او را ساق و پیشانی باشد دلیل یا فروتنی مال نعمت و جاهد بعد برتری و کوتاهی و بخت
و بازی شایسته وی بود و اگر بیند که بر تن وی نبات یا گیاه یا درخت برست دلیل که بعد از آن خیر و منفعت یا بد و چند باشد
بیشتر بیند خیر و منفعتش بیشتر باشد و چون بیند که چشم و گوش و زبان قوی نبات رسته بود و دلیل که او را بزرگی زیادت که در کمالی
رحمه الله علیه گوید نبات زمین در خواب نعمت و مال بود و خیر شد و دم خاتم عالم و اگر بیند که در زمین که ملک او بود و نبات بسیار
بود و دلیل که بیند خواب دین دار و سلمان بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال و دم
منفعت و بزرگی و جاه و سوم حلیت خوش چهارم زیادتی دولت نبات جلاب این حسین رحمه الله علیه گوید نبات جلاب بخواب
دیدن سخن خوش بود و چون بسیار بیند دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بیند کسی نبات در دهن وی نهاد و دلیل که از آن سخن خوش
یا ویرا بود و هر کمالی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بخت و ارادت داشت دلیل که بخت آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید نبات جلاب در خواب بر پنج وجه یکی سخن خوش و دوم نرسد نادان سوم منفعت و مال چهارم فرزند یا بچم و بی حلال نبات کسی
که کفن از مردگان بکند بزدی این حسین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که ناشی شد اگر آنرا ازل علم بود دلیل که علم او باشد
و طلب دنیا باطل باشد و عمر خود را در ضایع و صرف کند سفری رحمه الله علیه گوید اگر نباشی بیند که کفن بسیار و بخت و دلیل که صلح
شود و علم و حکمت حاصل کند بعضی از بخت آن گفته اند که مال حرام جمع کند و از مردم ملامت و سرزنش یا بد نویسد و در دنیا علم
گوید اگر بیند که چیزی می نویسد و نویسد باشد دلیل که بکر و حلیت مال کسی نباشد و کار ناک و بی بخت و اگر بیند که از بهر پادشاه خبری
می نبشت دلیل که مال و نعمت بسیار یا بد و اگر بیند که از بهر مردم عامی نبشت دلیل که دل مردم بخواهش بکر و حلیت گرم کند
این حسین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ناگاه نویسد شد دلیل که بکر و حلیت و زری از مردمان بدست آورد و اگر مردی عالم باشد
و بیند که نویسد کی میگرد دلیل که خیر و منفعت یا بد و اگر بیند که شعر و غزل و افسانه می نبشت دلیل که بشغل دنیا مشغول گردد
و شغل آخرت فرو گذارد و اگر بیند که قرآن و توحید و دعوات می نبشت دلیل که خیر و منفعت یا بد مغربی را گوید اگر بیند که نامه
نبشت و مداومت سخن بود دلیل که قباله را با نویسد تحصیل ثقت رحمه الله علیه گوید اگر در سیر بخواب بیند که حاجت برتری می نبشت اگر صلح بود دلیل
دین و دانت او ضایع گردد و اگر فاسق بود یا بگرد و اگر بیند که بستی می نبشت دلیل که بستی و دنیا کند و اگر بیند که بزدی می
نبشت دلیل که بسیار گردد و اگر بیند که بستی می نبشت دلیل که نامش بخیر و خرمی در اندازد و منت گذرد و اگر بیند که بزدی می نبشت دلیل که

خبر می رسد

بیا جلاب

بخت

بخت

بیت

و او حضرت برسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زبانی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را
 بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 که در خواب سخن شیرین باشد و اگر زنی بگوید که اگر زنی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 شوهر ندارد و دلیل که شوهری خبر وی کند و اگر بگوید که اگر زنی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 که زنی از دخت بر کند و بعلامه داد و دلیل که علامت بگوید و اگر زنی بگوید که دخت زنی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 وی در خانه و اگر بگوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 و اگر بگوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 و اندوه بود و کارهای شان بسته گردد و اگر بگوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 اسمعیل اشرف رحمة الله علیه گوید که اگر زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 و در باشد این سیرین رحمة الله علیه گوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 اگر وقت خواب بود و دلیل که چیزی بگوید و اگر بگوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 بود و اگر بگوید که کسی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 غرضی بگوید و باشد که با باشد که از کسی چیزی اندک یا بد نشا سسته این سیرین رحمة الله علیه گوید که بد نشا سسته گندم در
 خواب مال جلال بود که از تجارت برنج بدست آید اگر بگوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 بیامد و اگر بگوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 نشا سسته میگرد و دلیل که از کسب خود برنج و سخی پیروی می کند نشستن این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر بگوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 سقیم نشسته بود و قرار گرفته بود و دلیل که در سفر کارش نیکی شود و اگر بگوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 نشستن بر آب یا بر آستر یا بر خردلیل بر چهار وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم مرتبت چهارم فرمانروائی و نشستن بر آب و دلیل که
 کند چنانکه با مطیع او باشد که مانی رحمة الله علیه گوید که اگر بگوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 چنانکه خداوند تعالی حکام مجتهد فرمود که تعالی فرج الخلفون بمقتلهم و اگر بگوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 تا ویش نکات این بود اسمعیل اشرف رحمة الله علیه گوید که اگر بگوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید
 گردد و اگر بگوید که زنی در خواب بر من مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و فاسق را بر سر کس از انبیا علیه السلام گوید که در خواب مردی ظریف و خیر و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید

بیت

بیت

بیت

بیت

بیت

در بیان
نعمت

بر ورسد اگر میند که نعل ستر داشت دلیل که از پا و شاه منفعت یابد و اگر میند که نعل خزان داشت دلیل که بقدر آن مال زبزرگان صاحب کند
و اگر میند که نعلبندی میکرد چهار پایان خود را و دلیل که بسفر رود و نعلبندی کسی بود که میان مردم دوستی جوید نعلبندی این چنین
رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که دوازده نعلین شکست دلیل که روزگاری در سفر بازماند و اگر میند که نعلین او سوخت و داشت
و دلیل که بسبب گاری از سفر بازماند و در پنج کشته و اگر میند که نعلین او بسوزد و دلیل که سفرش از برای آخرت باشد و اگر میند که نعلین او
بود آن سبب از سفر بازماند و دلیل که کیشری یا بر سفری رحمت الله علیه گوید اگر میند که نعلین او سیاه بود و دلیل که آن زن مالدار باشد و اگر
سرخ بود زن محاشر بود و در طب دوست دارد و اگر میند که نعلین او سفید بود و دلیل که آن زن پارسا و پاکیزه روی بود و اگر میند که
نعلین او بویون بود این صفتی است که گفتیم از هر یکی برخی در وی بود و اگر میند که نعلین او از پوست گاو بند داشت دلیل که آن زن از
اصل عجم بود و اگر میند که بند نعلین او از پوست اشتر بود و دلیل که از اصل عرب بود و اگر بوقت رفتن نعلین او بویون و صفتی است
احتیاط کند و آن نعلین از پوست چه بود اگر از پوست اشتر بود و دلیل که زنش بیار شود و تمجیل شصت رحمت الله علیه گوید اگر میند که
نعلین او بدرید بهین میل دارد و جعفر صادق علیه السلام گوید نعلین در خواب بر سر و جبهه بود یکی سفر و دوم زن سوم کثیر و نفع
پون و نعلین پیر رحمت الله علیه گوید نفع در خواب غم و اندوه بود اگر کسی خواب میند که در زمین مکتا و نفع بود و دلیل که در غم
و اندوه گرفتار شود و اگر میند که نفع میخورد و دلیل که اندوهش بیشتر بود و اگر میند که نفع در زمین دیگران بود و دلیل که خداوند تر
را غم و اندوه بود و اگر میند که نفع از زمین خود بر کند و بیدار است و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و نفع این سیر رحمت الله علیه
گوید نفع در خواب زنی با کار بود اگر زنی خواب میند که نفع در خود مالید و دلیل که با زنی با کار جمع شود و بعضی از متبرکان گفته اند که
چیزی حرام جز و اگر میند که نفع بسیار داشت دلیل که مال حرام جمع کند مغربی رحمت الله علیه گوید نفع در خواب بر سر و جبهه بود
یکی زن با کار دوم مرد غماز و آن سیرم مال حرام نقرین این سیر رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که بر ظالمی نقرین میکرد
و دلیل که بر آن ظالم ظفر یابد و اگر میند که او ظالم بود و مظلوم و اگر نقرین کرد تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمت الله علیه گوید اگر میند
که یا حق بیگناهی را نقرین میکرد و دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمت الله علیه گوید اگر میند که مرد در ابا حق نقرین کرد و دلیل که کار او
بد شود و بعضی از متبرکان گویند که نقرین ساق در خواب بخوابد و خواب باز گردد و اگر نقرین بچ کند تا ویش بر آن کس باشد
که او را نقرین کند و مرد مصلح را زودتر از نقرین کند و مفسد را نقرین بچ یا ناحق کند بخصم باز گردد و نفع در خواب عالم
و دانا و حکیم بود زیرا که احتیاط کننده هر چه نیست بهترین باشد این سیر رحمت الله علیه گوید اگر میند که کسی درین دنیا مصلح
شد و دلیل که از خود علوم دین و قرآن حاصل کند و اگر خوابا بود و دلیل که از هر خود شرف و بزرگی حاصل کند و آن نیکو
کند مغربی رحمت الله علیه گوید نفع در خواب مرد عاقل و متمیز بود و در میان چیزهای نیک و بد در میان مصلح و مفسد جعفر
صحتی است که نفع در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد و دانا و دوم حکیم سوم خردمند چهارم در آینده کار نفع دلیل که
و آنگاه که این سیر رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که نقره از کار خود گرفت و دلیل که آن موضع و ولایت که او بود زنی را بزرگ

نعمت

نعمت

نعمت

نعمت

نعمت

توضیح
نقصان

سیر

توضیح

توضیح

نقدی که گفته بود زمان باشد و اگر بیند که در مغالی که معدن فقره بود و در آن شده و از آنجا فقره بیرون آورد و دلیل که بقدر آن
مال حاصل کند که زمانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که فقره بسیار داشت دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید
فقره در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم فرزند سوم مال چهارم معیشت نقصان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی
بیند که در آن نقصان بود و دلیل که بقدر آن مالش نقصان شود و مگر نقصان زن که در آن صلاح بود چنانکه در باب زمان فرمود
در حرفه زاریا و دریم که زمانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که مال خواسته او چیزی نقصان شد دلیل که شکر شود اما او حضرت سید
ساکر کریمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کارگری میکرد بر سقف دیواری خانه و دلیل که او دوستدار
و فرقیته و مغرور دنیا باشد که زمانی رحمت الله علیه گوید کارگری و صند مگر در خواب کاره باطل نیست و چنانکه خداوند تعالی
جبرئیل علیه السلام فرمود و قوله تعالی انما هم لها کفون مغرری رحمه الله علیه گوید کارگری در خواب
فرقیته باشد در دنیا و راه راست گذشته و راه باطل گرفته باشد اسمعیل شعب رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دستبای خود
بسیار خضاب و نگار میزد و دلیل که در کسب دنیا خداوند بزرگو و حلیت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نگار در خواب بر چهار وجه بود
یکی آرایش دنیا دوم کار باطل سوم مکر و حلیت چهارم فریب دروغ یکی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نگار در خواب در
خواب شرف و بزرگی و مال بود و بعضی گفته اند که فرزند باشد و اگر بیند که نگار در خواب در خواب شرف و بزرگی و مال
او نقصان پیدا یابد یا فریبش میبرد و اگر بیند که نگار در خواب در خواب شرف و بزرگی و مال او نقصان پیدا یابد یا فریبش میبرد
ظاهر شد و دلیل که بقدر وقت آن نگار نعمت یا بد مغرری رحمت الله علیه گوید نگار و تاج پادشاه را ولایت بود و زمانه را شرف
و عامر اجاره و نیکوای جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نگار در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم مال سوم و لا
چهارم معیشت غم فرزند ششم بزرگی هفتم مال ثقت هشتم عمل نماز این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که نماز در
جانب شرق میکند و دلیل که حج رود و اگر محل حج نباشد معیشتش بر جانب ترسایش باشد و اگر بیند که بر جانب غرب نماز کند
و دلیل سوی قبله و پشت دلیل که دین اسلام پس پشت انداخته باشد و اگر بیند که بر راه نماز میکند و پشت سوی قبله و پشت دلیل
که اجالش نزدیک رسیده باشد و بگوید اگر بیند که نماز گذارد و ندانست که قبله کجاست دلیل که در راه دین متخیر بود و اگر نماز
سوی قبله گذارد و دلیل که در راه دین مستقیم شود و زمانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که قومی را امامت میکرد و دلیل که بعد از حاکمیت او امام
دی بود و در سرور می یابد و اگر بیند که وقت نماز گذشت و جای پاکیزه نیافت که نماز بگذارد و دلیل که کارش بدشگونی بر آید
چنانکه نماز قطع کرد و نماز گذارد یا نماز بی وضو گذارد و دلیل که در طلبی که باشد آن مطلب میسر نشود و اگر بیند که در سجده یا در سجده
امامت میکرد و دلیل که پادشاه اند یا مطیع وی شود و اگر خلاف این بیند تا ویش خلاف این بود و اگر بیند که در نماز کعبه و مسجد و امام
نجای آورد و دلیل که کار دین و دنیا وی نیکو گردد و مغرری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که نماز پیشین بوقت میکند و آسمان روشن ناگهانی
بود و دلیل که رفیع در جانی بخیرت حق تعالی باشد و اگر آسمان تیره و ابراناک بود و دلیل که غم و اندوه و بد و اگر بیند که نماز میکند و دلیل

نقدی که

در این

بهر میگوید و در بر آید و اگر بگوید که فریضه شام میگزارد و دلیل که این عیال خود معامله کند و از آن شاد و خوشم گردد و اگر بگوید که اگر
 میگزارد و دلیل که بسفر رود و اگر این زنی بگوید حایض شود و اگر بگوید که بی و صوم نماز میگزارد و دلیل که بیمار شود و اگر بگوید که فریضه شام
 میگزارد و دلیل که این شود و بر دشمن ظفر بدو اگر بگوید که در باغ نماز میگزارد و دلیل که از کتافه ثوبه کند و اگر بگوید که در کشتیها نماز میگزارد
 و دلیل که وارش گذارد و شود و اگر بگوید که بجای نمازی بنویسد و نماز گذارد و دلیل که مسند و بد کرد و از باشد و اگر بگوید که نماز کرد و روی
 بصحرانها و دلیل که یارسته تربت مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بکشد و اگر بگوید که در کعبه نماز گذارد و دلیل که کاشی خنجر
 بظلمت شود و چنانکه خاطر وی خواهد و اگر بگوید که بعد از نماز سجده کرد و دلیل که بر روی بزرگ و از محشم ظفر یا بد روی مسلط شود
 و اگر بگوید که بجز خدا بیعیال کسی را سجده نکرد و دلیل که مرادش حاصل شود و اگر بگوید که بر سر دیواری سجده میکرد و دلیل که با و از
 بزرگان پنج و خوانی رسد و اگر بگوید که نماز میگزارد و پنجین بخورد و دلیل که با عیال خود نزدیکی کند و اگر بگوید که در نماز نجات
 نشسته بود و دلیل که از غم فرج یابد و در اجتناب روا کرد و اگر بگوید که سلام نماز اول بدست چپ داد و دلیل که احوالش شورید شود
 و اگر بگوید که نماز نشسته میگزارد و دلیل که بر دشمن ظفر یا بد و بعضی که سینه عذری گوید که از وی سپید تر و اگر بگوید که نماز خود را دعا کرد
 و دلیل که در فرزند پیدا کند و یا در خانه انداخته و اگر بگوید که در تاریکی نماز گذارد و دلیل که در غمها فرج یابد و اگر بگوید که نماز
 شب میگزارد و دلیل که آن همه ترسها این کرد و در نعمت و بزرگی و فرمانروائی یابد و اگر بگوید که نماز بپوشی میگزارد و دلیل که بهر کار
 و اگر بگوید که نماز سجده کرد و دلیل که در سفر و دور و زنی خلاص یابد و اگر بگوید که در سبب المقدس نماز میگزارد و دلیل که میراثش یابد و روی
 بر روی فراخ گردد و اگر بگوید که در کعبه نماز میگزارد و یا در بام کعبه دلیل که روی یکصد آرد و در عاقبت کاشی بخر کرد و حافظ معتبر رحمة الله علیه
 گوید نماز گذاردن در خواب بر سه وجه بود یکی فریضه دوم سبب قطع و اگر بگوید که نماز فریضه میگزارد و دلیل که حق سبحانه و تعالی محل خلاص
 و در حج روزی گرداند و از فرجش نکند و در قوله تعالی ان الصلوة تقرب الی الله تعالی و اگر بگوید که نماز سنت میگزارد
 و دلیل که صبر کردن کار او بشکارت شدن نام نگیرد و شفقت بر خلق بود و اگر بگوید که نماز قطع میگزارد و دلیل که برای دشمن عیال
 و سعی کردن در کارهای دوستان و مرگت کردن با هر کسی بود و اگر بگوید که بر ستون نماز میگزارد و دلیل که او را هیچ عظیم رسد و اگر بگوید
 که در کارخانه یا دوکانی نماز میگزارد و دلیل که حق تعالی در کار و کسب برکت کند و اگر بگوید که نماز دینه گذارد و دلیل که کار وی صحیح گردد و خانه
 از ضعیفانی زنج گوید رکوع و سجود و خواب بحضرت مبارک تعالی نزد دلیل تقرب بود و قوله تعالی کلا لا تقصروا عن الصلاة و اقترب
 و معتبران گفته اند اگر بگوید که نماز رکوع کرد و دلیل که رکوعه مال نهد و اگر بگوید که نماز بجای آورد و دلیل که از بزرگان و ثقل عبادت او
 گردانند و حامی او مستجاب کند و بر روی رحمت کند و جعفر صادق عنی الله عنه گوید نماز گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی اینی
 با و تم شادی سوم خواب چهارم مرتبت پنجم دستکاری ششم مردافتن هفتم نقصان در قضا و همه گوید که رکوع و سجود در خواب پنج
 بود یکی مردافتن دوم دولت سوم نصرت چهارم ظفر یافتن پنجم آنکه حق تعالی بجای آوردن قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اذكروا صلاتکم
 و اعبدوا و ابکم و افعلوا الخیرات لعلکم تفلحون و اگر بگوید که بر مرده نماز گذارد و دلیل که او را دعا و ثنا گوید و اگر بگوید که نماز

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

نام گذار و تا پیش بکلاف این بود که این سرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ندی سید و پاکه در دست دلیل که مال جلال بود اگر در خواب
 بیند و ران هیچ منفعت نباشد و اگر بیند که در بسیار دست دلیل که بعد آن از کتب خود مال حاصل کند و اگر بیند که در دست دلیل
 مال بقضا و تلف کند که باقی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که برتن خود جامه از بند سپید داشت دلیل که زنی تو اگر خواهد که کثیر کی و شوی
 بخرد و اگر بیند که در از چشم اشتر بود دلیل که از یاد و شانه منفعت یا بد مغربی جملة نقد علیه گوید اگر بیند که در دست داشت و از وضایع شد دلیل
 که در مالش نقصان شود و بخواب بر روی بود که بجلال که را بد و از حرام بر میزد ناید نکات این سرین رحمة الله علیه گوید که نکات
 درم نقد و کاری نیکو کردن بود و اگر کسی بخواب بیند که نمک سپید داشت دلیل که بقدر اندم نقد حاصل کند که گمانی رخ گوید
 بیند که نمک خور و دلیل که راه زاید گیر و و کار خیر کند و نمک چرکین سیاه دلیل جنات و خدمت بود و جعفر صادق رضی الله عنیه
 عنه گوید نمک در خواب بر چرخ وجه بود یکی درم نقد و دوم آبروی سوم نیکوئی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو و نمک خوش
 در خواب بر چهار وجه بود یکی درم بی بهره و دوم خنهای ناخوش سوم غم و اندوه چهارم خورسندی نکات سوفای
 سرین رخ گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشت نمک بود خرب بود و خورد و دلیل که نعمت و روزی بود و میراث یا بد و اگر نکات
 سود و لاغری بود دلیل که زبانی بد و رسد و هر چند که شور تر و لاغری بود دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قدید خوردن در
 دلیل بر غلبت کردن بود و مغربی رخ گوید اگر بیند که گوشت قدید است لاغری بود دلیل که از هر دم یا دشا او را زیان رسد
 و اگر گوشت شیر لاغری بود دلیل که از مغز می مضرت یا بد و اگر نکات سودا و گوشت چهار زیان و شتی بخورد و لاغری بود دلیل که از هر دم
 بیای باقی مضرت بیند فی الجمله و گوشت لاغری منفعت نباشد و نمک این سرین رخ گوید نمک در خواب در و باشد و ستمکار
 و ستیزنده بود اگر کسی بخواب بیند که نمک را در اسوی آب کشید و غرق شد دلیل که در آب هلاک شود و اگر بیند که نمک را
 بریزد دلیل که بقدر کند و از دشمن مضرت رسد و در محبت بیند که زانی رخ گوید اگر بیند که او را آب فرو برد و دلیل که با میان
 هلاک کند و اگر بیند که نمک بر و غالب شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که گوشت یا پوست یا تخوان نمک
 داشت دلیل که از دشمن مضرت یا بد مغربی رخ گوید اگر بیند که نمک را در آب کشید و دلیل که در دست دشمن شریف شود
 نو و بدین این سرین رخ گوید هر چیز که نو باشد پسندیده بود و دلیل بر خیر و خرمی بود و گوشت را در حرف گاف بیان کرد
 نوحه کردن این سرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نوحه میکرد و دلیل که آن وضع بد و مبارک نباشد
 در مردمان بهتر از آن وضع متفرق شود و اگر بیند که والی را شتر برود و مردم بر او نوحه میکرد و دلیل که ایشان را از آن بیخ و ستم
 رسد و بعضی از مجربان گویند که والی را خرمی باشد و اگر بیند که با نوحه میکرد و دلیل که برایشان بهیاد و ستم کنند و این
 وی غمگین و ستمند شوند که باقی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نوحه میکرد و فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود
 و از بد مغز نش رسد و اگر بیند که میکس نیست و آسته نوحه میکرد و دلیل خرم و شادی بود و اگر بیند که بازماند مردمان بسیار بود
 و نوحه را و از میکس و دلیل که بسبب پادشاه و آن وضع غم و اندوه رسد و نشا و این سرین رحمة الله علیه گوید که

در خواب

در خواب غم و اندوه بود و گویند نوا در دشت دلیل که غمگین گزیده اگر بیند که نشاء در میخورد دلیل که غم و اندوه صعبتر بود و دیگر و مسند بن سیرین
گوید اگر کسی خواب ببیند که نبرد از آن شد که در بیداری بود و دلیل بر نیکوئی احوال او و دنیا و آخرت بود اگر مسلح بود و اگر مفسد ببیند
تا و بیش بخلاف این باشد نیزه ابن سیرین رح گوید اگر کسی خواب ببیند که نیزه و سلاح دیگر داشت و دلیل بر بزرگی و کامرانی یا بهیچانکه در
ولایتها فرمانش بر او گردد و اگر بیند که بغیر نیزه هیچ سلاحی نداشت و دلیل که او را فرزندی یا برادری آید و اگر بیند که نیزه بشکست و دلیل که فرزند
یا برادرش بمیرد و اگر بیند که نیزه او کسی بر او دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر بیند که کسی را نیزه زد و زخمی کرد و دلیل که غیبت مردم گوید و نیزه
در خواب دلیل قوت و ظفر بافتن بر مردم بود و اگر بیند که سر نیزه در دست داشت و دلیل که او را با مردمی خوب نیکو کار صحبت افتد و از وی
خبر و منفعت یا بهیچانکه صدق حق الله علیه گوید نیزه در خواب بر پشت وجه بود یکی قوت و دوم سفر سوم ولایت چهارم زن پنجم فرزند ششم
اینهمه بستم توانائی بیشتر هستی بخلاف نیزه و نیزه کرد در خواب مروی بود که با مردمان یاری کند و از وی هر کس قوت رسد بختش
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که می بشت یا کسی بوی می سوخت و دلیل که دانشش بیاورد و اگر بیند که چیزی می بشت و دلیل
بر شرف و فدا بود و اگر بیند که از قرآن و احادیث و توحید و دعوات می بشت و دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر چیزی از شعر و غزل می بشت و دلیل
بر شرف و بختش که ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که نیشکر میکشد و دلیل که بجاری مشغول گردد که در آن کار ویرانچه بکشد و نیشکر می
و خصوصت باشد و اگر بیند که نیشکر کسی داد و دلیل که از گفتگوی خلاصی یا بدینیکو کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید یکی کردن در خاست
و بزرگواری در دین بود و بدان قدر که یکی کند زنگاری یا بار خدای آخرت خاصه که مؤمن و پارسا بود که تانی رحمه الله علیه گوید اگر
بیند که با خردی نیکوئی کرد و او خوار داشت و دلیل که در همه کارها ناسپاس بود و قوله تعالی و لا تقنوا الفضل بینکم ان الله جماع
تعملون بصیر اگر بیند که نیشکی با اهل شرک کرد و دلیل که مال خود تصرف دهد بر کسانی که حاجت یار خیر و جهانی حاصل کرد و دلیل ابن سیرین
گوید بدین نیش در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که نیش داشت و دلیل که بقدر آن او را غم و اندوه بود و اگر بیند که نیش کسی را یا از وی نیش
شد و دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که جامه خردا بپوشد که ده بود و دلیل که او را غم و اندوه رسد و دلیل بر مصیبت از بسبب
خویشان و دوستان بود و اگر بیند که نیش مجروح و دلیل که در دنیا آفتی بوی رسد نیلوفر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که
بجای خود بوقت خود بر درخت ببیند و دلیل که از کسی چیزی بپرسد یا او را فرزندی صالح آید و چون از درخت جدا بود و دلیل غم و اندوه بود
که با تانی رح گوید اگر زنی بیند که نیلوفر از درخت بشکست و بسلام داد و دلیل که غلامش بگریزد و اگر بیند که دوستی داشته نیلوفر بداد و دلیل که میان
ایشان جدائی افتد و احتمال علیه السلام گوید درخت نیلوفر در خواب و دلیل بر کثرتی بود که از وی او را زیان رسد حرف الواو و داشته
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید چون داشته و مطیع و فرمان بردار خرد بیند چنانکه از دست برود و با کتب کند و با نایه و دلیل بر مال حلال بود
و منزلت خداوندش بود و اگر بیند که داشته سپید و پاکیزه بود که بر دستش نشسته بود و مطیع او بود و دلیل که از مردی بزرگ قدر و جاه و منزلت
پدید و اگر بیند که داشته بریده رسته در دست وی ماند و دلیل که قدر و منزلتش زایل گردد و مغربی رح گوید داشته در خواب پادشاهان را مالک
و بزرگواری بود و توانگر از مال باشد و در دنیا از فرزندان بود و اگر بیند که داشته از دستش افتاد و پدید آمد صاحب خواب پادشاه بود و دلیل که

در خواب غم و اندوه بود

نیش

نیش

نیش

نیش

نیش

نیش

ملک بخت و اگر میر بود یا سردی بود دلیل که از جاه و منزلت بخت و اگر تو اگر بید ویش کرد و اگر در ویش بید فرزندش میر و نوحی
 گفته اند که داشته مردی میسر بود اگر بید که گوشت داشته مجوز دلیل که بقدر آن مال دشمن خرد و اگر بید که داشته بسیار در جانی صبح شد
 دلیل که عیاران در آن موضع جمع شدند جعفر صادق علیه السلام گوید دیدن داشته در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرمان و
 سوم مال چهارم منفعت و اما کار داری و فرمان رسانی بود اگر بید که کار داری از تخت بنیفا و یا تخت او شکست یا کسی از وی
 بشمشیر بید یا سرای او خراب گشت یا در دایمی گرفتار شد و کشته شد یا چهار پانی بسرا آمد و بنیفا و یا کسی او را بکشد اینها دلیل بر آنکه از دشمن
 و بزرگ بخت و معزول گردد و این سیرین رح گوید اگر کار داری بید که دشمنش با دست کسی پیوست دلیل که بزرگی و سیرت نیکو بر وی
 پائیده بماند اگر بید که بندی بر پای اوست دلیل که شرف بزرگی او زیادت گردد و مغربی رحته اند علیه که دیگر بید که کار داشت و خوش
 مسفت و در بندار بود چنانکه مردم از وی خوشنود بودند دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر بخلاف این بید دلیل بر شر و فساد بود و خاصه
 بسینده مفسد و ناپارسا بود و خوش چهار پانی داشت باشد هر چند از ایشان نزد دلیل بر مردان کند و هر چند ماده بود دلیل
 بر زمان بود این سیرین رحته اند علیه که دیگر بید که خوش صید میکرد یا کسی از خوش صید بدو داد دلیل بر مال و ثروت غنیمت بود
 و گوشت و پوست او همین دلیل بود که تانی رح گوید اگر بید که خوش مطیع و فرمان بردار او شد و چنانکه سلیمان علیه السلام بود دلیل
 که وی ایشان را بکشد و سلیمان علیه السلام بود و اما مطیع و فرمان بردار او شد و خاصه که بید که خواب مستور بود و هیچ در حرف سین تان کردیم
 و رونه و بتوک نان هر دو در خواب اینها متفق یکدیگر بود و اگر بید که در دنده و بتوک نان کسی بودی داد دلیل که او را نیا که بخت
 حاصل شود مغربی رحته اند علیه که دیگر بید که در دنده داشت دلیل که با کسی صحبت کند که او را راه حق نماید و از باطل دور کند و اگر بید که در
 او شکست دلیل که از صحبت بختین کسی جدا افتد جعفر صادق علیه السلام گوید دیدن و رونه در خواب بر سه وجه بود یکی متفق و کار
 دوم انباز یک طلب کند و صحبت سوم کار و شوار که بر وی آسان گردد و رونه و این سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بید که بر دست
 دشمن و رونه شده است دلیل که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند که تانی رح گوید اگر بید که برده میفرودخت چون غلام و کنیز که دلیل
 او را خیر و منفعت رسد و اگر بید که رونه از کافران بسته و بخیزد دلیل که باشد مغربی رحته اند علیه که دیگر برده غلام بود که خرید دلیل
 به باشد و اگر فروخت دلیل که نیک باشد و اگر غلامیکه فروخته بود باز خرید دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بید که حدود داشت و از وی
 بگریخت اگر غلام بود دلیل نیک باشد و اگر کنیز بود دلیل بد باشد و نقصان مال بود و برده فروش مردی بود که اختیار مردان
 و رسان جانوری بود که فرسان آنرا بکوت تر خوانند دیدن وی در خواب نزن یا کنیز بود این سیرین رحته اند علیه که دیگر
 کسی بخواب بید که کنیز گرفت یا کسی بید و دلیل که زن خواهد و اگر بید که و رسان بخیزد اگر از دست وی سپرد دلیل که زن را
 طلاق دهد یا کنیزت فروشد که تانی رحته اند علیه که دیگر بید که و رسان بکشت و گوشت او بخورد و دلیل که بقدر آن نان
 بستم بستند و اگر بید که و رسان بسیار داشت دلیل که کنیز بسیار بخورد و نیز قانوی خوانند جعفر صادق علیه السلام گوید
 قانوی در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی منفعت دوم معیشت سوم غم و اندوه و نیز این سیرین رح گوید فروغ در خواب مردی

راه و عابد بود اگر کسی بخواهد بید که وزنی بگرفت دلیل که با مردی بدین صفت مصاحب شود و اگر بید که با وزنی ببرد و دلیل که چنین
 مردی مصومت کند و اگر بید که وزنی بسیار در جائی حبسند و فریاد میکردند و دلیل که در آن موضع عذاب خداست که فرارسد مغربی
 کوید اگر بید که وزنی را کشت و از گوشت وی بخورد و دلیل که مردی را بدهد و بقتل رساند و بقتل آن مال او بستاند و خزینه کند و اگر بید که
 وزنی را بکشد و دلیل که از مردی را بدهد و بر آن رخ رسد و اگر بید که وزنی را از آب بگرفت و بر خشک انداخت و دلیل که را بدهد و از کار
 باز دارد و مضرت رساند و وزیر این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که وزیر پادشاه را کاری نیکو بود و دلیل که آن وزیر را گ
 نیکو شود و دولتش زیادت گردد و اگر بخلاف این بید تا ویش بدو و اگر کسی بید که وزیر شد و منصف و دادگر بود
 و دلیل که بقتل رساند انصاف و شرف بزرگی بدهد و اگر بید که وزیر با طعنه و دلیل که عاه و لغت مال بر وی فراخ گردد و خوش
 دراز بود و اگر بید که وزیر ویرا خلعت و کلاه داد و دلیل که مردم ویرا والی گردانند و اگر بید که وزیر در ساری او آمد و دلیل که او را
 بسبب پادشاه غم و اندوه رسد که تانی روح گوید اگر بید که با وزیر طعام خورد و دلیل که از وی شرف بزرگی بدهد و اگر بید که
 خانه وزیر افتاد و بود و یا بیمار بود یا پادشاه او را محضول کرده بود یا اسپا و را بیفکند یا کای او را بپرون زند و این همه دلیل
 بر غل می بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بید که چشم و آفتاب است
 کشته بود دوم آنکه چون بید که چشم او و جلعه بخند و کشته بود سوم آنکه چون بید که پادشاه مری بر میان او بست چهارم آنکه
 بر چهار یا ران رسول صلی الله علیه و سلم بی تاجی بر سر او نهاد و این همه دلیل بر یافتن وزارت کند و سیمه ابن سیرین رحمة الله علیه
 علیه گوید و سیمه در خواب غم و اندوه بود و اگر بید که زمینی داشت و در آن زمین سیمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه بود و دو
 بید که زمینی داشت و در آن زمین سیمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بید که و سیمه از زمین بر کند و
 بیداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی بدهد و اگر بید که سیمه بخورد و دلیل که بسبب عیال در بروج و محنت افتد و اگر کسی بید
 که و سیمه بدو داد و دلیل که میان ایشان خصومت افتد مغربی روح گوید اگر بید که و سیمه بدو سیمه بدو سیمه عیال خود داد و دلیل
 که از بید که عابد گردد و در دیدن و سیمه خیر نباشد و سیمه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید و سیمه در خواب غم و اندوه بود و اگر
 که و سیمه بر دار داشت دلیل که غم و اندوه زیادت گردد و اگر و سیمه بکسی داد و دلیل که از غم و اندوه خلاص شود مغربی رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر بید که خیری بدو نشاند و سیمه دلایل که کار پراننده او جمع شود و اگر بید که و سیمه بخورند و دلیل که غیبت مردم بسیار
 گوید و ضحوی نماز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که دست و روی بآب صافی بشست و دلیل که کاری جوید که تمام
 کار بسیار بد و مقصودش حاصل گردد و اگر بید که بآب پدید روی حیثیت تا ویش بخلاف این بود که تانی روح گوید اگر بید که و
 در روی خود را حیثیت دلیل که از بید یا ران خود یا ری خواهد و اگر بید که دست و روی شست و دلیل که مرادش حاصل شود
 و دلیل که ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواهد بید که وکیل پادشاه شد و در شغل خود منصف بود و دلیل که خیر و قابل
 دنیا بدهد و اگر دلیل قضی بخشد چنین دلیل دارد و اگر در شغل و کالت منصف و دادگر نبود تا ویش بخلاف این بود و مغربی

رحمه الله عليه گوید اگر وکیل بیند که منیب را بنواخت دلیل که او را بامردی سخن لطیف گفته شود و اگر منیب را کشاده زنی
 بیند و دلیل که او را از منیب منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که بدو واری علت حرام بود و بدین او در خواب
 مانی بود که بوی رسد خاصه که در قرن آله سفید بیند این سرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در قش واری بسیار شده بود
 دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از معتبران روح گفته اند که او را معروف کردند جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید واری در خواب در ویش را تو انگری و نعمت بود و تو انگرا از ایستادن از گناه و اگر بیند که چنان شد که همه گناهان
 افتاده بودند دلیل که کارهای نیکو کند و باشد که فرزند یا برادرش از دنیا برود و میرانی ابن سرین رحمه الله علیه گوید
 که ویرانی خانه و دکان و آنچه بدین ماند دلیل که اسی بود و درین و اگر بیند که ویرانه آبادان میکرد تا ویش بخلاف این بود
 کرمانی روح گوید اگر بیند که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل آنجا در بلا و مصیبت افتند و اگر بیند که ویرانه کهنه آبادان
 میکرد و دلیل بر صلاح کار خداوندش بود و بیننده از گمراهی براه صلاح آید مغربی روح گوید اگر ویرانی از کار خالق است
 و دلیل که بیننده را نفع بود و اگر از کار مخلوق است تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند
 که در سه یا مسجد ویران کرد دلیل بر نقصان کاروی باشد صرف اطاء تا و ابن سرین رحمه الله علیه گوید
 تا و ن دوست هر دو شریک باشند که ایشان را از یکدیگر ناگزیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند فایده رسانند
 و اگر از ایشان یکی بیند فایده نباشد و اگر بیند که در تا و ن چیزی میکوفت و آن چیزی خوردنی بود و دلیل که بقدر حاجت
 آن او را برنج و سختی نفع رسد و اگر آنچه زار بود اگر واری امساک بود و دلیل بر زیادتی مال بود مغربی رحمه الله علیه
 گوید اگر آنچه در تا و ن میکوفت شیرین بود و دلیل که برنج و سختی فایده یابد و اگر تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر چه بر تا بود که
 تا و ن میکوفت و می سود و دلیل که بقدر آن منفعت بیند و عاقبت مال خود تلف بکند بسیار بدانکه که و و ذره آفتاب
 بود این سرین رحمه الله علیه گوید بسیار در خواب سخن باطل کرد واری پراکنده بود که در آن خیر و منفعت نباشد چنانکه حقیقت
 در کلام مجید فرموده است و جعلناه هباء منسوا و اگر مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بسیار سخن در هر دو برآید
 و دلیل که در اندام یا ریحار شوند و اگر سیاه بود و دلیل بر مصیبت بود و اگر سفید بود و دلیل که هیچ غم نباشد و در این چنین چنین
 علیه گوید هر دو در خواب مردی زیرک و دانا بود که از کار دنیا مردم خبر دهد و اگر بیند که در هر دو یکدیگر یاکسی بود و دلیل هر دو
 و انانیزک بصیفت که گفتیم او را صحت افتد از وی فزنی صحت کند و اگر بیند که در هر دو بخت دلیل که بر مردی دانا و بزرگ ظرفیت و ببردنی کند
 و اگر بیند که گوشت می بخورد و دلیل که قدر آن مال از مردم اخلاش حاصل کند کرمانی روح گوید هر دو در خواب بدین صاحب خبر بود یا رسول نیک بود
 اگر بیند که در هر دو سخن گفت دلیل که انانیزک یا کرمانی جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین هر دو در خواب بر چاه و چاه بود و یکی خوشتر است
 و دوم بزرگی سوم بر دشمن ظرافتن چهارم در کار که باشد زیرک و دانا باشد چنانکه حقیقت فرمود و در هر دو سخن گوید اگر بیند که در
 و انانیزک در هر دو چیزی نیکو باشد که لایق و پسندیده بود و بود و دلیل که هر دو در منفعت بود و اگر چیزی نیکو نبود و دلیل که

خواب واری

برین

عرب

یک

ی

و صلاح ایشان باشد زیرا که هر چه فرو تر بود و دلش از علم تعبیر شمس قوی تر بود از جنبه گالی که نهاده دارد و جعفر صادق رضی الله عنه که دیدن مردم خواب میداد باشد که با کشتن آن بنام و حاسد باز کرد و هر سیرم این سیرین که دیدیم تر خشک و خواب جنگ خصوصت و سخن چینی بود و اگر بینا که سیرم در خانه خود آورد و دلیل بقدر سیرم آوردان شهر و خانه جنگ خصوصت بود و اگر بیند که کسی بکانه سیرم بدو بخشد و دلیل ویرا با مردم که بقدر سیرم جنگ خصوصت افتد که تا بیج گوید اگر بیند که از بنیسه یا از صحرای کوه سیرم جمع میکرد و دلیل که اینکس بد کرد و حاسد و سخن چینی بود و اگر از راه شود و در حال حاکم الخطیب جید ها حبل من قبیل اگر بیند که از درختان سیرم جمع میکرد و دلیل در میان جشتان و سیرگان و از راه افتد و سخنانی میسر که بیند و اگر بیند که آن درختان سیرم از آن جمع میکرد و میوه دارد و دلیل میان بزرگان بزرگ است بود و جوشن باشد و دیدن سیرم تر خشک و غن باشد جعفر صادق صفا که دیدیم تر خشک و خواب ساقی سخن چینی باشد و سیرم تر در خواب جنگ خصوصت گفتگوی شاه و بهر حال سیرم و خواب بد باشد حرف الیاء یاره و خواب چینی بود و جوشن است و بهر این سیرین که گوید اگر مردی بیند که یاره درین تر خشک و دلیل که مردی بد و رسد و اگر یاره همین تر خشک و دلیل که غم و اندوه بوی کمتر رسد و جمله سیرانه زمان مردان نیک باشد و از آن مردان و از وطن گوشتواره و غیره کمتر زینت پادشاهی باشد و از آن مردان شود و بقدر وقت آنچه دیده باشد و شرح هر یکی از اینها و اول کتاب میان کردیم یا سیرین این سیرین که گوید اگر بیند که دوستی داشته یا سیرین بدو و دلیل میان ایشان گفتگوی افتد و از هم جدا شوند و اگر از بی سیرین از درختی بچید و بشو و دلیل شود و از اطلاق و در اگر بیند که سیرین بخلام داد و دلیل از بخلام برگریز و درخت سیرین و از درختی که در بدنه سیرین و غله و حاسد باشد و اگر سیرین خوشبوی بود و دلیل که آن با جود و جان بود و یافتن این سیرین که گوید اگر کسی بیند که چیزی یافت اگر غله و خواب یا سیرم بود و دلیل که رسیدن سیرین یا در اگر سیرم و سیرم و سیرم و از غم و اندوه رسد که تا بیج گوید اگر خواب بیند که چیزی یافت و هر چه سیرم بود و دلیل که منفعت بود و وجه عمر کند و اگر بیند که در چیزی یافت و دلیل که منفعت روزی حلال یافتن بود و شمار دیگر برقی سیرین و اگر آنچه یافت از یک جنبه نباشد تا ویش باشد یا یافتن این سیرین که گوید اگر کسی خواب بیند که کوه کند و کان زیر یافت و دلیل که بقدر سیرم ولایت یابد و اگر بیند که مصلح و یار سا بود و این که حقیقتا او را علم حکمت ازانی دارد و اگر بیند که کان سیم یافت و دلیل که زنی از بزرگان باشد که با جمال مال بود و بعضی از سیران گویند که او را فرزند سیران پی آید و اگر بیند که کان سیم یافت و دلیل که او را با متری بد کرد و اگر سیرم و اگر بیند که کان از زیر یافت و دلیل که زنی خیر و زنی بدی کند و اگر بیند که کان سیم یافت و دلیل که او را با متری قوی صحبت افتد و از وی مال بد و اگر بیند که کان بد یافت و دلیل که از پادشاه یازن او را منفعت رسد و اگر بیند که کان بر جد و زمر یافت و دلیل که صاحبان جاه گردد و اگر بیند که کان یافت و دلیل که غم و مالغ زیادت گردد و اگر بیند که کان پیروزه یافت و دلیل که بر دشمن ظفر سید بد او را دهد کند و اگر بیند که کان حقیقت یافت و دلیل که از پادشاه نفع یابد و اگر بیند که کان غن یافت و دلیل که با متری گفتگوی کند و اگر بیند که کان لعل یافت و دلیل که جاه و ثمت یابد و اگر بیند که کان زینش و یافت و دلیل که اندوگین شود و اگر بیند که کان کف یافت و دلیل که از بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که کان سره یا کان یافت و دلیل که غم بود و اگر بیند که کان گل زرب یافت و دلیل که سیرا گردد و اگر بیند که کان گل حنف یافت و دلیل که با متری او را صحبت افتد یا قوت این سیرین که گوید که بیند که با قوت سیرم یا سیرانه تر خشک و دلیل که زنی یا کینه نیکو او را حاصل آید یا او را دشمنی خیر و بدی آید و اگر بیند که تو معصوب است و دلیل که کینه

بزرگ

سیرم

سیرم

سیرم

سیرم

سیرم

سیرم

باز

باز

باز

باز

آنکه در و بروی حرام گردد که تانیج گوید اگر بیند که یا قوت ندارد و دشت دلیل که زنی خوب باهل و سب بخواد و اگر زن دارد و دلیل که فرزندش را
 یا قوت منشوش دشت دلیل که فرزندش مفید بود و معیشتش روح گوید اگر بیند که یا قوه سرخ داشت دلیل که زنی را اگر با جمال بخواد و اگر بیند که یا قوا
 نیز بود و دلیل که زنی با رسا و نیک سیرت بخواد و اگر بیند که یا قوت ندارد و دشت دلیل که آن زن بهارگون باشد و اگر بیند که یا قوت سفید بود و دلیل که زنی زیاده
 بصلح باشد جعفر صادق صنی الله عنه گوید یا قوت در خواب پیشش جبه بود یکی مال دوم که بزرگ سوم علم چهارم پسر پنجم مرد نیک ششم دشمن و ششم
 بر روح بد آنکه بی روح را بر و صحنه نیز خوانند و بصورت مردم باشد این سیرین روح گوید اگر بیند که بر و صحنه داشت یا کسی بر و داد و دلیل که بد
 روی فرو ماید و درون قدر مشغول گردد و از روی رحمت یابد و اگر بیند که بر و روح خود و دلیل که از مال مردی بدین صفت بخورد و درین سیر روح بد و صفت
 باشد و دانی علیه السلام گوید پنج در خواب غم و اندوه بود خاصه که بوقتی پیش بیند و اگر بیند که پنج میخورد و دلیل که روی بسیار یا بدگرانگ یا بی رویی اندک
 بیند بوقتی پیش یعنی نستان و اگر بیند که پنج صافی بخانه میبرد و دلیل که بقدر آن مال جمع کند که تانیج گوید اگر بیند که در تابستان پنج صافی بود
 دلیل که مال حلال جمع کند و اگر بیند که پنج تیره و تلخ بود و دلیل که مالی جمع کند از حرام بود و اگر بستان پنج پاکیزه بخوابد و دلیل که عشرت خوش گذارد و منفعت
 ز روزگار خود بیند و دل در نستان بروی شاد گردد و جابر مغربی روح گوید پنج در سر و سر در نستان بخوابد و دلیل که خیر و منفعت و تندی بود
 در سر و دلیل که خط و تکی و اندوه بود بعضی تکرار گفته اند پنج و برق در خوابیدن در دیار سر و دلیل که فراخی نعمت بود و در که سر و دلیل که قسط و اندوه
 بود جعفر صادق صنی الله عنه گوید پنج در خواب پیشش جبه بود یکی روزی فراخ و دوم زندگانی سوم مال چهارم سرخ ارزان پنجم غم و اندوه ششم قسط و تکی
 ششم این سیرین روح گوید و درین ششم در خواب دلیل که زنی بی اصل بود و اگر بیند که انگشت پنجم داشت یا کسی بود یا دیاخ و دلیل که زنی بی اصل
 اگر زن دارد و دلیل که دارد و خرمی یابد و اگر بیند که ششم داشت و دلیل که از قبل بان خیر و منفعت است این که باریک و مبارک و مبارز و این سیرین روح گوید اگر
 بیند که مبارز بود و دلیل که در پادشاهی قوت و شوکت یابد و اگر عالمی بیند که اصل یکانه در بخت بود و دلیل که جزم غالب گردد و اگر بازگانی بیند که
 شد و دلیل که تجارت مال بسیار حاصل کند و اگر سپاهی بیند و دلیل که توانگر شود و مال بدقولی یا قیام الدین امنوا کذا و انسجدوا و اعتدلت
 و کجکم و انصاوا الخیر و کما کما و نقل و ان و اگر بیند که با کسی مبارزت کرد و بروی غالب آمد و دلیل که بر دشمن چیره گردد و اگر بیند که خضم بروی غالب
 آمد و دلیل که مخالفین بود و اگر بیند که با زنی مبارزت کرد و زن بروی غالب شد و دلیل که عاشق بود و دوزخ و تنگدرد و یوز را بر سرین روح گوید
 یوز در خواب دشمن بود و دشمنی بروی ظاهر گردد و اگر بیند که با یوز جنگ و نیز و میکرد و اگر یوز چیره شد و دلیل که بر دشمن ظفر بیاورد که تانیج گوید اگر
 که یوز را گرفت و دلیل که با دشمن صحبت کند و اگر بیند که یوزان وی بگریخت و دلیل که دشمن از وی بگریزد و اگر بیند که یوزان بسیار طبع او بود
 و دلیل که دشمنان او بودند و جابر مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوشت یوز میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن بسیار بود بعضی استعبار گفته اند
 اگر بیند که گوشت یوز را بخت و دلیل که در هیچ چیز نباشد و اگر بیند که یوز بگردن نهاد و میر و دلیل که با دشمن کشد و اگر بیند که یوزان در خانه
 او یا در موضعی بماند و دلیل که از سبب دشمنان مرخص و مضرت یابد بقدر آنکه دیده باشد و او را علم بالصفا و الیه الحج و المسابغ و الله
 اولاد و آخره او الصلوة علی نبی و آله و صحبه



CALL No. { ۱۳۵۵۳ } ACC. No. ۸۶۵۳

AUTHOR _____

TITLE _____ کامل التعبير یعنی خواب نام

Class No. ۱۳۵۵۲ Acc. No. ۸۶۵۳ Book No. ۲۵۵

Author _____

Title _____ کامل التعبير یعنی خواب نام

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date



MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

